

به نام خدا



فصلنامه

پژوهش‌های تجربی حسابداری "نشریه علمی"

سال چهاردهم، شماره ۵۴، زمستان ۱۴۰۳

این فصلنامه "نشریه علمی" طبق نامه شماره ۳/۱۸۱۶۵۵ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱۳ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از شماره سوم با درجه علمی - پژوهشی منتشر می‌شود.

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: سید علی حسینی

سر دبیر: علی رحمانی

عضو هیئت تحریریه	دانشگاه	درجه علمی	رشته
امید پورحیدری	دانشگاه شهید باهنر کرمان	استاد	حسابداری
حمید پورجلالی	دانشگاه هاوایی ایالات متحدہ امریکا	استاد	حسابداری
رضوان حجازی	دانشگاه الزهراء (س)	استاد	حسابداری
علی رحمانی	دانشگاه الزهراء (س)	استاد	حسابداری
ذبیح اله رضایی	دانشگاه ممفیس ایالات متحدہ امریکا	استاد	حسابداری
حسین سجادی	دانشگاه شهید بهشتی	استاد	حسابداری
غلامرضا سلیمانی امیری	دانشگاه الزهراء (س)	دانشیار	حسابداری
بیبا مشایخی	دانشگاه تهران	دانشیار	حسابداری
ساسان مهرانی	دانشگاه تهران	دانشیار	حسابداری
سعید همایون	دانشگاه گاول سوئد	دانشیار	حسابداری
حسن یزدی فر	دانشگاه سالفورد انگلستان	استاد	حسابداری

مدیر اجرایی: اعظم امیری خواه

ویراستار علمی و ادبی: نازنین بشیری منش

ویراستار انگلیسی: علی رضایی

صفحه آرا: مرضیه حسن زاده علی آبادی

چاپ و صحافی: کارگاه گرافیک رامتین

نشانی: تهران، میدان شیخ بهایی شمالی، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

کد پستی: ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

تلفن و نمابر: ۸۸۲۱۲۵۷۸

تارنما: <http://jera.alzahra.ac.ir>

رایانامه: jera@alzahra.ac.ir

این فصلنامه با همکاری انجمن حسابداری مدیریت ایران به چاپ می رسد.

خط مشی انتشار مجله

فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری نشریه‌ای علمی است که با رسالت توسعه دانش و پژوهش حسابداری در کشور، به انتشار مقاله‌های پژوهشی* در حوزه حسابداری مبادرت می‌کند. مقالات با رویکرد تجربی/آرشیوی، آزمایشی، بین رشته‌ای/انتقادی، بازارپایه، پیمایش و مدل سازی که از ویژگی اصالت و نوآوری برخوردار باشند، در اولویت بررسی و انتشار خواهند بود. مهم ترین حوزه‌های مورد تأکید برای انتشار مقاله‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱. پژوهش‌های تجربی حسابداری در بازار سرمایه و بازار پول
۲. پژوهش‌های تجربی در حسابرسی و اطمینان بخشی
۳. پژوهش‌های تجربی در گزارشگری مالی و راهبری شرکتی

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله‌ها

مقاله‌های ارسال شده پس از داوری تخصصی و در صورت تأیید هیئت تحریریه، به چاپ می‌رسد. از تمامی استادان و پژوهشگران گرامی که مقاله‌های خود را برای چاپ به این فصلنامه ارسال می‌کنند، تقاضا می‌شود، در تنظیم مقاله به موارد زیر توجه کنند.

۱. شکل مقاله

مقاله در محیط نرم‌افزاری Word 2007، در اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۴، پایین ۶/۵، چپ ۴/۵ و راست ۵ سانتی‌متر)، قلم فارسی متن Nazanin B با اندازه قلم: برای عنوان مقاله ۱۶ و برای نام نویسندگان ۱۲ به صورت پررنگ (Bold) و وسط چین؛ قلم فارسی متن Zar B با اندازه قلم: برای قسمت چکیده ۱۱، متن اصلی مقاله ۱۲، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، واژه‌های کلیدی ۱۰ و محتوای فارسی نگاره‌ها ۱۰؛ فاصله بین خطوط یک سانتی متر و تورفتگی ابتدای هر پاراگراف معادل ۰/۳ سانتی متر و ردیف شده (Justify)؛ قلم انگلیسی متن Times New Roman با اندازه قلم: برای عنوان انگلیسی (پررنگ) ۱۴، چکیده انگلیسی ۱۲، فرمول‌ها ۱۱ (چپ چین)، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، محتوای انگلیسی نگاره‌ها ۹، طبقه‌بندی موضوعی ۸؛ عناوین نگاره‌ها و شکلها ایتالیک و پررنگ (Bold)، دارای فاصله ۶ سانتی متر قبل و بعد از نگاره و شکل و به صورت وسط چین؛ حداکثر در ۱۸ صفحه (شامل منابع و ماخذ) و بدون شماره

گذاری صفحات، حروف چینی و فایل اصلی مقاله و فایل بدون نام نویسنده از طریق سامانه‌ی دریافت مقاله‌ها www.jera.ir ارسال شود. تا جایی که ممکن است، در متن مقاله از عکس استفاده نشود و در صورت استفاده، عکس با کیفیت بالا و سیاه و سفید باشد.

۲. ساختار مقاله

۲-۱. **صفحهٔ جلد مقاله:** این صفحه باید شامل موارد زیر باشد:

- عنوان کامل مقاله؛

- نام نویسنده یا نویسندگان (نام نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، با علامت ستاره مشخص شود)؛

- رتبهٔ علمی و نام مؤسسه یا دانشگاه یا محل اشتغال (به صورت فارسی و انگلیسی)، نشانی کامل نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، شامل: نشانی پستی، شمارهٔ تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیک (برای تمام نویسندگان)؛

- در ذکر نام نویسنده‌ها از القاب و عناوین استفاده نشود و فقط رتبهٔ علمی و محل خدمت درج شود.

۲-۲. **صفحهٔ اول مقاله:** عنوان و چکیدهٔ مقاله به زبان فارسی. چکیده در چهار پاراگراف شامل موضوع و هدف مقاله، روش پژوهش، یافته‌های پژوهش، و نتیجه‌گیری و اصالت و افزوده آن به دانش (در مجموع حداکثر ۱۶۵ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر پنج واژه) و کد طبقه‌بندی JEL باشد. این کدگذاری برای طبقه‌بندی موضوعی در ادبیات اقتصادی طراحی شده است و جزئیات نحوهٔ استفاده از آن در پایگاه اینترنتی:

< <http://www.aeaweb.org/jel/guide/jel.php> > قابل دسترسی است.

۲-۳. **صفحهٔ دوم تا انتهای مقاله:** این بخش باید در بردارندهٔ موارد زیر باشد:

- مقدمه (چند پاراگراف شامل بیان مسئله، مبانی نظری، هدف، اهمیت و ضرورت آن)؛

- مروری بر پیشینهٔ (صرفاً پژوهش‌های مرتبط و به ترتیب زمانی یا موضوعی بررسی شود و نتیجه آن در پایان این بخش استخراج ماتریس نظریه و یا مدل مفهومی یا تحلیلی باشد که متغیرهای پژوهش را مستند می‌سازد و تدوین فرضیه‌های پژوهش؛

- روش پژوهش (شامل: روش پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، فنون تجزیه و تحلیل و مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف متغیرهای مورد مطالعه و تعریف عملیاتی آن‌ها (می‌تواند در همان

بخش مدل‌های آزمون فرضیه ارائه شود و در این صورت نیازی به تکرار ندارد، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)؛

- یافته‌های پژوهش (شامل: ارائه یافته‌ها، مقایسه آن با یافته‌های پژوهش‌های مذکور در پیشینه و تفسیر انطباق یا ناسازگاری یافته‌ها با پژوهش‌ها و نظریه‌ها)؛

- نتیجه‌گیری (شامل: خلاصه مسئله، ارائه خلاصه نتایج و نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهادها بر مبنای نتایج (توصیه‌های سیاستی صرفاً در تحقیقات کاربردی ضرورت دارد)، و در صورت لزوم پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی با توجه به محدودیت‌های پژوهش یا چگونگی توسعه پژوهش حاضر)؛

- فهرست منابع.

- چکیده انگلیسی (که باید ترجمه مفهوم و روانی از چکیده فارسی باشد).

۳. ارجاع‌های درون‌متنی

به منظور ارجاع‌ها در متن مقاله از روش APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که:

- نام خانوادگی نویسنده همراه با سال انتشار آن در متن به صورت فارسی ارائه می‌شود و نیازی به ذکر معادل انگلیسی اسامی در پی‌نوشت نمی‌باشد. چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود از ویرگول (،) و چنانچه تعداد منابع مورد استناد بیش از یک عدد بود از نقطه ویرگول (؛) به منظور جدا سازی استفاده شود.

- هر منبعی که در متن مقاله به آن اشاره می‌شود، باید اطلاعات کامل آن در فهرست منابع درج شود و به غیر از این منابع، منبع دیگری در فهرست منابع و ماخذ درج نشود.

در صورت نیاز به توضیحات لازم درباره اصطلاح‌ها و یا ذکر معادل‌های انگلیسی واژه‌های درون‌متنی (به غیر از اسامی نویسندگان)، از پی‌نوشت استفاده شود. در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود، مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها.

۴. فهرست منابع

برای تنظیم فهرست منابع، از روش ارجاع APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا و بر اساس نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر ذکر و شماره گذاری می‌شود:

- ۴-۱. **کتاب:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (سال انتشار). (نقطه و یک فاصله) نام کتاب با حروف ایتالیک، (ویرگول و یک فاصله) نام مترجم، (ویرگول و یک فاصله) محل انتشار (دو نقطه و یک فاصله) نام انتشارات. (نقطه)
- ۴-۲. **مقاله:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیک، دوره (شماره) با حروف ایتالیک، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه)
- ۴-۳. **مقالات برخط:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیک، دوره (شماره) با حروف ایتالیک، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه و یک فاصله) دریافت شده از (دو نقطه و یک فاصله) آدرس سایت
- ۴-۳. **گزارش‌ها و سایر منابع:** در این باره نیز اطلاعات کافی و کامل ارائه شود.

-در فهرست منابع چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود، اسامی آن‌ها با استفاده از نقطه و ویرگول (!) جدا شود.

- فهرست منابع نیازمند شماره گذاری نمی‌باشد. چنانچه بیش از یک عنوان از یک یا چند نویسنده مورد استناد قرار گرفته باشد، علاوه بر رعایت ترتیب حروف الفبا، ترتیب سال انتشار نیز رعایت شود؛ به این صورت که کتاب یا مقاله‌ای که زودتر (قدیمی تر) انتشار یافته است، در فهرست زودتر درج می‌شود. به منظور جلوگیری از بروز اشتباه بین منابع مختلف درج شده در فهرست، شروع هر منبع بدون تورفتگی یا بیرون زدگی خواهد بود و چنانچه عبارت طولانی شد، ادامه با تورفتگی (با استفاده از تکنیک Hanging) ۵/۰ سانتی متر می‌باشد.

۵. شکلها، نگاره‌ها و فرمول‌ها

عنوان شکلها در زیر و عنوان نگاره‌ها در بالای آن‌ها درج شود. بهتر است شکلها و نگاره‌ها، در داخل متن و پس از جایی که به آنها اشاره شده، درج شوند. برای شماره گذاری از شماره ۱ (عددی و داخل پرانتز، مانند نگاره (۱)) تا... استفاده شود. داخل نگاره‌ها باید به فارسی نوشته شود و در شرایط استفاده ممیز، از به کار بردن نقطه به جای ممیز خودداری گردد؛ در صورت ضرورت ضمن درج عنوان فارسی متغیرها، یک ستون می‌تواند به نمادهای مورد استفاده برای متغیر به زبان انگلیسی به گونه‌ای که در معادله‌ها و مدل‌ها استفاده شده اختصاص یابد. عناوین ستون‌ها در نگاره‌ها، به صورت وسط چین بوده و سطر اول هر نگاره که شامل عناوین

ستون‌هاست با رنگ طوسی و درجه روشنی ۲ نمایش داده شود. برای اشاره به محتوای نگاره‌ها و شکلها در متن، می‌بایست با استفاده از شماره آن‌ها، ارجاع مناسب صورت گیرد. فرمول‌ها نیز در نگاره‌هایی دو ستونی به صورت خطوط نامرئی (No Border) ارائه و به صورت مدل (۱) (عددی و داخل پرانتز) تا... شماره گذاری شوند.

۶. پی‌نوشت‌ها

اصطلاحات انگلیسی و برخی توضیحات لازم در پی‌نوشت در همان صفحه ارائه شود. شماره گذاری پی‌نوشت‌ها با تکنیک راه‌اندازی مجدد در هر صفحه، در ورد درج شود.

فهرست مطالب

صفحه	نویسنده	عنوان
۱-۳۰	حمیدرضا رضائی مهدی مرادی محمدعلی باقرپور و لاشانی مهدی جباری نوقایی	معیارهای سنجش کیفیت حسابرسی از دیدگاه استفاده‌کنندگان
۳۱-۴۸	محمدحسین ستایش الیاس دهداری مینا صادقی یونس مسعودی	تأثیر شایستگی‌های هوش هیجانی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی
۴۹-۷۲	سعد سبح صالح داریوش فروغی سیدعباس هاشمی	تأثیر چرخه عمر شرکت بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌گر عدم تقارن اطلاعاتی
۷۳-۹۸	سیف‌الدین صفوک رشید مهدی حیدری غلامرضا منصورفر	اثر میانجی و بیمه‌مانند محافظه‌کاری حسابداری در رابطه بین شهرت و ارزش شرکت
۹۹-۱۲۲	منا پارسایی فرشته سادات محمدی جعفر بابازاده هشین	استراتژی تنوع درآمد و عملکرد بازار: نقش تعدیل‌کننده افشای اختیاری اطلاعات در صنعت بانکداری ایران
۱۲۳-۱۴۸	محمدرضا شفیعی رونیزی مجتبی صفی‌پور افشار احمد خدای‌پور	عدم قطعیت اقتصادی مرتبط با آینده و محافظه‌کاری حسابداری
۱۴۹-۱۸۴	سحر یوسفی‌زاده حسین فخاری	ویژگی‌های شرکتی تعیین‌کننده گزارشگری پایداری
۱۸۵-۲۰۸	پیمان امینی عباس افلاطونی محمد کریمی کهوند	جریان وجوه نقد بر انگیزه‌های احتیاطی نگهداشت وجه نقد: نقش تعدیل‌گر همه‌گیری کووید ۱۹
۲۰۹-۲۲۶	حسین اسماعیل‌خانی محمود معین‌الدین فروغ جیرانی	مقایسه تأثیر روش‌های تدریس معکوس و کواتنومی با روش سنتی بر عملکرد دانشجویان درس اصول حسابداری (۱)
۲۲۷-۲۸۰	مهدی قرائی‌پور محمدرضا عبدلی مریم شهری حسن ولیان	رویکرد پدیدارشناسی پارادایم‌های تحول‌گرایی ساختاری در حرفه حسابداری: برآیندی از مشروعیت حرفه حسابداری

Audit Quality Measurement Criteria from the Users' Point of View¹

Hamidreza Rezaei², Mahdi Moradi³, Mohammad Ali
Bagherpour Valashani⁴, Mehdi Jabbari Nooghabi⁵

Received: 2024/03/15

Accepted: 2024/09/10

Research Paper

Abstract

Due to different definitions and views of audit quality, different criteria are used to measure it, and most of the criteria used refer to one of the dimensions of audit quality and may have errors. In this research, the measurable and accessible criteria for assessing audit quality from the users' point of view have been identified. In order to achieve the goal of the research, 18 members of public accountants, financial managers, investors, and bank facility managers were interviewed, and the foundation data method and thematic analysis were used to collect, classify and analyze the collected data. Interviews, criteria were classified into four main categories of platforms (characteristics of the owner's company), input factors (characteristics of the audit firm), processes and results. The number of main categories presented for the desired classifications was presented in total 8 categories and 67 sub-categories and measurable indicators were proposed for the main categories. Also, after presenting the main, sub-categories and indicators, the impact of each indicator on audit quality was also presented by the interviewees. Most of the interviewees talked about the impact of the characteristics of the employer's environment on the quality of the audit, which unfortunately has been neglected to measure the quality of the audit. Also, the indicators proposed by the interviewees, unlike most of the indicators proposed in the researches of this field, were specific to each audit work and change with the change of the company without changing the audit and are no longer specific to the characteristics of the auditor and with the information available to most users. It can be measured.

Keyword: Audit Quality, Audit Quality Indicators, Foundation Data Method and Thematic Analysis.

JEL Classification: M42.

1. doi: 10.22051/jera.2024.46713.3222

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. (hr.rezaei@mail.um.ac.ir).

3. Professor, Department of Accounting, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author). (mhd_moradi@um.ac.ir).

4. Associate Professor, Department of Accounting, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. (bagherpour@um.ac.ir).

5. Associate Professor, Department of Statistics, Faculty of Mathematical Sciences, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. (jabbarinm@um.ac.ir).

معیارهای سنجش کیفیت حسابرسی از دیدگاه استفاده‌کنندگان^۱

حمیدرضا رضائی^۲، مهدی مرادی^۳، محمدعلی باقرپور ولاشانی^۴،

مهدی جباری نوقایی^۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۰

مقاله پژوهشی

چکیده

به دلیل تعاریف و دیدگاه‌های مختلف کیفیت حسابرسی، معیارهای متفاوتی نیز برای سنجش آن مورد استفاده قرار می‌گیرد که اکثر معیارهای مورد استفاده به یکی از ابعاد کیفیت حسابرسی اشاره می‌کند و ممکن است دچار خطا شود. در این پژوهش به شناسایی معیارهای قابل اندازه‌گیری و در دسترس سنجش کیفیت حسابرسی از دیدگاه استفاده‌کنندگان پرداخته شده است. به منظور دستیابی به هدف پژوهش ۱۸ نفر از حسابداران رسمی عضو جامعه، مدیران مالی، سرمایه‌گذاران و مسئولان تسهیلات بانک‌ها مورد مصاحبه قرار گرفتند و جهت گردآوری، طبقه‌بندی و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از روش داده‌بنیاد و تحلیل تماتیک استفاده شد. پس از انجام مصاحبه‌ها، معیارها در چهار دسته اصلی شاخص‌های تقاضا برای کار حسابرسی - ویژگی‌های شرکت صاحبکار، عوامل ورودی - ویژگی‌های موسسه حسابرسی، فرآیند اجرای حسابرسی و نتایج - گزارش حسابرسی طبقه‌بندی شد. تعداد مقوله‌های اصلی ارائه شده برای طبقه‌بندی‌های مورد نظر جمعا ۸ مقوله ارائه شد و برای مقوله‌های اصلی 64 مقوله فرعی و شاخص قابل اندازه‌گیری مطرح شد. همچنین، پس از ارائه مقوله‌های اصلی، فرعی و شاخص‌ها، جهت تاثیر هر شاخص بر کیفیت حسابرسی نیز توسط مصاحبه‌شوندگان ارائه شد. اکثر مصاحبه‌شوندگان از تاثیر ویژگی‌های محیط صاحبکار بر کیفیت حسابرسی صحبت کردند که متاسفانه این ویژگی‌ها برای سنجش کیفیت حسابرسی مغفول مانده است. همچنین شاخص‌های مطرح شده توسط مصاحبه‌شوندگان، بر خلاف اکثر شاخص‌های مطرح شده در پژوهش‌های این حوزه، خاص هر کار حسابرسی بود و با تغییر شرکت صاحبکار بدون تغییر حسابرسی نیز تغییر می‌کند و دیگر تنها مختص به ویژگی‌های حسابرسی نمی‌باشد و با اطلاعات در دسترس اکثر استفاده‌کنندگان نیز قابل اندازه‌گیری می‌باشد. لازم به ذکر است از دید مصاحبه‌شوندگان هیچ کدام از معیارها در ۴ طبقه قرار گرفته شده به تنهایی نمی‌تواند نشان دهنده کیفیت حسابرسی باشد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت حسابرسی، شاخص‌های کیفیت حسابرسی، روش داده‌بنیاد و تحلیل تماتیک.
طبقه‌بندی موضوعی: M42.

doi: 10.22051/jera.2024.46713.3222

۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. (hr.rezaei@mail.um.ac.ir)
 ۲. استاد، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) (mhd_moradi@um.ac.ir)
 ۳. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. (bagherpour@um.ac.ir)
 ۴. دانشیار، گروه آمار، دانشکده علوم ریاضی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. (jabbarinm@um.ac.ir)
- https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

رشد و توسعه بازار در کنار افزایش بی‌ثباتی آن و همچنین بحران‌های ایجاد شده ناشی از رسوایی‌های مالی اخیر، باعث اهمیت بیشتر تقاضا برای حسابرسی در اغلب نقاط دنیا در این سال‌ها شده است (زوریگات^۱، ۲۰۱۱) اظهار نظر حرفه‌ای و مستقل حساب‌برسان و نقش با اهمیت آن‌ها در کشف تقلب‌های مالی، پیش‌بینی احتمال ورشکستگی و بروز بحران‌های غیرمنتظره به اهمیت این حرفه نیز افزوده است (لیو و یانگ^۲، ۲۰۰۸) برای تحقق اهداف حسابرسی، انجام حسابرسی مستلزم وجود حساب‌برسانی با قابلیت برآورد و شناسایی ریسک تحریف عمده و انجام راهکارهایی جهت جلوگیری از آن می‌باشد. بر اساس این تعریف از هدف حسابرسی، کیفیت حسابرسی عبارت است از احتمال همزمان شناسایی یک تحریف عمده موجود توسط حساب‌برس و گزارش آن به استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی. این موضوع که چگونه اهداف حسابرسی تحقق می‌یابد و باعث افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود، همواره یکی از موارد قابل توجه در پژوهش‌های حسابرسی بوده است (ژیو^۳ و همکاران، ۲۰۲۰).

پژوهشگران خارجی معیارهای زیادی را جهت سنجش کیفیت حسابرسی در نظر گرفته‌اند. معیارهای خروجی مانند ارائه مجدد اقلام صورت‌های مالی، نوع گزارش حسابرسی، کیفیت گزارشگری مالی، ارائه خدمات غیر حسابرسی و معیارها ورودی شامل اندازه حساب‌برس، تخصص در صنعت، حق الزحمه حسابرسی، حق الزحمه غیرعادی، شهرت حسابرسی، دوره تصدی حساب‌برس و استقلال حساب‌برس، امضای زود هنگام، فرهنگ موسسه حسابرسی، استقلال کمیته حسابرسی، دانش و تجربه حساب‌برس است (دی‌فاوند و ژانگ^۴، ۲۰۱۴، القاتمین و صالح^۵، ۲۰۲۰، شاین^۶، ۲۰۱۷، سینگ^۷ و همکاران، ۲۰۲۱). در ایران نیز برای سنجش کیفیت حسابرسی از معیارهای مشابه مورد استفاده در پژوهش‌های خارجی استفاده شده است. اما با توجه به ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد در ایران از جمله فعال نبودن موسسات حسابرسی بین‌المللی، فعالیت همزمان حساب‌برسان دولتی، وابستگی شرکت‌ها به بخش دولتی، درصد قابل توجه اظهار نظرهای مشروط، مردود و عدم اظهار نظر، ویژگی‌های خاص شرکت‌ها، کوچک بودن

1. Zureigat
2. Liou and Yang
3. Zhiv
4. DeFond & Zhang
5. Al-Qatamin & Salleh
6. Schein
7. Singh

شرکت‌ها، اجباری بودن حسابرسی از طرف سازمان امور مالیاتی، تجدید ارائه فراوان صورت‌های مالی توسط شرکت‌ها، رقابت شدید در بازار حسابرسی بخش خصوصی و بازار انحصاری حسابرسان دولتی و مزاد قابل توجه در حق الزحمه حسابرسان دولتی به نسبت خصوصی، وجود این تمایزها احتمال خطا در معیارهای سنجش کیفیت حسابرسی را افزایش داده و در اغلب مواقع استفاده از معیارها بدون توجه به شرایط خاص حسابرسی در کشورمان و فقط با پیروی از پژوهش‌های مشابه خارجی انجام شده است. از طرفی دیگر در اکثر پژوهش‌های انجام شده در حوزه کیفیت حسابرسی، پژوهشگران تنها از یک شاخص برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی استفاده می‌کنند و شاخص‌های مورد استفاده نیز از دید استفاده‌کنندگان گزارش حسابرسی در ایران مورد تأیید قرار نگرفته است و ممکن است دارای خطا باشد. همچنین اکثر شاخص‌های مورد استفاده خاص هر کار حسابرسی نبوده و یک بعد فرآیند حسابرسی را اندازه‌گیری می‌کند. به عنوان مثلاً شاخص‌های ورودی کیفیت حسابرسی، تنها به ویژگی‌های حسابرس توجه می‌کند و فرآیند اجرا و ویژگی‌های محیطی و نتایج را مد نظر قرار نمی‌دهد و یا شاخص‌های خروجی تنها بر عوامل شرکت یا نوع گزارش توجه می‌کند و ویژگی‌های حسابرسان، فرآیند اجرا را نادیده می‌گیرد.

باتوجه به موارد مطرح شده، پرسش اصلی پژوهش این است که عوامل سنجش کیفیت حسابرسی از نظر استفاده‌کنندگان مختلف چیست؟ و پس از شناسایی عوامل سنجش، شاخص‌های اندازه‌گیری آن و جهت رابطه عوامل با کیفیت حسابرسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. اهمیت پژوهش حاضر این است که معیارهای قابل قبول کیفیت حسابرسی از نظر حسابرسان و استفاده‌کنندگان گزارش حسابرسی را ارائه می‌کند. همچنین به پژوهشگران، حسابرسان، استفاده‌کنندگان از گزارش حسابرسی، سرمایه‌گذاران، اساتید دانشگاه و دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در رشته حسابداری نشان می‌دهد که معیارهای کیفیت حسابرسی، شاخص‌های اندازه‌گیری آن و جهت رابطه شاخص‌های مطرح شده با کیفیت حسابرسی از دیدگاه حسابرسان و استفاده‌کنندگان از گزارش حسابرسی در ایران چگونه است. در این پژوهش پس از بررسی مبانی نظری پژوهش در ارتباط با کیفیت حسابرسی و چارچوب مفهومی آن، به عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی پرداخته شده و روش‌شناسی پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز بیان می‌شود و در انتها نتیجه‌گیری و پیشنهادهای کاربردی آورده شده است.

مبانی نظری پژوهش

الف - کیفیت حسابرسی

برای کلمه کیفیت تعریف استاندارد و یکسانی وجود ندارد و به همین دلیل در ابتدا باید آن را تعریف کرد و نسبت به تعریف آن به یک دیدگاه مشترک دست پیدا نمود و بعد از آن نسبت به سنجش آن اقدام کرد. مفهوم کلی از کیفیت که به اذهان متبادر می‌شود شامل اندازه مناسب در مصرف و یا اجتماع خصوصیات و ویژگی‌هایی است که منجر به ایجاد مطلوبیت شده و نیازها را برطرف می‌کند (فیلین^۱ و همکاران، ۲۰۰۸). محققان، پژوهشگران، حساب‌رسان و سایر ذینفعانی که از صورت‌های مالی استفاده می‌کنند، معانی متفاوتی از واژه کیفیت حسابرسی دارند. متخصصان اغلب کیفیت حسابرسی را نسبت به میزان انطباق حسابرسی با استانداردهای حسابرسی قابل اجرا تعریف می‌کنند (کریشنان و شاور^۲، ۲۰۰۰). از دید استفاده‌کنندگان زمانی حسابرسی با کیفیت می‌باشد که از عدم وجود هرگونه اشتباه و تقلب در صورت‌های مالی اطلاع دهد (چن^۳ و همکاران، ۲۰۰۵). در تعریفی عملیاتی و قابل اندازه‌گیری، کریشنان^۴ (۲۰۰۰)، اجرای عملیات حسابرسی در انطباق با استانداردهای حسابرسی را کیفیت حسابرسی می‌داند. تعریفی که دی‌آنجلو^۵ (۱۹۸۱) از کیفیت حسابرسی نموده و در حال حاضر مشهورترین تعریفی است که مورد استفاده قرار می‌گیرد: "برآورد بازار از توانایی حسابرس در شناسایی تحریفات مهم و گزارش آن". ایشان در این تعریف حسابرسی که موارد نادرست را کشف و گزارش نماید، به معنای واقعی حسابرس مستقل می‌داند؛ بنابراین کیفیت حسابرسی در این تعریف، افزایش توانایی حسابرسی در کشف تحریفات حسابداری و ارزیابی توانایی و استقلال حسابرس توسط بازار است. فرض اساسی دی‌آنجلو این می‌باشد که بازار، درک کاملی از کیفیت واقعی حسابرسی دارد. بر اساس تعریف دی‌آنجلو کیفیت حسابرسی از دو احتمال تشکیل شده است. اول کشف نقص سیستم حسابداری صاحب کار توسط حسابرس، و دوم گزارش نقص موجود در آن. کشف نقص، نشان‌دهنده دانش و توانایی حسابرس بوده و آن را در قالب کیفیت حسابرسی اندازه‌گیری می‌کند، با این وجود گزارش نقص کشف

1. Felen
2. Krishnan and Shawar
3. Chen
4. Krishnan
5. De Anglo

شده بستگی به انگیزه‌های حسابرس برای افشاگری دارد. نادرستی گزارش‌های مالی نشانه‌ای از کیفیت حسابرسی پایین است.

ب- مدل‌های کیفیت حسابرسی

۱- مدل ارائه شده توسط شورای گزارشگری مالی^۱

انجمن گزارشگری مالی بریتانیا (۲۰۰۸)، اولین چارچوب برای کیفیت حسابرسی را توسط پنج عامل کلیدی به شرح زیر بیان کردند: فرهنگ محیطی و سازمانی موسسه حسابرسی، مهارت، تجارب و ویژگی‌های مخصوص شرکا و کارکنان موسسه حسابرسی، اثربخشی عملیات حسابرسی، قابلیت اتکا و مفید بودن گزارش حسابرس و عوامل خارج از کنترل حسابرسان هستند. این انجمن همچنین بیان کردند که نقش مکانیزم‌های راهبری شرکت مانند کمیته‌های حسابرسی و الزامات قانون‌گذاری به بهبود کیفیت حسابرسی کمک می‌کند.

۲- چارچوب هیات استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و اطمینان بخشی^۲:

هیات استانداردهای بین‌المللی حسابرسی (۲۰۱۴) چارچوب خود را بر حسب ورودی‌ها، فرآیندها و خروجی‌ها را در سطوح زیر طبقه‌بندی نموده است:

- در سطح هر یک از قراردادهای کار حسابرسی
- در سطح هر یک از موسسات حسابرسی و در نتیجه، به طور غیرمستقیم به تمام کارها و عملیات حسابرسی صورت گرفته در آن موسسه حسابرسی انجام می‌دهد.
- در سطح ملی (ناحیه) و در نتیجه، تمام موسسات حسابرسی فعال در آن کشور را در بر گرفته و به حسابرسی‌هایی که انجام می‌دهند مرتبط می‌شود.

۳- چارچوب هیات نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام^۳:

این چارچوب، در برگیرنده سه بخش اصلی یعنی ورودی‌های حسابرسی، فرآیندها و نتایج بوده است. آن‌ها معتقدند که این سه بخش شهودی می‌باشند و به صورت مفهومی هم راستا با عمده کارهای صورت گرفته در خصوص کیفیت حسابرسی توسط سایر سازمان‌ها می‌باشد.

1. Financial Reporting Council (FRC)
2. International Auditing and Assurance Standards Board (IAASB)
3. Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB)

ورودی‌های حسابرسی: تجربه حرفه‌ای، آموزش مستمر، بررسی و سرپرستی، حجم کار شرکاء، حجم کار کارکنان و گروه یا گروه‌های حسابرسی.

فرآیند حسابرسی: برقراری استقلال، بی طرفی و تردید حرفه‌ای در سطح بالای سازمان، ارزیابی ریسک و واکنش به آن، اطلاعات و ارتباطات، نظارت، فعالیت‌های کنترلی و مدیریت کارکنان.

نتایج حسابرسی: قابلیت اتکای صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه آن، اطمینان‌دهی در خصوص کنترل‌های داخلی، هشدار در مورد موضوعات تداوم فعالیت، ارتباطات مناسب با کمیته حسابرسی.

ج- عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی

۱- حق الزحمه حسابرسی

دریافت حق الزحمه کمتر به شدت بر هنجارها و شیوه‌های حسابرسی تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، حق الزحمه کم، به احتمال زیاد خطر تبانی بین موسسه حسابرسی و مشتری را افزایش می‌دهد، زیرا موسسه حسابرس و مشتری، هر دو از عرف هزینه‌های حسابرسی آگاه بودند و آن را نقض کردند. حق الزحمه حسابرسی غیرعادی نیز بر کیفیت حسابرسی تأثیر منفی می‌گذارد. در شرایط خاص، مشتریان تمایل به پرداخت هزینه حسابرسی بالاتر از متوسط و بالاتر از بازار را به موسسه حسابرسی دارند. این اتفاق زمانی بوجود می‌آید که مشتری درخواست اظهارنظر مقبول حسابرسی را دارد و چیزی برای پنهان کردن از چشم عموم مردم، سرمایه‌گذاران و سهامداران خود را دارد و این اتفاق کیفیت حسابرسی صورت‌های مالی آنها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد (استنلی^۱، ۲۰۱۰).

۲- شهرت حسابرسی

این ویژگی باعث می‌شود حسابرس هنگام عقد قرارداد جدید، در کانون توجه مشتریان قرار بگیرد (کرونبرگر و پلیتسچ^۲، ۲۰۱۷). شهرت در برگیرنده چندین حوزه یعنی اندازه موسسه حسابرسی، تخصص صنعت و سایر محرک‌های ارزش، از جمله فناوری حسابرسی، تلاش‌های برندسازی و مدیریت منابع انسانی است. شهرت حسابرس یکی از ویژگی‌های تعیین‌کننده

1. Stanley

2. Kronenberger & Plietzsch

عینی بودن او را افزایش می‌دهد. این بدان معناست که حسابرس به احتمال زیاد نقض کشف شده را گزارش نخواهد کرد (دی آنجلو، ۱۹۸۱). استقلال نداشتن حسابرس منجر به کیفیت حسابرسی ضعیف می‌شود و امکان مدیریت بیشتر سود و کیفیت پایین تر سود را فراهم می‌کند (آکولی^۱، ۲۰۱۴).

۵- دانش و تجربه حسابرس

مدت زمان کار یک حسابرس و تجربه باعث افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود. صلاحیت حرفه‌ای حسابرس عبارت است از توانایی حسابرس برای به کارگیری دانش و تجربه‌ای که در حسابرسی دارد به طوری که حسابرس بتواند حسابرسی را با دقت، دقیق و عینی انجام دهد (کارولیتا و راهاردجو^۲، ۲۰۱۲). هر چه سطح شایستگی بالاتر باشد، کیفیت حسابرسی بیشتر است (سکریا^۳ و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین کیفیت اظهارنظر حسابرسی تحت تاثیر پنج مقوله صوری، شمول نظرات، کمیت، انطباق‌پذیری و بندهای خاص و همچنین پیشینه رفتاری تحت تاثیر مولفه‌های اخلاقی، شخصیتی، همکاری و نگرش است (حمصیان کاشانی و حاجیها، ۱۴۰۲).

۶- دوره تصدی حسابرس

دوره تصدی حسابرس بر کیفیت کار حسابرسان تأثیر می‌گذارد و در نتیجه دوره تصدی حسابرس بر شایستگی و استقلال حسابرسان تأثیر می‌گذارد. بنابراین دوره تصدی حسابرس بر شایستگی و استقلال حسابرس و در نتیجه بر کیفیت کار حسابرسان تأثیر دارد (جانسون^۴ و همکاران، ۲۰۰۲). هر چه دوره تصدی حسابرسی طولانی‌تر باشد، به دلیل افزایش تجربه حسابرس، کیفیت حسابرسی افزایش یافته ولی از طرفی به دلیل مدت زمان رابطه مشتری با حسابرس ممکن است استقلال حسابرس تحت تاثیر قرار گیرد و کیفیت حسابرسی کاهش یابد (مسکولین و همکاران، ۲۰۲۲). سان^۵ و همکاران (۲۰۲۰) استدلال کرد که هر چه حسابرس مدت بیشتری اظهارنظر حسابرسی خود را برای

1. Okolie
2. Carolita and Rahardjo
3. Sukriah
4. Johnson
5. Sun

یک شرکت ارائه کند، کیفیت حسابرسی پایین‌تر خواهد بود، زیرا حساب‌برسان با چالش‌هایی مواجه نمی‌شوند و کمتر نوآور هستند و بدینی حرفه‌ای ندارند.

۷- استقلال کمیته حسابرسی

استقلال کمیته حسابرسی به عنوان مهم‌ترین عامل برای اطمینان از اثربخشی کلی کمیته حسابرسی می‌باشد و منجر به نظارت بهتر بر رویه‌های گزارشگری مالی شرکت می‌شود (سالوم^۱ و همکاران، ۲۰۱۴). در صورتی که اعضای کمیته حسابرسی دارای سهام باشند، ممکن است به استقلال و عینیت آن‌ها لطمه بزند و آنها را ترغیب کند که مشارکت شرکت را در مدیریت سود برای ارائه نتایج سودآورتر افزایش دهند (الحضرمی^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). بنابراین هر چه تعداد سهام کمیته حسابرسی بیشتر باشد، کمیته کمتر به طور مستقل عمل خواهد کرد. این تأثیر برای شرکت‌هایی که مشکلات مالی را تجربه می‌کنند، آشکارتر است، زیرا شرکت‌هایی که موارد بیشتری از گزارشگری مالی متقلبانه دارند، تمایل دارند کمیته‌های حسابرسی و هیئت مدیره با مدیران مستقل کمتری داشته باشند (فیسل^۳ و همکاران، ۲۰۲۱).

۸- تخصص حسابرس در صنعت

بخش بزرگی از تحقیقات حسابرسی بررسی می‌کند که چگونه تخصص صنعت حسابرس بر کیفیت حسابرسی تأثیر می‌گذارد (لنوکس و وو^۴، ۲۰۲۲). حساب‌برسانی که در یک صنعت تخصص بیشتری دارند، حسابرسی با کیفیت بالاتری را به مشتریان آن صنعت ارائه می‌دهند، زیرا این حساب‌برسان شایستگی‌های بیشتر و انگیزه‌های شهرت قوی‌تری دارند. در حالی که بیشتر مطالعات در این زمینه این استدلال را در سطح مؤسسه حسابرسی یا کار حسابرسی بیان می‌کنند، برخی از مطالعات آن را به سطح شریک حسابرسی نیز تعمیم می‌دهند (لنوکس و وو، ۲۰۱۸).

۹- ارائه مجدد اقلام صورت‌های مالی

اقلام تجدید ارائه شده به منظور اصلاح اشتباهات و تحریف‌های با اهمیت در سیستم حسابداری شرکت شناسایی می‌شوند. به باور لنوکس و پیتمن^۵ (۲۰۱۰) تجدید ارائه اقلام

1. Salloum
2. Al-hadrami
3. Faysal
4. Lennox & wu
5. Lennox & Pitman

می‌تواند همراه با ارائه شواهدی مستحکم از کیفیت حسابرسی بالا، معیاری از کیفیت فرآیند خدمات حسابرسی را معرفی کند. در عین حال در صورت نبود اقلام تجدید ارائه شده، به معنی کیفیت حسابرسی پایین نیست.

۱۰- معیارهای کیفیت گزارشگری مالی

کیفیت حسابرسی با کیفیت گزارشگری مالی ارتباط مستقیم دارد. زیرا، کیفیت حسابرسی بالاتر اعتبار بیشتری به صورتهای مالی می‌بخشد. دی فاند و ژانگ (۲۰۱۴) بیان می‌کنند که معیارهای کیفیت گزارشگری مالی مبتنی بر این فرض هستند که کیفیت اجرای حسابرسی رفتارهای فرصت طلبانه مدیران را در خصوص دستکاری و گزارش سود محدود می‌کند و می‌تواند معیاری برای کیفیت حسابرسی باشند.

پژوهش‌های خارجی زیادی مانند کاتاناک^۱ (۱۹۹۹)، داف^۲ (۲۰۰۴ و ۲۰۰۹)، نکل و همکاران (۲۰۱۳) هی و همکاران (۲۰۱۴) و دی فاند و ژانگ (۲۰۱۴) و غیره در جهت عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی انجام شده است اما شرایط خاص ایران مانند فعال نبودن موسسات حسابرسی بزرگ و بین‌المللی، فعالیت همزمان موسسات خصوصی و دولتی، تعداد زیاد موسسات حسابرسی کوچک، رقابت شدید بین موسسات حسابرسی خصوصی و بازار انحصاری حسابرسی دولتی، نوپا بودن جامعه حسابداران رسمی و نظارت حرفه‌ای، تقاضای پایین برای کیفیت حسابرسی، الزام قانونی برای انجام حسابرسی، ریسک پایین دعاوی حقوقی، باعث شده است که پژوهشگران داخلی بدون توجه به شرایط محیطی بازار حسابرسی و به پیروی از پژوهش‌های مشابه خارجی در به کارگیری معیارهای سنجش کیفیت حسابرسی دچار خطا شوند و در برخی مواقع از معیارهای نادرست استفاده کنند. البته در ایران هم پژوهش‌هایی در ارتباط با کیفیت حسابرسی مانند مجتهدزاده و همکاران (۱۳۸۳)، جعفری (۱۳۸۵)، مشایخی و همکاران (۱۳۹۲)، محمدرضایی و فرجی (۱۳۹۸) و غیره وجود دارد. اما در پژوهش حاضر سعی شده است کیفیت حسابرسی را خاص هر کار حسابرسی در نظر بگیرد. به عبارت دیگر هر موسسه حسابرسی بدون در نظر گرفتن رتبه‌ای که دارد می‌تواند هم کار با کیفیت و هم کار دارای کیفیت پایین‌تری داشته باشد در صورتی که در پژوهش‌های انجام شده این مهم در نظر گرفته

1. Catanach

2. Duff

نشده است. به عبارت دیگر نمی‌توان برای محاسبه کیفیت حسابرسی صرفاً به ویژگی‌های حسابرِس و موسسه توجه کرد و باید کلیه عوامل و شرایط محیطی را در نظر گرفت. دغدغه‌های بازار و استفاده‌کنندگان از گزارش حسابرسی جهت اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی گزارش‌های صادر شده از یک طرف و شاخص‌های کیفی و غیرقابل سنجش مطرح شده در پژوهش‌های انجام شده برای اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی از طرف دیگر باعث شد که پژوهش حاضر انجام شود. توجه به موارد فوق و کاربردی بودن آن برای استفاده‌کنندگان با توجه به شرایط محیطی و دسترسی به اطلاعات در ایران از مهمترین ویژگی‌های پژوهش می‌باشد و قابل اندازه‌گیری بودن معیارها و قابل استفاده بودن آن‌ها در عمل در کنار چک لیست کاملی از شاخص‌های مطرح شده برای کیفیت حسابرسی از نوآوری این پژوهش می‌باشد. بنابراین با توجه به مبانی نظری و معیارهای مطرح شده کیفیت حسابرسی، سوال اصلی پژوهش به شرح ذیل عنوان شده است:

✓ عوامل سنجش کیفیت حسابرسی از نظر استفاده‌کنندگان مختلف چیست؟

در پژوهش حاضر از مصاحبه شونده‌گان درخواست شده است که علاوه بر شناسایی عوامل سنجش کیفیت حسابرسی، شاخص‌های مورد نظر برای اندازه‌گیری عوامل مطرح شده را با استفاده از اطلاعات در دسترس مانند ویژگی‌های شرکت صاحبکار، ویژگی‌های موسسه حسابرسی، فرآیند حسابرسی، گزارش حسابرسی و صورت‌های مالی شرکت و جستجوی اینترنتی و یا هر معیاری که برای آن‌ها اهمیت دارد تا در مورد کیفیت گزارش حسابرسی، قضاوت بهتری داشته باشد را بیان کند. به عبارت دیگر در این پژوهش سعی شده است از شاخص‌های کیفی و غیرقابل اندازه‌گیری پرهیز شود. این مهم باعث شد تا دغدغه اندازه‌گیری موارد مطرح شده توسط استفاده‌کنندگان و غیرکاربردی بودن و یا غیرقابل اندازه‌گیری بودن عوامل شناسایی شده که در سایر پژوهش‌ها نادیده گرفته شده بود نیز تا حدودی بر طرف شود. بنابراین در ادامه شناسایی عوامل سنجش کیفیت حسابرسی از مصاحبه‌شونده‌گان درخواست شد که شاخص‌های اندازه‌گیری برای عوامل مطرح شده بیان شود و نیز جهت تاثیر شاخص‌ها بر کیفیت حسابرسی مورد بررسی قرار گیرد که این بررسی این موارد نیز از نوآوری پژوهش و متفاوت بودن این پژوهش با سایر پژوهش‌های انجام شده در ایران می‌باشد. بنابراین دو سوال دیگر نیز به شرح زیر مطرح شد:

✓ شاخص‌های اندازه‌گیری عوامل مطرح شده کیفیت حسابرسی را بیان کنند؟

✓ تاثیر شاخص‌های اندازه‌گیری مطرح شده بر کیفیت حسابرسی چگونه است؟

روش‌شناسی

۱- روش پژوهش و نحوه گردآوری اطلاعات

در این پژوهش از روش پژوهش کیفی نظریه داده بنیاد^۱ استفاده می‌گردد. با توجه به اهداف ذکر شده، این پژوهش به دنبال آن است تا با به کارگیری نظریه داده بنیاد، فهم و آگاهی مناسبی از ادراکات و بینش‌های خبرگان حسابرسی، مدیران مالی، سرمایه‌گذاران حرفه‌ای و مدیران تسهیلات بانک‌ها در مورد شاخص‌های قابل اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی را ارائه نماید. گردآوری داده‌ها در این روش استفاده از انواع مصاحبه است و اطلاعات به صورت شفاهی، جزئی و کامل جمع‌آوری می‌شوند و به همین لحاظ است که در این پژوهش مصاحبه با خبرگان مورد استفاده قرار خواهد گرفت. در این رویکرد پژوهشگر بدون تصورات از پیش پنداشته شده یا مدل یا الگوهای از پیش ساخته شده به واقعیت رجوع. در این پژوهش از گروه‌های کانونی قبل از پژوهش، مصاحبه‌های زمینه‌ای صورت پذیرفته است. برای این منظور از خبرگان حسابرسی باتجربه، مدیران مالی و مدیران تسهیلات بانک‌ها دعوت به عمل آمده است. از مصاحبه‌شوندگان درخواست شد تمام معیارهای ذهنی و مدنظر خود را برای سنجش کیفیت حسابرسی با استفاده از گزارش حسابرسی، صورت‌های مالی و در صورت نیاز جستجوی اینترنتی و اطلاعات شرکت صاحبکار بیان کنند. به عبارت دیگر از آنها خواسته شد که معیارهایی را بیان کنند که به نظرشان در سنجش کیفیت حسابرسی تاثیر دارد و می‌تواند خودشان بدون استفاده از اطلاعات محرمانه شرکت به آن دستیابی داشته باشند. به عبارت دیگر ابتدا یک پرسش باز و اصلی در ابتدای مصاحبه پرسیده شده است به این صورت که اگر یک گزارش حسابرسی به همراه صورت‌های مالی آن شرکت و اطلاعات قابل دسترس از شرکت و موسسه حسابرسی توسط جستجو در اینترنت در دسترس شما قرار گیرد با توجه به چه شاخص‌هایی می‌تواند به با کیفیت بودن گزارش حسابرسی و درجه کیفیت گزارش پی ببرید؟ با پرسیدن این پرسش اساسی در ابتدای مصاحبه، پاسخ‌دهندگان عمیقاً در موضوع مورد مطالعه غرق شده و در یک بستر عملی و باتجربه خود و با توجه به اطلاعات در دسترس به سوال پژوهش پاسخ دادند. شایان ذکر است پرسشها به گونه‌ای طراحی گردیده است تا عمدتاً بر تجارب پاسخ‌دهندگان تمرکز گردد نه صرفاً بر عقاید ذهنی ایشان و به همین دلیل باید از روش داده بنیاد استفاده کرد تا عوامل مدنظر

استفاده کنندگان در عمل و باتوجه به اطلاعات درد دسترس را شناسایی کرد. لازم به ذکر است معیارهای شناسایی شده در پژوهش‌هایی که در شرایط خاص ایران تاکنون بررسی شده است یا فقط یک بعد از کیفیت حسابرسی را اندازه‌گیری نموده و بیشتر کیفیت موسسه حسابرسی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد نه هر کار حسابرسی، یا معیارهای کیفی و غیرقابل کمی کردن را شناسایی نموده و یا معیارهای شناسایی شده با اطلاعات خیلی محرمانه و غیر قابل دسترس از موسسه حسابرسی و فرآیند اجرای حسابرسی و تنها با دستیابی به پرونده حسابرسی موسسه و بیشتر از دید کنترل کیفی جامعه حسابداران رسمی می‌باشد و کاربردی بودن آن برای استفاده کنندگان و دسترسی آن مد نظر قرار نگرفته است. به همین دلیل نیاز به شناسایی و بازنگری در شاخص‌های قابل دسترس و قابل اندازه‌گیری از دید استفاده کنندگان می‌باشد. در حقیقت با طرح سوالات و گفتگوهای مختلف، تجربه، انتظارات و نظرات مصاحبه‌شوندگان پیرامون کیفیت حسابرسی واکاوی گردیده‌است. پس از انجام مصاحبه‌ها، برای تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده از مصاحبه‌ها، از تکنیک تحلیل تماتیک (TA)^۱ استفاده شده است؛ تحلیل تماتیک یک روش پژوهش از نوع کیفی است که به منظور شناسایی تم‌ها، یعنی الگوها در داده‌های مهم یا جالب توجه پژوهشگر برای پاسخ به سوالات پژوهش استفاده می‌شود (ماگویره و دالهانت^۲، ۲۰۱۷).

جامعه و نمونه آماری

در این پژوهش، مصاحبه با ۱۸ خبره انجام شده است که ترکیب آن به شرح جدول شماره ۱ ذیل آمده‌است. لازم به ذکر است مطابق با روش ارزیابی مؤثر، اکثر انتخاب نمونه بر اساس روش گلوله برفی از بین شرکای مؤسسات حسابرسی و مدیران مالی با سابقه، سرمایه‌گذاران و مسئولان تسهیلات بانک‌ها، به شرح جدول ۱ ذیل انجام شد.

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	جنسیت	حدود مدت مصاحبه (دقیقه)	مدرک	سمت	تجربه
۱	مرد	۲۰	دکتری	شریک	بیشتر از ۲۰ سال
۲	مرد	۲۰	دکتری	حسابدار رسمی	بیشتر از ۲۰ سال
۳	مرد	۱۵	کارشناس ارشد	مدیر مالی	۱۲
۴	مرد	۱۵	کارشناس ارشد	مدیر مالی	۱۵
۵	مرد	۵	کارشناس ارشد	مسئول تسهیلات	بیشتر از ۲۰ سال

1. Thematic Analysis
2. Maguire & Delahunt

ردیف	جنسیت	حدود مدت مصاحبه (دقیقه)	مدرک	سمت	تجربه
۶	مرد	۱۵	کارشناسی ارشد	مسئول تسهیلات	۱۲
۷	مرد	۶۰	کارشناسی ارشد	شریک موسسه	بیشتر از ۲۰ سال
۸	مرد	۳۰	کارشناسی ارشد	مدیر مالی	بیشتر از ۲۰ سال
۹	مرد	۲۰	کارشناسی ارشد	مدیر مالی	بیشتر از ۲۰ سال
۱۰	مرد	۳۰	دکتری	مدیر مالی	۱۷
۱۱	مرد	۶۰	دکتری	سرمایه‌گذار	بیشتر از ۲۰ سال
۱۲	مرد	۹۰	دکتری	شریک	بیشتر از ۲۰ سال
۱۳	مرد	۳۰	دکتری	شریک	بیشتر از ۲۰ سال
۱۴	مرد	۴۰	دکتری	شریک	۱۵ سال
۱۵	مرد	۱۵	دکتری	سرمایه‌گذار	۱۵ سال
۱۶	مرد	۱۵	کارشناسی	مدیر مالی	۱۵ سال
۱۷	مرد	۱۰	کارشناسی ارشد	مدیر مالی	بیشتر از ۲۰ سال
۱۸	مرد	۱۵	کارشناسی ارشد	شریک	بیشتر از ۲۰ سال

همانطور که در جدول ۱ فوق مشاهده می‌شود ۷ نفر در حوزه حسابرسی، ۷ نفر مدیر مالی، ۲ نفر سرمایه‌گذار و ۲ نفر مسئول اعتبارات بانک در نمونه حضور داشتند. همچنین ۸ نفر دارای مدرک تحصیلی دکتری، ۹ نفر کارشناسی ارشد و یک نفر کارشناسی بودند. از لحاظ تجربه کاری نیز بیشترین فراوانی مربوط به شرکت کنندگانی با بیش از ۲۰ سال سابقه به تعداد ۱۱ نفر بوده است. نهایتاً از لحاظ جنسیت، تمام نمونه آماری دربردارنده جنسیت مرد بوده است. باید توجه داشت که به دلیل شناخت پژوهشگر نسبت به برخی از مشارکت کنندگان، همه مشارکت کنندگان به روش گلوله برفی انتخاب نگردیدند. با توجه به بهره‌گیری این پژوهش از روش نظریه داده بنیاد، طی فرآیند پژوهش از فرآیند نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. تمرکز اساسی بر نمونه‌گیری در نظریه زمینه‌ای بر ایده‌ها است نه بر افراد نمونه. اگرچه بعضی مواقع به اشخاصی به عنوان نمونه مورد مطالعه رجوع می‌گردد تا ایده‌هایی کشف شود، ولی علت اصلی رجوع به افراد نیز کامل کردن قطعه‌ای از پازل است. در این پژوهش تعداد ۱۸ مصاحبه صورت گرفته است؛ چرا که بر اساس آخرین مصاحبه‌های صورت گرفته، داده‌های گردآوری شده مفاهیم بیشتری اضافه نموده و در واقع به اشباع نظری رسیدیم و مصاحبه با آخرین نفرات، بینش‌های بسیار کمی اضافه نموده‌اند. مصاحبه‌ها در طی سال ۱۴۰۲ انجام شده است. کل زمان اجرای ۱۸ مصاحبه حدود ۵۰۵ دقیقه بوده است که به طور متوسط هر مصاحبه حدود ۲۸ دقیقه

به طول انجامیده است. کوتاهترین مصاحبه حدود ۵ دقیقه و بیشترین آن حدود ۹۰ دقیقه طول کشیده است. عموم مصاحبه‌ها حدود ۲۰ دقیقه تا ۳۰ دقیقه است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش به هر جمله/ پاراگراف از داده‌های پژوهش (متن مصاحبه‌ها یا متون با اهمیت حاصل از مقالات بین‌المللی منتشر شده) یک برچسب مفهومی در پایین‌ترین سطح، چسبانده شد. برای تحلیل داده‌ها، ابتدا متون در نرم افزار ورد پیاده‌سازی و جملات با اهمیت آن و مرتبط با موضوع پژوهش ثبت گردید. در گام بعدی جملاتی که در برگیرنده بیش از یک مفهوم و مقوله بوده‌اند به تعداد آنها، در ردیف‌های جدیدی، اضافه شدند. به منظور جلوگیری از تکرار کدها، هر برچسب مفهومی به صورت یونیک (منحصربه‌فرد) در نرم افزار تعریف گردید. پس از تحلیل و کدگذاری داده‌های پژوهش، تعداد مقوله‌های اصلی ۸ مورد، مقوله‌های فرعی ۶۴ و مفاهیم استخراجی نیز ۶۴ مورد می‌باشد. مقوله‌های مزبور به کمک روش کدگذاری محوری در طبقه‌های آن یعنی عوامل تقاضا برای حسابرسی (ویژگی‌های شرکت صاحبکار)، ورودی‌ها (ویژگی‌های موسسه حسابرسی)، فرآیندهای حسابرسی و نتایج قرار گرفتند. به منظور اعتبار یافته‌ها، نتایج تحلیل و کدگذاری در اختیار افراد خبره حسابرسی و صاحبان نظران دانشگاهی قرار گرفت و نظر آنها پیرامون کدهای استخراجی از متن داده‌ها اخذ گردید. موارد غیر مرتبط و اشتباه اصلاح شد و عموماً برچسب‌های مفهومی الصاقی با محتوای داده‌ها مناسب و معتبر بودند.

یافته‌های پژوهش

از دیدگاه خرد، حسابرسی خدماتی است که توسط تیم متخصص و مستقل به منظور اعتباربخشی به اطلاعات شرکت انجام می‌شود و دارای طیف گسترده‌ای از ذینفعان شامل سهامداران عمده، سهامداران جزء، هیات مدیره، اعتباردهندگان، دولت و سرمایه‌گذاران بالقوه می‌باشد و هر یک از ذینفعان نیز ممکن است توان تاثیرگذاری متفاوتی بر انتخاب حسابرس و کیفیت حسابرسی داشته باشد (مشایخی و همکاران، ۱۳۹۲). بنابراین شناسایی شاخص‌های کیفیت حسابرسی مستلزم توجه به عوامل مرتبط با عرضه، تقاضای حسابرسی می‌باشد. این موارد نیز در انجام مصاحبه‌ها به وضوح مشهود بود و بر اساس نتایج حاصل از مصاحبه، شاخص‌های کیفیت حسابرسی از دید استفاده‌کنندگان در چهار طبقه به شرح ذیل تقسیم بندی شد.

$$\text{کیفیت حسابرسی} = \text{فرآیند حسابرسی} + \text{ورودی‌ها (ویژگی‌های موسسه حسابرسی)} + \text{شاخص‌های تقاضا برای کار حسابرسی (انگیزه‌ها و شایستگی‌ها)}$$

باتوجه به استفاده از تحلیل تماتیک برای تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده در مصاحبه‌ها در این پژوهش شاخص‌هایی که در هر بخش نشان دهنده کیفیت حسابرسی می‌باشد آورده شده‌است. شاخص‌های تقاضا برای کار حسابرسی (انگیزه‌ها و شایستگی‌ها)، تعدادی از عوامل زمینه‌ای هستند که می‌تواند کیفیت گزارش حسابرسی را تحت تاثیر قرار دهد که از آن جمله می‌توان به ویژگی‌های شرکت صاحبکار و حاکمیت شرکتی و چارچوب گزارشگری مالی اشاره نمود. ورودی‌ها، به ویژگی‌های موسسه حسابرسی بر می‌گردد که در همه کارهای موسسه یکسان می‌باشد. فرآیندها عبارتند از اقدامات، مراحل، قضاوت‌ها و رفتارهایی که در طول اجرای کار حسابرسی اتفاق می‌افتد که در این پژوهش عواملی موثر بر فرآیندها در نظر گرفته شده‌است که برای هر کار حسابرسی خاص و در کارهای موسسه حسابرسی متفاوت می‌باشد و خروجی‌ها اصولاً بر گزارش حسابرسی تاکید دارد و عواملی که در گزارش حسابرسی نشان دهنده کیفیت گزارش حسابرسی می‌باشد در نظر گرفته شده‌است. بر اساس مدل فوق، به تشریح مدل کیفیت حسابرسی به تفکیک اجزای آن یعنی ویژگی‌های شرکت، ورودی‌ها، فرآیند و نتایج پرداخته می‌شود.

جدول ۲ تعداد عوامل شناسایی شده توسط هر گروه از مصاحبه‌شوندگان را در هر طبقه نشان می‌دهد. باتوجه به جدول ۲ حساب‌برسان ۲۵ عامل از ویژگی‌های شرکت صاحبکار (تقاضا بر کار حسابرسی)، ۱۳ عامل از ویژگی‌های موسسه حسابرسی، ۱۱ عامل از فرآیند اجرای حسابرسی و ۸ عامل از گزارش حسابرسی را بیان کردند. مدیران مالی ۳۰ عامل را در ارتباط با ویژگی‌های شرکت صاحبکار (تقاضا بر کار حسابرسی) بیان کردند که ۵ عامل جدید (افزایش اتکای شرکت بر بدهی‌ها، نسبت‌های مالی نرمال نسبت به صنعت، داشتن صورت‌های مالی تلفیقی و شرکت‌های وابسته، وجود مدیریت سود و ریسک ورشکستگی) نسبت به عوامل بیان شده حساب‌برسان شناسایی شد. در ارتباط با ویژگی‌های موسسه حسابرسی و فرآیند اجرای حسابرسی عامل جدید توسط مدیرانی مالی شناسایی نشد و در ارتباط با گزارش حسابرسی نیز تنها یک عامل (افزایش مبلغ اختلاف مالیات ابرازی و قطعی شرکت) اضافه شد. سرمایه‌گذاران در ارتباط با ویژگی‌های شرکت صاحبکار (تقاضا بر کار حسابرسی) یک عامل جدید (عدم تملک سهام

شرکت اصلی توسط شرکت فرعی) را به عوامل قبلی اضافه نمودند و در ارتباط با سایر ویژگی‌ها عاملی اضافه نشد. مدیران تسهیلات بانک نیز نسبت به موارد شناسایی شده توسط حسابرسان، مدیران مالی و سرمایه‌گذاران در هیچ کدام از طبقات عامل جدیدی را بیان نکردند.

جدول ۲. تعداد عوامل شناسایی شده توسط هر گروه از مصاحبه‌شوندگان

ویژگی‌های شرکت صاحبکار	ویژگی‌های موسسه حسابرسی	فرآیند اجرای حسابرسی	نتایج (گزارش حسابرسی)
۲۵	۱۳	۱۱	۸
۳۰	۶	۱۱	۵
۲۳	۷	۶	۶
۱۲	۵	۴	۵
۳۱	۱۳	۱۱	۹

۱- شاخص‌های تقاضا برای کار حسابرسی (انگیزه‌ها و شایستگی‌ها)

حسابرسی خدماتی است که به موجب الزامات قانونی یا نیاز متقاضی، به منظور اعتباربخشی به اطلاعات مالی شرکت انجام می‌شود و دارای ذینفعان مختلف و در برخی مواقع متضاد می‌باشد. یکی از مواردی که می‌تواند تاثیر زیادی بر کیفیت حسابرسی بگذارد، انتخاب‌کننده حسابرسی می‌باشد. البته اگر چه طبق قانون تجارت، مجمع عمومی انتخاب‌کننده حسابرسی است اما عوامل زیادی مانند مباحث حاکمیت شرکتی، ساختار داخلی شرکت، وضعیت مالی شرکت و غیره بر انتخاب حسابرسی در شرکت صاحبکار تاثیر گذار است. بنابراین انگیزه شرکت برای انتخاب حسابرسی از عوامل بسیار مهم در تعیین کیفیت حسابرسی انجام شده می‌باشد. نیاز به کیفیت حسابرسی از سوی شرکت می‌تواند به دلیل ارایه گزارش‌ها و اطلاعات شفاف به دلیل متعهد بودن مدیریت و همچنین مسئولیت پاسخگویی مدیریت و بیمه کردن خود در برابر احتمال وقوع اتفاقات در آتی، تعلق مزایای بیشتر از قبیل افزایش قیمت سهام ناشی از استقبال سرمایه‌گذاران بالقوه و یا کاهش نرخ سود تسهیلات بابت کیفیت بالای حسابرسی باشد.

باتوجه به مصاحبه‌های انجام شده نیز یکی از عوامل مهم و زمینه‌ای که حسابرسی در آن انجام می‌شود و باعث افزایش یا کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود، ویژگی‌های شرکت صاحبکار و محیطی است که حسابرسی در آن انجام می‌شود. این عوامل به دلیل مهیا کردن اسناد و شواهد حسابرسی و انگیزه‌ها و شایستگی‌های مدیریت در انتخاب حسابرسی، در کیفیت حسابرسی نقش

بسیار مهمی دارند که این مهم نیز در شاخص‌ها و معیارهای مصاحبه‌شوندگان به وضوح مشخص بود. ویژگی‌های شرکت صاحبکار تاثیرگذار در ریسک کار حسابرسی می‌باشد که در صورت نادیده گرفتن و پنهان ماندن از دید حسابرس می‌تواند بر کیفیت کار حسابرسی تاثیر بسزایی داشته باشد و این مهم متأسفانه در اکثر پژوهش‌های انجام شده در حوزه کیفیت حسابرسی نادیده گرفته شده و به آن کم توجهی شده است در صورتی که اکثر افراد مصاحبه‌شونده به آن اشاره داشته‌اند و آن را بسیار تاثیرگذار بر فرآیند حسابرسی و خروجی و نتایج حسابرسی می‌دانند.

در پژوهش مشایخی و همکاران (۱۳۹۲) نیز ویژگی‌های شرکت صاحبکار از عوامل مهم و موثر بر کیفیت حسابرسی عنوان شده است. به طوریکه با توجه به بررسی نظرات خبرگان، در شرکتها، به دلیل انگیزه‌های متفاوت برای انتخاب حسابرس، پایین بودن میزان نیاز انتخاب‌کننده حسابرس به کیفیت حسابرسی به دلیل نبود خسارت قابل توجه بابت بی‌کیفیتی، پایین بودن مسئولیت پاسخگویی بابت گمراه کننده بودن اطلاعات، نبود مزایای قابل توجه بابت کیفیت حسابرسی و حتی در مواردی تقاضای حسابرسی بی‌کیفیت، پایین بودن دانش ذینفعان و نبود آگاهی و شناخت کافی نسبت به کارکردهای حسابرسی، تمرکز بالای مالکیت و عدم تفکیک مالکیت از مدیریت، عدم آگاهی اعضای هیات مدیره از مسئولیت‌های قانونی خود به همراه پایین بودن توان پاسخ‌خواهی و تقاضای کیفیت توسط سایر ذینفعان و عدم پاسخ‌خواهی اثربخش از اعضای هیات مدیره و در نتیجه عمدتاً غیرفعال بودن اعضای غیرموظف هیات مدیره و عدم اثربخشی مناسب آنها، راهبردهای دستیابی به کیفیت حسابرسی شامل استقرار سیستم کنترل‌های داخلی و حسابرسی داخلی اثربخش، استقرار کمیته حسابرسی اثربخش و انتخاب حسابرس با کیفیت بالای خدمات حسابرسی انجام نمی‌شود؛ که در این میان نگاه کوتاه مدت مدیریت، وجود انگیزه تحریف در صورتهای مالی عمدتاً به دلیل دستیابی به سود اعلامی شرکت یا شرکت مادر یا سایر شرکتهای همگروه نیز بر بکارگیری راهبردهای حسابرسی تأثیر منفی می‌گذارد.

باتوجه به تاثیر ویژگی‌های شرکت صاحبکار بر کیفیت حسابرسی و دخالت دادن این عوامل در مدل اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی می‌توان کیفیت حسابرسی را خاص هر کار حسابرسی اندازه‌گیری نمود و مدل اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی را فراتر از تاثیر ویژگی‌های موسسه حسابرسی و تیم حسابرسی دانست. این عوامل با تغییر موسسه حسابرسی تغییر نمی‌کند و برای هر شرکت بدون توجه به اینکه چه موسسه‌ای حسابرسی می‌کند، یکسان است و ویژگی‌های خاص هر شرکت را در نظر گرفته است.

جدول ۲. مقوله‌ها و مفاهیم تقاضا برای حسابرسی (ویژگی‌های شرکت صاحبکار)

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی (معیار)	مفاهیم (شاخص)	اثر بر کیفیت حسابرسی
ویژگی‌های حاکمیت شرکتی	اندازه هیات مدیره	تعداد اعضای هیات مدیره شرکت	مثبت
	استقلال هیات مدیره	درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره	مثبت
	تمرکز مالکیت	درصد سهامداران مالک حداقل ۵ درصد سهام	مثبت
	مالکیت نهادی	مجموع درصد سهام متعلق به بانک‌ها، بیمه‌ها، نهادهای مالی، شرکت‌های هلدینگ، سازمان‌ها و نهادها و شرکت‌های دولتی باشد.	مثبت - منفی
	قدرت مدیر عامل	دوره تصدی مدیر عامل، دو مسئولیتی بودن مدیر عامل، استقلال هیات مدیره	مثبت - منفی
	دوگانگی وظیفه مدیر عامل	رئیس هیات مدیره بودن مدیر عامل	منفی
	مدت زمان تصدی مدیرعامل در هیات مدیره	لگاریتم طبیعی مدت زمان تصدی مدیرعامل	مثبت - منفی
	اتکای بر بدهی	کل بدهی بلندمدت تقسیم بر کل دارایی‌ها	منفی
	تخصص و تجربه هیات‌مدیره	درصد اعضای هیات مدیره دارای مدرک تخصص مالی و مرتبط	مثبت
	دولتی بودن شرکت	درصد سهام در اختیار دولت و سازمان‌های وابسته به دولت	مثبت - منفی
	اثربخشی هیات مدیره	تعداد جلسات هیات مدیره در سال	مثبت
	عدم تملک سهام شرکت اصلی توسط شرکت فرعی	سهامدار نبودن شرکت فرعی در اصلی	مثبت
	کمیته حسابرسی	خانوادگی بودن	سهامدار حقیقی مالک حداقل ۲۰ درصد سهام عادی شرکت باشد یا یکی از اعضای هیات مدیره خود به تنهایی مالک ۵ درصد سهام و یا مجموع سهام عضو حقیقی هیات مدیره و اعضای خانواده وی حداقل ۵ درصد سهام باشد
وجود حسابرسی داخلی		وجود حسابرس داخلی	مثبت
اندازه کمیته حسابرسی		تعداد اعضای کمیته حسابرسی	مثبت
اثربخشی کمیته حسابرسی		تعداد جلسات کمیته حسابرسی	مثبت
استقلال کمیته حسابرسی		درصد افراد کمیته حسابرسی خارج از شرکت	مثبت
اطلاعات مالی	سواد مالی کمیته حسابرسی	درصد اعضای کمیته حسابرسی دارای مدرک مالی و مرتبط	مثبت
	تجدیدارانه کردن صورت‌های مالی سال قبل	وجود صورت‌های مالی تجدیدارانه شده	منفی

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی (معیار)	مفاهیم (شاخص)	اثر بر کیفیت حسابرسی
	تعدیلات سنواتی ناشی از اشتباهات	وجود تعدیلات سنواتی ناشی از اشتباه	منفی
	بزرگی شرکت صاحبکار	میزان درآمد فروش و یا دارایی‌ها	مثبت - منفی
	نسبت‌های مالی نرمال نسبت به صنعت	نسبت بدهی، حقوق مالکانه، نسبت جاری، نسبت آبی و نسبت سودآوری نزدیک به میانگین صنعت	مثبت
	صورت مالی تلفیقی و داشتن شرکت‌های وابسته	داشتن شرکت‌های وابسته و فرعی	منفی
	مدیریت سود	مدیریت سود اقلام تعهدی اختیاری	منفی
	ریسک ورشکستگی یا مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت	داشتن زیان انباشته معادل حداقل ۵۰ درصد سرمایه	منفی
	جدایی مالکیت از مدیریت	درصد مالکیت سهامداران غیر هیات مدیره	مثبت
	نوع فعالیت شرکت (تولیدی، خدماتی، بازرگانی، پیمانکاری و ..)	شرکت‌های تولیدی و پیمانکاری پیچیدگی بیشتری نسبت به شرکت‌های بازرگانی و خدماتی دارند	منفی
	بورسی بودن شرکت	شرکت‌های بورسی ساز و کارهای مناسب تری دارند	مثبت
	سهامی عام بودن	سهامی عام و تعاونی‌ها ریسک کمتر و به ترتیب سهامی خاص و تضامنی، مسئولیت محدود، نسبی و ...	مثبت
سایر اطلاعات	نوع صنعت صاحبکار و اجرای استانداردهای خاص صنعت و یا قوانین و رویه‌های خاص لازم در صنعت	صنایع با استانداردها و قوانین متفاوت باعث کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود	منفی
	حسابرسی اختیاری	اختیاری بودن حسابرسی	مثبت

۲- ورودی‌ها (ویژگی‌های موسسه حسابرسی)

از نظر عرضه‌کننده خدمات حسابرسی، دستیابی به کیفیت حسابرسی نیازمند صرف زمان و هزینه جهت تربیت نیروی انسانی متخصص و برنامه ریزی، نظارت، سرپرستی، اعمال مراقبت حرفه‌ای لازم، رعایت کامل استانداردهای حسابرسی و آیین رفتار حرفه‌ای است تا بتوانند اشتباهات و تحریف‌های با اهمیت را شناسایی نماید و از طرفی بتواند با توجه به استقلال که دارد در صورت وجود تحریف‌های با اهمیت آن‌ها را گزارش نماید. بنابراین موسسه حسابرسی باید در تمام ساختار و فعالیت‌های خود ملزم به حفظ کیفیت حسابرسی باشد. این التزام به کیفیت

حسابرسی در صورتی انجام می‌شود که شرکا موسسه و ساختار موسسه طوری طراحی شده باشد که افراد پایبند به اخلاقیات و تعهدات حرفه‌ای باشند و همچنین موسسه خود را نسبت جامعه پاسخگو بداند و همیشه نگران عواقب و خسارت بی‌کیفیتی کارهای انجام شده توسط جامعه و واحدهای نظارتی باشد و در صورت اجرای حسابرسی با کیفیت انتظار پاداش و مزایا داشته باشد. ویژگی‌های موسسه حسابرسی به عوامل سازمانی و موارد مرتبط به موسسه بر می‌گردد. در این پژوهش سعی شده است مواردی در این بخش عنوان شود که برای تمام کارهای موسسه یکسان می‌باشد و به موسسه ارتباط پیدا می‌کند و خاص کارهای حسابرسی موسسه نمی‌باشد. نکته مهم در تقسیم بندی موارد این است که این عوامل با تغییر شرکت صاحبکار تغییر نمی‌کند و برای هر موسسه بدون توجه به اینکه چه شرکتی را حسابرسی می‌کند، یکسان است و ویژگی‌های خاص هر موسسه حسابرسی را در نظر می‌گیرد. ویژگی‌های مطرح شده و تاثیرگذار توسط مصاحبه‌شوندگان در ویژگی‌های موسسه حسابرسی به شرح زیر است:

جدول ۳. مقوله‌ها و مفاهیم ورودی‌ها (ویژگی‌های موسسه حسابرسی)

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم (شاخص)	اثر بر کیفیت حسابرسی
امتیازهای درونی موسسه	اندازه موسسه حسابرسی	تعداد شرکای موسسه مجموع ارزش شرکت‌های صاحبکار مجموع حق الزحمه‌های هر موسسه	مثبت
	تعداد شرکا موسسه حسابرسی	تعداد شرکای موسسه حسابرسی	مثبت
	تناسب درآمد موسسه با شرکا و کارکنان	افزایش و کاهش متناسب درآمد و تعداد پرسنل نسبت به سال قبل	مثبت
	تعداد اعضا عضو جامعه حسابداران رسمی	تعداد کارکنان عضو جامعه حسابداران رسمی	مثبت
	شهرت عمومی موسسه	تجربه و دانش شخص و قدمت موسسه حسابرسی	مثبت
	امتیازهای اخذ شده خارج از موسسه	عضویت در مجامع حرفه‌ای بین‌المللی	داشتن عضویت بین‌المللی
رتبه و بروز بودن سایت موسسه		داشتن سایت بروز توسط موسسه حسابرسی	مثبت
رتبه بندی جامعه حسابداران رسمی		الف، ب، ج و د	مثبت
رتبه بورسی موسسه حسابرسی		۱، ۲، ۳ و ۴	مثبت

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم (شاخص)	اثر بر کیفیت حسابرسی
	دعای حقوقی مطروحه علیه حسابرسان - گزارش تنبیهات و احکام قضایی	تعداد دعای حقوقی مطرح شده در سایت جامعه حسابداران رسمی نسبت به موسسه	منفی
	معتمد بورس بودن موسسه	معتمد بورس بودن موسسه	مثبت
	تعداد شرکا معتمد بورس موسسه	تعداد شرکا بورسی نسبت به کل شرکا	مثبت
	امتیاز کنترل کیفی	امتیاز کنترل کیفی جامعه حسابداران رسمی	مثبت

۳- فرآیند حسابرسی

فرآیندها عبارتند از اقدامات، مراحل، قضاوت‌ها و رفتارهایی که در چگونگی دستیابی ارائه دهنده خدمات یا وظیفه به نتیجه حاصل می‌شود در این پژوهش به دلیل آنکه از مصاحبه‌شوندگان درخواست شده بود که معیارهای عنوان شود که بتوان آن را اندازه‌گیری نمود و نیاز به اطلاعات محرمانه داخل موسسه نباشد، عواملی موثر بر فرآیندها در نظر گرفته شده است که برای هر کار حسابرسی خاص و در کارهای موسسه حسابرسی متفاوت می‌باشد. در این بخش عواملی عنوان شده است که مرتبط با موسسه حسابرسی و هر کار حسابرسی می‌باشد. به عبارت دیگر این عوامل با تغییر موسسه حسابرسی و یا شرکت صاحبکار تغییر می‌کند و از هر دو آن‌ها تاثیر می‌پذیرد و خاص هر کار حسابرسی می‌باشد. عواملی از موسسه حسابرسی که با تغییر هر کار حسابرسی تغییر می‌کند این عوامل به شرح ذیل می‌باشد:

جدول ۴. مقوله‌ها و مفاهیم فرآیند حسابرسی

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم (شاخص)	اثر بر کیفیت حسابرسی
فرآیند حسابرسی	دوره تصدی حسابرس	تعداد سال‌های حسابرسی شرکت توسط موسسه حسابرسی	مثبت - منفی
	چرخش حسابرس	تغییر شرکا امضاکننده گزارش در سال قبل و جاری	مثبت - منفی
	تخصص موسسه حسابرسی	نسبت فروش کل مشتریان در یک صنعت مشخص بر جمع کل فروش‌های شرکت‌های آن صنعت در طول یک سال مشخص	مثبت
	استقلال موسسه حسابرسی	حق الزحمه، مبلغ قرارداد نسبت به کل درآمد موسسه	مثبت

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم (شاخص)	اثر بر کیفیت حسابداری
	حق الزحمه غیرعادی موسسه حسابداری (تناسب مبلغ قرارداد با نوع کار)	وجود حق الزحمه بالاتر از حد متوسط یا پایین تر از حد متوسط (افزایش یا کاهش غیرعادی نسبت به سال گذشته)	منفی
	تاریخ بین تائید صورت‌های مالی و تاریخ خاتمه گزارش (امضای زود هنگام)	فاصله زمانی (تعداد روزها) بین تاریخ گزارش حسابداری و تائید صورت‌های مالی (برخی گزارش را در زمان کم بررسی و اظهار نظر می‌کنند)	مثبت
	امضا کنندگان گزارش حسابداری (تجربه و شهرت)	سابقه شریک امضا کننده گزارش	مثبت - منفی
	حسابرسی نخستین موسسه در صورت عدم حسابرسی سال قبل	اگر شرکت قبلاً حسابرسی نشده باشد گزارش حسابرسی کیفیت بالاتری دارد	مثبت
	حسابرسی نخستین موسسه در صورت وجود حسابرسی سال قبل	اگر شرکت قبلاً حسابرسی شده باشد به دلیل پیچیدگی کار ممکن گزارش حسابداری نسبت به گزارش قبلی کیفیت کمتری داشته باشد (اکثر بندها با رسیدگی کم، همان بندهای سال قبل است)	منفی
	مقایسه گزارش حسابرس نسبت به گزارش حسابرسی سال قبل	اختلاف تعداد بندهای سال جاری با سال قبل با محتوای تقریباً یکسان	منفی
	تاریخ گزارش حسابداری در زمان‌های پیک کاری (تیر ماه و مهر ماه) و تاریخ مجمع	تاریخ گزارش‌های نزدیک به پایان تیر ماه و مهر ماه و مجامع به دلیل عجله در کار و نبودن زمان کافی از کیفیت کمتری برخوردار است	منفی

۴- نتایج گزارش حسابداری

اصولاً نتیجه هر کاری در معرض عموم و مبنای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان از آن قرار می‌گیرد. در فرآیند اعتبار بخشی به صورت‌های مالی نیز گزارش حسابداری نتیجه نهایی می‌باشد. لذا در این پژوهش خروجی‌ها اصولاً بر گزارش حسابداری تاکید دارد و می‌توان آن‌ها را متأثر از ویژگی‌های شرکت صاحبکار (عوامل موثر بر تقاضای حسابداری - انگیزه‌ها و شایستگی‌ها)، ویژگی‌های موسسه حسابداری و فرآیند اجرای حسابداری دانست. به عبارت دیگر این عوامل از سه بخش قبلی تاثیر می‌پذیرد و عواملی که در گزارش حسابداری نشان دهنده کیفیت گزارش حسابداری می‌باشد به شرح ذیل در نظر گرفته شده است:

جدول ۵. مقوله‌ها و مفاهیم نتایج گزارش حسابرسی

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مفاهیم (شاخص)	اثر بر کیفیت حسابرسی
نتایج گزارش حسابرسی	شکل گزارش	رعایت نکات نگارشی و املائی و ساختاری	مثبت - منفی
	تفاوت با اهمیت بین بندهای گزارش حسابرسی قبلی با سال جدید	افزایش و کاهش در تعداد و محتوای بندهای گزارش حسابرسی نسبت به سال قبل	منفی
	سایر بندهای قوانین تجارت و ...	تعداد بندهای سایر قوانین و محتوای آن (هر چه بیشتر باشد اشراف موسسه بیشتر است)	مثبت
	اختلاف مالیات ابرازی و قطعی شرکت	در صورت عدم اشاره حسابرس در گزارش به موضوع مالیات شرکت، تفاوت مبلغ مالیات ابرازی و قطعی سنوات قبل (در صورت وجود حسابرس یکسان)	منفی
	جایجایی بندهای مهم شرط با بندهای تاکید بر مطلب خاص و سایر بندها	جایگذاری مناسب بندهای اظهارنظر، تاکید بر مطلب خاص و بازرسی و سایر قوانین به درستی و در جای خود (درج بند "محدودیت" به جای بند "تحریف" یا برعکس) و (درج بند تاکید بر مطلب خاص و یا نگارش بندهای تاکید بر مطلب خاص بر خلاف استاندارد حسابرسی ۷۰۶)	مثبت
	تطابق تعداد و نوع بندهای شرط با نوع اظهارنظر	عدم تطابق تعداد و محتوای بندهای گزارش با نوع گزارش حسابرسی	مثبت
	الزامات بورس (ضوابط و مقررات لازم الاجرا) در گزارش حسابرسی لحاظ شده است	در نظر گرفتن الزامات بورس در گزارش حسابرسی	مثبت
	اعلام مبلغ تعدیل مورد نیاز در بندهای تحریف مندرج در گزارش حسابرسی	کمی کردن بندهای گزارش حسابرسی به صورت ریالی	مثبت
	اظهار نظر مناسب در خصوص معاملات مشمول ماده ۱۲۹ اصلاحیه قانون تجارت	مناسب بودن بند در گزارش حسابرسی نسبت به مبالغ معاملات مشمول ماده ۱۲۹ در صورت‌های مالی	مثبت

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد که معیارهای قابل اندازه‌گیری کیفیت حسابداری از دید حسابرسان مستقل، مدیران مالی، سرمایه‌گذاران و مسئول تسهیلات بانک‌ها با استفاده از تحلیل داده بنیاد و تحلیل تماتیک ارائه شود و برای معیارهای بیان شده شاخص‌ها بیان شود و تاثیر آن بر کیفیت حسابداری نیز عنوان شود. پس از انجام مصاحبه‌ها، معیارها در چهار دسته اصلی شاخص‌های تقاضا برای کار حسابداری (ویژگی‌های شرکت صاحبکار)، عوامل ورودی (ویژگی‌های موسسه حسابداری)، فرآیندها و نتایج طبقه‌بندی گردید. جمعا ۸ مقوله اصلی در نظر گرفته و 64 شاخص قابل اندازه‌گیری برای آن‌ها مطرح شد. شاخص‌های مطرح شده از نظر مصاحبه‌شوندگان، شاخص‌های قابل اندازه‌گیری هستند. شاخص‌های مطرح شده در طبقه ویژگی‌های شرکت صاحبکار خاص هر شرکت می‌باشند و با تغییر حسابرس تغییر نمی‌کنند، شاخص‌های موسسه حسابداری خاص هر موسسه می‌باشند و با تغییر شرکت صاحبکار تغییر نمی‌کنند و شاخص‌های فرآیند اجرای حسابداری و نتایج (گزارش حسابداری) خاص هر کار حسابداری می‌باشد. به عبارت دیگر در شاخص‌های مطرح شده در این پژوهش، برخلاف معیارهای مورد استفاده در پژوهش‌های دیگر کیفیت حسابداری، شاخص‌هایی عنوان شده است که در هر کار حسابداری متفاوت می‌باشد و می‌توان کیفیت حسابداری را در هر کار حسابداری به صورت مجزا و با ویژگی‌های منحصر به فرد آن بدست آورد.

در پژوهش‌های اخیر انجام شده در حوزه کیفیت حسابداری، پژوهشگران برای سنجش کیفیت حسابداری یا از معیارهای کیفی و ذهنی با استفاده از پرسشنامه استفاده نموده‌اند (پوربهرامی، ۱۴۰۲؛ کریمی شهرکی، پورعلی، صمدی لرگانی، ۱۴۰۲) یا تنها از شاخص‌های ورودی استفاده کرده‌اند و عموماً شاخص‌های مورد استفاده آن‌ها خاص هر کار حسابداری نمی‌باشد و بیشتر کیفیت حسابرس را اندازه‌گیری می‌کند (پورطاهر مقدم، نیکومرام، و رهنمای رود پستی، ۱۴۰۲؛ رضایی، آقایی چادگانی و کمالی، ۱۴۰۲). همچنین در پژوهش‌هایی که از عوامل خروجی استفاده کرده‌اند عوامل ورودی، ویژگی‌های شرکت و فرآیندها نادیده گرفته شده است (موسوی شیرینی، ابراهیم و کبیریان، ۱۴۰۱). در زمینه شناسایی عوامل موثر بر کیفیت حسابداری، چندین پژوهش داخلی مانند آقایی قهی و همکاران (۱۳۹۹)، محمدرضایی و فرجی (۱۳۹۸)، بنی مهد و همکاران (۱۳۹۷) مشایخی و همکاران (۱۳۹۲) انجام شده‌است، اما در پژوهش‌های انجام شده به ویژگی‌های محیط صاحبکار اشاره نشده‌است و یا عوامل شناسایی شده بیشتر کیفی

بوده و کمی کردن آن یا بطور کلی مقدور نیست و یا با اطلاعات در دسترس استفاده‌کنندگان قابل اندازه‌گیری نمی‌باشد. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر به حساب‌رسان، مدیران مالی، سرمایه‌گذاران و مدیران تسهیلات بانک‌ها و پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که از عوامل شناسایی شده پژوهش جهت اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی استفاده کنند و استفاده‌کنندگان می‌توانند برای هر کار حسابرسی، کیفیت حسابرسی متفاوتی را در نظر بگیرند. عوامل شناسایی شده، تمام فرآیند اجرای کار حسابرسی همراه با عوامل موثر بر تقاضای کار حسابرسی (ویژگی‌های شرکت صاحبکار) را در نظر گرفته است و این مهم دید جامعی از شاخص‌های گروه‌های مختلف برای سنجش کیفیت حسابرسی ارائه می‌کند، لازم به ذکر است از دید مصاحبه‌شوندگان هیچ کدام از معیارها به تنهایی نمی‌تواند نشان‌دهنده کیفیت حسابرسی باشد و باید چندین معیار و از طبقات مختلف در نظر گرفته شود. جامعه حسابداران رسمی نیز می‌توانند از معیارهای ویژگی‌های شناسایی شده به خصوص ویژگی‌های شرکت صاحبکار در رتبه‌بندی پرونده‌های حسابرسی استفاده کنند تا موسسات حسابرسی به دلیل ریسک بالای برخی صاحبکاران و عدم حسن شهرت و عواقب بد آن، از قبول پرونده‌های حسابرسی آن‌ها خودداری کنند. مدیران تسهیلات بانکی می‌توانند برای اتکا به گزارش حسابرسی در روند اخذ تسهیلات و کاهش ریسک برگشت اصل و فرع تسهیلات از این معیارها بهره‌برند و در نهایت پژوهشگران می‌توانند ابعاد مختلف کیفیت حسابرسی را در پژوهش‌های خود مد نظر قرار دهند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.

منابع

- آقایی قهی، علیرضا؛ یزدانی، شهره؛ خان‌محمدی، محمدحامد. (۱۳۹۹). مدل مفهومی عوامل موثر بر کیفیت حسابداری در ایران به روش نظریه پردازی زمینه‌ای. *دانش حسابداری*، ۲(۱۰)، ۳۸۲-۳۵۷.
- بنی مهد، بهمن؛ عربی، مهدی؛ حسن پور، شیوا؛ بزرگمهریان، شاهرخ. (۱۳۹۷). مروری بر معیارهای اندازه‌گیری کیفیت حسابداری: کاربردها و نقاط ضعف و قوت. *پژوهش حسابداری*، ۸(۴)، ۶۶-۳۵.
- پور حیدری، امید؛ سلطانی نژاد، احمدصادق؛ سلطانی نژاد، ابراهیم. (۱۴۰۳). اثر مشغله شریک حسابر بر کیفیت حسابداری، تاثیر گزارش حسابر و هزینه سرمایه. *پژوهش‌های تجربی در حسابداری*، ۱۴(۱)، ۱۳۸-۱۱۵.
- پوربهرامی، بابک. (۱۴۰۲). تاثیر هوش میان فردی حسابرسان بر کیفیت حسابداری با نقش میانجی رفتار کارآفرینانه. *پژوهش‌های حسابداری حرفه‌ای*، ۴(۱۳)، ۱۵۵-۱۴۰.
- پورطاهرآقدم، فرزانه؛ نیکومرام، هاشم؛ رهنمای رودپشتی، فریدون. (۱۴۰۲). تبیین روابط میان کیفیت حسابداری و کارایی عملیاتی شرکت با در نظر گرفتن معیار تخصص حسابر در صنعت و حق الزحمه حسابداری. *دانش حسابداری و حسابداری مدیریت*، ۱۲(۴۵)، ۱۱۹-۱۰۵.
- حمصیان کاشانی، زهرا؛ حاجیه، زهره. (۱۴۰۲). تبیین مدل کیفیت اظهارنظر حسابداری مبتنی بر هوش اخلاقی، هوش معنوی و پیشینه رفتاری شرکای حسابداری. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۳(۴)، ۱۹۴-۱۶۵.
- رضائی، مینا؛ آقایی چادگان، آرزو؛ کمالی، احسان. (۱۴۰۲). بررسی ارتباط بین ابعاد فرهنگ سازمانی و اندازه موسسات حسابداری با قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۳(۴)، ۲۲۰-۱۹۵.
- سلیمانی، ابوالفضل؛ شکریمان‌برنجستانی، نجمه؛ لاله‌مازین، مریم. (۱۴۰۲). تاثیر شهرت، حق‌الزحمه و تردید حرفه‌ای حسابر بر کیفیت حسابر در مدیریت سود. *مطالعات اخلاق و رفتار در حسابداری و حسابداری*، ۳(۲)، ۷۴-۵۳.
- شهرکی، مهنوش؛ اثنی‌عشری، حمیده؛ کارگذار، ابوالفضل. (۱۴۰۲). رابطه اهمیت گروه‌های تجاری با کیفیت حسابداری شرکت اصلی: با تأکید بر ویژگی‌های حسابر. *تحقیقات حسابداری و حسابداری*، ۱۵(۵۹)، ۱۸۰-۱۶۱.
- قاضی فینی، سیدرضا؛ ابراهیمیان مشهدی، زهره. (۱۴۰۲). بررسی تاثیر کمیته حسابداری بر کیفیت حسابداری با در نظر گرفتن نوع صنعت، ملاحظات حقوقی و تنوع جنسیتی. *نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری*، ۷(۲۵)، ۱۸۷-۱۵۵.

- کریمی شهرکی، مهدی؛ پورعلی، محمدرضا؛ صمدی لرگانی، محمود. (۱۴۰۲). تحلیل نقش واسطه‌ای خودشیفتگی حسابرس بر رابطه بین استراتژی‌های مذاکره با صاحب‌کار و کیفیت حسابرسی. *حسابداری مدیریت*، ۱۶(۵۷)، ۱-۲۲.
- مجتهدزاده، ویدا؛ آقایی، پروین. (۱۳۸۳). عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی مستقل از دیدگاه حسابرسان مستقل و استفاده‌کنندگان. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۱(۴)، ۵۳-۷۶.
- محمدرضایی، فخرالدین؛ فرجی، امید. (۱۳۹۸). معمای سنجش کیفیت حسابرسی در پژوهش‌های آرشویی: نقد و ارائه پیشنهادات برای محیط پژوهشی ایران، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۱(۱۶)، ۵۱-۷۰.
- موسوی شیری، سید محمود؛ کبیریان‌زاده، محبوبه. (۱۴۰۱). تنوع حسابرسان امضاکننده بر کیفیت حسابرسی. *علوم انسانی و اسلامی در هزاره سوم زمستان*، ۶(۱)، ۶۰-۷۸.

References

- Al-Hadrami A; Rafiki A; Sarea A. (2020). The impact of an audit committee's independence and competence on investment decision: A study in Bahrain. *Asian Journal of Accounting Research*, Vol.5, No 2, PP. 299-313.
- Al-Qatamin. Z, Salleh. (2020). Audit quality: A literature overview and research synthesis. *Journal of Business and Management*, Vol. 22, No. 2, PP. 56-66.
- Carolita, M.K & Rahardjo, S.N. (2012). Pengaruh penga laman kerja, independensi, objektifitas, integritas, kompetensi, dan komitmen organisasi terhadap kualitas hasil audit. *Diponegoro Journal of Accounting*, Vol. 1, No. 1, PP. 1-11, <http://ejournal-s1.undip.ac.id/index.php/accounting>.
- Chen, K. Y., Lin, K. L., & Zhou, J. (2005). Audit quality and earnings management for Taiwan IPO firms. *Managerial Auditing Journal*, Vol. 20, No. 1, PP. 86-104.
- DeAngelo, L. (1981). Auditor Size and Audit Quality. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 3, No. 3, PP. 183-199.
- DeAngelo, L. E. (1981). Auditor independence, low balling and disclosure regulation. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 3, No. 2, PP. 113-127.
- DeFond, M. & J. Zhang. (2014). A review of archival auditing research. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 58, No. 2-3, PP. 275-326.
- Eshleman, J.D. & Guo, P. (2014). Abnormal Audit Fees and Audit Quality: The Importance of Considering Managerial Incentives in Tests of Earnings Management. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 33(1), p.117-138
- Faysal S., Salehi M., & Moradi M. (2021). Impact of corporate governance mechanisms on the cost of equity capital in emerging markets. *Journal of Public Affairs*, Vol. 21, No. 2.

- International Auditing and Assurance Standards Board (IAASB). (2014). A framework for audit quality Key elements that create an environment for audit quality. <http://www.ifac.org/system/files/publications/files/A-Framework-forAudit-Quality-Key-Elements-that-Create-an-Environment-for-Audit-Quality-2.pdf>.
- International Forum of Independent Audit Regulators (IFIAR). (2015, March 3). Report on 2014 survey of inspection findings. <https://www.ifiar.org/?wpdmdl=2064>.
- Johnson, V. E., Khurana, I. K. & Reynolds, J. K. (2002). Audit-firm tenure and the quality of financial reports. *Contemporary Accounting Research*, Vol. 19, No. 4, PP. 637–660.
- Krishnan, J., & Schauer, P. C. (2000). The differentiation of quality among auditors: Evidence from the not-for-profit sector. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 19, No. 2, PP. 9-25.
- Kronenberger, S. & Plietzsch, E. (2017). The auditor's reputation and its effect on audit quality and audit premia. *Discussion paper, German Economic Association of Business Administration*.
- Lennox, C. & Pittman, J. (2010). Big Five audits and accounting fraud. *Contemporary Accounting Research*, Vol. 27, No. 1, PP. 209–247.
- Lennox, C., & Wu, J. Sh. (2022). A review of China-related accounting research in the past 25 years. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 74, No. 2-3, PP. 1-51.
- Lennox, C., Wang, Z. T., & Wu, Xi. (2018). Earnings management, audit adjustments, and the financing of corporate acquisitions: Evidence from China. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 65, No. 1, PP. 21-40.
- Liou, F. & Yang, C. (2008). Predicting business failure under the existence of fraudulent financial reporting. *International Journal of Accounting and Information management*, Vol. 16, No. 1, PP. 74-86.
- Maguire, M., & Delahunt, B. (2017). Doing a Thematic Analysis: A Practical, Step-by-Step Guide for Learning and Teaching Scholars. *All Ireland Journal Of Higher Education (AISHEJ)*, Vol. 9, No. 3, PP. 3351-3364, URL: <http://ojs.aishe.org/index.php/aishe-j/article/view/335>.
- Okolie, A. O. (2014). Accrual – Based Earnings Management, Corporate Policies and Managerial Decisions of Quoted Companies in Nigeria. *Research Journal of Finance and Accounting*. Vol. 5, No. 2, PP. 1-14, <https://www.iiste.org/Journals/index.php/RJFA/article/view/10674>.
- Salloum C., Azzi G., & Gebrayel E. (2014). Audit committee and financial distress in the Middle East context: Evidence of the Lebanese financial institutions. *International Strategic Management Review*, Vo. 2, No. 1, PP. 39–45.
- Schein, E. H. (2017). *Organizational culture and leadership* (Vol. 5). Wiley – The Jossey-Bass Business & Management Series.

- Singh, S.K., Gupta, S., Busso, D. & Kamboj, S. (2021). Top management knowledge value, knowledge sharing practices, open innovation and organizational performance. *Journal of Business Research*, Vol. 128, No. 1, PP. 788-798.
- Sukriah. (2009). Pengaruh pengalaman kerja, independensi, obyektifitas, integritas dan kompetensi terhadap kualitas hasil pemeriksaan. Paper presented at the Simposium Nasional Akuntansi XII (SNA12), Universitas Sriwijaya,
- Sun, J., Wang, J., Kent, P. & Qi, B. (2020). Does sharing the same network auditor in group affiliated firms affect audit quality?. *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 39, No. 1, PP. 106711.
- Zureigat. Q M. (2011). The Effect of Ownership Structure on Audit Quality: Evidence from Jordan. *International Journal of Business and Social Science*. Vol. 2, No. 10, PP. 38-46.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

The Effect of Emotional Intelligence Skills on Reduced Audit Quality Behaviors¹

Mohammad Hossein Setayesh², Elias Dehdari³, Mina Sadeghi⁴,
Younes Masoudi⁵

Received: 2024/06/19

Accepted: 2024/09/27

Research Paper

Abstract

The auditor's behaviors during the audit process significantly affect the concerns related to reducing the effectiveness of the collected evidence and the quality of the audit. Understanding this issue can identify potential risks and adjust the auditor's behavior to improve audit quality. Therefore, this article seeks to answer the question of whether emotional intelligence competencies can affect Reduced Audit Quality Behaviors or not. From the perspective of the result of its implementation, the current research is of an applied type, from the perspective of the implementation process, it is part of quantitative research, and from the perspective of the implementation goal, it is descriptive and survey. The tool used in this type of research is a questionnaire. The statistical population of this research consists of partners, managers, and chartered accountants in the employment of auditing institutions that are members of the Iranian Chartered Accountants Society, which according to the website of the Chartered Accountants Society of Iran in 1402 were equal to 416 people, although in the end 204 questionnaires were tested. The results of the research show that optimism, self-awareness, and empathy hurt audit quality-reducing behaviors, and self-management and flexibility do not affect audit quality-reducing behaviors. Therefore, according to the obtained results, it can be stated that emotional intelligence affects reducing the Reduced Audit Quality Behaviors.

Keyword: Emotional Intelligence, Optimism, Self-Awareness, Self-Management, Reduced Audit Quality Behaviors.

JEL Classification: G40, M42.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.47477.3262

2. Professor, Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran. (Corresponding Author). (setayesh@shirazu.ac.ir).

3. Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran. (el.dehdari@gmail.com).

4. Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran. (mina_sadeghi96@yahoo.com).

5. Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran. (younes.masoudi@mail.um.ac.ir).

تأثیر شایستگی‌های هوش هیجانی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابداری^۱

محمدحسین ستایش^۲، الیاس دهداری^۳، مینا صادقی^۴، یونس مسعودی^۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۶

مقاله پژوهشی

چکیده

رفتارهای حسابداری در طول فرآیند حسابداری، به طور قابل توجهی بر نگرانی‌های مربوط به کاهش اثربخشی شواهد جمع‌آوری شده و کیفیت حسابداری نقش دارد. درک این موضوع، می‌تواند خطرات بالقوه را شناسایی کرده و رفتارهای حسابداری را برای بهبود کیفیت حسابداری تنظیم نمود. لذا این مقاله در پی پاسخ به این سؤال است که آیا شایستگی‌های هوش هیجانی می‌تواند بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابداری اثرگذار باشد یا خیر؟ پژوهش حاضر از منظر نتیجه اجرای آن، از نوع کاربردی، از منظر فرآیند اجرا، جزء پژوهش‌های کمی و از منظر هدف اجرا، توصیفی و پیمایشی است. ابزار مورد استفاده در این نوع پژوهش، پرسشنامه است. جامعه آماری این پژوهش را شرکاء، مدیران و حسابداران رسمی در استخدام موسسه‌های حسابداری عضو جامعه حسابداران رسمی رتبه الف ایران تشکیل می‌دهد که بر اساس سایت جامعه حسابداران رسمی ایران در سال ۱۴۰۲ برابر با ۴۱۶ نفر بوده‌اند، هرچند در نهایت ۲۰۴ پرسشنامه مورد آزمون قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که خوش بینی، خودآگاهی و همدلی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابداری به گونه‌ای منفی اثرگذار است و خودمدیریتی و انعطاف‌پذیری بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابداری اثرگذار نمی‌باشد. لذا با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان بیان نمود که هوش هیجانی بر کاهش رفتارهای کاهنده کیفیت حسابداری اثرگذار است.

واژه‌های کلیدی: هوش هیجانی، خوش بینی، خودآگاهی، خودمدیریتی، رفتارهای کاهنده کیفیت حسابداری.

طبقه‌بندی موضوعی: G40, M42.

10.22051/JERA.2024.47477.3262 .doi

۲. استاد، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول). (setayesh@shirazu.ac.ir).

۳. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (el.dehdari@gmail.com).

۴. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (mina_sadeghi96@yahoo.com).

۵. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (younes.masoudi@mail.um.ac.ir).

https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

هیجان‌ها همیشه مورد توجه انسان بوده‌اند، زیرا در هر اقدام مهم بشری به نوعی نقش دارند. بنابراین شناسایی، کاربرد، مدیریت و کنترل از هیجان‌ها بخش عمده‌ای از تلاش روزمره ما برای تعاملات اجتماعی است. پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهند که بررسی‌ها و مطالعات در مورد هوش هیجانی به عنوان موضوعی جدید و مهم به صورتی جدی و مستمر از اواخر قرن بیستم با پژوهش‌های بار-اون^۱، (۱۹۸۸) آغاز گردیده است که هنوز ادامه دارد. هوش هیجانی، به توانایی فرد در تشخیص، درک و مدیریت احساسات خود و دیگران اشاره دارد که آن را می‌توان زیرمجموعه‌ای از روانشناسی مثبت‌گرا دانست که دانشمندان بسیاری از جمله پیتر سالووی، بار-اون، دانیل گلمن و مارتین سلینگمن برای توسعه‌ی آن زحمت کشیده‌اند. در تعریفی دیگر، هوش هیجانی به توانایی افراد در درک احساسات خود و احساس توانایی برای تنظیم روابط خود و روابط میان فردی و همچنین سازگاری با محیط خاص اشاره دارد (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۹). بسیاری از محققان نشان داده‌اند که هوش هیجانی می‌تواند بسیاری از پیامدهای مربوط به کار را پیش بینی کند. روئیز-آریزا^۲ و همکاران (۲۰۱۸) هوش هیجانی را یکی از عواملی می‌دانند که می‌تواند با شایستگی حرفه‌ای رابطه داشته باشد. هوش هیجانی عبارت است از مجموعه‌ای از قابلیت‌های مرتبط به درک و فهم، تنظیم و مهار احساسات و عواطف خود و دیگری که مستلزم ظرفیت ذهنی برای کنترل و به کارگیری احساسات به شکل عاقلانه است.

رفتارهای حسابرس در طول فرآیند حسابرسی در ضعف حسابرس در کشف تحریف‌ها نقش دارد (دی آنجلو^۳، ۱۹۸۱). رفتارهای کاری به طور قابل توجهی نگرانی‌های مربوط به کیفیت حسابرسی را در طول فرآیند حسابرسی کاهش داد (هریباخ^۴، ۲۰۰۱) همچنین رفتارهایی ناکارآمد هستند که می‌توانند به طور مستقیم کیفیت حسابرسی را کاهش دهند و به عنوان رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی نامیده می‌شوند (دانلی^۵ و همکاران، ۲۰۰۳، کورام^۶ و همکاران، ۲۰۰۸، آنوگراه^۷ و همکاران، ۲۰۱۶). رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی با کاهش کیفیت کار حسابرسی می‌تواند نظر حسابرسی نامناسب ایجاد کند که رفتاری غیراخلاقی است

1. Bar- On
2. Royai, Ramzan
3. DeAngelo
4. Herrbach
5. Donnelly
6. Coram
7. Anugerah

(کورام و همکاران، ۲۰۰۸). رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی به عنوان رفتار حسابرسان در طول توافقات قراردادی تعریف می‌شود که اثربخشی شواهد جمع‌آوری شده را کاهش می‌دهد، مانند از کار زدن و کاهش کار، پذیرش توضیحات ضعیف مشتری، بررسی اسناد و مدارک مشتری بصورت سطحی و صوری و جایگزینی روش‌های حسابرسی (مالون^۱ و رابرتز^۲، ۱۹۹۶، هرباخ، ۲۰۰۱، خلیل^۳ و نهمه^۴، ۲۰۲۱، آنلین^۵، ۲۰۲۲)

مسئله‌ای که انجام این پژوهش را توجیح می‌کند وجود نظریه‌های موافق و مخالف مبنی بر تاثیر شایستگی‌های هوش هیجانی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی است. بنابراین، این مقاله با توسعه شناخت عواملی که می‌تواند رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی را کاهش دهد و موثر بر تعاملات بین حسابرس و صاحبکار است، به پر کردن شکاف ادبیات کمک می‌کند. لذا، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است که آیا شایستگی‌های هوش هیجانی می‌تواند بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی اثرگذار باشد یا خیر؟ به منظور پاسخ به پرسش اصلی پژوهش پس از تدوین فرضیه‌ها مطابق با چارچوب نظری، مدل‌های رگرسیونی هر فرضیه تهیه و اقدام به تحلیل و نتیجه‌گیری از آن شده است. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند شواهدی را از میزان تاثیر شایستگی‌های هوش هیجانی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی ارائه دهد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

هوش امکان استفاده از حافظه، دانش، تجربه، درک، استدلال، تخیل و قضاوت را به منظور حل مشکلات و انطباق با موقعیت‌های جدید در سازمان فراهم می‌کند (لگک و هاتر، ۲۰۰۷). شایستگی‌ها، دیدگاه رفتاری درباره هوش هیجانی، اجتماعی، و شناختی هستند. (پالایما و اسکارزوسکینه، ۲۰۱۰). شایستگی‌های هوشی ترکیبی است از شایستگی هوش عاطفی، شایستگی هوش اجتماعی و شایستگی هوش شناختی است (بویاتزیس و رأتی، ۲۰۰۹). هوش هیجانی یک مفهوم به نسبت جدید و رو به گسترش است که برای بسیاری از رشته‌ها مانند تجارت، مدیریت و محیط کار بسیار حیاتی است و می‌تواند بر موفقیت کارکنان در یک سازمان

1. Malone
2. Roberts
3. Khalil
4. Nehme
5. Annelin

اثر مثبتی بگذارد (گلمن، ۲۰۰۱) توجه به هیجان‌ها و کاربرد مناسب آن در روابط انسانی، تسلط بر خواسته‌های لحظه‌ای، اندیشه و شناخت، موضوع هوش هیجانی است (مایر^۱، ۱۹۹۹). هوش هیجانی به توانایی‌های فرد برای دانستن هیجان‌های خود و مدیریت آن‌ها، انگیزش، شناخت هیجان‌های دیگران و اداره نمودن روابط اشاره دارد (بویاتزیس و همکاران، ۲۰۰۸). هوش هیجانی مجموعه‌ای از توانایی‌های مرتبط با پردازش هیجان‌ها و اطلاعات هیجان تعریف می‌شود (دانایی فرد و همکاران، ۲۰۱۲) شایستگی هوش هیجانی به توانایی تشخیص، درک و فهم و توانایی اطلاعات عاطفی با دیگران با هدف رهبری یا عملکرد موثرتر تعریف می‌شود (بویاتزیس^۲ و همکاران، ۲۰۰۹). در دهه‌های گذشته، هوش هیجانی براساس متداول‌ترین مدل‌های نظری پیشرفت کرده و توسعه یافته است (کاستا^۳ و فاریا^۴، ۲۰۲۰). از زمان مفهوم سازی هوش هیجانی سه مدل برای ساختار هوش هیجانی پیشنهاد شده است؛ مدل‌های توانایی با تاکید بر منشا کاملاً عقلایی (مایر و سالووی^۵، ۱۹۹۷)، مدل‌های غیرشناختی با تاکید بر سلامت روانی افراد (بار - اون، ۱۹۹۷) که هوش هیجانی را مجموعه‌ای از توانایی‌های غیرشناختی، شایستگی‌ها و مهارت‌ها برای دستیابی به موفقیت در مقابله با فشارهای محیطی و مدل‌های شایستگی با تاکید بر عملکرد سازمانی تعریف می‌کند (گلمن، ۲۰۰۱). ویزنگر^۶ (۲۰۰۶)، مولفه‌های هوش هیجانی را شامل خودآگاهی، خودمدیریتی، خودانگیزگی، ارتباطات، و جهت‌دهی هیجان‌ها می‌داند. گلمن^۷ (۱۹۹۵)، ابعاد هوش هیجانی را شامل خودآگاهی، مهارت‌های خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی معرفی می‌کند. بویاتزیس و همکاران (۲۰۰۰)، مولفه‌های هوش هیجانی را شامل خودآگاهی، خودمدیریتی، خودنظم‌دهی، انگیزش، همدلی، ارتباط با دیگران، و تنظیم روابط می‌دانند. پالایما^۸ و اسکرزاسکرین^۹ (۲۰۱۰)، بر اساس بویاتزیس (۲۰۰۸)، و بویاتزیس و گلمن (۲۰۰۷)، ابعاد شایستگی‌های هوش هیجانی را شامل خودآگاهی و خودکنترلی، خوشبینی، همدلی، مدیریت استرس، انعطاف پذیری و تحمل اشاره می‌کنند.

1. Mayer
2. Boyatzis
3. Costa
4. Faria
5. Salovey
6. Weisinger
7. Goleman
8. Palaima
9. Skaržauskienė

مهمترین شاخص اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، حسن شهرت حسابرس و اندازه مؤسسه حسابرسی است (ستایش و صیادی، ۱۳۹۶)، رفتارهای غیر حرفه‌ای کاهنده کیفیت حسابرسی که ناشی از اعمال حسابرسان در طی دوره حسابرسی است، سبب کاهش اثربخشی در جمع‌آوری شواهد حسابرسی می‌شود. این رفتارها کیفیت حسابرسی را تحت تأثیر قرار داده و نیز به اعتبار حرفه خدشه وارد می‌کند. کیفیت مدارک در حرفه حسابرسی همیشه در اولویت بوده است. اغلب تحقیقات تجربی حسابرسی، کیفیت حسابرسی را به عنوان معیاری از کیفیت شواهد گردآوری شده برای پشتیبانی از اظهارنظر حسابرسی تعریف کرده‌اند (انجمن حسابداران رسمی آمریکا، ۲۰۰۶). رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی از دیدگاه‌ها و ادبیات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است: هیجان اخلاقی (کورام و همکاران، ۲۰۰۸) ویژگی‌های شخصیتی، کنترل کیفیت درک شده (مالون و رابرتز، ۱۹۹۶) بودجه زمانی (نهمه و همکاران، ۲۰۲۱)، تعهد عاطفی (هرباخ، ۲۰۰۱)، منع کنترل، تعهد سازمانی (آنیوگراه و همکاران، ۲۰۱۶)، ابهام در نقش حسابرس (امیرالدین، ۲۰۱۹)، تیم حسابرسی (آنلین، ۲۰۲۲)، هوش هیجانی (گاسپار^۱ و همکاران، ۲۰۲۲) و تجربه حسابرِس، حجم کار، شک و تردید حرفه‌ای (عارف‌الدین و ایندریجاواتی، ۲۰۲۰).

رفتار کاهنده کیفیت حسابرسی و توانایی کشف تقلب توسط حسابرس، به رفتار آن‌ها در طول فرآیند حسابرسی بستگی دارد. همچنین، رفتارهای حسابرس در طول فرآیند حسابرسی بر توانایی حسابرس در کشف تحریف‌ها اثر منفی دارد (دی آنجلو، ۱۹۸۱). به عنوان مثال، مشغله شرکای حسابرسی، باعث کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود (پورحیدری و همکاران، ۱۴۰۳). رفتارهای کاری به طور قابل توجهی نگرانی‌های مربوط به کیفیت حسابرسی را در طول فرآیند حسابرسی کاهش داد (هرباخ، ۲۰۰۱)، همچنین رفتارهایی ناکارآمد هستند که می‌توانند به طور مستقیم کیفیت حسابرسی را کاهش دهند و به عنوان رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی نامیده می‌شوند (دانلی و همکاران، ۲۰۰۳، کورام و همکاران، ۲۰۰۸، آنیوگراه و همکاران، ۲۰۱۶).

با افزایش هوش هیجانی عملکرد حسابرسان افزایش می‌یابد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۷ و ملکی و ساعدی، ۱۴۰۱). هوش هیجانی بالا به قوانین اخلاقی حرفه‌ای پایبند است (سویونو^۲ و فاروک^۳، ۲۰۱۹). حسابرسانی که اخلاق حرفه‌ای را به کار می‌گیرند، به طور موثر از رفتارهای

1. Gaspar
2. Suyono
3. Farooque

کاهنده کیفیت حسابرسی اجتناب می‌کنند (لو^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). اسمیت^۲ و امرسون^۳ (۲۰۱۷) به طور تجربی دریافتند که حساب‌رسان با خویش‌ترن داری بالا در غلبه بر ضعف عاطفی، رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی کمتری دارند. علاوه بر این، فردی با هوش هیجانی بالا رفتار کاری معکوس کمی خواهد داشت که این در رفتار کاهنده کیفیت حسابرسی اثر منفی دارد (کاندی^۴ و بادار^۵، ۲۰۲۱). نصیر و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان مطالعه ادراکی رابطه بین هوش هیجانی و عملکرد شغلی در میان کارکنان بخش آموزش عالی در عربستان سعودی، دریافتند که هوش هیجانی بر عملکرد حسابرسی تأثیر مثبت می‌گذارد. حساب‌رسان با عملکرد بالا از رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی جلوگیری می‌کنند و توانایی خود را برای کشف تقلب افزایش می‌دهند. عالی پور و زنگنه (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان مطالعه انجام شده از عوامل موثر بر توانایی کشف تقلب از طریق رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی به این نتیجه رسیدند که هوش هیجانی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی اثر منفی دارد. حمصیان و حاجیان (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان تبیین مدل کیفیت اظهار نظر حسابرسی مبتنی بر هوش اخلاقی، هوش معنوی و پیشینه رفتاری شرکای حسابرسی به این نتیجه رسیدند که هوش معنوی و هوش اخلاقی و پیشینه رفتاری بر کیفیت اظهار نظر حسابرس تأثیر مستقیم دارند. یولیانتی^۶ و همکاران (۲۰۲۳) با مطالعه تأثیر تعهد حرفه‌ای، تعهد به اخلاق، منبع کنترل درونی و هوش هیجانی بر توانایی کشف تقلب از طریق رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی به این نتیجه رسیدند که هوش هیجانی در کاهش رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی و افزایش توانایی کشف تقلب بسیار مهم می‌شود. علاوه بر این، نهادهای دولتی از طریق آموزش قاطعیت در هوش هیجانی حساب‌رسان داخلی و منبع کنترل داخلی نقش دارند. این تحقیق نشان داد که هوش هیجانی بالا بر کاهش رفتار کاهنده کیفیت حسابرسی و توانایی کشف تقلب تأثیر مثبت دارد. تحقیق مذکور دیدگاه کاور^۷ و همکاران (۲۰۲۳)، نهمه (۲۰۲۱)، سوینو و فاروگک (۲۰۱۹) و اسمیت و امرسون (۲۰۱۷) را پشتیبانی می‌کند. فردی با هوش هیجانی بالا تمایل به آرامش، اعتماد به نفس و مقاومت در

1. Lou
2. Smith
3. Emerson
4. Kundi
5. Badar
6. Yulianti
7. Kaur

برابر استرس دارد (هلریگل و اسلوکام، ۲۰۱۱) براساس چنین درکی، حتی در صورتیکه مانعی در انجام وظیفه حسابرسی وی وجود داشته باشد، حسابرسان حرفه‌ای عمل می‌کنند و به استانداردهای حرفه‌ای رایج و اخلاق حرفه‌ای پایبند خواهند بود. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که در کیفیت اظهارنظر حسابرس نسبت به صورتهای مالی که نیاز به قضاوت حرفه‌ای دارد، عامل هوش هیجانی دارای اهمیت بالایی باشد. بنابراین، حسابرسان برای انجام بهتر حسابرسی و تلاش بهینه برای کسب شواهد حسابرسی مرتبط، به هوش هیجانی بالایی نیاز دارند. علاوه بر این، آنها از رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی جلوگیری می‌کنند.

فرضیه‌های پژوهش

برای سنجش شایستگی‌های هوش هیجانی مشارکت کنندگان در پژوهش، از پرسش‌نامه بار - اون، (۱۹۹۷) استفاده شده است. همچنین از پرسشنامه رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی محققین قبلی (مانند پژوهش رویائی و همکاران، ۱۳۹۲، کرام و همکاران، ۲۰۰۸ و هرباچ، ۲۰۰۱) برای اندازه‌گیری رفتارهای مزبور مورد استفاده و سنجش قرار گرفته است. بر این اساس، فرضیه اصلی پژوهش و فرضیه‌های مرتبط با آن به شرح زیر تدوین گردید:

فرضیه اصلی پژوهش

هوش هیجانی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی به گونه‌ای منفی تأثیرگذار است.

فرضیه‌های فرعی پژوهش

۱. خوش بینی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی به گونه‌ای منفی تأثیرگذار است.
۲. خودآگاهی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی به گونه‌ای منفی تأثیرگذار است.
۳. خودمدیریتی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی به گونه‌ای منفی تأثیرگذار است.
۴. همدلی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی به گونه‌ای منفی تأثیرگذار است.
۵. انعطاف‌پذیری بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی به گونه‌ای منفی تأثیرگذار است.

روش پژوهش

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از دو روش عمده استفاده شد، ابتدا برای تبیین ادبیات نظری پژوهش، با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای به جمع‌آوری مبانی نظری مبادرت گردید.

پس از مطالعه نظری، با استفاده از پرسش‌نامه، داده‌های مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش، جمع‌آوری شد.

پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و از نوع توصیفی است که در طی مراحل اجرای آن به دنبال توصیف تأثیر متغیرهای پژوهش است. جامعه آماری این پژوهش را شرکاء، مدیران و حسابداران رسمی در استخدام موسسه‌های حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی رتبه الف ایران تشکیل می‌دهد که بر اساس سایت جامعه حسابداران رسمی ایران در سال ۱۴۰۲ برابر با ۴۱۶ نفر بوده‌اند. با توجه به جامعه مورد نظر و استفاده از فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه، باید حداقل شامل ۱۹۹ پرسشنامه جمع‌آوری شده باشد که پس از انتشار ۳۰۰ پرسشنامه به صورت حضوری و آنلاین، از مجموع ۲۲۱ پرسشنامه دریافتی، ۲۰۴ پرسشنامه مورد تایید برای انجام آزمون‌های آماری قرار گرفت.

سنجه‌های متغیرهای پرسشنامه پژوهش به شرح زیر است:

مؤلفه	زیرمؤلفه	شماره سوال‌ها
شایستگی‌های هوش هیجانی	خوش بینی	۱-۶
	خودآگاهی	۷-۱۲
	خودمدیریتی	۱۳-۱۷
	همدلی	۱۸-۲۳
	انعطاف پذیری	۲۴-۲۹
رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی	رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی	۳۰-۳۹

در این پژوهش روایی پرسشنامه از طریق روش روایی صوری با استفاده از نظرات اصلاحی بررسی شده است، بدین نحوه که پرسشنامه مقدماتی برای هشت نفر از اشخاص صاحب نظر ارسال و از پرسش‌شوندگان درخواست شده ضمن تکمیل آن، نظرات خود را در خصوص محتوای پرسشنامه اعلام نمایند. پس از دریافت پاسخ‌ها، اصلاحات پیشنهادی انجام و پرسشنامه نهایی تهیه و مورد استفاده قرار گرفت. پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از آلفای کرونباخ آزمون شده است، که مقدار آن برابر با ۰/۸۱ بوده است، این میزان از آلفای کرونباخ نشان می‌دهد که پایایی پرسشنامه در حد قابل قبولی است و می‌توان به دقت نتایج حاصل از آن اعتماد کرد.

برای تعیین رابطه همبستگی و انجام آزمون فرض همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته، از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t، آنالیز واریانس و تجزیه تحلیل رگرسیون چند متغیره در سطح اطمینان ۹۵٪ استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

الف. آمار توصیفی

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی

متغیر	گزینه	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۸۱	۳۹/۷۰
	مرد	۱۲۳	۶۰/۳۰
سن	زیر ۳۰ سال	۱۳	۶/۴۰
	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	۱۵۸	۷۷/۵۰
	بین ۴۰ تا ۵۰ سال	۱۷	۸/۳۰
	بیشتر از ۵۰ سال	۱۶	۷/۸۰
سطح تحصیلات	کارشناسی	۶۷	۳۲/۸۰
	کارشناسی ارشد	۱۰۰	۴۹/۰۰
	دکتری	۳۷	۱۸/۲۰
سابقه‌ی کار	زیر ۵ سال	۳۹	۱۹/۱۰
	۵ تا ۱۰ سال	۵۱	۲۵/۰۰
	۱۰ تا ۱۵ سال	۹۸	۴۸/۰۰
	بیش از ۱۵ سال	۱۶	۷/۹۰

جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت شناختی مربوط به پژوهش را نشان می‌دهد. از ۲۰۴ پاسخ‌دهنده ۸۱ نفر آن‌ها زن و ۱۲۳ نفر مرد بودند که از این تعداد ۱۳ نفر زیر ۳۰ سال، ۱۵۸ نفر بین ۳۰ تا ۴۰ سال، ۱۷ نفر بین ۴۰ تا ۵۰ سال و ۱۶ نفر بیش از ۵۰ سال سن داشته‌اند. از نظر سطح تحصیلات ۶۷ نفر دارای مدرک کارشناسی، ۱۰۰ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۳۷ نفر دارای مدرک دکتری بوده‌اند. همچنین از نظر سابقه‌ی کار ۳۹ نفر دارای سابقه‌ی زیر ۵ سال، ۵۱ نفر دارای سابقه‌ی ۵ تا ۱۰ سال، ۹۸ نفر دارای سابقه‌ی ۱۰ تا ۱۵ سال و ۱۶ نفر دارای سابقه‌ی بیش از ۱۵ سال بوده‌اند.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

گویه	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
خوش بینی	۲۰۴	۱۸/۰۰	۲۷/۰۰	۲۱/۴۰	۲/۱۶	۱/۱۹	۱/۴۳
خودآگاهی	۲۰۴	۱۶/۰۰	۲۶/۰۰	۲۰/۵۲	۲/۴۵	۰/۲۲	-۰/۱۴
خودمدیریتی	۲۰۴	۱۳/۰۰	۲۵/۰۰	۱۶/۰۵	۲/۶۰	۱/۵۸	۳/۸۳
همدلی	۲۰۴	۲۰/۰۰	۳۰/۰۰	۲۵/۰۶	۲/۱۶	-۰/۴۴	۰/۲۵
انعطاف پذیری	۲۰۴	۱۵/۰۰	۲۶/۰۰	۱۸/۹۰	۲/۸۰	۰/۷۶	۰/۳۶
هوش هیجانی	۲۰۴	۹۴/۰۰	۱۲۹/۰۰	۱۰۱/۹۴	۷/۸۲	۱/۸۱	۳/۹۷
رفتارهای کاهنده	۲۰۴	۱۰/۰۰	۲۶/۰۰	۱۸/۶۴	۳/۷۶	۰/۱۶	-۰/۰۳

جدول ۲ آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه شامل حداقل، حداکثر، میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی را نشان می‌دهد. باتوجه به این که مقدار چولگی مشاهده شده برای تمامی متغیرها در بازه (۲و-) قرار دارد، بنابراین از لحاظ چولگی نرمال هستند و توزیع آنها متقارن است، همچنین مقدار کشیدگی نیز برای تمامی متغیرها به جز خودمدیریتی و هوش هیجانی در بازه (۲و-) قرار دارد، لذا توزیع متغیرهای خوش بینی، خودآگاهی، همدلی، انعطاف و رفتارهای کاهنده از کشیدگی نرمال نیز برخوردار است.

ب. آمار استنباطی و نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. باتوجه به این موضوع که فرضیه‌های پژوهش به صورت یک طرفه نوشته شده است، لذا برای نتیجه‌گیری نهایی سطح معناداری (sig) هر فرضیه بر دو تقسیم گردید.

جدول ۳. آزمون همبستگی پیرسون

رفتارهای کاهنده	هوش هیجانی	خوش بینی	خودآگاهی	خودمدیریتی	همدلی	انعطاف پذیری	تعداد	همبستگی پیرسون	همبستگی پیرسون
۱	-۰/۱۶۴	-۰/۳۸۰	۰/۳۶۷	-۰/۰۰۶	-۰/۴۹۵	-۰/۰۹۹	۲۰۴	همبستگی پیرسون	همبستگی پیرسون
	۰/۰۰۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۶۵	۰/۰۰۰	۰/۰۸۱	۲۰۴	ضریب (sig)	ضریب (sig)
	۲۰۴	۲۰۴	۲۰۴	۲۰۴	۲۰۴	۲۰۴	۲۰۴	تعداد	تعداد
	۱	۰/۵۹۳	۰/۵۰۲	۰/۷۷۹	۰/۶۱۱	۰/۷۰۴	۲۰۴	همبستگی پیرسون	همبستگی پیرسون

انعطاف پذیری	همدلی	خودمدیریتی	خودآگاهی	خوش‌بینی	هوش هیجانی	رفتارهای کاهنده	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰			ضریب (sig)
۲۰۴	۲۰۴	۲۰۴	۲۰۴	۲۰۴	۲۰۴		تعداد
۰/۲۱۴	۰/۴۲۴	۰/۴۶۵	-۰/۱۰۱	۱			همبستگی پیرسون
۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۷۷				ضریب (sig)
۲۰۴	۲۰۴	۲۰۴	۲۰۴	۲۰۴			تعداد
۰/۱۲۴	۰/۳۱۸	۰/۲۵۵	۱				همبستگی پیرسون
۰/۰۳۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰					ضریب (sig)
۲۰۴	۲۰۴	۲۰۴	۲۰۴				تعداد
۰/۵۶۹	۰/۱۲۵	۱					همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	۰/۰۳۶						ضریب (sig)
۲۰۴	۲۰۴	۲۰۴					تعداد
۰/۲۱۵	۱						همبستگی پیرسون
۰/۰۰۱							ضریب (sig)
۲۰۴	۲۰۴						تعداد
۱							همبستگی پیرسون
							ضریب (sig)
۲۰۴							تعداد

فرضیه فرعی اول: خوش‌بینی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی به گونه‌ای منفی تأثیر گذار است. همان‌گونه که مشاهده می‌گردد سطح معناداری (sig) کمتر از ۰/۰۵ و علامت همبستگی منفی است، بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان بیان نمود که خوش‌بینی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی اثر منفی دارد. لذا با توجه به توضیحات فوق فرضیه فرعی اول پژوهش تایید می‌شود.

فرضیه فرعی دوم: خودآگاهی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی به گونه‌ای منفی تأثیر گذار است.

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد سطح معناداری (sig) کمتر از ۰/۰۵ و علامت همبستگی مثبت است، بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان بیان نمود که خودآگاهی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی اثر مثبت دارد. لذا با توجه به توضیحات فوق فرضیه فرعی دوم پژوهش رد می‌شود. با این وجود با توجه به نتایج حاصل شده، ارتباط بین این دو متغیر تایید می‌شود.

فرضیه فرعی سوم: خودمدیریتی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی به گونه‌ای منفی تأثیرگذار است.

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد سطح معناداری (sig) بیشتر از ۰/۰۵ است، بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان بیان نمود که خودمدیریتی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی اثرگذار نمی‌باشد. لذا با توجه به توضیحات فوق فرضیه فرعی سوم پژوهش رد می‌شود.

فرضیه فرعی چهارم: همدلی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی به گونه‌ای منفی تأثیرگذار است.

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد سطح معناداری (sig) کمتر از ۰/۰۵ و علامت همبستگی منفی است، بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان بیان نمود که همدلی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی اثر منفی دارد. لذا با توجه به توضیحات فوق، فرضیه فرعی چهارم پژوهش تایید می‌شود.

فرضیه فرعی پنجم: انعطاف‌پذیری بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی به گونه‌ای منفی تأثیرگذار است.

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد سطح معناداری (sig) بیشتر از ۰/۰۵ است، بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان بیان نمود که انعطاف‌پذیری بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی اثرگذار نمی‌باشد. لذا با توجه به توضیحات فوق فرضیه فرعی پنجم پژوهش نیز رد می‌شود.

فرضیه اصلی: هوش هیجانی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی به گونه‌ای منفی تأثیرگذار است.

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد سطح معناداری (sig) کمتر از ۰/۰۵ و علامت همبستگی منفی است، بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان بیان نمود که هوش هیجانی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی اثر منفی دارد. لذا با توجه به توضیحات فوق فرضیه اصلی پژوهش تایید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی تاثیر شایستگی‌های هوش هیجانی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابداری پرداخته است. ابتدا شایستگی‌های هوش هیجانی برای اندازه‌گیری به پنج متغیر تفکیک شد و پس از اندازه‌گیری هر یک از آن‌ها و تحلیل آماره‌های توصیفی و استنباطی که در صفحات قبل ارائه گردید، یافته‌هایی قابل انتظار و در مواردی غیر قابل انتظار به دست آمده است. بر اساس یافته‌های پژوهش از مجموع پنج فرضیه فرعی، سه فرضیه فرعی تایید و همچنین فرضیه اصلی پژوهش نیز تایید شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که خوش‌بینی، خودآگاهی و همدلی بر کاهش رفتارهای کاهنده کیفیت حسابداری تأثیر معناداری دارد. در نهایت با اندازه‌گیری متغیرهای هوش هیجانی، مطابق نتایج به دست آمده از پژوهش مشخص شد که هوش هیجانی بر کاهش رفتارهای کاهنده کیفیت حسابداری تأثیر معناداری دارد که با نتایج اسمیت و امرسون، (۲۰۱۷)، سوینو و فارووک، (۲۰۱۹)، کاندی و بادار، (۲۰۲۱)، نهمه، (۲۰۲۱)، نصیر و همکاران (۲۰۲۲)، یولیانتی و همکاران، (۲۰۲۳) و کاتور و همکاران (۲۰۲۳)، مطابقت دارد.

بر اساس نتایج پژوهش به سازمان حسابداری پیشنهاد می‌شود با برگزاری دوره‌های آموزشی، سمینارها و کنفرانس‌های روانشناسی کار، در جهت تقویت مهارت‌های هوش در میان حسابرسان در تمامی سطوح کاری گامی اساسی برداشته، همچنین به مدیران حسابداری در سطح مؤسسات پیشنهاد می‌گردد جهت پرورش هرچه بیشتر مهارت‌های هوشی حسابرسان خود، اقدامات لازم جهت انتقال تجربه و مهارت مبادرت انجام دهند. بدیهی است برخورداری از سطح بالایی از هوش می‌تواند بر بهبود عملکرد حسابرسان بسیار مؤثر باشد.

به پژوهشگران نیز پیشنهاد می‌شود که تاثیر هوش معنوی بر رفتارهای کاهنده کیفیت حسابداری بررسی و با نتایج پژوهش حاضر مقایسه نمایند. همچنین روش‌های آموزش حسابرسان برای مدیریت احساسات خود را بررسی کند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.

منابع

- پورحیدری، امید؛ سلطانی نژاد، احمدصادق؛ سلطانی نژاد، ابراهیم (۱۴۰۳). اثر مشغله شریک حسابرس بر کیفیت حسابرسی، تاخیر گزارش حسابرس و هزینه سرمایه. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*. ۱۴(۱). ۱۱۵-۱۳۸.
- حمصیان کاشانی، زهرا؛ حاجیها، زهره (۱۴۰۲). تبیین مدل کیفیت اظهارنظر حسابرسی مبتنی بر هوش اخلاقی، هوش معنوی و پیشینه رفتاری شرکای حسابرسی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*. ۱۳(۴). ۱۶۵-۱۹۴.
- رویائی، رمضانعلی؛ طالب‌نیا، قدرت‌الله؛ حساس یگانه، یحیی؛ جلیلی، صابر (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین فلسفه اخلاق فردی و ویژگی‌های جمعیت شناختی با رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی. *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت*. ۶(۱۶). ۱۵-۲۶.
- ستایش، محمدحسین؛ صیادی، لیدا (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین جریان‌های نقد آزاد مازاد و مدیریت سود با تاکید بر نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابرسی (شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران). *مجله‌ی پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز*. ۹(۱). ۶۸-۱۰۰.
- سعیدی، الهام؛ صبوری مقدم، حسن؛ هاشمی، تورج (۱۳۹۹). پیش‌بینی رابطه هوش هیجانی و نشخوار خشم با پرخاشگری در دانشجویان دانشگاه تبریز. *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*. ۱۰(۳۸). ۶۵-۸۲.
- صالحی، اله کرم؛ قیصری، طاهر؛ تامرادی، علی (۱۳۹۷). تاثیر هوش هیجانی بر عملکرد حسابرس با نقش واسطه سرمایه فکری. *فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*. ۱(۴). ۶۰-۷۱.
- ملکی، مرضیه؛ ساعدی، رحمان (۱۴۰۱). بررسی رابطه هوش هیجانی با عملکرد حسابرسان. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*. ۲۳(۳). ۲۶۱-۲۶۹.
- عالی پور، نعمت‌اله؛ زنگنه، مهسا (۱۴۰۲). مطالعه انجام شده از عوامل موثر بر توانایی کشف تقلب از طریق رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی. *اولین کنفرانس ملی رهیافت‌های نوین مدیریت، اقتصاد، تجارت جهانی، حسابداری و بانکداری در هزاره سوم*.

Reference

- Adetula, G. A. (2016). Emotional, Social, and Cognitive Intelligence as Predictors of Job Performance among Law Enforcement Agency Personnel. *Journal of Applied Security Research*, 11(2). 149-165.
- Albrecht, K. (2006). *Social Intelligence: The New Science of Success*. John Wiley & Sons.
- Alipour, Nematullah; Zanganeh, Mehssa (2023). A study of factors affecting the ability to detect fraud through behaviors that reduce audit quality. *The first*

- national conference on new approaches to management, economics, world trade, accounting and banking in the third millennium.* (In Persian)
- American Institute of Certified Public Accountants. (2006). *AICPA professional standards*, Vol. 1, New York: AICPA.
- Amiruddin, P.G. (2019), "Mediating effect of work stress on the influence of time pressure, work-family conflict and role ambiguity on audit quality reduction behavior". *International Journal of Law and Management*. 61(2), 434-454.
- Annelin, A. (2022), "Audit team equality and audit quality threatening behaviour". *Managerial Auditing Journal*. Vol. 38 No. 2.
- Anugerah, R; Anita, R; Sari, R.N; Abdillah, M.R. and Iskandar, T.M. (2016), "The analysis of reduced audit quality behavior: the intervening role of turnover intention". *International Journal of Economics and Management*. 10(2), 341-353.
- Arifuddin, H.S.R. and Indrijawati, A. (2020). "Auditor experience, work load, personality type, and professional auditor skepticism against auditor's ability in detecting fraud". *Talent Development and Excellence*. 12 (2). 1878-1890.
- Bar-On, R. (1988), the development of an operational concept of psychological well-being- unpublished doctoral dissertation, *Rhodes University. South Africa*.
- Bar-On, R. (1997). The Emotional Intelligence Inventory (EQ-I): Technical Manual. *Toronto, Canada: Multi-Health Systems*.
- Boyatzis, R. E. & Ratti, F. (2009), "Emotional, social and cognitive competencies distinguishing effective Italian managers and leaders in a private company and cooperatives". *Journal of Management Development*. 28, (9), 821- 833.
- Boyatzis, R. E. (2008). Competencies in the 21st Century. *Journal of Management Development*. 27(1), 5-12. <https://doi.org/10.1108/02621710810840730>.
- Boyatzis, R; & Goleman, D. (2007). Emotional and Social Competency Inventory Version 3. *ESCI User Guide: Hay Group*
- Boyatzis, R; Boyatzis, R. E; & Ratti, F. (2009). Emotional, Social and Cognitive Intelligence Competencies Distinguishing Effective Italian Managers and Leaders in a Private Company and Cooperatives. *Journal of Management Development*, 28(9), 821-838.
- Boyatzis, R; Boyatzis, R. E; & Ratti, F. (2009). Emotional, Social and Cognitive Intelligence Competencies Distinguishing Effective Italian Managers and Leaders in a Private Company and Cooperatives. *Journal of Management Development*, 28(9), 821-838. <https://doi.org/10.1108/02621710910987674>.
- Boyatzis, R; Boyatzis, R. E; & Saatcioglu, A. (2008). A 20-Year View of Trying to Develop Emotional, Social and Cognitive Intelligence Competencies in Graduate Management Education. *Journal of Management Development*, 27(1), 92-108. <https://doi.org/10.1108/02621710810840785>

- Coram, P; Glavovic, A; Ng, J. and Woodliff, D.R. (2008). "The moral intensity of reduced audit quality acts". *Auditing: A Journal of Practice and Theory*. 27(1), 127-149.
- Costa, A; & Faria, L. (2020). Implicit Theories of Emotional Intelligence, Ability and Trait-Emotional Intelligence and Academic Achievement. *Psychological Topics*. 29(1), 43-61.
- Danacefard, H; Salehi, A; Hasiri, A; & Noruzi, M. R. (2012). How Emotional Intelligence and Organizational Culture Contribute to Shaping Learning Organization in Public Service Organizations. *African Journal of Business Management*. 6(5). 1921-1931. <https://doi.org/10.5897/AJBM11.1733>.
- DeAngelo, L.E. (1981), "Auditor size and audit quality". *Journal of Accounting and Economics*. 3 (3), 183-199.
- Donnelly, D.P; Quirin, J.J. and O'Bryan, D. (2003), "Auditor acceptance of dysfunctional audit behavior: an explanatory model using auditors' personal characteristics". *Behavioral Research in Accounting*. 15(1), 87-110.
- Gaspar, J.P; Methasani, R. and Schweitzer, M.E. (2022). "Emotional intelligence and deception: a theoretical model and propositions". *Journal of Business Ethics*, 177(3), 567-584.
- Goleman, D. (1995). *Emotional Intelligence*: Bantam Books.
- Goleman, D. (1998). Emotional intelligence that lead to success. *EI* 2, 9-42.
- Goleman, D. (2001). *An EI-Based Theory of Performance. The Emotionally Intelligent Workplace: How to Select for. Measure. and Improve Emotional Intelligence in Individuals, Groups, and Organizations*. 1(1), 27-44.
- Herrbach, O. (2001), "Audit quality, auditor behavior and the psychological contract". *European Accounting Review*. 10(4). 787-802.
- Homsian Kashani, Zahra; Hajiha, Zahra (2024). Explanation of the audit opinion quality model based on moral intelligence. Spiritual intelligence and behavioral background of audit partners. *Experimental accounting research*. 13(4). 165-194. (in Persian)
- Kaur, B; Sood, K. and Grima, S. (2023). "A systematic review on forensic accounting and its contribution towards fraud detection and prevention". *Journal of Financial Regulation and Compliance*. 31(1). 60-95.
- Khalil, S. and Nehme, R. (2021). "Performance evaluations and junior auditors' attitude to audit behavior: a gender and culture comparative study". *Meditari Accountancy Research*. 31(2), 239-257.
- Kundi, Y.M. and Badar, K. (2021), "Interpersonal conflict and counterproductive work behavior: the moderating roles of emotional intelligence and gender", *International Journal of Conflict Management*, 32(3), 514-534.
- Legg, S; & Hutter, M. (2007). A Collection of Definitions of Intelligence. *Frontiers in Artificial. Intelligence and Applications*, 157(1), 17-24.

- Lou, Z; Wang, C. and Zhang, C. (2018), "Government auditors' ethics commitment and audit quality". *SSRN Electronic Journal*. 1-24
- Maleki, Marzieh; Saedi, Rahman (2022). Investigating the relationship between emotional intelligence and auditors' performance. *Knowledge and research in applied psychology*. 23(3). 261-269. (in Persian)
- Malone, C.F. and Roberts, R.W. (1996), "Factors associated with the incidence of reduced audit quality behaviors". *Auditing: A Journal of Practice and Theory*. 15(2). 49-64.
- Mayer, J. D; Caruso, D. R; & Salovey, P. (1999). Emotional Intelligence Meets Traditional Standards for an Intelligence. *Intelligence*. 27(4), 267- 298. [https://doi.org/10.1016/S0160-2896\(99\)00016-1](https://doi.org/10.1016/S0160-2896(99)00016-1).
- Nasir, S.Z; Bamber, D. and Mahmood, N. (2022). "A perceptual study of relationship between emotional intelligence and job performance among higher education sector employees in Saudi Arabia". *Journal of Organizational Effectiveness*, 10(1), 60-76.
- Nehme, R; Michael, A. and Haslam, J. (2021). "The impact of time budget and time deadline pressures on audit behaviour: UK evidence", *Meditari Accountancy Research*. 30(2). 245-266.
- Palaima, T; & Skaržauskienė, A. (2010). Systems Thinking as a Platform for Leadership Performance in a Complex World. *Baltic Journal of Management*, 5(3), 330-355.
- Pourhydari, Omid; Soltaninejad, Ahmadsadegh; Soltaninejad, Ibrahim (2024). The effect of auditor partner's busyness on audit quality, auditor report delay and capital cost. *Experimental accounting research*. 14(1). 115-138. (in Persian)
- Royai, Ramzan Ali; Talibnia, the power of God; The only sensitive, Yahya; Jalili, Saber (2012). Investigating the relationship between individual moral philosophy and demographic characteristics with behaviors that reduce audit quality. *Management accounting scientific research quarterly*. 6(16). 15-26. (in Persian)
- Ruiz-Ariza, A; Casuso, R. A; Suarez-Manzano, S; & Martínez-López, E. J. (2018). Effect of augmented reality game Pokémon GO on cognitive performance and emotional intelligence in adolescent young. *Computers & Education*, 116, 49-63.
- Ryan, G; Emmerling, R. J; & Spencer, L. M. (2009). Distinguishing High-Performing European Executives: The Role of Emotional, Social and Cognitive Competencies. *The Journal of Management Development*, 28(9), 859-875.
- Saidi, Elham; Sabouri Moghadam, Hassan; Hashemi, Toraj (2019). Predicting the relationship between emotional intelligence and anger rumination with

- aggression in Tabriz University students. *Social psychology research*. 10(38). 65-82. (in Persian)
- Salehi, Allah Karam; Kayseri, Taher; Tamradi, Ali (2017). The effect of emotional intelligence on the auditor's performance with the mediating role of intellectual capital. *Accounting and Management Perspective Quarterly*. 1(4). 60-71. (in Persian)
- Satish, Mohammad Hossein; Sayadi, Lida (2016). Examining the relationship between excess free cash flows and earnings management with emphasis on the moderating role of audit quality (evidence from Tehran Stock Exchange). *Journal of Shiraz University Accounting Advances*. 9(1). 68-100. (in Persian)
- Smith, K.J. and Emerson, D.J. (2017), "An analysis of the relation between resilience and reduced audit quality within the role stress paradigm". *Advances in Accounting*. 3. 1-14.
- Suyono, E. and Farooque, O.A. (2019). "Auditors' professionalism and factors affecting it: insights from Indonesia". *Journal of Asia Business Studies*. 13(4). 543-558.
- Weisinger, H. (2006). *Emotional Intelligence at Work*: John Wiley & Sons.
- Yulianti, Y; Zarkasyi, M. W; Suharman, H. and Soemantri, R. (2023). Effects of professional commitment, commitment to ethics, internal locus of control and emotional intelligence on the ability to detect fraud through reduced audit quality behaviors. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*. 15(3), 385-401

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

The Effect of Life Cycle on Financial Statement Comparability by Consideration Moderating Role of the Information Asymmetric¹

Sad Sabah Saleh², Darush Foroghi³, Seyed Abbas Hashemi⁴

Received: 2024/05/19
Accepted: 2024/09/11

Research Paper

Abstract

The purpose of the research is to investigate the effect of different stages of the firms's life cycle on the comparability of financial statements with regard to the role of information asymmetry. The statistical the population of this study are all companies listed in Tehran Stock Exchange, in which 100 companies in the period 2012 to 2023 have been selected by systematic elimination method. For data analysis and hypothesis testing, multivariate regression model based on panel data regression is used. The findings of the research showed that the comparability of financial statements is higher in the maturity stage than in other stages. Also, the findings showed that despite high information asymmetry, firm in the maturity stage are more inclined to present comparable financial statements. The findings of this research provide evidence that firms in the maturity stage are more comparable due to having an efficient accounting system, skilled human resources and strong internal control.

Keyword: Financial Statement Comparability, Life Cycle, Information Asymmetric.

JEL Classification: G32, M41, D42.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.47241.3246

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Isfahan University, Isfahan, Iran. (S.Saleh@ase.ui.ac.ir).

3. Professor, Department of Accounting, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Isfahan University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author). (foroghi@ase.ui.ac.ir).

4. Associate Professor. Department of Accounting, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Isfahan University, Isfahan, Iran. (a.hashemi@ase.ui.ac.ir).

تأثیر چرخه عمر شرکت بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با در نظر گرفتن نقش تعدیل گر عدم تقارن اطلاعاتی^۱

سعد سبح صالح^۲، داریوش فروغی^۳، سیدعباس هاشمی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۱

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف پژوهش بررسی تأثیر مراحل مختلف چرخه عمر شرکت بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با توجه به نقش عدم تقارن اطلاعاتی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. به منظور تعیین نمونه با استفاده از روش غربالگری تعداد ۱۰۰ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ انتخاب شده است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از الگوی رگرسیون چند متغیره مبتنی بر داده‌های ترکیبی و روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که مقایسه پذیری صورت‌های مالی در مرحله بلوغ نسبت به سایر مراحل بیشتر است. همچنین یافته‌ها نشان داد که با وجود عدم تقارن اطلاعاتی بالا، شرکت‌ها در مرحله بلوغ تمایل بیشتری به ارائه صورت‌های مالی مقایسه پذیر دارند. یافته‌های این پژوهش، شواهدی را ارائه می‌کند که شرکت‌ها در مرحله بلوغ به دلیل داشتن سیستم حسابداری کارآمد، نیروی انسانی ماهر و کنترل داخلی قوی، از قابلیت مقایسه بیشتری برخوردار هستند.

واژه‌های کلیدی: قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، چرخه عمر، عدم تقارن اطلاعاتی.

طبقه‌بندی موضوعی: D42، M41، G32.

10.22051/JERA.2024.47241.3246.doi .1

۲. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (S.Saleh@ase.ui.ac.ir).

۳. استاد، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول). (foroghi@ase.ui.ac.ir).

۴. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (a.hashemi@ase.ui.ac.ir).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

بر اساس چارچوب مفهومی هیات تدوین استانداردهای حسابداری^۱ (۲۰۱۰) قابلیت مقایسه به سودمندی در تصمیم اطلاعات حسابداری برای استفاده کنندگان، کمک می‌کند. همین طور بر اساس همین بیانیه زمانی اطلاعات برای سرمایه‌گذاران مفیدتر خواهد بود که از مزیت قابلیت مقایسه برخوردار باشند. در بازارهای سهام، ارزیابی فرصت‌های جایگزین برای سرمایه‌گذاران ضروری است. این مقایسه بدون صورت‌های مالی قابل مقایسه دشوار خواهد بود (هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی، ۲۰۱۰). مقایسه پذیری ذینفعان را قادر می‌سازد تا درک عمیقی در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌های اقتصادی در بین شرکت‌های داخل صنعت داشته باشند. مقایسه‌پذیری یک ابزار نظارتی است که هزینه‌های پردازش اطلاعات را برای سرمایه‌گذاران و عوامل نظارتی کاهش می‌دهد (دی فرانکو و همکاران، ۲۰۱۱). به طور مثال در شرکت‌های با مقایسه‌پذیری بیشتر مدیریت سود مثبتی بر ارقام تعهدی، کمتر است (سان^۲، ۲۰۱۶؛ خزایی و همکاران، ۱۴۰۰). همچنین قابلیت مقایسه کیفیت و شفافیت محیط اطلاعاتی را افزایش می‌دهد و در نتیجه سرمایه‌گذاران، تحلیلگران، حساب‌برسان و سرمایه‌گذاران نهادی را قادر می‌سازد تا با دقت بیشتری بر رفتار مدیریتی نظارت کنند (ایمهاف و همکاران^۳، ۲۰۱۷؛ بهنام پور و همکاران، ۱۴۰۲). از آنجایی که قابلیت مقایسه با افزایش کیفیت محیط اطلاعات و کاهش هزینه‌های کسب اطلاعات، مزایای مختلفی را ایجاد می‌کند (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۹)، بنابراین درک عواملی که باعث بهبود مقایسه‌پذیری می‌شوند، مهم است. یکی از این عوامل چرخه عمر شرکت است (بیسواز و همکاران^۴، ۲۰۲۲).

چرخه عمر شرکت از پنج مرحله مختلف معرفی، رشد، بلوغ، افول و رکود تشکیل شده است (دیکنسون^۵، ۲۰۱۱). این مراحل هم توسط عوامل داخلی (مانند انتخاب‌های استراتژیک، منابع و توانایی مدیریتی) و هم عوامل خارجی (مانند محیط رقابتی و عوامل کلان اقتصادی) القا می‌شوند. بر اساس مفهوم چرخه عمر، شرکت‌ها در مراحل مختلف قرار می‌گیرند که هر مرحله شرایط بسیار متفاوتی را دارند. برخی از این شرایط همچون نیروی انسانی، در دسترس بودن

۱. Financial Accounting Standards Board

۲. Sohn

۳. Imhof et al

۴. Biawaz et al

۵. Dickinson

منابع و فرصت‌ها و مشوق‌ها برای اختیارات مدیریتی احتمالاً نقش مهمی در شکل دادن کیفیت گزارشگری مالی دارند. می‌توان انتظار داشت که این شرایط منجر به تفاوت در کیفیت گزارشگری مالی و مقایسه پذیری شرکت‌ها شود (بیسواز و همکاران، ۲۰۲۲).

مراحل چرخه زندگی با عوامل منحصر به فرد مشخص می‌شود. این عوامل مانند استراتژی‌ها، منابع و محیط رقابتی، ساختارهای سازمانی، سیستم‌ها و مشکلات نمایندگی متفاوتی را ایجاد می‌کنند و در نتیجه فرآیندهای گزارشگری مالی را شکل می‌دهند. این پویایی محیطی را برای مقایسه بین شرکت‌ها در مرحله چرخه عمر ایجاد می‌کند تا در مراحل مختلف تفاوت باشد (حسن و حبیب^۱، ۲۰۱۷). شرکت‌ها در مرحله بلوغ ساختارهای سازمانی، کنترل‌های داخلی بهتر و کارکنان ماهر دارند که این موارد تهیه صورت‌های مالی قابل مقایسه را تسهیل می‌کنند (کریشنان و همکاران^۲، ۲۰۲۱). شرکت‌های بالغ دارای سودآوری نسبتاً ثابت و جریان‌های نقدی با نوسان کمتری هستند (حسن و حبیب، ۲۰۱۹)؛ بنابراین، برآورد درآمدها و هزینه‌های آتی که منعکس‌کننده شرایط واقعی اقتصادی است برای مدیران شرکت‌های بالغ کمتر چالش برانگیز است (بیسواز و همکاران، ۲۰۲۲). بنابراین، قابلیت مقایسه بین همتایان صنعت را افزایش می‌دهند. شرکت‌ها در مرحله معرفی و رشد ممکن است انگیزه‌هایی برای تهیه صورت‌های مالی قابل مقایسه داشته باشند، زیرا چنین شرکت‌هایی با مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی مواجه هستند و دسترسی محدودی به منابع مالی دارند که برای سرمایه‌گذاری و نوآوری برای حفظ مزیت رقابتی حیاتی است (دیکنسون، ۲۰۱۱). صورت‌های مالی قابل مقایسه‌تر می‌تواند دسترسی به تأمین مالی خارجی را فراهم کند. با این حال، شرکت‌ها در معرفی و رشد نیز سیستم‌های حسابداری توسعه‌نیافته و کنترل‌های داخلی ضعیف‌تری دارند که به‌عنوان موانعی در برابر افزایش سطح دقت برآوردهای حسابداری آتی عمل می‌کنند، بنابراین سطوح پایین‌تری از مقایسه را در پی دارند. شرکت‌ها در مرحله زوال نیز به دلیل پدیده "مسئولیت پیری" از قابلیت مقایسه ضعیف رنج می‌برند. به طور خاص، کاهش ناکارآمدی داخلی شرکت‌ها و فرسایش فناوری، محصولات، مفاهیم تجاری و استراتژی‌های مدیریت، راه را برای عدم استفاده از منابع موجود برای ایجاد سیستم‌های حسابداری، شیوه‌ها و مکانیسم‌های کنترل داخلی سالم هموار می‌کند، در

1. Hasan & Habib
2. Krishnan et al

نتیجه قابلیت مقایسه را کاهش می‌دهد (بیسواز و همکاران، ۲۰۲۲). برگر و اودل^۱ (۱۹۹۸) پیشنهاد می‌کنند که شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر، در توانایی خود برای جمع‌آوری سرمایه متفاوت هستند. به عنوان مثال، شرکت‌های جوان عموماً سهام خصوصی را انتخاب می‌کنند، در حالی که شرکت‌های بالغ عمدتاً به بازارهای عمومی متکی هستند. شرکت‌ها در مرحله معرفی، نسبتاً کوچک، ناشناخته هستند و کمتر توسط تحلیلگران و سرمایه‌گذاران دنبال می‌شوند. این عدم تقارن اطلاعاتی را ایجاد می‌کند که باعث قیمت‌گذاری اشتباه می‌شود. در مقابل، شرکت‌های بالغ برای سرمایه‌گذاران شناخته شده هستند و بیشتر توسط تحلیلگران دنبال می‌شوند، کمتر از مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی رنج می‌برند و در نتیجه دارای هزینه سرمایه کمتری و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بیشتر است (بیسواز و همکاران، ۲۰۲۲). بنابراین هدف این پژوهش بررسی تأثیر چرخه عمر شرکت بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با توجه به نقش عدم تقارن اطلاعاتی است.

بررسی تأثیر چرخه عمر شرکت بر قابلیت مقایسه به طور بالقوه برای قانون‌گذاران، سرمایه‌گذاران، تحلیلگران و حساب‌برسان مهم است. به عنوان مثال، اگر قابلیت مقایسه در مراحل چرخه عمر متفاوت باشد، دانستن اینکه کدام مراحل چرخه عمر مشکل‌ساز است می‌تواند به تحلیلگران و حساب‌برسان هشدار دهد که در تجزیه و تحلیل و حساب‌برسی شرکت‌ها دقت بیشتری داشته باشند. به طور مشابه، استاندارد‌گذاران و قانون‌گذاران می‌توانند مقایسه‌پذیری بین شرکت‌ها را در مرحله خاصی از چرخه عمر نظارت و الزام یا تشویق کنند. در ادامه مبانی نظری و روش‌شناسی پژوهش ارائه می‌شود. سپس، یافته‌های پژوهش مطرح و در پایان بر اساس یافته‌های پژوهش، نتیجه‌گیری صورت می‌گیرد و با طرح محدودیت‌ها و پیشنهادهای پژوهشی و کاربردی به پایان می‌رسد.

مبانی نظری و توسعه فرضیه‌های پژوهش

بر اساس تئوری چرخه عمر شرکت، شرکت‌ها از طریق مراحل چرخه عمر متمایز تکامل می‌یابند. درآمدزایی، سودآوری و جریان‌های نقدی در مراحل معرفی و رشد نامشخص هستند. این شرکت‌ها با "مسئولیت جدید بودن" مواجه می‌شوند و مستعد خروج از بازار هستند (حسن

و حبیب (۲۰۱۷). شرکت‌های در حال رشد بر روی اصلاح و بهبود محصول به دلیل رقابت شدید تمرکز می‌کنند. حسن و همکاران^۱ (۲۰۱۷) نشان دادند که شرکت‌ها در مراحل معرفی، رشد و رکود عملکرد مالی شکننده‌ای دارند. شرکت‌هایی که در مرحله افول هستند بیشتر بر بقا تمرکز می‌کنند. در مقابل، شرکت‌ها در مرحله بلوغ درآمدها و جریان‌های نقدی پایدارتری دارند و بنابراین، عدم اطمینان کلی نسبتاً کمتر است. علاوه بر این، شرکت‌های بالغ دارای پایگاه مشتری بزرگ‌تر و مزایای متنوع سازی هستند که منجر به کاهش ریسک جریان نقدی می‌شود (دیکسون، ۲۰۱۱). تئوری چرخه عمر همچنین پیشنهاد می‌کند که پاداش کسب سهم بازار برای ایجاد مزیت‌های تقاضا، یا ایجاد ظرفیت برای ایجاد مزیت‌های هزینه‌ای، در طول مراحل چرخه عمر شرکت کاهش می‌یابد.

به عبارت دیگر، پاداش‌ها در مراحل اولیه چرخه عمر شرکت بیشتر است. بنابراین، لازم است رشد درآمد در مراحل اولیه چرخه عمر شرکت به حداکثر برسد تا تقاضای دائمی یا منافع هزینه نسبت به رقبا ایجاد شود (کارنانی^۲، ۱۹۸۴). در نتیجه، شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر نیازمند مهارت‌های مدیریتی، اولویت‌ها، ساختارها و استراتژی‌های متفاوتی هستند (میلر و فریزن^۳، ۱۹۸۴). بر این اساس، شرکت‌ها الگوهای جریان نقدی عملیاتی، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی متفاوتی را در مراحل مختلف چرخه عمر نشان می‌دهند (دیکسون، ۲۰۱۱).

شواهد تجربی قبلی نشان داده است که چرخه عمر شرکت بر نتایج سطح شرکت تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، مراحل مختلف چرخه عمر بر واکنش بازار سهام نسبت به اطلاعات حسابداری (آنتونی و رامش^۴، ۱۹۹۲)، سیاست‌های نقدی، تأمین مالی و سرمایه‌گذاری (دی آنجلو و همکاران^۵، ۲۰۰۶)، اجتناب مالیاتی (حسن و همکاران، ۲۰۱۷) و افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی (حسن و حبیب، ۲۰۱۷) تأثیر می‌گذارد. در مراحل اولیه چرخه عمر شرکت، مدیران احتمالاً بر روی استراتژی‌های متنوع و در فرصت‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که ممکن است بقای بلندمدت را فراهم کند (دونالدسون و لورش^۶، ۱۹۸۳). این الزامات استراتژیک منجر به سطوح بالاتر عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران و مدیران برای شرکت‌ها در مراحل معرفی

1. Hasan & et al
2. Karnani
3. Miller & Frieson
4. Anthony & Ramesh
5. Deangelo & et al
6. Donaldson & Lorsch

و رشد چرخه عمر آن‌ها می‌شود. در نتیجه، شرکت‌هایی که در مراحل اولیه چرخه عمر خود هستند، کمتر توسط تحلیلگران دنبال می‌شوند.

چرخه حیات یک شرکت شامل مراحل معرفی، رشد، بلوغ، افول و رکود است (دیکسون، ۲۰۱۱). در حالی که نظریه چرخه عمر سنتی استدلال می‌کند که سازمان‌ها از زمان تولد تا رکود یکنواخت هستند، نظریه چرخه عمر معاصر استدلال می‌کند که تکامل شرکت‌ها در طول چرخه عمر غیرخطی است (حیب و حسن، ۲۰۱۹).

تئوری چرخه عمر شرکت نشان می‌دهد که شرکت‌ها از یک سری الگوهای قابل پیش‌بینی توسعه عبور می‌کنند و منابع، قابلیت‌ها، استراتژی‌ها و ساختارها به طور قابل توجهی با مراحل توسعه متفاوت هستند (میلر و فریزن، ۱۹۸۰). عوامل منحصربه‌فرد هر مرحله از چرخه عمر شرکت انگیزه‌های مختلفی را برای مدیران ارائه می‌دهد تا صورت‌های مالی قابل مقایسه را ارائه کنند. به طور مشابه، سرمایه‌گذاران در هر مرحله از چرخه عمر شرکت انتظارات متفاوتی دارند و تقاضاهای آن‌ها برای صورت‌های مالی قابل مقایسه بر این اساس متفاوت است (بیسواز و همکاران، ۲۰۲۲). شرکت‌های بالغ دارای سودآوری نسبتاً ثابت و جریان‌های نقدی با نوسان کمتری هستند. علاوه بر این، آن‌ها در یک محیط خاص‌تر عمل می‌کنند (دیکسون، ۲۰۱۱؛ حیب و حسن، ۲۰۱۹). بنابراین، برای مدیران شرکت‌های بالغ برآورد درآمدها و هزینه‌های آتی که منعکس‌کننده شرایط واقعی اقتصادی هستند کمتر چالش برانگیز است که قابلیت مقایسه را افزایش می‌دهند.

شرکت‌های بالغ نسبت به سایر شرکت‌ها، ساختارهای سازمانی نسبتاً رسمی‌تری دارند (هانکز، ۱۹۹۰)، کارمندان آموزش دیده دارند (کالتون و رودک، ۲۰۱۱) و مکانیزم‌های کنترل داخلی پیشرفته‌تری دارند (کریشنان و همکاران، ۲۰۲۱). کریشنان و همکاران (۲۰۲۱) دریافت که مکانیسم‌های کنترل داخلی قوی که توسط شرکت‌های بالغ در اختیار است، کیفیت تطابق را افزایش می‌دهد و تجدید ارائه‌های مالی را کاهش می‌دهد. خزایی و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند که توانایی مدیران بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی تأثیر مثبت دارد. بنابراین انتظار می‌رود این ویژگی‌ها مدیران را قادر می‌سازد تا ارزش‌های مالی فعالیت‌های اقتصادی را به طور دقیق برآورد کنند و سیاست‌های حسابداری را انتخاب کنند که مطابق با رویه‌های صنعت باشد. بنابراین، قابلیت مقایسه برای شرکت‌های بالغ بالاتر است (بیسواز و همکاران، ۲۰۲۲).

1. Hanks

2. Coulton & Ruddock

در مقابل، شرکت‌هایی که در مراحل معرفی و رشد چرخه زندگی خود هستند، احتمالاً قابلیت مقایسه کمتری را نشان می‌دهند. دلایل آن به شرح زیر است. اولاً شرکت‌ها در مرحله معرفی از کمبود دانش در مورد درآمدها و هزینه‌های بالقوه رنج می‌برند. این گونه شرکت‌ها هنوز در حال توسعه شیوه‌های سازمان، فرآیندها، سیستم‌ها، ساختارها، ظرفیت‌ها و مهارت‌های کارکنان هستند (پرز و همکاران^۱، ۲۰۰۴). کمبود منابع و توانایی‌های مدیریتی در مرحله معرفی، به عنوان موانعی برای اجرای سیستم‌های حسابداری خوب و کنترل‌های داخلی عمل می‌کند (دیل و همکاران^۲، ۲۰۰۷). دوماً شرکت‌های در حال رشد دارای ساختار سازمانی پیچیده‌ای هستند که هدفشان نوآوری، رشد و تنوع است (دیکسون، ۲۰۱۱) در نتیجه در ایجاد و نگهداری سیستم‌های اطلاعات حسابداری سالم با مشکل مواجه می‌شوند بنابراین شرکت‌های در مرحله معرفی و رشد نسبت به هم‌تایان شرکت بالغ خود، صورت‌های مالی کمتر قابل مقایسه دارند.

شرکت‌های در مرحله افول با حاشیه سود بسیار کم یا منفی، سطوح پایین کارایی و بهره‌برداری کم از ظرفیت مشخص می‌شوند (دیکسون، ۲۰۱۱). بر اساس پژوهش حسن و چئونگ^۳ (۲۰۱۸)، شرکت‌های در مرحله افول به دلیل ناکارآمدی داخلی و فرسایش فناوری، محصولات، مفاهیم تجاری و استراتژی‌های مدیریت در طول زمان با احتمال نسبتاً بالایی برای خروج از بازار مواجه هستند. علاوه بر این شرکت‌ها در مرحله افول ریسک بیشتری دارند (حبیب و حسن، ۲۰۱۷). در نتیجه شرکت‌ها در مرحله افول از قابلیت مقایسه صورت‌های مالی کمتری برخوردار است (بیسواز و همکاران، ۲۰۲۲).

شرکت‌های بالغ سابقه طولانی در بازار دارند و تحلیلگران و سرمایه‌گذاران از نزدیک دنبال می‌شوند. این‌ها عواملی هستند که منجر به مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی کمتری می‌شوند (حسن و حبیب، ۲۰۱۷). این گونه شرکت‌ها دارای یک محیط اطلاعاتی پیشرفته هستند که تقاضای بالایی برای صورت‌های مالی قابل مقایسه ایجاد می‌کند. تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که تحلیلگران شرکت‌هایی را دنبال می‌کنند که سطوح افشای بیشتری دارند (لانگ و لاندولم^۴، ۱۹۹۳). مقایسه پذیری، مقایسه معنادار بین شرکت‌ها را تسهیل می‌کند و به تحلیلگران اجازه

1. Perez & et ak

2. Doyle & et al

3. Hasan & Cheung

4. Lang & Lundholm

می‌دهد تا در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌های اقتصادی در بین شرکت‌های قابل مقایسه استنتاج کنند. شرکت‌های در مرحله بلوغ احتمالاً صورت‌های مالی قابل مقایسه تهیه می‌کنند، زیرا انجام این کار کیفیت محیط اطلاعاتی و شفافیت آن را افزایش می‌دهد، بنابراین، هزینه‌های کسب اطلاعات خصوصی تحلیلگران را کاهش می‌دهد (ویرچینیا^۱، ۱۹۹۰).

سیستم‌های کنترل داخلی تثبیت شده در شرکت‌های بالغ نیز محیط اطلاعاتی پیشرفته‌تری را تسهیل می‌کند و باعث ایجاد اطمینان در ذهن سرمایه‌گذاران در مورد کیفیت صورت‌های مالی می‌شود. شرکت‌های قابل مقایسه به معیارهایی برای یکدیگر تبدیل می‌شوند و در نتیجه نظارت هم‌تایان را تقویت می‌کنند. این نظارت بیشتر هم‌تایان، عدم تقارن اطلاعات را کاهش می‌دهد (کیم و همکاران^۲، ۲۰۱۶). بنابراین، انتظار می‌رود که مقایسه پذیری شرکت‌های بالغ با بهبود محیط اطلاعاتی و کاهش عدم تقارن اطلاعات، همراه با سیستم‌های کنترل داخلی پیشرفته، القا شود (بیسواز و همکاران، ۲۰۲۲).

در مقابل شرکت‌ها در سایر مراحل چرخه عمر دارای قابلیت مقایسه کم ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی بالا و کنترل‌های داخلی ضعیف هستند. شرکت‌ها در مرحله معرفی دارای نوسانات ویژه و هزینه‌ها سرمایه بالاتر هستند که حاکی از عدم اطمینان بیشتر در مورد جریان‌های نقدی آتی و بازده سهام است (حبیب و حسن، ۲۰۱۷). این عدم قطعیت‌ها یک محیط اطلاعاتی مبهم با عدم تقارن اطلاعاتی بالا ایجاد می‌کند. کمبود کارکنان ماهر و کنترل‌های داخلی ضعیف همراه با الزامات حسابداری پیچیده، قابلیت مقایسه را کاهش می‌دهد. بنابراین، چنین شرکت‌هایی بیشتر از مشکلات اطلاعاتی نامتقارن رنج می‌برند. با این حال، شرکت‌ها در مرحله معرفی و رشد نیازهای تأمین مالی بیشتری دارند و به دلیل هزینه سرمایه بالا ناشی از افزایش عدم تقارن اطلاعاتی، با چالش‌های بیشتری در کسب تأمین مالی مواجه هستند (حسن و همکاران، ۲۰۱۵). اگرچه شرکت‌ها در مرحله معرفی و رشد انگیزه‌هایی برای تهیه صورت‌های مالی قابل مقایسه برای افزایش شفافیت و کیفیت محیط اطلاعاتی دارند. اما انتظار می‌رود که وجود عدم تقارن اطلاعاتی و ضعف‌های کنترل داخلی در این شرکت‌ها، قابلیت مقایسه آن‌ها را به خطر می‌اندازد و سبب کاهش مقایسه پذیری صورت‌های مالی می‌شود (بیسواز و همکاران، ۲۰۲۲).

1. Verrecchia

2. Kim & et al

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه اول: قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در دوره معرفی نسبت به دوره بلوغ کمتر است.

فرضیه دوم: قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در دوره رشد نسبت به دوره بلوغ کمتر است.

فرضیه سوم: قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در دوره افول نسبت به دوره بلوغ کمتر است.

فرضیه چهارم: زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی زیاد است تأثیر دوره بلوغ بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی افزایش می‌یابد.

روش‌شناسی پژوهش

از جنبه هدف، این پژوهش از نوع پژوهش‌های کاربردی است، زیرا نتایج حاصل از آن می‌تواند در تصمیم‌های استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین از نظر ماهیت، در گروه پژوهش‌های توصیفی همبستگی قرار دارد، زیرا جهت کشف روابط بین متغیرهای پژوهش، از شیوه‌های رگرسیون و همبستگی استفاده شده است. از آنجایی که هدف این پژوهش، تعیین اثر چرخه عمر شرکت بر مقایسه پذیری صورت‌های مالی است، لذا در حوزه مطالعات پس رویدادی قرار می‌گیرد. در این پژوهش دستیابی به نتایج، از طریق آزمون داده‌های موجود انجام گرفته است، بنابراین پژوهش حاضر در گروه پژوهش‌های اثباتی به شمار می‌رود. از طرفی نتایج حاصل از بررسی نمونه، به شیوه استقرایی به جامعه آماری تعمیم داده می‌شود.

جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۴ الی ۱۴۰۱ است. به دلیل اینکه جهت محاسبه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی نیاز به اطلاعات سه سال قبل است، اطلاعات مورد نیاز سال‌های ۱۳۹۱، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ نیز جمع‌آوری شده است. در این پژوهش برای انتخاب نمونه از روش غربالگری استفاده شده است. بدین منظور شرکت‌هایی که حائز شرایط زیر بوده‌اند به عنوان نمونه انتخاب شدند:

۱. به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفندماه باشد.
۲. طی بازه زمانی پژوهش، سال مالی خود را تغییر نداده باشد.
۳. کلیه داده‌های مورد نیاز پژوهش برای شرکت‌های مورد بررسی موجود و در دسترس باشد.
۴. جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی (بانک‌ها، سرمایه‌گذاری، بیمه و لیزینگ) نباشد.

۵. عدم توقف معاملاتی بیش از ۶ ماه
۶. با توجه به نحوه محاسبه متغیر قابلیت مقایسه (داده‌های شش ماهه) لازم که در هر صنعت حداقل ۶ شرکت وجود داشته باشد.
- مطابق جدول ۱، در نتیجه اعمال شرایط فوق، ۱۰۰ شرکت در ۱۱ صنعت انتخاب شدند.

جدول ۱. جدول انتخاب نمونه‌گیری

تعداد شرکت	نوع محدودیت
۴۵۳	تعداد کل شرکت‌های بورسی
۹۳	پایان سال مالی منتهی به آخر اسفندماه و همچنین تغییر در سال مالی
۱۱۰	حذف واسطه‌گری مالی، لیزینگ، بانک‌ها، بیمه‌ها و سرمایه‌گذاری
۴۹	توقف معاملاتی بیش از ۶ ماه
۱۰۱	ناقص بودن داده‌های برخی شرکت‌ها
۱۰۰	شرکت‌های باقی‌مانده

مدل و متغیرهای پژوهش

متغیرهای این پژوهش، شامل متغیر وابسته، مستقل، تعدیل‌گر و کنترلی است که در ادامه نحوه اندازه‌گیری هر یک توضیح داده شده است.

متغیر وابسته: متغیر وابسته این پژوهش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی است. دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) و واعظ و همکاران (۱۴۰۳) قابلیت مقایسه را به‌عنوان میزان تشابه و نزدیکی سیستم حسابداری دو شرکت تعریف نموده‌اند. مطابق با الگوی ارائه‌شده توسط این پژوهشگران، دو شرکت زمانی مشابه در نظر گرفته می‌شوند که برای یک مجموعه از رویدادهای اقتصادی یکسان (مثل بازده)، گزارش مالی (مثل سود حسابداری) مشابه ارائه نمایند. برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه بین دو شرکت i و j ابتدا برای هر شرکت-سال مدل رگرسیونی رابطه (۱) با استفاده از داده‌های سری زمانی (شش ماهه) برای دوره چهار سال اخیر منتهی به پایان سال t برآورد می‌شود.

$$\text{Earning}_{i,k} = \alpha_{i,t} + \beta_{i,t} \text{Return}_{i,k} + \varepsilon_{i,k} \quad (1)$$

که در این رابطه:

$\text{Earning}_{i,k}$: سود خالص شرکت i در شش ماهه k تقسیم بر ارزش بازار سهام شرکت در ابتدای شش ماهه و $\text{Return}_{i,k}$: بازده سهام شرکت i در شش ماهه k است.

ضرایب برآورد شده از رابطه (۱) برای هر شرکت-سال به‌عنوان معیاری از عملیات حسابداری آن شرکت می‌باشد؛ یعنی α و β نشان‌دهنده عملیات حسابداری شرکت i و ضرایب α و β نشان‌دهنده عملیات حسابداری شرکت j می‌باشد. شباهت بین عملیات حسابداری دو شرکت میزان قابلیت مقایسه بین دو شرکت را نشان می‌دهد؛ بنابراین در هر سال با استفاده از رابطه‌های (۲) و (۳)، سود دو شرکت به طور جداگانه با استفاده از ضرایب خاص خود شرکت ولی با بازده شرکت i (رویداد مشابه) برای دوره زمانی مشابه با دوره زمانی رابطه (۱) پیش‌بینی می‌شود.

$$E(\text{Earning})_{ii,k} = \hat{\alpha}_i + \hat{\beta}_i \text{Return}_{i,k} \quad (۲)$$

$$E(\text{Earning})_{ij,k} = \hat{\alpha}_j + \hat{\beta}_j \text{Return}_{i,k} \quad (۳)$$

در این روابط:

$E(\text{Earning})_{ii,k}$: سود پیش‌بینی شده برای شرکت i و شش ماهه k با استفاده تابع حسابداری شرکت i و بازده شرکت i و

$E(\text{Earning})_{ij,k}$: سود پیش‌بینی شده برای شرکت j و شش ماهه k با استفاده تابع حسابداری شرکت j و بازده شرکت i می‌باشند. سپس قابلیت مقایسه بین دو شرکت i و j در سال t از طریق رابطه (۴) محاسبه می‌شود:

$$\text{ComAcc}_{ij,t} = \frac{-1}{8} \sum_{k=7}^k |E(\text{Earning})_{ii,k} - E(\text{Earning})_{ij,t}| \quad (۴)$$

در رابطه (۴) نماد $\text{ComAcc}_{ij,t}$ نشان‌دهنده قابلیت مقایسه بین دو شرکت i و j در سال t است. با توجه به اینکه مقادیر بزرگ‌تر این شاخص بیانگر قابلیت مقایسه بالاتر بین شرکت i و شرکت j است، قابلیت مقایسه برابر با میانگین چهار عدد بزرگ‌تر $\text{ComAcc}_{ij,t}$ های محاسبه شده برای شرکت i با شرکت‌های زهم صنعت می‌باشد.

متغیر مستقل: متغیر مستقل این پژوهش چرخه عمر شرکت است که برای اندازه‌گیری از مدل ارائه شده توسط دیکسون (۲۰۱۱) استفاده شده است. طبق این مدل استدلال بر این است که جریان‌های نقد تفاوت در سوددهی، رشد و ریسک شرکت را نشان می‌دهد و از این رو می‌توان از جریان‌های نقد مربوط به فعالیت‌های عملیاتی (CFO)، سرمایه‌گذاری (CFI) و تأمین مالی

(CFF) برای تعیین مراحل چرخه عمر شرکت شامل معرفی، رشد، بلوغ، افول و رکود استفاده کرد:

۱. اگر $CFO < 0$ ، $CFI < 0$ و $CFF > 0$ باشد، نشانگر مرحله معرفی است.
۲. اگر $CFO > 0$ ، $CFI < 0$ و $CFF > 0$ باشد، نشانگر مرحله رشد است.
۳. اگر $CFO > 0$ ، $CFI < 0$ و $CFF < 0$ باشد، نشانگر مرحله بلوغ است.
۴. اگر $CFO < 0$ ، $CFI > 0$ و $CFF < 0$ باشد، نشانگر مرحله افول است.
۵. شرکت‌هایی که در هیچ‌یک از طبقات بالا قرار نگیرند، جزء مرحله رکود طبقه‌بندی می‌شوند.

طبقه‌بندی شرکت‌ها بر اساس مدل دیکسون (۲۰۱۱) بدین شرح است که به طور مثال اگر شرکتی در مرحله معرفی قرار گیرد به آن عدد یک اختصاص داده می‌شود، در غیر این صورت صفر. متغیر تعدیل‌گر این پژوهش عدم تقارن اطلاعاتی است برای اندازه‌گیری عدم تقارن اطلاعاتی از رابطه (۵) استفاده شده است (هاشمی دهچی و همکاران، ۱۳۹۹).

رابطه (۵)

$$SPREAD_{i,t} = \frac{1}{D_{i,t}} \sum_{d=1}^{D_{i,t}} \frac{(ASK_{i,d} - BID_{i,d})}{(ASK_{i,d} - BID_{i,d}) / 2}$$

که در رابطه بالا:

$SPREAD_{i,t}$: دامنه‌ی تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام شرکت i در سال t است؛ هرچه دامنه‌ی تفاوت قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام عدد بزرگ‌تری باشد، حاکی از عدم تقارن اطلاعاتی بیشتری است.

$ASK_{i,d}$: بهترین (کمترین) قیمت پیشنهادی فروش سهام روزانه شرکت i ؛

$BID_{i,d}$: بهترین (بیشترین) قیمت پیشنهادی خرید سهام روزانه شرکت i ؛

$D_{i,t}$: تعداد روزهایی از سال t که در آن، بهترین قیمت پیشنهادی فروش و بهترین قیمت پیشنهادی خرید، برای شرکت i موجود باشد.

پس از محاسبه مقدار عدم تقارن اطلاعاتی، شرکت‌هایی که مقدار رابطه (۵) آن‌ها بیشتر از میانه شرکت‌های نمونه باشد، عدد یک اختیار می‌کند و سایر شرکت‌ها عدد صفر.

متغیرهای کنترلی: در این پژوهش بر اساس پژوهش بیسواز و همکاران (۲۰۲۲) از متغیرهای کنترلی به شرح زیر استفاده شده است:

اندازه شرکت: لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت

اهرم مالی: نسبت کل بدهی‌ها به ارزش دفتری کل دارایی‌ها

فرصت رشد: نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام

سودآوری: نسبت سود خالص به ارزش دفتری کل دارایی‌ها.

رشد فروش: نسبت تغییرات فروش سال جاری به سال قبل.

جریان نقد عملیاتی: نسبت جریان نقد عملیاتی به ارزش دفتری کل دارایی‌ها

برای آزمون فرضیه اول، دوم و سوم پژوهش به پیروی از پژوهش بیسواز و همکاران (۲۰۲۲) از رابطه رگرسیونی به شرح رابطه (۶) استفاده شده است:

رابطه (۶)

$$\text{Com}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Intro}_{i,t} + \beta_2 \text{Gro}_{i,t} + \beta_3 \text{Dec}_{i,t} + \beta_4 \text{MA}_{i,t} + \beta_5 \text{Size}_{i,t} + \beta_6 \text{Lev}_{i,t} + \beta_7 \text{MtB}_{i,t} + \beta_8 \text{Roai,t} + \beta_9 \text{SaleG}_{i,t} + \beta_{10} \text{Cfo}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در رابطه فوق:

$\text{Com}_{i,t}$: مقایسه پذیری شرکت i در سال t

$\text{Intro}_{i,t}$: بیانگر مرحله معرفی شرکت i در سال t

$\text{Gro}_{i,t}$: بیانگر مرحله رشد شرکت i در سال t

$\text{Dec}_{i,t}$: بیانگر مرحله افول شرکت i در سال t

$\text{MA}_{i,t}$: بیانگر مرحله بلوغ شرکت i در سال t

$\text{Lev}_{i,t}$: اهرم مالی شرکت i در سال t

$\text{MtB}_{i,t}$: فرصت رشد شرکت i در سال t

Roai,t : سودآوری شرکت i در سال t

$\text{SaleG}_{i,t}$: رشد فروش شرکت i در سال t

$\text{Cfo}_{i,t}$: جریان نقد عملیاتی شرکت i در سال t

برای تأیید فرضیه اول، دوم و سوم انتظار می‌رود ضریب β_4 مثبت و از ضرایب β_1 و β_2 و β_3 بزرگ‌تر باشد. برای مقایسه پذیری ضرایب از آزمون والد استفاده می‌شود.

برای آزمون فرضیه چهارم پژوهش به پیروی از پژوهش بیسواز و همکاران (۲۰۲۲) از رابطه رگرسیونی به شرح رابطه (۷) استفاده شده است.

رابطه (۷)

$$\text{Com}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Into}_{i,t} + \beta_2 \text{Gro}_{i,t} + \beta_3 \text{Dec}_{i,t} + \beta_4 \text{Ma}_{i,t} + \beta_5 \text{Asy}_{i,t} + \beta_6 \text{Into}_{i,t} * \text{Asy}_{i,t} + \beta_7 \text{Gro}_{i,t} * \text{Asy}_{i,t} + \beta_8 \text{Dec}_{i,t} * \text{Asy}_{i,t} + \beta_9 \text{Ma}_{i,t} * \text{Asy}_{i,t} + \beta_{10} \text{Size}_{i,t} + \beta_{11} \text{Lev}_{i,t} + \beta_{12} \text{MtB}_{i,t} + \beta_{13} \text{Roa}_{i,t} + \beta_{14} \text{SaleG}_{i,t} + \beta_{15} \text{Cfo}_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در رابطه فوق:

$\text{Asy}_{i,t}$: عدم تقارن اطلاعاتی شرکت i در سال t

مابقی متغیرها به شرح رابطه (۶) است.

برای تأیید فرضیه چهارم انتظار می‌رود ضریب β_9 مثبت باشد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

اطلاعات مربوط به آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۲) ارائه شده است. تعداد مشاهدات در این جدول برای هر متغیر برابر با ۸۰۰ مشاهده شرکت-سال است. میانگین و میانه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی به ترتیب ۰/۰۷۲۷ و ۰/۰۴۵۰ است که می‌توان گفت که اکثر شرکت‌ها از قابلیت مقایسه بالای برخوردار هستند. بر اساس مدل دی‌فرانکو و همکاران (۲۰۱۱)، هرچه مقدار این متغیر، به صفر نزدیک‌تر باشد، قابلیت مقایسه شرکت با سایر شرکت‌های هم صنعت بیشتر است. با نتایج نشان می‌دهد میانگین (میانه) اندازه شرکت به ترتیب ۱۵/۲۰۵ (۱۵/۰۸۲) است. همچنین، میانگین اهرم مالی ۰/۶۳۹ نشان می‌دهد ساختار سرمایه شرکت‌ها بیشتر بر اساس تأمین مالی از طریق بدهی بنا نهاده شده است. میانگین بازده دارایی‌ها ۰/۱۲۸۳ بوده و نشان می‌دهد به ازای هر ۱۰۰ ریال سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها، ۱۲/۸۳ ریال بازدهی ایجاد شده است. میانگین و میانه نقدینگی شرکت به ترتیب ۰/۰۴۴ و ۰/۰۲۷ است. انحراف معیار اهرم مالی ۹۲/۵۲۰ و انحراف معیار اندازه شرکت ۳/۹۸۵ است که بیانگر این موضوع است که اهرم مالی دارای بیشترین و اندازه شرکت دارای کمترین پراکندگی هستند.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
قابلیت مقایسه	-۰/۰۷۲۷	-۰/۰۴۵۰	-۰/۰۰۳۲	-۰/۸۵۰۶	۰/۱۱۷۵	-۴/۴۳۰	۲۳/۵۱۰
عدم تقارن اطلاعاتی	۰/۰۲۶۰	۰/۰۲۳۰	۰/۲۴۶۷	۰/۰۰۰۵	۰/۰۲۰۳	۶/۲۲۰	۵۵/۲۰۳
اندازه شرکت	۱۵/۲۰۵	۱۵/۰۸۲	۲۰/۵۸۴	۱۰/۶۶۰	۱/۵۹۴	۰/۳۴۵	۳/۹۸۵
اهرم مالی	۰/۶۳۹۴	۰/۵۷۲۸	۹/۴۵۷	۰/۰۲۶	۰/۶۳۴۳	۸/۲۴۹	۹۲/۵۲۰
فرصت رشد	۷/۵۵۷	۵/۰۳۱	۵۸/۷۷۷	-۵۵/۴۷۳	۹/۸۹۳	۱/۵۸۶	۱۳/۳۲۵
سودآوری	۰/۱۲۸۳	۰/۱۰۶۴	۱/۲۹۶	-۱/۸۲۱	۰/۲۱۵۶	-۱/۰۹۴	۱۵/۹۶۲
رشد فروش	۰/۳۹۷	۰/۳۰۸۲	۳/۷۷۹	-۰/۹۹۸	۰/۶۳۹	۱/۷۷۱	۹/۱۸۷
جریان نقد عملیاتی	۰/۱۲۲۷	۰/۰۸۸	۲/۳۸۸	-۱/۳۹۸	۰/۲۲۲۱	۳/۵۳۶۲	۳۶/۱۵۷

در جدول (۳) اطلاعات چرخه عمر شرکت‌ها ارائه شده است. شرکت‌های نمونه به طور میانگین ۱۱/۱۲ درصد در مرحله معرفی، ۴۰/۲۵ درصد در مرحله رشد و ۲۵/۷۵ درصد در مرحله بلوغ قرار دارند و کمترین فراوانی در مرحله افول است.

جدول ۳. فراوانی شرکت‌ها بر اساس چرخه عمر

رکود	افول	بلوغ	رشد	معرفی	
۱۶۷	۱۶	۲۰۶	۳۲۲	۸۹	تعداد شرکت
۲۰/۸۷	۲/۰۰	۲۵/۷۵	۴۰/۲۵	۱۱/۱۲	درصد

نتایج آزمون فرضیه اول، دوم و سوم

نتایج آزمون رابطه (۶) که مربوط به فرضیه‌های اشاره شده است، در جدول شماره (۴) گزارش شده است. بر اساس آزمون F لیمر و هاسمن، نوع برازش مدل با استفاده از داده‌های تابلویی با اثرات ثابت است.

بر اساس فرضیه اول انتظار می‌رود مقایسه پذیری در مرحله معرفی از مرحله بلوغ کمتر باشد. همان‌طور که در جدول (۴) نشان داده شده است، ضریب مرحله بلوغ (β_4) در سطح خطای ۵

درصد مثبت (۰/۰۰۷۰) و معنادار است و مقدار آن از ضریب مرحله معرفی (β_1) بزرگ تر است. برای بررسی بزرگ تر بودن ضریب β_4 از β_1 از نظر آماری، از آزمون والد استفاده شده است که سطح احتمال (۰/۰۰۰۰) آن بیانگر این موضوع است که مقایسه پذیری صورت های مالی در مرحله معرفی از مرحله بلوغ کمتر است و فرضیه اول در سطح خطای ۵ درصد رد نمی شود. بر اساس فرضیه دوم انتظار می رود مقایسه پذیری در مرحله رشد از مرحله بلوغ کمتر باشد. همان طور که در جدول (۴) نشان داده شده است، ضریب مرحله بلوغ (β_4) در سطح خطای ۵ درصد مثبت (۰/۰۰۷۰) و معنادار است ولی مقدار ضریب مرحله رشد (β_2) در سطح خطای ۵ درصد منفی (۰/۰۰۴۷-) و معنادار است. همان طور که ضرایب نشان می دهند مرحله بلوغ تأثیر مثبت و مرحله رشد تأثیر منفی دارند. برای اطمینان بیشتر به منظور بزرگ تر بودن ضریب β_4 از β_2 از نظر آماری، از آزمون والد استفاده شده است که سطح احتمال (۰/۰۰۰۰) آن بیانگر این موضوع است که مقایسه پذیری صورت های مالی در مرحله رشد از مرحله بلوغ کمتر است و فرضیه دوم در سطح خطای ۵ درصد رد نمی شود.

بر اساس فرضیه سوم انتظار می رود مقایسه پذیری در مرحله افول از مرحله بلوغ کمتر باشد. همان طور که در جدول (۴) نشان داده شده است، ضریب مرحله بلوغ (β_4) در سطح خطای ۵ درصد مثبت (۰/۰۰۷۰) و معنادار است و مقدار آن از ضریب مرحله افول (β_3) بزرگ تر است. برای بررسی بزرگ تر بودن ضریب β_4 از β_3 از نظر آماری، از آزمون والد استفاده شده است که سطح احتمال (۰/۰۰۰۰) آن بیانگر این موضوع است که مقایسه پذیری صورت های مالی در مرحله افول از مرحله بلوغ کمتر است و فرضیه سوم در سطح خطای ۵ درصد رد نمی شود.

جدول ۴. نتایج برآورد رابطه (۶)

Com _{it} = $\beta_0 + \beta_1 \text{Into}_{it} + \beta_2 \text{Gro}_{it} + \beta_3 \text{Dec}_{it} + \beta_4 \text{MA}_{it} + \beta_5 \text{Size}_{it} + \beta_6 \text{Lev}_{it} + \beta_7 \text{MtB}_{it} + \beta_8 \text{Roa}_{it} + \beta_9 \text{SaleG}_{it} + \beta_{10} \text{Cfo}_{it} + \varepsilon_{it}$					
vif	سطح معناداری	آماره Z	خطای استاندارد	ضرایب	متغیر
-	۰/۰۰۰	-۳/۶۶	۰/۰۰۹۷	-۰/۰۳۵۵۹	عرض از مبدأ
۱/۴۱	۰/۲۳۸	۱/۱۸	۰/۰۰۲۵	۰/۰۰۳۰	مرحله معرفی
۱/۷۹	۰/۰۱۶	-۲/۴۲	۰/۰۰۱۹	-۰/۰۰۴۷	مرحله رشد
۱/۱۰	۰/۷۲۹	۰/۳۵	۰/۰۰۵۲	۰/۰۰۱۸	افول
۱/۶۷	۰/۰۰۱	۳/۲۹	۰/۰۰۲۱	۰/۰۰۷۰	بلوغ
۱/۱۳	۰/۰۰۳	-۲/۹۵	۰/۰۰۰۶	-۰/۰۰۱۸	اندازه شرکت

Com _{it} = $\beta_0 + \beta_1 \text{Into}_{it} + \beta_2 \text{Gro}_{it} + \beta_3 \text{Dec}_{it} + \beta_4 \text{MA}_{it} + \beta_5 \text{Size}_{it} + \beta_6 \text{Lev}_{it} + \beta_7 \text{MtB}_{it} + \beta_8 \text{Roa}_{it} + \beta_9 \text{SaleG}_{it} + \beta_{10} \text{Cfo}_{it} + \varepsilon_{it}$					
vif	سطح معناداری	آماره Z	خطای استاندارد	ضرایب	متغیر
۱/۷۸	۰/۲۷۶	۱/۰۹	۰/۰۰۲۲	۰/۰۰۲۴	اهرم مالی
۱/۱۳	۰/۰۲۵	-۲/۲۵	۰/۰۰۰۰۷	-۰/۰۰۰۱	فرصت رشد
۲/۰۲	۰/۵۴۰	۰/۶۱	۰/۰۰۴۸	۰/۰۰۲۹	سودآوری
۱/۰۸	۰/۶۵۳	۰/۴۵	۰/۰۰۱۱	۰/۰۰۰۵	رشد فروش
۱/۲۲	۰/۰۴۹	۱/۹۷	۰/۰۰۳۸	۰/۰۰۷۶	جریان نقد عملیاتی
۰/۰۰۰۷			۳۰/۵۶		آماره خی دو
۰/۰۰۰۰			۹/۲۳		آماره F لیمر
۰/۰۰۰۰			۱۲/۲۳		اماره هاسمن
۰/۰۰۰۰			۲۰۱۵/۱۶		آماره ولدریج
۰/۰۰۰۰			۲۱۰۷/۴۳		آماره نسبت راستنمایی
۰/۰۰۰۰		۱۶/۳۲			آزمون والد ($t=0\beta_4-\beta$)
۰/۰۰۰۰		۱۶/۲۱			آزمون والد ($t=0\beta_4-\beta$)
۰/۰۰۰۰۰		۱۵/۹۶			آزمون والد ($t=0\beta_4-\beta$)

مقادیر آماره تورم واریانس نشان می‌دهد در بین متغیرهای مستقل رابطه (۶) مشکل هم خطی وجود ندارد. معناداری آماره والد (۳۰/۵۶) نشان‌دهنده معناداری کل رابطه (۶) است. معناداری آماره وولدریج نشان می‌دهد باقیمانده‌های رابطه (۶) خودهمبستگی سریالی دارند. همچنین معناداری آماره نسبت راست نمایی نشان‌دهنده عدم وجود مشکل ناهمسانی واریانس بین اجزای اخلاص رابطه (۶) است. در این پژوهش برای رفع مشکل خودهمبستگی سریالی از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده شده است.

نتایج آزمون فرضیه چهارم

نتایج آزمون فرضیه چهارم پژوهش در جدول شماره (۵) گزارش شده است. نتایج آزمون F لیمر و هاسمن بیانگر استفاده از داده‌های تابلویی با اثرات ثابت است.

بر اساس فرضیه چهارم انتظار می‌رود زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی زیاد است، قابلیت مقایسه برای شرکت‌های بالغ نسبت به سایر شرکت‌ها افزایش می‌یابد. همان‌طور که در جدول شماره (۵) قابل مشاهده است سطح معناداری ضریب حاصل ضرب مرحله بلوغ در عدم تقارن اطلاعاتی در سطح خطای ۱۰ درصد مثبت ۰/۷۰۵۰ و معنادار است. این موضوع بیانگر این است که قابلیت

مقایسه برای شرکت‌های بالغ، زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی بالا است، افزایش می‌یابد و فرضیه چهارم در سطح خطای ۱۰ درصد تأیید می‌شود.

مقادیر آماره تورم واریانس نشان می‌دهد در بین متغیرهای مستقل رابطه (۷) مشکل هم خطی وجود ندارد. معناداری آماره والد (۳۰/۳۱) نشان‌دهنده معناداری کل رابطه (۷) است. معناداری آماره وولدریج نشان می‌دهد باقیمانده‌های رابطه (۷) خودهمبستگی سریالی دارند. همچنین معناداری آماره نسبت راست نمایی نشان‌دهنده عدم وجود مشکل ناهمسانی واریانس بین اجرای اخلاص رابطه (۷) است. در این پژوهش برای رفع مشکل خودهمبستگی سریالی از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده شده است.

جدول ۵. نتایج برآورد فرضیه چهارم

$Com_{it} = \beta_0 + \beta_1 Into_{it} + \beta_2 Gro_{it} + \beta_3 Dec_{it} + \beta_4 Ma_{it} + \beta_5 Asy_{it} + \beta_6 Into_{it} * Asy_{it} + \beta_7 Gro_{it} * Asy_{it} + \beta_8 Dec_{it} * Asy_{it} + \beta_9 Ma_{it} * Asy_{it} + \beta_{10} Size_{it} + \beta_{11} Lev_{it} + \beta_{12} MtB_{it} + \beta_{13} Roa_{it} + \beta_{14} SaleG_{it} + \beta_{15} Cfo_{it} + \varepsilon_{it}$					
vif	سطح معناداری	آماره Z	خطای استاندارد	ضرایب	متغیر
-	۰/۴۲۸	-۰/۷۹	۰/۳۵۲	-۰/۰۲۷۹	عرض از مبدأ
۲/۳۱	۰/۷۹۵	۰/۲۶	۰/۰۲۲۷	۰/۰۰۵۹	مرحله معرفی
۵/۱۰	۰/۰۱۲	-۲/۵۰	۰/۰۱۱۴	-۰/۰۲۸۶	مرحله رشد
۳/۰۸	۰/۶۷۴	۰/۴۲	۰/۰۶۸۸	۰/۰۲۸۹	افول
۳/۸۸	۰/۰۶۱	۱/۸۸	۰/۰۱۱۴	۰/۰۲۱۵	بلوغ
۴/۸۰	۰/۵۹۴	-۰/۵۳	۰/۲۷۹۴	۰/۱۴۸۹	عدم تقارن اطلاعاتی
۴/۰۸	۰/۸۶۰	۰/۱۸	۰/۸۰۶۰	۰/۱۴۲۰	مرحله رشد*عدم تقارن اطلاعاتی
۱/۲۸	۰/۷۷۸	۰/۲۸	۰/۳۲۴۳	۰/۰۹۱۲	مرحله معرفی*عدم تقارن اطلاعاتی
۴/۹۶	۰/۸۷۵	-۰/۱۶	۲/۷۰۴	-۰/۴۲۷۱	مرحله افول*عدم تقارن اطلاعاتی
۳/۲۱	۰/۰۵۰	-۱/۹۶	۰/۳۶۴۱	۰/۷۱۵۰	مرحله بلوغ*عدم تقارن اطلاعاتی
۲/۳۱	۰/۱۵۹	-۱/۴۱	۰/۰۰۲	-۰/۰۰۳۱	اندازه شرکت
۱/۷۹	۰/۷۳۰	۰/۳۵	۰/۰۰۶۷	۰/۰۰۲۳	اهرم مالی
۱/۱۰	۰/۳۳۴	-۰/۹۷	۰/۰۰۰۲	-۰/۰۰۰۲	فرصت رشد
۲/۰۲	۰/۳۳۱	-۰/۹۷	۰/۰۱۸۰	-۰/۰۱۷۵	سودآوری
۱/۰۵	۰/۳۸۰	۰/۸۸	۰/۰۰۴۱	۰/۰۰۳۶	رشد فروش
۱/۲۲	۰/۰۹۱	۱/۶۹	۰/۰۱۲۹	۰/۰۲۱۸	جریان نقد عملیاتی

$$Com_{it} = \beta_0 + \beta_1 Into_{it} + \beta_2 Gro_{it} + \beta_3 Dec_{it} + \beta_4 Ma_{it} + \beta_5 Asy_{it} + \beta_6 Into_{it} * Asy_{it} + \beta_7 Gro_{it} * Asy_{it} + \beta_8 Dec_{it} * Asy_{it} + \beta_9 Ma_{it} * Asy_{it} + \beta_{10} Size_{it} + \beta_{11} Lev_{it} + \beta_{12} MtB_{it} + \beta_{13} Roa_{it} + \beta_{14} SaleG_{it} + \beta_{15} Cfo_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره Z	سطح معناداری	vif
آماره خی دو		۳۰/۳۱			۰/۰۱۰۹
آماره F لیمر		۹/۰۲			۰/۰۰۰۰
اماره هاسمن		۱۶/۳۵			۰/۰۰۰۰
آماره ولدریج		۲۱۵۰/۲۳			۰/۰۰۰۰
آماره نسبت راستمنایی		-۲۱۰۰/۴۶			۱/۰۰۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در بین شرکت‌ها یک ویژگی کیفی ضروری است که توسط چارچوب‌های گزارشگری مالی مورد نیاز است. مقایسه پذیری صورت‌های مالی میزان شباهت بین صورت‌های مالی دو شرکتی است که با معاملات اقتصادی مشابهی روبرو بوده‌اند، زیرا این معاملات اقتصادی در سیستم‌های حسابداری مالی آن‌ها ثبت می‌شوند. قابلیت مقایسه هزینه‌های کسب اطلاعات را کاهش می‌دهد و کیفیت اطلاعات مالی ارائه شده در صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد. با توجه به الزامات نظارتی و عملی قابل مقایسه، بررسی عوامل تعیین کننده آن مهم است. تئوری چرخه عمر شرکت نشان می‌دهد که شرکت‌ها از طریق مراحل چرخه عمر متمایز تکامل می‌یابند مراحل چرخه درآمدزایی، سودآوری و جریان‌های نقدی در طول مراحل معرفی و رشد نامشخص هستند. مراحل معرفی، رشد، بلوغ و افول چرخه عمر، منعکس کننده تحول در سازمان، تأمین مالی، سرمایه‌گذاری و ساختاری است که شرکت‌ها تجربه می‌کنند. گرچه همه شرکت‌ها هر مرحله را برای مدت یکسان طی نمی‌کنند، هر مرحله از چرخه عمر شرکت، ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارد. تغییر محیط‌های عملیاتی داخلی و خارجی در هر مرحله بر مدل‌های کسب و کار اساسی تأثیر می‌گذارد. در نتیجه، انگیزه افشای اطلاعات جامع با کیفیت بالا بسته به الزامات و ویژگی‌های هر مرحله از چرخه زندگی متفاوت است و انتظار می‌رود که چرخه عمر شرکت بر مقایسه پذیری تأثیرگذار باشد. بنابراین هدف این پژوهش بررسی رابطه بین چرخه عمر و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با در نظر گرفتن نقش عدم تقارن اطلاعاتی است.

یافته‌های فرضیه اول، دوم و سوم نشان داد که مقایسه پذیری صورت‌های مالی در مرحله بلوغ نسبت به مرحله معرفی، رشد و افول بیشتر است. شرکت‌ها در مرحله بلوغ دارای کنترل‌های

داخلی، ساختارهای سازمانی و کارکنان ماهر هستند، به همین خاطر امکان ارائه صورت‌های مالی مقایسه پذیر برای آن‌ها میسر است. این یافته‌ها با پژوهش بیسواز و همکاران (۲۰۲۲) هم‌خوانی دارد. نتایج آزمون فرضیه چهارم نشان داد زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی زیاد است، در مرحله بلوغ مقایسه پذیری صورت‌های مالی افزایش می‌یابد. در واقع عدم تقارن اطلاعاتی انگیزه‌هایی را برای مدیران فراهم می‌کند تا صورت‌های مالی قابل مقایسه‌ای را به منظور ارتقای کیفیت محیط اطلاعاتی تهیه کنند. این یافته‌ها با یافته‌های پژوهش بیسواز و همکاران (۲۰۲۲) مطابقت دارد. به‌طور کلی استاندارد گذاران و متخصصان حسابداری بارها بر نقش مفید مقایسه پذیری در گزارشگری مالی تأکید می‌کنند و استدلال می‌کنند که سودمندی صورت‌های مالی برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران را افزایش می‌دهد.

این پژوهش بینش‌هایی را در مورد لزوم در نظر گرفتن چرخه عمر شرکت هنگام طراحی استانداردهای حسابداری مالی به سیاست‌گذاران و تدوین‌کنندگان ارائه می‌دهد. به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود که شرکت‌های فعال در بورس را به‌طور مستقل و بر اساس معیارهای چرخه عمر شرکت طبقه‌بندی نماید و با انتشار سالانه این طبقه‌بندی، گام مهمی در راستای افزایش مقایسه پذیری و کیفیت گزارشگری مالی بردارد. با توجه به اینکه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی در مرحله بلوغ نسبت به سایر مراحل بیشتر است، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که در استفاده و تحلیل اطلاعات صورت‌های مالی و مقایسه آن‌ها با سایر شرکت‌های مشابه، حتماً به مراحل چرخه عمر شرکت به خصوص مرحله بلوغ توجه نمایند. همچنین به موسسه‌های حسابرسی پیشنهاد می‌شود که در ارزیابی ریسک شرکت صاحب کار و برنامه‌ریزی عملیات حسابرسی، در کنار سایر عوامل مراحل مختلف چرخه عمر شرکت را در نظر بگیرند چراکه میزان کیفیت اطلاعات و مقایسه پذیری آن‌ها متفاوت خواهد بود.

برای پژوهش‌های آتی به پژوهشگران پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

الف. بررسی رابطه بین مقایسه پذیری صورت‌های مالی و چرخه عمر شرکت با توجه به نقش مشکلات نمایندگی

ب. بررسی رابطه بین مقایسه پذیری صورت‌های مالی و چرخه عمر شرکت با توجه به نقش کنترل‌های داخلی

ج. بررسی تأثیر چرخه عمر شرکت بر ضریب واکنش سودهای آتی

د. برای اندازه‌گیری قابلیت مقایسه می‌توان به جای استفاده رابطه سود و بازده، از رابطه اقلام تعهدی و جریان نقد عملیاتی استفاده کرد.

پژوهش حاضر در شرکت‌های بورس تهران انجام شده است، از این رو باید در تعمیم نتایج آن به سایر شرکت‌ها جانب احتیاط را رعایت کرد، به خصوص که معیار عینی‌تری برای قابلیت مقایسه صورت‌های مالی وجود ندارد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.

منابع

- بهنام پور، محمود؛ هاشمی دهچی، مجید؛ ایزدی نیا، ناصر. (۱۴۰۲). قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و استفاده مدیران از منابع شرکتی. *دانش حسابداری*، ۱۴(۱)، ۵۱-۶۹.
- خزایی، مهدی، زلّقی، حسن، افلاطونی، عباس. (۱۳۹۸). تأثیر توانایی مدیران بر میزان قابلیت مقایسه صورت‌های مالی. *دانش حسابداری*، ۱۰(۲)، ۲۱-۴۲.
- خزایی، مهدی؛ زلّقی، حسن؛ افلاطونی، عباس. (۱۴۰۰). نقش تعدیل‌گر ساختار مالکیت بر رابطه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۱(۱)، ۱-۲۳.
- واعظ، سید علس؛ بنایی قدیم، رحیم؛ قلمبر، محمد حسن؛ قناد، علی. (۱۴۰۳). تأثیر انحراف توجه سهامداران نهادی بر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۴(۱)، ۱۳۶-۱۶۴.
- هاشمی دهچی، مجید؛ ایزدی نیا، ناصر؛ امیری، هادی. (۱۳۹۹). تأثیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری با تأکید بر نقش سرمایه‌گذاران متخصص و عدم تقارن اطلاعاتی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۷(۳)، ۴۷۳-۴۹۴.

References

- Anthony, J. H; & Ramesh, K. (1992). Association between accounting performance measures and stock prices: A test of the life cycle hypothesis. *Journal of Accounting and Economics*, 15(2-3), 203-227.
- Behnampour, M, Hashemi Dehchi, M; Izadinia, N. (2023). Financial Statement Comparability and Managers' Use of Corporate Resources. *Journal of Accountnig Knowledge*, 27(3), 473-494. (In Persian).
- Berger, A. N; & Udell, G. F. (1998). The economics of small business finance: The roles of private equity and debt markets in the financial growth cycle. *Journal of Banking & Finance*, 22(6-8), 613-673.
- Biswaz, P, Habib, H, & Ranasinghe. (2022). Firm life cycle and financial statement comparability. *Advansec in accounting*, 58.
- Coulton, J. J; & Ruddock, C. (2011). Corporate payout policy in Australia and a test of the life-cycle theory. *Accounting and Finance*, 51(2), 381-407.
- De Franco, G; Kothari, S.P. and Verdi, R.S. (2011). The benefits of financial statement comparability, *Journal of Accounting Review*, 49, 895-931.
- DeAngelo, H; DeAngelo, L; & Stulz, R. M. (2006). Dividend policy and the earned/ contributed capital mix: a test of the life-cycle theory. *Journal of Financial Economics*, 81(2), 227-254.
- Dickinson, V. (2011). Cash flow patterns as a proxy for firm life cycle. *The Accounting Review*, 86(6), 1969-1994.
- Donaldson, G; & Lorsch, J. W. (1983). *Decision making at the top: The shaping of strategic direction*. New York, NY: Basic Books.

- Doyle, J; Ge, W; & McVay, S. (2007). Determinants of weaknesses in internal control over financial reporting. *Journal of Accounting and Economics*, 44(1-2), 193-223.
- Financial Accounting Standards Board. (2010). Statement of Financial Accounting Concepts No. 8. *Conceptual Framework for Financial Reporting*, Norwalk, CT_FASB.
- Habib, A; & Hasan, M. M. (2019). Corporate life cycle research in accounting, finance and corporate governance: A survey, and directions for future research. *International Review of Financial Analysis*, 61, 188-201.
- Hanks, H. S. (1990). The organization life cycle: Integrating content and process. *Journal of Small Business Strategy*, 1(1), 1-12.
- Hasan, M. M; & Cheung, W.-K. (2018). Organization capital and firm life cycle. *Journal of Corporate Finance*, 48, 556-578.
- Hasan, M. M; & Habib, A. (2017). Corporate life cycle, organizational financial resources and corporate social responsibility. *Journal of Contemporary Accounting and Economics*, 13(1), 20-36.
- Hasan, M. M; Al-Hadi, A; Taylor, G; & Richardson, G. (2017). Does a firm's life cycle explain its propensity to engage in corporate tax avoidance? *The European Accounting Review*, 26(3), 469-501.
- Hashemi Dehchi, M; Izadinia, N; Amiri, H. (2020). The Effect of Financial Statement Comparability on the Relevance of Accounting Information with Emphasis on the Role of Sophistication Investors and Information Asymmetry. *Accounting and Auditing Review*, 27(3), 473-494. (In Persian).
- Imhof, M. J; Seavey, S. E; & Smith, D. B. (2017). Comparability and cost of equity capital. *Accounting Horizons*, 31(2), 125-138.
- Karnani, A. (1984). The value of market share and the product life cycle A gametheoretic model. *Management Science*, 30(6), 696-712.
- Khazaei, M; Zalaghi, H; & Aflatooni, A. (2019). Impact of management ability on Financial Statement Comparability and Earnings Management. *Journal of Accountning Knowledge*, 10(2), 21-42. (In Persian).
- Khazaei, M; Zalaghi, H; & Aflatooni, A. (2021). Moderating Effect of Ownership Structure on the Relation between Financial Statement Comparability and Earnings Management. *Empirical Research in Accounting*, 11(1), 1-22. (In Persian).
- Kim, J.-B; Li, L; Lu, L. Y; & Yu, Y. (2016). Financial statement comparability and expected crash risk. *Journal of Accounting and Economics*, 61(2-3), 294-312.
- Krishnan, G. V; Myllymaki, E.-M; & Nagar, N. (2021). Does financial reporting quality vary across firm life cycle? *Journal of Business Finance and Accounting*, 48(5 & 6), 954-987.
- Lang, M; & Lundholm, R. (1993). Cross-sectional determinants of analyst ratings of corporate disclosures. *Journal of Accounting Research*, 31(2), 246-271.
- Miller, D; & Friesen, P. H. (1984). Successful and unsuccessful phases of the corporate life cycle. *Organization Studies*, 4(4), 339-356.
- Perez, S; Llopis, A; & Llopis, J. (2004). The determinants of survival of Spanish manufacturing firms. *Review of Industrial Organization*, 25(3), 251-273.

- Sohn, B. C. (2016). The effect of accounting comparability on the accrual-based and real earnings management. *Journal of Accounting and Public Policy*, 35(5), 513–539.
- Vaez, A; Bonabi Ghdim, R; Ghambor, M & Ghanad, A. (2019). The Effect of Institutional Investors' Distraction on Financial Statement Comparability and Earnings Management. *Empirical Research in Accounting*, 14(51), 139-164. (In Persian).
- Verrecchia, E. E. (1990). Information quality and discretionary disclosure. *Journal of Accounting and Economics*, 12(4), 365–380.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

The Mediating and Insurance-like Effect of Accounting Conservatism in the Relationship between Reputation and Firm Value¹

Saifuldeen Safouk Rashid², Mehdi Heydari³,
Gholamreza Mansourfar⁴

Received: 2024/07/16
Accepted: 2024/10/26

Research Paper

Abstract

High-reputation firms tend to adopt conservative accounting practices to maintain stakeholder trust and reduce financial risks. This approach not only manages reputation-related risks but also creates an "insurance-like" effect, helping to preserve and enhance the firm's value. In this context, the present study aims to examine the mediating role of accounting conservatism in the relationship between corporate reputation and firm value over the period 2013-2022. The research is applied in nature and quasi-experimental in method, relying on archival data. The hypotheses were tested using a panel data model with fixed effects. The results confirmed a positive and significant relationship between corporate reputation and firm value. Additionally, the findings demonstrated a positive and significant association between corporate reputation and accounting conservatism. Furthermore, accounting conservatism was found to mediate the relationship between corporate reputation and firm value.

Keyword: Insurance-Like Effect of Accounting Conservatism, Reputation, Firm Value.

JEL Classification: M41, M42, G32, L14.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.48026.3292

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Management and Economics, Urmia University, Urmia, Iran. (ssafoukrashid@gmail.com).

3. Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Economics, Urmia University, Urmia, Iran. (Corresponding author). (m.heydari@urmia.ac.ir).

4. Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Economics, Urmia University, Urmia, Iran. (g.mansourfar@urmia.ac.ir).

اثر میانجی و بیمه مانند محافظه‌کاری حسابداری در رابطه بین شهرت و ارزش شرکت^۱

سیف الدین صفوک رشید^۲، مهدی حیدری^۳، غلامرضا منصورفر^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵

مقاله پژوهشی

چکیده

شرکت‌های دارای شهرت بالا، به منظور حفظ اعتماد ذی‌نفعان و کاهش ریسک‌های مالی، تمایل به استفاده از رویکردهای محافظه‌کارانه در حسابداری دارند. این رویکرد نه تنها ریسک‌های مرتبط با شهرت را مدیریت می‌کند، بلکه با ایجاد اثری بیمه‌مانند، به حفظ و افزایش ارزش شرکت نیز منجر می‌شود. در همین راستا هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش میانجی‌گری محافظه‌کاری حسابداری در رابطه بین شهرت و ارزش شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، شبه‌تجربی است که با اتکاء به داده‌های آرشیوی انجام شده و برای آزمون فرضیه‌ها از الگوی داده‌های ترکیبی با اثرات ثابت استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که بین شهرت و ارزش شرکت رابطه مثبت و معناداری برقرار است. علاوه بر این نتایج بیانگر وجود رابطه مثبت و معنادار بین شهرت شرکت و محافظه‌کاری حسابداری است. همچنین محافظه‌کاری حسابداری رابطه شهرت و ارزش شرکت را میانجی نمود.

واژه‌های کلیدی: اثر بیمه مانند محافظه‌کاری حسابداری، شهرت شرکت، ارزش شرکت.

طبقه‌بندی موضوعی: M41, M42, G32, L14.

doi: 10.22051/JERA.2024.48026.3292

۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. (ssafoukrashid@gmail.com).
 ۲. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول). (m.heydari@urmia.ac.ir).
 ۳. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول). (m.heydari@urmia.ac.ir).
 ۴. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ارومیه، ایران. (g.mansourfar@urmia.ac.ir).
- https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

مفهوم شهرت شرکت، همواره توجه طیف وسیعی از پژوهشگران را به خود جلب کرده و بسیاری از واحدهای تجاری برای حفظ و ارتقای رشد خود بر آن تأکید دارند (چان^۱، ۲۰۰۵). شهرت، در حقیقت تصاویری است که ذی‌نفعان کلیدی از فعالیت‌های گذشته و آینده شرکت در ذهن دارند و بیانگر تقاضای کلی این ذی‌نفعان از شرکت در مقایسه با رقبا می‌باشد (خدایاری و همکاران، ۱۳۹۷). از این رو، شهرت به عنوان یک دارایی نامشهود ارزشمند، تأثیر مستقیمی بر رفتار ذی‌نفعان مختلف نسبت به شرکت دارد. به طوری که شهرت خوب یک شرکت، سهامداران را به سرمایه‌گذاری در آن ترغیب نموده، موجب جذب نیروهای انسانی کارآمد شده، مشتریان را حفظ نموده و به طور کلی منجر به بازدهی بالاتر برای شرکت شده (چان، ۲۰۰۵) و ارزش شرکت را افزایش می‌دهد (بلک و همکاران^۲، ۲۰۰۰؛ کارپوف^۳، ۲۰۱۲؛ کلین و لفلر^۴، ۱۹۸۱؛ شاپیرو^۵، ۱۹۸۲). به طوری که حسن شهرت به عنوان یکی از مهم‌ترین دارایی‌های شرکت‌ها تلقی می‌شود (گیسون و همکاران^۶، ۲۰۰۶؛ گراهام و همکاران^۷، ۲۰۱۴).

با وجود اهمیتی که سرمایه شهرت دارد، همواره در معرض خطر آسیب قرار داشته و یک رویداد منفی می‌تواند ارزش بازار شرکت را به شدت کاهش دهد (جتونگ و دو^۸، ۲۰۱۶). با توجه به شکنندگی شهرت، شاید به همین دلیل است که مدیران خطر شهرت را به عنوان مهم‌ترین ریسک استراتژیک شرکت‌ها دانسته (دیلویت^۹، ۲۰۱۴) که می‌تواند انگیزه بگاریگری روش‌های محافظه کارانه حسابداری را در مدیران شرکت‌ها ایجاد نماید (امیرخانی و همکاران^{۱۰}، ۲۰۲۴). شرکت‌های با شهرت خوب تمایل دارند که ریسک‌های خود را به حداقل برسانند تا از هرگونه رخداد ناخواسته‌ای که می‌تواند به شهرت آن‌ها لطمه بزند، جلوگیری کنند. در این راستا تئوری مشروعیت نشان می‌دهد که شرکت‌ها برای حفظ و تقویت شهرت خود، انگیزه دارند که از حسابداری محافظه کارانه استفاده کنند. این رویکرد به آن‌ها کمک می‌کند

1. Chun
2. Black et al
3. Karpoff
4. Klein & Leffler
5. Shapiro
6. Gibson et al
7. Graham et al
8. Jeong & Dou
9. Deloitte
10. Amirkhani et al

تا اعتماد ذینفعان را جلب کرده، ریسک‌های مالی را کاهش داده و در نهایت به موفقیت بلندمدت دست یابند (فرانسیس و وانگ^۱، ۲۰۰۸). بنابراین، با توجه به مزایای مطرح شده از حسن شهرت و خطراتی که همواره آن را تهدید می‌کند، شرکت‌ها انگیزه دارند تا مجموعه‌ای از استراتژی‌ها را برای حفظ حسن شهرت و ارتقای آن و حتی بهبود شهرت آسیب‌دیده اتخاذ نمایند (امیرخانی و همکاران، ۲۰۲۴). لذا بر اساس آنچه از ادبیات پژوهشی بیان گردید و به پشتوانه نظریه مشروعیت، این پژوهش فرض می‌کند که یکی از این استراتژی‌ها، استفاده از رویکردهای محافظه‌کارانه حسابداری می‌باشد. بنابراین انتظار بر این است که شهرت شرکت انگیزه لازم برای شرکت‌ها جهت اتخاذ حسابداری محافظه‌کارانه را فراهم نماید.

حسن شهرت شرکت، مکانیزمی است که عدم اطمینان مشتریان را کاهش داده و در نتیجه رضایت مشتری را به همراه خواهد داشت. شهرت شرکت به عنوان یک دارایی نامشهود، یک شرکت را از دیگران متمایز می‌کند و مشتریان را به خرید مجدد از شرکت ترغیب نموده و آنها قیمت بالاتری برای محصولات شرکت پرداخت خواهند نمود (لی و رو^۲، ۲۰۱۲). لذا، حسن شهرت شرکت می‌تواند به عنوان یک ابزار دفاعی استراتژیک در برابر رقبا و افزایش سودآوری عمل نماید (اینجلیس و همکاران^۳، ۲۰۰۶). در این راستا، ادبیات پژوهشی بیانگر این است که شهرت جزء حیاتی ارزش شرکت بوده و معیار کلیدی عملکرد شرکت محسوب می‌گردد (لی و رو، ۲۰۱۲). از طرف دیگر، محققانی همچون فلتهام و اولسون^۴ (۱۹۹۵) در بررسی‌های خود نشان دادند که یکی از عوامل کلیدی مؤثر بر ارزش آفرینی شرکت، استفاده از روش‌های حسابداری محافظه‌کارانه می‌باشد. محافظه‌کاری حسابداری به واسطه کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران، هزینه نمایندگی را کاهش داده و منافع ذی‌نفعان را به نحو بهتری تضمین می‌نماید (حمدان، ۲۰۱۸). محافظه‌کاری از طریق محدود کردن رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران و از طرف دیگر بهبود بهره‌وری سرمایه‌گذاری‌های شرکت باعث افزایش ارزش شرکت می‌شود (اسدی و بیات، ۱۳۹۴).

بنابراین، از آنجایی که شهرت شرکت انگیزه لازم برای شرکت‌ها جهت اتخاذ حسابداری محافظه‌کارانه را فراهم می‌نماید و با توجه به اثر مثبتی که محافظه‌کاری حسابداری بر افزایش

1. Francis & Wang
2. Lee & Roh
3. Inglis et al
4. Feltham & Ohlson

ارزش شرکت دارد، انتظار بر این است که محافظه کاری حسابداری اثری بیمه مانند در رابطه بین شهرت و ارزش شرکت ایفا نماید. این اثر بیمه مانند به این معناست که محافظه کاری با به تعویق انداختن شناسایی درآمدها و تسریع در شناسایی هزینه‌ها، سرمایه گذاران و ذی‌نفعان را در برابر نوسانات ناگهانی بازار و تغییرات اقتصادی محافظت می‌کند. به این ترتیب، این رویکرد می‌تواند از کاهش شدید ارزش شرکت‌ها در مواجهه با بحران‌های اقتصادی و سیاسی جلوگیری کند (واتس^۱، ۲۰۰۳؛ بال و شیواکومار^۲، ۲۰۰۵). به عبارت بهتر، محافظه کاری حسابداری به‌عنوان یک ابزار دفاعی می‌تواند شرکت‌ها را در برابر کاهش ناگهانی ارزش سهام محافظت کرده و اثرات منفی را تعدیل کرده و یا کاهش دهد (باسو^۳، ۱۹۹۷؛ لارکن و همکاران^۴، ۲۰۱۳). به همین دلیل، این پژوهش فرض می‌کند که شهرت شرکت می‌تواند انگیزه لازم برای اتخاذ حسابداری محافظه کارانه را فراهم کرده و در نتیجه به کاهش اثرات منفی بر ارزش شرکت‌ها کمک کند.

محافظه کاری حسابداری همچنین از طریق کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و محدود کردن رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران، به بهبود بهره‌وری سرمایه‌گذاری و افزایش ارزش شرکت کمک می‌کند (حمدان^۵، ۲۰۱۸؛ اسدی و بیات، ۱۳۹۴). این رویکرد به‌عنوان یک استراتژی محافظتی عمل کرده و همانند یک بیمه، می‌تواند اثرات مخرب ناشی از نوسانات بازار و شرایط نامساعد اقتصادی را کاهش دهد. لذا پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که آیا محافظه کاری حسابداری می‌تواند اثری بیمه مانند در رابطه بین شهرت و ارزش شرکت داشته باشد؟

بررسی‌های ادبیات پژوهشی گواه آن است که موضوع پژوهش حاضر به‌عنوان یک خلأ پژوهشی نیازمند بررسی است. همچنین علاوه بر پر کردن این خلأ پژوهشی، ارزش افزوده‌های زیر برای پژوهش حاضر متصور خواهد بود که بر اهمیت و ضرورت انجام آن تاکید دارد: ۱. این نخستین بار است که انگیزه شهرت به منظور اتخاذ رویکردهای محافظه کارانه حسابداری در داخل ایران بررسی می‌شود. و لذا اگر شهرت شرکت موجب حرکت شرکت‌ها به سمت حسابداری محافظه کارانه شده و از این طریق نیز اثری بیمه مانند برای حفظ و یا ارتقای ارزش

1. Watts
2. Ball & Shivakumar
3. Basu
4. Larkin et al
5. Hamdan

شرکت ایجاد نماید، نتایج این پژوهش می‌تواند اطلاعات ارزشمندی را برای شرکت‌ها و مدیران آن‌ها در جهت حداکثرسازی ارزش شرکت فراهم نماید. ۲. بررسی این پژوهش می‌تواند در شناخت انگیزه‌های مدیران شرکت‌های دارای شهرت بالا در خصوص تصمیمات حسابداری و گزارشگری آنان فراهم نماید. ۳. اگر فرضیه اثر بیمه مانند محافظه‌کاری حسابداری تایید شود، نتایج این پژوهش می‌تواند انگیزه لازم برای ایجاد فضای رقابتی در شرکت‌ها جهت اتخاذ رویکردهای محافظه‌کارانه و در نهایت افزایش ارزش آنان و همچنین ارتقای سطح اقتصادی کشور را فراهم نماید.

مبانی نظری و تبیین فرضیه‌های پژوهش

شهرت، تصویری کلی از چهره یک شرکت است که توسط مشتریان، سرمایه‌گذاران، کارکنان و به طور کلی عموم جامعه قابل درک و اندازه‌گیری می‌باشد (لی و رو، ۲۰۱۲). مطالعات مختلفی به بررسی مزایای داشتن حسن شهرت برای شرکت‌ها پرداخته و مزایای بسیاری نیز برای آن بیان نموده‌اند. شهرت خوب، شرکت را در شرایط رقابتی بازار حمایت می‌کند (هال، ۱۹۹۳)، هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام را کاهش می‌دهد (کائو و همکاران، ۲۰۱۵)، بازده سهام را افزایش می‌دهد (آنتونوویچ و لاستر^۲، ۱۹۹۹) و پایداری سود را بهبود می‌بخشد (رابرتز و داوولینگ^۳، ۲۰۰۲). با این حال شرکت‌هایی که درصد بیشتری از ارزش حقوق صاحبان سهامشان به شهرت آن‌ها وابسته است، در صورت آسیب دیدن شهرتشان با کاهش ارزش بیشتری مواجه خواهند شد.

پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که تجدید ارائه‌های مالی (دسای و همکاران^۴، ۲۰۰۶) و اقدامات اجرایی کمیسیون بورس و اوراق بهادار برای گزارش‌های مالی نادرست (کارپوف و همکاران، ۲۰۱۲) که بر شهرت شرکت اثر مخربی دارد، جریمه‌های اعتباری قابل توجهی به همراه خواهد داشت. این جریمه‌ها می‌توانند شرکت‌ها را تشویق کند تا در انتخاب روش‌های حسابداری محتاطانه عمل نمایند (ماچوکوتو و همکاران^۵، ۲۰۲۱). بنابراین مزایای حاصل از شهرت شرکت و ترسی که برای آن وجود دارد، می‌تواند بر انتخاب‌های

1. Cao et al
2. Antunovich & Laster
3. Roberts & Dowling
4. Desai et al
5. Machokoto et al

حسابداری شرکت‌ها اثر گذاشته و یکی از این انتخاب‌ها احتمالاً محافظه کاری حسابداری باشد. نگرانی‌های مربوط به شهرت می‌تواند محافظه کاری را تحریک نماید، زیرا شرکت‌ها می‌خواهند از خود در برابر گزارش زیان‌های غیرمنتظره که ممکن است به اعتبارشان لطمه بزند، محافظت کنند (امیرخانی و همکاران، ۲۰۲۴).

به طور کلی، محافظه کاری یک حالت بیمه‌ای برای شرکت ایجاد می‌کند که از درآمدهای آینده در برابر آثار رویدادهای منفی محافظت نماید (امیرخانی و همکاران، ۲۰۲۴). همچنین بر اساس تئوری مشروعیت، نگرانی‌های مربوط به شهرت و تلاش برای حفظ مشروعیت می‌تواند انگیزه‌ای قوی برای شرکت‌ها فراهم آورد تا به سمت حسابداری محافظه کارانه حرکت کنند. این اقدام به شرکت‌ها کمک می‌کند تا از خطرات مرتبط با گزارش‌های مالی نادرست جلوگیری کنند و در عین حال اعتماد و حمایت ذینفعان خود را حفظ نمایند (ماچوکوتو و همکاران، ۲۰۲۱). بنابراین احتمالاً شرکت‌هایی که از حسن شهرت بالاتری برخوردارند، از روش‌های محافظه کارانه‌تری استفاده کنند.

حسن شهرت برای شرکت مزایایی به همراه دارد که در نهایت منجر به بهبود عملکرد مالی آن می‌شود. از جمله؛ (۱) استفاده از شهرت شرکت به عنوان شاخصی از کیفیت محصول زمانی که مصرف‌کنندگان با انتخاب بین محصولات رقیب مواجه هستند، (۲) جذب کارکنان با قابلیت‌ها و مهارت‌های بیشتر و حفظ کارکنان ماهر موجود، (۳) حفظ فروش از طریق ایجاد مزیت رقابتی (اینجلیس و همکاران، ۲۰۰۶). همچنین، مشارکت کنندگان بازار سرمایه برای اختصاص منابع خود، شرکت‌ها را از طریق شهرت‌شان مورد ارزیابی قرار می‌دهند. بنابراین، عملکرد مالی شرکت تحت تأثیر حسن شهرت آن قرار می‌گیرد (وی و همکاران، ۲۰۰۷).

از طرف دیگر، بر اساس مطالعات انجام شده محافظه کاری منجر به محدود کردن رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران می‌شود (اسدی و بیات، ۱۳۹۴). محافظه کاری حسابداری، مانع خوشبینی مدیران در ارائه بیش از حد سود شده و به طبع از پرداخت‌های اضافی پاداش به مدیران جلوگیری می‌نماید. همچنین، محافظه کاری حسابداری بخشی از سازوکارهای کارآمد شرکت محسوب می‌شود و باعث کارا تر شدن قرارداد بین گروه‌های ذی‌نفع در شرکت، کاهش بار مالیاتی وارده بر شرکت، کاهش احتمال طرح دعاوی حقوقی علیه شرکت و مدیران آن، بهبود کیفیت افشا،

افزایش شفافیت و در نهایت افزایش ارزش و بهبود عملکرد شرکت می‌شود (عبدالهی و حمیدی، ۱۳۹۸). به عبارت بهتر محافظه‌کاری حسابداری با کاهش خطرات پیرامون شرکت و مزایایی که برای شرکت‌ها دارد، می‌تواند اثری بیمه‌مانند برای شرکت‌ها داشته و با توجه به انگیزه‌ای که شهرت شرکت‌ها برای اتخاذ روش‌های محافظه‌کارانه برای شرکت‌ها ایجاد می‌کند (امیرخانی و همکاران، ۲۰۲۴)، محتمل است که محافظه‌کاری به عنوان متغیر میانجی در رابطه بین شهرت و ارزش شرکت اثری بیمه‌مانند ایجاد نماید.

مطالعات متعددی در زمینه شهرت، محافظه‌کاری حسابداری و ارزش شرکت انجام شده، اما تاکنون پژوهشی در ایران با این عنوان و این اهداف که انگیزه ایجاد شده از شهرت شرکت بتواند شرکت‌ها را به اتخاذ روش‌های محافظه‌کارانه حسابداری ترغیب نموده و از این طریق ارزش شرکت را بیمه نماید، انجام نپذیرفته است. لذا در ادامه به بررسی برخی از مطالعات مرتبط با مطالعه حاضر پرداخته شده است.

امیرخانی و همکاران (۲۰۲۴) با در نظر گرفتن نمونه‌ای مشتمل بر ۱۰۰۰ شرکت در بازه زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۹ پژوهشی با عنوان تأثیر شهرت شرکت بر محافظه‌کاری حسابداری انجام دادند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که شرکت‌هایی که از شهرت بالاتری برخوردارند رویکردهای حسابداری محافظه‌کارانه‌تری را اتخاذ می‌نمایند. حمدان (۲۰۱۸) مطالعه‌ای با عنوان نقش محافظه‌کاری حسابداری در ارتباط بین ساختار مالکیت و عملکرد شرکت و با تمرکز بر داده‌های ۱۲۰ شرکت در بازه زمانی ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ انجام داد. نتایج حاصل از پژوهش وی نشان داد که محافظه‌کاری حسابداری نقش مثبتی در کاهش تأثیر منفی تمرکز مالکیت بر عملکرد شرکت و تقویت نقش مثبت مالکیت مدیریتی و نهادی در عملکرد شرکت دارد. گارسیا لارا و همکاران^۱ (۲۰۱۱) پژوهشی با عنوان محافظه‌کاری شرطی و هزینه سرمایه در بازه زمانی ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۳ انجام دادند. نتایج آنها نشان داد که رابطه منفی و معنی‌داری بین محافظه‌کاری شرطی و متوسط نرخ بازده سهام وجود دارد.

نظریان و امیری همزاد (۱۴۰۲) مطالعه‌ای با عنوان تأثیر نقش میانجیگری شهرت شرکت بر رابطه ما بین افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد شرکت با در نظر گرفتن ۱۶۳ شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ انجام دادند. نتایج حاصل از مطالعه آنها نشان داد که افشای

مسئولیت پذیری اجتماعی بر عملکرد شرکت تأثیر معناداری نداشته و اثر تعدیلی شهرت شرکت نیز بر رابطه بین افشای مسئولیت پذیری اجتماعی و عملکرد شرکت تأیید نگردید. اسدی و بیات (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان تأثیر حسابداری محافظه کاری شرطی و غیر شرطی بر ارزش شرکت و با تمرکز بر ۷۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۰ نشان دادند که محافظه کاری شرطی و غیر شرطی با ارزش شرکت دارای رابطه مستقیم و معنادار بوده و هرچه میزان محافظه کاری بین مدیران بیشتر باشد سبب افزایش ارزش شرکت‌ها می‌شود.

از این رو غالباً ادبیات تجربی پیشنهاد می‌کند که شهرت شرکت انگیزه بسیار مهمی برای اتخاذ حسابداری محافظه کارانه فراهم نموده و حسابداری محافظه کارانه نیز عامل بسیار مهمی است که می‌تواند اثر بیمه مانند به منظور حفظ ارزش شرکت‌ها ایجاد نماید. این موارد سازگار با مبانی نظری است که پیشتر از نظر گذشت.

فرضیه‌های پژوهش

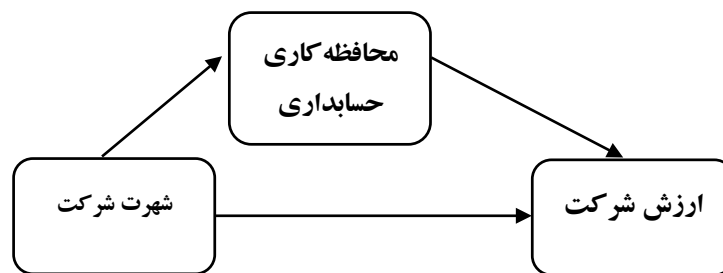
با توجه به مبانی نظری، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تبیین گردیده‌اند:

فرضیه اول: شرکت‌های دارای حسن شهرت بالا ارزش بالاتری نیز دارد.

فرضیه دوم: شرکت‌هایی که از حسن شهرت بالاتری برخوردارند، از روش‌های محافظه کارانه تری استفاده می‌کنند.

فرضیه سوم: محافظه کاری به عنوان متغیر میانجی در رابطه بین شهرت و ارزش شرکت اثری بیمه‌مانند ایجاد می‌نماید.

در نمودار (۱) مدل مفهومی فرضیه‌های مطرح شده آورده شده است:



نمودار ۱. مدل مفهومی فرضیه‌های پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش که از نوع کاربردی است، برای بررسی رابطه بین متغیرهای مورد مطالعه از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شده و روش‌شناسی آن پس‌رویدادی است. به دلیل ارزیابی ارتباط بین دو یا چند متغیر، این پژوهش از نظر ماهیت، توصیفی-همبستگی محسوب می‌شود. اطلاعات مورد نیاز از منابعی مانند مقالات مرتبط، سایت کدال و پایگاه داده ره‌آورد نوین جمع‌آوری شده و در نهایت، داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از اکسل طبقه‌بندی و توسط نرم‌افزارهای استاتا و ایویوز تحلیل شدند.

جامعه آماری این پژوهش نیز تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را شامل می‌شود که شرایط جدول (۱) را دارا هستند:

جدول ۱. نمونه پژوهش

شرح		
۴۱۷		شرکت‌هایی که تا پایان اسفند سال مالی ۱۳۹۱ در بورس پذیرفته شده‌اند
	۹۷	شرکت‌هایی که پایان سال مالی آن‌ها پایان اسفند ماه نیست
	۱۲۲	اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه تمامی متغیرها موجود باشند و دارای فعالیت مستمر در بازار بوده به طوری که و توقف معاملاتی بیش از شش ماه نداشته باشند.
	۹۴	جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ، لیزینگ، بانکی، و سایر موسسات مالی به دلیل متفاوت بودن ماهیت و فعالیت این شرکت‌ها نباشد.
	(۳۱۳)	تعداد کل شرکت‌های حذف شده از نمونه
	۱۰۴	تعداد شرکت‌های نمونه پژوهش

با توجه به معیارهای ذکر شده، ۱۰۴ شرکت برای آزمون فرضیه‌ها در دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ انتخاب شده‌اند.

مدل و متغیرهای پژوهش

به پیروی از امیرخانی و همکاران (۲۰۲۴) جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های (۱) تا (۳) استفاده شده است.

$$Q_{it} = \beta_0 + \beta_1 REPUTATION_{it} + \beta_2 Lev_{it} + \beta_3 Loss_{it} + \beta_4 MTB_{it} + \beta_5 Size_{it} + \beta_6 Institution_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 CGQ_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که در مدل (۱) Q کیو-توین، $REPUTATION$ شهرت شرکت، CGQ نمره کیفیت حاکمیت شرکتی، $SIZE$ اندازه شرکت، Lev اهرم مالی، MTB نسبت ارزش روز به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، ROA سودآوری و $Loss$ شاخص زیان شرکت است.

$$\text{مدل (۲)} \quad CONS_{it} = \beta_0 + \beta_1 REPUTATION_{it} + \beta_2 Lev_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 LOSS_{it} + \beta_6 CGQ_{it} + \beta_7 AQ_{it} + \beta_8 MTB_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در مدل (۲) $CONS$ محافظه کاری حسابداری و AQ کیفیت حسابرسی است. در این مدل محافظه کاری حسابداری به عنوان متغیر وابسته می‌باشد و متغیرهای کنترلی آن نیز به پیروی از امیرخانی و همکاران (۲۰۲۴) انتخاب شده است.

در نهایت برای بررسی نقش میانجی و بیمه مانند محافظه کاری حسابداری در رابطه بین شهرت و ارزش شرکت، پس از اجرای مدل (۳) از آزمون آنالین سوبل استفاده گردیده است. آزمون سوبل روشی آماری برای بررسی معناداری اثر میانجی‌گری یک متغیر بین متغیر مستقل و وابسته است. در این آزمون، هدف تعیین این است که آیا اثر غیرمستقیم متغیر مستقل بر متغیر وابسته از طریق متغیر میانجی به طور معناداری قابل توجه است یا خیر.

$$\text{مدل (۳)} \quad Q_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 REPUTATION_{i,t} + \beta_2 CONS_{i,t} + \beta_3 Lev_{i,t} + \beta_4 Loss_{i,t} + \beta_5 MTB_{i,t} + \beta_6 Size_{i,t} + \beta_7 Institution_{i,t} + \beta_8 ROA_{i,t} + \beta_9 CGQ_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

در مدل‌های رگرسیونی فوق نحوه اندازه‌گیری متغیرها در ادامه شرح داده شده است.

متغیر وابسته

متغیر وابسته در این پژوهش، ارزش شرکت است که برای سنجش آن به پیروی از حمدان (۲۰۱۸) از شاخص Q -توین استفاده شده است. مقادیر بزرگ‌تر از یک این نسبت بیانگر استفاده بهینه از دارایی‌های شرکت است. برای محاسبه Q توین از رابطه (۱) به پیروی از حمدان (۲۰۱۸) استفاده شده است:

$$\text{رابطه (۱)} \quad Q_{i,t} = (MVE_{i,t} + BVSH-TL_{i,t}) \div BVA_{i,t}$$

که در آن:

Q : مقدار Q -توین شرکت i در سال t

BVA : ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت i در سال t

MVE : ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t

$BVSHL$: ارزش دفتری بدهی‌های کوتاه مدت شرکت i در سال t

متغیر مستقل

به منظور سنجش شهرت شرکت، مطابق با پژوهش دانشی و اسماعیل‌زاده (۱۴۰۱) و نظریان و امیری (۱۴۰۲) از فهرست ۱۰۰ شرکت برتر بورس که توسط سازمان مدیریت صنعتی منتشر می‌شود، به عنوان شرکت‌های دارای شهرت بالا و سایر شرکت‌ها به عنوان شرکت‌های دارای شهرت پایین در نظر گرفته شد. بدین ترتیب شهرت شرکت یک متغیر دو وجهی است که به شرکت‌های دارای شهرت بالا عدد یک و به سایر شرکت‌ها عدد صفر اختصاص داده شده است.

متغیر میانجی

در این پژوهش برای محاسبه محافظه‌کاری به پیروی از فروغی و نخبه‌فلاح (۱۳۹۳) و ایزدی‌نیا و طباطبایی (۱۳۹۴) از الگوی باسو (۱۹۹۷) استفاده شده است و به شرح رابطه (۲) محاسبه می‌شود:

$$ERAN_{it} = \alpha_0 + \beta_0 * DUM_{i,t} + \beta_1 * RET_{i,t} + \beta_2 * (DUM_{i,t} * RET_{i,t}) + \varepsilon_{it} \quad \text{رابطه (۲)}$$

که در رابطه (۲):

$ERAN$: بیانگر بازده حسابداری است که از نسبت سود قبل از بهره و مالیات به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در ابتدای سال مالی به دست می‌آید.

RET : نشان‌دهنده بازده دوازده‌ماهه سهام است. این متغیر برابر با حاصل جمع ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در پایان دوره مالی و میزان سود تقسیمی شرکت‌ها پس از کسر آورده نقدی صاحبان سهام در ابتدای دوره مالی به ارزش حقوق صاحبان سهام در ابتدای دوره خواهد بود.

DUM : متغیر مصنوعی بوده و در صورتی که بازدهی مثبت باشد، برابر صفر و برای بازده‌های منفی برابر یک خواهد بود.

در رابطه (۲) β_1 پاسخ سود را نسبت به بازده‌های مثبت اندازه‌گیری کرده و $\beta_2 + \beta_1$ پاسخ سود را نسبت به بازده‌های منفی اندازه‌گیری می‌کند. در صورتی که $\beta_2 + \beta_1$ بزرگ‌تر از β_1 باشد،

یعنی $\beta_2 > 0$ ، در این صورت محافظه کاری وجود دارد، زیرا در این صورت پاسخ سود نسبت به اخبار بد (بازدهی منفی) بهتر از پاسخ سود به اخبار خوب (بازدهی مثبت) است.

مدل باسو (۱۹۹۷) یکی از شناخته شده ترین روش ها برای اندازه گیری محافظه کاری شرطی در حسابداری است. محافظه کاری شرطی به مفهوم شناسایی سریع تر زیان ها نسبت به سودها تعریف می شود و یکی از مکانیزم های کلیدی برای مدیریت ریسک و شفافیت اطلاعات مالی است (بال و شیواکومار، ۲۰۰۵؛ واتس، ۲۰۰۳). با توجه به اینکه هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر شهرت شرکت بر تمایل آن به اتخاذ رویکردهای محافظه کارانه است، انتخاب محافظه کاری شرطی از این جهت اهمیت دارد که این نوع از محافظه کاری به شناسایی زود هنگام زیان ها کمک کرده و می تواند به عنوان مکانیسمی برای مدیریت ریسک های مرتبط با شهرت شرکت عمل کند. از سوی دیگر، مدل باسو به دلیل توانایی اش در ارزیابی شناسایی نامتقارن سودها و زیان ها، به طور خاص برای مطالعه ارتباط بین شهرت و ارزش شرکت مناسب است. شهرت شرکت ها به دلیل تأثیر مستقیم بر ذی نفعان و ارزش شرکت، نیازمند مکانیزم هایی مانند محافظه کاری است تا در شرایط زیان، اعتماد ذی نفعان حفظ شده و از کاهش ناگهانی ارزش شرکت جلوگیری شود. بنابراین، مدل باسو برای سنجش دقیق تر این تأثیرات انتخاب شده است.

متغیرهای کنترلی

با توجه به پژوهش امیرخانی و همکاران (۲۰۲۴) که دارای متغیرهای وابسته یکسانی با این مطالعه دارد، متغیرهای کنترلی پژوهش انتخاب گردیده که در ادامه شرح داده شده است.

کیفیت حاکمیت شرکتی (CGQ): برای محاسبه کیفیت حاکمیت شرکتی از مدلی که توسط حساس یگانه و سلیمی (۱۳۹۰) ارائه شده که از چهار بعد اصلی اثرات مالکیت، حقوق سهامداران، شفافیت و اثربخشی هیئت مدیره تشکیل گردیده، استفاده شده است. اطلاعات مربوط به این ابعاد از گزارش فعالیت هیئت مدیره به مجمع عمومی، گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی و همچنین یادداشت های همراه صورت های مالی استخراج گردیده است. این ابعاد شامل چندین مؤلفه و شاخص مختلف هستند. هر کدام از این ابعاد دارای ۳ یا ۴ مؤلفه، شامل چندین شاخص (در مجموع ۹۳ شاخص) بوده که از طریق پرسش های مطرح شده اندازه گیری شده اند. در این مدل، از روش علمی برای تحلیل نتایج استفاده شده و وزن هر بعد، مؤلفه و

شاخص تعیین شده است. هر شاخص دارای یک ضریب در مؤلفه و یک ضریب در مدل نهایی است. پس از اختصاص نمرات صفر و یک به هر شاخص برای شرکت‌ها، این نمرات ابتدا در ضریب شاخص در مؤلفه و سپس در ضریب شاخص در مدل نهایی ضرب شده تا نمره کلی کیفیت حاکمیت شرکت محاسبه شود.

کیفیت حسابداری (AQ): برای محاسبه کیفیت حسابداری از اندازه موسسه حسابداری استفاده شده و به پیروی از مهدوی و رستگاری (۱۳۹۷) اگر حسابرس مستقل شرکت، سازمان حسابداری باشد عدد یک و در غیر این صورت به این متغیر عدد صفر داده شد است.

نسبت ارزش روز به ارزش دفتری (MTB): برابر است با نسبت ارزش روز به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام.

اهرم مالی (Lev): برابر است با نسبت کل بدهی به کل دارایی‌های شرکت.

اندازه شرکت ($SIZE$): برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت.

سودآوری (ROA): برابر است با نسبت سود خالص بر کل دارایی‌های شرکت.

درصد مالکان نهادی ($Institution$): درصدی از کل سهام که متعلق به سهامداران نهادی است و

زیان ($LOSS$): اگر شرکت در سال جاری زیان داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به خود خواهد گرفت.

یافته‌های پژوهش

در جدول (۱)، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش و جدول (۲)، فراوانی متغیرهای دوجویی نمایش داده شده است. برای متغیر ارزش شرکت که با شاخص کیو-توین اندازه‌گیری شده، میانگین ۲/۸۷۴ و میانه ۱/۷۲۲ گزارش شده است. با توجه به آنکه بیشتر مشاهدات این متغیر بالاتر از ۱ می‌باشد، لذا اکثر شرکت‌ها توانسته‌اند از دارایی‌های خود به صورت بهینه استفاده کنند (نوروش و همکاران، ۱۳۹۴)، اما چون میانه کمتر از میانگین بوده و این موضوع نشان می‌دهد که بیش از نیمی از مشاهدات این متغیر کمتر از میانگین هستند، می‌توان نتیجه گرفت که در بیشتر شرکت‌ها استفاده بهینه از دارایی‌ها کمتر از سطح میانگین بوده است. اطلاعات مربوط به متغیر محافظه‌کاری حسابداری نیز بیانگر آن است که بیشترین مشاهدات این متغیر در بازه مثبتی قرار داشته و این موضوع گواه آن است که در اکثر سال-شرکت‌های مورد بررسی

محافظه کاری حسابداری به کار گرفته شده است. زیرا مقادیر مثبت این شاخص نشان دهنده وجود محافظه کاری حسابداری است. در مورد متغیر کیفیت حاکمیت شرکتی، می توان اظهار داشت که میانه داده های مربوط به این متغیر ۰/۳۲۱ بیشتر از میانگین آن ۰/۳۱۷ بوده که این خود نشان دهنده رتبه بالای اکثر شرکت ها در کشور از نظر حاکمیت شرکتی است. اطلاعات مربوط به متغیر شهرت شرکت گواه آن است که از ۱۰۴۰ مشاهده این مطالعه تنها ۱۶۸ مشاهده در لیست شرکت های دارای حسن شهرت بالا بوده اند. مقادیر مرتبط با کیفیت حسابرسی نیز گواه آن است که از ۱۰۴۰ مشاهده این پژوهش، تنها ۱۹۲ مشاهده توسط سازمان حسابرسی، تحت حسابرسی بوده است. همچنین اطلاعات مربوط به متغیر زیان شرکت بیانگر آن است که ۱۳۱ مشاهده در دوره مورد بررسی این پژوهش گزارش زیان در صورت های مالی خود داشته اند. اطلاعات مربوط به سایر متغیرهای پژوهش نیز در جدول (۲) آورده شده است.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	کمینه	بیشینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
کیو-توبین (ارزش شرکت)	۲/۸۷۴	۱/۷۲۲	-۰/۱۶۱	۱۱/۲۳۸	۳/۱۱۷	۱/۳۲۵	۳/۹۰۲
محافظه کاری حسابداری	۰/۰۰۲	۰/۰۱۳	-۰/۴۵۱	۰/۵۸۶	۰/۱۶۷	-۰/۰۱۹	۴/۰۰۶
کیفیت حاکمیت شرکتی	۰/۳۱۷	۰/۳۲۱	۰/۰۷۱	۰/۴۵۲	۰/۰۴۵	۳/۹۶۲	-۰/۴۵۳
مالکیت نهادی	۶۷/۴۹	۷۴/۸۳	۰	۹۸/۲۷	۲۵/۱۳	-۱/۳۴۷	۴/۰۷۱
اهرم مالی	۰/۵۳۴	۰/۵۳۳	۰/۰۵۹	۰/۹۴۵	۰/۱۹۲	۰/۰۵۳	۲/۹۸۶
اندازه شرکت	۱۴/۷۰۸	۱۴/۴۵۶	۱۰/۳۲۹	۲۱/۰۹۹	۱/۶۳۸	۰/۸۲۸	۴/۰۰۱
سودآوری	۰/۴۵۹	۰/۲۵۶	-۰/۱۳۱	۲/۶۰۳	۰/۵۷۶	۱/۹۸۸	۶/۸۱۶
نسبت ارزش روز به ارزش دفتری	۶/۰۹۹	۴/۱۳۸	۱/۲۵۱	۲۱/۸۹۵	۵/۵۲۹	۱/۶۳۶	۴/۷۸

جدول ۳. فراوانی متغیر دوجویی

نام متغیر	تعداد کل مشاهده ها	فراوانی مشاهده یک	فراوانی مشاهده صفر	درصد فراوانی مشاهده یک
کیفیت	۱۰۴۰	۱۹۲	۸۴۸	۰/۱۸۵
شهرت شرکت	۱۰۴۰	۱۶۸	۸۷۲	۰/۱۶۲
زیان شرکت	۱۰۴۰	۱۳۱	۹۰۹	۰/۱۲۶

جهت تشخیص نوع مدل آماری فرضیه های این مطالعه از آزمون های بروش-پاگان و هاسمن استفاده شده است. نتایج آزمون بروش-پاگان با فرض صفر تجمعی بودن الگوی داده ها در سطح

اطمینان ۹۹ درصد به دلیل کمتر بودن سطح معناداری احتمال آماره این آزمون از مقدار ۵ درصد، رد شده و بیان می‌دارد که الگوی داده‌های فرضیه اول تا سوم این مطالعه از نوع ترکیبی یا پانل است.

جدول ۴. نتایج آزمون بروش-پاگان

مدل فرضیه	مقدار آماره	احتمال آماره	نتیجه
مدل فرضیه اول	۵۴/۷۰۲	۰/۰۰۰۱	تابلویی
مدل فرضیه دوم	۳۴/۴۷۱	۰/۰۰۰۱	تابلویی
مدل فرضیه سوم	۱۶۷۱/۶۲	۰/۰۰۰۱	تابلویی

به منظور تشخیص نوع اثرات داده‌های ترکیبی، نتایج آزمون هاسمن نیز در جدول (۵) ارائه شده است. با توجه به کمتر بودن احتمال آماره آزمون هاسمن از مقدار ۵ درصد، در سطح اطمینان بالای ۹۹ درصد فرضیه صفر آزمون هاسمن رد شده و بنابراین با عنایت به رد فرضیه صفر مبنی بر تصادفی بودن اثرات داده‌های ترکیبی، در مورد هر سه مدل فرضیه‌های این پژوهش، نوع الگوی این مدل‌ها از نوع ترکیبی با اثرات ثابت انتخاب شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون هاسمن

مدل فرضیه	مقدار آماره	احتمال آماره	نتیجه
مدل فرضیه اول	۸۵۴/۷۰۲	۰/۰۰۰۱	اثرات ثابت
مدل فرضیه دوم	۷۳۴/۴۷۱	۰/۰۰۰۱	اثرات ثابت
مدل فرضیه سوم	۹۱۶۷/۶۲	۰/۰۰۰۱	اثرات ثابت

جهت تشخیص ناهمسانی واریانس از آزمون والد تعدیل شده استفاده گردید. نتایج آزمون والد تعدیل شده در جدول (۶)، به دلیل کمتر بودن احتمال آماره این آزمون از مقدار ۵ درصد، وجود ناهمسانی واریانس در بین جملات خطا در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می‌گردد. لذا جهت رفع این مشکل، از تخمین‌زن (EGLS) برای هر سه مدل فرضیه‌های این پژوهش، استفاده گردید است.

جدول ۶. آزمون ناهمسانی واریانس (والد تعدیل شده)

مدل فرضیه	آماره f	احتمال آماره	نتیجه نهایی
مدل فرضیه اول	۵۲۸۹/۷۷	۰/۰۰۰۱	وجود ناهمسانی
مدل فرضیه دوم	۱۲۷۵۵/۱	۰/۰۰۰۱	وجود ناهمسانی
مدل فرضیه سوم	۶۴۳۳/۳۴	۰/۰۰۰۱	وجود ناهمسانی

در ادامه جهت بررسی خودهمبستگی سریالی بین جملات اخلاقی، از آزمون وولدریج استفاده گردیده است. نتایج آزمون وولدریج در جدول (۷) در سطح اطمینان ۹۵ درصد، نشان می‌دهد که وجود خودهمبستگی سریالی، به دلیل کمتر بودن احتمال آماره این آزمون از مقدار ۵ درصد، در هر سه مدل فرضیه‌های این پژوهش تایید می‌گردد. لذا جهت برطرف کردن این مشکل، در اجرای آزمون‌های نهایی از فرآیند خودرگرسیون مرتبه اول، استفاده گردیده است.

جدول ۷. آزمون خودهمبستگی (وولدریج)

مدل فرضیه	آماره f	احتمال آماره	نتیجه نهایی
مدل فرضیه اول	۲۳/۴۷	۰/۰۰۰۱	وجود خودهمبستگی
مدل فرضیه دوم	۴۲/۷۹	۰/۰۰۰۱	وجود خودهمبستگی
مدل فرضیه سوم	۱۳۶/۲۲	۰/۰۰۰۱	وجود خودهمبستگی

جدول (۸) شدت هم‌خطی بین متغیرهای پژوهش را بر اساس آزمون وی آی اف نشان می‌دهد. مقادیر مرتبط با تورم واریانس این آزمون بر اساس ادبیات موجود برای تمامی متغیرهای مستقل و توضیحی کمتر از ۵ درصد می‌باشد. بنابراین مشکلی از بابت همبستگی چندگانه وجود ندارد.

جدول ۸. آزمون وی آی اف

نام متغیر	فرضیه اول	فرضیه دوم	فرضیه سوم
شهرت شرکت	مقدار تورم واریانس	مقدار تورم واریانس	مقدار تورم واریانس
محافظه کاری حسابداری	۱/۰۸	۱/۱۲	۱/۰۹
کیفیت حاکمیت شرکتی	-	۱/۰۷	۱/۱۱
مالکیت نهادی	۱/۱۶	-	۱/۱۶
کیفیت حسابداری	-	۱/۱۲	-

نام متغیر	فرضیه اول	فرضیه دوم	فرضیه سوم
اهرم مالی	مقدار تورم واریانس	مقدار تورم واریانس	مقدار تورم واریانس
اندازه شرکت	۱/۱۱	۱/۰۹	۱/۱۱
سودآوری	۱/۰۵	۱/۰۳	۱/۰۵
نسبت ارزش روز به ارزش دفتری	۱/۱۲	۱/۱۲	۱/۱۲
زیان شرکت	۱/۱۲	۱/۰۷	۱/۱۲
	۱/۱۱	۱/۰۲	۱/۱۳

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

جدول (۹) نتایج رابطه رگرسیونی فرضیه اول را به تصویر می‌کشد. سطح معناداری آماره F نزدیک صفر است که نشان‌دهنده معناداری کل معادله رگرسیونی می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل شده نیز ۰/۸۱ بوده و بیانگر این است که متغیرهای این رابطه توانسته‌اند ۸۱٪ از تغییرات متغیر ارزش شرکت را تبیین نمایند. سطح معناداری و ضریب متناظر با متغیر شهرت شرکت به ترتیب ۰/۰۰۴ و ۰/۴۴۳ بوده و نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار بین شهرت و ارزش شرکت است. بنابراین، در سطح اطمینان بالای ۰/۹۹ هیچ دلیلی برای رد فرضیه اول این پژوهش وجود نداشته و به عبارت دیگر، شرکت‌های دارای شهرت بالا ارزش بیشتری نیز دارند.

جدول ۹. نتایج برآورد مدل رگرسیونی (۱)

متغیر وابسته: ارزش شرکت				
متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره-t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	-۶/۴۷	۱/۱۵۷	-۵/۵۹۱	۰/۰۰۰۱
شهرت شرکت	۰/۴۴۳	۰/۱۵۷	۲/۸۱۹	۰/۰۰۰۴
سودآوری	-۰/۰۲۴	۰/۱۳۳	-۰/۱۸۴	۰/۸۵۳
اندازه شرکت	۰/۵۷۳	۰/۰۷۲	۷/۹۴۰	۰/۰۰۰۱
نسبت ارزش روز به ارزش دفتری	۰/۴۳۲	۰/۰۰۸	۴۹/۷۸	۰/۰۰۰۱
زیان شرکت	-۰/۱۲۳	۰/۱۵۸	-۰/۷۷۸	۰/۴۳۶
اهرم مالی	-۴/۵۱۲	۰/۴۹۸	-۹/۰۶۱	۰/۰۰۰۱
مالکیت نهادی	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	-۰/۶۴۹	۰/۵۱۶
کیفیت حاکمیت شرکتی	۲/۷۰۴	۱/۳۴۸	۲/۰۰۵	۰/۰۴۵
اتورگرسیو مرتبه اول	۰/۰۱۱	۰/۰۴۱	۰/۲۴۶	۰/۸۰۵
آماره-F	۴۸/۲۱		ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۸۵
(احتمال آماره-F)	۰/۰۰۰۱		آماره دوربین و آتسون	۲/۱۲

جدول (۱۰) نتایج رابطه رگرسیونی فرضیه دوم را به تصویر می کشد. سطح معناداری آماره F نزدیک صفر بوده که نشان دهنده معناداری کل معادله رگرسیونی می باشد. ضریب تعیین تعدیل شده نیز ۰/۳۱ بوده و بیانگر این است که متغیرهای این رابطه توانسته اند ۳۱٪ از تغییرات متغیر ارزش شرکت را تبیین نمایند. سطح معناداری و ضریب متناظر با متغیر شهرت شرکت به ترتیب ۰/۰۰۰۳ و ۰/۰۵۸ بوده و نشان دهنده وجود رابطه مثبت و معنادار بین شهرت و محافظه-کاری حسابداری است. بنابراین، در سطح اطمینان بالای ۰/۹۹ هیچ دلیلی برای رد فرضیه دوم این پژوهش وجود نداشته و به عبارت دیگر، شرکت های دارای شهرت بالا از روش های محافظه کاری بالاتری استفاده می نمایند.

جدول ۱۰. نتایج برآورد مدل رگرسیونی (۲)

متغیر وابسته: محافظه کاری حسابداری				
متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره-t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	۰/۴۵۳	۰/۰۹۹	۴/۵۵۷	۰/۰۰۰۱
شهرت شرکت	۰/۰۵۸	۰/۰۱۶	۳/۶۴۹	۰/۰۰۰۳
کیفیت حاکمیت شرکته	۰/۲۹۹	۰/۱۳۱	۲/۲۶۷	۰/۰۲۳
کیفیت حسابرسی	۰/۰۲۶	۰/۰۱۹	۱/۳۳۹	۰/۱۸۱
نسبت ارزش روز به ارزش دفتری	۰/۰۰۲	۰/۰۰۶	۴/۳۲۲	۰/۰۰۰۱
زیان شرکت	۰/۰۱۱	۰/۰۱۳	۰/۷۹۵	۰/۴۲۶
اهرم مالی	-۰/۰۲۸	۰/۰۴۲	-۰/۶۷۳	۰/۴۹۸
اندازه شرکت	-۰/۰۳۷	۰/۰۰۶	-۵/۶۰۳	۰/۰۰۰۱
سودآوری	-۰/۰۱۷	۰/۰۱۴	-۱/۲۴۲	۰/۲۱۴
اتورگرسیو مرتبه اول	۰/۰۶۹	۰/۰۳۲	۲/۱۵۹	۰/۰۳۱
آماره-F	۴/۸۱۴		ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۱
(احتمال آماره-F)	۰/۰۰۰۱		آماره دورین واتسون	۱/۹۵۱

جدول (۱۱) نتایج رابطه رگرسیونی فرضیه سوم را به تصویر می کشد. سطح معناداری آماره F نزدیک صفر بوده که نشان دهنده معناداری کل معادله رگرسیونی می باشد. ضریب تعیین تعدیل شده نیز ۰/۸۱ بوده و بیانگر این است که متغیرهای این رابطه توانسته اند ۸۱٪ از تغییرات متغیر ارزش شرکت را تبیین نمایند. از آنجایی که این فرضیه به دنبال اثبات پاسخ بر این سوال بود، که آیا، محافظه کاری حسابداری اثر میانجی و بیمه مانند در رابطه بین شهرت و ارزش شرکت دارد یا خیر؟، برای دستیابی به این پاسخ و اجرای آزمون میانجیگری، رابطه رگرسیونی

فرضیه سوم نیز برآورد گردید. سپس بر اساس مقدار آماره تی به دست آمده از مدل فرضیه‌های دوم و سوم این پژوهش که برای متغیر مستقل و میانجی به ترتیب برابر ۳/۶۴۹ و ۲/۷۲۵ است، آزمون سوبل اجرا شد. با توجه به نتایج آزمون سوبل در جدول (۱۲) و احتمال آماره آن (۰/۰۲۳) با اطمینان بالای ۹۵٪، متغیر محافظه‌کاری حسابداری رابطه حسن شهرت و ارزش شرکت را میانجی نموده است. لذا فرضیه سوم پژوهش نیز مورد تایید قرار می‌گیرد.

جدول ۱۱. نتایج برآورد مدل رگرسیونی (۳)

متغیر وابسته: ارزش شرکت				
متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره-t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	-۷/۰۹۲	۱/۰۵۷	-۶/۷۰۸	۰/۰۰۰۱
شهرت شرکت	۰/۳۸۶	۰/۱۴۱	۲/۷۲۵	۰/۰۰۰۶
محافظه‌کاری حسابداری	۰/۶۹۱	۰/۲۳۸	۲/۸۹۱	۰/۰۰۰۳
سودآوری	-۰/۰۲۱	۰/۱۱۸	-۰/۱۷۲	۰/۸۶۳
اندازه شرکت	۰/۶۱۶	۰/۰۶۵	۹/۳۴۵	۰/۰۰۰۱
زیان شرکت	-۰/۱۱۳	۰/۱۳۹	-۰/۸۱۵	۰/۴۱۵
اهرم مالی	-۴/۴۷۱	۰/۴۶۱	-۹/۷۰۱	۰/۰۰۰۱
مالکیت نهادی	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۴	-۰/۵۶۲	۰/۵۷۴
کیفیت حاکمیت شرکتی	۲/۵۲۸	۱/۱۳۵	۲/۲۲۷	۰/۰۲۶
نسبت ارزش روز به ارزش دفتری	۰/۴۲۹	۰/۰۱۱	۳۸/۳۳	۰/۰۰۰۱
اتورگرسیو مرتبه اول	۰/۰۰۵	۰/۰۴۴	۰/۱۳۲	۰/۸۹۴
آماره-F	۴۸/۱۴		ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۸۵
(احتمال آماره-F)	۰/۰۰۰۱		آماره دوربین واتسون	۲/۱۲

جدول ۱۲. آزمون میانجیگری سوبل

آزمون سوبل		
مقدار آماره t	احتمال آماره	نتیجه‌ی نهایی
۲/۲۶۶	۰/۰۲۳	تایید فرض میانجی

بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش با بررسی سه فرضیه اصلی به دنبال تحلیل تأثیر شهرت شرکت بر ارزش آن و نقش میانجی‌گری محافظه‌کاری حسابداری بود تا به این سوال پاسخ دهد که آیا محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند با انگیزه‌ای که از شهرت شرکت می‌گیرد، اثری بیمه‌مانند برای ارزش

شرکت ایجاد نماید. در این راستا اطلاعات مربوط به ۱۰۴ شرکت برای آزمون فرضیه‌ها در دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۱ انتخاب شده و به آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از نرم افزارهای ایویوز و استتا اقدام گردید.

نتایج فرضیه اول نشان داد که بین شهرت و ارزش شرکت رابطه مثبت و معناداری برقرار است. به عبارت دیگر، شرکت‌های دارای شهرت بالا ارزش بیشتری نیز دارند. نتیجه به دست آمده در راستای ادبیات پژوهشی بوده و بیان می‌دارد که شهرت شرکت می‌تواند نقش یک ابزار دفاعی استراتژیک را در مقابل رقبا و افزایش سودآوری ایفا کند (اینجلیس و همکاران، ۲۰۰۶). در این راستا پژوهش‌ها نشان می‌دهند که شهرت یک عنصر اساسی در ارزش شرکت و معیاری مهم برای عملکرد آن است (لی و رو، ۲۰۱۲). ادبیات تجربی نیز همانند پژوهش‌های نظریان و امیری همزا (۱۴۰۲) و طهماسبی خورنه و همکاران (۱۳۹۷) تا حد زیادی نتایج به دست آمده از فرضیه اول را تایید می‌نمایند.

نتایج حاصل از فرضیه دوم حاکی از وجود یک رابطه مثبت و معنادار بین شهرت شرکت و محافظه کاری حسابداری است. به عبارتی، شرکت‌هایی که شهرت بالایی دارند، تمایل بیشتری به استفاده از روش‌های حسابداری محافظه کارانه دارند. پژوهش‌ها در این زمینه نشان می‌دهند که شرکت‌های با شهرت خوب می‌کوشند تا ریسک‌های خود را به حداقل برسانند و از وقوع هرگونه رخداد ناخواسته‌ای که ممکن است به شهرت آن‌ها آسیب برساند، جلوگیری کنند. طبق تئوری مشروعیت، شرکت‌ها برای حفظ و تقویت شهرت خود، انگیزه دارند تا از حسابداری محافظه کارانه بهره‌برداری کنند. این رویکرد به آن‌ها کمک می‌کند تا اعتماد ذینفعان را جلب کرده، ریسک‌های مالی را کاهش داده و در نهایت به موفقیت بلندمدت دست یابند (فرانسیس و وانگ، ۲۰۰۸). نتایج به دست آمده همراستا با پژوهش امیرخوانی و همکاران (۲۰۲۴) است. نهایتاً نتایج فرضیه سوم نشان داد که متغیر محافظه کاری حسابداری رابطه شهرت و ارزش شرکت را میانجی نموده است. در راستای نتیجه حاصل شده از فرضیه سوم امیرخوانی و همکاران (۲۰۲۴) نشان دادند که محافظه کاری یک حالت بیمه‌ای برای شرکت ایجاد می‌کند که از درآمدهای آینده در برابر آثار رویدادهای منفی محافظت می‌کند. محافظه کاری حسابداری همچنین با کاهش خطرات پیرامون شرکت و مزایایی که برای شرکت‌ها دارد، می‌تواند این اثر بیمه‌مانند را ایجاد نماید (فرانسیس و وانگ، ۲۰۰۸). مضاف بر این سرمایه شهرت در معرض خطر آسیب قرار داشته و یک رویداد منفی می‌تواند ارزش بازار شرکت را به شدت کاهش دهد

(جنونگ و دو، ۲۰۱۶) و شاید به همین دلیل است که مدیران خطر شهرت را به عنوان مهم‌ترین ریسک استراتژیک شرکت‌ها دانسته (دیلویت، ۲۰۱۴) که می‌تواند انگیزه بگاری‌های روش‌های محافظه کارانه حسابداری را در مدیران شرکت‌ها ایجاد نماید (امیرخانی و همکاران، ۲۰۲۴). بنابراین نتایج فرضیه سوم همراستا با ادبیات پژوهشی و تجربی بوده و بر اساس آن می‌توان نتیجه‌گیری نمود که محافظه‌کاری حسابداری با انگیزه‌ای که شهرت شرکت به آن وارد می‌کند اثر بیمه‌مانندی برای ارزش شرکت ایجاد خواهد کرد. ذکر این نکته نیز ضروری است که کاهش ارزش بازار شرکت‌ها پس از سال ۱۳۹۹ ممکن است شرکت‌ها را وادار به اتخاذ حسابداری محافظه کارانه کرده باشد. در این مورد سعی گردیده تا حد امکان با استفاده از متغیرهای کنترلی مناسب، این کاهش ارزش کنترل گردد.

بر اساس مطالب بیان شده می‌توان نتیجه‌گیری نمود که توجه به شهرت شرکت و استفاده از روش‌های محافظه کارانه حسابداری می‌تواند نقش مؤثری در افزایش ارزش شرکت‌ها داشته باشد. به عبارت بهتر شرکت‌هایی که شهرت خوبی دارند، تمایل بیشتری به استفاده از روش‌های محافظه کارانه حسابداری داشته که می‌تواند به افزایش ارزش آنان کمک کند. در نتیجه شرکت‌های با شهرت بالا ارزش بالاتری دارند و برای دستیابی به آن از روش‌های محافظه کارانه حسابداری استفاده می‌کنند.

با توجه به رابطه مثبت بین شهرت شرکت و محافظه‌کاری حسابداری، توصیه می‌شود که شرکت‌ها از روش‌های محافظه‌کاری بیشتری در فرآیند حسابداری خود استفاده کنند. این امر می‌تواند به افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و ذینفعان منجر شود و در نهایت به افزایش ارزش شرکت کمک کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که توجه به شهرت شرکت و استفاده از روش‌های محافظه کارانه حسابداری می‌تواند نقش مؤثری در افزایش ارزش شرکت‌ها داشته باشد. بنابراین، مدیران باید استراتژی‌های مناسب را در این زمینه اتخاذ کنند تا به بهبود عملکرد و افزایش ارزش شرکت دست یابند.

به فعالان بازار سرمایه پیشنهاد می‌شود که شهرت شرکت‌ها به عنوان یک عامل کلیدی در ارزیابی ریسک توجه کنند. شرکت‌هایی که شهرت خوبی دارند، تمایل بیشتری به استفاده از روش‌های محافظه‌کاری حسابداری دارند که می‌تواند به کاهش ریسک‌های مالی کمک کند. سرمایه‌گذاران می‌توانند بر اساس یافته‌های این پژوهش، شرکت‌های با شهرت بالا را به عنوان

گزینه‌های مطمئن‌تری برای سرمایه‌گذاری در نظر بگیرند، زیرا این شرکت‌ها ارزش بالاتری دارند و از روش‌های محافظه‌کاری حسابداری استفاده می‌کنند.

باتوجه نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده به بررسی سایر عوامل مؤثر بر رابطه بین شهرت و ارزش شرکت پردازند و نقش میانجی‌گری متغیرهای دیگر را نیز مورد بررسی قرار دهند. این می‌تواند به درک عمیق‌تری از مکانیسم‌های تأثیرگذار بر ارزش شرکت منجر شود.

بررسی ادبیات تجربی نشان می‌دهد که روش جامعی برای اندازه‌گیری شهرت شرکت وجود ندارد. مطالعات محققین حاکی از آن است که مقالات مختلف برای ارزیابی شهرت از دو شاخص، یعنی رتبه‌بندی سازمان مدیریت صنعتی و شاخص سهم بازار شرکت‌ها، استفاده کرده‌اند. بنابراین، نبود یک شاخص جامع در این زمینه می‌تواند پیشنهادی برای پژوهشگران آینده باشد تا این محدودیت برطرف شود.

از آنجایی که ارزش شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران پس از سال ۱۳۹۹ به‌طور قابل توجهی کاهش یافته و این موضوع می‌تواند شرکت‌ها را به اتخاذ حسابداری محافظه‌کارانه ترغیب کند، پیشنهاد می‌شود که با استفاده از متغیری که به‌طور دقیق ارزش بازار شرکت‌ها را منعکس کند، به بررسی موضوع پژوهش حاضر پرداخته شود. همچنین، اگر محدودیت مربوط به شاخص اندازه‌گیری شهرت شرکت نیز برطرف گردد، نتایج می‌تواند تأثیرگذاری بهتر اثر بیمه‌مانند محافظه کاری حسابداری را نشان دهد.

علاوه بر این، نبود یک شاخص به‌روز برای کیفیت حاکمیت شرکتی، که بتواند باوجود تغییرات قوانین و شرایط محیطی در سال‌های اخیر، تمامی ابعاد حاکمیت شرکتی را پوشش دهد، می‌تواند به‌عنوان پیشنهادی برای پژوهشگران آتی مطرح شود تا با ایجاد یک شاخص به‌روز، این محدودیت نیز رفع گردد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.

منابع

- اسدی، غلامحسین؛ بیات، مرتضی. (۱۳۹۴). تاثیر حسابداری محافظه کاری شرطی و غیرشرطی بر ارزش شرکت. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۸(۲۴)، ۱-۱۲.
- ایزدی‌نیا، ناصر؛ طباطبایی، سیده زهرا. (۱۳۹۴). تأثیر وجه نقد مازاد بر اثرگذاری محافظه کاری حسابداری بر پرداخت سود سهام. نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی، ۷(۳)، ۱۷-۳۶.
- حساس یگانه، یحیی؛ سلیمی، محمد جواد. (۱۳۹۰). مدلی برای رتبه بندی حاکمیت شرکتی در ایران. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۸(۳۰)، ۱-۳۵.
- خدایاری، فرانک؛ طوطیان، صدیقه؛ علی‌پناهی، مجید. (۱۳۹۷). تأثیر شهرت سازمانی بر رفتار مشتریان در شرکت بیمه البرز. فصلنامه مهندسی مدیریت نوین، ۱۷(۱)، ۱۰۶-۱۱۸.
- دانشی، یعقوب؛ اسماعیل زاده، علی. (۱۴۰۲). تأثیر کیفیت سیستم مدیریت ریسک سازمانی و ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر شهرت شرکت. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۴(۵۴)، ۲۰۷-۲۳۲.
- عبداللهی، فاطمه؛ حمیدی، الهام. (۱۳۹۸). نقش محافظه کاری حسابداری در رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد شرکت. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۸(۲)، ۲۳۵-۲۵۷.
- فروغی، داریوش؛ نخبه فلاح، زهرا. (۱۳۹۳). تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه کاری شرطی و غیرشرطی. نشریه پژوهش‌های حسابداری مالی، ۶(۱)، ۲۷-۴۴.
- مهدوی، غلامحسین؛ رستگاری، نجمه. (۱۳۹۷). کیفیت حسابرسی و محدودیت در تأمین مالی. مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۶(۳)، ۱۱۷-۱۳۲.
- نظریان، راحله؛ امیری هنزاه، فاطمه. (۱۴۰۲). تأثیر نقش میانجیگری شهرت شرکت بر رابطه مابین افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عملکرد شرکت. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت حسابداری، ۷(۲۴)، ۱۳۱۹-۱۳۳۶.
- نوروش، ایرج؛ مومنی یانسری، ابوالفضل؛ صفری گرایلی، مهدی. (۱۳۹۴). کیفیت سود و ارزش شرکت: شواهدی از شرکت‌های ایرانی. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۷(۴)، ۱-۱۸.

References

- Abdollahie, F; & hamidi, E. (2020). The Role of Accounting Conservatism in the Relationship between Ownership Structure and Firm Performance. *Applied Research in Financial Reporting*, 8(2), 235-257. (In Persian)
- Amirkhani, K; Brown, J; & Gramlich, J. (2024). The effect of corporate reputation on accounting conservatism. *Advances in Accounting*, 100732.

- Antunovich, P; & Laster, D. S. (1999). Do investors mistake a good company for a good investment? *Staff reports of the Federal Reserve Bank of New York*, 60. Retrieved from
- Asadi, Gh & Bayat, M. (2014). The impact of conditional and unconditional conservatism accounting on company value. *Management accounting research quarterly*, 8(24), 1-12. (In Persian)
- Ball, R; & Shivakumar, L. (2005). Earnings quality in UK private firms: Comparative loss recognition timeliness. *Journal of Accounting and Economics*, 39(1), 83-128.
- Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 24(1), 3-37.
- Black, E. L; Carnes, T. A; & Richardson, V. J. (2000). The market valuation of corporate reputation. *Corporate Reputation Review*, 3(1), 31-41.
- Cao, Y; Myers, J. N; Myers, L. A; & Omer, T. C. (2015). Company reputation and the cost of equity capital. *Review of Accounting Studies*, 20(1), 42-81.
- Chun. R. (2005). Corporate reputation: Meaning and measurement. *International Journal of Management Reviews*, 7(2), 91-109,
- Danshi, Y; & Ismailzadeh, A. (1402). The effect of the quality of the organizational risk management system and the characteristics of the audit committee on the company's reputation. *Financial Accounting and Audit Research*, 14(54), 207-232. (In Persian)
- Deloitte. (2014). *Global Survey on Reputation Risk*. https://www2.deloitte.com/content/dam/Deloitte/pl/Documents/Reports/pl_Reputation_Risk_survey_EN.pdf.
- Desai, H; Hogan, C. E; & Wilkins, M. S. (2006). The reputational penalty for aggressive accounting: Earnings restatements and management turnover. *The Accounting Review*, 81(1), 83-112.
- Feltham, G. A; & Ohlson, J. A. (1995). Valuation and clean surplus accounting for operating and financial activities. *Contemporary Accounting Research*. 11 (2): 689-731.
- Foroghi, D; & Nokhbeh Fallah, Z. (2014). The Effect of Managerial Overconfidence on Conditional and Unconditional Conservatism. *Financial Accounting Research*, 6(1), 27-44. (In Persian)
- Francis, J; & Wang, D. (2008). The Joint Effect of Investor Protection and Big 4 Audits on Earnings Quality around the World. *Contemporary Accounting Research*, 25(1), 157-191.
- García Lara, J.M; García Osma, B. & Penalva, F. (2011). Conditional conservatism and cost of capital. *Rev Account Stud* 16, 247-271,
- Gibson, D; Gonzales, J. L; & Castanon, J. (2006). The importance of reputation and the role of public relations. *Public Relations Quarterly*, 51(3), 15-18.

- Graham, J; Hanlon, M; Shevlin, T; & Shroff, N. (2014). Incentives for tax planning and avoidance: Evidence from the field. *The Accounting Review*, 89(3), 991–1023.
- Hamdan. A. M. M. (2018). The role of accounting conservatism in the relationship between ownership structure and firm performance. *International Journal of Critical Accounting*, 9(5/6), 524-539.
- Hassas Yeganeh, Y; & Salimi, M. J. (2010). Developing a Model for Corporate Governance Rating in Iran. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 8(30), 1-35. (In Persian)
- Inglis, R; Morley, C. & Sammut, P. (2006), "Corporate reputation and organisational performance: an Australian study", *Managerial Auditing Journal*, 21(9), 934-947.
- Izadinia, N; & tabtabaei, S. Z. (2015). The Impact of Excess Cash on Conservatism Influence on Dividend Payout. *Financial Accounting Research*, 7(3), 36-17. (In Persian)
- Jeong, E.-Y; & Dou, E. (2016). Samsung shares drop over FAA warning on galaxy note 7. *Wall Street Journal*; (September 9)
- Karpoff, J. M. (2012). Does reputation work to discipline corporate misconduct? In T. G. Pollock, & M. L. Barnett (Eds.), *The Oxford university handbook of corporate reputation* (pp. 361–382). Oxford, UK: Oxford University Press.
- Khodayari, F; Tutian, S; & Ali, P, M. (2017). The effect of organizational reputation on customer behavior in Alborz Insurance Company. *Modern Management Engineering Quarterly*, 7(1), 106-118. (In Persian)
- Klein, B; & Leffler, K. B. (1981). The role of market forces in assuring contractual performance. *Journal of Political Economy*, 89(4), 615–641.
- Larker, D. F; Rajgopal, S; & Shevlin, T. (2013). The effects of accounting conservatism on corporate investment during economic downturns. *The Accounting Review*, 88(2), 395-418.
- Lee, J. & Jungbae Roh, J. (2012), "Revisiting corporate reputation and firm performance link", *Benchmarking: An International Journal*, 19(4/5), 649-664.
- Machokoto, M; Areneke, G; & Nyangara, D. (2021). Financial conservatism, firm value and international business risk: Evidence from emerging economies around the global financial crisis. *International Journal of Finance & Economics*, 26(3), 4590-4608.
- Mahdavi, G; & Rastegari, N. (2018). Audit Quality and Financial Constraints. *Journal of Asset Management and Financing*, 6(3), 117-132. (In Persian)
- Nazarian, R; & Amiri Hanza, F. (1402). The effect of the mediating role of corporate reputation on the relationship between social responsibility

- disclosure and corporate performance. *Scientific Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 7(24), 1319-1336. (In Persian)
- Noravesh, I; momeni yanesari, A; & safari gerayli, M. (2016). Earnings Quality and Firm Value: Evidence from Iranian Firms. *Financial Accounting Research*, 7(4), 1-18. (In Persian)
- Roberts, P. W; & Dowling, G. R. (2002). Corporate reputation and sustained superior financial performance. *Strategic Management Journal*, 23(12), 1077–1093.
- Shapiro, C. (1982). Consumer information, product quality, and seller reputation. *The Bell Journal of Economics*, 13(1), 20–35.
- Watts, R. L. (2003). Conservatism in accounting part I: Explanations and implications. *Accounting Horizons*, 17(3), 207-221.
- Wei, J; Ouyang, Z; & Chen, H. (2017). Well known or well liked? The effects of corporate reputation on firm value at the onset of a corporate crisis. *Strategic Management Journal*, 38(10), 2103-2120.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

Income Diversification Strategy and Market Performance: The Moderating Role of Voluntary Disclosure in Iran's Banking Industry¹

Mona Parsaei², Fereshteh Sadat Mohammadi³,
Jafar Babazadeh Hashin⁴

Received: 2024/08/13

Accepted: 2024/10/12

Research Paper

Abstract

The value of bank shares influences the banks' intermediation capacity, the implementation of monetary transmission mechanisms, and their ability to attract investment in innovative projects. Therefore, examining the performance and its driving factors is crucial for understanding the resilience of the banking sector. Developing a diversified income portfolio and voluntary information disclosure are strategies available to bank managers to enhance their performance. However, no research has yet examined the impact of these two strategies on the market performance of Iranian banks. This study aims to investigate the relationship between income diversification strategy and market performance in banks and the moderating effect of the level of voluntary disclosure on this relationship. Our research sample includes 20 banks listed on the Tehran Stock Exchange from 2015 to 2023. To test the hypotheses, a multivariate regression model using the Generalized Least Squares (GLS) method was employed. Our results indicate that the income diversification strategy improves the market performance of banks. Additionally, voluntary disclosure strengthens the positive relationship between income diversification strategies and the market performance of banks. Our research, for the first time, provides evidence of market performance by addressing income diversification strategy in the banking industry. Our findings indicate that income diversification in banks can be used as an indicator for assessing the proper performance of banks.

Keyword: Income Diversification Strategy, Market Performance, Voluntary Disclosure, Banking Industry.

JEL Classification: M41.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.47944.3289

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (m.parsaei@alzahra.ac.ir).

3. M.Sc. Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (F_sadat_mohammadi@yahoo.com).

4. M.Sc. Department of Accounting, Faculty of human sciences, Kordestan University, Sanandaj, Iran. (jbabazadeh.h@yahoo.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

استراتژی تنوع درآمد و عملکرد بازار: نقش تعدیل‌کننده

افشای اختیاری اطلاعات در صنعت بانکداری ایران^۱منا پارسایی^۲، فرشته سادات محمدی^۳، جعفر بابازاده هشین^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۱

مقاله پژوهشی

چکیده

تأثیرگذار بر آن، برای درک تاب‌آوری بخش بانکی از اهمیت بالایی برخوردار است. ایجاد پرتفوی درآمدی متنوع و افشای داوطلبانه اطلاعات از جمله راهکارهای فراوری مدیران بانک‌ها جهت بهبود عملکرد واحدهای تحت مدیریت هستند؛ لیکن تاکنون پژوهشی تأثیر این دو راهبرد را بر عملکرد بازار بانک‌های ایرانی بررسی نکرده است. هدف این پژوهش بررسی رابطه استراتژی تنوع درآمد با عملکرد بازار بانک‌ها و تأثیر سطح افشای داوطلبانه بر رابطه مذکور است. نمونه پژوهش، شامل ۲۰ بانک پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۲ می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون چندمتغیره به روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته (GLS) استفاده شده است. نتایج حاصل از برآورد مدل‌های پژوهش نشان می‌دهد استراتژی تنوع درآمدی موجب بهبود عملکرد بازار بانک‌ها می‌شود. علاوه بر این، افشای اختیاری، رابطه مثبت استراتژی تنوع درآمد با عملکرد بازار بانک‌ها را تقویت می‌کند. این پژوهش برای اولین بار شواهدی از عملکرد بازار نسبت به متنوع سازی درآمد در صنعت بانکداری را ارائه می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد تنوع درآمدی در بانک‌ها می‌تواند به عنوان شاخصی برای ارزیابی عملکرد مناسب بانک‌ها باشد.

واژه‌های کلیدی: استراتژی تنوع درآمد، عملکرد بازار، افشای اختیاری، صنعت بانکداری.

طبقه‌بندی موضوعی: M41.

10.22051/JERA.2024.47944.3289 .doi

۲. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). (m.parsaei@alzahra.ac.ir)

۳. کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، مدیریت، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (F_sadat_mohammadi@yahoo.com)

۴. کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. (jbabazadeh.h@yahoo.com).
https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

عملکرد مناسب بانک‌ها در جهت ارتقای ارزش سهام، موجب انتقال منابع بازار سرمایه به سوی بانک‌ها می‌شود. لذا بانک‌هایی با عملکرد مطلوب در بازار قادر به جذب سرمایه بیشتر از سوی سرمایه‌گذاران و بهبود سود انباشته هستند. بانک‌ها می‌توانند با عملکرد مناسب، در چارچوب سیاست‌های پولی بانک مرکزی، تأثیر منفی شوک‌های اقتصادی را به حداقل برسانند. شایان ذکر است عملکرد مطلوب بانک‌ها، کارایی سیاست‌های تثبیت را افزایش داده که این امر منجر به تاب‌آوری بالاتر بانک‌ها می‌شود (آلتاویلا و همکاران،^۱ ۲۰۲۴).

در کنار عوامل کلان اقتصادی (خارجی)، عوامل داخلی بانک در عملکرد بانک‌ها می‌توانند تأثیرگذار باشند (حسن التمیمی،^۲ ۲۰۱۰)؛ عوامل داخلی ویژگی‌های راهبردی بانک هستند که بر عملکرد بانک‌ها تأثیرگذار می‌باشند. این عوامل اساساً تحت تأثیر تصمیمات داخلی مدیریت و هیئت‌مدیره هستند. عوامل خارجی عواملی در سطح کلان بوده که خارج از کنترل شرکت هستند و بر سودآوری بانک‌ها تأثیر می‌گذارند (موگو،^۳ ۲۰۱۴). مدیران، همواره به دنبال راهکاری برای بهبود عملکرد واحدهای اقتصادی هستند (عزیزی و همکاران، ۱۴۰۳) یکی از عوامل جهت دستیابی به این هدف، ایجاد پرتفوی درآمدی است (هامراوی،^۴ ۲۰۲۴). لی^۵ و همکاران (۲۰۲۱) معتقدند که ایجاد پرتفوی درآمدی می‌تواند بر عملکرد بازار بانک‌ها اثرگذار باشد. یک اصل مهم در تئوری‌های مالی جدید بانکی، مفهوم تنوع درآمدی است (بن لاهوئل،^۶ ۲۰۲۳). ایجاد تنوع در درآمدهای بانکی از تشکیل سبدی از درآمدها چه از طریق ایجاد درآمدهای غیر مشاع و چه از طریق ایجاد درآمدهای مشاع بانکی قابل دستیابی است (لی و همکاران، ۲۰۲۱). ، با متنوع سازی، می‌توان برخی از ریسک‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری را حذف نمود (راس^۷ و همکاران، ۲۰۱۶) در این راستا، بانک‌ها می‌توانند علاوه بر ارائه تسهیلات به عنوان منبع درآمد قدیمی خود، با ارائه خدمات بانکی، تجاری و امانت‌داری، درآمدهای غیر از درآمدهای حاصل از کارمزدهای دریافتی (درآمدهای غیر مشاع) خود را گسترش دهند (لی

1. Altavilla et al
2. Hassan Al-tamimi
3. Mugo
4. Hmerawee
5. Li
6. Ben Lahouel
7. Ross

و همکاران، ۲۰۲۱). پرتفوی درآمدی کاهش ریسک غیر سیستماتیک بانک‌ها را به دنبال خواهد داشت.

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر عملکرد بازار بانک‌ها، افشای گسترده و داوطلبانه کلیه ابعاد عملکردی و وضعیت بانک‌ها می‌باشد (عباس^۱ و همکاران، ۲۰۲۲؛ داود و شارف‌الدین^۲، ۲۰۱۹). افشای اختیاری به افشای داوطلبانه، خارج از چارچوب تعیین شده توسط استانداردها و الزامات قانونی با ارائه اطلاعات مالی و غیرمالی و استراتژی‌های مدیریتی باهدف ایجاد مزیت رقابتی و جذب سرمایه‌گذاران اشاره دارد (خانا^۳ و همکاران، ۲۰۱۹). افشای اختیاری با ارتقای شفافیت و کیفیت افشای اطلاعات، اطلاعات بهتری در خصوص نحوه اداره شرکت در اختیار ذینفعان قرار می‌دهد (کریمی و همکاران، ۱۴۰۱) و می‌تواند با جلب اعتماد سرمایه‌گذاران از حیث عملکرد صحیح، کنترل ریسک مدیران و هم‌چنین ایجاد اطمینان در نهادهای نظارتی به بهبود بازار بانک کمک کند (هامراوی، ۲۰۲۴). افشای اختیاری از کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، بین مدیران و سرمایه‌گذاران حمایت می‌کند (سوپنی^۴ و همکاران، ۲۰۲۳ و صفی‌خانی و همکاران، ۱۴۰۳). با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، تقاضا برای خرید سهام بانک افزایش و عملکرد بازار بانک‌ها بهبود می‌یابد (عباس^۵ و همکاران، ۲۰۲۲؛ داود و شارف‌الدین، ۲۰۱۹). به‌بیان‌دیگر، افشای اختیاری، سطح اطمینان سرمایه‌گذاران را بالا برده و منجر به بهبود نقد شوندگی سهام، کاهش هزینه سرمایه و بهبود عملکرد بازار بانک‌ها خواهد شد (میک و همکاران^۶، ۱۹۹۵؛ کریستندل و بونتیس^۷، ۲۰۰۷؛ عباس و همکاران، ۲۰۲۲). هدف اساسی این پژوهش بررسی تأثیر استراتژی تنوع درآمد و عملکرد بازار بانک‌ها با تأکید بر افشای اختیاری است. به طور خاص، این مطالعه به دو سؤال پاسخ می‌دهد. اول، آیا بین متنوع‌سازی درآمد بانک‌ها و عملکرد بازار آن‌ها رابطه‌ای وجود دارد؟ دوم اینکه افشای اختیاری اطلاعات بانک‌ها چه تاثیری بر رابطه مذکور می‌گذارد؟ در ادامه این پژوهش به ترتیب به مرور ادبیات و مبانی نظری و روش‌شناسی پژوهش پرداخته شده است. پس از آن نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری پیرامون سؤالات پژوهش ارائه شده است.

1. Abbas
2. Dawd & Charfeddin
3. Khanna
4. Supeni
5. Abbas
6. Meek
7. Kristandl & Bontis

مبانی نظری و مرور ادبیات پژوهش

پرتفوی درآمد و عملکرد بازار در صنعت بانکداری

اثر متنوع سازی درآمد بر عملکرد بانک‌ها از دو منظر قابل بررسی است: نخست آن که بانک‌ها می‌بایست توجه ویژه‌ای به فضای رقابتی موجود داشته باشند. به گونه‌ای که با پیشرفت فناوری، ارائه خدمات بانکداری نوین به شکل کارآمدتر می‌تواند نقش بسزایی در افزایش سهم بازار بانک‌ها ایفا نماید. دوم آن که متنوع سازی درآمدهای بانکی مطابق اصل تنوع‌پذیری، کاهش ریسک بانک را به دنبال خواهد داشت (دهقان دهنوی و همکاران، ۱۳۹۸). بانک‌ها می‌توانند، جریان درآمدی خود را با تغییر دادن منطقه جغرافیایی و نوع وامی که پرداخت می‌کنند، تغییر دهند. همچنین بانک‌ها می‌توانند علاوه بر ارائه تسهیلات به عنوان منبع درآمد قدیمی خود، با ارائه خدمات بانکی، تجاری و امانت‌داری، درآمدهای غیر از درآمدهای حاصل از بهره‌های دریافتی خود (درآمد غیرمشاع) را گسترش دهند (کولر، ۲۰۱۵). تکنیک تنوع درآمد می‌تواند ثبات مالی بانک‌ها را چه در شرایط بحرانی و یا در حالت عادی بهبود بخشد و منجر به بهبود عملکرد بازار بانک‌ها شود. نتایج به‌دست آمده مهر تأییدی بر نظریه پورتفوی است (آدم، ۲۰۲۳).

نتایج تحقیقات در خصوص بررسی رابطه میان تنوع درآمدی و ثبات درآمد و عملکرد بانک‌ها متفاوت است. کولر^۲، (۲۰۱۵) با بررسی ثبات بانکی در ۱۵ کشور اتحادیه اروپا نشان داد که بانک‌ها در صورت افزایش سهم درآمدهای غیر مشاع خود به‌طور قابل توجهی پایدارتر و سودآورتر هستند و مزایای قابل توجهی از تنوع درآمد وجود دارد که منجر به پایداری سود و افزایش قیمت سهام در بازار سرمایه می‌شود. هو و همکاران^۳ (۲۰۲۳) نشان دادند ایجاد پرتفوی بهینه، نقش قابل توجهی در برون‌رفت بانک‌ها از شرایط بحرانی کرونا داشت. لذا نتیجه به‌دست آمده توصیه مؤکد بر تلاش بانک‌ها در جهت قرار دادن سهم قابل توجهی از درآمدهای غیر مشاع (درآمدهای حاصل از کارمزد خدمات بانکی) در سبد درآمدی خود دارد (هو و همکاران، ۲۰۲۳). سرمایه‌گذاران نیز با علم به این موضوع نسبت به سرمایه‌گذاری خود اقدام می‌کنند. چپورازو^۴ (۲۰۰۸) نشان داد که متنوع سازی درآمد و افزایش درآمدهای غیربهره‌ای با

1. Adem
2. Kohler
3. Ho
4. Chiorazzo

سودآوری بانک‌ها در ایتالیا ارتباط مستقیم دارد. اگرچه استیرو^۱ (۲۰۰۴) نشان داد افزایش درآمدهای غیر مشاع، ریسک بانک‌ها را افزایش خواهد داد. در نتیجه منجر به کاهش عملکرد مالی و سودآوری بانک می‌شود. بانک‌ها با گسترش منابع درآمدی خود ممکن است با معضل ورود به زمینه‌هایی مواجه شوند که در آن‌ها تخصص کافی ندارد، برای مثال بانک‌های ایالات متحده بیشتر متکی به منابع درآمدی بدون بهره (مانند اجاره) هستند (استیرو، ۲۰۰۶). بانک‌ها در ایران از کسب برخی از درآمدها از جمله درآمد حاصل از اجاره محروم می‌باشند. برگر^۲ و همکاران (۲۰۱۰) نشان می‌دهند که تنوع درآمد بانک‌ها به ترتیب اثر منفی بر سودآوری شرکت دارد. این موضوع بر این مطلب دلالت دارد که سرمایه‌گذاران بیشتر تمایل دارند که بانک‌ها بر فعالیت‌های سنتی خود تمرکز کنند. ادیریسوری^۳ و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند که متنوع سازی درآمد در بانک‌های کشورهای آسیای جنوب شرقی در ابتدا منجر به بهبود توانگری و ارزش بازار به دفتری بیشتر می‌شود، لیکن از نقطه‌ای به بعد، این ارتباط معکوس می‌شود. بر این اساس، فرضیه اول پژوهش به شرح زیر تبیین می‌شود:

فرضیه اول: بین استراتژی تنوع درآمد و عملکرد بازار بانک‌ها رابطه وجود دارد.

استراتژی تنوع درآمد و عملکرد بازار؛ نقش تعدیل‌کننده افشای اختیاری

وسعت یافتن فعالیت‌های بانک‌ها، منجر به ظهور ایده‌های جدید در حسابداری گردید. این ایده‌ها به منظور سازگاری بیشتر حسابداری با تغییرات اقتصادی مطرح شده‌اند (سعید^۴ و همکاران، ۲۰۲۲). در حال حاضر افشای اختیاری به یک مبحث ضروری برای بانک‌ها جهت ایجاد مزیت رقابتی مبدل گردیده است (المشابک و چوایی^۵، ۲۰۲۳). افشای اختیاری به افشای داوطلبانه، خارج از چارچوب تعیین شده توسط استانداردها و الزامات قانونی با ارائه اطلاعات مالی و غیرمالی و استراتژی‌های مدیریتی باهدف ایجاد مزیت رقابتی و جذب سرمایه‌گذاران اشاره دارد (خاننا و همکاران، ۲۰۱۹) که منجر به بهبود عملکرد بازار و ایجاد ارزش برای سهامداران

1. Stiroh

2. Berger

3. Edirisuriya

4. Saeed

5. Almshabbak & Chouaihi

می‌گردد. ستایش و همکاران (۱۳۹۳) رابطه مثبت معناداری بین افشای داوطلبانه و نمرات کارایی محاسبه شده به عنوان معیار جامع عملکرد یافتند.

بر اساس پیامدهای نظریه نمایندگی، وجود تضاد منافع میان سهامداران و مدیران محتمل است، بنابراین در جهت به حداقل رساندن تضاد منافع مدیران با سهامداران، ایجاد سیستم مناسب مدیریتی، تقسیم مسئولیت‌ها و ارزیابی اثربخشی مدیران، لازم می‌باشد (لین^۱، ۲۰۲۴). بر این اساس افشای اختیاری را می‌توان به عنوان راهکاری در جهت کاهش هزینه‌های ناشی از تضاد منافع بین سهامداران و مدیران در نظر گرفت (القطامین^۲، ۲۰۱۶). ابو عقیفه و ساعده^۳ (۲۰۲۳) نشان دادند که هزینه سرمایه و عدم تقارن اطلاعاتی به‌طور منفی تحت تأثیر افشای اختیاری قرار می‌گیرند. افشای اختیاری منجر به کاهش هزینه سرمایه بانک‌ها از طریق تأثیر بر تصمیمات سرمایه‌گذاران شده و در نهایت هزینه سرمایه شرکت را کاهش داده و ارزش شرکت را افزایش می‌دهد (محمد^۴، ۲۰۲۳؛ دو^۵ و همکاران، ۲۰۲۴ و فاور^۶ و همکاران، ۲۰۱۷). با پایین آمدن هزینه سرمایه توانایی شرکت در جذب سرمایه بیشتر خواهد شد، در نتیجه قیمت سهام بانک‌ها بهبود می‌یابد (باتیا^۷، ۲۰۲۴؛ آلمیدا و دالمیسو^۸، ۲۰۱۵). عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از کیفیت افشای پایین، مسئله انتخاب نادرست را در پی خواهد داشت. در نتیجه این امر، اوراق بهادار از نقدشوندگی کمتری برخوردار بوده و هزینه دادوستد آن‌ها بیشتر خواهد شد (پور زمانی و همکاران، ۱۳۹۴، کردستانی و همکاران، ۱۳۹۸). نسبت سطح افشای اقلام غیرمالی به سطح افشای اقلام مالی روبه رشد است، این امر نشان می‌دهد که بنگاه‌های اقتصادی به افشای اقلام غیرمالی بیشتر از اقلام مالی توجه دارند (بواتنگ^۹ و همکاران، ۲۰۲۲)، زوبی^{۱۰} (۲۰۲۳) معتقد است که بانک‌هایی که سطح افشای اختیاری بالایی دارند، در مقایسه با شرکت‌هایی که از سطح افشای کمتری برخوردارند، ارزش بازار بالاتری خواهند داشت.

1. Linh
2. Alqatamin
3. Abu Afifa & Saadeh
4. Mohammad
5. Du
6. Favour
7. Bhatia
8. Alimeda & Dalmácio
9. Boateng
10. Zobi

طبق تئوری علامت‌دهی، شرکت‌هایی که سودآوری و نقدینگی بالایی دارند، تمایل بیشتری برای افشای اطلاعات و علامت‌دهی نسبت به عملکرد مالی خوب خود جهت جذب سرمایه‌گذاران و جلب اعتماد آن‌ها دارند (موتوا^۱، ۲۰۱۷). نهادها و جامعه مدنی به دنبال افشای بیشتر اطلاعات از سوی بانک‌ها هستند. تئوری مشروعیت به الزام پاسخگو بودن مدیران واحد اقتصادی نسبت به جامعه اشاره دارد. این تئوری ضمن اشاره به اهمیت هم‌راستا بودن اهداف بانک‌ها با آرمان‌های جامعه، بر وجود ریسک تعطیلی واحد اقتصادی در صورت آسیب زدن به جامعه هشدار می‌دهد (مارتنز^۲، ۲۰۲۳). افشای اختیاری اطلاعات مالی و غیرمالی، اجتماعی و فعالیت‌های زیست‌محیطی به کاهش اطلاعات نهانی کمک خواهد کرد. در نتیجه مشکلات نمایندگی و هزینه‌های مربوط به آن تا حدود زیادی کاهش یافته که این موضوع در بهبود عملکرد بانک‌ها مؤثر خواهد بود (خلیف^۳ و همکاران، ۲۰۱۵).

بر اساس تئوری ذینفعان سطح افشای اختیاری بانک‌های تجاری تأثیر مثبتی بر عملکرد مالی شرکت‌ها از مجرای ایجاد بهره‌وری و انگیزه مضاعف در کارکنان دارد (واتسون^۴ و همکاران، ۲۰۰۲) به صورتی که حمایت از کارکنان با ارائه گزارش‌های غیرمالی مربوط به عملکرد ایشان، می‌تواند منجر به ایجاد انگیزه در آنان برای کسب شایستگی‌های بیشتر گردد (فلایی و خیاری^۵، ۲۰۲۳) که این موضوع منجر به سودآوری و بهبود عملکرد مالی بانک‌ها و در نتیجه افزایش در ارزش بازار سهام بانک‌ها می‌شود.

این مطلب که سطح افشای اختیاری توسط بانک‌ها جهت تنوع بخشیدن به منابع درآمدی بدون بهره بانک‌ها، به ثبات بیشتر و کاهش ریسک درآمدی آن‌ها منجر می‌شود، مبرهن است. به‌ویژه اگر این منابع درآمدی با منبع درآمدی سنتی بانک‌ها که از ارائه تسهیلات ناشی می‌شود همبستگی زیادی نداشته باشد، اما دیونگ و رونالد (۲۰۰۱) سه دیدگاه را در تضاد با دیدگاه فوق مطرح نمودند. آن‌ها معتقد بودند به سه دلیل درآمد بدون بهره ممکن است به ثبات درآمدی کمتر منجر شود: نخست، درآمد بهره به دلیل آن که کمتر تحت تأثیر رقابت بین بانک‌ها قرار می‌گیرد از درآمدهای حاصل از فعالیت‌های بدون بهره باثبات‌تر

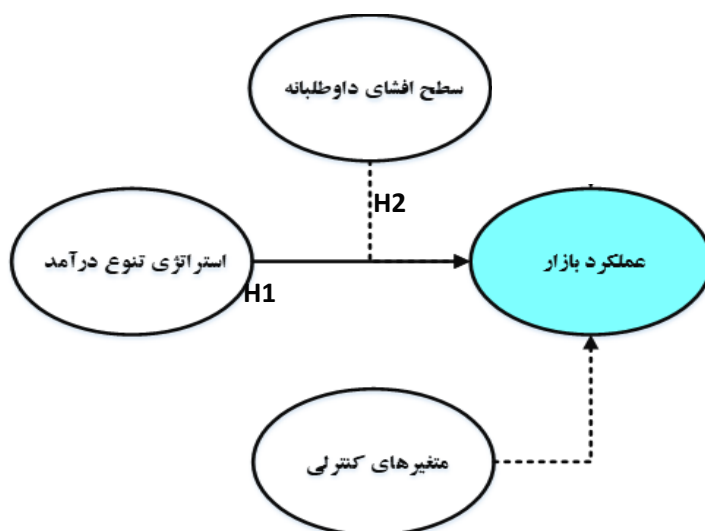
1. Muthuva
2. Martens
3. Khalif
4. Watson
5. Flayyih & Khiari

است. دوم، افزایش درآمدهای حاصل از کارمزد ممکن است به نیروی کار بیشتری نیاز داشته باشد که این موضوع موجب بالا بردن اهرم عملیاتی خواهد شد. سوم، از آنجایی که اهرم مالی بانک بالا می‌رود، بنابراین این موضوع بیشتر شدن نوسانات سود را به سبب آن که بانک‌ها بازده حقوق صاحبان سهام خود را با ایجاد درآمدهای بدون بهره افزایش می‌دهند، به دنبال خواهد داشت. در نتیجه بانک‌ها ممکن است از طریق افشای اختیاری نسبت به موارد فوق اقدام به از بین بردن عدم تقارن اطلاعاتی نمایند و سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه این سطح از افشا را به عنوان نشانه‌ای مبنی بر سودآوری و پایداری سود در بانک‌ها تفسیر نمایند. از آنجایی که تنوع درآمدی بانک‌ها کاهش ریسک آن‌ها را به دنبال خواهد داشت، لذا نهادهای نظارتی همچون بانک مرکزی و سازمان امور مالیاتی به عنوان ذی‌نفعان نظارتی، از بانک‌های با ریسک کمتر حمایت خواهند کرد. این در حالی است که سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، سهامداران و حتی کارکنان بانک‌ها به عنوان ذی‌نفعان واحد این دسته اقتصادی به سمت بانک‌ها با عملکرد بهتر و ریسک کمتر جذب خواهند شد.

نتایج تحقیق زویی، (۲۰۲۳) نشان می‌دهد، سطح افشای اقلام غیرمالی و اختیاری بانک‌ها شامل ابعاد هیئت‌مدیره، مسئولیت اجتماعی و سیاست‌گذاری جامعه به حدود ۵۶ درصد می‌رسد حال آن‌که سطح افشای اقلام مالی به ۴۳ درصد رسیده است. این امر نشان می‌دهد که شرکت‌ها به افشای اقلام غیرمالی بیشتر از اقلام مالی توجه دارند تا نسبت به ترغیب بازار اقدام نمایند. هم‌چنین بانک‌ها با افشای تنوع منبع درآمدی خود به‌طور غیر مستقیم به افشای پرتفوی سرمایه‌گذاری خود اقدام می‌کنند تا تحلیل‌گران بازار سرمایه را نسبت به کم ریسک کردن سهام خود آگاه سازند. نتایج بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد، افشای قراردادهای همکاری استراتژیک موجب کاهش هزینه سرمایه خواهد شد (دو و همکاران، ۲۰۲۴). بدین ترتیب، فرضیه دوم پژوهش به صورت تدوین می‌شود:

فرضیه دوم: سطح افشای اختیاری بانک‌های تجاری، رابطه بین استراتژی تنوع درآمد و بهبود عملکرد بازار را تعدیل می‌کند.

با عنایت به توضیحات ارائه شده، چارچوب نظری پژوهش را که مبنای تدوین و آزمون فرضیه‌های پژوهش است می‌توان به صورت شکل ۱ زیر تدوین نمود:



شکل ۱. چارچوب نظری پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است و از نظر روش تحقیق، جزو مطالعات توصیفی-همبستگی به شمار می‌رود. استراتژی این پژوهش از نوع مطالعات کتابخانه‌ای (آرشیوی یا اسنادکاوی) است، زیرا قرار است متغیرهای پژوهش از طریق مراجعه به پایگاه‌های اطلاعاتی استخراج گردد. رویکرد یا استدلال مورد استفاده در این پژوهش نیز استدلال قیاسی (از کل به جزء) است. از نظر روش گردآوری داده‌ها این پژوهش یک تحقیق کمی است که اطلاعات و داده‌های مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای پژوهش به صورت پسا رویدادی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای گردآوری می‌شود. نوع داده‌های مورد استفاده در این پژوهش از شاخه داده‌های ترکیبی است که با استفاده از آزمون‌های آماری به‌ویژه رگرسیون چندمتغیره مورد تجزیه و تحلیل واقع می‌شود. جامعه آماری این پژوهش صنعت بانکداری ایران متشکل از کلیه بانک‌های خصوصی و دولتی است. به دلیل سهولت در دسترسی به اطلاعات مالی و شفافیت در گزارشگری، نمونه پژوهش شامل ۲۰ بانک پذیرفته‌شده در بورس و فرابورس است. نمونه پژوهش با استفاده از روش حذف سیستماتیک با توجه به معیارهای دسترسی به اطلاعات حاصل

شده است. به منظور حصول اطمینان از وجود داده‌های کافی، قلمرو زمانی این پژوهش از پایان سال ۱۳۹۴ لغایت پایان سال ۱۴۰۲ به مدت ۹ سال است.

مدل‌ها و اندازه‌گیری متغیرها

به پیروی از زویی و همکاران (۲۰۲۳)، جهت آزمون فرضیه اول پژوهش، از مدل رگرسیونی به شرح رابطه ۱ استفاده می‌شود:

(۱)

$$QTobin_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 HHINOI_{i,t} + \beta_2 ROE_{i,t} + \beta_3 Loans_{i,t} + \beta_4 Age_{i,t} + \beta_5 Size_{i,t} + \beta_6 LLP_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

برای آزمون فرضیه دوم نیز از مدل رگرسیونی به شرح رابطه ۲ استفاده می‌شود:

(۲)

$$QTobin_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 HHINOI_{i,t} + \beta_2 VDL_{i,t} + \beta_3 HHINOI * VDL_{i,t} + \beta_4 ROE_{i,t} + \beta_5 Loans_{i,t} + \beta_6 Age_{i,t} + \beta_7 Size_{i,t} + \beta_8 LLP_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیر وابسته: عملکرد بازار (QTobin)

عملکرد بازار بانک‌ها متغیر وابسته می‌باشد که به پیروی از بوآتنگ و همکاران (۲۰۲۲) از طریق مجموع ارزش بازار سهام عادی، ارزش دفتری بدهی بلندمدت و ارزش دفتری بدهی کوتاه‌مدت تقسیم بر ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت محاسبه می‌شود.

متغیر مستقل: استراتژی تنوع درآمد (HHINOI)

متغیر مستقل در فرضیه اول این پژوهش استراتژی تنوع درآمد می‌باشد که به منظور سنجش استراتژی تنوع درآمد بر اساس روش لین و همکاران (۲۰۲۰) به طریق رابطه ۳ برآورد می‌شود:

(۳)

$$HHINOI_{i,t} = 1 - \left[\left(\frac{Fee_{i,t}}{NON_{i,t}} \right)^2 + \left(\frac{Trade_{i,t}}{NON_{i,t}} \right)^2 + \left(\frac{Other_{i,t}}{NON_{i,t}} \right)^2 \right]$$

که در آن $Fee_{i,t}$: کارمزد دریافتی، $Trade_{i,t}$: نتیجه مبادلات ارزی، $Other_{i,t}$: سایر درآمدهای دریافتی و کارمزدها، $NON_{i,t}$: کلیه درآمدهای غیر بهره‌ای بانک می‌باشد.

متغیر تعدیل‌گر: سطح افشای اختیاری (VDL)

روش اندازه‌گیری سطح افشای اختیاری به شرح جدول ۱ است (المشابک و چوایی، ۲۰۲۳).

جدول ۱: سطح افشای اختیاری هر بانک

گروه هدف	نوع اطلاعات
تمامی دسته‌ها و سهامداران	افشای اطلاعات عمومی
سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی	افشای اطلاعاتی در خصوص استراتژی‌های شرکت
سرمایه‌گذاران و اشخاص مرتبط	افشای اطلاعاتی در خصوص حاکمیت شرکتی
سرمایه‌گذاران و نهادهای تأمین مالی	افشای اطلاعاتی در مورد عملکرد آتی شرکت
سرمایه‌گذاران، نهادهای تأمین مالی و تحلیل‌گران مالی	افشای اطلاعاتی در مورد سهامداران
سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی	افشای اطلاعاتی در خصوص مدیریت ریسک
سرمایه‌گذاران عرضه‌کنندگان و نهادهای تأمین مالی	افشای اطلاعاتی در خصوص عملکرد مالی
سرمایه‌گذاران عرضه‌کنندگان و نهادهای تأمین مالی	مروری بر سیاست‌های حسابداری
سرمایه‌گذاران عرضه‌کنندگان و نهادهای تأمین مالی	افشای اطلاعاتی در خصوص اطلاعات غیر مالی شرکت
تمامی دسته‌ها	افشای اطلاعاتی در خصوص محیط‌زیست و مسئولیت اجتماعی شرکت

متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی پژوهش بر اساس پژوهش‌های بوآتنگ و همکاران (۲۰۲۲)، فلایی و خیاری (۲۰۲۳) و زویی (۲۰۲۳) به شرح زیر است:

- نرخ بازده حقوق صاحبان سهام (ROE): نسبت سود خالص به مجموع حقوق صاحبان سهام حاصل می‌شود که نشان می‌دهد بانک‌ها در هر سال مالی چند درصد از حقوق صاحبان سهام سود خالص کسب کرده‌اند.
- نسبت وام (Loans): بر اساس تقسیم وام اعطایی به جمع کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود و نشان می‌دهد که چند درصدی از جمع کل دارایی‌ها به صورت وام در اختیار متقاضیان قرار گرفته است.
- سن بانک (Age): لگاریتم سال‌های پذیرش شرکت
- اندازه بانک (Size): لگاریتم طبیعی جمع کل دارایی‌های بانک.
- نسبت ذخایر (LLP): نسبت ذخایر زیان وام به کل دارایی‌ها که نشان می‌دهد بانک‌ها چه درصدی از دارایی‌های خود را برای وام‌های غیرقابل وصول، ذخیره در نظر گرفته‌اند.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

از ترکیب داده‌های مربوط به ۲۰ بانک و موسسه اعتباری فعال در بورس اوراق بهادار تهران طی نه سال قلمرو زمانی پژوهش، ۱۸۰ بانک-سال مشاهده برای هریک از متغیرهای پژوهش به دست آمده است که در جدول ۲ آمار توصیفی مربوط به آن ارائه شده است.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
عملکرد بازار بانک	QTOBIN	۱/۰۴۹۵	۰/۹۶۶۵	۱/۹۷۶	۰/۱۰۲	۰/۲۵۸
سطح افشای اختیاری	VDL	۵/۶۱۱۱	۵	۸	۳	۱/۹۸۱
استراتژی تنوع درآمدی	HHINOI	۰/۶۳۰۸	۰/۷۷۹۱	۰/۹۶۸۶	۰/۰۱۶۱	۰/۳۳۳
نرخ بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	۰/۰۷۸۷	۰/۰۷۲۹	۰/۵۷۴۸	-۰/۴۲۴۹	۰/۲۰۲
نسبت وام	Loans	۰/۴۸۰۲	۰/۵۴۱۵	۰/۷۱۹۰	۰/۰۷۱۰	۰/۱۸۵
سن بانک	Age	۲/۱۸۹۸	۲/۳۰۳۰	۳/۰۹۱۰	۰/۰۰۰	۰/۶۰۷
اندازه بانک	Size	۲۰/۰۴۰۷	۲۰/۰۰۴۱	۲۳/۳۵۸۵	۱۷/۲۳۹	۱/۲۷۳
نسبت ذخایر	LLP	۰/۰۳۰۴	۰/۰۲۵۲	۰/۰۷۳۸	۰/۰۰۸	۰/۰۱۶

از میانگین متغیر عملکرد بازار بانک می‌توان دریافت که متوسط ارزش بازار سهام و کل بدهی‌های بانک طی یک سال ۱/۰۵ برابر ارزش دفتری دارایی‌ها است. سطح افشای اختیاری بانک‌ها نشان می‌دهد به‌طور متوسط بانک‌های نمونه در دوره این پژوهش اقدام به افشای شش مورد از آیتم‌های سطح افشای اختیاری کرده‌اند. استراتژی تنوع درآمدی نشان می‌دهد که در پرتفوی درآمدی بانک‌های نمونه به‌طور متوسط ۶۳٪ از درآمدها از محل کارمزدهای بانکی و مبادلات ارزی بوده است. پیش از برآزش و تجزیه و تحلیل مدل رگرسیونی، باید از وجود برخی پیش‌نیازها اطمینان حاصل شود. یکی از این پیش‌نیازها در مدل‌های رگرسیونی، مانایی متغیرهای پیوسته است. در این پژوهش برای بررسی و آزمون مانایی متغیرها از آزمون ریشه واحد به روش لوین، لین و چو استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون لوین، لین و چو

نتیجه	سطح معنی داری	آماره آزمون	نماد	متغیر
نامانایی	۰/۰۹۹	-۱/۲۸۳	QTOBIN	عملکرد بازار بانک
مانایی	۰/۰۰۰	-۵/۷۱۰	VDL	سطح افشای اختیاری
مانایی	۰/۰۰۰	-۵/۸۰۰	HHINOI	استراتژی تنوع در آمدی
مانایی	۰/۰۰۰	-۳/۴۵۵	ROE	نرخ بازده حقوق صاحبان سهام
مانایی	۰/۰۰۰	-۷/۴۹۶	Loans	نسبت وام
مانایی	۰/۰۰۰	-۱۳/۰۲۵	Age	سن بانک
نامانایی	۰/۹۹۸	۲/۸۵۵	Size	اندازه بانک
مانایی	۰/۰۰۰	-۶/۵۴۳	LLP	نسبت ذخایر

فرض صفر در آزمون فوق، وجود ریشه واحد (نامانایی) است و از آنجا که این فرض برای متغیرهای عملکرد بازار و اندازه بانک رد نشده است، می‌توان گفت این دو متغیر مانا نیستند. برای رفع مشکل نامانایی از آزمون اثرات هم انباشتگی انگل-گرنجر استفاده می‌شود و در صورتی که متغیرهای مورد نظر فاقد اثرات هم انباشتگی باشند، از تفاضل آن‌ها در برازش نهایی مدل‌ها استفاده می‌شود. پس از آزمون مانایی، باید از روش صحیح برازش مدل‌های رگرسیونی اطمینان حاصل شود. داده‌های مورد استفاده در یک مدل رگرسیونی را می‌توان به صورت ترکیبی (پانل) و هم به صورت انباشته (تلفیقی) مورد استفاده قرار داد. برای تصمیم‌گیری در خصوص نحوه صحیح استفاده از داده‌ها، از آزمون چاو (اف-لیمر) استفاده شده و نتایج در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون اف لیمر (چاو)

نتیجه	سطح معنی داری	آماره آزمون	مدل رگرسیونی
مدل ترکیبی	۰/۰۰۰	۶/۱۲۸	آزمون فرضیه اول
مدل ترکیبی	۰/۰۰۰	۸/۲۵۹	آزمون فرضیه دوم

با توجه به سطح معنی داری به دست آمده، فرض صفر آزمون یعنی استفاده از داده‌های تلفیقی رد می‌شود و نشان می‌دهد که در برازش مدل‌های رگرسیونی باید از روش ترکیبی استفاده شود. در ادامه باید آزمون هاسمن انجام شود تا بتوان بین مدل ترکیبی اثرات ثابت یا مدل ترکیبی اثرات تصادفی تصمیم‌گیری نمود. نتایج آزمون هاسمن در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج هاسمن

نتیجه	سطح معنی داری	آماره آزمون	مدل رگرسیونی
اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۲۱/۴۳۴	آزمون فرضیه اول
اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۱۹/۹۷۵	آزمون فرضیه دوم

با توجه به سطح معنی داری به دست آمده، فرض صفر آزمون یعنی استفاده از داده‌های ترکیبی با اثرات تصادفی رد می‌شود و نشان می‌دهد که در برازش مدل‌های رگرسیونی باید از روش ترکیبی با اثرات ثابت استفاده شود. پس از حصول اطمینان از روش صحیح برازش مدل‌ها، مدل‌های اولیه رگرسیونی پژوهش به روش حداقل مربعات معمولی برازش گردید و آزمون فروض رگرسیون کلاسیک روی هر دو مدل انجام شد. برای بررسی عدم وجود همخطی بین متغیرهای توضیحی مدل، از عامل تورم واریانس در هر مدل استفاده شده است. جدول ۶ نتایج آزمون همخطی بین متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۶. نتایج آزمون همخطی بین متغیرهای توضیحی (عامل تورم واریانس)

نتیجه	VIF در مدل آزمون فرضیه دوم	VIF در مدل آزمون فرضیه اول	نماد	متغیرهای توضیحی
عدم وجود همخطی شدید	۲/۰۲۳	-	VDL	سطح افشای اختیاری
عدم وجود همخطی شدید	-	۱/۳۴۶	HHINOI	استراتژی تنوع درآمدی
عدم وجود همخطی شدید	۲/۱۷۱	۱/۹۰۴	ROE	نرخ بازده حقوق صاحبان سهام
عدم وجود همخطی شدید	۱/۶۵۹	۱/۱۲۸	Loans	نسبت وام
عدم وجود همخطی شدید	۱/۲۳۶	۱/۷۰۹	Age	سن بانک
عدم وجود همخطی شدید	۱/۴۴۹	۲/۳۷۵	Size	اندازه بانک
عدم وجود همخطی شدید	۲/۰۸۰	۱/۹۱۵	LLP	نسبت ذخایر

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول ۶، از آنجا که آماره تورم واریانس از حد مجاز خود (عدد ۵) تجاوز ننموده است؛ می‌توان گفت بین متغیرهای توضیحی مورد استفاده در مدل‌های رگرسیونی پژوهش همخطی شدید وجود ندارد. برای بررسی همسانی واریانس اجزای اخلال مدل‌ها و عدم وجود خودهمبستگی سریالی بین آن به ترتیب آزمون بروش-پاگان و آماره دورین و اتسون مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین برای حصول اطمینان از وجود اثرات هم انباشتگی متغیرهای ناماننا نیز از آزمون انگل-گرنجر مدل‌های رگرسیونی استفاده شده است.

به طور کلی جدول ۷ نتایج حاصل از بررسی فروض رگرسیون کلاسیک را به همراه نحوه مرتفع نمودن آن نشان می‌دهد.

جدول ۷. نتایج حاصل از بررسی شروط کفایت مدل‌های رگرسیونی

هدف آزمون	آزمون/ آماره مورد استفاده	مدل رگرسیونی	آماره آزمون	سطح معنی‌داری	نتیجه
بررسی همسانی واریانس اجزای اخلاص مدل‌ها	بروش پاکان	آزمون فرضیه اول	۲۷/۲۹۶	۰/۰۰۰	ناهمسانی واریانس
		آزمون فرضیه دوم	۲۶/۶۲۳	۰/۰۰۰	ناهمسانی واریانس
بررسی عدم خودهمبستگی سریالی اجزای اخلاص مدل‌ها	دوربین واتسون	آزمون فرضیه اول	۱/۴۷۸	-	وجود خودهمبستگی
		آزمون فرضیه دوم	۱/۳۳۴	-	وجود خودهمبستگی
بررسی اثرات هم‌انباشتگی متغیرها	لوین، لین و چو (LLC)	آزمون فرضیه اول	-۵/۴۹۹	۰/۰۰۰	وجود هم‌انباشتگی
		آزمون فرضیه دوم	-۲/۱۳۷	۰/۰۱۶۳	وجود هم‌انباشتگی

بر اساس جدول ۷ می‌توان دریافت که مدل‌های مورد نظر باید به روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته برازش شوند؛ زیرا مشکل ناهمسانی واریانس اجزای اخلاص وجود دارد. همچنین در برازش مدل‌های نهایی باید از متغیر خود رگرسیون مرتبه اول استفاده شود؛ زیرا اجزای اخلاص مدل‌های رگرسیونی به روش حداقل مربعات معمولی دارای خودهمبستگی منفی هستند (آماره دوربین واتسون برای عدم خودهمبستگی باید بین ۱/۵ الی ۲/۵ باشد). آزمون مانایی اجزای اخلاص هم‌حکایت از وجود اثرات هم‌انباشتگی متغیرهای مانا و نامانا دارد و بنابراین نیاز به تفاضل‌گیری از متغیرهای نامانا (کیوتوبین و اندازه بانک) نمی‌باشد و این متغیرها را نیز می‌توان همانند سایر متغیرها در سطح داده خام مورد استفاده قرار داد. با توجه به مطالب فوق، مدل‌های نهایی آزمون فرضیه‌های پژوهش برازش گردید و نتایج به دست آمده به شرح ذیل است.

نتایج برآورد مدل آزمون فرضیه اول پژوهش

نتایج حاصل از برازش مدل نهایی آزمون فرضیه نخست پژوهش در جدول ۸ ارائه شده است.

جدول ۸. نتایج آزمون فرضیه اول

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
استراتژی تنوع درآمدی	۰/۰۶۰۸	۰/۰۲۴۶	۲/۴۶۸۳	۰/۰۱۴۸
نرخ بازده حقوق صاحبان سهام	۰/۰۲۷۳	۰/۰۲۷۰	۱/۰۰۸۹	۰/۳۱۴۹
نسبت وام	۰/۴۳۵۹	۰/۰۵۹۵	۷/۳۲۶۹	۰/۰۰۰۰
سن بانک	۰/۵۰۱۴	۰/۰۸۵۹	۵/۸۳۴۱	۰/۰۰۰۰
اندازه بانک	-۰/۱۴۱۱	۰/۰۲۱۸	-۶/۴۶۳۱	۰/۰۰۰۰
نسبت ذخایر	-۰/۳۶۰۶	۰/۳۷۹۲	-۰/۹۵۰۱	۰/۳۴۳۸
عرض از مبدأ	۰/۶۸۱۵	۰/۲۷۹۲	۹/۶۰۳۳	۰/۰۰۰۰
آماره F فیشر	۱۰/۲۲۵۵			
سطح معناداری F فیشر	۰/۰۰۰۰			
ضریب تعیین مدل	۰/۶۶۶۵			

در تحلیل رگرسیونی، ابتدا باید از معناداری مدل اطمینان حاصل شود. برای این منظور از آماره F استفاده می‌شود. ملاحظه می‌شود که سطح معناداری به دست آمده برای این آماره کمتر از پنج درصد است؛ لذا فرض صفر مبنی بر صفر بودن کلیه ضرایب رد می‌شود و معناداری مدل رگرسیونی تأیید می‌شود. همچنین ضریب تعیین مدل گویای آن است که بالغ بر ۶۶٪ از تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیر مستقل و متغیرهای کنترلی الگو تبیین می‌گردد. در آزمون فرضیه اول، متغیر مستقل، تنوع درآمد بانک‌ها و متغیر وابسته عملکرد بازار است. ضریب تأثیر متغیر مستقل برابر ۰/۰۶۰۸ است و از آنجا که سطح معناداری این متغیر از پنج درصد کمتر است، می‌توان گفت استراتژی تنوع درآمد رابطه مثبت و معناداری با عملکرد بازار بانک‌ها دارد و بنابراین فرضیه نخست پژوهش رد نمی‌شود. تحلیل ضرایب به دست آمده نشان می‌دهد، هرچه تنوع درآمدی بانک‌ها بیشتر باشد، واکنش بازار به سهام بانک‌ها مثبت بوده و سهام بانک‌ها با اقبال بیشتری مواجه می‌شود.

نتایج برآورد مدل آزمون فرضیه دوم پژوهش

جدول ۹ نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۹. آزمون فرضیه دوم

متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معنی داری
استراتژی تنوع درآمدی	۰/۰۶۷۶	۰/۰۲۵۹	۲/۶۰۴۱	۰/۰۱۱۵
سطح افشای اختیاری	۰/۲۴۷۹	۰/۰۹۲۱	۲/۶۹۱۲	۰/۰۰۹۷
اثرات تعاملی استراتژی تنوع * سطح افشای اختیاری	۰/۰۷۰۶	۰/۰۲۹۴	۲/۴۰۲۱	۰/۰۱۲۸
نرخ بازده حقوق صاحبان سهام	۰/۰۲۴۰	۰/۰۲۷۶	۰/۸۷۱۳	۰/۳۹۲۸
نسبت وام	۰/۲۶۰۲	۰/۰۹۴۴	۲/۷۵۶۷	۰/۰۰۴۳
سن بانک	۰/۵۴۶۶	۰/۰۹۵۵	۵/۷۲۳۱	۰/۰۰۰۰
اندازه بانک	-۰/۱۶۴۸	۰/۰۲۵۶	-۶/۴۳۵۶	۰/۰۰۰۰
نسبت ذخایر	-۰/۰۶۱۸	۰/۴۹۳۲	-۰/۱۲۵۴	۰/۹۳۰۹
عرض از مبدأ	۲/۸۶۸۶	۰/۳۰۶۶	۹/۳۵۶۲	۰/۰۰۰۰
آماره F فیشر	۹/۲۱۲۹			
سطح معناداری F فیشر	۰/۰۰۰۰			
ضریب تعیین مدل	۰/۶۹۳۲			

همانطور که ملاحظه می‌شود سطح معناداری به دست آمده برای آماره F فیشر کمتر از پنج درصد است؛ لذا فرض صفر مبنی بر صفر بودن کلیه ضرایب رد می‌شود و معناداری مدل رگرسیونی تأیید می‌شود. ضریب تعیین مدل گویای آن است که بالغ بر ۶۹٪ از تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیر مستقل، تعدیلگر و متغیرهای کنترلی الگو تبیین می‌گردد. ضریب متغیر سطح افشای اطلاعات به عنوان متغیر مستقل برابر ۰/۲۴۷۹ است و با عنایت به سطح معناداری متناظر آن (کمتر از سطح معناداری مدل است) می‌توان گفت سطح افشای اختیاری رابطه مثبت و معناداری با عملکرد بازار بانک‌ها دارد. در خصوص نقش تعدیلگر متغیر افشای اطلاعات بر رابطه بین استراتژی تنوع درآمد و عملکرد بازار بانک‌ها، ضریب متغیر تعاملی سطح افشای اطلاعات و استراتژی تنوع درآمد برابر ۰/۰۷۰۶ است و با توجه به سطح معنی داری متناظر این متغیر، می‌توان گفت سطح افشای اطلاعات به طور مثبت و معناداری رابطه تنوع درآمد بر عملکرد بازار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تحلیل ضرایب به دست آمده نشان می‌دهد، هرچه سطح اختیاری افشا توسط بانک‌ها بیشتر باشد، واکنش بازار به سهام بانک‌ها مثبت بوده و سهام

بانک‌ها با اقبال بیشتری مواجه می‌شود. به دیگر سخن، در سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت سطح افشای اختیاری موجب تقویت رابطه بین استراتژی تنوع درآمد و بهبود عملکرد بازار می‌شود. بنابراین فرضیه صفر مبنی بر این که سطح افشای اختیاری بانک‌های تجاری بر رابطه بین استراتژی تنوع درآمد و بهبود عملکرد بازار تأثیر نمی‌گذارد، رد می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

افشای اختیاری موجب ایجاد اعتماد میان ذینفعان و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. از طرفی تشکیل پرتفوی درآمدی در بانک‌ها باعث کاهش ریسک عملکرد مالی بانک‌ها می‌گردد که این موضوعات موجب ایجاد اعتماد در سهامداران و رشد ارزش سهام بانک‌ها خواهد شد. عملکرد مناسب بانک‌ها در جهت ارتقای ارزش سهام، موجب انتقال منابع بازار سرمایه به سوی بانک‌ها می‌شود. لذا بانک‌هایی با عملکرد مطلوب در بازار قادر به جذب سرمایه بیشتر از سوی سرمایه‌گذاران و بهبود سود انباشته هستند. بانک‌ها می‌توانند با عملکرد مناسب، در چارچوب سیاست‌های پولی بانک مرکزی، تأثیر منفی شوک‌های اقتصادی را به حداقل برسانند. عملکرد مطلوب بانک‌ها، کارایی سیاست‌های تثبیت را افزایش داده که این امر منجر به تاب‌آوری بالاتر بانک‌ها می‌شود.

در این پژوهش نقش سطح افشای اختیاری بانک‌های تجاری بر ارتباط استراتژی تنوع درآمد با بهبود عملکرد بازار بانک‌ها بررسی شد. به همین منظور اطلاعات و داده‌های مربوط به افشای اختیاری، عملکرد مالی و وضعیت بازار تعداد ۲۰ بانک فعال در بازار سرمایه در قلمرو زمانی سال‌های ۱۳۹۴ لغایت ۱۴۰۲ با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای گردآوری شد و در دو فرضیه اصلی با استفاده از مدل‌های رگرسیونی چندمتغیره مبنای تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که استراتژی تنوع درآمد رابطه مثبت و معناداری با عملکرد بازار بانک‌ها دارد؛ بدین معنا که با افزایش تنوع درآمدی، عملکرد بازار بانک‌ها بهبود می‌یابد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که سطح افشای اختیاری رابطه بین استراتژی تنوع درآمد و عملکرد بازار بانک‌ها را تقویت می‌کند.

با عنایت به نتایج به دست آمده می‌توان گفت، افشای اختیاری که در حمایت از سهامداران برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی مطرح می‌شود، راهکاری است که کاهش هزینه سرمایه واحد تجاری را به دنبال دارد (باری و برون^۱، ۱۹۸۵). افشای اختیاری با جلب اعتماد سرمایه‌گذاران

موجب جذب سرمایه بیشتر و نهایتاً رشد قیمت سهام می‌گردد. همچنین بر مبنای تئوری علامت‌دهی، تمایل به افشای اختیاری برای حفظ ارزش بازار وجود دارد. تمایل به افشا می‌تواند بر تجزیه و تحلیل سهامداران، افکار عمومی، سایر ذی‌نفعان و تحلیل‌گران و نهایتاً عملکرد بازار بانک‌ها تأثیر بگذارد. از طرفی تنوع درآمدی موجب کاهش ریسک و افزایش ارزش شرکت می‌گردد که در نتیجه باعث بهبود عملکرد مالی بانک‌ها می‌شود (بل و همکاران، ۲۰۰۷). سطح افشای اختیاری به همراه پرتفوی درآمدی باعث ایجاد مزیت‌هایی خواهد شد که رقابتی در بازار سهام بانک‌ها ایجاد خواهد نمود. نتایج پژوهش همراستا با یافته‌های آدم (۲۰۲۳) و هو و همکاران (۲۰۲۳) است که نشان می‌دهد تنوع درآمد بانک‌ها اثر مثبت بر ارزش بازار سهام بانک دارد و سرمایه‌گذاران از رویکرد بانک‌ها در تمرکز بر درآمد بهره (درآمد سنتی) حمایت کمتری می‌کنند.

بر اساس یافته‌های پژوهش به مدیران بانک‌ها توصیه می‌شود، با افشای اختیاری اطلاعات عدم تقارن اطلاعاتی موجود میان مدیران و ذی‌نفعان را کاهش دهند که این موضوع جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان به‌عنوان تأمین‌کنندگان سرمایه را به دنبال خواهد داشت. به سازمان بورس و اوراق بهادار به عنوان بازار مالی و نهاد نظارتی و قانون‌گذار نیز توصیه می‌شود با گنجاندن موارد تشویقی و گنجانیدن موارد افشای اختیاری در مقررات خود با ذکر اختیاری بودن آن بر ارتقای بورس اوراق بهادار به عنوان بستری شفاف در معاملات بیفزاید. همچنین به سرمایه‌گذاران حقیقی و نهادی توصیه می‌شود در تحلیل خود از عملکرد بانک‌ها، تنوع درآمدی در بانک‌ها را نیز به عنوان شاخصی برای ارزیابی عملکرد مناسب آن بانک‌ها لحاظ نمایند. به محققان علاقه‌مند توصیه می‌شود در مطالعات آتی خود تأثیر راهکارهایی نظیر بانکداری الکترونیک، مدیریت ریسک تجاری و پایداری شرکتی را بر عملکرد بازار بانک‌ها بررسی نمایند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.

منابع

- پور زمانی، زهرا و منصور، فرناز. (۱۳۹۴). تأثیر کیفیت افشاء، محافظه کاری و رابطه متقابل آن‌ها بر هزینه سرمایه سهام عادی. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۷(۲۵)، ۷۹-۹۶.
- خواجوی، شکرالله و علیزاده طلا تپه، وحید. (۱۳۹۳). بررسی اثرات سطح افشای داوطلبانه بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۱(۴۲)، ۸۹-۱۱۴.
- دهقان دهنوی، محمدعلی، کیانیان، احمد و بالاوندی، علی. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر تنوع درآمدی بر عملکرد بانک‌های کشور. *فصلنامه مطالعاتی در مدیریت بانکی و بانکداری اسلامی*، ۵(۱۲)، ۶۹-۸۰.
- ستایش، محمدحسین، روستا، منوچهر و علیزاده، وحید. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط بین افشای داوطلبانه و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، شماره ۱۳، ۱۶۰۳-۱۵.
- صفی خانی، فهیمه، صفی خانی، محمدرضا و بشارت پور، فاطمه. (۱۴۰۳). ارتباط بین افشاء داوطلبانه و عملکرد مالی با تأکید بر سازوکارهای نظام راهبری شرکتی. *دانش سرمایه‌گذاری*، ۱۳(۵۲)، ۲۹۹-۳۲۴.
- عزیزی، کیوان، ایوانی، عبدی، حدیث و دلاوری، سیدجواد. (۱۴۰۳). اثر توانایی مدیران بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و رفتار و عملکرد معاملاتی سرمایه‌گذاران. *قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری*، ۳(۹)، ۱-۳۰.
- کردستانی، غلامرضا، بهرام فر، نقی و امیری، علی. (۱۳۹۸). تأثیر کیفیت افشا بر عدم تقارن اطلاعاتی. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۱(۴۲)، ۱۵۹-۱۷۸.

References

- Abass, Z. K; Flayyih, H. H; & Hasan, S. I. (2022). The relationship between audit services and non-audit actuarial services in the auditor's report. *International Journal of Professional Business Review*, 7(2), e0455-e0455.
- Abu Afifa, M. M; & Saadeh, M. (2023). Does information asymmetry mediate the relationship between voluntary disclosure and cost of capital? Evidence from a developing economy. *Journal of Financial Reporting and Accounting*. Available at <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/jfrra-02-2023-0103/full/html>.
- Adem, M. (2023). Impact of income diversification on bank stability: a cross-country analysis. *Asian Journal of Accounting Research*, 8(2), 133-144.
- Al-Hmerawee, A. A. M; & Slim, R. B. B. (2024). The Impact of Banking Revenue Structure on Maximizing Bank Value and Its Reflection in Safety Indicators:

- An applied study of a number of Iraqi Banks listed in the Iraqi Stock Exchange. *Migration Letters*, 21(S4), 1269-1281.
- Almeida, J; Dalmácio, F. (2015). The Effects of Corporate Governance and Product Market Competition on Analysts' Forecasts Evidence from the Brazilian Capital Market. *International Journal of Accounting*, ۵۰:PP. 16-339
- Almshabbak, A. N. S; & Chouaibi, J. (2023). Measuring the Level of Voluntary Disclosure in Commercial Banks and its Effect on Improving Financial Performance: An Applied Study on Number of Commercial Banks in the Iraqi Stock Exchange. *International Journal of Professional Business Review*, 8(1), 6.
- Alqatamin, R. M. H. (2016). Forward looking information disclosures, earnings management practices, and the CEO's" personal characteristics: the case of Jordan. Doctoral dissertation, *University of Central Lancashire*.
- Altavilla, C; Boucinha, M; Pagano, M; & Polo, A. (2024). Climate risk, bank lending and monetary policy. ECB Working Paper No. 2024/2969, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4918451>.
- Azizi, K; Eivani, F; Abdi, H; Dellavari, S.J. (2024) The Effect of Managers' Ability on The Relationship Between the Quality of Accounting Information and Investor Behavior and Trading Performance. *Judgment and Decision Making in Accounting and Auditing*, 3(9), 1-30. (In Persian)
- Baele, L; De Jonghe, O; & Vander Vennet, R. (2007). Does the stock market value bank diversification? *Journal of banking & finance*, 31(7), 1999-2023.
- Barry, C. B; & Brown, S. J. (1985). Differential information and security market equilibrium. *Journal of financial and quantitative analysis*, 20(4), 407-422.
- Ben Lahouel, B; Taleb, L; Kočíšová, K; & Ben Zaied, Y. (2023). The threshold effects of income diversification on bank stability: an efficiency perspective based on a dynamic network slacks-based measure model. *Annals of Operations Research*, 330(1), 267-304.
- Berger, A. N; Hasan, I; & Zhou, M. (2010). The effects of focus versus diversification on bank performance: Evidence from Chinese banks. *Journal of Banking & Finance*, 34(7), 1417-1435.
- Bhatia, A; & Kaur, A. (2024). The influence of information asymmetry on the interaction between voluntary corporate disclosure and cost of equity: evidence from publicly traded Indian enterprises. *International Journal of Law and Management*, 66(1), 23-43.
- Boateng, R. N; Tawiah, V; & Tackie, G. (2022). Corporate governance and voluntary disclosures in annual reports: a post-International Financial Reporting Standard adoption evidence from an emerging capital market. *International Journal of Accounting & Information Management*, 30(2), 252-276.

- Chiorazzo, V; Milani, C; & Salvini, F. (2008). Income diversification and bank performance: Evidence from Italian banks. *Journal of financial services research*, 33(3), 181-203.
- Dawd, I; & Charfeddine, L. (2019). Effect of aggregate, mandatory and voluntary disclosure on firm performance in a developing market: the case of Kuwait. *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, 15(1), 31-56.
- Dehghan Dehnavi, M. A; Kianian, A; & Balavandi, A. (2020). Investigating the Effect of Income Diversity on the Iranian Banks' Performance. *Quarterly Studies in Banking Management and Islamic Banking*, 5, 69-80. doi: 10.22034/jifb.2020.200464.1143. (In Persian)
- DeYoung, R; & Roland, K. P. (2001). Product mix and earnings volatility at commercial banks: Evidence from a degree of total leverage model. *Journal of Financial Intermediation*, 10(1), 54-84.
- Du, N; & Shahriar, Q. (2024). Information disclosure in mitigating moral hazard: An experimental investigation. *Games and Economic Behavior*, 144, 284-299.
- Edirisuriya, P; Gunasekarage, A; & Dempsey, M. (2015). Bank diversification, performance and stock market response: Evidence from listed public banks in South Asian countries. *Journal of Asian Economics*, 41, 69-85.
- Fauver, L; Hung, M; Li, X; & Taboada, A. G. (2017). Board reforms and firm value: Worldwide evidence. *Journal of Financial Economics*, 125(1), 120-142.
- Flayyih, H. H; & Khiari, W. (2023). An Empirical Study to Detect Agency Problems in Listed Corporations: An Emerging Market Study. *Journal of Governance and Regulation*, 12(1).
- Hassan Al-Tamimi, H. A. (2010). Factors influencing performance of the UAE Islamic and conventional national banks. *Global Journal of Business Research*, 4(2), 1-9.
- Ho, T. H; Nguyen, D. T; Luu, T. B; Le, T. D; & Ngo, T. D. (2023). Bank performance during the COVID-19 pandemic: does income diversification help?. *Journal of Applied Economics*, 26(1), 2222964.
- Khajavi, Sh; Alizade, V. (2013). Investigating the Impacts of Voluntary Disclosure Level on the Information Asymmetry of the Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 11(42), 89-114. (In Persian)
- Khanna, R; Singh Chahal, B. (2019). Towards the Association of Voluntary Disclosures and Value of Firms: Evidence Revisited in India. *Journal of Modern Accounting and Auditing*, 15(3), 113-142.
- Khelif, H; Guidara, A; & Souissi, M. (2015). Corporate social and environmental disclosure and corporate performance: Evidence from South Africa and Morocco. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 5(1), 51-69.

- Köhler, M. (2015). Which banks are more risky? The impact of business models on bank stability. *Journal of financial stability*, 16, 195-212.
- Kordestani, Gh. Bahramfar, N; Amiri. A. (2019). The Impact of Disclosure Quality on the Information Asymmetry. *The financial accounting and auditing researches*, 11(42), 159-178. (In Persian)
- Kristandl, G; & Bontis, N. (2007). The impact of voluntary disclosure on cost of equity capital estimates in a temporal setting. *Journal of intellectual capital*, 8(4), 577-594.
- Li, X; Feng, H; Zhao, S; & Carter, D. A. (2021). The effect of revenue diversification on bank profitability and risk during the COVID-19 pandemic. *Finance Research Letters*, 43, 101957.
- Linh, N. T. (2024). Agency Theory in Management Accounting: A Systematic Literature Review. *International Journal of Advanced Multidisciplinary Research and Studies*, 4(1), 1124-1127.
- Martens, W; & Bui, C. N. M. (2023). An exploration of legitimacy theory in accounting literature. *Open Access Library Journal*, 10(1), 1-20.
- Meek, G.K; Roberts, C.B;& Gray, S.J. (1995). Factors Influencing Voluntary Annual Reports Disclosures by U.S. U.K. and Continental European Multinationals Corporations. *Journal of International Business Studies*, 26 (3), 555-572.
- Mohammed, A. S. (2023). Analyzing the Impact of Voluntary Integrated Reporting on Investor Decisions: Investigating the Mediating Role of Information Asymmetry Reduction in Listed Companies on the Iraq Stock Exchange. *Journal of Humanities and Social Sciences Research*, 2(4).
- Mugo, N. W. (2014). The effect of voluntary disclosure on the financial performance of commercial Banks in Kenya, Doctoral dissertation, *University of Nairobi*.
- Muthuva, E; Muriuki, F; & Egondi, P. (2017). Influence of Interest Rate Capping on the Performance of Commercial Banks Mombasa County. *Imperial Journal of Interdisciplinary Report (IJIR)*, 3(1), 124-139.
- Poorzamani, Z. Mansouri, F. (2015). The Impact of Disclosure Quality, Conservatism and their interaction on the cost of Capital. *The financial accounting and auditing researches*, 7(25), 79-96. (In Persian)
- Ross, S; Westerfield, R; Jordan, B; (2016). Fundamentals of Corporate Finance, 11th ed. *McGraw-Hill Education*, New York.
- Saeed, H. S; Hasan, S. I; Nikkeh, N. S; & Flayyih, H. H. (2022). The mediating role of sustainable development in the relationship between producer cost expectations and customer desires. *Journal of Sustainability Science and Management*, 17(10), 13-21.
- safikhani; F; safikhani, M; besharatpour, F. (2024). The Relationship between Voluntary Disclosure and Financial Performance with Emphasis on Corporate

- Governance Mechanisms. *Investment Knowledge*, 13(52), 299-324. (In Persian)
- Setayesh, M. H; Roosta, M; & Alizadeh, V. (2014). The Relation Between Voluntary Disclosure and Performance of Firms Listed in Tehran Stock Exchange. *Empirical Research in Accounting*, 4(3), 153-168. (In Persian)
- Stiroh, K. J. (2004). Do community banks benefit from diversification? *Journal of Financial Services Research*, 25, 135-160.
- Stiroh, K; (2006). A portfolio view of banking with interest and noninterest activities. *J. Money Credit Bank* 38, 1351-1361.
- Stiroh, K; (2004a). Diversification in banking: is noninterest income the answer. *J. Money Credit Bank* 36, 853-882.
- Supheni, I; Suhardjanto, D; & Probohudono, A. N. (2023). Disruptive Innovation Disclosure Practices and Application of Stakeholder Theory. In *Macroeconomic Risk and Growth in the Southeast Asian Countries: Insight from SEA*, 33, 41-51
- Watson, A; Shrivess, P; & Marston, C. (2002). Voluntary disclosure of accounting ratios in the UK. *The British Accounting Review*, 34(4), 289-313.
- Zobi, M; Al-Dhaimesh, O; & Allan, A. (2023). Level of voluntary disclosure and market value: An applied study on companies listed in Amman Stock Exchange. *Uncertain Supply Chain Management*, 11(4), 1539-1548.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

Economic Uncertainty Related to the Future and Accounting Conservatism¹

Mohammadreza Shafiei Ronizi², Mojtaba Safipour Afshar³,
Ahmad Khodami pour⁴

Received: 2024/06/08
Accepted: 2024/07/14

Research Paper

Abstract

The purpose of this research is to examine the relationship between economic uncertainty and conservatism in the companies that are listed on the Tehran Stock Exchange. This research is applied in terms of purpose and nature. It is descriptive research with an emphasis on correlational relationships. The statistical population of the study includes the companies listed on the Tehran Stock Exchange in the period between 1396 and 1400. The sample size in this research is 690 companies using the method of systematic elimination. In other words, the information and data necessary for the research have been obtained through the library method using the latest Rahavard software and by referring to the organization of the Tehran Stock Exchange and the study of the basic financial statements of the companies listed in the Tehran Stock Exchange. The results of the research show that there is a relationship between economic uncertainty and conservatism in companies on the Tehran Stock Exchange.

Keyword: Economic Uncertainty, Conservatism, Stock Exchange.

JEL Classification: E00, M41.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.47425.3256

2. M.Sc. Department of Accounting, Faculty of Management and Economics, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. (Corresponding Author). (Mohammadshafiei183@gmail.com).

3. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Economics, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. (Mojtaba.safipour@uk.ac.ir).

4. Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Economics, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. (Khodamipour@uk.ac.ir).

عدم قطعیت اقتصادی مرتبط با آینده و محافظه‌کاری حسابداری^۱

محمد رضا شفیعی رونیزی^۲، مجتبی صفی پور افشار^۳، احمد خدای پور^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین عدم قطعیت اقتصادی (رویکرد شاخص‌های مبتنی بر نوسانات متغیرهای اقتصادی) و محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. محافظه‌کاری حسابداری به واسطه شناخت دیرتر سود موجب می‌شود تا سود کمتری به وسیله مدیران واحدهای تجاری شناسایی و تقسیم شود و همچنین نسبت بدهی نیز کم‌نمایی نشود پس محافظه‌کاری نسبت بدهی شرکت را بهبود می‌بخشد. این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت یک پژوهش توصیفی با تأکید بر روابط همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در قلمرو زمانی بین سال‌های ۱۳۹۶ الی ۱۴۰۰ می‌باشد حجم نمونه در این پژوهش با استفاده از روش حذف سیستماتیک ۱۳۸ شرکت (۶۹۰ شرکت-سال) می‌باشد. برای تجزیه تحلیل آماری از رگرسیون خطی چندگانه با روش حداقل مربعات استفاده شده است. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از اطلاعات اولیه شرکت‌ها بوده است؛ یعنی اطلاعات و داده‌های مورد نیاز پژوهش کلاً از روش کتابخانه‌ای با استفاده از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و مطالعه صورت‌های مالی اساسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در شرایط عدم قطعیت اقتصادی، سود بیشتر به اخبار بد حساس است تا اخبار خوب، مطابق با محافظه‌کاری حسابداری نتایج نشان می‌دهد که عدم قطعیت یک عامل اقتصادی مهم تعیین‌کننده محافظه‌کاری حسابداری است. هنگامی که عدم قطعیت افزایش می‌یابد محافظه‌کاری حسابداری به طور قابل توجهی افزایش پیدا می‌کند.

واژه‌های کلیدی: عدم قطعیت اقتصادی، محافظه‌کاری، بورس اوراق بهادار تهران.

طبقه‌بندی موضوعی: E000M41

10.22051/JERA.2024.47425.3256 .doi

۲. کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول).
(Mohammadshafiei183@gmail.com)

۳. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. (Mojtaba.safipour@uk.ac.ir).

۴. استاد، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. (Khodamipour@uk.ac.ir).
<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

یکی از هدف‌های عمومی و مشترک در تهیه و ارائه اطلاعات حسابداری، فراهم کردن معیاری برای تصمیم‌گیری اقتصادی است. سود که نمایانگر وضعیت مالی شرکت‌ها است، نتیجه‌ای از اطلاعات حسابداری است. به‌منظور برآوردن نیازها و ضرورت‌های فرایند تصمیم‌گیری اقتصادی، تحقیقات بسیاری در زمینه الگوهای مختلف برای پیش‌بینی تداوم فعالیت واحدهای تجاری صورت گرفته است. این تحقیقات شامل موضوعات مهمی مانند سرمایه‌گذاری، مدیریت مالی و اطمینان از سرمایه‌گذاری می‌شوند. محافظه کاری یکی از مباحثی است که می‌تواند به نوع تصمیم‌گیری کمک کند، زیرا معیارها و مدل‌های مناسب برای ارزیابی وضعیت مالی شرکت‌ها و کیفیت اطلاعات مالی را بررسی می‌کند. از آنجایی که فرصت‌های سرمایه‌گذاری یکی از عناصر اساسی در افزایش درآمد، ارزش شرکتها و رشد و توسعه اقتصادی است (مایرز^۱، ۱۹۷۷) شناسایی عوامل تعیین‌کننده فرصت‌های سرمایه‌گذاری یکی از مهمترین مسایل امروزی است. یکی از عوامل موثر بر فرصت‌های سرمایه‌گذاری محافظه کاری در حسابداری است. محافظه کاری در بیان سنتی عبارتست از این که در شرایط ابهام هیچ سودی را پیش‌بینی نکند اما همه زیان‌ها را پیش‌بینی کند با وجود انتقادهایی که تا کنون به محافظه کاری شده است. محافظه کاری در حسابداری برای قرن‌ها دوام پیدا کرده و به نظر می‌رسد در چندین سال گذشته افزایش یافته باشد (واتز^۲، ۲۰۰۳). باسو^۳ (۱۹۹۷) بیان میکند که محافظه کاری عبارتست از استفاده از درجات بالاتر قابلیت اتکاء برای شناسایی سودها و اخبار خوشایند افزایش ارزشها و در مقابل استفاده از درجات پایین تر قابلیت اتکا برای شناسایی و ثبت زیانها و اخبار ناخوشایند (کاهش ارزشها). محافظه کاری بعنوان کم‌نمایی پیوسته ارزش دفتری خالص داراییها نسبت به ارزش بازار آنها نیز تعریف شده است (جعفری‌دهکردی، ۱۳۹۵).

چندین عامل موجب محدودیت و دشواری در دستیابی به سود مورد انتظار برای واحدهای تجاری شده است؛ این عوامل شامل رقابت فزاینده بین واحدهای تجاری و تغییرات محیطی و عدم قطعیت از شرایط آینده هستند. سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و شرکت‌های خصوصی که تحت تأثیر واحدهای تجاری قرار می‌گیرند، نیازمند استفاده از یک پایگاه سریع و آسان برای دسترسی به اطلاعات مفید هستند. زیرا سرمایه‌گذاران اغلب مجبور هستند تصمیم‌گیری سریع و

1 . Myers
2 . Watts
3 . Basu

لحظه‌ای درباره سرمایه‌گذاری خود داشته باشند و ممکن است درک و فهم تحلیلی نسبت به عملکرد و وضعیت مالی شرکت‌ها را نداشته باشند. با توجه به جوان بودن بازار سرمایه در ایران و عدم شناخت کامل آن به‌عنوان یک بازار کار، تحقیقات علمی می‌تواند یک نظریه برای این بازار طراحی کند تا اطلاعات منتشرشده از سازمان بورس اوراق بهادار تهران در تصمیم‌گیری صاحبان سرمایه و سرمایه‌گذاران بالقوه مفید باشد. به همین دلیل، باید تلاش کرد تا یک پایه مفید برای تصمیم‌گیری در اختیار استفاده‌کنندگان از اطلاعات بازار سرمایه قرار گیرد (باقرخانی، ۱۳۹۸).

مدیران ارشد که وظیفه تهیه صورت‌های مالی را به عهده دارند، دید بیشتری نسبت به سرمایه‌گذاران و وام‌دهندگان دارند به همین دلیل سعی می‌کنند تا تصویر واحد فروش را مطلوب جلوه دهند. وقتی که وضعیت واحد فروش خوب به نظر می‌رسد، انگیزه آوردن منابع مالی از سوی افراد خارج از سازمان افزایش می‌یابد. از آنجا که مدیران در تصمیماتی که اطمینان کافی ندارند محافظه‌کارانه‌تر عمل می‌کنند؛ بنابراین می‌توان از محافظه‌کاری به‌عنوان ساختاری نام برد که اگر به‌طور مناسب رعایت شود می‌تواند بسیاری از مشکلات نمایندگی، عدم تقارن اطلاعاتی را حل نماید.

بررسی کامل گزارش مالی، شرکت‌ها را به سمت مفاهیمی مانند محافظه‌کاری در حسابداری می‌برد. محافظه‌کاری مانند مباحثی در حسابداری به حساب می‌آید که دامنه گسترده‌ای از بعدها مختلف فنی و اخلاقی را دارا می‌باشد. در مواجهه با مفهوم محافظه‌کاری می‌توان این تعریف را کرد که دارایی‌ها یا درآمدها کمتر از مقدار واقعی و بدهی‌ها یا هزینه‌ها بیشتر از مقدار واقعی گزارش می‌شوند. مهم بودن واژه محافظه‌کاری در حسابداری زمانی عیان می‌شود که در پژوهش‌های مختلف و گرایش‌های موجود در داده‌های مالی منتشر شده شرکت‌ها می‌تواند بر روی سوددهی سهامداران تاثیر داشته باشد. تعدادی از پژوهش‌ها علمی نیز به عمق محافظه‌کاری پرداخته‌اند و وجود محافظه‌کاری را تحت تأثیری از پارامترهای دیگری مانند راهبری شرکت‌ها، نبود تقارن اطلاعاتی بین مدیران شرکت‌ها و همچنین سهامداران شرکت، رقابت فزاینده بین واحدهای تجاری و تغییرات محیطی و عدم قطعیت از شرایط آینده می‌دانند. می‌توان این‌گونه توضیح داد که پژوهش‌ها نیز در پی شفاف‌تر نمودن جنبه‌های دیگری از محافظه‌کاری حسابداری هستند و از طرفی تمرکز خود را بر روی وجود عدم قطعیت سهامداران شرکت و محافظه‌کاری معطوف می‌کنند (رضازاده و آزاد، ۱۳۸۷).

عدم قطعیت در اقتصاد یک عامل مهم محدود کننده ی واحد تجاری به شمار می‌رود. عدم قطعیت ممکن است به عنوان بخشی اجتناب ناپذیر از عمل ارزیابی اثرات طرحها، برنامه‌ها و پروژه‌ها در نظر گرفته شود ما اثرات دقیق را قبل از آشکار شدن آنها نمیدانیم، همچنین روزافزون بر ادغام اثرات محیطی در ارزیابی اثرات وجود دارد. بررسی‌های پراکنده از محققان نشان داد که به اندازه کافی در عدم قطعیت گزارشهای ارزیابی تمرکز وجود ندارد این موضوع باعث بوجود آمدن عدم شفافیت در مورد عدم قطعیت و به عنوان یک مشکل برای تصمیم‌گیرندگان مشاهده شده است (لارا و همکاران^۱، ۲۰۱۸).

خان و واتر^۲ (۲۰۰۹) معتقدند که محافظه کاری با افزایش عدم اطمینان، شرکت افزایش می‌یابد عدم اطمینان شرکت ابهامی است نسبت به وقوع یک نتیجه در آینده که این تردید از محیط داخلی شرکت نشأت می‌گیرد. انتظار می‌رود شرکت‌ها با عدم اطمینان بالا دارای سودهایی در آینده باشند که از قبل قابل تایید نیستند. این سودها نسبت به تغییر شرایط بسیار حساس اند. همچنین در مقایسه با شرکت‌های با عدم اطمینان پایین تر بیشتر انتظار می‌رود که با بازدهی نامطلوب از محل سرمایه‌گذاری‌های خود مواجه شوند لذا موضوع عدم اطمینان یک تقاضای قراردادی و نظارتی برای بکارگیری محافظه کاری ایجاد میکند (حسن پور و عربی، ۱۳۹۷). با توجه به عوامل گفته شده، هدف این پژوهش بررسی رابطه میان عدم قطعیت مرتبط با آینده و محافظه کاری حسابداری می‌باشد.

مبانی نظری پژوهش

محافظه کاری در گزارشگری مالی به معنای استفاده از درجه‌ای از مراقبت و دقت در انجام برآورد و تخمین در شرایط ابهام است. در این شرایط، درآمدها یا دارایی‌ها با مقدار کمتر از واقعی گزارش می‌شوند و هزینه‌ها یا بدهی‌ها با مقدار بیشتر از واقعی گزارش می‌شوند. به عبارت دیگر، محافظه کاری به معنای عمل کردن با احتیاط در شرایطی است که اطلاعات مبهمی وجود دارد. هر چه میزان ابهام و ریسک بیشتر باشد، نیاز به محافظه کاری بیشتر است، و در صورت عدم وجود ابهام، نیازی به محافظه کاری نیست. محافظه کاری حسابداری می‌تواند باعث

1 . Lara et al

2 . Khan and Watts

افزایش انگیزه‌هایی برای تصمیمات سرمایه‌گذاری کارآمد شود و همچنین نظارت بر تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیران را تسهیل کند (حسن‌پور و عربی، ۱۳۹۷).

محافظه‌کاری در گزارشگری مالی به دودسته شرطی و غیرشرطی تقسیم می‌شود. محافظه‌کاری غیرشرطی به معنای تمایل به گزارش مقدار کمتری از ارزش دفتری خالص دارایی‌ها نسبت به ارزش بازار آن‌ها است. این نوع محافظه‌کاری در مرحله شناسایی و ثبت اولیه دارایی‌ها و بدهی‌ها اعمال می‌شود و مستقل از اخبار و رویدادها بوده و فقط بر اساس الزامات استانداردها و اصول پذیرفته شده حسابداری انجام می‌شود. محافظه‌کاری شرطی یا پس‌رویدادی وابسته به اخبار است؛ به این معنا که ارزش دفتری خالص دارایی‌ها در شرایط نامساعد کاهش می‌یابد، اما در شرایط مساعد، افزایش نمی‌یابد و به سرعت تر شناخته می‌شود. این نوع محافظه‌کاری به دیدگاه سود و زیان توجه دارد. (توانگر و کیوان فر، ۱۳۹۹)

عدم قطعیت به معنای عدم پیش‌بینی و مشخص نبودن وقوع وقایع آینده است. در دنیای واقعی، اقتصاد با نااطمینانی‌های زیادی همراه است که باعث بروز ریسک و مخاطره در تصمیم‌گیری عوامل اقتصادی می‌شود. عدم قطعیت وقتی وجود دارد که وقایع آینده مشخص و قابل پیش‌بینی نباشند. به‌عنوان مثال، تغییرات در قوانین و مقررات، تغییرات در نرخ ارز، تحولات سیاسی و اجتماعی، تغییرات در عرضه و تقاضا، و شرایط طبیعی ناگوار می‌توانند عواملی باشند که عدم قطعیت در محیط کسب‌وکار ایجاد کنند. هنگامی که گزارش‌های مالی شرکت‌ها با نااطمینانی روبرو می‌شوند، نیاز به محافظه‌کاری در گزارش‌های مالی را افزایش می‌یابد. در نهایت، محافظه‌کاری در گزارشگری مالی به شرکت‌ها کمک می‌کند تا با نااطمینانی‌ها و ریسک‌های مختلف در محیط کسب‌وکار مواجه شوند و اطلاعات مالی دقیق‌تری ارائه دهند. این به سرمایه‌گذاران و سایر کاربران گزارش‌های مالی کمک می‌کند تا تصمیمات مناسب‌تری بگیرند و تحلیل‌ها دقیق‌تری انجام دهند (میرزا^۱، ۲۰۱۶). سرمایه‌گذاران اکثر مواقع به اخبار ناخوشایند در حوالی شاخص‌های اقتصاد کلان توجه دیگری دارند. زیرا این اخبار ناخوشایند می‌تواند بر تصمیمات سرمایه‌گذاران تأثیر زیادی بگذارد، و باعث نزول شاخص بازار سرمایه می‌شود. یکی از عواملی که باعث ایجاد این شوک‌ها می‌شود عدم قطعیت در سیاست‌های اقتصادی می‌باشد. مجتهدزاده (۱۳۸۰) بیان می‌کند که محافظه‌کاری محصول عدم قطعیت و ابهام است، زیرا مدیران در مواردی که با ابهام روبه‌رو هستند از محافظه‌کاری استفاده می‌کنند به همین دلیل در

شرکت‌های با عدم قطعیت بالا، وام‌دهندگان به منظور کاهش هزینه‌های نمایندگی و جلوگیری از سرمایه‌گذاری‌های غیربهبه‌توسط مدیر، خواهان افزایش سطح محافظه کاری می‌باشند. واتز^۱ (۱۹۹۴) معتقد است که محافظه کاری با عدم قطعیت شرکت رابطه مستقیم دارد. یعنی با افزایش محافظه کاری عدم قطعیت نیز افزایش می‌یابد. همان‌طور که گفته شد عدم قطعیت شرکت، ابهامی است نسبت به وقوع یک نتیجه در آینده که این تردید از محیط داخلی شرکت نشئت می‌گیرد. شرکت‌ها که عدم قطعیت بالا دارند، دارای سودهایی در آینده هستند که از قبل قابل پیش‌بینی نشده‌اند. این سودها نسبت به تغییر شرایط تغییر می‌کنند. همچنین، در مقایسه با شرکت‌های با عدم قطعیت پایین‌تر، بیشتر انتظار می‌رود که با بازدهی نامطلوب از محل سرمایه‌گذاری‌های خود مواجه شوند لذا، موضوع عدم قطعیت یک تقاضای قراردادی و نظارتی برای به کارگیری محافظه کاری ایجاد می‌کند. (کلاین و مارکوآرت^۲، ۲۰۱۶). در این شرایط مدیران در پیش‌بینی دقیق سود دچار مشکل می‌شوند و خطا در پیش‌بینی آنها اجتناب‌ناپذیر می‌گردد.

مرادزاده و همکاران (۱۳۹۵) در ایران نشان دادند که وجود انحراف زیاد بین پیش‌بینی سود توسط مدیر شرکت‌ها، محتوای اطلاعاتی سود و ارقام تعهدی را کمتر می‌کند. عموماً سودی که مدیران پیش‌بینی می‌کنند با سود واقعی تفاوت دارد، در نهایت شرکت‌ها و شاخص‌های اقتصادی دارای ابهاماتی می‌باشند و همچنین امکان دارد، مدیران برای افزایش منفعت شخصی خود در پیش‌بینی کردن سود، محتاطانه عمل کنند. عدم قطعیت اقتصادی به نبود قدرت شرکت در رسیدگی دقیق‌تر و در نظر گرفتن اینکه چگونه تغییر سیاست‌های اقتصاد کشور یا منطقه در طول یک دوره یا در طی فرایند توسعه بر واحد تجاری تاثیر می‌گذارد، اشاره دارد. (بیکر و همکاران^۳، ۲۰۱۶) حرکت و توسعه از آن دسته عواملی برای عدم قطعیت در رابطه با سیاست مالی، پولی، تجاری و اقتصادی می‌دانند. او بیان می‌کند که هرچقدر حرکت توسعه و اقتصاد مالی، پولی، تجاری و اقتصادی می‌دانند. او بیان می‌کند که هرچقدر حرکت توسعه و اقتصاد سریع‌تر اتفاق بیفتد عدم قطعیت در رابطه با سیاست اقتصادی بیشتر می‌شود. (دمیر و آرسان^۴، ۲۰۱۷) بیان می‌کند که رابطه عدم قطعیت بر سیاست سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی قسمت‌های متفاوت اقتصاد در تصمیمات مربوط به آینده و پیش‌بینی کردن سیاست‌ها و همچنین تصمیم‌های

1. watts
 2. Klein and Marquardt
 3 . Baker et al
 4 . Demir and Warsan

مربوط به محیط کسب و کار را دچار ناتوانی می‌کند، عدم قطعیت اقتصادی قدرت تحلیل و برنامه‌ریزی کردن را برای سرمایه‌گذاران را با مشکلاتی مواجه می‌کند.

از طرفی برای ایجاد امنیت در بازار و همچنین برای جذب کردن سرمایه‌های بیشتر ضروری است عوامل کلان اقتصادی، و تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری عبارت‌اند از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیکی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و با در نظر گرفتن دقیق خطرهای و بازدهی‌های احتمالی، تصمیم‌گیری مناسب از جانب سرمایه‌گذاران انجام گیرد. برای این عوامل، می‌توان به سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها و همچنین نااطمینانی‌های مربوط به آن اشاره نمود. بودن استانداردهای حسابداری و مقررات کامل باعث می‌شود سرمایه‌گذاران و شرکت‌ها را در وجود ریسک‌های داخلی و قابل کنترل یاری نماید. یکی از هدف‌های مهم تصویب شده استانداردهای حسابداری این است که سرمایه‌گذاران بتوانند با در نظر گرفتن صورت‌های مالی تصمیم‌گیری‌های مناسبی انجام دهند، پس نیاز حسابداری به شیوه گزارشگری از داده‌ها می‌باشد که منفعت تمام سرمایه‌گذاران به صورتی کامل رعایت شود (محمد بیتار و همکاران؛ ۲۰۱۷). در عمل، در چنین وضعیتی داده‌ها و اطلاعاتی که افشا شده بر شکل افشای آن اولویت دارند. به این منظور، شفاف بودن که از ویژگی‌های داده‌های اطلاعاتی است، در بهتر شدن سطح کارایی بازار تأثیر زیادی دارد (شاگری، ۱۳۹۶). با توجه به عوامل گفته شده، این پژوهش به دنبال بررسی رابطه میان عدم قطعیت مرتبط با آینده و محافظه کاری در حسابداری می‌باشد.

بر اساس این مفهوم، این پژوهش به بررسی تأثیر عدم قطعیت اقتصادی مرتبط با آینده بر محافظه کاری حسابداری می‌پردازد. مدیران در شرایط مختلف اقتصادی (رونق یا رکود)، چشم‌اندازهای متفاوتی دارند و بر اساس این چشم‌اندازها اقدام جمع‌آوری و سنجش اطلاعات می‌کنند. برای مثال، از آنجایی که عدم قطعیت کل اقتصاد را دربر گرفته است، سرمایه‌گذاران در شرایط رکود اقتصادی تلاش می‌کنند که ریسک خود را کاهش دهند؛ بنابراین جستجوی اطلاعاتی هستند که می‌تواند از قابلیت اطمینان بالایی همچنین از عینیت بالاتری برخوردار باشد. از طرفی سود حسابداری یک منبع اطلاعاتی با عینیت بالا است، بنابراین سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری به سود توجه بیشتر می‌کنند. سود حسابداری یکی از جامع‌ترین مواردی است که سرمایه‌گذاران همواره به آن توجه ویژه‌ای دارند و مدیران مسئول تهیه گزارش‌های مالی با اطلاعات کامل از شرایط مالی شرکت و با سطح آگاهی از اطلاعات بیشتر استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی، به طور بالقوه سعی می‌کنند تصویر بهتری از واحد تجاری به دست آورند،

به‌عنوان مثال، ممکن است دارایی و سرمایه مؤسسات بالاتر از مقدار واقعی گزارش شود. نتیجه نهایی این عملیات این خواهد بود که تصویر واحد تجاری بهتر از وضعیت واقعی به نظر می‌رسد و باعث افزایش سرمایه و منابع مالی از طریق افراد خارج از شرکت و سرمایه‌گذاران به واحد تجاری خواهد شد که در چنین شرایطی از اصول و رویه‌های حسابداری به پشتوانه مرتجع تدوین‌کننده استانداردهای حسابداری باهدف متعادل کردن خوش‌بینی مدیران و حمایت از حقوق ذی‌نفعان و ارائه منصفانه صورت‌های مالی مفهوم محافظه‌کاری را به کار می‌برد. و اگر مدیران در تهیه صورت‌های مالی محافظه‌کارانه عمل نمایند باعث کاهش عدم تقارن اطلاعات مالی و شفافیت اطلاعات می‌شود (محمد افکنده، ۱۴۰۱).

پیشینه تجربی و توسعه فرضیه‌های پژوهش

بهار مقدم و سالاری (۱۳۹۰) به تأثیر اتخاذ رویکرد محافظه‌کارانه در گزارشگری استهلاک بر روی عواملی چون بازده بازار سهام رابطه ارزشی سود و پایداری سود پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که مطابق انتظار، با اتخاذ رویکرد محافظه‌کارانه در گزارشگری استهلاک باعث افزایش بازدهی بازار سهام می‌شود. از این رو به بازیگران بازارهای اقتصادی توصیه می‌شود که به بازده بالای شرکت‌هایی که در گزارشگری استهلاک رویکرد محافظه‌کارانه دارند، توجه داشته باشند. به علاوه، اتخاذ رویکرد محافظه‌کارانه در گزارشگری استهلاک منجر به افزایش رابطه ارزش سود نمی‌شود. لذا به سهامداران و سرمایه‌گذاران و اعتبار دهندگان توصیه می‌شود تفاوتی بین ارزش سود شرکت‌های محافظه‌کار و سایر شرکتها قائل نباشند. رشیدی باغی (۱۳۹۸) بررسی عدم قطعیت محیطی، محدودیت‌های مالی و محافظه‌کاری حسابداری در محدود کردن پیام‌های عملکرد ناشی از اعتماد به نفس مدیران را بررسی کردند. نتایج تحقیقات او نشان داد که محافظه‌کاری و اعتماد به نفس عوامل واقعی مؤثر بر عملکرد شرکت هستند. از تأثیر معنادار و تعاملی محافظه‌کاری و اعتماد به نفس در بین معیارهای عملکرد شرکت فراتر رفته است. همچنین مشخص شد که عدم قطعیت محیطی بر اعتماد به نفس مشترک مشتریان نسبت به اندازه‌گیری و محافظه‌کاری حسابداری بر عملکرد آتی تأثیر معناداری دارد و در نهایت به تأثیر مالی اعتماد مشترک بر بیش اندازه‌گیری مدیران محدود می‌شود.

طالبی و همکاران در سال (۱۴۰۱) در «اثر پژوهشی» تحت عنوان «اثر حسابداری مبتنی بر سرمایه‌گذاری سازمانی» محافظه‌کاری یکی از مشخصه‌های بارز گزارشگری مالی است که از

دیرباز با تئوری‌های حسابداری ترکیب شده است. کار در حسابداری با محدود کردن ماشین‌آلات در روز رفتار فرصت‌طلبانه به نظارت و حاکمیت مالکان سرمایه‌گذاری کرده و واگذاری حق کنترل شرکت به تأمین‌کنندگان سرمایه کمک می‌کند. رشته حسابداری محافظه‌کار طرف‌داران و منتقدانی دارد که جنبه‌های مثبت و منفی آن را در گزارشگری مالی، سرمایه‌گذاری شرکت و تصمیمات مدیریتی بررسی کرده‌اند. با توجه به مطالب ذکر شد فرضیه این پژوهش عبارت‌اند از: عدم قطعیت مرتبط با آینده، با محافظه‌کاری در حسابداری ارتباط مثبت و معنی‌داری دارد.

چیاچون و همکاران^۱ (۲۰۱۸) در تحقیقی تحت عنوان «محافظه‌کاری حسابداری، استراتژی تجاری، و ابهام» بیان داشته‌اند اخبار تحت ابهام، وزن بیشتری روی پیامدهای منفی، در مقایسه با پیامدهای مثبت، می‌گذارد. قوانین تصمیم‌گیری محتاطانه که توجه بیشتر به پیامدهای بد، در مقایسه به پیامدهای خوب را می‌طلبند و بنابراین، احتمال شکست مصیبت‌بار را کاهش می‌دهند، به‌عنوان راه‌حلی به کار می‌روند که به طور گسترده‌ای از زمان‌های کهن مورد استفاده قرار گرفته است. از طریق این چشم‌انداز، تعصب محافظه‌کارانه در گزارشگری مالی به‌عنوان روشی برای نیرومندتر ساختن قوانین تصمیم‌گیری نسبت به خطاهای ناشی از منابع مختلف در نظر گرفته می‌شود، صرف‌نظر از این که این تعصب، اقدامات مخالفان استراتژیک ناشناخته یا تعصبات شناختی خود تصمیم‌گیرندگان باشند. دو و نبرا^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی محافظه‌کاری حسابداری پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که عدم اطمینان نرخ رشد اقتصادی تأثیر منفی و معناداری بر محافظه‌کاری شرطی دارد همچنین نتایج پژوهش آنها نشان داد که عدم اطمینان نرخ رشد اقتصادی تأثیر منفی و معناداری بر محافظه‌کاری غیر شرطی دارد.

جان و همکاران^۳ (۲۰۲۲) در تحقیقی تحت عنوان «عدم قطعیت و محافظه‌کاری حسابداری» بیان نمودند که رویدادهایی مانند شیوع کرونا، تشدید درگیری‌های حزبی سیاسی در ایالات متحده، تغییرات آب‌وهوایی، نوسانات قیمت انرژی، و حمله روسیه به اوکراین اخیراً احساس عدم قطعیت را تشدید کرده است و غیرقابل پیش‌بینی بودن روندهای اقتصادی و تغییر سیاست‌ها

1. Chiachon et al

2. Nabar and Do

3. Jahn et al

را تشدید کرده است. این به نوبه خود عدم قطعیت سطوح عدم قطعیت آینده یا به اصطلاح "عدم قطعیت" را افزایش می دهد. عدم قطعیت به عدم قطعیتی اشاره دارد که با یک معیار احتمال مشخص نمی توان آن را توصیف کرد. به عنوان مثال، می دانیم که معیارهای عدم قطعیت، مانند معیار عدم قطعیت سیاست اقتصادی متغیر هستند و بنابراین در مورد مقادیر آتی آن ها عدم قطعیت وجود دارد. ناگار و همکاران^۱ (۲۰۲۲) با بررسی نقشه اطلاعاتی محافظه کاری، عدم تقارن و افشاگری به این نتیجه رسیدند که رابطه بین ارزش شرکت و ایجاد ساختاری برای جمع آوری اطلاعات مشخص می شود. در این راستا محافظه کاری منجر به تغییر در قیمت خرید و فروش می شود که در نتیجه ارزش آن کاهش می یابد. مدیران به منظور پاسخگویی به نوسانات قیمت، افشای داوطلبانه را بهبود می بخشند.

سیو و همکاران^۲ (۲۰۲۳) با بررسی ارتباط میان محافظه کاری و نااطمینانی در سطوح اطمینان مربوط به آینده به این نتیجه رسیدند که تقاضای اعتباردهندگان برای اطلاعات واقع گرایانه شرکت ها را به سوی حسابداری محافظه کارانه سوق می دهد و این موضوع در شرکت های کوچک تر و شرکت هایی که مکانیزم های نظارتی خارجی ضعیف تری دارند بیشتر می باشد. گراهام و همکاران^۳ (۲۰۲۴) نیز به بررسی نااطمینانی در سیاست های تجاری بر تصمیمات محافظه کارانه مرتبط با نگهداری وجه نقد و سرمایه گذاری ها پرداختند. نتایج آن ها نشان داد که شرکت ها سیاست های نقدی محافظه کارانه ای را در مواجهه با عدم اطمینان ها اتخاذ می کنند. همچنین، این عدم اطمینان ها باعث کاهش انگیزه ریسک پذیری مدیران اجرایی می شود. این مطالعه حاوی ارزش افزوده هایی برای ادبیات مربوط به عدم قطعیت و محافظه کاری می باشد. در واقع، این مطالعه به بسط ادبیات مربوط به عدم قطعیت پرداخته و تکمیل کننده مطالعاتی است که تاثیرات عدم قطعیت بر تصمیمات رفتاری در شرکت ها را بررسی می نمایند (بلوم، ۲۰۱۴؛ گودویل و همکاران، ۲۰۲۱). ضمناً برقراری ارتباط میان عدم قطعیت اقتصادی و محافظه کاری برای اولین بار در کشور ایران برقرار شده است و بومی سازی گردیده است. همچنین، می توان گفت که این مطالعه در برگیرنده فاکتورهای تعیین کننده محافظه کاری از یک دیدگاه اقتصاد کلان می باشد.

1. Nagar et al.

2. Cui et al.

3. Nathaniel et al

با توجه به پیشینه پژوهش و مطالب ذکر شده فرضیه پژوهش را می‌توان به صورت زیر عنوان نمود: عدم قطعیت مرتبط با آینده با محافظه کاری حسابداری ارتباط مثبت و معنی دار دارد.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به هدف پژوهش، این پژوهش به عنوان یک پژوهش کاربردی صورت گرفته است و از لحاظ ماهیت، به دسته‌بندی تحقیقات توصیفی همبستگی مبتنی بر رگرسیون خطی چند متغیره تعلق دارد. ساختار داده‌ها شامل داده‌های ترکیبی با نحوه چینش شرکت‌ها بر اساس سال می‌باشد. علاوه بر این، با توجه به اینکه تجزیه و تحلیل این پژوهش بر اساس اطلاعات واقعی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام می‌شود، در حوزه پژوهش‌های اثباتی و تجربی حسابداری قرار می‌گیرد. فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش آمار استنباطی رگرسیون خطی چند متغیره تحت آزمون قرار می‌گیرند انتخاب نمونه‌ای از جامعه با در نظر گرفتن معیارهای زیر انجام شده است.

- برای قابل قیاس بودن داده‌ها، پایان سال مالی شرکت‌ها مصادف با پایان اسفند می‌باشد.
- عضوی از شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری‌های مالی (از قبیل بانک‌ها، لیزینگ) نباشند.
- تاریخ پذیرش سال ۱۳۹۶ به بعد باشد.
- شرکت‌هایی که اطلاعات آنها برای تجزیه و تحلیل وجود داشته باشد.
- در طی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ تغییر سال مالی و یا تغییر فعالیت انجام نشده باشد.

۴۶۰	جامعه آماری مورد بررسی در ابتدای سال ۹۶	ردیف
۱۲۸	شرکت‌هایی که سال مالیشان اسفند نیست	۱
۳۸	شرکت‌ها بیمه، سرمایه‌گذاری و بانک‌ها و موسسات مالی و پولی	۲
۱۲۳	شرکت‌های لغو پذیرش	۳
۱۸	عدم دسترسی به اطلاعات	۴
۱۵	شرکت‌هایی که تغییر سال مالی دارند	۵
۱۳۸	جامعه آماری منتخب	۶

در همین راستا با توجه به شرایط زیر، ۱۳۸ شرکت و تعداد ۶۹۰ مشاهده سال- شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ به عنوان جامعه آماری در دسترس انتخاب شد.

اندازه گیری متغیرهای پژوهش

هر یک از مدل‌ها در این بخش مدل‌های مورد استفاده برای هر یک از فرضیه‌ها و نحوه استخراج مدل‌ها و تعریف عملیاتی هر یک از متغیرها توضیح داده می‌شود. برای این منظور مدل‌های هر یک از آزمون‌ها را جداگانه بیان کرده و متغیرهای هر کدام نیز به صورت جداگانه تعریف عملیاتی می‌گردد. در این بخش با استفاده از داده‌های پانل و تجزیه و تحلیل داده‌ها، تأثیر عدم قطعیت مرتبط با آینده و محافظه کاری بر شاخص‌های مالی شرکت‌های بورسی را بررسی خواهیم کرد. الگوی تحلیل رو تشریح خواهیم کرد و به بررسی متغیرهای وابسته و مستقل خواهیم پرداخت. در قسمت زیر مدل ۱ پژوهش که به منظور آزمون فرضیه پژوهش است آورده شده است. در واقع، در این پژوهش مدل محافظه کاری با سو بسط داده شده است.

$$\frac{Earnings_{it}}{Accruals_{it}} = \beta_0 + \beta_1 D_{it} \times Return_{it} \times Epu_{it+1} + \beta_2 Return_{it} \times Epu_{it+1} + \beta_3 D_{it} \times Epu_{it+1} + \beta_4 D_{it} \times Return_{it} + \beta_5 Epu_{it} + \beta_6 D_{it} + \beta_7 Return_{it} + \beta_k Controls_{it-1} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

در این معادله:

Earnings: سود قبل از اقلام غیرمترقبه است که براساس ارزش بازار سرمایه سهام در سال بعد تقسیم می‌شود. که حرف *i* شرکت، و *t* سال را نشان داده است.

Accruals: برابر است با سود منهای جریان‌های نقد عملیاتی که بر اساس ارزش بازار سرمایه سهام تقسیم می‌شود.

Return: بازده سالانه خرید و نگهداری سهام است که با بازده شاخص بازار وزنی منتهی به سه ماه پس از پایان سال مالی، تعدیل می‌شود.

Dit: یک متغیر مصنوعی (دامی) بوده که اگر متغیر **Return** کوچکتر از صفر باشد، مقدار آن برابر با یک بوده و در غیر این صورت صفر خواهد شد.

متغیر اصلی مدنظر ما شامل یک تعامل سه طرفه است، یعنی $D_{it} \times Return_{it} \times Epu_{it}$ ، β_1 بیانگر تأثیر عدم قطعیت اقتصادی (UOU) بر محافظه کاری حسابداری می‌باشد.

مدل مورد استفاده برای سنجش محافظه کاری

در این پژوهش برای اندازه گیری محافظه کاری از مدل باسو (۱۹۹۷) استفاده شده است که در مطالعات داخلی در پژوهش رضازاده و آزاد ۱۳۸۷، مهرانی و طاهریان ۱۳۹۱، مورد استفاده قرار گرفته است و به صورت زیر محاسبه می شود.

$$EARN_{it} = a_0 + B_0 \times DUM_{it} + B_1 \times RET_{it} + B_2 \times (DUM_{it} \times RET_{it}) \quad (2)$$

EARN: بیانگر بازدهی حسابداری می باشد عبارت است از نسبت سود و زیان قبل از اقلام غیر مترقبه به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در ابتدای سال مالی.

RET: نشان دهنده بازدهی دوازده ماهه سهام است این متغیر برای حاصل جمع ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در پایان دوره مالی بعلاوه میزان سود تقسیمی شرکتها پس از کسر آورده نقدی صاحبان سهام در ابتدای دوره مالی به ارزش حقوق صاحبان سهام در ابتدای دوره خواهد بود.

DUM: متغیر مصنوعی می باشد که در صورتی که بازدهی مثبت باشد برابر صفر و برای بازده های منفی برابر یک خواهد بود.

Σ : باقیمانده های حاصل از رگرسیون است.

باسو (۱۹۹۷) بیان می کند که بازده حسابداری نسبت سود قبل از اقلام غیر مترقبه به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در ابتدای دوره و بازده بازار هر دو معیاری برای اندازه گیری تغییرات ایجاد شده در ثروت سهامداران هستند. به دلیل وجود محافظه کاری اخبار بد زودتر از اخبار خوب در بازده حسابداری منعکس می شوند؛ اما به دلیل متنوع بودن منابع اطلاعاتی بازار، تا حدودی هر دو نوع اخبار خوب و بد در بازده بازار منعکس می شوند. او در ادامه اظهار می کند که با اندازه گیری تفاوت پاسخ سود نسبت به اخبار خوب و بد می توان محافظه کاری را اندازه گیری کرد نکته مهم در مدل این است که در صورت منفی بودن بازده سهام، فرض بر این است که بازده به دلیل وجود اخبار بد منفی می باشد؛ بنابراین این متغیر مجازی زمانی که بازده نشان دهنده اخبار خوب است، برابر با صفر و زمانی که بازده نشان دهنده اخبار بد است برابر با یک است به عبارتی با وجود اخبار خوب (بازده) مثبت مقدار صفر برای متغیر مجازی منظور می شود.

اقتصاددانان ادبیات گسترده ای را برای اندازه گیری عدم اطمینان اقتصادی و ایجاد شاخص های جایگزین آن شکل داده اند. یکی از این رویکردها شاخص های مبتنی بر نوسانات متغیرهای

اقتصادی است. در این رویکرد نوسانات شرطی متغیرهای اقتصادی مانند نرخ تورم نرخ ارز نرخ بهره نرخ رشد اقتصادی و شاخص بازار سهام را با روش‌های آماری متعددی مانند «ARCH» استخراج کرده و آن را به‌عنوان جایگزین عدم قطعیت اقتصادی تلقی می‌کند بیشتر مطالعات صورت گرفته در رابطه با شاخص عدم اطمینان از این رویکرد استفاده کرده‌اند. در این پژوهش به پیروی از شکر خواه و قاصدی دیزجی (۱۳۹۵) و سالم دزفولی و همکاران (۱۳۹۸) برای اندازه‌گیری شاخص عدم قطعیت اقتصادی از نرخ تورم، نرخ ارز و نرخ رشد اقتصادی استفاده می‌شود.

شاخص نرخ تورم^۱

تورم فرایند افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در یک دوره زمانی طولانی است. این تغییرات بر اساس اطلاعات بانک مرکزی و قیمت وزنی سبد کالایی است که از اقلام زیادی تشکیل شده است. به شرح رابطه زیر محاسبه می‌شود (سالم دزفولی و همکاران، ۱۳۹۸).

$$\Delta Inflation Rate_t = \frac{Inflation Rate_t - Inflation Rate_{t-1}}{Inflation Rate_{t-1}} \quad (3)$$

$\Delta Inflation Rate_t$: تغییرات نرخ تورم در سال جاری t

$Inflation Rate$: نرخ تورم در سال جاری t

$Inflation Rate_{t-1}$: نرخ تورم در سال قبل t-1

شاخص نرخ ارز^۲

این مقیاس بر اساس ارزیابی آزاد ارز بر اساس قیمت بازار است که با توجه به رابطه زیر محاسبه می‌شود (شکر خواه و قاصدی دیزجی، ۱۳۹۵؛ سالم دزفولی و همکاران، ۱۳۹۸).

$$\Delta Exchange Rate_t = \frac{Exchange Rate_t - Exchange Rate_{t-1}}{Exchange Rate_{t-1}} \quad (4)$$

$\Delta Exchange Rate_t$: تغییرات نرخ ارز در سال جاری t

$Exchange Rate$: نرخ ارز در سال جاری t

1. Inflation rate
2. Exchange rate

$Exchange\ Rate_{t-1}$: نرخ ارز در سال قبل t-1

شاخص نرخ رشد اقتصادی^۱

منبع این مرکز باید بانک مرکزی باشد و نحوه محاسبه به این صورت باشد که تولید ناخالص داخلی در ابتدا و سال اولیه در نظر گرفته شود و نرخ رشد آن محاسبه شود. (سالم دزفولی و همکاران، ۱۳۹۸)

$$\Delta Economic\ growth_t = \frac{Economic\ growth_t - Economic\ growth_{t-1}}{Economic\ growth_{t-1}} \quad (5)$$

$\Delta Economic\ growth_t$: تغییرات تولید ناخالص داخلی در سال جاری t

$Economic\ growth$: تولید ناخالص داخلی در سال جاری t

$Economic\ growth_{t-1}$: تولید ناخالص داخلی در سال قبل t-1

در نهایت، به منظور محاسبه متغیر عدم قطعیت اقتصادی نیاز است از مدل گارچ استفاده شده و واریانس خطای هر سه متغیر بالا محاسبه گردد. واریانس خطای هر کدام از این متغیرها به تنهایی یا به طور میانگین، نشان‌دهنده عدم قطعیت اقتصادی خواهد بود.

متغیرهای کنترلی

اندازه: لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام.

Lev: ارزش دفتری کل بدهی‌ها تقسیم بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها

Roa: سود خالص تقسیم بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها

وجوه نقد: نسبت وجوه نقد نگهداری شده توسط شرکت‌ها به کل دارایی‌های

رشد: خالص جریان‌های نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی تقسیم بر کل دارایی‌ها

MB: ارزش بازار حقوق صاحبان سهام تقسیم بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها

عمر شرکت: لگاریتم طبیعی سال‌های گذشته از زمان تاسیس شرکت.

Soe: یک متغیر مجازی (دامی) است که اگر دولت در یک شرکت مالکیت داشته باشد،

برابر با یک (۱) و در غیر این صورت برابر با صفر (۰) خواهد بود (شین کوی^۲ و همکاران،

۲۰۲۳).

1. GDP rate

2. Xin Cui & et al

اندازه موسسه حسابداری: در بیشتر پژوهش‌های انجام شده در ایران سازمان حسابداری به عنوان مؤسسه حسابداری بزرگ و سایر مؤسسه‌های حسابداری معتمد، بورس به عنوان مؤسسه‌های کوچک در نظر گرفته شده است در نتیجه چنانچه سازمان حسابداری به عنوان حسابداری شرکت باشد متغیر یک و در غیر این صورت متغیر صفر در نظر گرفته شد (بزرگ اصل و همکاران ۱۳۹۷).

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش، به مجموعه‌ای از روش‌ها و تحلیل‌ها اطلاق می‌شود که برای توصیف و خلاصه‌سازی داده‌های جمع‌آوری شده در یک پژوهش استفاده می‌شود. این آمارها و تحلیل‌ها، این امکان را می‌دهند تا به شکل کمی و کیفی مشخصات و ویژگی‌های مختلف داده‌ها را بررسی کرده و با استفاده از آن‌ها توصیفی دقیق از داده‌ها ارائه شود. به‌طور کلی، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل مجموعه‌ای از آمارهای مهم می‌شود که عبارت‌اند: میانگین، میانه، انحراف معیار و ... است. از این آمارها و تحلیل‌ها برای بهتر درک کردن ویژگی‌ها و الگوهای داده‌های پژوهش خود استفاده می‌کنیم. داده‌ها به صورت پانلی جمع‌آوری شده است و با استفاده از ۱۳۸ شرکت بورسی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت. نتایج آمار توصیفی حاکی از تنوع نمونه انتخابی می‌باشد و در نتیجه می‌توان نتایج نمونه را به جامعه تعمیم داد.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
سود قبل از اقلام غیر مترقبه اقلام تعهدی	۰/۰۰۱۶	۰/۰۰۴۳	۰/۲۳	-۰/۴۳	۰/۰۶
اهرم مالی	۰/۵۱	۰/۵۱	۱/۳۴	۰/۰۳	۰/۲۰
اندازه شرکت	۱۶/۰۲	۱۶/۰۸	۲۱/۸۸	۱۱/۸۹	۱/۷۸
بازده دارایی	۰/۱۸	۰/۱۶	۰/۶۸	-۰/۲۲	۰/۱۶
رشد	۰/۱۱	۰/۱۰	۰/۵۵	-۱/۳۱	۰/۱۵
وجوه نقد	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۴۲	۰/۰۰۰۲	۰/۱۴
نسبت بازار به ارزش دفتری	۳/۲۵	۲/۰۷	۷۶/۲۲	۰/۱۹	۴/۶۱
بازده حقوق صاحبان سهام	۱/۴۰	۰/۵۲	۲۴/۲۴	-۰/۸۴	۲/۷۱
عمر شرکت	۳/۶۹	۳/۷۸	۴/۲۴	۲/۷۰	۰/۳۳

متغیرهای پژوهش	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
نرخ تورم	۳۵/۰۶	۴۱/۲۰	۴۷/۱۰	۹/۶۰	۱۳/۹۳
نرخ ارز	۰/۶۰	۰/۴۵	۰/۸۳	۰/۰۹	۸۶۹۰/۳۲
نرخ رشد اقتصادی	-۲/۶۸	-۴/۸۴	۳/۷۵	-۹/۴۶	۵/۲۲
عدم قطعیت	۰/۴۵	۰/۴۱	۰/۶۳	۰/۳۱	۰/۱۱

جدول (۱) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد که بیانگر پارامترهای توصیفی و برای هر متغیر به صورت مجزا است. این پارامترها عمدتاً شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی مانند بیشینه، کمینه میانگین و میانه و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص‌های پراکندگی نظیر انحراف معیار است. مهم‌ترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست برای مثال میانگین متغیر عدم قطعیت اقتصادی که از میانگین سه شاخص اقتصادی نرخ تورم، نرخ ارز و نرخ شاخص اقتصادی به دست آمده، برابر است با ۰/۴۵ است که نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به این متغیر حول این نقطه تمرکز یافته‌اند میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول (۴-۱) مشاهده می‌شود میانه متغیر اهرم مالی (LEV) برابر با ۰/۵۱ که نشان می‌دهد نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. به طور کلی پارامترهای پراکندگی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها با یکدیگر یا میزان پراکندگی آنها نسبت به میانگین است از جمله مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای متغیر Mb برابر است با ۴/۶۱ و برای متغیر وابسته برابر است با ۰/۰۱۶ است که نشان می‌دهد در بین متغیرهای پژوهش Mb، وابسته به ترتیب دارای بیشترین و کمترین میزان پراکندگی هستند، همچنین لازم به توضیح است به منظور اجتناب از تأثیر داده‌های پرت بر نتایج، پژوهش کلیه داده‌های پرت متغیرها در سطح یک درصد حذف شده‌اند.

نتایج آزمون چاو و هاسمن

قبل از آزمون فرضیه‌ها با توجه به نتایج آزمون چاو و هاسمن نوع تخمین مدل انتخاب می‌شود. همان‌گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود سطح معناداری طبق آماره چاو کمتر از ۰/۵ و به

میزان ۰/۰۰۰۵ به دست آمده است؛ بنابراین آماره چاو معنی دار بوده و فرض صفر این آزمون رد می‌شود، یعنی عرض از مبدأ در بین شرکت‌های مختلف مشابه نیست و استفاده از اثرات مقید برای این مدل مناسب نمی‌باشد، نتیجه آزمون چاو نشان داد که برای مدل مورد بررسی باید از اثرات ثابت یا تصادفی استفاده کرد و برای تشخیص مدل اثرات ثابت در مقابل مدل اثرات تصادفی باید آزمون هاسمن اجرا شود. همچنین، سطح معنی داری مربوط به آماره هاسمن کمتر از ۰/۰۵ و به میزان ۰/۰۰۳۰ به دست آمده است. به عبارتی، بین مقادیر عرض از مبدأ و متغیرهای توضیحی همبستگی وجود دارد و استفاده از اثرات ثابت برای این مدل مناسب‌تر است.

جدول ۲. نتایج آزمون هاسمن و چاو

آزمون	آماره	سطح معناداری	روش تأیید شده
آزمون چاو	۱/۵۲۷۸	۰/۰۰۰۵	اثرات ثابت
آزمون هاسمن	۲۹/۷۸۸۰	۰/۰۰۳۰	اثرات ثابت

نتایج آزمون فرضیه

در جدول (۳) نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش با استفاده از آزمون مدل رگرسیونی ارائه شده است. متغیر مورد اصلی ما عبارت تعامل سه طرفه، $D \times R \times epu$ است، زیرا B به تاثیر محافظه کاری حسابداری و عدم قطعیت دلالت دارد. نتیجه آزمون فرضیه ضریب متغیر $D \times R \times epu$ را (۰/۲۲۲) و سطح معناداری را (۰/۰۰) نشان دهنده این است که متغیر معنی دار بوده و فرضیه پذیرفته می‌شود.

جدول ۳. نتایج آزمون فرضیه

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
$D \times R \times epu$	۰/۲۲۲	۰/۳۵۰	۰/۶۳۴	۰/۰۰
$R \times epu$	-۰/۴۵۴	۰/۲۵۷	-۱/۷۶۲	۰/۰۰
$D \times epu$	۰/۴۲۳	۰/۱۰۴	۰/۴۶۲	۰/۰۰۰۱
$D \times R$	-۰/۱۲۶	۰/۲۱۷	-۰/۵۸۱	۰/۰۰
متغیر دامی	-۰/۲۴۸	۰/۶۳۲	-۰/۳۹۲	۰/۰۰۰۱
بازده سهام	۰/۲۰۶	۰/۱۱۰	۱/۸۷۴	۰/۰۰
اندازه شرکت	-۰/۲۸۹	۰/۲۰۵	-۰/۴۵۵	۰/۰۰
مالکیت دولت	۰/۴۱۳	۰/۶۱۷	۶۶/۹۴۵	۰/۰۰

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
رشد	۰/۱۳۶	۲۲/۰۸۵	۰/۰۰۶	۰/۰۰
نسبت بازار به ارزش	۰/۲۹۰	۰/۲۶۱	۱/۱۱۱	۰/۰۰
اهرم مالی	-۰/۱۲۳	۸/۰۳۰	۶۹/۳۷۱	۰/۰۰
بازده دارایی	۰/۲۳۹	۴/۱۴۱	۱۹/۵۷۸	۰/۵۶۳
وجه نقد	۰/۴۴۹	۵/۸۳۱	۱۲/۸۳۵	۰/۰۰
عمر	-۰/۲۵۹	۳/۸۹۸	-۱۵/۶۴۵	۰/۰۰
اندازه حساسی	-۰/۱۷۴	۹/۱۷۸	-۱۸/۹۸۱	۰/۰۵۸
عدم قطعیت	۰/۴۵۴	۰/۴۸۹	۰/۹۳۰	۰/۰۰
عرض از مبدا	۶۵۱/۲۳	۵۳/۶۲	۱۲/۱۴	۰/۰۰
Jacue-bera	۰/۶۸			
Probability	۰/۷۲			
دوربین واتسون	۱/۸۶			
R ^۲	۰/۸۵			
آماره F	۰/۰۰			

با توجه به نتیجه فرضیه ضریب تعیین تعدیل شده به میزان ۰/۸۵ حاصل شده است. یعنی مدل رگرسیون از طریق متغیرهای مستقل توانسته است ۸۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی کند؛ لذا، مدل قادر به پیش‌بینی و توضیح ۱۵ درصد (۸۵-۱۰۰) از تغییرات متغیر وابسته نبوده است. به بیان دیگر ۱۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته ناشی از سایر عوامل است که برای پژوهشگر قابل شناسایی نبوده‌اند.

آزمون F فیشر برای بررسی اثر متغیرهای توضیحی بر متغیر وابسته و معنی‌داری مدل رگرسیون استفاده می‌شود. با توجه به نتیجه آزمون فرضیه آماره F سطح معنی‌داری از عدد ۰/۰۵ کمتر است مدل رگرسیون معنی‌دار است می‌توان از این مدل استفاده کرد و از آنجا که Prob کمتر از ۰/۰۱ باشد می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیون با اطمینان ۹۹ معنی‌دار است. یکی از روش‌های مرسوم برای بررسی وجود یا عدم وجود خودهمبستگی بین مقادیر خطا آزمون دوربین واتسن (۱۹۵۱) است، و همچنین برای بررسی استقلال پسماندهای مدل‌های برازش شده از آماره آزمون دوربین - واتسون استفاده شد. اگر مقدار این آماره در محدوده ۱/۵ تا ۲/۵ باشد. استقلال پسماندهای مدل مورد تأیید قرار می‌گیرد، در غیر این صورت شواهد حاکی از فقدان استقلال

یا وجود همبستگی سریالی پسماندهای مدل است که در اینجا مقدار دوربین واتسون ۱/۸۶ که مقدار این آماره در محدود ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشد بنابراین استقلال پسماندهای مدل مورد تأیید قرار می‌گیرد. نتایج ضریب متغیر نیز ارتباط بین مستقل و وابسته را نشان می‌دهد. برای این منظور باید به مقدار حاصل شده برای ضریب متغیر مستقل توجه کرد. در صورتی که ضریب مثبت باشد رابطه بین ضریب مستقل و وابسته مستقیم و در صورتی که منفی باشد رابطه بین متغیر مستقل و وابسته معکوس برقرار است. با توجه به فرضیه چون متغیر عدم قطعیت اقتصادی بر محافظه‌کاری مثبت و معنی‌دار می‌باشد، پس می‌توان گفت بین عدم قطعیت اقتصادی با محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معنی‌دار وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی رابطه عدم قطعیت اقتصادی و محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. نتایج پژوهش نشان داد که عدم قطعیت و محافظه‌کاری حسابداری دارای رابطه مثبت و معنی‌دار می‌باشد. در شرایط عدم اطمینان در مورد سطوح آینده، سود بیشتر به اخبار بد حساس است تا اخبار خوب، مطابق با محافظه‌کاری حسابداری نتایج نشان می‌دهد که عدم قطعیت یک عامل اقتصادی مهم تعیین‌کننده محافظه‌کاری حسابداری است. هنگامی که عدم قطعیت افزایش می‌یابد محافظه‌کاری حسابداری به طور قابل توجهی افزایش پیدا می‌کند. همچنین انتظار داریم زمانی که سرمایه‌گذاری تقاضای زیادی برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی با محدودیت‌های مالی بالا و تعهدات سهامی بالا دارند، به تاثیر عدم قطعیت اقتصادی و محافظه‌کاری حسابداری توجه زیادی کنند. تا در آیند سرمایه آنها دچار آسیب نشود. از سوی دیگر در شرایط عدم قطعیت شدید سهامداران و طلبکاران از مدیران انتظار دارند که در تصمیمات خود محافظه‌کارانه تر عمل کنند. به طور خلاصه می‌توان بیان کرد که مدیران با عدم قطعیت بالا احتمالاً به تغییرات متفاوتی در استراتژی‌های خود نیاز دارند. تا با عدم قطعیت بیشتری کنار بیایند و تصویر بهتری از وضعیت شرکت به استفاده‌کنندگان برون سازمانی ارائه دهند که این امر موجب افزایش سطح محافظه‌کاری می‌شود.

نتایج نشان داد که بین عدم قطعیت اقتصادی و محافظه کاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه وجود دارد. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات پانارلو^۱ (۲۰۲۰) جان و همکاران^۲ (۲۰۲۲) مطابقت دارد با در نظر گرفتن دیدگاه گالوب^۳ (۱۹۹۴) عدم قطعیت‌های اقتصادی ناشی از نوسانات، دارای دو نوع اثر اقتصادی هستند اولین اثر که باعث می‌شوند عوامل، اعم از شرکت‌ها و مصرف‌کنندگان، تصمیمات اقتصادی بگیرند که با آنچه که انتظار داشته‌اند متفاوت است تأثیر دوم در فرایند پس از تصمیم‌گیری جای می‌گیرد این نوع اثر در مواقعی اتفاق می‌افتد که مقدار واقعی متغیر با آنچه پیش‌بینی شده است متفاوت باشد. از مهم‌ترین عوامل ایجاد و تشدید عدم قطعیت اقتصادی را می‌توان سیاست‌های دولت عنوان کرد که با توجه به افق زمانی محدود خود سیاست‌های موردنظر را طراحی می‌کنند و منافع ناشی از کاهش بیکاری حال را به هزینه‌های تورم آینده ارجح می‌دانند و با توجه به اینکه دولت بالاترین نقش را در اقتصاد ایران دارد می‌توان انتظار داشت که در ایجاد عدم قطعیت و بی‌ثباتی اقتصادی نیز بیشترین تأثیر را داشته باشد.

پژوهش حاضر نیز همانند سایر پژوهش‌ها عاری از محدودیت نیست. مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش شامل عدم کنترل بعضی از عوامل موثر بر نتایج پژوهش، مانند تأثیر متغیرهایی چون عوامل اقتصادی (نرخ ارز، نرخ تورم، نرخ رشد اقتصادی)، وضعیت اقتصادی جهان، شرایط سیاسی، قوانین و مقررات و ... که خارج از دسترسی محقق بوده است و ممکن است بر روابط اثر گذار باشد. محدودیت دیگر عدم اعلام آمار مربوط به تولید ناخالص داخلی در سال‌های اخیر توسط مراجع ذیصلاح است که به‌ناچار از بانک جهانی اخذ شده است. عدم تعدیل ارقام صورت‌های مالی به‌واسطه وجود تورم که ممکن است بر نتایج پژوهش مؤثر باشد. با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش مبنی بر وجود رابطه معنادار بین عدم قطعیت نتایج متغیرهای کلان اقتصادی و محافظه کاری حسابداری، پیشنهاد می‌شود که سرمایه‌گذاران همواره این نکته را در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری خود در نظر بگیرند. در صورت افزایش محافظه کاری حسابداری به هر دلیلی از جمله عدم قطعیت اقتصادی، ریسک سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد، به عبارت دیگر سرمایه‌گذاران از شرکت‌هایی که محافظه کاری حسابداری در آنها در حداقل (ضعیف) سطح است به‌عنوان شرکت‌های مساعد برای سرمایه‌گذاری در نظر نمی‌گیرند. با توجه

1 . Panarello
2 . John et al.
3 . Golub

به تأثیر معنادار متغیرهای عدم اطمینان اقتصادی بر محافظه‌کاری حسابداری (محافظه‌کاری شرطی و محافظه‌کاری غیر شرطی)، سرمایه‌گذاران و تحلیلگران بازار سرمایه می‌توانند از نوع تأثیر این متغیرها بر سود گزارش شده شرکت‌ها جهت پیش‌بینی و اتخاذ تصمیمات بهتر استفاده نمایند. به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که محافظه‌کاری را به عنوان معیاری برای آینده‌نگری شرکت بدانند به عبارتی دیگر یعنی در نظر بگیرند که اگر شرکتی محافظه‌کارانه تر عمل می‌کند، دارای مدیریتی است که برای مسائل راهبردی و بلند مدت شرکت اهمیت زیادی قائل می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.

منابع

- افکنده، محمد و حمید، لایلا. (۱۴۰۱). بررسی رابطه عدم قطعیت اقتصادی با محافظه کاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه رویکردی پژوهش‌های نوین در مدیریت و حسابداری، ۶ (۲۱): ۳۷۵-۳۶۴.
- بزرگ اصل، موسی؛ رجب دری، حسین و خرمین، منوچهر. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر انتشار به هنگام گزارش حسابرسی. دانش حسابداری، ۹ (۱ (پیاپی ۳۲)): ۱۱۵-۱۴۶.
- بهار مقدم، مهدی و سالاری، مهناز. (۱۳۹۱). تأثیر گزارشگری محافظه کارانه استهلاک بر ارزش بازار سهام، رابطه ارزشی سود و پایداری سود. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۲ (۱): ۱۲۲-۱۰۵.
- توانگر، افسانه و کیوان فر، مختار. (۱۳۹۸). تأثیر محافظه کاری حسابداری بر کوتاه بینی مدیران بیش اطمینان شواهد تجربی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مدیریت، ۱۲ (۴۰): ۲۷-۱۵.
- توکل نیا، اسماعیل و شاکری، ماهرخ. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر تغییر در اقدامات و نگرش حسابرسان بر مدیریت افزایشی سود. دانش حسابرسی، ۱۷ (۶۸): ۲۳۹-۲۵۹.
- جعفری دهکردی، حمیدرضا. (۱۳۹۷). بررسی نقش واسطه‌های اهرم مالی در تأثیر محافظه‌کاری در حسابداری بر فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۸ (۱): ۲۸-۱.
- حسن پور، شیوا و عربی، مهدی. (۱۳۹۶). تأثیر شرایط عدم اطمینان بر رابطه‌ی محافظه کاری و انحراف پیش‌بینی سود. مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۶ (۲۳): ۱۱۲-۹۵.
- رشیدی باغی، محسن. (۱۳۹۸). نقش کیفیت گزارشگری مالی در تغییر اعتماد به نفس بیش از اندازه مدیران و حق الزحمه حسابرسی، دانش حسابرسی، ۱۹ (۷۵): ۲۵۱-۲۲۹.
- رضازاده، جواد و آزاد، عبدالله. (۱۳۸۷). رابطه بین تقارن اطلاعاتی و محافظه کاری در گزارشگری مالی، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۶ (۱): ۱۱۲-۹۰.
- مجتهد زاده، ویدا. (۱۳۸۰). محافظه کاری. مجله حسابداری، شماره ۱۴۵: ۲۴-۲۲.
- مرادزاده فرد، مهدی. (۱۳۹۵). توانایی مدیریتی، کارآیی سرمایه‌گذاری و ریسک سقوط آتی قیمت سهام. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۳ (۵۰): ۶۴-۳۳.

References

- Adam, T; & Goyal, V. K. (2008). The investment opportunity set and its proxy variables. *Journal of Financial research*, 31(1), 41-63.
- Afkandeh, M, & Hamid, L. (2022). Investigating the relationship between economic uncertainty and conservatism in companies listed on the Tehran

- Stock Exchange. *Modern Research Approaches to Management and Accounting*, 6 (21) 364-375. [In Persian]
- Aggarwal, R; & Goodell, J. W. (2009). Markets and institutions in financial intermediation: National characteristics as determinants. *Journal of Banking & Finance*, 33(10), 1770-1780.
- Anderson, E. W; Ghysels, E; & Juergens, J. L. (2009). The impact of risk and uncertainty on expected returns. *Journal of Financial Economics*, 94(2), 233-263.
- Baharmoghadam, M; & Salari, M. (2012). The Effect of Conservative Reporting of Depreciation on the Factors such as, Return of Stock, Value Relevance and Sustainability of Profit. *Empirical Research in Accounting*, 2(1), 105-122. [In Persian]
- Baker, S. R; Bloom, N; & Davis, S. J. (2016). Measuring economic policy uncertainty. *The quarterly journal of economics*, 131(4), 1593-1636.
- Ball, R; Kothari, S. P; & Nikolaev, V. V. (2013). On estimating conditional conservatism. *The Accounting Review*, 88(3), 755-787.
- Ball, R; Kothari, S. P; & Robin, A. (2000). The effect of international institutional factors on properties of accounting earnings. *Journal of accounting and economics*, 29(1), 1-51.
- Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings 1. *Journal of accounting and economics*, 24(1), 3-37.
- Bloom, N. (2014). Fluctuations in uncertainty. *Journal of economic Perspectives*, 28(2), 153-176.
- Bozorgasl, M; Rajabdari, H. & Khormin, M. (2018). Investigating factors affecting ontime audit reporting. *Accounting knowledge*, 19 (1), 115-146. [In Persian]
- Brockman, P; Ma, T; & Ye, J. (2015). CEO compensation risk and timely loss recognition. *Journal of Business Finance & Accounting*, 42(1-2), 204-236.
- Calomiris, C. W; Fisman, R; & Wang, Y. (2010). Profiting from government stakes in a command economy: Evidence from Chinese asset sales. *Journal of Financial Economics*, 96(3), 399-412.
- Caskey, J; & Laux, V. (2017). Corporate governance, accounting conservatism, and manipulation. *Management Science*, 63(2), 424-437.
- Chen, H; Chen, J. Z; Lobo, G. J; & Wang, Y. (2010). Association between borrower and lender state ownership and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*, 48(5), 973-1014.
- Cui, X; Ma, T; Xie, X; & Goodell, J. W. (2023). Uncertainty of uncertainty and accounting conservatism. *Finance Research Letters*, 52, 103525.
- Cui, X; Wang, C; Liao, J; Fang, Z; & Cheng, F. (2021). Economic policy uncertainty exposure and corporate innovation investment: Evidence from China. *Pacific-Basin Finance Journal*, 67, 101533.
- Dai, L; Ngo, P; (2021). Political uncertainty and accounting conservatism. *Eur. Account. Rev.* 30 (2), 277-307.
- Davis, S. J; Liu, D; & Sheng, X. S. (2019, September). Economic policy uncertainty in China since 1949: The view from mainland newspapers. In *Fourth Annual IMF-Atlanta Fed Research Workshop on China's Economy Atlanta* (Vol. 19, pp. 1-37).

- DeJong, D. V; Liao, K; & Xie, D. (2020). Controlling shareholder's share pledging and accounting manipulations. *Available at SSRN 3274388*.
- Drechsler, I. (2013). Uncertainty, time-varying fear, and asset prices. *The Journal of Finance*, 68(5), 1843-1889.
- Gong, G; & Luo, S. (2018). Lenders' experience with borrowers' major customers and the debt contracting demand for accounting conservatism. *The Accounting Review*, 93(5), 187-222.
- Goodell, J. W; Goyal, A; & Urquhart, A. (2021). Uncertainty of uncertainty and firm cash holdings. *Journal of Financial Stability*, 56, 100922.
- Goodell, J. W; McGee, R. J; & McGroarty, F. (2020). Election uncertainty, economic policy uncertainty and financial market uncertainty: a prediction market analysis. *Journal of Banking & Finance*, 110, 105684.
- Graham, N. P; Huang, X; & Yang, L. (2024). Navigating trade policy uncertainty: Conservatism in cash holding and investment. *Applied Economics*, 1-19.
- Hadlock, C. J; & Pierce, J. R. (2010). New evidence on measuring financial constraints: Moving beyond the KZ index. *The review of financial studies*, 23(5), 1909-1940.
- Hart, O; & Moore, J. (1999). Foundations of incomplete contracts. *The Review of Economic Studies*, 66(1), 115-138.
- Hassanpour, S; & Arabi, M. (2017). The Effect of Uncertainty Conditions on the Relationship between Conservatism and Errors of Earnings Forecast. *Accounting and Auditing Studies*, 6(23), 95-112. [In Persian]
- Huang, Y; & Luk, P. (2020). Measuring economic policy uncertainty in China. *China economic review*, 59, 101367.
- Hui, K. W; Klasa, S; & Yeung, P. E. (2012). Corporate suppliers and customers and accounting conservatism. *Journal of accounting and economics*, 53(1-2), 115-135.
- Jafaridehkordi, H. (2018). The Mediating Effect of Financial Leverage on the Relation between Accounting Conservatism and Investment Opportunities. *Empirical Research in Accounting*, 8(1), 1-28. [In Persian]
- Kaplan, S. N; & Zingales, L. (1997). Do investment-cash flow sensitivities provide useful measures of financing constraints?. *The quarterly journal of economics*, 112(1), 169-215.
- Khan, M; & Watts, R. L. (2009). Estimation and empirical properties of a firm-year measure of accounting conservatism. *Journal of accounting and Economics*, 48(2-3), 132-150.
- Khan, U; & Lo, A. K. (2019). Bank lending standards and borrower accounting conservatism. *Management Science*, 65(11), 5337-5359.
- Khurana, I. K; & Wang, C. (2015). Debt maturity structure and accounting conservatism. *Journal of Business Finance & Accounting*, 42(1-2), 167-203.
- Knight, F. H. (1921). Risk, uncertainty and profit. *Hart, Schaffner and Marx*.
- MojtahedZadeh, V; (2001). Conservatism. *Accountant journal*, No, 145, 22-24. [In Persian]
- Moradzadeh Fard, M. M. F. (2016). Managerial Talent, Investment Efficiency and Stock Price Crash Risk. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 13(50), 33-64. [In Persian]

- Myers, M. D. (1997). Qualitative Research in Information Systems. *MIS Quarterly*, 21, 241-242. <http://dx.doi.org/10.2307/249422>
- Neamtiu, M; Shroff, N; White, H. D; & Williams, C. D. (2014). The impact of ambiguity on managerial investment and cash holdings. *Journal of Business Finance & Accounting*, 41(7-8), 1071-1099.
- RashidiBaghi, M. (2019). The role of financial reporting quality in changing managers' overconfidence and audit fees. *Auditing knowledge*, 19 (75), 229-251. [In Persian]
- Rezazadeh, J; & Azad, A. (2009). The Link between Information Asymmetry and Conservatism in Financial Reporting. *Accounting and Auditing Review*, 16(1), 63-80. [In Persian]
- Schrand, C. M; & Zechman, S. L. (2012). Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. *Journal of Accounting and economics*, 53(1-2), 311-329.
- Tavakolnia, E. & Shakeri, M. (2017). Investigating the impact of changes in auditors' actions and attitudes on incremental earnings management. *Auditing Knowledge*, 17 (68), 239-259. [In Persian]
- Tavangar, A. & kivanfar, M. (2019). The Effect of Accounting Conservatism on the Short-Term Attitude of Executives: Empirical evidence of companies admitted to Tehran Stock Exchange. *Management Accounting*, 12 (40), 15-27. [In Persian]
- Valencia, F. (2017). Aggregate uncertainty and the supply of credit. *Journal of Banking & Finance*, 81, 150-165.
- Watts, J. (2003). *Politeness*. Cambridge: Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511615184>
- Watts, R. L. (2003). Conservatism in accounting part I: Explanations and implications. *Accounting horizons*, 17(3), 207-221.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

Corporate Characteristics Determining Sustainability Reporting¹

Sahar Yousefizadeh², Hossein Fakhari³

Received: 2024/06/06

Accepted: 2024/09/25

Research Paper

Abstract

Considering the importance of sustainability reporting among stakeholders, this research aims to explain a model for internal organizational factors affecting sustainability reporting disclosure. Such a model can help account thinkers and company managers understand the factors influencing sustainability report quality. We obtain the organizational factors influencing sustainability reporting with first-order factor analysis, and then, along with other variables of the research, we obtain the effect of the obtained organizational factors on the disclosure score of sustainable reporting. Then we obtain the consequences of sustainability reporting with seemingly unrelated regression methods. The research sample also includes information related to 194 Tehran Stock Exchange companies, for the fiscal years 1390 to 1400, compiled from financial statements, management reports, and audit committee information. The findings based on the measurement model and first-order confirmatory factor analysis show that twenty factors can be effective in reporting sustainability. We have obtained the effect of these factors on the disclosure score of the sustainability report and then we have examined the consequences of sustainability reporting. The results show that the factors affecting the sustainability report are classified in the form of eight dimensions company size, board of directors, ownership structure, regulatory structure and corporate governance structure, strategies of the industry, profitability, and financial leverage. Also, there is a reciprocal relationship between sustainability report disclosure and return on equity.

Keyword: Sustainability Report, Influencing Factors on Sustainability Report, Structural Equation Modeling, Seemingly Unrelated Regression.

JEL Classification: M41, G32.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.47392.3254

2. Ph.D. Department of Accounting, Faculty of Economic Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran. (Corresponding Author). (saharyousefizadeh@yahoo.com).

3. Professor, Department of Accounting, Faculty of Economic Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. (h733hf@yahoo.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

ویژگی‌های شرکتی تعیین‌کننده گزارشگری پایداری^۱

سحر یوسفی‌زاده^۲، حسین فخاری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۰۴

مقاله پژوهشی

چکیده

با توجه به اهمیت گزارش پایداری در میان ذینفعان، هدف این پژوهش تبیین مدلی برای عوامل سازمانی اثرگذار بر افشای گزارش پایداری است. چنین مدلی می‌تواند برای متفکران حسابداری و مدیران شرکت‌ها در دستیابی به شناخت عوامل اثرگذار بر گزارش پایداری و ارتقای کیفیت آن مؤثر باشد. طی پژوهش عوامل سازمانی اثرگذار بر گزارشگری پایداری با تحلیل عاملی مرتبه اول به دست می‌آوریم، سپس در کنار سایر متغیرهای پژوهش، تأثیر عوامل سازمانی بدست آمده را بر نمره افشای گزارشگری پایدار بدست می‌آوریم. سپس پیامدهای گزارشگری پایداری را با روش رگرسیون به ظاهر نامرتبط بدست می‌آوریم. نمونه پژوهش شامل اطلاعات مربوط به ۱۹۴ شرکت بورس اوراق بهادار تهران، برای سال‌های مالی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، که از صورتهای مالی، گزارش مدیریت و اطلاعات کمیته حسابرسی گردآوری شده است. یافته‌های تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول نشان می‌دهد که بیست عامل می‌تواند در گزارش پایداری مؤثر باشند. ما اثر این عوامل را بر نمره افشای گزارش پایداری بدست آوردیم و سپس پیامد گزارشگری پایداری در قالب تأثیر بر بازدهی بررسی کردیم. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عوامل اثرگذار بر گزارش پایداری در قالب هشت بعد اندازه شرکت، هیات مدیره، ساختار مالکیت، ساختار نظارتی و ساختار حاکمیت شرکتی، استراتژیک بودن صنعت، سود آوری و اهرم مالی طبقه بندی می‌شوند. همچنین رابطه متقابلی بین افشای گزارش پایداری و بازده حقوق صاحبان سهام وجود دارد. این نتایج می‌تواند به حسابداران و مدیریت در بهبود کیفیت گزارشگری پایداری و همچنین ارائه مستقل گزارش پایداری و پیوستن به جامعه جهانی مؤثر باشد.

واژه‌های کلیدی: گزارش پایداری، عوامل اثرگذار بر گزارش پایداری، مدل سازی معادلات ساختاری، رگرسیون به ظاهر نامرتبط.

طبقه‌بندی موضوعی: M41, G32.

doi: 10.22051/JERA.2024.47392.3254

۲. دکتری، گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (نویسنده مسئول). (saharyousefizadeh@yahoo.com).

۳. استاد، گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. (h733hf@yahoo.com).

https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه^۱

طی سال‌های اخیر، نگرانی روزافزون مردم در مورد تأثیرات اجتماعی و زیست محیطی، باعث شده است که تولید، طراحی و اجرای مدل‌های توسعه پایدار به یک موضوع مهم برای سازمان‌ها و متفکران حسابداری تبدیل شود (یانز و همکاران^۲، ۲۰۱۹). از زمان اعلام اهداف توسعه پایدار توسط سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ این چالش‌ها به سرعت در برنامه‌های دولت، شرکت‌ها و نهادهای عمومی برجسته شده است. زیرا که در مفهوم توسعه پایدار و گزارش پایداری سازمان‌ها و ذینفعان تنها به دنبال دستیابی حداکثری به منافع اقتصادی از تولید نیستند، بلکه مسائل دیگری از جمله محیط زیست و تأثیرات اجتماعی نیز اهمیت یافته است. هدف اصلی توسعه پایدار برقرار کردن تعادل بین انسان، زمان و مکان (سه‌پی) است (دهاری و امری^۳، ۲۰۱۸) و در نهایت دستیابی به رشد فراگیر و همچنین رفاه مشترک برای نسل کنونی و تداوم پاسخگویی به نیازهای نسل آینده است (کاستا و همکاران^۴، ۲۰۲۱).

بسیاری بر این باورند که حسابداری پایدار، امکان پاسخگویی در ابعادی را فراهم می‌آورد که همواره خواسته جامعه و مردم بوده است (گالگو-ارورزا و ارتس^۵، ۲۰۱۶). حسابداری پایدار یک استراتژی سازمانی است که باعث ارتباط محیط بیرون (زیست محیط و جامعه: ذینفعان) با محیط داخل (حاکمیت شرکتی) سازمان شده است. این تعامل بین دو محیط منجر به گزارش در مورد عملکرد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی شده است (سیسای^۶، ۲۰۲۱). گزارش‌دهی پایدار با تشویق شرکت‌ها به هدف‌گذاری و سنجش عملکرد خود براساس ملاحظه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی عاملی موثر برای تحقق توسعه پایدار شده است (محتاط و فوکردی، ۱۳۹۵). ذینفعان خواستار توجه سازمان به این مسائل هستند (محمود و همکاران^۷، ۲۰۱۹). نهادهای موجود در جامعه قوانین و هنجارهایی را برای سازمان‌ها در خصوص توسعه پایدار وضع کرده‌اند (لی و همکاران^۸، ۲۰۱۶). سازمان نیز به خاطر کسب

۱. این مقاله از پایان‌نامه استخراج شده است.

2. Yañez et. al.
3. Dhahri & Omri
4. Costa et. al.
5. Gallego-Alvarez & Ortas
6. Sisaye
7. Mahmood et. al.
8. Lee et. al.

مشروعیت و ادامه‌ی بقای طولانی مدت به نیاز این نهادها و ذینفعان توجه کرده‌اند (بوالی و العجمی^۱، ۲۰۱۹). بنابراین به نظر می‌آید که اقدامات فوق با سه تئوری مشروعیت، ذینفعان و نهادی قابل توجه است، تئوری‌های که می‌توانند برای درک کامل تر از ارتباط سازمان با جامعه و محیط زیست بکار روند (تاووس و دیاس^۲، ۲۰۱۸).

اهمیت این پژوهش در ایران به گونه‌ای است که در سوم نوامبر، ۲۰۲۱ بنیاد استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی، هیئت استانداردهای بین‌المللی پایداری بوجود آورد. زیرا که سرمایه‌گذاران بین‌المللی دارای پرتفوی جهانی خواستار گزارش با کیفیت، شفاف، قابل اعتماد و قابل مقایسه در مورد آب و هوا و سایر موضوعات زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی بودند. این هیأت با هدف پاسخگویی به این نیاز و همچنین شناسایی فرصت‌ها و ریسک‌های مرتبط با پایداری به کمک فعالان بازار سرمایه آمد (آی اف آر اس^۳، ۲۰۲۱). بنیاد استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی قصد دارد، سازمان‌ها گزارشگری پایداری را همانند گزارشگری مالی منتشر کنند (کی پی ام جی^۴، ۲۰۲۱) که این نیاز بین‌المللی و تلاش ایران برای پیوستن به این سازمان‌ها، ضرورت انجام پژوهش را دو چندان می‌کند.

با در نظر داشتن جایگاه ویژه گزارش‌های پایداری، عوامل متعددی در داخل سازمان وجود دارد که در انتشار داوطلبانه محتوای گزارش پایداری (کمیت و کیفیت افشای اطلاعات) مؤثر هستند. در بحث اهمیت پژوهش می‌توان گفت که ایران با معضلات زیست‌محیطی، اجتماعی و حکمرانی زیادی رو به رو است. به طور مثال ایران هشتمین کشور تولیدکننده‌ی دی‌اکسید کربن در جهان است (مومنی و همکاران، ۱۳۹۶)؛ جایگاه ایران از نظر شاخص‌های خوشبختی، شکاف جنسیتی، پایداری محیط زیست در جهان نامناسب است (مکی و همکاران، ۱۳۹۷)؛ عدم تفاهم اجتماعی و جامعه محور نبودن در عملکرد ایران به وفور مشاهده شده است (محمدی صادق، ۱۳۹۹). همچنین مسائلی مانند کم‌آبی و خشکسالی، ریزگردها، آلودگی هوای کلانشهرها، بالا بودن مصرف انرژی، خشک شدن تالاب‌ها، فرسایش و فرونشست زمین از عمده‌ترین مشکلات گریبان‌گیر محیط زیست ایران است که افزون بر به خطر انداختن جان انسان‌ها، محیط زیست ایران را به سوی شرایط بحرانی سوق داده است (مصطفایی و حسینی، ۱۴۰۰). این موضوع‌ها وقتی

1. Buallay & Al-Ajmi
2. Tavares & Dias
3. IFRS
4. KPMG

پیچیده می‌شود که ملاحظه کنیم، علیرغم اینکه حفاظت از محیط زیست و توجه به عدالت اجتماعی در قوانین و مقررات ایران جایگاه ویژه‌ای دارند (مانند اصل پنجاهم قانون اساسی ایران (حسینی، ۱۳۹۸)؛ بند پنجم سرفصل امور اقتصاد (آرین پور و همکاران، ۱۳۹۸)؛ سند چشم‌انداز بیست ساله ایران در افق سال ۱۴۰۴ (اخترشناس و همکاران، ۱۴۰۰)؛ ماده ۳۳ آیین‌نامه اصول راهبری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (اخترشناس و همکاران، ۱۴۰۰))، اما در خصوص گزارشگری پایداری ضعیف عمل می‌شود. سازمان‌ها در ایران گزارش‌های پایداری به صورت پراکنده و غیر اجباری منتشر می‌کنند، زیرا که در ایران چارچوب پذیرفته شده‌ی بین‌المللی که قابل اتکا باشد، وجود ندارد (فرخی و همکاران، ۱۳۹۹)؛ مصطفایی و حسینی، ۱۴۰۰) و در درون سازمان نیز عوامل متعددی در توجه حسابداران و مدیران به موضوع پایداری دخیل است (بینگتن و لارینگا، ۲۰۲۴). با توجه به اهمیت تاثیر ساز و کارهای عوامل داخلی سازمانی بر گزارشگری پایداری، در این پژوهش قصد داریم، در میان ۱۹۴ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران و در طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، عوامل داخلی سازمانی که باعث بهبود نمره افشای گزارشگری پایداری میشود را از روش تحلیل عاملی و تحلیل رگرسیون بررسی کنیم. در نهایت رابطه همزمان بین افشای گزارش پایداری و عملکرد مالی بررسی می‌کنیم. جهت سنجش عملکرد مالی شرکت، از معیار حسابداری بازده حقوق صاحبان سهام استفاده شده است. این پژوهش برای اولین مرتبه به ابعاد و شاخص‌های گزارشگری پایداری برای شرکت‌های بورسی طبق الزامات جدید رعایت حاکمیت شرکتی برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران می‌پردازد. پژوهشگرانی مانند ذاکله بری و همکاران (۱۳۹۹)، فخاری و همکاران (۱۳۹۴)، رستمی زاد و همکاران (۱۳۹۹)، معصومی و همکاران (۱۳۹۷)، عبدی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی عوامل موثر بر گزارش پایداری با استفاده از نظر خواهی از خبرگان پرداخته شده است. در این پژوهش به دنبال این هستیم، با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی رابطه متغیرهای پنهان و آشکار مشخص شود، سپس رابطه بین متغیر وابسته نمره افشای گزارش پایداری و عوامل داخلی تعیین‌کننده گزارش پایداری مشخص می‌شود.

لذا در ادامه پس از بیان مبانی نظری و پیشینه، روش پژوهش مطرح شده و پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

مبانی نظری و توسعه فرضیه‌های پژوهش

مرور ادبیات نشان می‌دهد که پایداری مانند یک استراتژی بلند مدت، از جدیدترین رویکردهای مسئولیت اجتماعی و زیست محیطی محسوب می‌شود (مصطفایی و حسینی، ۱۴۰۰؛ لزانو^۱، ۲۰۱۵). سازمان‌ها نیز متناسب با نیاز جهانی، برای استحکام روابط با جامعه ذینفعان، عملکرد خود را از طریق مدیریت ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی گسترش می‌دهد (نمازی و مقیمی، ۱۳۹۷). بنابراین سازمان‌ها به صورت داوطلبانه، جنبه‌های با اهمیت اطلاعات مالی و غیر مالی مربوط به عملکردشان را منتشر می‌کنند (من و بوگنو-پوپا^۲، ۲۰۲۰؛ کوارسیسکا^۳، ۲۰۲۰؛ ماسوم و همکاران^۴، ۲۰۲۰). یکی از شیوه‌های ارائه این اطلاعات گزارش پایداری است. گزارش پایداری از ابزارهای افزایش جذابیت برای سرمایه‌گذاران (ایباتوا^۵، ۲۰۱۸)، و کلیدی مهم و استراتژیک برای پاسخگویی به جامعه ذینفعان است (هرلد^۶، ۲۰۱۸).

با توجه به ادبیات پایداری، دو نظریه مشروعیت و ذینفعان، در چارچوب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه تکامل پیدا کرده‌اند (تاوورس و دیاس^۷، ۲۰۱۸؛ تیلینگ^۸، ۲۰۰۴). نظریه نهادی نیز، به عنوان مکمل این دو نظریه، چگونگی واکنش سازمان به انتظارات، فشار اجتماعی را را بیان می‌کند و ساختار و روش‌های مشروع مدیریتی دیگر سازمان‌ها را می‌پذیرد (کارپنتر و فیرز^۹، ۲۰۰۱). با اینکه سه نظریه مطرح شده، دارای دیدگاه و ویژگی‌های متفاوت هستند، اما برخوردار از اهداف مشترکی مانند توجه به بقا و رشد سازمان هستند. همچنین تأکید دارند که عملکرد مالی و کارایی به تنهایی برای بقای سازمان کافی نیست (تاوورس و دیاس، ۲۰۱۸).

با توجه به مطالبه بیان شده، انگیزه‌های درون سازمانی و محرک‌های بیرون سازمانی در تصمیم‌گیری برای گزارش پایداری امری مهم تلقی می‌شوند (لزانو^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۶). گزارش پایداری باعث افزایش شفافیت، اعتماد و صداقت در ارائه اطلاعات شده است (آماکو

1. Lozano
2. Man & Bogeanu-Popa
3. Kwarcińska
4. Masum et. al.
5. Ibatova
6. Herold
7. Tavares & Dias
8. Tilling
9. Carpenter & Feroz
10. Lozano

و همکاران^۱، ۲۰۲۱). گنجاندن اطلاعات پایداری در گزارش مالی سالانه، نشان دهنده اهمیت اقتصادی موضوع پایداری و نگرانی سرمایه‌گذاران و بازار سرمایه نسبت به این موضوع است. گزارش پایداری، اولین گام در جهت بهبود یکنواختی، قابل مقایسه بودن و قابل اطمینان بودن افشای پایداری محسوب می‌شود و داده‌های با اهمیتی در مورد تأثیر فعالیت‌های سازمان بر توسعه پایدار را در اختیار بازار سرمایه قرار می‌دهد (فیسج^۲، ۲۰۱۸). همچنین گزارش پایداری، در رقابت بین سازمان‌ها، منجر به اعتماد، رازداری و وفاداری سرمایه‌گذاران شده است (پترسکو^۳، ۲۰۲۰).

عوامل داخلی سازمانی متعددی در بررسی افشای گزارش پایداری موثر هستند. به طور مثال در پژوهش الوتاییبی^۴ (۲۰۲۰)، عوامل تعیین‌کننده افشای گزارش پایداری زیست محیطی در دو بعد ویژگی‌های شرکت (اندازه، سن، سودآوری و نوع صنعت و اهرم) و ویژگی‌های هیأت مدیره (اندازه، استقلال و تعداد جلسات سالانه) بررسی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نوع صنعت، سود شرکت، اندازه شرکت و سن شرکت عوامل با اهمیتی در افشای غیر مالی گزارش پایداری است. عناصر حاکمیت شرکتی به جز استقلال هیأت مدیره به علت ماهیت داوطلبانه گزارشگری پایداری، جز عوامل کم اهمیت محسوب می‌شوند. نتایج این پژوهش در دستیابی به افزایش کیفیت زندگی در سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ کشور عربستان مفید می‌باشد.

در پژوهش ویتینگهام و همکاران^۵ (۲۰۲۳)، بیان شده است که شرکت‌های پیشرو دارای پتانسیل راه‌حل‌های جسورانه برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد هستند. اثر فشار نهادی و پذیرش اهداف توسعه پایداری بر گزارش پایداری در سازمان‌ها را بر ۱۶۴ شرکت بزرگ را بررسی کردند. نتایج مقایسه گزارش پایداری قبل و بعد از پذیرش اهداف توسعه پایدار، گزارش پایداری همسویی فزاینده‌ای با اهداف توسعه پایداری دارد. بررسی پژوهش در بین صنایع با زمینه جغرافیایی و یا منابع طبیعی براساس ویژگی‌های نهادی به اولویت‌های انتخابی و شکاف‌های حیاتی اشاره دارد.

در پژوهش حسینی و همکاران (۱۴۰۳)، تأثیر ساختارهای راهبری شرکتی بر گزارشگری پایداری، براساس نتایج مطالعات قبلی و با بکارگیری روش مرور سیستماتیک و تحلیل

1. Amoako et. al.
2. Fisch
3. Petrescu
4. Alotaibi
5. Whittingham et. al.

کتاب‌شناختی ارائه شد. در این پژوهش ۷۹ مقاله داخلی و خارجی در بازه زمانی ده ساله با استفاده چک لیست پریزما بررسی شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که ساختار مالکیت، هیأت مدیره، ویژگی‌های مدیران اجرایی، عملکرد راهبری شرکتی و کیفیت کنترل داخلی از عوامل مؤثر بر گزارشگری پایداری هستند. ادبیات پژوهش در خصوص تاثیر عواملی نظیر اندازه و استقلال هیأت مدیره، کمیته‌های تخصصی پایداری و جبران خدمات مدیران به جمع‌بندی دست یافته و در خصوص سایر عوامل یافته‌ها متناقض هستند. این یافته‌های متناقض در صنعت، فرهنگ، کشور محل فعالیت و قوانین و مقررات قابل توضیح است. بدین معنی که استانداردهای یکسان برای شرکت‌های مختلف در بستر نهادی متفاوت اثر بخش نخواهد بود.

در پژوهش ملکیان و همکاران (۱۳۹۸)، به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیأت مدیره شرکت بر میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی پرداخته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که از بین هشت متغیر هیأت‌مدیره، متغیرهای نسبت اعضای غیر موظف هیأت مدیره، نسبت مالکیت هیأت مدیره، نسبت زنان هیأت مدیره و نسبت ثبات اعضای هیأت مدیره بر میزان گزارشگری پایداری تأثیر مثبت و معنادار دارد. دوگانگی وظیفه‌ی مدیرعامل و نسبت تحصیلات هیأت مدیره بر میزان گزارشگری تأثیر منفی و معنادار دارد.

در پژوهش فاریسوی و همکاران^۱ (۲۰۲۲)، با استفاده از روش مرور سیستماتیک به بررسی توسعه در گزارش پایداری از لحاظ نظری و عملی پرداخته است. نه متغیر اندازه شرکت، سودآوری، اهرم مالی، ساختار حاکمیت شرکتی، ساختار مالکیت، سن شرکت، ویژگی‌های صنعت، تجربه و صلاحیت مدیران در میان مقالات بررسی شده، با اهمیت بودند. سازگاری بین نتایج وجود ندارد، مثلاً یک عامل در یک پژوهش اثر معناداری دارد ولی در پژوهش دیگر بی‌معنی است. همچنین تحقیقات در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته بسیار کمتر است.

هدف پژوهش گیوکی و همکاران (۱۴۰۲)، تدوین و تبیین الگوی برای عوامل مؤثر بر گزارشگری یکپارچه است. بدین منظور با استناد به یافته‌های پژوهش تعداد ۶ مقوله اصلی و ۲۴ مقوله فرعی با استفاده از روش تحلیل کیفی داده بنیان از طریق مصاحبه با ۱۹ نفر از خبرگان در این زمینه استخراج گردید. نتایج تجزیه تحلیل نشان داده است که مقوله علی بر مقوله محوری

(گزارشگری یکپارچه) تأثیر معناداری دارد. مقوله علی در این پژوهش از عوامل (الزامات قانونی و مقررات، خصوصی سازی و بازار فعال، دیدگاه قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران، روابط بین الملل) تشکیل شده است که با توجه به نتایج پژوهش مشخص شد، این عوامل بر گزارشگری تأثیر معنی‌داری دارند.

در پژوهش عبدی و همکاران (۱۳۹۹)، محرک‌ها و شاخص‌های گزارشگری پایداری، شناسایی و رتبه‌بندی شده است. یافته‌های پژوهش محرک‌های گزارشگری پایداری را در ۵ گروه اصلی و ۲۴ شاخص طبقه‌بندی کرده است. در بین محرک‌ها، محرک‌های الزامات محیطی، ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و ویژگی‌های ساختاری شرکت از نظر افراد خبره دارای بالاترین اهمیت بوده است. همچنین رتبه‌بندی شاخص‌ها نیز نشان داد که شاخص‌های الزامات قانونی، استقلال اعضای هیأت مدیره و سودآوری دارای بالاترین رتبه می‌باشد.

در پژوهش ذاکله‌بری و همکاران (۱۳۹۹)، الگویی برای افشای پایداری شرکتی ارائه شده است و تأثیر عوامل مرتبط با تئوری مشروعیت بر گزارشگری پایداری بررسی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از مجموع ۱۶۹ مؤلفه مورد بررسی، ۸۰ مؤلفه در الگوی پایداری شرکتی ضروری است. حساسیت شرکت در صنعت بر شاخص کل پایداری شرکتی، افشای از جنبه اقتصادی، محیطی و اجتماعی تأثیر مستقیم دارد اما بر افشای پایداری از جنبه عمومی تأثیر ندارد. مکان شرکت بر افشای پایداری شرکتی از جنبه اجتماعی تأثیر مستقیم دارد اما بر شاخص کل پایداری شرکتی، افشای از جنبه عمومی، اقتصادی و محیطی تأثیر ندارد. نهایتاً عمر شرکت بر شاخص کل و تمامی جنبه‌های پایداری شرکتی تأثیر مستقیم دارد.

در پژوهش معصومی و همکاران (۱۳۹۶)، متغیرهای مؤثر بر میزان گزارشگری پایداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران شناسایی شده‌اند. برای اندازه‌گیری میزان گزارشگری پایداری شرکت‌ها از معیار جی آر آی استفاده شده است. نتایج آزمون فرضیه‌ها بیانگر این است که متغیرهای اندازه شرکت، نقدینگی، سهامداران نهادی و دوگانگی وظایف مدیر عامل بر میزان گزارشگری پایداری شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد. سه متغیر عمر شرکت، دارایی نامشهود و استقلال هیأت مدیره بر گزارشگری پایداری شرکت‌ها تأثیر معناداری ندارد.

در پژوهش یوسفی‌زاده (۱۴۰۲)، عوامل سازمانی مؤثر بر گزارش پایداری از مقالات داخلی و خارجی استخراج شده است. پس از بدست آوردن عوامل سازمانی مؤثر بر گزارش پایداری در میان حدود صد پژوهش، از ۱۱ و ۹ نفر خبرگان در این زمینه در دو مرحله، از طریق پرسشنامه

عوامل سازمانی موثر بر گزارش پایداری نظر سنجی شده و داده‌ها به روش دلفی فازی مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که از بین ۴۶ عامل استخراج شده از پژوهش‌های متعدد، تنها ۲۰ عامل توسط خبرگان مورد تایید قرار گرفته است. همچنین عوامل اثر گذار بر گزارش پایداری شامل هشت بعد اصلی ساختار مالکیت، هیات مدیره، اندازه شرکت، سودآوری، اهرم مالی، ساختار حاکمیت شرکتی، ساختار نظارتی هستند. هر کدام از این عوامل توسط تعدادی گویه اندازه‌گیری می‌شوند.

در پژوهش احمد زاده و همکاران (۱۴۰۱) با شناسایی شاخص‌ها و مولفه‌های افزایش گزارشگری پایداری و تجزیه تحلیل شکاف بین وضع موجود و مورد انتظار به دنبال ارائه چارچوب گزارشگری پایداری مبتنی بر ایجاد توازن بین انتظارات ذینفعان و ظرفیت‌های شرکت بوده است. در راستای شناسایی مولفه‌های افزایش پایداری شرکتی، ۸۵ مولفه در یازده گروه مورد انتظار ذینفعان بوده است. در تمامی گروه‌ها غیر از طبقه نمایه سازمان، بین وضعیت موجود و مورد انتظار ذینفعان تفاوت معنی‌داری وجود داشته است. همچنین از دلایل احتمالی شکاف بین وضع موجود و مورد انتظار ذینفعان می‌توان به عوامل منتج شده از تئوری نمایندگی از جمله عدم استقلال واقعی اعضای غیر موظف هیأت مدیره، سطح تجربه، تحصیلات و مدت زمان مدیریت ناکافی اعضای هیأت مدیره، عدم استقلال واقعی حسابرس مستقل، اعمال نفوذ مدیره عامل در قالب نقش رئیس و نقش سهامداران نهادی در راستای منافع نهادهای دولتی به جای سهامداران اصلی اشاره کرد.

در پژوهش ارین و همکاران^۱ (۲۰۲۲)، به بررسی ارتباط بین حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارش‌دهی پایداری در بورس کشور نیجریه پرداخته شده است. پژوهشگران حاکمیت شرکتی را با استفاده متغیرهای ویژگی‌های هیأت مدیره (شامل اندازه، استقلال، تنوع جنسیتی و تخصص هیأت مدیره) و ویژگی‌های کمیته حسابرسی (شامل اندازه، تخصص و تعداد جلسات کمیته حسابرسی) اندازه‌گیری می‌کنند. در این پژوهش با استفاده از سیستم امتیاز دهی از ۰ تا ۴ کیفیت گزارش پایداری اندازه‌گیری شده است. بالاترین امتیاز به کیفیت گزارش پایداری زمانی بدست می‌آید که گزارش پایداری به طور مستقل توسط موسسه حسابرسی تضمین شود. کمترین امتیاز مربوط به عدم گزارش پایداری است. برای بررسی فرضیه‌ها از رگرسیون لجستیک استفاده شده

1. Erin et. al.

است. یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای حاکمیت شرکتی شامل هیأت مدیره و کمیته حسابرسی به طور قابل توجهی بر ارتقای کیفیت گزارش پایداری مرتبط است.

در پژوهش روز-بلانکو و همکاران^۱ (۲۰۲۲)، به بررسی ویژگی‌های سازمان که شرکت‌ها را مستعد سبزشویی می‌کند، پرداخته است. برای بررسی این موضوع داده‌های گزارش پایداری ۱۰۰ شرکت برتر اس‌اند‌پی^۲ برای تعیین عوامل تعیین‌کننده سبزشویی جمع‌آوری کرده‌ایم. شیوه اندازه‌گیری سطح گزارش پایداری تحلیل محتوا است. متغیر شستشوی سبز را از طریق تفاوت بین آنچه شرکت در تعهدش به پایداری می‌گوید و ارزیابی طرف‌های خارجی^۳ اندازه‌گیری شده است. نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌های صنایع حساس به محیط زیست نسبت به هم‌تایان خود در سایر صنایع و همچنین شرکت‌هایی که از دستورالعمل گزارش ابتکار جهانی^۴ پیروی می‌کنند، کمتر سبز شویی انجام می‌دهند. همچنین شرکت‌های که گزارش پایداری آنها توسط فرد خارجی تضمین می‌شود، کمتر سبز شویی انجام می‌دهند.

در پژوهش حسن و همکاران^۵ (۲۰۲۱)، عوامل تعیین‌کننده گزارش پایداری مشخص شده است. نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌های با هیأت مدیره دارای تنوع جنسیتی بیشتر، کمیته‌های حسابرسی بزرگتر و مالکیت نهادی بالاتر گزارش پایداری را بیشتر منتشر می‌کنند. همچنین مالکیت متمرکز، مالکیت مدیریتی، مالکیت خارجی و استقلال کمیته حسابرسی بر تصمیم گزارش پایداری اثر منفی دارد.

سوالات پژوهش

با توجه به مبانی نظری فوق سوال اول پژوهش به صورت ذیل می‌باشد:

سوال اول: آیا عوامل (شاخص) مربوط به متغیر ساختار مالکیت، هیأت مدیره، اندازه شرکتی، ساختار حاکمیت شرکتی، ساختار نظارتی در اندازه‌گیری این متغیرها نقش دارند؟ وزن هر یک از این عوامل چقدر است؟

سوال دوم: آیا هشت متغیر ساختار مالکیت، صنعت، هیأت مدیره، اندازه شرکت، ساختار سرمایه، سودآوری، ساختار حاکمیت شرکتی و ساختار نظارتی بر روی متغیر افشای گزارش پایداری تأثیر دارد؟

1. Ruiz-Blanco et. al.

2. S & P

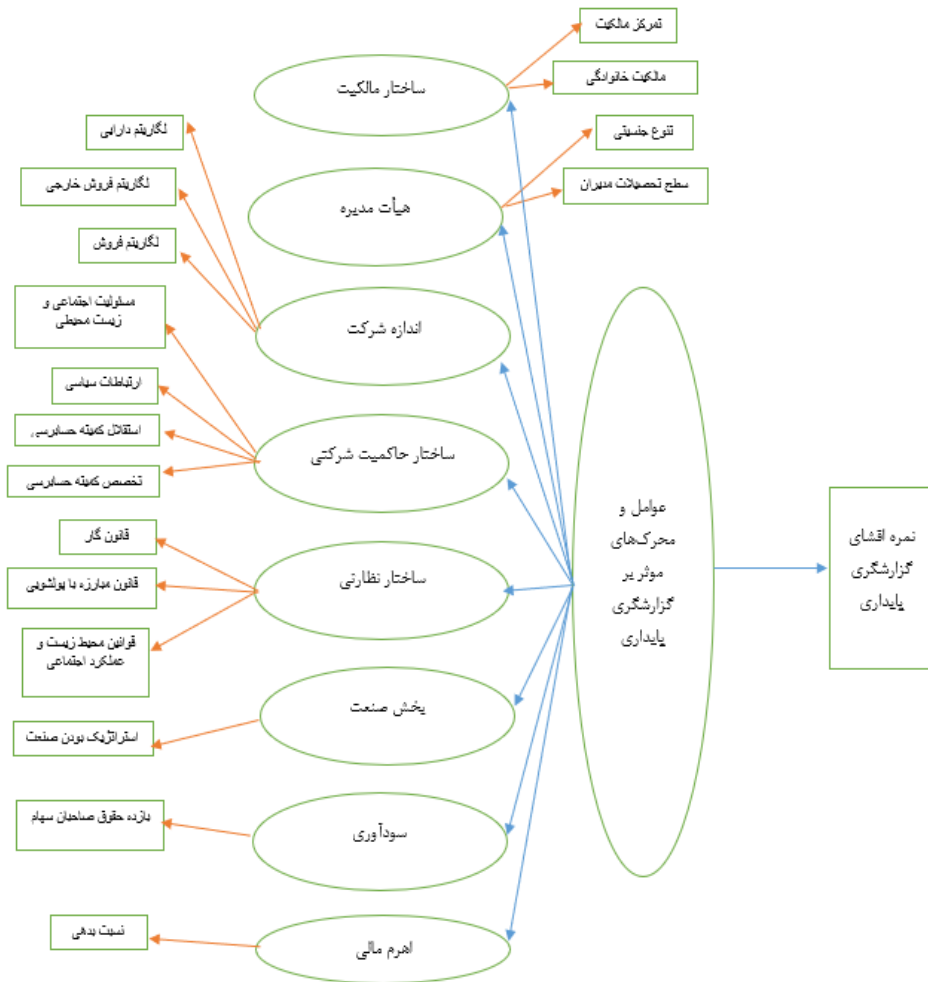
۳. نمرات Bloomberg ESG

4. GRI

5. Hasan et. al.

سوال سوم: آیا رابطه متقابلی بین افشای گزارش پایداری و عملکرد شرکت (بازده حقوق صاحبان سهام) وجود دارد؟

مدل مفهومی پژوهش



روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر نتیجه اجرا آن، یک پژوهش کاربردی، از منظر فرایند اجرا، کمی، از نظر منطق اجرا، قیاسی و استقرایی، از نظر هدف، تحلیلی-تأییدی و از منظر بعد زمانی یک

پژوهش طولی و گذشته‌نگر است. جامعه آماری پژوهش ۱۹۴ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ بوده است. این شرکت‌ها دارای شرایط زیر بودند: دوره مالی این شرکت‌ها ۲۹ اسفندماه باشد. در دوره مورد بررسی تغییر دوره مالی نداشته‌اند. داده‌های مورد نظر آن‌ها برای یازده سال مالی در دسترس باشد.

جدول ۱. تشریح مراحل انتخاب نمونه

مرحله	شرح	تعداد
۱	نمونه اولیه، شرکت‌هایی که طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ در بورس اوراق بهادار تهران حضور داشته‌اند.	۴۷۷
۲	شرکت‌هایی که پایان سال مالی آن‌ها مطابق با پایان سال مالی تقویمی نیست یا تغییر در سال مالی داشته‌اند.	(۹۹)
۳	شرکت‌هایی که توقف معاملاتی بیش از شش ماه داشته‌اند.	(۵۷)
۴	شرکت‌های فعال در صنعت مالی، سرمایه‌گذاری و بانک‌ها.	(۵۱)
۵	شرکت‌هایی اطلاعات مالی آن‌ها برای یازده سال در دسترس نیست.	(۷۶)
۶	نمونه‌ای، شامل همه شرکت‌های منتخب که اطلاعات آن‌ها جمع‌آوری شده است.	۱۹۴

منابع پرسشنامه‌های استفاده شده در این پژوهش، مستخرج از مقالات استخراج شده از پایان نامه دکتری حسابداری با عنوان «مطالعه تطبیقی و تبیین الگویی برای گزارشگری پایداری در ایران و عوامل تعیین‌کننده آن» بوده، که در مجلات زیر چاپ شده است:

جدول ۲. منابع پرسشنامه‌های استفاده شده برای استخراج متغیرهای مورد نظر در این پژوهش

متغیرهای پژوهش	عنوان مقاله	عنوان مجله، نویسندگان و سال چاپ
عوامل داخلی سازمانی موثر بر گزارش پایداری	تبیین ابعاد و مولفه‌های چارچوب گزارش پایداری با رویکرد دلفی فازی	حسابداری و منافع اجتماعی، یوسفی‌زاده و فخاری (۱۴۰۲)
مولفه‌های اصلی چارچوب گزارش پایداری	عوامل و محرک‌های داخلی سازمانی موثر گزارشگری پایداری با رویکرد دلفی فازی	پژوهش‌های معاصر در علوم مدیریت و حسابداری، یوسفی‌زاده (۱۴۰۲)

با توجه به پژوهش‌های گذشته در داخل و خارج کشور عوامل داخلی سازمانی مربوط به پایداری به شرح جدول ۳، با هشت متغیر و شاخص‌های مربوط به آن‌ها بدست آمده است:

جدول ۳. عوامل داخلی سازمانی موثر بر گزارش پایبندی

مالکیت خارجی: درصد سهام نگهداری شده توسط شرکای خارجی، موسسه‌های مالی خارجی، ملیت‌های خارجی و غیر مقیم ایران (ستایش و صالح نیا، ۱۳۹۴).	ساختار مالکیت
تمرکز مالکیت: شاخص هر فیندال هریشن (درصد سهام هر یک از مالکان نهادی به توان دو رسیده و با هم جمع می‌شوند).	
مالکیت خانوادگی: سهامدار حقیقی، مالکیت حداقل ۲۰ درصد سهام یا یکی از اعضای هیأت مدیره خود به تنهایی مالک پنج درصد سهام عادی و یا مجموع سهام عضو هیأت مدیره و اعضای فامیل او، حداقل ۵ درصد مجموع سهام عادی شرکت باشد (معطوفی و گلجویی، ۱۳۹۶).	
استراتژیک بودن صنعت: صنایع استراتژیک در شامل خودرو، فولاد، نساجی و پوشاک، سیمان، تیر و تیوب، لوازم خانگی و کاشی و سرامیک و دارو (عرب صالحی و دهکردی، ۱۴۰۲)	بخش صنعت
سطح تحصیلات هیأت مدیره: اعضای دیپلم و زیر دیپلم رتبه ۱، کاردانی رتبه ۲، کارشناسی رتبه ۳، کارشناسی ارشد رتبه ۴، دکتری رتبه ۵. سپس میانگین متوسط سطح تحصیلات اعضای هیأت مدیره محاسبه می‌شود (کائو و لو، ۲۰۱۸).	هیأت مدیره
تنوع جنسیتی: متغیر اسمی دو وجهی به صورت صفر و یک است. مقدار صفر نشان دهنده عدم تنوع جنسیتی (تنها مرد) و مقدار یک نشان دهنده تنوع جنسیتی است.	
فروش خارجی: چه میزان از فروش کل شرکت از صادرات محصولات به خارج از کشور حاصل شده است.	اندازه شرکت
میزان فروش: لگاریتم طبیعی میزان کل فروش حساب شده است.	
بازده حقوق صاحبان سهام: سود خالص را میانگین حقوق صاحبان سهام تقسیم می‌کنیم.	سودآوری
نسبت بدهی به دارایی: نسبت کل بدهی به کل دارایی که به صورت اعشاری یا درصد، تعریف می‌گردد.	اهرم مالی
نسبت مالکانه: از تقسیم حقوق صاحبان سهام به کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.	
ارتباطات سیاسی: شرکی دارای ارتباطات سیاسی است که حداقل یکی از سهامداران عمده از شخصیت‌های سابق یا زمان حاضر در دولت باشد. اگر باشد یک، در غیر این صورت صفر (محسن صالح نیا و علی تامرادی، ۱۳۹۸).	ساختار حاکمیت شرکی
قانون مبارزه با پولشویی: در صورت تابعیت از قانون مبارزه با پولشویی که در گزارش هیأت مدیره ذکر شده است، یک در غیر این صورت صفر.	
قانون کار: در صورت تابعیت از قانون کار که در گزارش هیأت مدیره ذکر شده است، یک در غیر این صورت صفر.	ساختار نظارتی
قانون محیط زیست و اجتماعی: در صورت تابعیت از قانون محیط زیست و اجتماعی که در گزارش هیأت مدیره ذکر شده است، یک در غیر این صورت صفر.	

بعد از جمع آوری اطلاعات مربوط به شاخص‌ها از سایت کدال (شامل صورتهای مالی، گزارش مدیریت، اطلاعات مربوط به کمیته حسابرسی)، شاخص مالکیت خارجی (به دلیل نبود اطلاعات کافی)، شاخص نسبت بدهی به دارایی (به دلیل مکمل بودن با نسبت مالکانه) و شاخص وجود حسابرسی داخلی (به دلیل اینکه در تمام شرکتهای بورسی وجود داشت) از ادامه بررسی حذف شدند.

آزمون‌های استفاده شده در پژوهش

در جدول ۴ آزمون‌های استفاده شده در این پژوهش و نرم افزاری که داده‌ها در آن مورد آزمون قرار گرفته‌اند، آمده است.

جدول ۴. آزمون‌های استفاده شده در پژوهش

نرم افزار	نوع آزمون‌ها و ترتیب آن‌ها
SPSS 22	آمار توصیفی: برای توصیف یک مجموعه داده استفاده می‌شود و با خلاصه کردن آن‌ها و یافتن الگوهایی از نمونه داده‌های خاص، به درک جزئیات داده‌ها کمک می‌کند. آن‌ها اعداد مطلق به دست آمده از یک نمونه را ارائه می‌دهند، اما لزوماً منطق پشت اعداد را توضیح نمی‌دهند و بیشتر برای تجزیه و تحلیل متغیرهای منفرد استفاده می‌شوند.
	تجزیه تحلیل استنباطی: در تحلیل کمی، انتظار این است که اعداد خام با استفاده از مقادیر عددی به بینش معنادار تبدیل شوند. هدف آمار استنباطی پیش‌بینی نتایج احتمالی از داده‌های تحلیل شده بدست آمده از آمار توصیفی است. روش‌های تحلیل آماری استفاده شده در این پژوهش، تحلیل عاملی، تحلیل رگرسیون و رگرسیون به ظاهر نامرتبط است. در ذیل مراحل روش پژوهش و نرم افزارهای مورد استفاده آورده شده‌اند.
XLSTAT 2021.2.2	روایی همگرایی و شاخص افزونگی: روایی همگرایی یک شاخص کمی است که میزان همبستگی درونی و همسویی گویه‌های سنجش یک مقوله است. در ارزیابی مدل اندازه‌گیری تکوینی، روایی همگرایی به درجه‌ای از همبستگی سازه مشخص شده با متغیر(های) اندازه‌گیری اشاره دارد که ابتدا توسط چین (۱۹۹۸)، به عنوان تجزیه تحلیل افزونگی نامیده می‌شود.
XLSTAT 2021.2.2	میانگین واریانس استخراج شده (AVE): این شاخص توسط فورنل و لاکر (۱۹۸۱) معرفی شده است. نشان دهنده میزان همبستگی یک سازه با شاخص‌های خود است که هر چه این همبستگی بیشتر باشد، برازش نیز بیشتر است.
XLSTAT 2021.2.2	هم خطی نشانگر و ضریب تورم واریانس: هم خطی زمانی اتفاق می‌افتد که دو یا چند شاخص در یک مدل اندازه‌گیری، همبستگی بالایی داشته باشند. همبستگی بالا خطای استاندارد وزن اندیکاتورها را افزایش می‌دهد و در نتیجه خطای نوع دوم (منفی کاذب) را ایجاد می‌کند. سطوح برجسته‌تر هم خطی حتی می‌تواند باعث تغییر علامت در وزن نشانگرها شود، که منجر به سردرگمی تفسیری می‌شود. معیار استاندارد ارزیابی هم خطی شاخص، ضریب تورم واریانس است.
XLSTAT 2021.2.2	اهمیت آماری، ارتباط اورزان شاخص و روش استرینگ: وزن شاخص از رگرسیون هر سازه اندازه‌گیری شده بر روی شاخص‌های مرتبط با آن حاصل می‌شود و نشان دهنده اهمیت نسبی هر شاخص برای تشکیل ساختار هستند. روش بوت استرینگ مقادیر t را برای وزن شاخص (و سایر پارامترهای مدل) به دست می‌دهد.
XLSTAT 2021.2.2	مطابقت معیارهای نظری (اعتبار محتوا و روایی محتوا): کلتمن و همکاران (۲۰۰۸)، از استفاده از معیارهای نظری مانند جهت علیت و اعتبار محتوا برای ارزیابی مدل تکوینی حمایت کردند. استفاده از نشانگرها برای هر یک از سازه‌ها با استناد به ادبیات و پیشینه پژوهش به صورت تکوینی از توجیه نظری برخوردار است و جهت‌گیری بین نشانگرها و سازه‌های معروف توسط نظریه پیشنهاد شده مطابقت که از خوب بودن اعتبار مدل حمایت کرده است.

در این پژوهش تعدادی از متغیرها با یک شاخص و تعدادی دیگر براساس چند شاخص سنجش شده است. متغیرهایی که با چند شاخص سنجش شده است، با کاربرد تحلیل عاملی تاییدی اقدام به استخراج داده‌های آنها به صورت نمرات عاملی شده است. در جدول ۶ متغیرهای دارای مقدار اسمی / ترتیبی مورد تجزیه تحلیل قرار گرفته اند.

جدول ۶. وضعیت متغیرهای دارای مقیاس اسمی یا ترتیبی براساس شاخص‌های فراوانی و نما

فراوانی تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	متغیر و زیر مجموعه		
			صفر	یک	متغیر
۱۹/۵	۱۹/۵	۴۱۶	صفر	OS2	مالکیت خانوادگی
۱۰۰	۸۰/۵	۱۷۱۸	یک		
۴۳/۴	۴۳/۴	۹۲۶	صفر	Dindu	استراتژیک بودن صنعت
۱۰۰	۵۶/۶	۱۲۰۸	یک		
۸۱/۱	۸۱/۱	۱۷۳۰	صفر	BOD1	تنوع جنسیتی
۱۰۰	۱۸/۹	۴۰۴	یک		
۲۵	۲۵	۵۳۳	سه	BOD2	سطح تحصیلات مدیران
۵۶/۹	۳۲	۶۸۲	چهار		
۱۰۰	۴۳/۱	۹۱۹	پنج		
۵۵/۷	۵۵/۷	۱۱۸۹	صفر	CGS1	مسئولیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی
۱۰۰	۴۴/۳	۹۴۵	یک		
۶۱/۸	۶۱/۸	۸۱۵	صفر	CGS2	ارتباطات سیاسی
۱۰۰	۳۸/۲	۱۳۱۹	یک		
۹/۲	۹/۲	۱۹۷	صفر	SS1	قانون کار
۱۰۰	۹۰/۸	۱۹۳۷	یک		
۳۶/۵	۳۶/۵	۷۷۸	صفر	SS2	قانون مبارزه با پولشویی
۱۰۰	۶۳/۵	۱۳۵۶	یک		
۵۰/۶	۵۰/۶	۱۰۷۹	صفر	SS3	قوانین محیط زیست و عملکرد اجتماعی
۱۰۰	۴۹/۴	۱۰۵۵	یک		

در جدول ۷، نتایج توصیف متغیرهای دارای مقیاس فاصله‌ای / نسبتی آمده است.

جدول ۷. وضعیت متغیرهای دارای مقیاس فاصله‌ای یا نسبتی براساس شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکنندگی

متغیرهای پژوهش	تعداد	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی	آماره چولگی	آماره کشیدگی
افشای گزارش پایداری	۲۱۳۴	۱۴/۴۴	۴,۹۷	۲۴/۷۳	۰/۲۸	-۰/۵۵	۵/۳۴	-۵/۲۲
تمرکز مالکیت	۲۱۳۴	۵۶/۴۹	۱۸/۰۹	۳۲۷/۵۳	-۰/۱۵	۰/۱۴	-۲/۸۵	۱/۴۰
لگاریتم دارایی	۲۱۳۴	۶/۶۲	۰/۸۳	۰/۶۹	۰/۴۳	-۰/۰۱	۸/۱۲	-۰/۱۳
لگاریتم فروش خارجی	۲۱۳۴	۳/۶۱	۲/۸۹	۸/۳۸	-۰/۲۳	-۱/۵۳	-۴/۳۸	-۱۴/۵۰
لگاریتم میزان فروش	۲۱۳۴	۶/۴۹	۰/۹۰	۰/۸۲	۰/۲۵	۰/۰۶	۴/۷۲	۰/۶۰
نسبت مالکانه	۲۱۳۴	۰/۵۸	۰/۲۲	۰/۰۴	-۰/۴۶	-۰/۴۹	-۸/۷۴	-۴/۶۵
بازده حقوق صاحبان سهام	۲۱۳۴	۰/۳۷	۰/۲۴	۰/۰۶	۰/۴۹	-۰/۳۷	۹/۲۴	-۳/۵۲
استقلال کمیته حسابرسی	۲۱۳۴	۰/۷۱	۰/۱۸	۰/۰۳	۰/۰۲	-۰/۲۶	۰/۴۶	-۲/۵۱
تخصص کمیته حسابرسی	۲۱۳۴	۰/۷۴	۰/۲۰	۰/۰۴	-۰/۳۳	-۰/۰۵	-۶/۲۲	-۰/۴۶
نسبت بدهی	۲۱۳۴	۰/۴۱	۰/۲۲	۰/۰۴	۰/۴۶	-۰/۴۹	۸/۷۴	-۴/۶۵

آمار استنباطی

تحلیل عاملی مرتبه اول

در تحلیل عاملی تاییدی به صورت ساختار تک‌کوینی در کمترین مربعات جزئی سه مرحله کلیدی برای ارزیابی مدل مطرح است که شامل ارزیابی (۱) روایی همگرا، (۲) هم خطی بودن شاخص، و (۳) اهمیت آماری و ارتباط وزن شاخص‌ها است.

روایی همگرایی

در ارزیابی مدل اندازه‌گیری تک‌کوینی، روایی همگرا به درجه‌ای از همبستگی سازه مشخص شده با متغیر اندازه‌گیری اشاره دارد که ابتدا توسط چین (۱۹۹۸) پیشنهاد شده است که تجزیه و

تحلیل افزونگی نامیده می‌شود. مقادیر افزونگی هر پنج سازه ملاک (وابسته) به صورت مثبت و از مقادیر قابل قبول برخوردار است که از برآوردگی مدل ساختاری حمایت شده است. هسنلر و همکاران (۲۰۰۹) سه مقدار ۰/۱۵، ۰/۲۰ و ۰/۳۵ تعیین نموده‌اند. این شاخص‌ها از توانمندی بخش ساختاری مدل و توان سازه‌های اثرگذار بر اثرپذیر حمایت کرده است. نتایج در جدول شماره ۸ ارائه شده است. هاینر و همکاران (۲۰۲۲) نشان می‌دهد که همبستگی سازه اندازه‌گیری شده با آیتم (های) اندازه‌گیری شده باید ۰/۷۰۸ یا بیشتر باشد، که به این معنی است که سازه (بیش از) ۵۰ درصد واریانس اندازه‌گیری جایگزین را توضیح می‌دهد.

طبق نتایج محاسبه شده، ضرایب رابطه بین شاخص‌ها با سازه‌های مفروض بزرگتر از ۰/۷۰ و آماره آزمون برای ضرایب بار عاملی شاخص‌ها بزرگتر از ۱/۹۶ و ۲/۵۸ است که رابطه شاخص‌ها با سازه‌ها به صورت مثبت و معنادار، در سطح ۹۹٪ اطمینان پشتیبانی شده است.

جدول ۸. نتایج بار عاملی و آزمون آماری نشانگرهای مورد بررسی در رابطه با سازه‌های مفروض

افزونگی		نسبت بحرانی	خطای استاندارد	بار عاملی	متغیر	
سازه	نشانگر				نشانگر	سازه
۰/۰۲۶	۰/۰۲۸	۲/۸۳۶	۰/۳۱۵	۰/۸۹۴	OS1	OS
	۰/۰۲۶	۲/۶۲۳	۰/۳۳۰	۰/۸۶۷	OS2	
۰/۳۶۰	۰/۳۱۶	۲۷/۰۸۷	۰/۰۳۱	۰/۷۷۲	BOD1	BOD
	۰/۴۳۹	۴۸/۶۲۹	۰/۰۱۹	۰/۹۰۹	BOD2	
۰/۱۸۷	۰/۱۸۴	۲۶/۷۹۰	۰/۰۳۰	۰/۷۹۴	size1	SIZE
	۰/۲۱۰	۳۲/۴۱۵	۰/۰۲۶	۰/۸۵۰	size2	
	۰/۱۸۱	۲۴/۳۱۹	۰/۰۳۲	۰/۷۸۹	size3	
۰/۲۸۲	۰/۴۳۷	۵۰/۷۰۱	۰/۰۱۸	۰/۹۳۲	CGS1	CGS
	۰/۱۷۱	۱۴/۲۰۷	۰/۰۵۵	۰/۷۸۳	CGS2	

افزونگی		نسبت بحرانی	خطای استاندارد	بارعاملی	متغیر	
سازه	نشانهگر				نشانهگر	سازه
	۰/۲۳۶	۲۰/۴۷۰	۰/۰۳۸	۰/۷۸۵	CGS3	
	۰/۲۸۵	۲۸/۰۳۱	۰/۰۲۷	۰/۷۵۳	CGS4	
۰/۱۷۴	۰/۱۲۷	۲۱/۵۷۷	۰/۰۳۳	۰/۷۱۸	SS1	SS
	۰/۱۷۸	۲۲/۴۷۰	۰/۰۳۳	۰/۷۳۱	SS2	
	۰/۲۲۱	۲۸/۶۴۹	۰/۰۲۸	۰/۸۱۵	SS3	

هم خطی نشانهگر و اهمیت آماری و ارتباط اوزان شاخص

عامل تورم واریانس نشان دهنده شدت همخطی چندگانه است که مرتبط با سازه‌های پیش‌بینی کننده است و نشان می‌دهد چه مقدار از تغییرات مربوط به ضرایب برآورد شده از طریق همخطی افزایش یافته است. وجود همبستگی متقابل بالا بین متغیرهای مستقل باعث می‌شود که استقلال کمتری داشته باشند و مشکلاتی را در آزمون متغیرها ایجاد می‌کند. در این مدل مقادیر تورم واریانس کوچکتر از مقدار پیشنهاد شده ۵ است و در نتیجه رابطه همخطی در مدل وجود ندارد. طبق نتایج محاسبه شده، ضرایب وزن بین شاخص‌ها با سازه‌های مفروض بزرگتر از ۰/۵۰ و آماره آزمون برای ضرایب وزن همه شاخص‌ها بزرگتر از ۱/۹۶ است که از مرتبط بودن شاخص‌ها با وزن‌های قابل توجه با سازه‌ها به صورت مثبت پشتیبانی شده است. این نتایج در جدول شماره ۹ مشخص شده است. وزن شاخص‌ها بین ۰/۵۲۰ تا ۰/۷۲۲ است و آماره آزمون ۲/۶۴۲ تا ۱۷/۷۶۸ است و با توجه به اینکه آماره آزمون بزرگتر از ۲/۵۸ است، در نتیجه در سطح ۹۹٪ اطمینان از وجود وزن قابل توجه حمایت شده است.

جدول ۹. نتایج وزن و آزمون آماری نشانهگرهای مورد بررسی در رابطه با سازه‌های مفروض

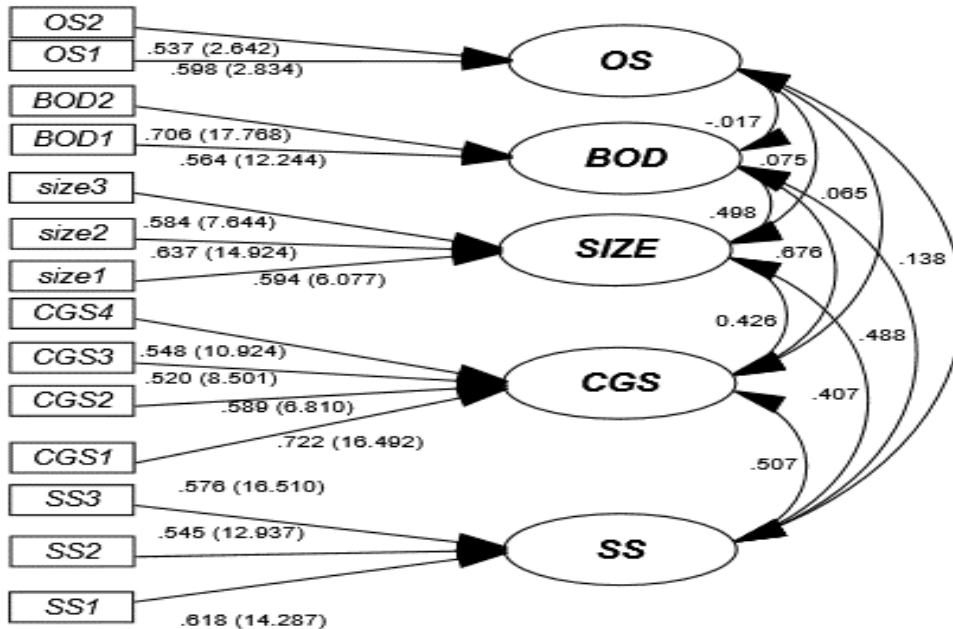
تورم واریانس	نسبت بحرانی	خطای استاندارد	وزن	شاخص عامل		سازه یا عامل	
				نام شاخص	علامت اختصار	نام سازه	اختصار
VIF	Critical ratio	Standard error	Outer weight	تمرکز مالکیت	OS1		OS
۱/۴۳۷	۲/۸۳۴	۰/۲۱۱	۰/۵۹۸				

تورم واریانس	نسبت بحرانی	خطای استاندارد	وزن	شاخص عامل		سازه یا عامل	
				OS2	مالکیت خانوادگی	ساختار مالکیت	
۱/۴۳۷	۲/۵۴۲	۰/۲۰۳	۰/۵۳۷				
۱/۲۳۴	۱۲/۲۴۴	۰/۰۴۶	۰/۵۶۴	تنوع جنسیتی	BOD1	هیأت مدیره	BOD
۱/۲۳۴	۱۷/۷۶۸	۰/۰۴۰	۰/۷۰۶	سطح تحصیلات مدیران	BOD2		
۲/۴۲۹	۶/۰۷۷	۰/۰۹۸	۰/۵۹۴	لگاریتم دارایی	size1	اندازه شرکت	SIZE
۱/۱۷۱	۱۴/۹۲۴	۰/۰۴۳	۰/۶۳۷	لگاریتم فروش خارجی	size2		
۲/۵۲۹	۷/۶۴۴	۰/۰۷۶	۰/۵۸۴	لگاریتم میزان فروش	size3		
۱/۳۸۹	۱۶/۴۹۲	۰/۰۴۴	۰/۷۲۲	مسئولیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی	CGS1	ساختار حاکمیت شرکتی	CGS
۱/۵۳۰	۶/۸۱۰	۰/۰۸۶	۰/۵۸۹	ارتباطات سیاسی	CGS2		
۲/۶۰۰	۸/۵۰۱	۰/۰۶۱	۰/۵۲۰	استقلال کمیته حسابرسی	CGS3		
۲/۷۰۹	۱۰/۹۲۴	۰/۰۵۰	۰/۵۴۸	تخصص کمیته حسابرسی	CGS4		
۱/۲۳۳	۱۶/۵۱۰	۰/۰۳۵	۰/۵۷۶	قانون کار	SS1	ساختار نظارتی	SS
۱/۲۴۹	۱۲/۹۳۷	۰/۰۴۲	۰/۵۴۵	قانون مبارزه با پولشویی	SS2		
۱/۱۱۷	۱۴/۲۸۷	۰/۰۴۳	۰/۶۱۸	قوانین محیط زیست و عملکرد اجتماعی	SS3		

مطابقت معیارهای نظری

علاوه بر این، کلتمن و همکاران (۲۰۰۸) از استفاده از معیارهای نظری مانند جهت علیت و اعتبار محتوا برای ارزیابی مدل تکوینی حمایت کردند. استفاده از نشانگرها برای هر یک از سازه‌ها با استناد به ادبیات و پیشینه پژوهش به صورت تکوینی از توجیه نظری درستی برخوردار است و جهت‌گیری بین نشانگرها و سازه‌های مفروض توسط نظریه پیشنهاد شده مطابقت دارد که از خوب بودن اعتبار مدل حمایت کرده است. روایی محتوایی به این مساله اشاره دارد که آیا ابزار طراحی شده یا شاخص اختصاص یافته همه جوانب مهم و اصلی مفهوم یا متغیر مورد اندازه‌گیری را در بردارد یا دربرگیرنده آن نیست. به بیان دیگر روایی محتوایی شاخص‌های

بکار رفته برای متغیرها یا سازه‌های پژوهش با استناد به سوابق پژوهش و ادبیات مطرح شده در پژوهش مورد تایید است.



نمودار ۱. وزن شاخص‌های هر یک سازه‌ها و آماره آزمون وزن شاخص‌ها

تحلیل رگرسیون و پیش‌بینی‌کننده‌های افشای گزارش پایداری

با استخراج نمرات عاملی پنج سازه: اندازه شرکت، هیات مدیره، ساختار مالکیت، ساختار نظارتی و ساختار حاکمیت شرکتی از طریق متغیرهای مشاهده شده چندگانه، این سازه‌ها در کنار متغیرهای دیگر شامل: استراتژیک بودن صنعت، نسبت مالکانه و بازده حقوق صاحبان سهام اقدام به برآش مدل رگرسیونی شده است. در این مدل تاثیر هشت متغیر بر روی متغیر وابسته افشای گزارش پایداری بررسی شده است. این مدل با نرم افزار اکسل استات برآش شده است که نتایج ضرایب مسیر آن تفاوتی با رگرسیون خطی کلاسیک ندارد و تنها تفاوت آن در آماره آزمون است. استفاده از نرم افزار اسمارت به دلیل محاسبه چند شاخص از جمله اندازه اثر و وجود نمودارهای مسیر و اطلاعات بصری مورد استفاده قرار گرفته است.

مدل پژوهش هشت مسیر مستقیم را ارزیابی کرده است که مرتبط با متغیرهای پیش‌بینی‌کننده متغیر افشای گزارش پایداری پژوهش است. طبق نتایج هفت مسیر به صورت مثبت و یک مسیر به صورت معکوس و معنادار تایید شده است که نتایج آن‌ها در جدول شماره ۱۰ و نمودارهای شماره ۲ و ۳ ارائه شده است.

ضریب تأثیر ساختار مالکیت بر افشای گزارش پایداری به مقدار $0/087$ - است که آماره آزمون به مقدار $6/623$ - و سطح معنی داری به مقدار $0/001$ است. با توجه به اینکه ضریب به صورت منفی و آماره آزمون کوچکتر از $2/58$ - است و به عبارت دیگر سطح معنی داری کوچکتر از $0/01$ است در نتیجه ضریب تأثیر به صورت معکوس و معنادار است و افزایش ساختار مالکیت منجر به کاهش افشای گزارش پایداری می‌شود.

ضریب تأثیر استراتژیک بودن صنعت بر افشای گزارش پایداری به مقدار $0/097$ است که آماره آزمون به مقدار $7/345$ و سطح معنی داری به مقدار $0/001$ است. با توجه به اینکه ضریب به صورت مثبت و آماره آزمون بزرگتر از $2/58$ است و به عبارت دیگر سطح معنی داری کوچکتر از $0/01$ است، در نتیجه ضریب تأثیر به صورت مستقیم و معنادار است و افزایش استراتژیک بودن صنعت منجر به افزایش افشای گزارش پایداری می‌شود.

ضریب تأثیر هیأت مدیره بر افشای گزارش پایداری به مقدار $0/375$ است که آماره آزمون به مقدار $13/975$ و سطح معنی داری به مقدار $0/001$ است. با توجه به اینکه ضریب به صورت مثبت و آماره آزمون بزرگتر از $2/58$ است و به عبارت دیگر سطح معنی داری کوچکتر از $0/01$ است، در نتیجه ضریب تأثیر به صورت مستقیم و معنادار است و افزایش هیأت مدیره منجر به افزایش افشای گزارش پایداری می‌شود.

ضریب تأثیر اندازه شرکت بر افشای گزارش پایداری به مقدار $0/126$ است که آماره آزمون به مقدار $7/084$ و سطح معنی داری به مقدار $0/001$ است. با توجه به اینکه ضریب به صورت مثبت و آماره آزمون بزرگتر از $2/58$ است و به عبارت دیگر سطح معنی داری کوچکتر از $0/01$ است، در نتیجه ضریب تأثیر به صورت مستقیم و معنادار است و افزایش اندازه شرکت منجر به افزایش افشای گزارش پایداری می‌شود.

ضریب تأثیر نسبت مالکانه (حقوق صاحبان سهام/ دارایی) بر افشای گزارش پایداری به مقدار $0/101$ است که آماره آزمون به مقدار $7/735$ و سطح معنی داری به مقدار $0/001$ است. با توجه به اینکه ضریب به صورت مثبت و آماره آزمون بزرگتر از $2/58$ است و به عبارت دیگر سطح

معنی داری کوچکتر از ۰/۰۱ است، در نتیجه ضریب تاثیر به صورت مستقیم و معنادار است و افزایش نسبت مالکانه منجر به افزایش افشای گزارش پایداری می‌شود.

ضریب تاثیر بازده حقوق صاحبان سهام بر افشای گزارش پایداری به مقدار ۰/۰۹۹ است که آماره آزمون به مقدار ۷/۰۹۶ و سطح معنی داری به مقدار ۰/۰۰۱ است. با توجه به اینکه ضریب به صورت مثبت و آماره آزمون بزرگتر از ۲/۵۸ است و به عبارت دیگر سطح معنی داری کوچکتر از ۰/۰۱ است، در نتیجه ضریب تاثیر به صورت مستقیم و معنادار است و افزایش بازده حقوق صاحبان سهام منجر به افزایش افشای گزارش پایداری می‌شود.

ضریب تاثیر ساختار حاکمیت شرکتی بر افشای گزارش پایداری به مقدار ۰/۲۸۱ است که آماره آزمون به مقدار ۱۴/۱۶۹ و سطح معنی داری به مقدار ۰/۰۰۱ است. با توجه به اینکه ضریب به صورت مثبت و آماره آزمون بزرگتر از ۲/۵۸ است و به عبارت دیگر سطح معنی داری کوچکتر از ۰/۰۱ است، در نتیجه ضریب تاثیر به صورت مستقیم و معنادار است و افزایش ساختار حاکمیت شرکتی منجر به افزایش افشای گزارش پایداری می‌شود.

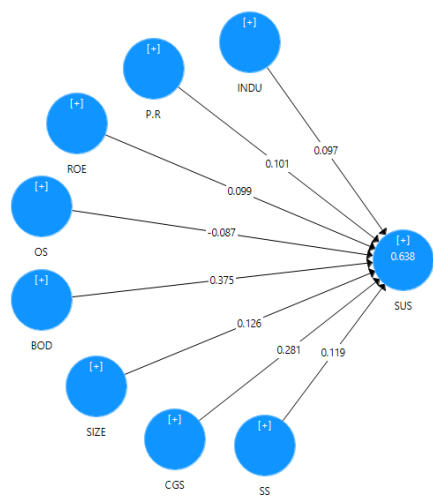
ضریب تاثیر ساختار نظارتی بر افشای گزارش پایداری به مقدار ۰/۱۱۹ است که آماره آزمون به مقدار ۸/۰۸۲ و سطح معنی داری به مقدار ۰/۰۰۱ است. با توجه به اینکه ضریب به صورت مثبت و آماره آزمون بزرگتر از ۲/۵۸ است و به عبارت دیگر سطح معنی داری کوچکتر از ۰/۰۱ است، در نتیجه ضریب تاثیر به صورت مستقیم و معنادار است و افزایش ساختار نظارتی منجر به افزایش افشای گزارش پایداری می‌شود.

جدول ۱۰. ضرایب تاثیر و آزمون‌های آماری سازه‌های اثرگذار بر افشای گزارش پایداری در

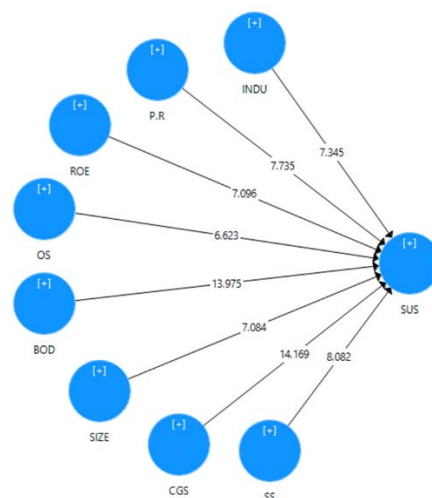
مدل پژوهش

تاثیر از متغیر مستقل به وابسته	تاثیر از متغیر مستقل به وابسته	ضریب تاثیر	انحراف استاندارد	آماره آزمون	سطح معنی داری
BOD -> SUS	هیأت مدیره -> افشای گزارش پایداری	۰/۳۷۵	۰/۰۲۷	۱۳/۹۷۵	۰/۰۰۰
CGS -> SUS	ساختار حاکمیت شرکتی -> افشای گزارش پایداری	۰/۲۸۱	۰/۰۲۰	۱۴/۱۶۹	۰/۰۰۰
INDU -> SUS	استراتژیک بودن صنعت -> افشای گزارش پایداری	۰/۰۹۷	۰/۰۱۳	۷/۳۴۵	۰/۰۰۰
OS -> SUS	ساختار مالکیت -> افشای گزارش پایداری	-۰/۰۸۷	۰/۰۱۳	۶/۶۲۳	۰/۰۰۰

سطح معنی‌داری	آماره آزمون	انحراف استاندارد	ضریب تأثیر	تأثیر از متغیر مستقل به وابسته	تأثیر از متغیر مستقل به وابسته
۰/۰۰۰	۷/۷۳۵	۰/۰۱۳	۰/۱۰۱	نسبت مالکانه -> افشای گزارش پایداری	P.R -> SUS
۰/۰۰۰	۷/۰۹۶	۰/۰۱۴	۰/۰۹۹	بازده حقوق صاحبان سهام -> افشای گزارش پایداری	ROE -> SUS
۰/۰۰۰	۷/۰۸۴	۰/۰۱۸	۰/۱۲۶	اندازه شرکت -> افشای گزارش پایداری	SIZE -> SUS
۰/۰۰۰	۸/۰۸۲	۰/۰۱۵	۰/۱۱۹	ساختار نظارتی -> افشای گزارش پایداری	SS -> SUS



نمودار ۲. ضرایب تأثیر متغیرهای پیش‌بینی‌کننده افشای گزارش پایداری



نمودار ۳. نتایج آماره‌های آزمون بین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده افشای گزارش پایداری

ضریب تشخیص برای متغیر افشای گزارش پایداری مقدار ۰/۶۳۸ و نشان‌دهنده تبیین‌پذیری افشای گزارش پایداری به وسیله هشت متغیر مستقل مدل است. شاخص افزونگی برای پیش‌بینی افشای گزارش پایداری به مقدار ۰/۶۲۲ است که مقدار مثبت آن‌ها بیانگر بالا بودن کیفیت مدل است. نتایج ضریب تشخیص و افزونگی متغیر وابسته پژوهش در جدول ۱۱ ارائه شده است.

جدول ۱۱. ضرایب تشخیص و افزونگی سازه افشای گزارش پایداری و توان تبیین مدل

متغیر وابسته پژوهش	ضریب تشخیص	ضریب تشخیص تعدیل یافته	شاخص افزونگی متغیر درونزا
SUS	۰,۶۳۸	۰,۶۳۷	۰,۶۲۲

شاخص اندازه اثر، نشان می‌دهد یک متغیر مستقل، چه تاثیر قابل توجهی بر متغیر وابسته دارد. براساس نظر کوهن (۱۹۸۸) میزان این شاخص به ترتیب ۰/۰۲ (ضعیف) ۰/۱۵ (متوسط) و ۰/۳۵ (قوی) است. شاخص بین ۰/۰۲ تا ۰/۱۵ نشان دهنده قدرت پیش‌بینی پایین، شاخص اندازه اثر بین ۰/۱۵ تا ۰/۳۵ نشان دهنده قدرت پیش‌بینی بالا است. طبق نتایج مدل، اندازه اثر متغیر هیأت مدیره در حد متوسط و اندازه اثر دیگر متغیرهای مستقل در حد ضعیف هستند. نتایج اندازه اثر نیز در جدول شماره ۱۲ ارائه شده است.

جدول ۱۲. ضرایب عامل تورم واریانس و اندازه اثر سازه‌های پیش‌بینی‌کننده افشای گزارش پایداری

تورم واریانس	اندازه اثر	متغیرهای مستقل	
		نام متغیر	علامت اختصار
Inner VIF Values	f Square		
۱/۵۹۶	۰/۲۴۳	هیأت مدیره	BOD
۱/۹۴۲	۰/۱۱۳	ساختار حاکمیت شرکتی	CGS
۱/۱۶۰	۰/۰۲۲	استراتژیک بودن صنعت	INDU
۱/۰۲۶	۰/۰۲۰	ساختار مالکیت	OS
۱/۰۴۲	۰/۰۲۷	نسبت مالکانه	P.R
۱/۱۳۳	۰/۰۲۴	بازده حقوق صاحبان سهام	ROE
۱/۴۷۳	۰/۰۳۰	اندازه شرکت	SIZE
۱/۵۱۱	۰/۰۲۶	ساختار نظارتی	SS

یافته‌های مربوط به پیامد گزارش پایداری

در پژوهش حاضر، با توجه به مطالب مطرح شده در مبانی نظری پژوهش به نظر می‌رسد، رابطه همزمان بین افشای گزارش پایداری و عملکرد مالی وجود دارد. جهت سنجش عملکرد

مالی شرکت به عنوان متغیر وابسته از معیار حسابداری بازده حقوق صاحبان سهام استفاده شده است. با توجه به اینکه عوامل متعددی بر گزارش پایداری تأثیر گذار هستند که ممکن است در بررسی فرضیه‌ی مربوط به پیامد گزارش پایداری، خود همبستگی بین جملات خطا وجود داشته باشد و ممکن است رابطه متقابل بین پیامد و گزارش پایداری وجود داشته باشد، از این رو، از رویکرد معادلات همزمان استفاده شده است. بدین منظور دو معادله تعریف شده که برای هر کدام می‌بایست متغیر درون‌زا و متغیر برون‌زا تعیین شوند.

$$SUS = c(1) + c(2)*ROE + c(3)*INDU + c(4)*PR + c(4)*OS + c(5)*BOD + c(6)*SIZE + c(7)*CGS + c(8)*SS$$

$$ROE = c(9) + c(10)*SUS + c(11)*INDU + c(12)*PR + c(13)*OS + c(14)*BOD + c(15)*SIZE + c(16)*CGS + c(17)*SS$$

که در این معادلات، متغیر درون‌زا، عبارت است از گزارش پایداری (SUS) و بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) و بقیه متغیرهای برون‌زا هستند. نتایج شرط درجه‌ای معادلات همزمان نشان می‌دهد که K برابر کل متغیرهای برون‌زای دستگاه معادلاتی بوده است، k برابر متغیرهای برون‌زای مدل‌ها است. همچنین تعداد متغیرهای درون‌زای هر معادله (m)، برابر یک است. با توجه به نتایج $K-k$ بزرگتر از $m-1$ بوده و معادله بیش از حد مشخص است و حداقل یک جواب قابل قبول برای حل معادلات وجود دارد.

جدول ۱۳. بررسی برقراری شرط تشخیص

نتیجه	m-1	K-k	m	k	K	معادله
بیش مشخص	صفر	۱	۱	۷	۸	اول
بیش مشخص	صفر	۲	۱	۶	۸	دوم

رویکرد رایج در برآورد سیستم‌های معادلات همزمان، رگرسیون به ظاهر نامرتب^۱ است. این رویکرد سیستم معادلات همزمان را با فرض وجود ناهمسانی واریانس و همبستگی بین جملات خطای معادلات، برآورد می‌کند. نتایج برآورد سیستم معادلات همزمان با رویکرد رگرسیون به ظاهر نامرتب نشان می‌دهد که متغیر بازده حقوق صاحبان سهام ارتباط معناداری با متغیر افشای

1. SUR

گزارش پایداری دارد. نتایج برآورد معادله دوم نشان می‌دهد که متغیر افشای گزارش پایداری رابطه معناداری با بازده حقوق صاحبان سهام دارد.

جدول ۱۴. نتایج آزمون معادلات همزمان گزارش پایداری و بازده حقوق صاحبان سهام

SUS= c(1) + c(2)* ROE + c(3)*INDU + c(4)*PR + c(4)*OS + c(5)*BOD+ c(6)*SIZE + c(7)*CGs+ c(8)*SS					
متغیر	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره تی	سطح معناداری
بازده حقوق صاحبان سهام	ROE	۳/۹۱	۰/۲۷	۱۴/۱۳	۰/۰۰۰
استراتژیک بودن صنعت	INDU	۰/۹۰	۰/۱۴	۶/۴۰	۰/۰۰۰
نسبت مالکانه	PR	۲/۲۳	۰/۳۰	۷/۴۱	۰/۰۰۰
ساختار مالکیت	OS	-۰/۴۳	۰/۰۶	-۶/۶۰	۰/۰۰۰
هیأت مدیره	BOD	۱/۸۸	۰/۰۸	۲۳/۰۶	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۰/۴۸	۰/۰۷	۶/۲۳	۰/۰۰۰
ساختار حاکمیت شرکتی	CGs	۱/۳۹	۰/۰۹	۱۵/۴۵	۰/۰۰۰
ساختار نظارتی	SS	۰/۵۵	۰/۰۷	۷/۰۱	۰/۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۶۳		آماره f: ۴۶۸/۹۴		معناداری: ۰/۰۰۰	
ROE= c(9) + c(10)* SUS + c(11)*INDU + c(12)*PR + c(13)*OS + c(14)*BOD+ c(15)*SIZE + c(16)*CGs+ c(17)*SS					
متغیر	نماد	ضریب	خطای استاندارد	آماره تی	سطح معناداری
افشای گزارش پایداری	SUS	۰/۰۲۲	۰/۰۰۱	۱۴/۱۳۷	۰/۰۰۰
استراتژیک بودن صنعت	INDU	۰/۰۱۰	۰/۰۱۰	۱/۰۰۱	۰/۳۱۶
نسبت مالکانه	PR	-۰/۰۲۷	۰/۰۲۳	-۱/۱۸۰	۰/۲۳۷
ساختار مالکیت	OS	۰/۰۱۲	۰/۰۰۵	۰/۴۷۱	۰/۰۱۳
هیأت مدیره	BOD	-۰/۰۵۰	۰/۰۰۶	-۷/۲۹۴	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۵۴	۰/۰۰۵	۹/۱۷۷	۰/۰۰۰
ساختار حاکمیت شرکتی	CGs	-۰/۰۳۱	۰/۰۰۷	-۴/۳۶۸	۰/۰۰۰
ساختار نظارتی	SS	۰/۰۰۱	۰/۰۰۶	۰/۲۱۶	۰/۸۲۸
ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۲۳		آماره f: ۴۸/۴۳		معناداری: ۰/۰۰۰	

بحث و نتیجه‌گیری

مرور ادبیات نشان می‌دهد که گزارش پایداری به عوامل متعددی در داخل سازمان وابستگی دارد. از این رو پژوهش حاضر درصدد هست که به طور جامع با مطالعه ادبیات مربوطه عوامل داخلی تأثیر گذار بر گزارش پایداری بدست آورده، سپس اثر این عوامل را بر نمره افشای گزارش پایداری بسنجد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که هیأت مدیره (از نظر جنسیت و سطح تحصیلات)، ساختار حاکمیت شرکتی (از نظر ارتباطات سیاسی، چشم اندازهای گزارش پایداری، استقلال و تخصص کمیته حسابداری)، استراتژیک بودن صنعت، ساختار مالکیت (از لحاظ مالکیت خانوادگی، تمرکز مالکیت)، ساختار سرمایه، سود آوری، ساختار نظارتی و اندازه شرکت (از نظر کل دارایی، میزان فروش و میزان فروش خارجی) بر نمره افشای گزارش پایداری اثر مثبت و معناداری دارد. در توضیح این نتایج می‌توان بیان کرد که هر چه سطح تحصیلات هیأت مدیره در مقاطع بالاتر (دکتری و کارشناسی ارشد) باشد، آن‌ها با موضوع پایداری آشنایی بیشتری دارند و با توجه به خصوصیات ذاتی نیروی متخصص زن، بر افشای موارد مربوط به گزارش پایداری تمرکز بیشتری دارند. از دیدگاه تئوری مشروعیت و ذینفعان، استراتژیک بودن صنعت، سود آوری، ساختار سرمایه و اندازه شرکت نیز باعث توجه بیشتر جامعه و دولت به سازمان می‌شود، سازمان نیز برای کسب اعتماد، موارد مربوط به گزارش پایداری را افشا می‌کند. همچنین می‌توان گفت هرچه میزان سهامداران و گستردگی آن‌ها بیشتر باشد (تمرکز مالکیت کمتر)، میزان پاسخ‌خواهی از شرکت افزایش می‌یابد و افزایش پاسخگویی شرکت نسبت به سهامداران متعدد منجر به افزایش افشای گزارش پایداری می‌شود.

نتایج حاصل از معادلات همزمان نشانگر آن است که بین گزارش پایداری و بازده حقوق صاحبان سهام، رابطه متقابلی وجود دارد. همانطور که شرکت‌های با بازده بالاتر، گزارش پایداری را بیشتر افشا می‌کنند، همچنین در سازمان‌های با که افشای گزارش پایداری بیشتری دارند، بازده بالاتری خواهند داشت و عملکرد سازمان مثبت است. طبق نظریه ذینفعان و مشروعیت، افشای گزارش پایداری می‌تواند منجر به سود آوری بالاتر و مزیت رقابتی در سازمان شود.

یافته‌های پژوهش همسو با پژوهشگران خارجی مانند فرسیا، ۲۰۲۲، حسن و همکاران، ۲۰۲۱، التایی، ۲۰۲۰، فریا، ۲۰۱۹، لیون-سیلوا و همکاران، ۲۰۲۲، آماکو و همکاران، ۲۰۲۱، ایباتوا و همکاران، ۲۰۱۸، هرولد، ۲۰۱۸ و لنزو و همکاران، (۲۰۱۶) است. همچنین همسو با پژوهش‌های داخلی معصومی و همکاران (۱۳۹۶)، ذاکله‌بری و همکاران (۱۳۹۹)، عبدی و همکاران (۱۳۹۹)،

فخاری و همکاران (۱۳۹۴) و رستمی زاد و همکاران (۱۳۹۹) است. از جمله محدودیت‌های این پژوهش نبود گزارش پایداری مستقل در شرکت‌ها و نبود اطلاعات و یا اطلاعات ناقص گزارش پایداری در صورتهای مالی و گزارش مدیریت برای بسیاری از شرکتها بود. پژوهش حاضر از جمله پژوهش‌های است که برای اولین مرتبه به ابعاد و شاخص‌های گزارشگری پایداری برای شرکت‌های بورسی طبق الزامات جدید رعایت حاکمیت شرکتی برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران می‌پردازد. با توجه به فرهنگ کشور ایران، به نظر می‌آید، شرکتها قابلیت پیاده سازی گزارش پایداری در قالب چارچوب گزارش پایداری را دارند، اما از لحاظ قانونی هنوز مسیر طولانی برای پذیرش چارچوب و پیاده‌سازی وجود دارد. بنابراین به لحاظ ضعف قانونی، بسیاری از شرکت‌ها گزارش پایداری را منتشر نمی‌کنند و به گزارش چند خطی در نامه گزارش مدیریت اکتفا می‌کنند. بنابراین نتایج برای سازمان‌ها و شرکت‌های ایرانی در تقویت این عوامل و بهبود گزارش پایداری که از موضوعات مطرح در سطح بین‌المللی است، ضروری و با اهمیت است. پژوهشگران آتی می‌توانند علاوه به عوامل درون سازمانی اثر عوامل برون سازمانی را بر نمره افشای گزارشگری پایداری بسنجند، همچنین چارچوب افشای گزارشگری پایداری استفاده شده در این پژوهش دارای پنج بعد هستند، هر بعد دارای تعدادی مؤلفه هست. پژوهشگران در تحقیقات آتی می‌توانند اثر عوامل سازمانی بر هر یک از ابعاد جداگانه بسنجند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.

منابع

- آرین پور، آرش؛ حساس یگانه، یحیی؛ باباجانی، جعفر. (۱۳۹۸). تحلیل عملکرد پایدار اجتماعی و تأثیر آن بر هزینه سرمایه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *اقتصاد پولی مالی*، ۲۶(۱۸)، ۱۵۵-۱۹۶.
- احمد زاده، یونس؛ مران جوری، مهدی؛ علیخانی کشکک، رضیه؛ تقی پوریان گیلانی، یوسف. (۱۴۰۱). ارائه چارچوب گزارشگری پایداری مبتنی بر ایجاد توازن بین انتظارات ذینفعان و ظرفیت‌های شرکت. *پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۴(۵۶)، ۱۶۱-۱۹۰.
- اخترشناس، داریوش؛ خدابی پور، احمد؛ پورحیدری، امید. (۱۴۰۰). تدوین و ارزیابی موانع اجرا، افشا و استانداردگذاری پایداری شرکتی در ایران. *فصلنامه علمی حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۶(۱۱)، ۲۴۹-۲۱۷.
- پورخانی ذاکله بری، مظفر؛ جهانشاد، آزیتا. (۱۴۰۰). ارائه الگو برای افشاء پایداری شرکتی و ارزیابی عوامل مرتبط با تئوری مشروعیت بر گزارشگری آن. *پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۳(۴۹)، ۱۷۷-۲۰۴.
- جلیلی، عادل؛ جعفری، مصطفی. (۱۴۰۰). توسعه پایدار: موفقیت یا عدم موفقیت در تولید ثروت، داستان اصلی همین است. *طبیعت ایران*، ۶(۳)، ۱۴۲-۱۵۸.
- حسینی، سیدعلی؛ احمدی، شیماء؛ سیلپور، حسین. (۱۴۰۳). بررسی تأثیر ساختارهای راهبری شرکتی بر پذیرش، میزان و کیفیت گزارش‌های پایداری: کاربرد روش مرور سیستماتیک. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، (۱)، -.
- حسینی، محمد جواد. (۱۳۹۸). توسعه پایدار در ماده پنجاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *جغرافیا و روابط انسانی*، ۲(ویژه نامه زمستان ۲۰۲۰)، ۱-۷.
- صالحی نیا، محسن؛ تامرادی، علی. (۱۴۰۰). تأثیر ارتباطات سیاسی بر سیاست های تأمین مالی. *مجله پژوهش های حسابداری مالی*، ۱۱(۲)، ۱-۳۰.
- عبدی، مصطفی؛ کردستانی، غلامرضا؛ رضازاده، جواد. (۱۳۹۹). گزارشگری پایداری: رتبه‌بندی محرک‌ها و شاخص‌ها. *پژوهش های تجربی حسابداری*، ۱۰(۲)، ۷۱-۱۱۴.
- فخاری، حسین؛ مهرابی، مهدی؛ ییلویی خمسلویی، مالک؛ قاسمی، احمد (۱۳۹۴). عوامل موثر بر گزارشگری پایداری شرکتها، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهشهای کاربردی در مدیریت و حسابداری، تهران.

- فرخی، مجتبی؛ غلامی جمکرانی، رضا؛ کاشانی‌پور، محمد؛ مهربان‌پور، محمد رضا؛ میثمی، حسین. (۱۳۹۹). ابعاد و مولفه‌های کلیدی گزارشگری پایداری شرکتی با رویکرد اسلامی. *معرفت اقتصاد اسلامی*، ۲۲(۱۱)، ۱۷۳-۱۹۰.
- فوکردی، رحیم؛ محتاط، مینو. (۱۳۹۶). تعریف محتوای گزارش پایداری شرکت ملی پالایش و پخش فراورده‌های نفتی ایران: کاربرد کارت ارزیابی متوازن و دیمتل خاکستری. *مدیریت صنعتی*، ۹(۴)، ۷۳۵-۷۶۴.
- کریم رستمی زاده، کریم؛ درودی، هما؛ محمدی، علی. (۱۴۰۰). ارائه مدلی برای شناسایی مؤلفه‌های توسعه پایدار صنعت آهن و فولاد با به‌کارگیری تکنیک‌های داده‌بنیاد و دیمتل فازی. *مدیریت صنعتی*، ۱۳(۳)، ۵۱۴-۵۳۶.
- گیوکی، اکبر؛ گرکز، منصور؛ صفری گرایلی، مهدی؛ معطوفی، علیرضا. (۱۴۰۲). تدوین و تبیین الگوی عوامل مؤثر بر گزارشگری یکپارچه. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۵(۵۸)، ۲۳۷-۲۷۰.
- محمدی صادق، سعید. (۱۳۹۹). مقایسه مولفه‌های توسعه پایدار و احقاق حقوق شهروندی در ایران و افغانستان. *مطالعات شبه قاره*، ۱۲(۳۸)، ۲۱۵-۲۳۴.
- مصطفایی، پرستو؛ حسینی، سید علی. (۱۴۰۰). تحلیل محتوای کیفی گزارش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با تأکید بر ذینفعان اجتماعی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۱(۳)، ۷۹-۱۱۲.
- معصومی، سید رسول؛ صالح نژاد، حسن؛ ذبیحی زرین کلایی، علی. (۱۳۹۷). شناسایی متغیرهای مؤثر بر میزان گزارش پایداری شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابرسی*، ۱۸(۷۰): ۱۹۵-۲۲۱.
- معطوفی، علیرضا؛ گلچوبی، محمد. (۱۳۹۶). بررسی رابطه مالکیت خانوادگی و سرعت تعدیل در میزان نگهداشت وجه نقد: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۹(۴)، ۶۱-۸۲.
- مکی، تکتک؛ علویان پطروودی، سمیه سادات؛ اسدی، مرضیه؛ اقصائی، هلن؛ هاشمی، سید حسین. (۱۳۹۷). مقایسه رویکردهای توسعه پایدار در ایران و سایر کشورها. *پژوهش‌های محیط زیست*، ۹(۱۷)، ۱۷-۲۴.
- ملکیان، اسفندیار؛ فخاری، حسین؛ جفایی رهنی، منیر. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت مدیره شرکت بر میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی. *دانش حسابداری*، ۱۰(۲)، ۱۲۲-۱۷۷.
- مومنی، فرشاد؛ کمال، الهام؛ محمدخان پور اردبیل، رقیه. (۱۳۹۶). بررسی وضعیت توسعه پایدار در ایران با استفاده از شاخص ردپای کربن. *فصلنامه اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی*، ۱(۱)، ۶۵-۹۳.

- یوسفی‌زاده، سحر؛ فخاری، حسین. (۱۴۰۲). تبیین ابعاد و مولفه‌های چارچوب گزارش پایداری با رویکرد دلفی فازی. *حسابداری و منافع اجتماعی*, ۱۳(۳), ۳۷-۶۲.
- یوسفی‌زاده، سحر. (۱۴۰۲). عوامل و محرک‌های داخل سازمانی موثر گزارشگری پایداری با رویکرد دلفی فازی. *پژوهش‌های معاصر در علوم مدیریت و حسابداری*, ۱۸(۵), ۱-۱۰.

References

- Abdi, M; Kordestani, G; & Rezazadeh, J. (2020). Sustainability Reporting: Ratings of Drivers and Indicators. *Empirical Research in Accounting*, 10(2), 71-114. (In Persian)
- Ahmadzade, Y; Maranjory, M; Alikhani, R; & Taghipouryan, Y. (2022). Providing a Sustainability Reporting Framework based on Balancing Stakeholder Expectations and Company Capacity. *Financial Accounting and Auditing Research*, 14(56), 161-190. (In Persian)
- Akhtarshenas D, Khodamipour A, Pourheidari O. (2021) Development and evaluation of a model of implementation barriers, disclosure and standardization of corporate sustainability in Iran. *Journal of Value & behavioral Accounting*, 6(11), 217-249. (In Persian)
- Alotaibi, M. M. (2020). Determinants of sustainability disclosure of Saudi listed companies. *Journal of Economics and Sustainable Development*, 11(2), 83-97.
- Amoako, K. O; Amoako, I. O; Tuffour, J; & Marfo, E. O. (2022). Formal and informal sustainability reporting: An insight from a mining company's subsidiary in Ghana. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 20(5), 897-925.
- Arian poor, Arash, Hassas Yeganeh, Yahya, & Babajani, Jafar. (2019). Analysis of Social Sustainability Performance and its impact on the cost of equity in companies listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Monetary & Financial Economics*, 26 (new)(17), 155-195. (In Persian)
- Bebbington, J; & Larrinaga, C. (2024). The influence of Power's audit society in environmental and sustainability accounting. *Qualitative Research in Accounting & Management*, 21(1), 21-28.
- Buallay, A; & Al-Ajmi, J. (2019). The role of audit committee attributes in corporate sustainability reporting: Evidence from banks in the Gulf Cooperation Council. *Journal of Applied Accounting Research*. 21(2). 249-264.
- Carpenter, V. L; & Feroz, E. H. (2001). Institutional theory and accounting rule choice: an analysis of four US state governments' decisions to adopt generally accepted accounting principles. *Accounting, organizations and society*, 26(7-8), 565-596.

- Costa, J; Cancela, D; & Reis, J. (2021). Neverland or tomorrowland? Addressing (In) compatibility among the SDG pillars in Europe. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18(22), 11858.
- Dhahri, S; & Omri, A. (2018). Entrepreneurship contribution to the three pillars of sustainable development: What does the evidence really say? *World Development*, 106, 64-77.
- Erin, O; Adegboye, A; & Bamigboye, O. A. (2022). Corporate governance and sustainability reporting quality: evidence from Nigeria. *Sustainability Accounting, Management and Policy Journal*, 13(3), 680-707.
- Fakhari, H; Mehrabi, M; Yabloui Khamloui, M; and Ghasemi, A. (2014). Factors affecting corporate sustainability reporting, *the third international conference on applied research in management and accounting*, Tehran. (In Persian)
- Farisyi, S; Musadieq, M. A; Utami, H. N; & Damayanti, C. R. (2022). A systematic literature review: Determinants of Sustainability Reporting in developing countries. *Sustainability*, 14(16), 10222
- Farkhi, M; Gholami Jamkarani, R; Kashanipour, M; Mehrabanpour, M. R; & Maithami, H. (2020). Dimensions and key components of corporate sustainability reporting with an Islamic approach. *Knowledge of Islamic Economics*, 22(11), 173-190. (In Persian)
- Fisch, J. E. (2018). Making sustainability disclosure sustainable. *Geo. LJ*, 107, 923.
- Fukardi, R; & Moatev, M. (2017). Definition of the content of the sustainability report of Iran's National Company for Refining and Distribution of Petroleum Products: Application of Balanced Assessment Card and Dimetal Gray. *Industrial Management*, 9(4), 735-764. (In Persian)
- Gallego-Alvarez, I; and E. Ortas. 2016. Corporate environmental sustainability reporting in the context of national cultures: A quantile regression approach. *International Business Review*. 26 (2). 337-353.
- Gioki, Akbar, Gerkaz, Mansour, Safari Graili, Mehdi, Matofi, Alireza. (2023). Compilation and explanation of the model of effective factors of integrated organization. *Financial accounting and auditing research*, 15(58), 237-270. (In Persian)
- Hasan, A; Hussainey, K; & Aly, D. (2022). Determinants of sustainability reporting decision: evidence from Pakistan. *Journal of Sustainable Finance & Investment*, 12(1), 214-237.
- Herold, M. H. (2018). Demystifying the link between institutional theory and stakeholder theory in sustainability reporting. *Economics, Management and Sustainability*, 3(2), 6-19.
- Hosseini, M. J. (2019). The Sustainable Development In Article Fifty of Constitution of Islamic Republic of Iran. *Geography and Human Relationships*, 2(Supplement winter 2020), 1-7. (In Persian)

- Hosseini, S. A; ahmadi, S; & Seilsepoor, H. (2024). Investigating the Impact of Corporate Governance structures on Adoption, Quantity and Quality of Sustainability Reports: Using Systematic Review. *Empirical Studies in Financial Accounting*, (), -. (In Persian)
- Ibatova, A; Sitdikov, F & Klychova, G. (2018). Reporting in the area of sustainable development with information technology application. *Management Science Letters*, 8(7), 785-794.
- IFRS. (2021). *About the International Accounting Standards Board*. <https://www.ifrs.org/groups/international-sustainability-standards-board/>
- Jalili, A; & Jafari, M. (2021). "Success or failure in wealth creation" This is the main story. Strategic Goal Setting in Climate Change. *Iran Nature*, 6(3), 142-142. (In Persian)
- KMPG. (2021). *Unlock ESG opportunities to enhance trust, mitigate risk and create new value, starting now*. <https://home.kpmg/xx/en/home/insights/2021/11/sustainability-reporting-climatechange-issb.html>
- Kwarciańska, A. (2020). Reporting problems of corporate social responsibility. *Economics and Law*, 19(3), 523–532.
- Lee, K.-H; Herold, D. M; & Yu, A. (2016). Small and Medium Enterprises and Corporate Social Responsibility Practice: A Swedish Perspective. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 23(2), 88-99.
- Lozano, R. (2015). A holistic perspective on corporate sustainability drivers. *Corporate social responsibility and environmental management*, 22(1), 32-44.
- Mahmood, Z; Kouser, R; & Masud, M. A. K. (2019). An emerging economy perspective on corporate sustainability reporting – main actors' views on the current state of affairs in Pakistan. *Asian Journal of Sustainability and Social Responsibility*, 4(1), 1-31
- makky, T; Alavian petroody, S. S; Asadi, M; Aghsaei, H; & Hashemi, S. H. (2018). Comparison of Sustainable Development Approaches in Iran and Other Countries. *Environmental Researches*, 9(17), 17-24. (In Persian)
- Malekian, E; Fakhari, H; & Jafaei Rahni, M. (2019). Impact of Board of Directors' Characteristics on Environmental, Social, and Corporate Governance Reporting. *Journal of Accounting Knowledge*, 10(2), 77-112. (In Persian)
- Man, M; Bogeanu-Popa M-M. (2020). Impact of Non-Financial Information on Sustainable Reporting of Organisations' Performance: Case Study on the Companies Listed on the Bucharest Stock Exchange. *Sustainability*, 12(6), 2179.
- Masoumi, S. R; Saleh Nejad, H; & Zabihi Zarin Kalaei, A. (2018). Identifying the effective variables on the level of sustainability reporting of companies admitted to the Tehran Stock Exchange. *Audit knowledge*. 18(70): 195-221. (In Persian)

- Masum, M. H; Latiff, A. R. A; & Osman, M. N. H. (2020). Voluntary reporting, sustainable reporting and transition economy. *International Business and Accounting Research Journal*, 4(2), 81-88.
- Matoufi A. L; Golchoubi, M. (2018). The Effect of Family Ownership on Speed of Adjustment of Cash Holding: Evidence from Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Accounting Research*, 9(4), 61-82. (In Persian)
- Mohammadisadegh, S. (2020). Comparative Comparison of the Components of Sustainable Development and the Recognition of Citizenship Rights in Iran and Afghanistan. *Journal of Subcontinent Researches*, 12(38), 215-234. (In Persian)
- Momeni, F; Kamal, E; & MohammadKhanpour Ardebil, R. (2017). Assessment status of Sustainable Development in Iran Using Carbon Footprint Index. *Journal of Environmental and Natural Resource Economics*, 1(1), 65-93. (In Persian)
- Mostafaei, P; & Hosseini, S. A. (2021). Qualitative Content Analysis of Corporate Social Responsibility Reports with Emphasis on Social Stakeholders. *Empirical Research in Accounting*, 11(3), 79-112. (In Persian)
- Petrescu, A. G; Bilcan, F. R; Petrescu, M; Holban Oncioiu, I; Türkeş, M. C; & Căpuşneanu, S. (2020). Assessing the benefits of the sustainability reporting practices in the top Romanian companies. *Sustainability*, 12(8), 3470.
- Pourkhani Z. B; Mozafar, and Jahanshad, A. (2021). Provide a Model for Exposing Corporate Sustainability and Evaluating Factors Related to Its Organizing Legitimacy Theory. *Financial Accounting and Auditing Research*, 13(49), 177-204. (In Persian)
- Rostamizadeh, .. K; Doroudi, H; & Mohammadi, A. (2022). Presenting a Model for Identifying the Factors and Components of Sustainable Development in the Iron and Steel Industry by Fuzzy DEMATEL and Grounded Data Techniques. *Industrial Management Journal*, 13(3), 514-536. (In Persian)
- Ruiz-Blanco, S; Romero, S; & Fernandez-Feijoo, B. (2022). Green, blue or black, but washing—What company characteristics determine green washing? *Environment, Development and Sustainability*, 24(3), 4024-4045.
- Salehinia, M, & Tamradi, A. (1400). The effect of political communication on financing policies. *Financial Accounting Research Journal*, 11(2), 1-30. (In Persian)
- Sardianou, E; Staupoulou, A; Evangelinos, K; & Nikolaou, I. (2021). A materiality analysis framework to assess sustainable development goals of banking sector through sustainability reports. *Sustainable Production and Consumption*, 27, 1775-1793.
- Sisaye, S. (2021). The influence of non-governmental organizations (NGOs) on the development of voluntary sustainability accounting reporting rules. *Journal of Business and Socio-economic Development*, 1(1), 5-23.

- Tavares, M. D. C. D. C.; & Dias, A. P. (2018). *Theoretical Perspectives on Sustainability Reporting: A Literature Review*. Chapters.
- Tilling, Matthew V. (2004). Some Thoughts on Legitimacy Theory in Social and Environmental Accounting. *Social and Environmental Accountability Journal*, 24(2), 3-7.
- Whittingham, K. L; Earle, A. G; Leyva-de la Hiz, D. I; & Argiolas, A. (2023). The impact of the United Nations Sustainable Development Goals on corporate sustainability reporting. *BRQ Business Research Quarterly*, 26(1), 45-61.
- Yañez, P; Sinha, A; & Vásquez, M. (2019). Carbon footprint estimation in a university campus: Evaluation and insights. *Sustainability*, 12(1), 181-211.
- Yousefzadeh, S; & fakhari, H. (2023). Explaining Dimension and Components of Sustainability Reporting, with a fuzzy Delphi approach. *Journal of Accounting and Social Interests*, 13(3), 37-62. (In Persian)
- Yousefzadeh, Sahar. (2023). Factors and effective intra-organizational drivers of sustainability reporting with the fuzzy Delphi approach. *Contemporary researches in management and accounting sciences*, 18(5), 10-1. (In Persian)

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

The Effect of Cash Flow Volatility on the Incentives for Cash Holdings: The Moderating Role of COVID-19 Pandemic¹

Peyman Amini², Abbas Aflatooni³, Mohammad KarimiKahvand⁴

Received: 2024/03/29

Accepted: 2024/09/02

Research Paper

Abstract

This research investigates the moderating effect of the spread of the COVID-19 pandemic on the relationship between the firm's cash flow volatility and its level of cash holdings. To this end, we utilized data from 163 firms listed on the Tehran Stock Exchange from 2011 to 2022. The research hypotheses were tested using regression analysis with the generalized least squares (GLS) estimator. The findings reveal that firms with more cash flow volatility tend to hold more cash and during the COVID-19 pandemic, firms have maintained higher cash reserves. Furthermore, the study suggests that the COVID-19 outbreak amplifies the positive correlation between cash flow volatility and firms' cash holdings. The research findings indicate that the cash flow volatility and the COVID-19 outbreak have escalated the cash flow risk for firms and bolstered the precautionary reasons for maintaining cash reserves. This research contributes to the literature on cash holdings and enriches the literature on the financial impacts of COVID-19 on Iranian firms.

Keyword: COVID-19, Cash Holdings, Cash Flow Volatility, Precautionary Motives.

JEL Classification: G31, G32.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.46739.3227

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Humanities and Social Sciences, Kurdistan University, Sanandaj, Iran. (P.Amini@uok.ac.ir).

3. Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran. (Corresponding Author). (A.Aflatooni@basu.ac.ir).

4. Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Humanities, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. (Mohammad.karimikahvand70@gmail.com).

جریان وجوه نقد بر انگیزه‌های احتیاطی نگهداشت وجه نقد:

نقش تعدیل‌گر همه‌گیری کووید ۱۹

پیمان امینی^۲، عباس افلاطونی^۳، محمد کریمی کهوند^۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۲

چکیده

این پژوهش به دنبال بررسی اثر تعدیل‌گری شیوع همه‌گیری کووید ۱۹ بر رابطه بین تلاطم جریان وجوه نقد واحد تجاری و سطح نگهداشت وجه نقد آن است. برای این منظور، از داده‌های ۱۶۳ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۴۰۱-۱۳۹۰ استفاده شده و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، تحلیل رگرسیون با برآوردگر حداقل مربعات تعمیم‌یافته به کار رفته است. نتایج نشان می‌دهد در شرکت‌هایی که جریان وجوه نقد آن‌ها از تلاطم بیشتری برخوردار است، وجه نقد بیشتری نیز نگهداری می‌شود. همچنین، نتایج بیانگر آن است که با شیوع همه‌گیری کووید ۱۹، تمایل شرکت‌ها برای نگهداشت وجه نقد، افزایش یافته است. به علاوه، نتایج بیانگر آن است که شیوع کووید ۱۹ اثر مثبت تلاطم جریان وجوه نقد واحد تجاری بر نسبت نگهداشت وجه نقد را تشدید کرده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که تلاطم در جریان وجوه نقد و شیوع کووید ۱۹ هر دو موجب افزایش مخاطره جریان وجوه نقد واحدهای تجاری شده و انگیزه‌های احتیاطی برای نگهداشت وجه نقد را تقویت کرده‌اند. این پژوهش در توسعه ادبیات مرتبط به انگیزه‌های نگهداشت وجه نقد مشارکت می‌کند و در تقویت ادبیات مربوط به آثار مالی کووید ۱۹ بر شرکت‌های ایرانی، نقش دارد.

واژه‌های کلیدی: کووید ۱۹، نگهداشت وجه نقد، تلاطم جریان وجوه نقد، انگیزه‌های احتیاطی.

طبقه‌بندی موضوعی: G31, G32.

doi: 10.22051/JERA.2024.46739.3227

۱. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. (P.Amini@uok.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران. (نویسنده مسئول). (A.Aflatooni@basu.ac.ir)

۳. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی سنندج، سنندج، ایران. (Mohammad.karimikahvand70@gmail.com)

https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

حفظ نقدینگی، عنصر حیاتی در مدیریت مالی واحدهای تجاری است و در کانون توجه بسیاری از پژوهش‌ها قرار دارد (هوندا و یوسوگی^۱، ۲۰۲۲). به باور کینز^۲ (۱۹۳۶)، واحدهای تجاری با چهار انگیزه معاملاتی، احتیاطی، مالیاتی و نمایندگی^۳ اقدام به نگهداشت وجه نقد می‌کنند. در این بین، انگیزه‌های معاملاتی و احتیاطی بیشتر مدنظر پژوهشگران قرار گرفته و انگیزه احتیاطی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. انگیزه معاملاتی به تمایل شرکت‌ها برای حفظ مقدار کافی از نقدینگی برای انجام معاملات بدون نیاز به تبدیل دارایی‌های ثابت به وجه نقد اشاره دارد (ریدیک و وایتند^۴، ۲۰۰۹). انگیزه احتیاطی به تمایل واحدهای تجاری برای حفظ مقادیر کافی از وجه نقد برای رویارویی با شرایط غیرمنتظره اشاره دارد (دوچین^۵ و همکاران، ۲۰۱۰). در این بین، انگیزه احتیاطی زمانی اهمیت می‌یابد که جریان‌های نقدی واحد تجاری در معرض خطر بیشتری قرار دارند (اُپلر^۶ و همکاران، ۱۹۹۹) و یا واحد تجاری، دسترسی محدودی به منابع مالی برون‌سازمانی دارد (آلمیدا^۷ و همکاران، ۲۰۰۴).

وقوع بحران‌هایی که موجب ایجاد تلاطم در جریان وجوه نقد^۸ می‌شوند و دسترسی شرکت را به منابع مالی برون‌سازمانی، محدود می‌کنند، از مهم‌ترین عواملی هستند که انگیزه‌های احتیاطی برای نگهداشت وجه نقد را تشدید می‌نمایند (ملگارجو و استفان^۹، ۲۰۲۳). برای نمونه، می‌توان به بحران مالی شرق آسیا (سونگ و لی^{۱۰}، ۲۰۱۲)، بحران مالی اروپا در سال ۲۰۰۸ (سان و وانگ^{۱۱}، ۲۰۱۵ و لوزانو و یامان^{۱۲}، ۲۰۲۰)، و شیوع همه‌گیری کووید-۱۹^{۱۳} در اوایل سال ۲۰۲۰ (هوندا و یوسوگی، ۲۰۲۲؛ هی^{۱۴} و همکاران، ۲۰۲۲؛ چانگ^{۱۵} و همکاران، ۲۰۲۳ و بائه و

1. Honda & Uesugi
2. Keynes
3. Transaction, tax , agency and precautionary motives
4. Riddick & Whited
5. Duchin
6. Opler
7. Almeida
8. Cash flow volatility
9. Melgarejo & Stephen
10. Song & Lee
11. Sun & Wang
12. Lozano & Yaman
13. COVID-19 pandemic
14. He
15. Chung

کانگ^۱، ۲۰۲۳) اشاره کرد. در این بین، بحران کووید ۱۹ به دلیل حوزه نفوذ گسترده و پیامدهای اقتصادی شدیدی که به همراه داشت، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفت. کووید ۱۹ موجب کاهش فعالیت‌های اقتصادی شد، در بسیاری از بازارهای مالی، درجات بالایی از ناطمینانی^۲ را ایجاد کرد و جریان وجوه نقد واحدهای تجاری را متلاطم نمود (ژانگ^۳ و همکاران، ۲۰۲۰؛ الجقیمن^۴ و همکاران، ۲۰۲۳) و با تشدید انگیزه‌های احتیاطی، میزان نگهداشت وجه نقد توسط واحدهای تجاری را افزایش داد (ژو^۵ و همکاران، ۲۰۲۲؛ هوندا و یوسوگی، ۲۰۲۲). با این وجود، بیشتر شواهد تجربی در خصوص پیامدهای مالی کووید ۱۹ مربوط به کشورهای توسعه یافته است و در رابطه با بازارهای نوظهوری چون بازار سرمایه ایران، شواهد محدودی وجود دارد.

با توجه به مطالب فوق، هدف این پژوهش بررسی اثر تعدیل‌گری شیوع همه‌گیری کووید ۱۹ بر رابطه بین تلاطم جریان وجوه نقد شرکت و سطح نگهداشت وجه نقد آن است. این پژوهش از سه جهت به توسعه ادبیات موجود کمک می‌کند: از جهت نخست، این پژوهش مکمل ادبیات جاری در خصوص اثر عدم قطعیت جریان وجوه نقد بر نگهداشت دارایی‌های نقدی است. از منظر دوم، این پژوهش ادبیات موجود در خصوص تشدید انگیزه‌های احتیاطی ناشی از شیوع کووید ۱۹ بر مدیریت وجه نقد واحدهای تجاری را غنا می‌بخشد. از جهت سوم، نتایج این پژوهش با برجسته‌سازی نقش بحران کووید ۱۹ و تأکید بر اهمیت آن در تشدید فشارهای مالی بر واحدهای تجاری، برای سیاست‌گذاران در سطوح خرد و کلان، رهنمودهایی جهت رویارویی با بحران‌های مشابه، در بر دارد. در ادامه، به ترتیب مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها، روش‌شناسی پژوهش، یافته‌های پژوهش و بحث و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

مبانی نظری و توسعه فرضیه‌ها

با آن که در پژوهش‌های پیشین به چهار انگیزه معاملاتی، احتیاطی، مالیاتی و نمایندگی برای نگهداشت وجه نقد اشاره شده، انگیزه احتیاطی بیشتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. پژوهش‌ها در خصوص انگیزه احتیاطی برای نگهداشت وجه نقد را می‌توان از منظر مؤلفه‌هایی

1. Bae & Kang
2. Uncertainty
3. Zhang
4. Aljughaiman
5. Zhou

که مدنظر قرار داده‌اند، به دو دسته کلی رده‌بندی کرد. در رده نخست، پژوهش‌هایی قرار دارند که روی جریان وجوه نقد شرکت تمرکز دارند و در رده دوم از پژوهش‌های موجود در ادبیات، روی تلاطم جریان‌های نقدی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اثرگذار بر سطح نگهداشت وجه نقد، تمرکز شده است (هوندا و یوسوگی، ۲۰۲۲). در پژوهش‌های رده نخست، برای نمونه، آلمیدا و همکاران (۲۰۰۴) با ارائه یک مدل نظری برای تبیین تقاضای احتیاطی وجه نقد، بیان می‌کنند که با افزایش در محدودیت‌های مالی^۱، شرکت‌ها از محل جریان وجوه نقد، سطح نگهداشت وجه نقد خود را افزایش می‌دهند؛ درحالی‌که در شرکت‌های بدون محدودیت مالی، رابطه‌ای بین جریان وجوه نقد و سطح نگهداشت وجه نقد وجود ندارد. به باور آنان، میزان حساسیت^۲ سطح نگهداشت وجه نقد شرکت به جریان وجوه نقد آن، می‌تواند معیاری برای سنجش محدودیت‌های مالی واحد تجاری و انباشت وجه نقد با انگیزه‌های احتیاطی باشد. یافته‌های تجربی آلمیدا و همکاران (۲۰۰۴) نشان داد که بین جریان وجوه نقد و سطح نگهداشت وجه نقد، همبستگی مثبتی وجود دارد. از سوی دیگر، به باور آشاری^۳ و همکاران (۲۰۰۷)، شرکت‌ها برای محافظت از فرصت‌های سرمایه‌گذاری آتی خود از تبعات افت درآمدها، ظرفیت محدودی دارند. از این‌رو، شرکت‌هایی که فرصت‌های سرمایه‌گذاری زیادی دارند، سطح نگهداشت وجه نقد خود را غالباً از محل جریان وجوه نقد و نه کاهش بدهی‌های جاری، تأمین می‌کنند. نتایج تجربی آنان نیز بیانگر وجود رابطه مثبت و معنادار بین جریان وجوه نقد و سطح نگهداشت وجه نقد است. با پیروی از مدل‌های نظری ارائه‌شده توسط آلمیدا و همکاران (۲۰۰۴) و آشاری و همکاران (۲۰۰۷)، سان و وانگ (۲۰۱۵) و لوزانو و یامان (۲۰۲۰) دریافتند که در طول بحران مالی سال ۲۰۰۸، حساسیت سطح نگهداشت وجه نقد به جریان وجوه نقد، بیش از زمان‌های عادی بوده است و این بحران، انگیزه‌های احتیاطی واحدهای تجاری برای انباشت وجه نقد را تشدید کرده است. نتایج پژوهش زنگ^۴ و همکاران (۲۰۱۱) نشان داد شرکت‌هایی که به سیاست‌های نگهداشت وجه نقد مازاد پایبند بوده‌اند، بهتر توانسته‌اند آثار منفی این بحران بر مخارج سرمایه‌ای خود را، کنترل کنند. یافته‌های یونگ^۵ و همکاران (۲۰۱۵) و کیانشی^۶ (۲۰۱۶)

1. Financial constraints
2. Sensitivity
3. Acharya
4. Zeng
5. Yung
6. Qianxi

نشان می‌دهد که در طول بحران مالی ۲۰۰۸، شرکت‌هایی که مدیریت وجوه نقد انعطاف‌پذیرتری داشته و از نقدینگی مازاد برخوردار بوده‌اند، از تبعات منفی این بحران آسیب کمتری دیده‌اند. یافته‌های سونگ و لی (۲۰۱۲) نشان داد که در طول بحران مالی شرق آسیا، واحدهای تجاری از طریق کاهش مخارج سرمایه‌ای، دارایی‌های نقد بیشتری نگهداری کرده‌اند و افزایش حساسیت شرکت‌ها به جریان‌های وجوه نقد، مؤلفه‌ی اساسی در ارتقاء سطح نگهداشت وجه نقد بوده است. همچنین، هوسونو^۱ و همکاران (۲۰۱۹) دریافتند که در زمان بحران مالی شرق آسیا، سطح نگهداشت وجه نقد شرکت‌های ژاپنی افزایش داشته است.

پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص پیامدهای مالی و اقتصادی بحران کووید ۱۹ غالباً روی سازوکار انتشار این بیماری (یانگ^۲ و همکاران، ۲۰۲۰)، اثرات اقتصادی خرد و کلان آن و سیاست‌های اتخاذشده در قبال آن (چن^۳ و همکاران، ۲۰۲۰) متمرکز است. برای مثال، در سطوح کلان، کووید ۱۹ با تأثیر همزمان بر عرضه و تقاضا، زنجیره تأمین^۴ واحدهای تجاری را به صورت گسترده مختل کرد، اقتصاد جهانی را متحمل زیان‌های قابل توجهی نمود (یانگ و همکاران، ۲۰۲۰) و نرخ بیکاری را به شدت افزایش داد (ژانگ و همکاران، ۲۰۲۰). از دیدگاه خرد، کووید ۱۹ با تحریک احساسات منفی سرمایه‌گذاران، بازده سهام شرکت‌ها را کاهش داد (چن و همکاران، ۲۰۲۰) و به درجه وابستگی واحدهای تجاری به منابع مالی قابل تأمین از طریق اعتباردهندگان و سرمایه‌گذاران افزود (شن^۵ و همکاران، ۲۰۲۰). افزایش ناطمینانی ناشی از بحران کووید ۱۹ روی جریان‌های وجوه نقد شرکت‌ها تأثیر بسزایی گذاشت، تداوم فعالیت‌های عملیاتی را برای واحدهای تجاری دشوار نمود، ظرفیت آن‌ها را در وصول مطالبات، محدود کرد و با افزایش تلاطم در بازارهای بین‌المللی، کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران را به دنبال داشت (هو و کیو^۶، ۲۰۲۰). جی^۷ و همکاران (۲۰۲۱) دریافتند که انعطاف‌پذیری نقدی بالا، اثرات منفی کووید ۱۹ بر فعالیت‌های سرمایه‌گذاری را در طول این بحران کاهش داده است. هی و همکاران (۲۰۲۲)، هوندا و یوسوگی (۲۰۲۲)، ژو همکاران (۲۰۲۲) و چانگ و همکاران (۲۰۲۳) دریافتند

1. Hosono
2. Yang
3. Chen
4. Supplay chain
5. Shen
6. Huo & Qiu
7. Jie

که در دوره شیوع کووید ۱۹، انگیزه‌های احتیاطی برای نگهداشت وجه نقد شدت یافته و شرکت‌ها وجه نقد بیشتری نگهداری کرده‌اند. یافته‌های بائه و کانگ (۲۰۲۳) نشان می‌دهد که در زمان شیوع کووید ۱۹، آن دسته از واحدهای تجاری که امکان دورکاری^۱ در آن‌ها کمتر بوده است، انگیزه احتیاطی قوی‌تری برای افزایش ذخایر نقدی داشته‌اند. دالوای^۲ (۲۰۲۳) نشان داد که نااطمینانی ناشی از کووید ۱۹، مدیریت وجوه نقد در برخی واحدهای تجاری را منعطف‌تر نموده است. با توجه به موارد فوق، انتظار می‌رود کووید ۱۹ انگیزه احتیاطی شرکت‌های ایرانی برای نگهداشت وجه نقد، را تشدید کرده باشد.

در پژوهش‌های رده دوم، فرض می‌شود تلاطم جریان‌های نقدی انعکاس دهنده عدم اطمینان در خصوص سودآوری آتی واحد تجاری است و در نتیجه روی سطح نگهداشت وجه نقد، مؤثر است (هوندا و یوسوگی، ۲۰۲۲). برای مثال، اُپلر و همکاران (۱۹۹۹) دریافتند شرکت‌هایی که با عدم قطعیت بیشتری در کسب جریان‌های نقدی روبرو هستند، وجه نقد بیشتری نگهداری می‌کنند. یافته‌های هان و کیو^۳ (۲۰۰۷) نشان می‌دهد آن دسته از شرکت‌های دارای محدودیت مالی که از تلاطم جریان وجوه نقد بیشتری برخوردارند، بر اساس انگیزه‌های احتیاطی، وجه نقد بیشتری نسبت به سایر واحدهای تجاری نگهداری می‌کنند. بیتس^۴ و همکاران (۲۰۰۹) افزایش میزان نگهداشت وجه نقد شرکت‌های ایالات متحده در بازه زمانی ۲۰۰۶-۱۹۸۰ را به تشدید انگیزه‌های احتیاطی این شرکت‌ها نسبت می‌دهند. ریدیک و وایتند (۲۰۰۹) دریافتند که نااطمینانی در کسب درآمدهای آتی، بیش از محدودیت‌های مالی برون‌سازمانی بر نگهداشت وجه نقد، مؤثر است. نتایج پژوهش لوزانو و یامان (۲۰۲۰) نشان داد که در شرکت‌های دارای محدودیت مالی، حساسیت دارایی‌های نقدی به تلاطم جریان‌های وجوه نقد، در دوره شیوع کووید ۱۹، بیش از سال‌های قبل از این بحران، بوده است. نتایج پژوهش هوندا و یوسوگی (۲۰۲۲) نشان داد در شرکت‌هایی که جریان وجه نقد عملیاتی متلاطمی دارند، میزان نگهداشت وجه نقد، بالاتر از سایر واحدهای تجاری است.

با آن‌که در پژوهش‌های داخلی، اثر عواملی چون ناقرینگی اطلاعاتی (قربانی و عدیلی، ۱۳۹۱)، جریان‌های نقدی مثبت و منفی (سپاسی و همکاران، ۱۳۹۲)، اندازه و فرصت‌های رشد

1. Remote working
2. Dalwai
3. Han & Qiu
4. Bates

(مهرانی و همکاران، ۱۳۹۲)، بیش‌اطمینانی مدیران (مشایخ و بهزادپور، ۱۳۹۳)، محدودیت‌های مالی (فروغی و فرزادی، ۱۳۹۳؛ افیونی و هاشمی، ۱۳۹۶)، تجدید ارائه صورت‌های مالی (نصیری و یغمائی‌علیشاه، ۱۳۹۸)، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی (مهربان‌پور و همکاران، ۱۳۹۹)، نااطمینانی سیاسی (متین‌فرد و همکاران، ۱۳۹۹)، نرخ تورم (عزیزی و جوکار، ۱۴۰۰)، عملکرد کارکنان (غلامرضاپور و همکاران، ۱۴۰۰) و نااطمینانی بازار (کرمی و همکاران، ۱۴۰۱) روی سطح نگهداشت وجه نقد بررسی شده، ولی شواهدی در خصوص تأثیر دو متغیر تلاطم جریان وجوه نقد عملیاتی و شیوع کووید ۱۹ بر میزان نگهداشت دارایی‌های نقدی در دسترس نیست. افزون بر آن، چون شیوع کووید ۱۹ موجب افزایش در تلاطم جریان وجوه نقد شرکت‌ها می‌شود (ژانگ و همکاران، ۲۰۲۰؛ الجقیمین و همکاران، ۲۰۲۳)، انتظار می‌رود که این همه‌گیری، رابطه بین تلاطم جریان وجوه نقد و نسبت نگهداشت وجه نقد را تقویت کرده باشد (هوندا و یوسوگی، ۲۰۲۲). با این حال، در پژوهش‌های داخلی شواهد تجربی در این خصوص نیز ارائه نشده است.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مطالب ارائه‌شده در بخش قبل، به‌منظور رفع خلأ پژوهشی موجود و ارائه شواهد در خصوص شرکت‌های ایرانی، فرضیه‌های زیر تدوین شده‌اند:

فرضیه اول: با افزایش تلاطم جریان وجوه نقد، شرکت‌ها وجه نقد بیشتری نگهداری می‌کنند.

فرضیه دوم: با شیوع کووید ۱۹، شرکت‌ها وجه نقد بیشتری نسبت به قبل، نگهداری کرده‌اند.

فرضیه سوم: شیوع کووید ۱۹ رابطه بین تلاطم جریان وجوه نقد و نسبت نگهداشت وجه نقد را تشدید کرده است.

روش‌شناسی پژوهش

از نظر نتایج، این پژوهش کاربردی محسوب می‌شود و از منظر هدف اجرای پژوهش، توصیفی و تحلیلی است. برای گردآوری داده‌های پژوهش، بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین و گزارش‌های منتشره در سایت گُدال به کار رفته‌اند و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و برازش مدل‌ها،

از نرم‌افزار استاتا^۱ استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، مدل رگرسیون با برآوردگر حداقل مربعات تعمیم‌یافته^۲ به کار رفته و برای کنترل اثر آن دسته از ویژگی‌های خاص واحدهای تجاری که در طول هر سال و درون هر صنعت، تغییر نمی‌کنند؛ اثرات خاص سال‌ها و صنایع نیز کنترل شده‌اند. برای کنترل اثر ناهمسانی واریانس و همبستگی^۳ احتمالی مقادیر باقیمانده مدل‌ها در سنجش خطای استاندارد ضرایب، همانند فوزو^۴ و همکاران (۲۰۱۶)، از تصحیح خوشه‌ای در سطح شرکت‌ها^۵ استفاده شده است. افزون بر آن، در بخش تحلیل‌های تکمیلی، فرضیه‌های پژوهش با استفاده از تعریفی جایگزین برای سنجش نسبت نگهداشت وجه نقد و نیز به کارگیری رویکرد داده‌های ترکیبی^۶، آزمون شده‌اند.

در این پژوهش، جامعه آماری شامل تمام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۴۰۱-۱۳۹۰ است که پایان سال مالی آن‌ها با پایان سال شمسی مطابقت داشته باشد و در بازه زمانی بیان شده در بالا تغییر سال مالی نداشته باشند. به دلیل ماهیت خاص فعالیت شرکت‌های بیمه، بانک‌ها و سرمایه‌گذاری‌های مالی، هلدینگ‌ها و لیزینگ‌ها؛ مشاهدات این گروه از صنایع، کنار گذاشته شده است. افزون بر آن، شرکت‌هایی که داده‌های آن‌ها در دسترس است، مورد بررسی قرار نگرفته‌اند و چون متغیر وابسته مدل‌های پژوهش مربوط به دوره آتی هستند؛ سایر مشاهدات سال ۱۴۰۱ از دست رفته و بازه زمانی مؤثر، به ۱۴۰۰-۱۳۹۰ تقلیل یافته است. در پایان، برای کنترل اثر مشاهدات پرت^۷، متغیرهای پیوسته پژوهش در صدک‌های^۸ اول و آخر، ویرایش^۹ شده‌اند. با اعمال شروط فوق که برای دستیابی به مجموعه‌ای از مشاهدات همگن صورت گرفته، حجم جامعه آماری در دسترس برابر ۱۶۳ شرکت (معادل ۱۷۹۳ سال - شرکت) شده است که در قالب ۱۱ صنعت، رده‌بندی شده‌اند.

برای آزمون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش، با پیروی از هوندا و یوسوگی (۲۰۲۲) و ژو و همکاران (۲۰۲۲)، به ترتیب از مدل‌های زیر استفاده شده است:

1. Stata
2. Generalized least squares (GLS)
3. Heteroscedasticity and correlation
4. Fosu
5. Clustering on firm level
6. Panel data
7. Outliers
8. Percentiles
9. Winsorise

$$CASH_{it+1} = \beta_0 + \beta_1 CFOV_{it} + \sum_{j=1}^8 \psi_j Controls_{j,it} + \varepsilon_{it+1} \quad \text{مدل (۱)}$$

$$CASH_{it+1} = \alpha_0 + \alpha_1 COVID_{it} + \sum_{j=1}^8 \psi_j Controls_{j,it} + \varepsilon_{it+1} \quad \text{مدل (۲)}$$

که در آن، CASH نسبت نگهداشت وجه نقد (مجموع وجه نقد و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت تقسیم بر کل دارایی‌ها) است و CFOV به تلاطم جریان وجوه نقد (انحراف معیار نسبت جریان وجوه نقد عملیاتی شرکت در سه سال اخیر) اشاره دارد. همچنین، COVID متغیر دو ارزشی شیوع کووید ۱۹ است که برای سال‌های شیوع این بیماری (۱۴۰۰-۱۳۹۹) مقدار ۱ و برای سایر سال‌ها مقدار صفر دارد. نماد $\sum_{j=1}^8 \psi_j Controls_{j,it}$ به هشت متغیر جریان وجوه نقد CFO (نسبت جریان وجوه نقد عملیاتی به کل دارایی‌ها)، اندازه شرکت SIZE (لگاریتم کل دارایی‌ها در مبنای ده)، فرصت‌های رشد MTB (نسبت مجموع ارزش بازار سهام و ارزش دفتری کل بدهی‌ها به ارزش دفتری کل دارایی‌ها)، نسبت اهرمی LEV (مجموع تسهیلات دریافتی جاری و بلندمدت به کل دارایی‌ها)، خالص سرمایه در گردش NWC (دارایی‌های جاری غیرنقد منهای بدهی‌های جاری تقسیم بر کل دارایی‌ها)، مخارج سرمایه‌ای CAPEX (مجموع مبالغ صرف‌شده برای خرید دارایی‌های ثابت مشهود و نامشهود تقسیم بر کل دارایی‌ها)، تلاطم جریان وجوه نقد صنعت ICFV (میانة انحراف معیار نسبت جریان وجوه نقد عملیاتی در سه سال اخیر در سطح هر صنعت) و DIVD (متغیر دو ارزشی توزیع سود نقدی که برای شرکت‌های توزیع‌کننده سود نقدی مقدار ۱ و برای سایر شرکت‌ها مقدار صفر دارد) اشاره دارد که مطابق با پژوهش‌های پیشین (مانند اورلوا، ۲۰۲۰؛ ژو و همکاران، ۲۰۲۲ و افلاطونی و همکاران، ۱۴۰۱) بر سطح نگهداشت وجه نقد شرکت اثر دارند و برای کنترل تأثیر آن‌ها بر تغییرات متغیر وابسته، در مدل‌ها لحاظ شده‌اند. مطابق با فرضیه‌های اول و دوم پژوهش، انتظار می‌رود که به ترتیب، ضریب متغیر CFOV و ضریب متغیر دو ارزشی COVID، مثبت و معنادار باشند. در پایان، برای بررسی اثر تعدیل‌گر شیوع کووید ۱۹ بر رابطه بین تلاطم جریان وجوه نقد و نسبت نگهداشت وجه نقد، مدل زیر تنظیم و برازش شده است:

$$CASH_{it+1} = \gamma_0 + \gamma_1 COVID_{it} + \gamma_2 CFOV_{it} + \gamma_3 COVID_{it} \times CFOV_{it} + \sum_{j=1}^8 \psi_j Controls_{j,it} + \varepsilon_{it+1} \quad \text{مدل (۳)}$$

مطابق با فرضیه سوم پژوهش، در این مدل، مثبت و معنادار بودن ضریب متغیر تعاملی $COVID \times CFOV$ نشان می‌دهد که شیوع کووید ۱۹ رابطه بین تلاطم جریان وجوه نقد عملیاتی و نسبت نگهداشت وجه نقد را تقویت کرده است.

یافته‌های پژوهش

آماره‌های توصیفی و توزیع مشاهدات در سطح صنایع

برای ارائه یک نمای کلی از وضعیت توزیع متغیرهای پژوهش، آماره‌های توصیفی در جدول (۱) ارائه شده‌اند. نتایج بیانگر آن است که شرکت‌ها حدود ۷ درصد از دارایی‌های خود را به صورت نقد نگهداری می‌کنند، جریان وجوه نقد عملیاتی معادل ۱۱ درصد کل دارایی‌ها است، مجموع ارزش بازار سهام و ارزش دفتری بدهی‌ها بیش از ۲/۵ برابر کل دارایی‌ها است، مجموع تسهیلات دریافتی جاری و بلندمدت توسط شرکت‌ها معادل ۲۱ درصد دارایی‌ها است.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی پژوهش

نام متغیرها	نماد	میانگین	انحراف معیار	کمینه	میانه	بیشینه
نسبت نگهداشت وجه نقد	CASH	۰/۰۷۲۳	۰/۰۸۸۴	۰/۰۰۱۰	۰/۰۴۱۱	۰/۴۶۰۸
جریان وجوه نقد	CFO	۰/۱۱۴۸	۰/۱۳۳۱	-۰/۲۱۵۲	۰/۰۹۶۹	۰/۵۱۳۳
تلاطم جریان وجوه نقد	CFOV	۰/۰۷۹۹	۰/۰۵۷۴	۰/۰۰۲۳	۰/۰۶۶۲	۰/۳۷۱۵
اندازه شرکت	SIZE	۶/۱۱۶۳	۰/۸۹۱۰	۴/۳۳۷۴	۶/۰۲۹۹	۸/۴۶۰۹
فرصت‌های رشد	MTB	۲/۵۷۶۳	۲/۳۹۱۱	۰/۷۳۸۳	۱/۷۵۰۲	۹/۲۰۰۶
نسبت اهرمی	LEV	۰/۲۱۲۷	۰/۲۰۲۲	۰/۰۰۲۱	۰/۱۶۹۷	۱/۰۳۱۶
خالص سرمایه در گردش	NWC	۰/۰۲۹۰	۰/۲۶۸۸	-۱/۱۸۴۸	۰/۰۵۶۲	۰/۵۸۴۴
مخارج سرمایه‌ای	CAPEX	۰/۰۴۹۷	۰/۰۶۵۸	۰/۰۰۱۱	۰/۰۲۶۸	۰/۳۷۷۱
تلاطم جریان وجوه نقد صنعت	ICFV	۰/۰۷۱۵	۰/۰۲۷۵	۰/۰۱۷۰	۰/۰۶۷۷	۰/۲۶۲۸
توزیع سود نقدی	DIVID	۰/۹۵۴۹	۰/۲۰۷۵	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰

جدول ۲. توزیع مشاهدات در سطح صنایع

میانگین نسبت نگهداشت وجه نقد			
تفاوت	دوره بحران	قبل از بحران	تعداد مشاهدات
۰/۰۸۹۰ ^{***}	۰/۱۸۱۳	۰/۰۹۲۲	۱۷۶
۰/۰۰۶۰ ^{**}	۰/۰۵۷۸	۰/۰۵۱۸	۲۰۹
۰/۰۰۹۰ ^{**}	۰/۰۴۵۰	۰/۰۳۶۰	۱۸۷
۰/۰۲۳۳ ^{***}	۰/۰۹۰۲	۰/۰۶۶۹	۱۸۷
۰/۰۰۳۶ [*]	۰/۰۶۲۷	۰/۰۵۹۱	۱۷۶
۰/۰۰۶۳۰ ^{***}	۰/۱۴۶۹	۰/۰۸۳۹	۲۶۴
۰/۰۳۵۴ ^{***}	۰/۱۰۴۹	۰/۰۶۹۶	۱۳۲
۰/۰۱۴۹ ^{**}	۰/۰۹۳۴	۰/۰۷۸۵	۱۱۰
۰/۰۲۸۸ ^{***}	۰/۱۱۰۱	۰/۰۸۱۲	۱۲۱
۰/۰۱۶۱ ^{**}	۰/۱۰۴۱	۰/۰۸۸۰	۱۴۳
-۰/۰۰۱۳	۰/۰۶۲۵	۰/۰۶۳۸	۸۸
*، ** و *** به ترتیب، معناداری در سطح ۱۰ درصد، ۵ درصد و ۱ درصد			

همچنین، نتایج نشان می‌دهد که خالص سرمایه در گردش رقمی نزدیک به ۳ درصد دارایی‌ها را تشکیل می‌دهد، شرکت‌ها نزدیک به ۵ درصد از وجوه خود را صرف خرید دارایی‌های سرمایه‌ای کرده‌اند و حدود ۹۵ درصد شرکت‌ها، سود نقدی توزیع نموده‌اند. در جدول (۲)، تعداد مشاهدات در سطح هر صنعت ارائه گردیده و معناداری اختلاف میانگین نسبت نگهداشت وجه نقد در سال‌های قبل از شیوع کووید ۱۹ و دوره شیوع این همه‌گیری، برای هر صنعت مشخص شده است. نتایج بیانگر آن است که در تقریباً در تمام صنایع، میزان نگهداشت وجه نقد در دوره شیوع کووید ۱۹ به صورت معناداری بیش از سال‌های قبل از آن است. با آن که این یافته‌ها شواهد اولیه در حمایت از فرضیه دوم پژوهش ارائه می‌کنند، در بخش‌های آتی و با کنترل اثر سایر متغیرها، شواهد محکمی در این رابطه، گزارش شده است.

نتایج برازش مدل (۱) و آزمون فرضیه اول پژوهش

به منظور آزمون فرضیه اول پژوهش مبنی بر تأثیر مثبت تلاطم جریان وجوه نقد بر میزان نگهداشت وجه نقد، مدل (۲) بدون کنترل اثرات ثابت سال‌ها و صنایع و نیز با کنترل اثر این متغیرها برازش شده و نتایج به ترتیب در ستون‌های (۱) و (۲) جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج برازش مدل (۲) و آزمون فرضیه نخست پژوهش

ستون (۲) متغیر وابسته: CASH		ستون (۱) متغیر وابسته: CASH		نماد متغیرها	نام متغیرها
آماره t	ضریب	آماره t	ضریب		
۱/۰۷	۰/۰۳۹۱	-۰/۳۱	-۰/۰۰۹۵	β_0	عرض از مبدأ
۳/۹۵	۰/۲۱۸۳***	۴/۰۳	۰/۲۲۰۶***	CFOV	تلاطم جریان وجوه نقد
۵/۵۶	۰/۱۷۹۴***	۵/۳۱	۰/۱۸۶۳***	CFO	جریان وجوه نقد
۰/۰۶	۰/۰۰۰۳	۱/۱۹	۰/۰۰۴۹	SIZE	اندازه شرکت
۳/۲۹	۰/۰۰۶۱***	۵/۷۲	۰/۰۰۸۰***	MTB	فرصت‌های رشد
-۳/۰۲	-۰/۰۷۷۷***	-۴/۳۶	-۰/۰۹۶۱***	LEV	نسبت اهرمی
-۱/۴۱	-۰/۰۲۴۹	-۲/۲۲	-۰/۰۳۶۳***	NWC	خالص سرمایه در گردش
-۴/۷۵	-۰/۲۲۵۰***	-۴/۴۶	-۰/۲۱۴۱***	CAPEX	مخارج سرمایه‌ای
۰/۰۸	۰/۰۱۲۵	-۰/۵۷	-۰/۰۷۵۵	ICFV	تلاطم جریان وجوه نقد صنعت
۲/۰۲	۰/۰۳۱۴***	۲/۲۲	۰/۰۳۰۰**	DIVD	توزیع سود نقدی
	بله		خیر		اثرات سال‌ها
	بله		خیر		اثرات صنایع
۰/۲۸۸۹		۰/۲۵۰۶			ضریب تعیین تعدیل شده
۶/۲۷***		۱۴/۶۷***			آماره فیشر
۲/۲۳		۱/۲۲			میانگین عامل تورم واریانس
*, **, و *** به ترتیب، معناداری در سطح ۱۰ درصد، ۵ درصد و ۱ درصد					

در ستون (۱)، متغیرهای تلاطم جریان وجوه نقد (۰/۲۲۰۶)، جریان وجوه نقد (۰/۱۸۶۳)، فرصت‌های رشد (۰/۰۰۸۰)، نسبت اهرمی (-۰/۰۹۶۱)، خالص سرمایه در گردش (-۰/۰۳۶۳)، مخارج سرمایه‌ای (-۰/۲۱۴۱) و توزیع سود نقدی (۰/۰۳۰۰) رابطه معناداری با نگهداشت وجه نقد دارند و بالغ بر ۲۵ درصد تغییرات این متغیر را تبیین می‌کنند. در ستون (۲)، متغیرهای تلاطم

جریان وجوه نقد (۰/۲۱۸۳)، جریان وجوه نقد (۰/۱۷۹۴)، فرصت‌های رشد (۰/۰۰۶۱)، نسبت اهرمی (۰/۰۷۷۷-)، مخارج سرمایه‌ای (۰/۲۲۵۰-) و توزیع سود نقدی (۰/۰۳۱۴) رابطه معناداری با نگهداشت وجه نقد دارند و با مشارکت اثرات ثابت سال‌ها و صنایع، حدود ۲۹ درصد از تغییرات این متغیر را توضیح می‌دهند. معناداری آماره فیشر (به ترتیب ۱۴/۶۷ و ۶/۲۷) بیانگر معنادار بودن مدل برازش شده است و کمتر بودن میانگین عامل تورم واریانس (به ترتیب ۱/۲۲ و ۲/۲۳) از عدد ۵ بیانگر همخط نبودن متغیرهای توضیحی است.

مثبت و معنادار بودن ضریب متغیر تلاطم جریان وجوه نقد (به ترتیب ۰/۲۲۰۶ و ۰/۲۱۸۳) نشان می‌دهد هرچه تلاطم جریان وجوه نقد عملیاتی واحدهای تجاری بالاتر باشد؛ وجه نقد بیشتری در آن‌ها نگهداری می‌شود. این نتایج بیانگر عدم رد فرضیه اول پژوهش است.

نتایج برازش مدل (۲) و آزمون فرضیه دوم پژوهش

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش مبنی بر تأثیر مثبت کووید ۱۹ بر میزان نگهداشت وجه نقد، نتایج برازش مدل (۱) بدون کنترل اثرات ثابت سال‌ها و صنایع و نیز با کنترل اثر این متغیرها به ترتیب در ستون‌های (۱) و (۲) جدول (۳) گزارش شده است. در ستون (۱)، متغیرهای کووید ۱۹ (۰/۰۲۱۲)، جریان وجوه نقد (۰/۲۰۴۸)، فرصت‌های رشد (۰/۰۰۶۶)، نسبت اهرمی (۰/۰۷۱۵-)، خالص سرمایه در گردش (۰/۰۲۵۷-) و مخارج سرمایه‌ای (۰/۱۸۸۱-) رابطه معناداری با نگهداشت وجه نقد دارند و حدود ۲۰ درصد از تغییرات این متغیر را تبیین می‌کنند. در ستون (۲)، عرض از مبدأ (۰/۰۸۱۶) معنادار است و متغیرهای کووید ۱۹ (۰/۰۳۳۹)، جریان وجوه نقد (۰/۲۰۲۴)، فرصت‌های رشد (۰/۰۰۴۲)، نسبت اهرمی (۰/۰۴۹۸-)، مخارج سرمایه‌ای (۰/۱۹۸۸-) و تلاطم جریان وجوه نقد صنعت (۰/۱۵۷۵) رابطه معناداری با نگهداشت وجه نقد دارند و با مشارکت اثرات ثابت سال‌ها و صنایع، حدود ۲۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را شرح می‌دهند. معناداری آماره فیشر (به ترتیب ۱۵/۶۲ و ۷/۸۱) بیانگر معنادار بودن مدل است و کمتر بودن میانگین عامل تورم واریانس (به ترتیب ۱/۱۸ و ۲/۱۳) از عدد ۵ بیانگر عدم وجود همخطی بین متغیرهای توضیحی است. مثبت و معنادار بودن ضریب متغیر دو ارزشی کووید ۱۹ (به ترتیب ۰/۰۲۱۲ و ۰/۰۳۳۹) بیانگر آن است که در مقایسه با سال‌های قبل از شیوع کووید ۱۹، در دوره این همه‌گیری، شرکت‌ها وجه نقد بیشتری نگهداری کرده‌اند. این یافته‌ها شواهد کافی در حمایت از فرضیه دوم پژوهش ارائه می‌کنند.

جدول ۴. نتایج برازش مدل (۲) و آزمون فرضیه دوم پژوهش

ستون (۲) متغیر وابسته: CASH		ستون (۱) متغیر وابسته: CASH		نماد متغیرها	نام متغیرها
ضریب	آماره t	ضریب	آماره t		
۰/۰۸۱۶***	۲/۶۵	۰/۰۲۳۲	۰/۸۲	α_0	عرض از مبدأ
۰/۰۳۳۹***	۲/۷۹	۰/۰۲۱۲**	۲/۲۹	COVID	کووید ۱۹
۰/۰۲۰۲۴***	۸/۱۱	۰/۰۲۰۴۸***	۷/۲۶	CFO	جریان وجوه نقد
-۰/۰۰۵۲	-۱/۲۳	۰/۰۰۲۲	۰/۵۹	SIZE	اندازه شرکت
۰/۰۰۴۲***	۲/۶۳	۰/۰۰۶۶***	۵/۵۵	MTB	فرصت‌های رشد
-۰/۰۴۹۸***	-۲/۷۳	-۰/۰۷۱۵***	-۴/۴۱	LEV	نسبت اهرمی
-۰/۰۱۸۵	-۱/۳۸	-۰/۰۲۵۷*	-۱/۹۵	NWC	خالص سرمایه در گردش
-۰/۱۹۸۸***	-۵/۶۰	-۰/۱۸۸۱***	-۴/۹۶	CAPEX	مخارج سرمایه‌ای
۰/۱۵۷۵*	۱/۸۰	۰/۰۵۰۲	۰/۶۰	ICFV	تلاطم جریان وجوه نقد صنعت
۰/۰۲۱۷	۱/۳۱	۰/۰۱۵۵	۱/۰۱	DIVID	توزیع سود نقدی
بله		خیر			اثرات سال‌ها
بله		خیر			اثرات صنایع
۰/۲۴۳۸		۰/۲۰۱۹			ضریب تعیین تعدیل شده
۷/۸۱***		۱۵/۶۲***			آماره فیشر
۲/۱۳		۱/۱۸			میانگین عامل تورم واریانس

*، ** و *** به ترتیب، معناداری در سطح ۱۰ درصد، ۵ درصد و ۱ درصد

نتایج برازش مدل (۳) و آزمون فرضیه سوم پژوهش

برای آزمون فرضیه سوم پژوهش مبنی بر اثر تعدیل‌گر شیوع کووید ۱۹ بر رابطه بین تلاطم جریان وجوه نقد شرکت و نسبت نگهداشت وجه نقد، نتایج برازش مدل (۳) بدون کنترل اثرات ثابت سال‌ها و صنایع و نیز با کنترل اثر این متغیرها به ترتیب در ستون‌های (۱) و (۲) جدول (۵) گزارش شده است. در ستون (۱)، متغیرهای کووید ۱۹ (۰/۰۲۸۰)، تلاطم جریان وجوه نقد (۰/۱۹۲۴)، تعامل کووید ۱۹ و تلاطم جریان وجوه نقد (۰/۱۱۹۴)، نسبت جریان وجوه نقد (۰/۱۸۶۰)، فرصت‌های رشد (۰/۰۰۸۰)، نسبت اهرمی (۰/۰۹۵۹-)، خالص سرمایه در گردش (۰/۰۳۷۲-)، مخارج سرمایه‌ای (۰/۲۱۴۲-) و توزیع سود نقدی (۰/۰۲۸۸) رابطه معناداری با نگهداشت وجه نقد دارند و حدود ۲۵ درصد از تغییرات این متغیر را تبیین می‌کنند.

جدول ۵. نتایج برازش مدل (۳) و آزمون فرضیه سوم پژوهش

ستون (۲) متغیر وابسته: CASH		ستون (۱) متغیر وابسته: CASH		نماد متغیرها	نام متغیرها
ضریب	آماره t	ضریب	آماره t		
۰/۰۴۲۳	۱/۱۳	-۰/۱۱	-۰/۰۰۳۶	γ_0	عرض از مبدأ
۰/۰۲۸۲ ^{***}	۲/۳۵	۲/۲۱	۰/۰۲۸۰ ^{***}	COVID	کووید ۱۹
۰/۱۹۲۶ ^{***}	۲/۸۲	۲/۸۳	۰/۱۹۲۴ ^{***}	CFOV	تلاطم جریان وجوه نقد
۰/۱۰۸۵ ^{***}	۲/۹۸	۳/۰۴	۰/۱۱۹۴ ^{***}	COVID*CFOV	تلاطم جریان وجوه نقد در کووید ۱۹
۰/۱۷۹۴ ^{***}	۵/۵۷	۵/۳۰	۰/۱۸۶۰ ^{***}	CFO	جریان وجوه نقد
۰/۰۰۰۳	۰/۰۶	۰/۹۳	۰/۰۰۴۴	SIZE	اندازه شرکت
۰/۰۰۶۱ ^{***}	۳/۳۱	۵/۷۲	۰/۰۰۸۰ ^{***}	MTB	فرصت‌های رشد
-۰/۰۷۷۷ ^{***}	-۳/۰۳	-۴/۳۴	-۰/۰۹۵۹ ^{***}	LEV	نسبت اهرمی
-۰/۰۲۵۳	-۱/۴۳	-۲/۲۳	-۰/۰۳۷۲ ^{***}	NWC	خالص سرمایه در گردش
-۰/۲۲۳۸ ^{***}	-۴/۷۴	-۴/۴۱	-۰/۲۱۴۲ ^{***}	CAPEX	مخارج سرمایه‌ای
۰/۰۱۴۴	۰/۱۰	-۰/۶۰	-۰/۰۷۷۸	ICFV	تلاطم جریان وجوه نقد صنعت
۰/۰۳۰۲ [*]	۱/۹۰	۲/۰۸	۰/۰۲۸۸ ^{**}	DIVD	توزیع سود نقدی
بله		خیر			اثرات سال‌ها
بله		خیر			اثرات صنایع
۰/۲۸۹۶		۰/۲۵۱۶			ضریب تعیین تعدیل شده
۶/۱۸ ^{***}		۱۲/۲۲ ^{***}			آماره فیشر
۲/۲۵		۱/۶۴			میانگین عامل تورم واریانس

***، ** و * به ترتیب، معناداری در سطح ۱۰ درصد، ۵ درصد و ۱ درصد

در ستون (۲)، متغیرهای کووید ۱۹ (۰/۰۲۸۲)، تلاطم جریان وجوه نقد (۰/۱۹۲۶)، تعامل کووید ۱۹ و تلاطم جریان وجه نقد (۰/۱۰۸۵)، نسبت جریان وجوه نقد (۰/۱۷۹۴)، فرصت‌های رشد (۰/۰۰۶۱)، نسبت اهرمی (-۰/۰۷۷۷)، مخارج سرمایه‌ای (-۰/۲۲۳۸) و توزیع سود نقدی (۰/۰۳۰۲) رابطه معناداری با نگهداشت وجه نقد دارند و با مشارکت اثرات ثابت سال‌ها و صنایع، حدود ۲۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را شرح می‌دهند. معنادار بودن آماره فیشر (به ترتیب ۱۲/۲۲ و ۶/۱۸) بیانگر معناداری مدل است و کوچک‌تر بودن میانگین عامل تورم واریانس (به ترتیب ۱/۶۴ و ۲/۲۵) از عدد ۵ بیانگر عدم وجود همخطی بین متغیرهای توضیحی است. در

ستون‌های (۱) و (۲)، نتایج بیانگر آن است که در سال‌های قبل از شیوع کووید ۱۹ ($COVID=0$)، تلاطم در جریان وجوه نقد عملیاتی به ترتیب با ضرایب $0/1924$ و $0/1926$ بر نسبت نگهداشت وجه نقد، تأثیر داشته است و با شیوع کووید ۱۹ ($COVID=1$)، این میزان به ترتیب به $0/3118$ (یعنی $0/1924+0/1194$) و $0/3011$ (یعنی $0/1926+0/1085$) افزایش یافته است. مثبت و معنادار بودن ضریب متغیر تعاملی $COVID*CFOV$ (به ترتیب $0/1194$ و $0/1085$) نشان می‌دهد که شیوع کووید ۱۹ رابطه بین تلاطم در جریان وجوه نقد عملیاتی و نسبت نگهداشت وجه نقد را به صورت معناداری تشدید کرده است. این یافته‌ها شواهد کافی از عدم رد فرضیه سوم پژوهش ارائه می‌کنند.

نتایج تحلیل‌های تکمیلی

برای اطمینان از حساس نبودن یافته‌های بخش قبل نسبت به نحوه سنجش متغیر نگهداشت وجه نقد و شیوه برازش مدل‌ها، آزمون‌های تکمیلی انجام شده و جهت تلخیص، صرفاً نتایج موردنیاز برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، در جدول (۶) گزارش گردیده‌اند. در بخش الف از جدول (۶)، با پیروی از اورلوا (۲۰۲۰) و هوندا و یوسوگی (۲۰۲۲)، نسبت نگهداشت وجه نقد معادل با نسبت وجوه نقد و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت بر کل دارایی‌های غیرنقد محاسبه شده و مدل‌های پژوهش با کنترل اثرات ثابت سال‌ها و صنایع، مجدداً برازش شده‌اند. مثبت و معنادار بودن ضریب متغیرهای تلاطم جریان وجوه نقد ($0/0529$)، شیوع کووید ۱۹ ($0/3296$) و متغیر تعاملی $COVID*CFOV$ ($0/1272$) به ترتیب بیانگر عدم رد فرضیه‌های اول، دوم و سوم پژوهش هستند و نشان می‌دهند که نتایج پژوهش نسبت به شیوه تعریف نسبت نگهداشت وجه نقد، حساس نیست. در بخش ب از جدول (۶)، مدل‌های پژوهش با رویکرد داده‌های ترکیبی برازش شده‌اند. در این رویکرد، معناداری آماره بروش - پاگان^۱ و معنادار نبودن آماره هاسمن^۲ بیانگر ارجحیت الگوی اثرات تصادفی^۳ برای برازش مدل‌های پژوهش است. افزون بر آن، چون با به کارگیری الگوی اثرات تصادفی، می‌توان اثرات سال‌ها و صنایع را نیز کنترل نمود (افلاطونی، ۱۴۰۲ ص ۲۴۹)، مدل‌های پژوهش با کنترل اثرات این متغیرها و لحاظ نمودن اثرات فردی تصادفی، برازش شده‌اند. مثبت و معنادار بودن ضریب متغیرهای تلاطم جریان وجوه نقد

1. Breusch & Pagan
2. Hausman
3. Random effects

(۰/۰۳۳۲)، شیوع کووید ۱۹ (۰/۱۷۹۱) و ضریب متغیر تعاملی COVID*CFOV (۰/۱۳۹۸) به ترتیب بیانگر عدم فرضیه‌های اول، دوم و سوم پژوهش هستند و نشان می‌دهند که نتایج پژوهش نسبت به شیوه جایگزین برای برازش مدل‌ها، حساس نیست.

جدول ۶. نتایج آزمون‌های تکمیلی

الف. به کارگیری تعریف جایگزین برای سنجش نسبت نگهداشت وجه نقد						
مدل (۳) فرضیه سوم		مدل (۲) فرضیه دوم		مدل (۱) فرضیه اول		نماد متغیرها
ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	
				۰/۰۵۲۹***	۲/۷۷	CFOV
		۰/۳۲۹۶***	۳/۷۱			COVID
۰/۱۲۷۲**	۲/۴۷					COVID*CFOV
۰/۲۶۰۹		۰/۲۲۵۱		۰/۲۰۶		ضریب تعیین تعدیل شده
۴/۹۴***		۶/۲۰***		۵/۰۳۶***		آماره فیشر
ب. به کارگیری رویکرد داده‌های ترکیبی برای برازش مدل‌ها						
مدل (۳) فرضیه سوم		مدل (۲) فرضیه دوم		مدل (۱) فرضیه اول		نماد متغیرها
ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	
				۰/۰۳۳۲***	۲/۸۱	CFOV
		۰/۱۷۹۱***	۴/۳۴			COVID
۰/۱۳۹۸***	۲/۸۴					COVID*CFOV
۰/۲۸۳۹		۰/۲۳۶۳		۰/۲۸۳۴		ضریب تعیین کلی
۳۷/۳۱***		۵۰/۹۰***		۳۵/۷۱***		آماره کای دو
۱۹۷/۳۶***		۳۵۷/۳۰***		۱۹۹/۵۴***		آزمون بروش-پاگان
۱۱/۲۸		۵/۵۴		۷/۹۳		آزمون هاسمن
*، ** و *** به ترتیب، معناداری در سطح ۱۰ درصد، ۵ درصد و ۱ درصد						

بحث و نتیجه گیری

یکی از وظایف اصلی مدیران، تعیین ساختار بهینه دارایی‌ها در شرایط متفاوت اقتصادی و مالی است. در این زمینه، یکی از تصمیمات کلیدی مدیران، تعیین میزان وجه نقدی است که باید توسط شرکت نگهداری شود (رسایان و همکاران، ۱۳۸۹). با آن‌که واحدهای تجاری با

انگیزه‌های مختلفی اقدام به نگهداشت وجه نقد می‌کنند؛ ولی نگهداری وجه نقد با انگیزه‌های احتیاطی و در شرایط وقوع بحران‌ها، بیشتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در این راستا، پژوهش حاضر اثر تلاطم جریان وجوه نقد واحد تجاری و شیوع کووید ۱۹ را به ترتیب به‌عنوان دو عامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی، بر سطح نگهداشت وجه نقد بررسی کرده و اثر تعدیل‌گر شیوع کووید ۱۹ را بر رابطه بین تلاطم جریان وجوه نقد و سطح نگهداشت وجه نقد، تحلیل نموده است. نتایج پژوهش حاضر مبنی بر اثر مثبت تلاطم جریان وجوه نقد بر سطح نگهداشت وجه نقد، با یافته‌های لوزانو و یامان (۲۰۲۰)، هوندا و یوسوگی (۲۰۲۲)، فروغی و فرزادی (۱۳۹۳) و افیونی و هاشمی (۱۳۹۶) همخوانی دارد. نتایج نشان می‌دهد که شیوع کووید ۱۹ با تحریک انگیزه‌های احتیاطی واحدهای تجاری، منجر به نگهداشت وجه نقد بیشتری در آن‌ها شده است. این نتایج با یافته‌های هی و همکاران (۲۰۲۲)، هوندا و یوسوگی (۲۰۲۲)، ژو همکاران (۲۰۲۲) و چانگ و همکاران (۲۰۲۳) سازگار است. افزون بر آن، نتایج نشان داد که شیوع کووید ۱۹ توانسته اثر مثبت تلاطم جریان وجوه نقد بر سطح نگهداشت وجه نقد را تشدید کند. یافته‌های اخیر با نتایج هوندا و یوسوگی (۲۰۲۲) سازگار است.

در این پژوهش، برای اطمینان از حضور تمام متغیرهای مؤثر بر سطح نگهداشت وجه نقد و کاهش احتمال بروز تورش متغیرهای محذوف^۱، متغیرهای کنترلی متعددی در مدل‌ها لحاظ شده است و برای کنترل تأثیر آن دسته از خصوصیات واحدهای تجاری که در طول زمان و در میان صنایع، ثابت هستند، اثرات سال‌ها و صنایع نیز کنترل گردیده است. برای در نظر گرفتن همبستگی خوشه‌ای^۲، جملات اخلاص مدل‌ها در سنجش خطای استاندارد ضرایب، تصحیح خوشه‌ای در سطح شرکت‌ها به کار رفته است. به‌علاوه، برای سنجش متغیر وابسته پژوهش از دو تعریف جایگزین استفاده شده و یک رویکرد جایگزین (روش داده‌های ترکیبی) برای برازش مدل‌ها به کار رفته است. با این حال، برخی موضوعات می‌توانند در تعمیم مناسب نتایج پژوهش، محدودیت ایجاد کنند. برای نمونه، از مفروضات حاکم بر پژوهش حاضر آن است که بحران کووید ۱۹ به‌صورت همگن^۳ صنایع مختلف را تحت تأثیر قرار داده است؛ در حالی که شیوع این بیماری، به برخی صنایع مانند حمل‌ونقل، هتل‌داری، رستوران‌ها و ... آسیب جدی وارد کرده

1. Omitted variable bias

2. Cluster correlation

3. Homogenous

ولی اثر چندانی روی دیگر صنایع مانند مخابرات، انبوه‌سازی املاک و ... نداشته است (هوندا و یوسوگی، ۲۰۲۲). به همین دلیل، به پژوهشگران آتی توصیه می‌شود که با بررسی پژوهش حاضر در سطح صنایع، ناهمگنی^۱ موجود را مدنظر قرار دهند.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.

منابع

- افلاطونی، عباس. (۱۴۰۲). کاربرد اقتصادسنجی در پژوهش‌های کمی حسابداری. ویرایش دوم. تهران، نشر ترمه.
- افلاطونی، عباس؛ نیکبخت، زهرا؛ منصوری، کفسان. (۱۴۰۱). راهبرد تجاری شرکت، نگهداشت وجه نقد و سرعت تعدیل آن. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۹(۷۳): ۵۷-۸۴.
- افیونی، علیرضا؛ هاشمی، سید عباس. (۱۳۹۶). تأثیر سطح نگهداشت وجه نقد بر حساسیت سرمایه‌گذاری نسبت به نوسان‌های جریان نقدی عملیاتی در شرکت‌های دارای محدودیت مالی. *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، ۶(۲۱): ۴-۱۷.
- رساییان، امیر؛ رحیمی، فروغ؛ حنجری، سارا. (۱۳۸۹). تأثیر مکانیزم‌های نظارتی درون‌سازمانی حاکمیت شرکتی بر سطح نگهداشت وجه نقد در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۲(۴): ۱۲۵-۱۴۴.
- سپاسی، سحر؛ ییلوئی خمسلویی، مالک. (۱۳۹۲). حساسیت نامتقارن سطح وجه نقد نگهداری شده نسبت به جریان‌های نقدی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۰(۴): ۶۱-۷۶.
- عزیزی، صدیقه؛ جوکار، حسین. (۱۴۰۰). بررسی وجود سطح بهینه مدیریت سرمایه در گردش و نقطه بحرانی تورم و تأثیر آن بر سطح نگهداشت وجه نقد. *دانش حسابداری مالی*، ۸(۱): ۱۴۵-۱۷۳.
- غلامرضا پور، محمد، کاظمی، سیدپوریا، امیرنیا، نرجس، عرب، روح اله. (۱۴۰۰). بررسی تجربی نظریه‌های نمایندگی و ذینفعان در تبیین رابطه بین عملکرد کارکنان و نگهداشت وجه نقد شرکت. *دانش حسابداری مالی*، ۸(۴): ۱۶۹-۱۸۷.
- فروغی، داریوش؛ فرزادی، سعید. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر تغییرات جریان‌های نقدی بر سطح نگهداشت وجه نقد با در نظر گرفتن محدودیت تأمین مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مدیریت دارایی و تأمین مالی*، ۲(۱): ۲۱-۳۶.
- قربانی، سعید؛ عدیلی، مجتبی. (۱۳۹۱). نگهداشت وجه نقد، ارزش شرکت و عدم تقارن اطلاعاتی. *دانش حسابداری*، ۳(۸): ۱۳۱-۱۴۹.
- کریمی، غلامرضا، بیک بشرویه، سلمان، نظری، سعیده، سماوات، میلاد. (۱۴۰۱). رابطه عدم قطعیت با نگهداشت وجه نقد و موجودی کالا. *پیشرفت‌های حسابداری*، ۱۴(۲): ۲۲۱-۲۵۲.
- متین‌فرد، مهران؛ اولی، محمدرضا؛ میناب، مریم. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر نااطمینانی سیاسی بر نگهداشت وجه نقد. *دانش حسابداری*، ۱۱(۱): ۱۱۳-۱۳۴.
- مشایخ، شهناز؛ بهزادپور، سمیرا. (۱۳۹۳). تأثیر بیش‌اطمینانی مدیران بر سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۱(۴): ۴۸۵-۵۰۴.

مهرانی، ساسان؛ شیخی، کیوان؛ پارچینی پارچین، سیدمهدی. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین محافظه‌کاری در گزارشگری مالی و میزان نگهداشت وجه نقد. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۲(۷): ۱۷-۳۳.

مهربان‌پور، محمدرضا؛ فرجی، امید؛ سجادپور، رضا. (۱۳۹۹). نقش میانجی کیفیت گزارشگری مالی در رابطه بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و نگهداشت وجه نقد. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۷(۱): ۱۳۲-۱۵۳.

نصیری، محمد؛ یغمائی علیشاه، ایوب. (۱۳۹۸). تأثیر تجدید ارائه صورت‌های مالی بر سیاست نگهداشت وجه نقد. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۹(۳): ۱۲۳-۱۴۲.

References

- Acharya, V. V; Almeida, H; & Campello, M. (2013). Aggregate risk and the choice between cash and lines of credit. *The Journal of Finance*, 68(5), 2059-2116.
- Aflatooni, A. (2023). *Econometrics in Quantitative Accounting Research*. 2nd ed. Tehran, Termeh pub. (In Persian)
- Aflatooni, A; Nikbakht, Z; & Mansouri, K. (2022). The firm's business strategy, cash holdings and its speed of adjustment. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 19(73): 57-84. (In Persian)
- Afyoni, A; & Hashemi, S. A. (2017). The effect of cash holding on investment sensitivity to operating cash flow volatility in financially constrained firms. *Accounting and Auditing Studies*, 6(21): 4-17. (In Persian)
- Aljughaiman, A. A; Nguyen, T. H; Trinh, V. Q; & Du, A. (2023). The COVID-19 outbreak, corporate financial distress and earnings management. *International Review of Financial Analysis*, 88, 102675.
- Almeida, H; Campello, M; & Weisbach, M. S. (2004). The cash flow sensitivity of cash. *The Journal of Finance*, 59(4), 1777-1804.
- Azizi, S; & Jokar, H. (2021). Investigating the existence of the optimal level of working capital management and the critical point of inflation and its effect on the level of cash holding. *Financial Accounting Knowledge*, 8(28): 145-173. (In Persian)
- Bae, J; & Kang, J. (2023). The role of labor in cash holdings: Evidence from the supply-side impact of COVID-19. *Economics Letters*, 224, 111034.
- Bates, T. W; Chang, C. H; & Chi, J. D. (2018). Why has the value of cash increased over time? *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 53(2), 749-787.
- Chen, Y; Shen, Y; and Wang, J. Y. (2020). Financial market response under major public health emergencies. *Financial Research*, 6, 20-39. (In Chinese)
- Chung, H. J; Jhang, H; & Ryu, D. (2023). Impacts of COVID-19 pandemic on corporate cash holdings: Evidence from Korea. *Emerging Markets Review*, 56, 101055.

- Dalwai, T. (2023). Impact of economic policy uncertainty on financial flexibility before and during the COVID-19 pandemic. *Journal of Asian Business and Economic Studies*, 30(4). 283-295.
- Duchin, R; Ozbas, O; & Sensoy, B. A. (2010). Costly external finance, corporate investment, and the subprime mortgage credit crisis. *Journal of Financial Economics*, 97(3), 418-435.
- Foroghi, D; & Farzadi, S. (2014). The effect of changes in cash flows on cash holdings regarding financing constraint facing the companies listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Asset Management and Financing*, 2(1): 21-36. (In Persian)
- Fosu, S; Danso, A; Ahmad, W; & Coffie, W. (2016). Information asymmetry, leverage and firm value: Do crisis and growth matter? *International Review of Financial Analysis*, 46, 140-150.
- Gholamrezapoor, M; Kazemi, S. P; Amirnia, N; & Arab, R. (2022). Empirical study of agency and stakeholder theories in explaining the relationship between employee performance and corporate cash holdings. *Financial Accounting Knowledge*, 8(4): 169-187. (In Persian)
- Ghorbani, S; & Adili, M. (2012). Firm value, cash holdings and information asymmetry. *Journal of Accounting Knowledge*, 3(8): 131-149. (In Persian)
- Han, S; & Qiu, J. (2007). Corporate precautionary cash holdings. *Journal of Corporate Finance*, 13(1), 43-57.
- He, Z; Suardi, S; Wang, K; & Zhao, Y. (2022). Firms' COVID-19 pandemic exposure and corporate cash policy: Evidence from China. *Economic Modelling*, 116, 105999.
- Honda, T; & Uesugi, I. (2022). COVID-19 and precautionary corporate cash holdings: Evidence from Japan. *Japanese Journal of Monetary and Financial Economics*, 10, 19-43. Available at: <https://ideas.repec.org/p/hit/rcecsr/dp21-2.html>
- Hosono, K; Miyakawa, D; and Takizawa, M. (2019). Cash holdings: evidence from firm-level big data in Japan. *Economic Analysis*, 200, 135-163. (In Chinese)
- Huo, X; & Qiu, Z. (2020). How does China's stock market react to the announcement of the COVID-19 pandemic lockdown? *Economic and Political Studies*, 8(1), 1-26.
- Jie, J; Hou, J; Cangyu, W; & Hai Yue, L. (2021). COVID-19 impact on firm investment-Evidence from Chinese publicly listed firms. *Journal of Asian Economics*, 75(1), 101320.
- Karami, G; Beik Boshroueyh, S; Nazari, S; & Samavat, M. (2023). The relationship of uncertainty with cash and inventory holdings. *Journal of Accounting Advances*, 14(2): 221-252. (In Persian)

- Keynes, J.M. (1936). The general theory of employment, interest, and money. Available at: https://www.files.ethz.ch/isn/125515/1366_keynestheoryofemployment.pdf
- Lozano, M. B; & Yaman, S. (2020). The European financial crisis and firms' cash holding policy: An analysis of the precautionary motive. *Global Policy*, 11, 84-94.
- Mashayekh, S; & Behzadpur, S. (2014). The effect of managers' overconfidence on dividend policy in the firms listed in Tehran stock market. *Accounting and Auditing Review*, 21(4): 485-504. (In Persian)
- Matinfard, M; Ola, M; & Minab, M. (2020). Investigating the impact of political uncertainty on cash holdings. *Journal of Accounting Knowledge*, 11(1): 113-134. (In Persian)
- Mehrabanpour, M. R; Faraji, O; & Sajadpour, R. (2020). The mediating role of financial reporting quality on the relationship between financial statement comparability and cash holdings. *Accounting and Auditing Review*, 27(1): 132-153. (In Persian)
- Mehrani, S; Sheykhi, K; & Parchini Parchin, S. M. (2013). The investigation the relationship between the conservatism in the financial reporting and the cash holdings of the listed companies in TSE. *Empirical Research in Accounting*, 3(1): 17-33. (In Persian)
- Melgarejo, M. A; & Stephen, S. A. (2023). Cash holding adjustments in Latin American firms during the covid-19 pandemic and other global systemic shocks. Available at: <https://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4503625>
- Nasiri, M; & Yaghmaei alishah, A. (2019). Accounting restatements and cash holding policy. *Empirical Research in Accounting*, 9(3): 123-142. (In Persian)
- Opler, T; Pinkowitz, L; Stulz, R; & Williamson, R. (1999). The determinants and implications of corporate cash holdings. *Journal of Financial Economics*, 52(1), 3-46.
- Orlova, S. V. (2020). Cultural and macroeconomic determinants of cash holdings management. *Journal of International Financial Management & Accounting*, 31(3): 270-294.
- Qianxi, Y. (2016). Financial flexibility, free cash flow and underinvestment: Empirical evidence from Chinese listed companies. *Journal of Hehai University, Philosophy and Social Sciences*, 18(4), 49-57.
- Rasaiian, A; Rahimi, F; & Hanjari, S. (2011). The effect of internal mechanisms of corporate governance on the level of cash holdings in Tehran Stock Exchange. *Financial Accounting Research*, 2(4): 125-144. (In Persian)
- Riddick, L. A; & Whited, T. M. (2009). The corporate propensity to save. *The Journal of Finance*, 64(4), 1729-1766.
- Sepasi, S; & Yabloui Khamsaloui, M. (2014). Asymmetric cash flow sensitivity of cash holdings. *Accounting and Auditing Review*, 20(4): 61-76. (In Persian)

- Shen, H; Fu, M; Pan, H; Yu, Z; & Chen, Y. (2020). The impact of the COVID-19 pandemic on firm performance. *Emerging Markets Finance and Trade*, 56(10), 2213-2230.
- Song, K. R; & Lee, Y. (2012). Long-term effects of a financial crisis: Evidence from cash holdings of East Asian firms. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 47(3), 617-641.
- Sun, Z; & Wang, Y. (2015). Corporate precautionary savings: Evidence from the recent financial crisis. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 56, 175-186.
- Yang, Z; Chen, Y. T; and Zhang, P. M. (2020). Macroeconomic shocks, financial risk transmission and governance responses under major unexpected public events. *Management World*, 36, 13-35.
- Yung, K; Li, D. D; & Jian, Y. (2015). The value of corporate financial flexibility in emerging countries. *Journal of Multinational Financial Management*, 32, 25-41.
- Zeng, A; Fu, Y; & Wei, W. (2011). Financial crisis shock, flexible financial reserve and corporate financing. *The Journal of Financial Research*, 10(1), 155-169.
- Zhang, D; Hu, M; & Ji, Q. (2020). Financial markets under the global pandemic of COVID-19. *Finance Research Letters*, 36, 101528.
- Zhou, D; Zhou, H; Bai, M; & Qin, Y. (2022). The COVID-19 outbreak and corporate cash-holding levels: Evidence from China. *Frontiers in psychology*, 13, 942210.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

Comparison of the Effect of Flipped Classroom and Quantum Teaching Methods with the Traditional Method on the Performance of Accounting Principles Students (1)¹

Hossein Esmailkhani², Mahmoud Moenaddin³,
Forough Heyrani⁴

Received: 2024/06/10

Accepted: 2024/09/07

Research Paper

Abstract

Teaching and learning introductory accounting courses is of great importance as a foundation for teaching other accounting topics. Also, the increasing development of digital technologies and their application in education has required universities to make changes in traditional education methods. Therefore, the present study tries to investigate the effect of using flipped classroom and quantum teaching methods compared to the traditional teaching method from the perspective of accounting students' performance. In this quasi-experimental research, 78 students of accounting principles course (1), from Islamic Azad University units in Rafsanjan city, were placed in experimental and control groups in the first semester of 1400-1401. Analysis of covariance was used to analyze the results. The findings of the present study show that the average scores obtained in the control group did not change significantly in the pre-test and post-test stages. However, the level of scores of students in the two experimental groups has increased in the post-test stage compared to the pre-test, so that the performance of the students in the experimental groups has improved the performance of the students compared to the traditional teaching method. Using the results of this research, professors can improve the teaching of accounting principles (1) by applying practical methods.

Keyword: Flipped Classroom Teaching Method, Quantum Teaching Method, Accounting Principles Lesson (1), Student Performance.

JEL Classification: A22.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.47414.3259

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. (hosseinesmailkhani@gmail.com).

3. Associate Professor, Department of Accounting, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. (Corresponding Author). (mahmoudmoein@iauyazd.ac.ir).

4. Assistant Professor, Department of Accounting, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. (heiranyforough@gmail.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقایسه تاثیر روش‌های تدریس معکوس و کوانتومی با روش سنتی بر عملکرد دانشجویان درس اصول حسابداری (۱)^۱

حسین اسماعیل خانی^۲، محمود معین‌الدین^۳، فروغ حیرانی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷

مقاله پژوهشی

چکیده

آموزش و یادگیری دروس مقدماتی حسابداری به عنوان زیربنای آموزش سایر مباحث حسابداری از اهمیت بالایی برخوردار است. همچنین توسعه روزافزون فناوری‌های دیجیتال و کاربرد آنها در آموزش، دانشگاه‌ها را ملزم به ایجاد تغییراتی در روش‌های آموزش سنتی نموده است. بنابراین پژوهش حاضر سعی در بررسی تاثیر کاربست روش‌های تدریس معکوس و کوانتومی در مقایسه با روش سنتی تدریس از بعد عملکرد دانشجویان حسابداری را دارد. در این پژوهش شبه آزمایشی ۷۸ دانشجوی درس اصول حسابداری (۱)، از واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی در سطح شهرستان رفسنجان، در نیمسال اول ۱۴۰۰-۱۴۰۱ در گروه‌های آزمایش و کنترل قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل نتایج از تحلیل کواریانس استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد میانگین نمرات اکسایبی در گروه کنترل در دو مرحله پیش آزمون و پس آزمون تغییر محسوسی نداشته است. اما سطح نمرات دانشجویان در دو گروه آزمایش در مرحله پس آزمون نسبت به پیش آزمون افزایش یافته است، به طوری که عملکرد دانشجویان در گروه‌های آزمایش در مقایسه با روش سنتی تدریس موجب بهبود عملکرد دانشجویان گردیده است. با استفاده از نتایج این پژوهش اساتید می‌توانند با کاربست روش‌های کاربردی، آموزش درس اصول حسابداری (۱) را بهبود بخشند.

واژه‌های کلیدی: روش تدریس معکوس، روش تدریس کوانتومی، درس اصول حسابداری (۱)، عملکرد دانشجویان.

طبقه‌بندی موضوعی: A22.

doi: 10.22051/JERA.2024.47414.3259

۲. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (hosseinesmailkhani@gmail.com)

۳. دانشیار، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسنده مسول). (mahmoudmoein@iauyazd.ac.ir)

۴. استادیار، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (heiranyforough@gmail.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه^۱

دوره مقدماتی حسابداری برای دانشجویان رشته حسابداری در سراسر جهان اجباری است. این دوره بسته به روش تدریسی که توسط مدرس اتخاذ می‌شود، می‌تواند به عنوان دروازه ورود یا خروج از رشته حسابداری عمل کند، مشاهده شده است که این دوره برای اکثر دانشجویان در سراسر جهان محبوب نیست (مک داوال و بورلی جکلینگ^۲، ۲۰۱۰). مطالعه‌ای که توسط ماریوت و ماریوت^۳ (۲۰۰۳) انجام شد، نشان داد که مشکلی در تدریس دوره مقدماتی حسابداری در دانشگاه‌ها وجود دارد، که سیگنال‌های منفی در مورد این دوره برای اکثر دانشجویان ارسال می‌کند. شاتوک^۴ (۲۰۰۷) استدلال کرد که تدریس دروس حسابداری در دانشگاه‌ها ضعیف است و در نتیجه اکثر فارغ‌التحصیلان حسابداری فاقد مهارت و تخصص مورد نیاز کارفرمایان هستند (کاوانا و درنان^۵، ۲۰۰۸). روش تدریس، انتقال دانش از مربی به دانش آموز است. یک مربی حسابداری ممکن است بر محتوای حسابداری تسلط کامل داشته باشد، تمام محتوای آموزشی در اختیارش باشد، دانش آموزان مستعد، کلاسی مساعد با تمام آنچه برای آموزش حسابداری لازم است داشته باشد. با این حال، اگر روش‌ها و دستورالعمل‌های اتخاذ شده مناسب نباشند، هیچ یادگیری مناسبی امکان‌پذیر نیست. بنابراین استفاده از روش‌های آموزشی مناسب و مرتبط در دوره مقدماتی حسابداری برای مدرسان حسابداری ضروری است. در نتیجه، دانش آموزان احتمالاً علاقه‌ای به درس پیدا می‌کنند که در نهایت منجر به عملکرد خوب و در نتیجه نگرش مثبت نسبت به دوره می‌شود (آکینی موسا^۶، ۲۰۱۸).

حسابداری فرآیند ثبت، طبقه‌بندی، انتخاب، اندازه‌گیری، تفسیر، خلاصه و گزارش داده‌های مالی یک سازمان برای ارزیابی عینی و تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان است. برای دستیابی به این اهداف، روش‌های آموزشی مؤثر نباید بدیهی تلقی شوند. از نظر آمزیولیک^۷ (۲۰۰۷) روش آموزشی فرآیند برنامه‌ریزی و انجام تکلیف آموزشی به منظور دستیابی به اهداف آموزشی است. روش‌های آموزشی می‌تواند معلم محور، یا یادگیرنده محور و یا ترکیبی باشد. اغلب،

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه می‌باشد.

2. McDowall and Beverley Jackling
3. Marriott & Marriott
4. Shattuck
5. Kavanagh & Drennan
6. Akinyi Musa
7. Umezulike

مدرسان روش‌هایی را ترجیح می‌دهند که کارشان را براساس باورها، ترجیحات و هنجارهای رشته‌هایشان آسان‌تر کند. در این راستا، برخی از معلمان معتقد بودند که دروس باید معلم محور باشد، جایی که معلم متخصص و مرجع ارائه اطلاعات باشد. با این وجود، روش معلم محور با تحریک ناکافی ظرفیت‌های نوآورانه دانش‌آموزان، تفکر فکری، به خاطر سپردن، انباشته شدن حقایق، حفظ ضعیف دانش و وابستگی بالا در بین فارغ‌التحصیلان همراه است (آمویت اتیانگ^۱، ۲۰۲۱). با توجه به نتایج تجربیات انجام شده توسط محققین، نتایج یادگیری دانشجویان حسابداری در دوره مقدماتی حسابداری رضایت بخش نبوده است. به همین دلیل، تلاش برای بهبود درک دانشجویان از مطالب مقدماتی حسابداری ضروری است. اگر یادگیری با روش‌های آموزشی جالب طراحی شود و اشتیاق دانش‌آموزان را برای دریافت درس افزایش دهد، یادگیری کلاسی به خوبی و روان انجام می‌شود. امروزه بسیاری از فعالیت‌های آموزشی و یادگیری در کلاس وجود دارد که دانش‌آموزان را خسته و تنبل می‌کند. حسابداری درسی است که بر جزئیات، تلخیص، درک و محاسبات تمرکز دارد، و همیشه با کلمه تعادل (توازن) مرتبط است. بنابراین، یادگیری حسابداری باید به گونه‌ای با جذابیت هر چه بیشتر طراحی شود تا دانش‌آموزان در پذیرش دروس جدی باشند تا یادگیری با کیفیت پایین صورت نگیرد (تورنر^۲، ۲۰۱۲). بنابراین با توجه به اهمیت آموزش درس اصول حسابداری (۱) برای دانشجویان رشته حسابداری، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا کاربست دو روش تدریس معکوس و کوانتومی در مقایسه با روش سنتی تدریس می‌تواند موجب بهبود عملکرد دانشجویان شود یا خیر؟

مبانی نظری و توسعه فرضیه‌های پژوهش

حسابداری یکی از مهمترین منابع اطلاعاتی در زندگی تجاری است، زیرا دانش حسابداری برای تهیه صورتهای مالی دقیق و قابل اعتماد برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان مورد نیاز است (آنگای کوتلوک^۳، ۲۰۱۸). اصول حسابداری یکی از دروس رشته حسابداری در سطح اول مقدماتی در مقطع کارشناسی با گرایش حسابداری است. به طوری که این درس درک

1. Amoit Ettyang
2. Toerner
3. Angay Kutluk

دانشجو از موضوعات حسابداری سطوح بالاتر را فراهم می‌آورد (وارن و یانگ^۱، ۲۰۱۲). و به دانشجویان کمک می‌کند تا درک خود را از حسابداری به عنوان یک حرفه شکل دهند. موضوعات اساسی این درس شامل مفاهیم و اصول حسابداری مربوط به دارایی‌ها، بدهی‌ها، حقوق صاحبان سهام، درآمد و هزینه‌ها، قوانین ثبت دوطرفه، چرخه حسابداری و تهیه صورت‌های مالی می‌شود (رینولدز و گریملی^۲، ۲۰۱۹). مطالعه حسابداری مقدماتی مستلزم درک مفاهیم و اصول اولیه برای کاربرد و حل مسئله است. حسابداری مستلزم آن است که دانش آموزان اصول و مفاهیم منطقی و غالباً مبتنی بر قوانین را که سپس به روش‌های مختلف در موقعیت‌های عملی اعمال می‌شوند، را بیاموزند. بنابراین، برای دانش آموزان بسیار مهم است که کاربرد یک تکنیک را یاد بگیرند و درک عمیقی از آن تکنیک داشته باشند تا از کاربرد مفهوم یا اصل در زمان مناسب به روش صحیح پشتیبانی کنند. علاوه بر این، اصول حسابداری تمایل به سلسله مراتب دارند، بنابراین ضروری است که دانش آموزان قبل از حرکت به سمت مفاهیم پیچیده تر، اصول اولیه را درک کنند (جایجیرام^۳، ۲۰۱۲). مطالعات قبلی شواهدی از عملکرد نامطلوب دانشجویان در حسابداری مقدماتی ارائه می‌دهد و دلایل متعددی برای این امر وجود دارد. دانشجویان در درک قوانین نگهداری حساب دو طرفه و معادلات حسابداری در رابطه با درآمد و هزینه‌ها مشکل دارند (مت دنگی^۴، ۲۰۱۷). همچنین، از دیدگاه دانشجویان، حسابداری شامل توابع ریاضی، عدد و محاسبات است، بنابراین، انتزاعی است و درک آن دشوار است (مت دنگی^۵، ۲۰۱۷). علاوه بر این، دانشجویان حسابداری را خسته کننده می‌دانند و انگیزه کمتری برای مطالعه حسابداری دارند (تورنر^۶، ۲۰۱۲). بنابراین برای دستیابی به اهداف آموزش حسابداری مقدماتی، روش‌های آموزشی مؤثر نباید بدیهی تلقی شوند. روش آموزشی از نظر یومزیولیک^۷ (۲۰۰۷)، فرآیند برنامه ریزی و انجام تکالیف آموزشی به منظور دستیابی به اهداف آموزشی است به طوری که روش‌های آموزشی می‌تواند معلم محور، یادگیرنده محور یا ترکیبی باشد. اغلب، معلمان روش‌هایی را ترجیح می‌دهند که کارشان را براساس باورها، ترجیحات و

1. Warren and Young
2. Reynolds and Grimley
3. Jajairam
4. Mat Dangi
5. Mat Dangi
6. Toerner
7. Umezulike

هنجارهای رشته‌هایشان آسان‌تر کند. در این راستا، برخی از معلمان معتقد بودند که دروس باید معلم محور باشد، جایی که معلم متخصص و مرجع ارائه اطلاعات باشد (احمد^۱، ۲۰۰۹). با این وجود، روش معلم محور با تحریک ناکافی ظرفیت‌های نوآورانه دانش آموزان، تفکر فکری، به خاطر سپردن، انباشته شدن حقایق، حفظ ضعیف دانش و وابستگی بالا در بین فارغ التحصیلان مرتبط است (آدیمی^۲، ۲۰۱۸). از سوی دیگر، برخی از معلمان رویکردهای یادگیرنده محوری را اتخاذ می‌کنند که در آن نقش آنها به تسهیل فرآیند تدریس محدود می‌شود. روش‌های یادگیرنده محور با تخیل، انتقاد و مهارت، مشارکت فعال دانش آموزان در فرآیند یادگیری از طریق بحث و درگیری فکری و همچنین پیشرفت یادگیری بالاتر و اثربخشی در آموزش و یادگیری همراه است (احمد^۳، ۲۰۰۹). چیکا^۴ (۲۰۱۲) مشاهده کرد که آموزش یادگیرنده محور یک استراتژی قدرتمند برای بهبود پیشرفت یادگیری در امتحان و بکارگیری دانش و مهارت‌های کسب شده است. آموزش سنتی حسابداری اغلب بر تکمیل کار، حفظ کردن و پاسخ‌های مستقیم که ماهیت توصیفی یادگیری دارند، تأکید می‌کند. محیط کسب و کار پویا کنونی نیازمند یادگیری عمیق است که در آن فراگیران باید بتوانند با استفاده از دانش موجود ایده‌ها و استراتژی‌های جدید را مفهوم سازی کنند (ترنر و باسکرویل^۵، ۲۰۱۳). از سوی دیگر توسعه روزافزون فناوری‌های دیجیتال و کاربرد آنها در آموزش، اکولوژی‌های یادگیری جدید را تسهیل می‌کند که فرصت‌ها و منابع جدید یادگیری مبتنی بر وب را به فراگیران ارائه می‌دهد. این گسترش سریع فناوری‌های تعاملی، اتخاذ رویکردهای نوآورانه در آموزش عالی را تسهیل کرده است که به ترویج یادگیری مشارکتی، کاوش و تحقیق در محیط‌های یادگیری شبکه‌ای آنلاین کمک می‌کند. در این زمینه است که رویکردهای جایگزین برای آموزش معلم محور پدید آمده و پیشرفتی در آموزش عالی ایجاد کرده است. صرف نظر از چالش‌ها، ضروری است که برنامه‌های دانشگاهی به ارائه خدمات آموزشی مؤثر ادامه دهند (تانگ و همکاران^۶، ۲۰۲۰). به همین دلیل، مکانیسم‌های بسیار متنوعی برای اطمینان از اینکه تدریس به طور منظم انجام

1. Ahmad
2. Adeyemi
3. Ahmad
4. Chika
5. Turner and Baskerville
6. Tang et al

می‌شود، ایجاد شده است (فرر و مارتینز^۱، ۲۰۲۱). طباطبائیان و مشایخ (۱۳۹۹)، پژوهشی با عنوان مقایسه اثرگذاری روش آموزش ترکیبی و چهره به چهره بر عملکرد دانشجویان رشته حسابداری، را با هدف بررسی تأثیر روش ترکیبی فناوری اطلاعات در آموزش به روش سنتی چهره به چهره با روش سنتی را انجام دادند، برای اجرای این پژوهش آنها از روش پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل و آزمایش بر روی دانشجویانی که در نیمسال اول سال تحصیلی ۹۸-۹۹ درس حسابداری میانه ۱ را اخذ کرده بودند، استفاده شده است. همچنین برای تحلیل نتایج از تحلیل کواریانس استفاده نموده‌اند. نتایج این پژوهش آنها نشان می‌دهد تلفیق فناوری در آموزش حسابداری تفاوتی در سطح عملکرد تحصیلی دانشجویان نسبت به روش چهره به چهره ایجاد نمی‌کند.

روش تدریس معکوس

آموزش معکوس از دو بخش اصلی تشکیل شده است: یادگیری تعاملی و ارتباطی داخل کلاس و تعلیم با کمک رایانه خارج از کلاس درس (رواچ^۲، ۲۰۱۴). در این روش محتوای درسی، خارج از کلاس درس و به وسیله فناوری‌های مختلف در اختیار دانش‌آموزان قرار داده می‌شود (اسماعیلی فر، ۲۰۱۶). و کلاس درس مکانی برای گفتگو درباره دانسته‌ها، رفع اشکال، پرسش و پاسخ و حل تمرین است. فعالیتهایی که قرار است در خانه اتفاق بیفتد، جایگزین تدریس در کلاس درس می‌شود و از این رو به این روش آموزشی، روش آموزش معکوس می‌گویند (الوبه^۳، ۲۰۱۶). با معکوس کردن کلاس درس، دانش‌آموزان زمان بیشتری برای حل مشکلات به طور جداگانه از طریق مشارکت با همسالان از طریق آموزش از راه دور خواهند داشت. همچنین زمان بیشتری برای تمرین‌ها و بحث‌های طولانی کلاس درس وجود دارد که به دانش‌آموزان کمک می‌کند به فهم عمیق‌تری از مفاهیم برسند (گارزا^۴، ۲۰۱۴). حسینی و جعفرزاده (۱۴۰۱)، پژوهشی با عنوان مقایسه اثربخشی روش‌های تدریس معکوس و سخنرانی (سنتی) بر یادگیری دانشجویان درس روان‌شناسی صنعتی-سازمانی، را با روش پیش‌آزمون و پس‌آزمون در بین ۷۸ نفر از دانشجویان دختر در دو گروه کلاسی انجام دادند. نتایج این پژوهش

1. Ferrer and Martínez
2. Roach
3. Lubbe
4. Garza

آنها نشان داد که روش تدریس معکوس به طور معناداری بیش از روش تدریس سخنرانی به بهبود عملکرد دانشجویان کمک می‌کند.

آموزش کوانتومی

یکی از فرآوریه‌هایی که در سال‌های اخیر تلاش کرده است تا امکان کاربرد ترکیبی از تئوری‌های آموزشی را به گونه‌ای سریع، یکپارچه و اثربخش در جریان کلاس درس مهیا سازد، مدل آموزش کوانتومی است. هرچند پسوند کوانتومی بیشتر نوعی استعاره است، اما فلسفه آموزش و یادگیری کوانتومی در فلسفه فیزیک کوانتومی ریشه دارد. مفاهیمی مانند سرعت، درهم تنیدگی و عدم قطعیت دانش واژه‌های غالب در فیزیک و مکانیک کوانتومی در مقابل پیش بینی پذیری پدیده‌ها در فیزیک نیوتونی هستند. فیزیک کوانتوم ذهن و آگاهی انسان را وارد بر واقعیت‌های جهان می‌داند به طوری که معتقد است بدون وجود انسان واقعیت‌ها یعنی دنیای ماده اینگونه که مشاهده می‌شوند، وجود نمی‌داشتند. در واقع مطابق این فلسفه نقش سطح آگاهی انسان در تاثیرگذاری بر وقایع جهان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از زمینه‌های کاربردی نظریه کوانتومی در حوزه آموزش است. یادگیری کوانتومی هسته اصلی مجموعه‌ای از نظریه‌های یادگیری است که به نحوه و سرعت سازمان دهی داده‌ها به وسیله مغز و کاربرد عملی تحقیقات مغز در فرآیند یادگیری می‌پردازد. یاددهی و یادگیری کوانتومی با استقرار یک مدل ساده و پویا لذت تدریس را به استادان باز می‌گرداند و دانشجویان را به سطح یادگیرندگان سیری ناپذیر ارتقاء می‌دهد (تانگ فن^۱، ۲۰۱۷). آموزش کوانتومی بر روابط پویا در محیط کلاس تمرکز دارد (عبدالرحمن و همکاران^۲، ۲۰۱۸). دیپوتر^۳ (۲۰۱۰)، بیان می‌کند که آموزش کوانتومی یک تغییر زنده در سبک یادگیری است. همچنین به گفته ریانتو^۴ (۲۰۱۰). برخی از مراحل یادگیری آموزش کوانتومی شامل TANDUR به شرح زیر است:

۱. رشد: استاد با تشریح مزایای درس برای دانشجویان، علاقه آنها به یادگیری را افزایش می‌دهد.
۲. ارائه تجربه: در این مرحله، معلم تجربیات یادگیری را قبل از آموزش یک مطلب به دانش آموزان ارائه می‌دهد تا میل طبیعی برای کاوش ایجاد شود. سپس با ترکیبی از

1. Tang Fan

2. Abdurrahman et al

3. DePoter

4. Rianto

- یک موسیقی ملایم، و ویدیو کلیپ آموزشی دانشجویان به فضایی آرام که از قبل به وسیله پوسترهای مربوط به روش یادگیری کوانتومی تزئین شده است، منتقل می‌نماید و دانشجویان براساس علائق فردی، گروه بندی خواهند شد.
۳. نام‌گذاری / ارائه مطالب: هنگامی که مطالب آموزشی ارائه می‌شود، معلم کلمات کلیدی، مفاهیم، فرمول‌ها یا ورودی را ارائه می‌دهد، به طوری که معلم محتوای اصلی را ارائه، دسته بندی و تعیین می‌کند و دانش‌آموزان برچسب زدن، مهارت‌های تفکر و استراتژی‌های تحصیلی را می‌آموزند.
۴. نشان دادن: از هر گروه خواسته می‌شود که نتایج گروه خود را در مقابل کلاس ارائه کند. گروه‌های دیگر می‌توانند به صورت گروهی پاسخ دهند. استاد با پرسیدن سوالات مرتبط به دانشجویان برای یافتن پاسخ برای مسائل مورد بحث کمک می‌نماید.
۵. تکرار: اتصالات عصبی را تقویت کرده و حافظه دانش‌آموزان را مرتب می‌کند. در این مرحله دانش‌آموزان با توجه به موضوعی که در خصوص آن بحث شده، موارد مهم را با راهنمایی استاد، یادداشت می‌کنند.
۶. جشن گرفتن: برای اینکه دانش‌آموزان اعتماد به نفس بیشتری داشته باشند و در مطالب بعدی اشتیاق بیشتری نشان دهند، معلمان از تلاش‌های گروه‌های مختلف با توجه به عملکردشان تقدیر نموده و به آنها پاداش می‌دهند (سیبارانی^۱، ۲۰۲۱).

فرضیه‌ها یا سوالات پژوهش

- با توجه به مبانی نظری پژوهش انتظار می‌رود بکارگیری روش‌های تدریس معکوس و کوانتومی در مقایسه با روش تدریس سنتی موجب بهبود عملکرد دانشجویان درس اصول حسابداری (۱) شود، لذا فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر قابل بررسی می‌باشند:
- فرضیه اول:** عملکرد دانشجویان در سه گروه مورد آموزش با روش‌های تدریس سنتی، معکوس و کوانتومی به طور معنی داری متفاوت است.
- فرضیه دوم:** کاربست روش‌های تدریس معکوس و کوانتومی در مقایسه با روش تدریس سنتی موجب بهبود عملکرد دانشجویان می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر شبه آزمایشی و از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل می‌باشد (دلاور، ۱۴۰۱). دیاگرام این طرح در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. دیاگرام پیش‌آزمون - پس‌آزمون

گروه	پیش‌آزمون	انجام آزمایش	پس‌آزمون
تدریس سنتی	T1		T2
تدریس معکوس	T1	X1	T2
تدریس کوانتومی	T1	X2	T2

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی دانشجویان درس اصول حسابداری (۱)، در دانشگاه‌های آزاد شهرستان رفسنجان بود. به منظور اجرای پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، سه گروه کلاسی در دانشگاه آزاد رفسنجان انتخاب شد. گروه کنترل این پژوهش متشکل از ۲۳ نفر دانشجوی برای آموزش با روش تدریس سنتی، گروه آزمایش اول با تعداد ۳۲ نفر برای آموزش با روش تدریس معکوس و گروه آزمایش دوم شامل ۲۳ نفر دانشجوی برای آموزش با روش تدریس کوانتومی بودند. تخصیص افراد به هر کلاس به روش کاملاً تصادفی انجام شد. همگنی دو گروه آزمایش و گروه کنترل براساس نمرات سنجش عملکرد بررسی شد. سوالات نمرات سنجش عملکرد به صورت تشریحی طراحی شد و روایی آن به تایید ۵ نفر از استادان حسابداری رسید. متغیرهای نوع استاد، نحوه ارزیابی و نوع منبع درسی با یکسان‌سازی آنها در گروه‌ها کنترل شد. علاوه بر این، وضعیت همگن بودن گروه‌ها از نظر سایر متغیرهای کنترلی (شامل جنسیت و علاقه مندی به رشته حسابداری) نیز با استفاده از آزمون کای اسکور بررسی شد. مطابق نتایج جدول (۲)، فراوانی دو جنس پسر و دختر بین گروه‌های آزمایش تفاوت معنی‌دار ندارد ($P=0/470$). بنابراین همگنی دو جنس بین گروه‌های مورد مطالعه تأیید می‌شود. همچنین تفاوت فراوانی افراد علاقمند به حسابداری بین سه گروه آزمایش معنی‌دار نبود ($P=0/533$). بنابراین همگنی گروه‌های آزمایش از نظر علاقه به حسابداری نیز تأیید می‌شود.

جدول ۲. آمار توصیفی آزمودنی های پژوهش

P*	فراوانی (درصد)			گروه	متغیر
	کوانتومی	سنتی	معکوس		
۰/۴۷۰	(۵۶/۵)۱۳	(۴۰/۶)۱۳	(۵۲/۲)۱۲	پسر	جنسیت
	(۴۳/۵)۱۰	(۵۹/۴)۱۹	(۴۷/۸)۱۱	دختر	
۰/۵۳۳	(۴۳/۵)۱۰	(۳۴/۴)۱۱	(۴۳/۵)۱۰	کم	علاقه‌مندی به حسابداری
	(۳۴/۸)۸	(۳۴/۴)۱۱	(۱۷/۴)۴	متوسط	
	(۲۱/۷)۵	(۳۱/۳)۱۰	(۳۹/۱)۹	زیاد	

* آزمون کای اسکوئر

قبل انجام مداخله و در مرحله پیش‌آزمون هر سه گروه، سؤالات طراحی شده را پاسخ دادند. سپس گروه اول به عنوان گروه کنترل با روش تدریس سنتی (تدریس منظم و منطقی بر یک طرح درس رسمی) آموزش داده شد. در ادامه دو گروه آزمایش، با استفاده از روش‌های معکوس و کوانتومی تحت آموزش قرار گرفتند. نهایتاً پس‌آزمون برای دو گروه آزمایش و گروه کنترل انجام شد. برای انجام تدریس با روش معکوس در گروه آزمایش اول، تدریس مباحث مربوط به سرفصل‌های مشخص شده به طور جداگانه توسط مدرس، ضبط شد. تدریس مربوطه یک هفته قبل از کلاس از طریق شبکه‌های اجتماعی برای دانشجویان ارسال و ایشان ملزم به تماشای ویدئو تدریس مبحث ارسالی و انجام تکالیف ارائه شده در ویدئو شدند. سپس در جلسه کلاسی مرور مبحث تدریس شده به منظور یادآوری مطالب و همچنین آموزش دانشجویانی که موفق به دیدن ویدئو تدریس نشده‌اند، انجام و به حل تمرینات و مسائل با کمک دانشجویان پرداخته شد. در گروه آزمایشی دوم، روش تدریس کوانتومی اعمال شد. مدل کوانتومی با استفاده از مدل‌های پیشنهادی ارائه شده در کتاب راهنمای مطالعه و اجرای یادگیری کوانتومی (تلیر^۱، ۲۰۰۷) اجرا شد. براساس این مدل ابتدا مدرس با دعوت به آرامش و تمرکز دانشجویان، تلاش کرد تا توجه دانشجویان را به موضوع درسی جلب نموده و مسائلی که بتواند دانشجویان را با موضوع درسی درگیر نماید، مطرح کند. سپس دانشجویان براساس علاقت فردی، گروه بندی شدند. سپس با ترکیبی از یک موسیقی ملایم، ویدئو کلیپ آموزشی مرتبط با مبحث مورد تدریس، دانشجویان به فضایی آرام که از قبل به وسیله پوسترهای مربوط به روش یادگیری

کوانتومی تزیین شده، منتقل شدند. در ادامه دانشجویان با یکدیگر به بحث و تبادل نظر پرداخته و تدریس درس اصول حسابداری (۱) با مشارکت دانشجویان انجام شد. در پایان پس از انجام تکلیف مشخص شده برای هر گروه، به طور جداگانه گروه‌های مختلف بر حسب عملکردشان مورد تشویق قرار گرفتند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات پژوهش از روش تحلیل کوواریانس تک متغیری استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ انجام شد. رسم نمودار با استفاده از نرم افزار اکسل نسخه ۲۰۱۶ انجام شد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی پژوهش

نتایج آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، کمینه و بیشینه) سه گروه تدریس سنتی، تدریس معکوس و تدریس کوانتومی در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون در جدول (۳) درج شده است. مطابق نتایج، میانگین نمرات اکتسابی اصول حسابداری (۱) برای گروه کنترل در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون تغییر محسوسی نداشته است. اما برای دو گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون نسبت به مرحله پیش‌آزمون افزایش یافته است. معنی‌داری تفاوت بین گروه‌ها با در نظر گرفتن تفاوت‌های اولیه در پیش‌آزمون با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس بررسی شد.

جدول ۳. مشخصات توصیفی نمرات در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون در سه گروه

گروه	زمان	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
تدریس سنتی (کنترل)	پیش‌آزمون	۱۱/۸۳	۰/۸۹	۱۰	۱۳
	پس‌آزمون	۱۱/۹۱	۰/۷۹	۱۱	۱۳
تدریس معکوس (آزمایش ۱)	پیش‌آزمون	۱۱/۹۴	۱/۲۹	۹	۱۴
	پس‌آزمون	۱۷/۹۱	۰/۹۳	۱۶	۲۰
تدریس کوانتومی (آزمایش ۲)	پیش‌آزمون	۱۲/۲۶	۲/۰۹	۹	۱۵
	پس‌آزمون	۱۶/۰۹	۱/۲۰	۱۴	۱۸

آزمون فرضیه‌های پژوهش

پیش از انجام آزمون فرضیات پژوهش، مفروضه‌های آزمون تحلیل کوواریانس بررسی شد. یکی از پیش فرض‌های لازم در تحلیل کوواریانس، نرمال بودن داده‌ها در گروه‌های آزمایشی است. این پیش فرض با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بررسی شد (جدول ۴).

مطابق نتایج، مقدار P در آزمون کولموگروف-اسمیرنوف در همه گروه‌ها بیشتر از ۰/۰۵ بوده است، بنابراین فرض نرمال بودن داده‌ها تأیید شد.

جدول ۴. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن آزمایش

نوع تدریس	پیش آزمون		پس آزمون	
	آماره	P	آماره	P
سنتی	۰/۲۵۳	۰/۰۶۱	۰/۲۳۳	۰/۰۷۷
معکوس	۰/۱۴۹	۰/۲۰۰	۰/۲۷۲	۰/۰۵۴
کوانتومی	۰/۱۶۵	۰/۱۰۳	۰/۱۶۷	۰/۰۹۴

به منظور بررسی مفروضه همگنی شیب رگرسیون در سه گروه مورد مطالعه، تعامل بین متغیر همپراش و متغیر مستقل در جدول آنالیز واریانس بررسی شد که نتایج آن در جدول (۵) ارائه شده است. مطابق نتایج اثر تعاملی گروه \times پیش آزمون به لحاظ آماری معنی‌دار نشد ($P=۰/۵۶۵$). بنابراین مفروضه همگنی شیب خط رگرسیون بین سه گروه آزمایش تأیید می‌شود.

جدول ۵. بررسی تعامل بین متغیر همپراش و متغیر مستقل

منابع تغییرات	مجموع مجذرات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P
گروه \times پیش آزمون	۰/۵۳۱	۲	۰/۲۶۶	۰/۵۷۵	۰/۵۶۵

برای بررسی همگنی واریانس خطاهای آزمایشی از آزمون لوین استفاده شد. نتایج بررسی مفروضه واریانس خطاها حاکی از برقراری این مفروضه بود ($P=۰/۱۲۷$).

جدول ۶. نتایج آزمون لوین مبنی بر همگنی واریانس خطاهای آزمایشی

P	df2	df1	F
۰/۱۲۷	۷۵	۲	۲/۱۲

جدول ۷. نتایج تحلیل کوواریانس جهت بررسی اثر مداخله بر نمرات درس اصول حسابداری (۱)

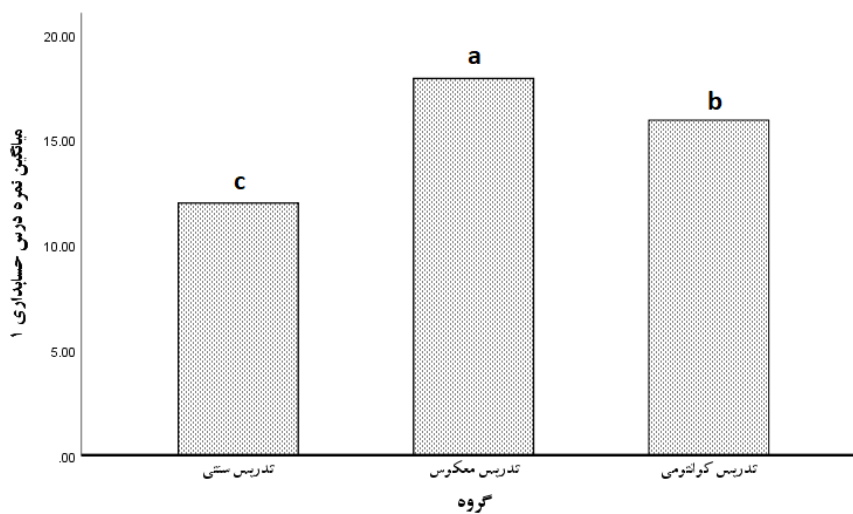
منابع تغییرات	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	P	مجذورات تفکیکی
پیش آزمون	۳۸/۵۹	۱	۳۸/۵۹	۸۴/۵۳	<۰/۰۰۱	۰/۵۳
گروه	۴۷۵/۴۲	۲	۲۳۷/۷۱	۵۲۰/۷۰	<۰/۰۰۱	۰/۹۳
خطا	۳۳/۷۸	۷۴	۰/۴۶			

مطابق نتایج جدول (۷)، اثر نمرات پیش‌آزمون بر نمرات پس‌آزمون معنی‌دار است ($P < 0/001$). بنابراین بین متغیر همپراش و وابسته همبستگی وجود دارد. همچنین اثر متغیر گروه نیز معنی‌دار است ($P < 0/001$). یعنی پس از کنترل اثر پیش‌آزمون، اختلاف معناداری بین میانگین نمرات سه گروه در پس‌آزمون وجود دارد. برای متغیر گروه مجذور اتا تفکیکی $0/93$ بدست آمد که نشان می‌دهد با حذف اثر پیش‌آزمون، ۹۳ درصد از تغییرات نمرات اصول حسابداری (۱) توسط متغیر گروه توضیح داده می‌شود.

جدول ۸. نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی برای مقایسه میانگین سه گروه مورد مطالعه

مقایسه	تفاوت میانگین	P	حدود اطمینان ۹۵٪
تدریس سنتی-تدریس معکوس	۵/۹۴	$< 0/001$	۵/۴۹ - ۶/۳۹
تدریس سنتی-تدریس کوانتومی	۳/۹۶	$< 0/001$	۳/۴۷ - ۴/۴۶
تدریس معکوس-تدریس کوانتومی	-۱/۹۸	$< 0/001$	-۱/۴۳ - -۱/۵۲

مقایسه‌های زوجی میانگین‌های تعدیل شده گروه‌ها در جدول (۸) آورده شده است. مطابق نتایج، بین تمام گروه‌ها اختلاف معنی‌دار مشاهده می‌شود ($P < 0/001$).



نمودار ۱. مقایسه میانگین‌های تعدیل شده نمره اصول حسابداری (۱) در سه گروه (ستون‌های دارای حروف متفاوت، از نظر آماری تفاوت معنی‌دار دارند)

نمودار (۱)، مقایسه میانگین نمره اصول حسابداری (۱) را در سه گروه، نشان می‌دهد. براساس نمودار، میانگین نمره اصول حسابداری (۱) برای گروه روش تدریس معکوس بیشتر از گروه با روش تدریس کوانتومی و برای هر دو گروه تدریس معکوس و کوانتومی بیشتر از روش تدریس سنتی بود.

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد عملکرد دانشجویان در سه گروه مورد آموزش با روش تدریس سنتی، معکوس و کوانتومی به طور معنی دار متفاوت بوده و عبارتی فرضیه اول پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد، همچنین نتایج حاکی از آن است که بکارگیری هر یک از روش‌های تدریس معکوس و کوانتومی به منظور آموزش درس اصول حسابداری (۱)، به مراتب نتایج بهتری نسبت به روش سنتی تدریس داشته و موجب بهبود عملکرد دانشجویان گردیده است، به بیانی دیگر فرضیه دوم پژوهش مبنی بر بهبود عملکرد دانشجویان در کاربست روش‌های تدریس معکوس و کوانتومی در مقایسه با روش سنتی تدریس نیز تایید گردید. به طور کلی در بکارگیری روش تدریس معکوس نسبت به روش سنتی تدریس مشخص گردید استفاده از روش تدریس معکوس موجب بهبود سطح نمرات اکتسابی دانشجویان گردیده است. همچنین با مدیریت و افزایش زمان آموزش از طریق ارسال ویدئوی تدریس زمان آموزش برای تدریس تمرین تمامی مباحث بهبود یافته و یکی از چالش‌های روش تدریس سنتی در درس اصول حسابداری (۱)، که کمبود زمان و محدودیت جلسات آموزشی است، مرتفع گردیده است. نتایج این بخش از پژوهش با نتایج پژوهش‌های گارزا (۲۰۱۴)، ریویادی و هندری یلی (۲۰۱۹)، و حسینی و جعفرزاده (۱۴۰۱) همراستا است. بنابراین پیشنهاد می‌شود مدرسان حسابداری بسته به شرایط و امکانات موجود برای تدریس درس اصول حسابداری (۱) از روش تدریس معکوس استفاده نمایند. از سوی دیگر نتایج نشان می‌دهد در خصوص بکارگیری روش تدریس کوانتومی با توجه به اینکه درس اصول حسابداری (۱) به عنوان القاب رشته حسابداری نیازمند تعامل استاد و دانشجو، و ایجاد روحیه و انگیزه یادگیری و مشارکت می‌باشد، دانشجویانی که با روش کوانتومی مورد آموزش قرار گرفتند به مراتب نسبت به دانشجویان مورد آموزش با روش سنتی تدریس از عملکرد بالاتری برخوردار هستند. به طوری که وینا (۲۰۰۹) بیان داشت آموزش کوانتومی بر بهبود توانایی و فرآیند تحقق پتانسیل‌های فردی تاکید دارد و می‌تواند موجب بهبود

یادگیری و عملکرد فراگیران شود. نتایج این بخش از پژوهش نیز با نتایج پژوهش سبیرانی (۲۰۲۱) مبنی بر بهبود افزایش سطح یادگیری دانشجویان حسابداری در استفاده از روش تدریس کوانتومی مطابقت دارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی به منظور بهبود سطح یادگیری و عملکرد دانشجویان و افزایش درک مفاهیم مقدماتی حسابداری، با فراهم آوردن امکانات و تجهیزات آموزشی مناسب، بستر کاربست روش‌های تدریس معکوس و کوانتومی را برای دروس حسابداری از جمله درس اصول حسابداری (۱)، که از اهمیت بالایی برای شکل‌گیری آموخته‌های دانشجویان برخوردار است، گامی مهم در راستای بهبود سطح یادگیری و بازخورد آموزشی دانشجویان بردارند. همچنین برای انجام پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود کاربست روش‌های فوق در سایر دروس تخصصی حسابداری نیز بررسی و ارزیابی گردد. از جمله محدودیت‌های مهم شناسایی شده در پژوهش حاضر می‌توان به: ۱- عدم همکاری واحدهای دانشگاهی به منظور فراهم آوردن تجهیزات آموزشی لازم و هزینه مربوطه و ۲- ارتباط بین گروه‌های کنترل و آزمایش، به عنوان عاملی برای تهدید روایی درونی این پژوهش، اشاره نمود.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.

منابع

- حسینی، سید اسماء؛ جعفرزاده، محمدرحیم. (۱۴۰۱). مقایسه اثربخشی روش‌های تدریس معکوس و سخنرانی (سنتی) بر یادگیری دانشجویان درس روانشناسی صنعتی - سازمان. فصلنامه علمی پژوهشنامه تربیتی، ۱۷ (۷۱). ۱-۱۹.
- دلاور، علی. (۱۳۸۴). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی (ویرایش جدید). تهران: انتشارات رشد، ۱-۴۶۴.
- طباطبائیان، مریم السادات؛ مشایخ، شهناز. (۱۳۹۹). مقایسه اثرگذاری روش آموزش ترکیبی و چهره به چهره بر عملکرد دانشجویان رشته حسابداری. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۰ (۴). ۲۳۱-۲۵۲.
- فعال قیومی، علی؛ مومنی، منصور (۱۳۸۹). تحلیل آماری با استفاده از SPSS، انتشارات کتاب نو؛ (۳). ۱-۳۱۲.

References

- Adeyemi, B. (2008). Effects of cooperative learning and problem-solving strategies on Junior Secondary School Students' Achievement in Social Studies. *Journal of Research in Education Psychology*, 3(16), 691-708.
- Amesi, J. & Oyeyemi, S. (2013). Evaluating the necessity of teaching methods for providing training in accounting education in Rivers State universities. *Nigerian Journal of Business Education (NIGJBED)*, 10(2), 60-73.
- Amoit Etyyang, I. & Gloria Wanyama, E. (2021). Relationship between Secondary Students' Attitude towards English Curriculum Learning Experiences and Achievement in English Language in Emuhaya Sub Counties, Kenya, *East African Scholars J Edu Humanit Lit*, 4(12), 448-454.
- Arnold-Garza, S. (2014). The Flipped Classroom Teaching Model and Its Use for Information Literacy Instruction. *Communications in Information Literacy*, 8 (1), 7-22.
- Campillo-Ferrer, J. M. & Miralles-Martínez, P. (2021). Effectiveness of the flipped classroom model on students' self-reported motivation and learning during the COVID-19 pandemic. *Humanities and Social Sciences Communications*, 8(1).1-9.
- Dadgaran, N. S. & Khalkhali, A. (2016). The Effect of Quantum Learning Method on Students Course Learning. *Research in Medical Education*, 8(1), 29-36.
- Delaware, A. (2005). Theoretical and practical foundations of research in humanities and social sciences (new edition). *Tehran: Rushd Publications*. 1-432. (In Persian).
- Dong, X. (2016). Flip Your Classroom: Reach Every Student in Every Class Every Day. *International Society for Technology in Education*, 7(9), 120-190.
- Fale Qayyumi, A. & Momeni, M. (2010). Statistical analysis using SPSS, *New Book Publications*; (3)312. (In Persian).

- Fauzia Ahmad, J. A. (2009). Students' perception of teachers teaching of literature communication and understanding through the eyes of the audience. *European Journal of Social Science*, 7(3), 17-39.
- Forootan, K; Hashemi, S.A; Qaltash, A & Mashinchi, A. (2023). The effect of using the flipped classroom approach on the learning of science lessons of elementary school students. *Shibak Monthly (information network of country conferences)*, 21(119). 2285-2302.
- Hosseini, S. & Jafarzadeh, M. (2022). Comparison of the effectiveness of inverted teaching and lecture methods (traditional) on students' learning in industrial-organizational psychology. *Educational sciences Research Islamic Azad University, Bojnord branch*, 17(3). 1-19. (In Persian).
- Kai-Tang, F & Fang-Chi, L. (2017). A New Accounting Teaching Method to Help Student Overcome Communication Apprehension: An Experimental Study. *Review of Integrative Business and Economics Research*, 6 (۱). 313-331.
- Kavanagh, M. H; & Drennan, L. (2008). What skills and attributes does an accounting graduate need? Evidence from student perceptions and employer expectations. *Accounting & Finance*, 48(2), 279-300.
- Lubbe, E. (2016b). Innovative teaching in accounting subjects: A classroom analysis. *International Journal of Social Sciences and Human Studies*. *International Journal of Social Sciences and Human Studies*, 8(2), 63-74.
- Mat Dangi, M.R; Adnan Fairuz, M & Abd Rashid, M. (2017). An Innovation in Teaching and Learning of Accounting Concept Using AccRoBa© Game Approach. *Jurnal Pendidikan Malaysia*. 42. 21-32.
- Reynolds, G; & Grimley, M. (2019). Teaching First Level Tertiary Accounting Using a Graphical Method to Improve Students' Understanding and Engagement. *PEOPLE: International Journal of Social Sciences*, 5(2), 103-122.
- Roach, T. (2014). Student perceptions toward flipped learning: New methods to increase interaction and active learning in economics. *International Review of Economics Education*, 17, 74-84.
- Sagwa, E.V, Musa, G.M, & Amadi, A. (2018). Influence of Introductory Accounting Course Teaching Methodology on Students' Choice of Accounting Major in Kenyan Universities. *Research Journal of Finance and Accounting*, 9, 168-174.
- Sibarani, B. E.(2021) .Analysis of the Effect of the Implementation of the Quantum Teaching Method on Accounting Learning in Class XI IPS SMA N 1 Laguboti. *Aptisi Transactions on Technopreneurship (ATT)*, 3(1), 1-12.
- Tabatabaian, M. & S. Mashaikh. (2019). Comparing the effects of combined and face-to-face teaching methods on the performance of accounting students. *Accounting Experimental Research Quarterly*, 10 (4), pp. 231-252. (In Persian).
- Tang, T; Abuhmaid.A.M; Olaimat, M; Oudat,D.M; Aldhaeabi, M. & Bamanger, E. (2020). Efficiency of flipped classroom with online-based teaching under COVID-19. *Interact Learn Environ*, 3(1), 1077-1088.
- Tellier, J. P. L. (2007). Quantum learning & instructional leadership in practice: Corwin Press. *Education Administration (Books)*, 1-232.

- Toerner, M. C. (2012). Sequencing Topics in Business-World Order: An Examination of Its Use as an Innovative Activity in Introductory Financial Accounting. *Journal of the Academy of Business Education*, 13(1), 122-136.
- Tongkomah Saayir, P. & King Mensah, E. (2023). Assessing pedagogies for teaching and learning of accounting in senior high schools. *International Journal of Education and Research*, 11(7), 70-86.
- Turner, M; & Baskerville, R. (2013). The Experience of Deep Learning by Accounting Students. *Accounting Education*, 22(6), 582-604.
- Warren, D. L; & Young, M. N. (2012). Integrated Accounting Principles: A Best Practices Course for Introductory Accounting. *Issues in Accounting Education*, 27(1), 247-266.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

The Phenomenological Approach of Structural Transformation Paradigms in the Accounting Profession: The Consequence Based on Accounting Profession Legitimacy¹

Mehdi Gharaeepour², Mohammad Reza Abdoli³,
Maryam Shahri⁴, Hasan Valiyan⁵

Received: 2024/06/27

Accepted: 2024/11/03

Research Paper

Abstract

Transformation in any field of business is considered as an integral part of structural functions that can lead to the effectiveness of business enterprises' dealings with stakeholders. Since the accounting profession in business plays an important role in communicating with stakeholders, it seems that focusing on structural transformation creates the opportunity for companies to reflect more reliable information to financial decision makers. The purpose of this study is to expand the phenomenological approach of structural transformation paradigms in the accounting profession based on the promotion of the accounting profession legitimacy. In this study, following the approach of Husserl (1970), an attempt was made to present a phenomenological model of structural transformation paradigms in the accounting profession through five analytical steps. For this purpose, through interviews with experts and open coding, an attempt was made to determine the propositional themes of the phenomenon under investigation. Then, by forming a focus group to discuss and exchange opinions for the cognitive separation of each of the propositions in the form of a component, the Q-method checklist was used to score each of the propositions in the range of +6 to -6 and to identify paradigmatic clusters. The phenomenon under investigation should be taken. The results in the qualitative part during 16 interviews revealed the number of 388 open codes that after removing the excesses and repeating similar open codes 50 propositional themes were determined in order to determine conceptual clustering in the framework of paradigmatic phenomenology by relying on the steps of implementing Husserl's (1970) approach. The results of the study considered the formation of structural transformation in the accounting profession based on causal, intervening, contextual conditions, strategies and consequences, which can be effective in promoting the accounting profession legitimacy in the context of capital market companies.

Keyword: Structural Transformation, Phenomenology, Accounting Legitimacy.

JEL Classification: M19, G40.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.47598.3266

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran. (Mehdi.gharaeepour@gmail.com).

3. Professor, Department of Accounting, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran. (Corresponding Author). (Email: Mrab830@yahoo.com).

4. Assistant Professor, Department of Accounting, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran. (shahri_rh17@yahoo.com).

5. Assistant Professor, Department of Accounting, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran. (Hasan.valiyan@yahoo.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

رویکرد پدیدارشناسی پارادایم‌های تحول‌گرایی ساختاری در حرفه حسابداری: برآیندی از مشروعیت حرفه حسابداری^۱

مهدی قرائی پور^۲، محمدرضا عبدلی^۳، مریم شهری^۴، حسن ولیان^۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۳

مقاله پژوهشی

چکیده

از آنجاییکه حرفه حسابداری در تجارت نقش مهمی در ارتباط با ذینفعان دارد، بنظر می‌رسد، تمرکز بر تحول‌گرایی ساختاری این فرصت را برای شرکت‌ها ایجاد می‌کند تا اطلاعات قابل اتکاءتری را به تصمیم‌گیرندگان مالی منعکس نماید. هدف این مطالعه بسط رویکرد پدیدارشناسانه‌ی پارادایم‌های تحول‌گرایی ساختاری در حرفه حسابداری مبنی بر ارتقاء مشروعیت حرفه حسابداری می‌باشد. در این مطالعه با الگوبرداری از رویکرد هاسرل (۱۹۷۰) تلاش شد تا طی پنج گام تحلیلی، نسبت به ارائه الگوی پدیدارشناسی پارادایم‌های تحول‌گرایی ساختاری در حرفه حسابداری بر مبنای کیفی و کمی بودن جمع‌آوری داده‌ها، اقدام شود. برای این منظور ابتدا در بخش کیفی از طریق مصاحبه با خبرگان و کدگذاری باز، تلاش شد تا مضامین گزاره‌ای پدیده‌ی مورد بررسی، مشخص شود. سپس در بخش کمی با تشکیل گروه کانونی جهت بحث و تبادل نظر برای تفکیک شناختی هر یک از گزاره‌ها در قالب یک مولفه، از چک‌لیست ارزیابی کیوبهره برده شد تا هر یک از گزاره‌ها در حد فاصل ۶+ تا ۶- امتیازبندی شوند و نسبت به شناسایی خوشه‌بندی‌های پارادایمی پدیده‌ی مورد بررسی اقدام لازم صورت گیرد. مشارکت کنندگان این مطالعه در بخش کیفی، ۱۶ نفر از خبرگان دانشگاهی در حوزه حسابداری بودند و در بخش کمی این مطالعه نیز ۵۰ نفر از مدیران مالی و رؤسای حسابداری شرکت‌های بازار سرمایه مشارکت داشتند. نتایج در بخش کیفی طی ۱۶ مصاحبه انجام شده، تعداد ۳۸۸ کد باز را مشخص ساخت که پس از حذف زوائد و تکرار کدهای باز مشابه، ۵۰ مضمون گزاره‌ای تعیین شدند تا با اتکاء گام‌های پیاده‌سازی رویکرد هاسرل (۱۹۷۰)، خوشه‌بندی مفهومی در قالب چارچوب پدیدارشناسی پارادایمی تعیین شود. نتایج مطالعه شکل‌گیری تحول‌گرایی ساختاری را در حرفه حسابداری مبتنی بر شرایط علی، مداخله‌گر، زمینه‌ای، استراتژی‌ها و پیامدها تلقی نمود که می‌تواند در ارتقاء مشروعیت حرفه حسابداری در بستر شرکت‌های بازار سرمایه مؤثر باشد.

واژه‌های کلیدی: تحول‌گرایی ساختاری، پدیدارشناسی پارادایمی، مشروعیت حسابداری.

طبقه‌بندی موضوعی: M19, G40.

10.22051/JERA.2024.47598.32666.doi .1

۲. دانشجوی دکتری حسابداری، گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. (Mehdi.gharaeepour@gmail.com)

۳. استاد، گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. (نویسنده مسئول). (Mrab830@yahoo.com)

۴. استادیار، گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. (shahri_rh17@yahoo.com)

۵. استادیار، گروه حسابداری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. (Hasan.valiyan@yahoo.com)

https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

در عمیق‌ترین بخش‌های کلاسیک در دانش حسابداری، بنای معرفتی آن بر استانداردها و ارائه‌ی گزارش‌ها بنا نهاده شده است و کمترین تمرکز بر نیاز به همسان‌سازی با دنیای واقعی مورد توجه و عنایت قرار گرفته است (عزیز‌نوال‌ایسلام^۱، ۲۰۱۷). این رویکرد با آغاز قرن جاری به طور جدی با نقدهای فراوانی مبنی بر تمرکز صرف حسابداری در کمیّت‌ها مواجه شد و منتقدان در یک نقطه نظر مشترک حسابداری را نیازمند تغییر از درون همین باورها اذعان نمودند (یگیتاباسیگولو و همکاران^۲، ۲۰۲۲). تغییری که به حسابداری این ظرفیت را می‌دهد تا با خود کنترل، نیازمندی‌های خود را به نهادهای تدوین‌کننده‌ی استانداردها اعلام نماید تا بتواند از طریق پُر نمودن خلاءهای موجود نسبت به کسب مشروعیت بیشتر برای بنگاه‌های تجاری اقدام لازم را بکار گیرند (آگوستینو و همکاران^۳، ۲۰۲۲). ارائه‌ی چنین تعابیری در خصوص نقش حسابداری در ایجاد تحول در عصری که به شکل پیچیده‌ای با سیستم‌های اطلاعاتی عجین شده است، سبب به وجود آمدن رویکردی تحول‌گرای ساختاری در حسابداری گردیده است که می‌تواند مبنایی برای اعتماد بیشتر اجتماع و در نهایت ارتقاء مشروعیت فراگیر تلقی شود (پیتروف^۴، ۲۰۲۱).

در واقع این مفهوم نوعی واکنش سریع به منظور پاسخگویی به انتظارات در حال تغییر بیرونی است که از فرآیندی مستمر جهت دستیابی به ظرفیت‌های استراتژیک بنگاه تجاری پدید آمده است (نوریس و همکاران^۵، ۲۰۲۴). در این دیدگاه به ویژه در دنیای پُر از چالش امروز، تکنولوژی و توسعه زیرساخت‌های فناورانه به عنوان هسته‌ی مرکزی این پدیده در دانش حسابداری محسوب می‌شوند که می‌تواند به سرعت واکنش سریع‌تر نسبت به تغییرات و انعطاف‌پذیری بیشتر در برابر چالش‌ها و انتظارات ذینفعان منتج گردد (یانگ و همکاران^۶، ۲۰۲۴). زیرا در سال‌های اخیر، پیشرفت فناوری هوش مصنوعی^۷ (AI)، داده‌های بزرگ^۸ و سیستمی‌های ابری^۹ به هسته اصلی عصر چهارم صنعت پس از

1. Azizul Islam
2. Yigitbasioglu et al
3. Agostino et al
4. Pittroff
5. Norris et al
6. Yang et al
7. Artificial Intelligence
8. Big Data
9. Cloud Systems

انقلاب صنعتی در سراسر جهان تبدیل شده است که حسابداری نیز از این روند جدید بی‌بهره نبوده است و بسیاری از تغییرات ایجاد شده، در حال حاضر به شکل تکنولوژی به دانش حسابداری کمک می‌نمایند تا نسبت به جلوگیری منسجم بسیاری از تقلب‌ها و تحریف‌های مالی، واکنش مناسب نشان دهد (فورنلافتراچاکورن و نا-کالسینهو^۱، ۲۰۲۲).

علاوه بر این تحول‌گرایی ساختاری در حسابداری، به اندیشیدن تمهیدات لازم فرآیندی، قبل از وقوع یک تخلف با اتکاء به سیستم‌های تکنولوژیک اشاره می‌نماید و تلاش دارد تا حسابداری کلاسیک را در پذیرش چنین فرآیندهایی آماده‌سازی نماید (یون^۲، ۲۰۲۰). اگرچه در اوایل قرن جاری حوزه‌ی فناوری صرفاً تمرکز بر توسعه شفافیت‌ها و پس از ارائه‌ی فرآیندهای حسابداری را مثل زبان گزارشگری توسعه‌پذیر در بر می‌گرفت، اما تمرکز بر متحول ساختن رویه‌های حسابداری به عنوان یک ضرورت قبل از توجه به دیگر شکل‌های فناورانه‌ی این حرفه، این ظرفیت را ایجاد می‌کند تا با تغییر دیدگاه‌ها و پذیرش قابلیت‌های اثرگذار نوظهور در حسابداری همچون توسعه هوش مصنوعی، الگوریتم‌هایی را برنامه‌ریزی نماید تا ضمن جلوگیری از احتمال وقوع تقلب و یا تحریف در افشاء اطلاعات، رفتارهای فرصت طلبانه‌ای، که از حسابداری به عنوان ابزاری برای بروز چنین رخدادهایی استفاده می‌نمایند، را کاهش دهند و به ایجاد برابری و تقارن اطلاعات کمک نمایند (هوگیانتو^۳، ۲۰۲۳). بسیاری از نظریه‌پردازان همچون میلان و همکاران^۴ (۲۰۱۹)؛ آرنولد و همکاران^۵ (۲۰۱۹) و ریکاردسون و یگیتباسیگولو^۶ (۲۰۱۸) بر اهمیت پذیرش تغییرات تکنولوژیک بر دانش حسابداری صحه گذاشته اند و با تمرکز بر ظهور عرصه‌های جدیدی همچون حسابداری استارت‌آپی^۷ یا حسابداری اکوسیستمی^۸، لازمه‌ی دستیابی به مشروعیت‌طلبی حسابداری را، پذیرش پارادایم‌های تحول‌گرایانه در این عرصه تلقی می‌نمایند.

تحت چنین دگردیسی، پیامد محتملی که می‌توان از پیاده‌سازی چنین تحولاتی در حسابداری انتظار داشت، ارتقاء سطح مسئولیت‌پذیری حرفه‌ی حسابداری به عنوان یک مکانیزم مشروع

1. Phornlaphatrachakorn & Na Kalasindhu
2. Yoon
3. Hogianto
4. Milian et al
5. Arundel et al
6. Rikhardsson and Yigitbasioglu
7. Startup Accounting
8. Ecosystem Accounting

برای اقتناع نیازهای اطلاعاتی ذینفعان در فضای رقابتی می‌باشد (دی ویلرز و همکاران^۱، ۲۰۲۲). اگرچه وجود الزامات در افشاء معمولاً به یکنواختی در ارائه اطلاعات به ذینفعان نقش مهمی را دارد، اما در یک بازار رقابتی، شرکت‌هایی که از ظرفیت‌های پایین‌تری جهت دستیابی به چنین تحولاتی در حسابداری به عنوان یک ابزار تعاملی با ذینفعان برخوردار هستند، نمی‌تواند در بلندمدت از طریق ایجاد مشروعیت اطلاعاتی، به مزیت رقابتی دستیابند و سهم بیشتری از بازار را به خود اختصاص دهند (میکائویی و همکاران^۲، ۲۰۲۲). این تفاوت‌ها معمولاً به واسطه‌ی نوع شناخت و اهمیت ساختار شرکت از نیازهای اطلاعاتی برآمده از بسترهای محیط بازار و محیط اجتماعی، امکان دستیابی به مشروعیت بخشی به بنگاه تجاری را تسهیل می‌نماید (مصطفایی و حسینی، ۱۴۰۰). لذا با توجه به بیان مباحث مطرح در خصوص اهمیت توجه در حرکت به سمت تحولات ساختاری در حسابداری مبنی بر ارتقاء مشروعیت، انجام این مطالعه را می‌توان از دو منظر زیر یعنی رویکرد دانش‌افزایی نظری و رویکرد کاربردی، دارای ضرورت تلقی نمود.

اولاً اینکه این پژوهش نخستین مطالعه‌ای است، که به توسعه مفهوم تحول‌گرایی در دانش حسابداری، براساس یک فرآیند پدیدارشناسانه‌ی پارادایمیک می‌پردازد و سپس باهدف تبیین آن در سطح بازار سرمایه تلاش دارد تا آینده این بخش از تغییرات در دانش حسابداری را به منظور مشروعیت‌های حرفه‌ای گونه‌شناسی نماید. حوزه‌ای که برای بسط پدیدارشناسی یک مفهوم در عرصه‌های کاربردی یک حرفه جهت شناخت بیشتر، می‌تواند از اهمیت فروانی به لحاظ دانش‌افزایی برخوردار باشد. لذا باتوجه به اینکه غالب پژوهش‌های انجام شده در این حوزه همچون، یون (۲۰۲۰) و اشمیتز و لیثونی^۳ (۲۰۱۹) صرفاً به صورت مطالعه‌ی موردی بوده است، این مطالعه می‌تواند در بسط نظری و توسعه‌ی ادبیات تئوریک در دانش حسابداری پیش قدم تلقی شود و مبنایی را برای توسعه‌ی استراتژی و ارزیابی پیامدهای این حرفه مهیا نماید.

ثانیاً باتوجه به اهمیت موضوع این مطالعه، نتایج حاصل می‌تواند به سیاست‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و قانون‌گذاران بازار سرمایه کمک نماید تا با شناخت ناشی از شناسایی راهبردهای تحولی در حرفه حسابداری و سنخ‌شناسی آن به افزایش کارکردهای این پدیده در بستر حرفه‌ی حسابداری کمک نماید و ظرفیت‌های نهادی در این عرصه را چه به صورت هنجاری و چه

1. De Villiers et al

2. Mekaoui et al

3. Schmitz & Leoni

به صورت الزامات قانونی، توسعه بخشید. به عبارت دیگر این مطالعه می‌تواند به سیاستگذاران کمک نماید تا براساس پدیدارشناسی پارادایمی حسابداری متحول‌گرایانه، سیاست‌های تشویقی لازم برای هنجارسازی ارزش‌های اطلاعاتی توسعه داده شود و بنگاه‌های تجاری تحریک شوند تا نسبت به تغییر کارکردهای حسابداری صرفاً کلاسیک، اقدامات لازم را بکار گیرند. برای رسیدن به چنین دستاوردی در یک مطالعه‌ی علمی، ترکیبی از ابزارهای تحلیل مبتنی بر رویکرد پدیدارشناسی پارادایمی شامل مصاحبه و چک‌لیست‌های سلسله‌مراتبی به کار گرفته می‌شود تا در نهایت، الگوی نهایی پدیده‌ی مورد بررسی ارائه گردد.

مبانی نظری پژوهش

ریشه کلمه پارادایم از واژه یونانی «παράδειγμα» گرفته شده است که ترکیبی از معنای پهلو به پهلو «παρά» و نشان دادن «δείκνυμι» می‌باشد که می‌توان آن را به معنی نمونه و الگو در توسعه یک مفهوم از دانشی همچون دانش حسابداری تعبیر نمود. در لغت نامه مریام-وبستر؛ پارادایم «یک چارچوبی فلسفی و نظری از یک رشته یا مکتب علمی در کنار نظریه‌ها؛ قوانین؛ کلیات و تجربیات به دست آمده می‌باشد که مبنای قاعده‌مندی در توسعه یک دانش تلقی می‌شود» تعریف می‌شود (هان‌باس^۱، ۱۹۹۸). توریاهاوکایو^۲ (۲۰۲۱) هر پارادایم در سه بخش چارچوب زیر مبنایی برای شکل‌گیری تلقی می‌گردد.



شکل ۱. مبنای شکل‌گیری پارادایم (منبع: توریاهاوکایو، ۲۰۲۱)

1. Hannabuss
2. Turyahikayo

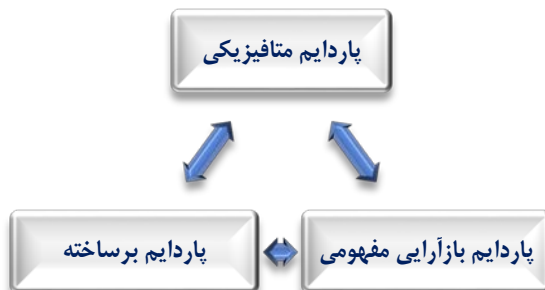
در واقع، پارادایم دسته‌ای از غالب^۱ یک مفهوم با ریشه وابسته به یک دانش تلقی می‌گردد که براساس شرایط دستور زبانی خاص ایجاد می‌شوند (کریستال^۲، ۱۹۹۷). به عبارت دیگر مجموعه قواعد و مناسبات جانشینی^۳ که یک واحد زبانی می‌تواند با سایر واحدها در محتوایی^۴ خاص برقرار نماید تعبیر می‌شود (پین^۵، ۱۹۹۷). این کاربرد پارادایم و برجسته کردن روابط جانشینی در برابر، روابط همنشینی^۶ در اندیشه کوهن^۷ (۱۹۸۲) هم پررنگ است.

مبنای دیگر شکل‌گیری پارادایم، کسب و کار است که اشاره به مجموعه ای از قواعد با مرزبندی‌های مشخص دارد و نشان دهنده‌ی چگونگی حل مسائل و کامیابی جهت ارائه‌ی رفتار متناسب با آن تلقی می‌گردد. بارکر^۸ (۱۹۹۳) با الهام از تاریخ‌نگاری علم، مفهوم تغییر پارادایم‌ها را پیشنهاد کرد. با تغییر پارادایم، بازگشت به نقطه صفر روی می‌دهد و همه‌ی توانمندی‌های یک دانش که در قواعد گذشته و پارادایم کهنه ریشه داشته، از میان می‌رود و همه ارکان آن دانش باید بازی را از نو آغاز کنند.

پارادایم در علم جنبه‌های بهنجار خود را به نمایش می‌گذارد که در برگزیده جدول‌های کلی نظری، قوانین و فنون کاربرد آنهاست. پژوهشگران بر پایه پارادایم، علم بهنجار را پی می‌گیرند و خطاهای مشاهده شده به پژوهشگر و نه پارادایم، نسبت داده می‌شود. با گسترش علم بهنجار، بی‌هنجاری‌ها نیز بیشتر می‌شوند و با ناکامی پارادایم در پاسخگویی آنها، بحران پدید می‌آورد و زمینه را برای توسعه‌ی پارادایمی دیگر ایجاد می‌کند و این فرآیند بارها و بارها تکرار می‌شود (رید و فان^۹، ۲۰۲۰). در اندیشه کوهن (۱۹۹۶)، علم را یک پارادایم غالب راهبری می‌کند که می‌تواند مبنایی برای ایجاد تغییرات ساختاری در آن تلقی گردد. کوهن (۱۹۹۶) پارادایم را از منظر شکل‌دهی به فلسفه علمی، پیچیده توصیف می‌نماید که الزاماً نمی‌توان تعریفی ساده و سرراست از آن ارائه نمود. وگل^{۱۰} (۲۰۰۹) با بررسی رویکردهای کوهن، سه رده کلی

1. Forms
2. Crystal
3. Paradigmatic Relations
4. Context
5. Payne
6. Syntagmatic Relations
7. Kuhn
8. Barker
9. Reed & Faan
10. Vogel

از پادایم‌ها را ارائه نمود که از مبنای تحول گرایانه‌ای برای تغییر دیدگاه‌های ساختاری در یک عرصه علمی بهره‌مند بود.



شکل ۲. دسته‌بندی کلی پارادایم (منبع: وگل، ۲۰۰۹)

در این دسته‌بندی‌ها، پارادایم‌های متافیزیکی یا فراپارادایم مجموعه‌ای از باورها؛ اسطوره‌ها؛ دیدگاه‌های متافیزیکی را در بر می‌گیرد که شیوه جدیدی از نگرش و آنچه که ادراک را در مسیر معنا قرار می‌دهد، ایجاد می‌کند. از طرف دیگر، پارادایم برساخته یا بشرساخته^۱ به ابزارهای ویژه در توسعه یک دانش جهت استفاده از بیان مفهومی برای داشتن نگرش واحد به جهان تعریف می‌گردد. در نهایت پارادایم بازآرایی مفهومی به دستاوردهایی که در معناگشایی بر بسترسازی مشروع چشم‌اندازهای آتی یک دانش نقش مؤثری ایفا می‌نمایند، گفته می‌شود. لذا براساس این رویکردها و با اتکاء ماهیت پارادایم، گذار از مفاهیم کلاسیک در دانش حسابداری می‌تواند به واسطه‌ی پارادایم مبتنی بر بازآرایی مفهومی را مبنایی برای توسعه چشم‌اندازهای مشروع آتی تلقی نمود.

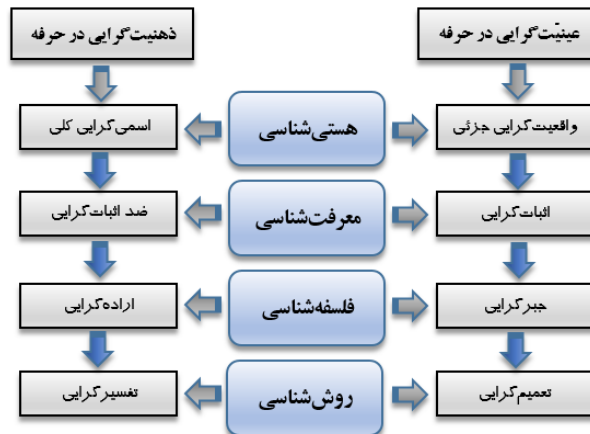
طی سه دهه‌ی گذشته و در سال‌های ابتدایی قرن بیست و یکم، اکثر کشورهای توسعه‌یافته و نهادهای جهانی از جمله استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی^۲ (IFRS)، به این نتیجه رسیده‌اند که تحول در نظام حرفه‌ای حسابداری مبنی بر حرکت از رویکردهای صرفاً کمی‌گرایانه به سمت رویکردهای کیفی مبتنی بر مشروعیت حرفه‌ای، جزء تغییرات غیرقابل اجتنابی است که می‌تواند امکان پاسخگویی حسابداری به نیازهای اطلاعاتی را توسعه بخشد (توروشانی و همکاران^۳، ۲۰۱۸). چراکه باتوجه به نقش و اهمیت حرفه حسابداری در افشاء

1. Construct or Artifact Paradigms
2. International Financial Reporting Standards (IFRS)
3. Troshani et al

اطلاعات فراگیر به عنوان ابزاری برای پاسخگویی مسئولانه، نیاز به تحولات بنیادی، مطابق با استانداردهای پذیرفته‌شده گزارشگری مالی می‌تواند، نقش درخور ملاحظه‌ای در ارائه‌ی صحیح اطلاعات به ذینفعان داشته باشد و از این طریق مشروعیت حرفه‌ی حسابداری را توسعه بخشد (باباجانی و مددی، ۱۳۸۸). لذا یکی از تئوری‌های وام گرفته شده از دانش بین رشته در حرفه حسابداری، رویکرد ساختاری تحول‌گرایانه مطابق با رویکرد وگل^۱ (۲۰۰۹) می‌باشد که در یک تعریف مشخص به مهندسی مجدد شیوه‌ها و روش‌های پیاده‌سازی حرفه حسابداری اشاره دارد که امکان تغییرات اساسی از رویکردها تا فرآیندها در بستر تعامل‌گرایی با ذینفعان را ممکن می‌سازد (فگالی و همکاران^۲، ۲۰۲۲). به عبارت دیگر، این رویکرد، نوعی معماری حرفه‌ای در حسابداری تلقی می‌شود که از طریق دگردیسی در نقشه راه استراتژیک، می‌تواند ظرفیت‌های مشروعیت‌گرایی حرفه‌ای در حسابداری را مطابق با انتظارات اجتماعی و حرفه‌ای تغییر دهد (پیتروف^۳، ۲۰۲۱). در این رویکرد معمولاً صاحب‌نظران با برگزاری جلساتی تلاش می‌نمایند تا جنبه‌هایی که در اجرای حرفه‌ای روش‌ها و پیاده‌سازی رویه‌های حسابداری مؤثر است را هم از منظر فنی و هم از منظر تعاملی مورد کنکاش قرار دهند تا به واسطه‌ی آن فناورهای نوظهور و کاربست آن در این حرفه، مبنایی برای بازسازی مجدد استراتژیک تلقی گردد (تیرون-تودر و همکاران^۴، ۲۰۲۲).

کوسومانینگتاس^۵ (۲۰۱۸) برای درک بهتر ارجاع حسابداری به سمت تغییرات پارادایمی، در حد فاصل ذهنیت‌گرایی و عینیت‌گرایی، چارچوبی را برای مقایسه ارائه می‌دهد که می‌تواند وجهی انتقادگرایی در حرفه حسابداری را به سمت عملکردهای اثربخش هدایت کند. در این راستا باکر و پیرسون^۶ (۲۰۲۱) با ارائه شکل (۳) تبارشناسی را از طریق دو مبنای ذهنیت‌گرایی و عینیت‌گرایی ایجاد می‌کند تا از طریق معیارهای مرجع توسعه مکاتب علوم انسانی، کارکردهای رویکرد اثبات‌گرایی را به عنوان دیدگاه غالب در این دانش، ارزیابی انتقادی نماید.

1. Vogel
2. Feghali et al
3. Pittroff
4. Tiron-Tudor et al
5. Kusumaningtias
6. Baker and Persson



شکل ۳. حد فاصل ذهنیت‌گرایی و عینیت‌گرایی به عنوان مبنای پارادایم‌های حسابداری

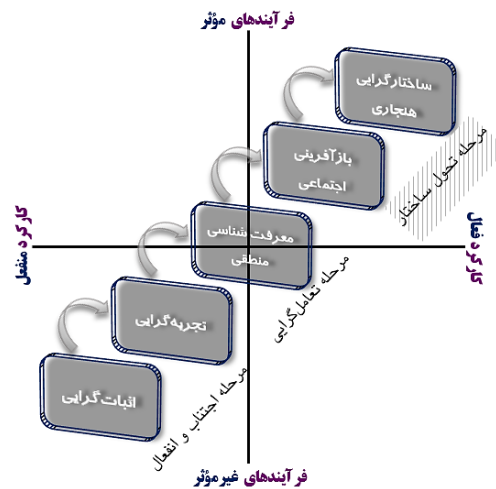
طبق شکل (۱) باکر و پیرسون^۱ (۲۰۲۱) بیان می‌کند، غالباً ذهنیت‌گرایان معتقد هستند، هستی‌شناسی حسابداری در بیان تأثیرگذاری این حرفه بر ذینفعان، می‌بایست به زبانی برای بیان واقعیت‌ها تعبیر شود، در حالیکه، عینیت‌گرایان معتقد به واقعیت‌ابزاری حسابداری هستند و تنها راه ارتباط با ذینفعان را، افشاء جزئیات مقداری و کمی از طریق صورت‌های مالی تلقی می‌کنند. از نظر معرفت‌شناسی، ذهنیت‌گرایان ضد دیدگاه اثباتی هستند، که از دیرباز در حسابداری رایج بوده است، در حالیکه، عینیت‌گرایان حسابداری را علم کمیته‌ها معرفی می‌کنند و عملکردهای کیفی را در حرفه حسابداری نادیده می‌انگارند. از نظر مبنای فلسفه‌شناسی، حسابداری ذهنیت‌گرایانه، معتقد به تحریک‌انگیزی پذیرش متصدیان حرفه‌ای برای تغییر می‌باشد، در حالیکه عینیت‌گرایان تا زمانی که اجبار و الزام به تغییر نداشته باشند، از حرکت به سمت آن سر باز می‌زنند. در نهایت از نظر روش‌شناسی، ذهنیت‌گرایان تفاسیر در حسابداری را عامل توسعه تلقی می‌کنند، در حالیکه عینیت‌گرایان، تعمیم‌پذیری از طریق کمیته‌های ابزاری حسابداری را به عنوان روش تغییر بر می‌گزینند.

در یکی از معدود پژوهش‌های مرتبط با اهمیت بازسازی مجدد سیستم حسابداری، جنسن^۲ (۱۹۹۸) براساس دو محور عمودی (فرآیندهای مؤثر/غیرمؤثر برای تغییر) و محور افقی (کارکردهای فعال/منفعل) اقدام به ارائه‌ی ماتریس نقطه‌ی استراتژیک به عنوان یک تکنیک پدیدارشناسی در علوم انسانی نمودند که در آن تلاش شد تا مراحل تحولات بنیادی در حسابداری به عنوان یک ضرورت،

1. Baker and Persson

2. Jensen

مورد کنکاش قرار گیرد. لذا همانطور که در شکل (۱) مشاهده می‌شود، هستی‌شناسی حسابداری به واسطه‌ی شکل‌گیری این حرفه براساس مکتب پوزیتیویسم در تقاطع ماتریسی کارکردهای منفعل در محور افقی و فرآیندهای غیر مؤثر در محور عمودی قرار دارد. در این منطقه حسابداری اساساً متکی به رویه‌های حسابداری اثبات‌گرایانه‌ای است که مبنای اصلی آن وجود شواهد و مستندات قابل دفاع، برای تصمیم‌گیری در یک سیستم تلقی می‌شود و نهایتاً تجربه‌گرایی می‌تواند مبنایی برای انجام برخی از تغییرات به دلیل نیازهای اجتماعی ذینفعان مدنظر قرار گیرد. در این نقطه حرفه حسابداری دلیلی برای تغییرات بنیادی احساس نمی‌کند و با اجتناب از پذیرش تغییرات ضروری و اجتماعی، صرفاً کلیاتی را تغییر می‌دهد که به مبنای اصلی حسابداری در افشای اطلاعات مقدراری حسابداری گزندی وارد نشود. چراکه اساساً طرفداران مکتب اثبات‌گرایی بر پایه‌ی تفکر «اصول منطقی» اقدام به پیاده‌سازی رویه‌های حسابداری می‌نمایند (فوگارتی^۱، ۲۰۱۴)، که معتقدند شاخصه‌ی چنین فرآیندی، ثبات و ارائه‌ی کمیت‌های قابل اندازه‌گیری براساس شواهد می‌باشد. اما به تدریج که ظهور دیدگاه‌های انتقادی به حرفه حسابداری به دلیل نیازمندی‌های اطلاعاتی ذینفعان شروع به شکل‌گیری گرفت، حرفه حسابداری با ارجاع به معرفت‌شناسی فلسفی جهت ایجاد یک توازن اطلاعاتی، تلاش می‌کند تا از پله‌ی سختی که اثبات‌گرایی ساختاری در حرفه حسابداری ایجاد نموده است، فاصله به گیرد و به سمت کارایی افشای اطلاعات حرکت نماید تا بتواند تعامل‌پذیری بالاتری با ذینفعان داشته باشد (لوکلین^۲، ۱۹۹۹).



شکل ۴. مکانیزم اقتباسی از تحولات بنیادی در مکاتب حسابداری

1. Fogarty
2. Laughlin

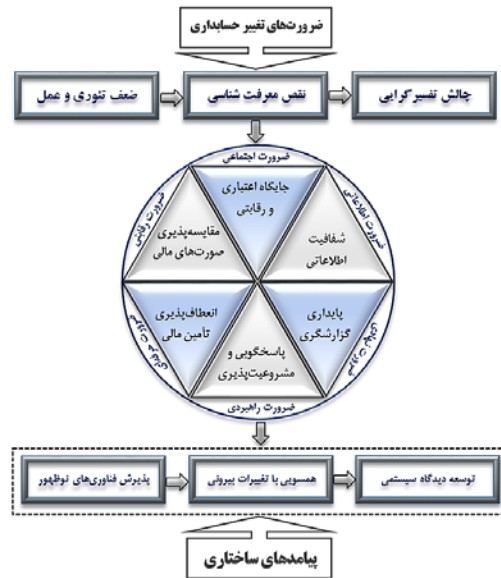
اما نقطه‌ی ثقل این دیدگاه استراتژیک، از تقاطع کارکردهای فعال با فرآیندهای مؤثر تغییر در حسابداری ایجاد می‌شود که مبتنی بر رویکرد مکتب ساختارگرایی اجتماعی است. در این فرآیند معرفت‌شناسی حرفه‌ای با پذیرش تغییرات، ابتدا نسبت به بازآفرینی ارزش‌های اجتماعی حسابداری به عنوان یک مبنای مکمل در کمیّت‌گرایی اقدام می‌کند تا بتواند هنجارهایی را در این حرفه ترویج دهد که امکان تحول‌گرایی ساختاری را با مقاومت کمتر در برابر تغییر، ممکن سازد. لذا دیگر حسابداری صرفاً ابزاری کمی و اثباتی برای ارائه‌ی اطلاعات فراگیرتر به ذینفعان تلقی نمی‌شود و از طریق ارجاع و بازبینی سازه‌هایی که باورهای متعصبانه را در حرفه‌ی حسابداری توسعه داده است، تلاش می‌کند تا بازسازی متداومی را به صورت یک سیکل سیستمی در حرفه به طور دوره‌ای ایجاد نماید (راتیان و اسکینس،^۱ ۲۰۱۳). به عبارت دیگر، در این فرآیند حسابداری به عنوان یک سیستم مبتنی بر داده؛ فرآیند و ستاده، تلاش می‌کند تا سطح فراگیری از انتظارات ذینفعان را در راستای کسب مشروعیت بالاتر، اقناع نماید.

همچنین در همین راستا، چائو^۲ (۲۰۱۹) در مطالعه‌ی خود با عنوان «تحولات بنیادین در تفکر حسابداری» الگوی مبتنی بر ضروریات، فرآیندها و پیامدهای ساختاری تحول حسابداری ارائه نمودند که به مسئله‌ی این مطالعه مرتبط می‌باشد. چائو (۲۰۱۹) با بررسی مکاتبی همچون جریان اصلی/عیینت‌گرایی، تفسیرگرایی، و رویکرد انتقادی، به اذعان این مسئله می‌پردازد که حسابداری برای مواجهه با دنیای دائماً در حال تغییر امروز از یک سو و وجود شکاف بین تئوری تا عمل؛ نقض معرفت‌شناسی اجتماعی و چالش‌های تفسیرگرایی حرفه‌ای از سوی دیگر، نیازمند پذیرش تحولات بنیادی در حسابداری است (فوغارتی و جوناس^۳، ۲۰۱۰). این الگو؛ در وهله‌ی اول شش ضرورت را مطرح می‌کند که می‌تواند پیامدهای درونی و بیرونی ناشی از ایجاد تحولات بنیادی در حسابداری تلقی شود. این ضرورت‌ها به دلایل مختلفی از اجتماعی تا نهادی و رقابتی به حرفه‌ی حسابداری این فرصت را می‌دهد تا بتواند ظرفیت‌های مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی؛ جایگاه‌پذیری رقابتی؛ شفافیت اطلاعاتی؛ تأمین مالی منعطف؛ مشروعیت و پایداری را برای بنگاه‌های تجاری به همراه داشته باشد.

1. Rautiainen and Scapens

2. Chua

3. Fogarty and G. Jonas



شکل ۵. تحولات بنیادین حرفه حسابداری

در نهایت نیز ترکیب اعمال ضرورت‌ها با تحولات بنیادی در حسابداری امکان دستیابی به پیامدهای ساختاری را تحت وجود یک دیدگاه سیستمی برای پذیرش فناوری‌های نوظهور در دانش حسابداری ممکن می‌سازد تا از این طریق شرکت‌ها بتوانند، همسو با تغییرات بیرونی، از ظرفیت‌های بالاتری برای اثربخشی و تعامل با ذینفعان برخوردار باشند. با ارائه‌ی مبانی نظری مطرح درباره مطالعه‌ی حاضر، می‌توان سوال‌های پژوهش را به ترتیب زیر ارائه نمود:

سوال اول پژوهش گزاره‌های پارادایمی تحول‌گرایی ساختاری در حرفه حسابداری کدامند؟

سوال دوم پژوهش خوشه‌بندی شناختی مضامین گزاره‌ای تحول‌گرایی ساختاری در حرفه حسابداری کدامند؟

پیشینه پژوهش

یانگ و همکاران (۲۰۲۴) مطالعه‌ای با عنوان «تحولات دیجیتال و مقایسه‌پذیری اطلاعات حسابداری» انجام دادند. جامعه هدف مطالعه شرکت‌های فعال در بازار بورس کشور چین می‌باشد. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که تمرکز بر تحول دیجیتال به عنوان یک راهبرد ساختاری

می‌تواند به طور قابل توجهی قابلیت مقایسه پذیری صورت‌های مالی شرکت را افزایش دهد. تجزیه و تحلیل حساسیت نیز نشان می‌دهد، که تأثیر تحول دیجیتال در ارتقای مقایسه‌پذیری اطلاعات شرکت‌های غیردولتی با شرکت‌های دولتی تفاوت قابل توجهی دارد. همچنین این مطالعه اشاره می‌کند که دیجیتالی شدن فرصت‌های جدیدی برای بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری، می‌بایست به عنوان یک ضرورت بنیادی توسط نهادهای تنظیم کننده استاندارد همواره مورد توجه قرار گیرد، چراکه تغییرات بیرونی قابل کنترل نمی‌باشند. فگالی و همکاران (۲۰۲۲) پژوهشی تحت عنوان «تحول در حسابداری و حرکت به سمت دیجیتالی شدن در طول پاندمی کوید ۱۹: در منطقه اقتصادی منا» انجام دادند. در این مطالعه، ۵۶۸ حسابدار متخصص و شاغل در شرکت‌های خصوصی در بازه زمانی یکساله مشارکت داشتند و برای آزمون فرضیه پژوهش از تحلیل حداقل مربعات جزئی بهره برده شد. نتایج نشان داد که تغییرات ناشی از پاندمی کرونا بر رفتار حسابدار از نظر نگرش؛ تلاش؛ انتظار؛ سازگاری تأثیر منفی دارد. از طرف دیگر مشخص شد، سطح دیجیتالی شدن، موقعیت اشغال شده توسط حسابدار و اندازه شرکت تأثیر مثبتی بر رفتار حسابدار در منطقه منا دارد. گنسالوز و همکاران^۱ (۲۰۲۱) مطالعه‌ای با عنوان «آینده پژوهشی حسابداری: ارزیابی تحول دیجیتال بر اثربخشی افشاء اطلاعات» انجام داد. در واقع این مطالعه، با پیروی از رویکرد کیفی و اکتشافی در سه مطالعه موردی با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته صورت پذیرفت. این مطالعه نشان می‌دهد که اگرچه تحول دیجیتال در شرکت‌های خدمات حسابداری کوچک و متوسط پرتغالی تازه شروع شده است، اما هنوز با دستیابی به عرصه‌های فناوری‌های عصر چهارم پس از انقلاب صنعتی، شامل تشخیص کاراکتر نوری^۲ (OCR)، هوش مصنوعی^۳ (AI)، روباتیک و برنامه‌ریزی منابع سازمانی^۴ (ERP) در فضای ابری فاصله‌ی زیادی وجود دارد که شاید مهمترین دلیل و موانع آن مقاومت در برابر تغییر، فرهنگ سازمانی و قیمت تحول دیجیتال در حسابداری باشد. یارپنکو و همکاران^۵ (۲۰۱۶) مطالعه‌ای با عنوان «پارادایم‌های حسابداری و گزارشگری مالی» انجام دادند. این مطالعه مبتنی بر تجزیه و تحلیل رویکردهای موجود برای شکل‌گیری پارادایم حسابداری و گزارشگری مالی

1. Gonçalves et al
2. Optical Character Recognition
3. Artificial Intelligence
4. Enterprise Resource Planning
5. Yaremko et al

است. لذا در این مطالعه بر توسعه پارادایم جدید در دانش حسابداری بر مفهوم نگهداری سرمایه فکری و مفاد نظری اقتصاد فیزیکی تمرکز شده است تا ناهنجاری‌ها و بحران‌های پارادایم موجود در حسابداری تعیین گردد. نتایج نشان می‌دهد عدم نمایش کامل پتانسیل فکری توسط سیستم حسابداری و گزارشگری مالی در کنار فرآیندهای اندازه‌گیری اقتصادی اقلام مالی، باعث گردیده تا این دانش از ظرفیت‌های قابل اتکایی برای پایداری برخوردار نباشد. لذا در نظر گرفتن جنبه‌های اجتماعی، زیست‌محیطی و اخلاقی براساس اصول فنی دانش حسابداری و گزارشگری مالی، می‌تواند به ارتقاء ادراک شناخته‌تر شده‌ی ذینفعان از فرآیندهای عملکردی شرکت‌ها منجر گردد. مسلمی و نیک‌سیرت^۱ (۲۰۱۳) مطالعه‌ای با عنوان «بررسی تأثیر پارادایم در توسعه علمی حسابداری» انجام دادند. این مطالعه که مبتنی بر روش شناسی موردی است، از طریق مرور ادبیات نظری مشابه، نقش تغییر پارادایم‌های مکاتب علوم انسانی در توسعه حرفه‌ای حسابداری را مورد بررسی قرار داد و اذعان نمود که محدودیت قابل توجه توسعه علمی حسابداری امروز، به دلیل عدم واکاوی مفاهیم جدید قابل بسط به دانش حسابداری به عنوان یک رویکرد سیستمی باز جهت ارتباط متعامل‌تر با محیط و برآورده‌سازی انتظارات ذینفعان می‌باشد. به همین دلیل بحث‌های پارادایم به منظور تقویت باز بودن چند بُعدی و دانش واقعی در تحقیقات حسابداری مدیریت بیش از گذشته می‌بایست توسعه یابد. برزگر و همکاران (۱۴۰۲) مطالعه‌ای با هدف شناسایی پیشران‌های تحول در حسابداری انجام دادند. این پژوهش از طریق مرور سیستماتیک به دنبال ارزیابی مقالات منتخب، مفاهیم تشکیل دهنده، ابعاد و مولفه‌های تاثیرگذار مطالعه بود تا با انجام مصاحبه با خبرگان، اهداف مطالعه را تأمین نماید. نتایج حکایت از شناسایی فناوری تولید، فناوری اطلاعات، سامانه‌های مجازی، هوش مصنوعی، نوآوری پویا، ساختار سازمانی، سازه و کارهای نظارتی، جهانی سازی و تحولات فرهنگی از پیشران‌های تحول هستند. نتایج نشان دهنده‌ی این موضوع است که تحول در حسابداری مدیریت از طریق معیارهای یاد شده می‌تواند به تعدیل بسیاری از موقعیت‌های استراتژیک رقابتی منجر شود و چالش‌هایی را برای حسابداری مدیریت در آینده ایجاد مینماید را مرتفع نماید. همایونی‌راد و همکاران (۱۳۹۹) مطالعه‌ای با عنوان «جامعه‌شناسی حسابداری، دیدگاه‌ها و چالش‌ها: از منظر پارادایم‌های غالب» انجام دادند. این مطالعه با بهره‌گیری از تخصص تعدادی از خبرگان، پرسشنامه‌ای در راستای

دیدگاه مطالعه تنظیم نمود که نمونه‌ای متشکل از ۱۷۰ نفر از اساتید برجسته رشته حسابداری کشور در تکمیل آن مشارکت داشتند. فرضیه‌ها با استفاده از روش تی تک نمونه‌ای آزمون گردید و از تحلیل محتوا جهت تحلیل پدیده‌های مرتبط با موضوع بهره گرفته شد. نتایج حاکی از وجود رابطه معنادار و مؤثر بین حسابداری و جامعه‌شناسی است. بررسی پارادایم‌ها نشان می‌دهد که جهت حرکت پارادایم‌های حسابداری و جامعه‌شناسی به سمت رویکردهای جمع‌گرایانه می‌باشد.

مرور پیشینه‌های پژوهش می‌تواند مؤید این موضوع باشد، که مسئله تحول‌گرایی ساختاری در حرفه حسابداری، اگر به صورت جزیره‌ای و نامتقارن در مطالعه‌های گذشته صرفاً با تمرکز بر فناوری‌های اطلاعات در حوزه‌ی حسابداری صورت گرفته است، اما نتوانسته در اقتناع مفهوم نظریه تحول‌گرایی حرفه‌ای به ایجاد شناخت جامع‌تر از محتوای تغییرات مورد نیاز در حرفه حسابداری مؤثر باشد. لذا این مطالعه تلاش دارد تا در زنجیره روش‌شناسی پدیدارشناسی پارادایمی، نسبت به ارائه‌ی یک مدل فراگیر با هدف پوشش تمامی جنبه‌های معنایی و کاربردی این پدیده اقدام نماید.

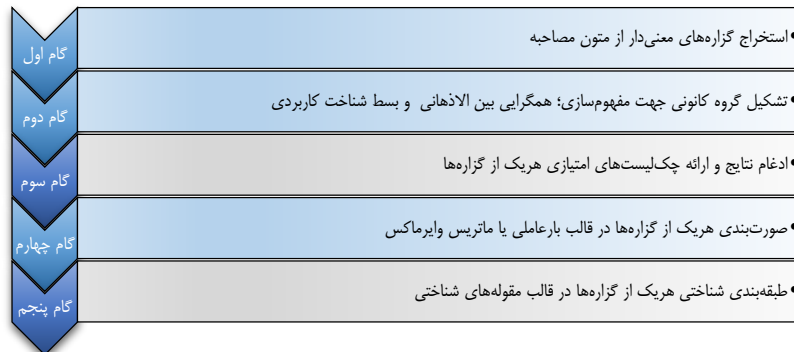
روش‌شناسی

جنبه‌های مختلفی در روش‌شناسی وجود دارد که به ماهیت یک پدیده می‌تواند معنا بخشی در بستر مطالعه نماید. یکی از این جنبه‌ها پدیدارشناسی است که هدف آن پیوند بین جنبه‌های تئوریک و با جنبه‌های کاربردی یک پدیده در بستر مطالعه می‌باشد (اسپینلی^۱، ۲۰۰۵). لذا ماهیت پیاده‌سازی این مطالعه بدلیل فراگیری مفهوم مورد بررسی، نیاز به دسته‌بندی پارادایمی دارد. براین منظور با الگوبرداری از رویکرد پدیدارشناسانه‌ی هاسرل^۲ (۱۹۷۰) طی مصاحبه با خبرگان، کدهای باز مرتبط با مفهوم تحول‌گرایی ساختاری در حرفه حسابداری ایجاد می‌شود. در این فرآیند، کدگذاری ناشی از هر مصاحبه به صورت دسته‌بندی مفاهیم مشابه و حذف زوائد صورت می‌گیرد تا مضامین گزاره‌ای نهایی به عنوان مبنای ارزیابی پدیده‌ی مطالعه تعیین شوند. در این فرآیند براساس تکرار مشابهت کدهای ایجاد شده در هر مصاحبه، یکپارچه کردن معنایی مضامین گزارایی مبنایی برای تدوین چک لیست‌های امتیازی کیو تلقی می‌شود. لذا با توزیع چک لیست‌های کیو در بین اعضای پانل، اقدام به مقوله بندی مضامین

1. Spinelli

2. Husserl

گزاره‌ای ایجاد شده در بخش کیفی می‌گردد. لذا در گام بعدی، با تشکیل گروه کانونی، گزاره‌های شناسایی شده می‌بایست به منظور قرار گرفتن هریک از گزاره‌ها در خوشه‌های مشخص براساس ساختار معنایی مدل پارادایمی، از طریق چک لیست تحلیل «Q» مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این چک لیست‌ها به تعداد گزاره‌های تعیین شده و با امتیازهای متوازن مشخص، آماده می‌شوند تا در اختیار اعضای پانل قرار گیرند. تشکیل جلسات گروه کانونی، طی سه مرحله با هدف مفهوم‌سازی؛ همگرایی بین الادهانی و بسط شناخت کاربردی صورت می‌گیرد تا امکان اختصاص امتیاز هریک از مشارکت‌کنندگان به گزاره‌ها وجود داشته باشد. داده‌های جمع‌آوری شده از چک لیست‌های امتیازی، براساس فرآیند چرخش وایرماکس مورد بررسی قرار می‌گیرد تا مشخص شود، چند طبقه براساس گزاره‌های ایجاد شده وجود دارد که در تحول‌گرایی ساختاری حرفه حسابداری می‌تواند مؤثر باشد. لذا این مطالعه به لحاظ نتیجه، توسعه‌ای تلقی می‌شود و به لحاظ هدف براساس ماهیت انجام مصاحبه جهت شناسایی گزاره‌های پدیده‌ی مورد بررسی، اکتشافی است. از نظر نوع داده نیز، ماهیت این مطالعه ترکیبی محسوب می‌شود به طوریکه در بخش کیفی جهت شناسایی گزاره‌های مضمونی پدیده مورد بررسی از مصاحبه با خبرگان نسبت به جمع‌آوری داده‌ها اقدام می‌شود و در بخش کمی از طریق مشارکت اعضای پانل در قالب گروه‌های کانونی، خوشه‌بندی مفهومی انجام می‌شود. لذا طبق الگوی هاسرل (۱۹۷۰) در ادامه مراحل پیاده‌سازی مطالعه در شکل (۶) ارائه می‌شود.



شکل ۶. مراحل پیاده‌سازی اقدام پژوهی

براساس شکل (۶) در گام اول، پیاده‌سازی مصاحبه‌ها براساس فرآیند مطالعه‌ی متون صورت گرفته، انجام می‌شود و پژوهشگر قبل از شروع تجزیه و تحلیل، متن هریک از مصاحبه‌های پیاده

شده را چندین بار مطالعه می‌کند و در طول مصاحبه با انجام یادداشت برداری، امکان تقویت شناسایی مضامین معنادار را ممکن می‌سازد. سپس استخراج گزاره‌های معنی‌دار از طریق معانی نهفته در پروتکل اصلی (یعنی آنچه مصاحبه شونده بیان نموده است) کشف می‌شود. در گام دوم، تشکیل گروه کانونی جهت درک محتوایی، تبادل نظر و بسط شناخت کاربردی طی چند جلسه ایجاد می‌شود. در گام سوم، هدف، ادغام نتایج و ارائه چک‌لیست‌های امتیازی هریک از گزاره‌ها به گروه کانونی صورت می‌گیرد تا از طریق مقیاس کیو، نسبت به قراردادن هریک از گزاره‌ها در یک خانه امتیازی اقدام شود. در گام چهارم، گزاره‌ها براساس بالاترین توزیع فراوانی گروه کانونی، از طریق فرآیند چرخش وایرماکس، تفکیک می‌شوند تا در گام پنجم، این ابعاد به لحاظ تفکیک شناختی در مقوله‌های مرتبط جایگزاری شوند.

اعتباریابی ابزار پژوهش

به دلیل فقدان ابزار استاندارد مبنی بر سنجش تحول‌گرایی ساختاری در حرفه حسابداری، در پژوهش‌های گذشته، جهت سنجش اعتبار ابزار مطالعه در بخش کیفی که براساس مصاحبه با خبرگان انجام گرفت، از روش مثلث‌سازی استفاده می‌شود. در این فرآیند ۴ مبنای اعتبارسنجی ابزاری در بخش کیفی وجود دارد که به ترتیب زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اعتبار از نظر منابع داده‌ها

در این معیار مثلث‌سازی، سطح متناسبی از ارتباط بین مولفه‌های محوری شناسایی شده با پدیده مورد بررسی در پژوهش‌های علمی مشابه مدنظر قرار می‌گیرد. لذا از آنجاییکه تحلیل مورد استفاده در بخش کیفی، طی فرآیند کدگذاری باز با ارجاع به پژوهش‌های نظری گذشته اقدام به حذف زوائد و سنجش تناسب محتوایی برای دستیابی به مضامین گزاره‌ای نموده است، می‌توان تناسب مثلث‌سازی منابع داده‌ها در این بخش را تأیید نمود.

اعتبار از نظر همکاران محقق

هدف این معیار مثلث‌سازی، ارزیابی کدهای ایجاد شده از نظر گروه‌های هم‌تا می‌باشد. در این مطالعه پس از پیاده‌سازی فرآیند تحلیلی بخش کیفی، طی مسیر تحلیلی مجدداً توسط چند پژوهشگر مورد بررسی قرار گرفت تا مراحل شناسایی و کدگذاری برای رسیدن به مفاهیم مشخص هریک از پدیده‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد. لذا از این افراد خواسته شد تا برداشت خود

را از سیر تحلیل‌های بخش کیفی اذعان نمایند تا براساس نزدیکی دیدگاه‌های تحلیلی، پشتوانه علمی و ابزارهای مورد استفاده، تقویت گردد. لذا اظهارنظرهای مطرح در این معیار، حکایت از تأیید، معیارهای شناسایی شده دارد.

اعتبار از نظر روش پیاده‌سازی

هدف این معیار مثلث‌سازی، چگونگی رسیدن به حد اجماع نظری در شناسایی مقوله‌های تحول‌گرایی ساختاری در حرفه حسابداری می‌باشد. لذا مثلث‌سازی مبتنی بر روش پیاده‌سازی در این مطالعه به دلیل اینکه پس از اتمام هر مصاحبه کدگذاری باز صورت می‌گرفت تا با دسته‌بندی مفاهیم پدیدار شده به مضامین گزاره‌ای برای انجام مقوله‌بندی ممکن باشد، از اعتبار دارای پشتوانه روش‌شناسی برخوردار است.

اعتبار از نظر نظریه

هدف این معیار مثلث‌سازی، یکپارچه‌سازی معیارهای شناسایی شده در قالب یک چارچوب نظری می‌باشد تا با ایجاد یک مفهوم مشترک مبنایی برای تبیین معیارهای شناسایی شده به بستر مطالعه تلقی گردد. لذا براساس اینکه در پایان فرآیند تحلیلی، یک چارچوب نظری پارادایمی ارائه شده است، اعتبار ابزاری این مطالعه بر مبنای نظریه مورد تأیید می‌باشد. در این مطالعه، سپس به منظور تأیید پایایی معیارهای شناسایی شده مبنی بر امکان تبیین آن به بستر مطالعه از مقیاس‌بندی امتیازی طبق چک‌لیست سلسله‌مراتبی جدول (۵) بهره برده شد، تا با تشکیل گروه کانونی، امکان تبیین مضامین گزاره‌ای در بستر شرکت‌های مورد بررسی در قالب مقوله‌ها مهیا گردد.

مشارکت‌کنندگان و نحوه‌ی تعیین

مشارکت‌کنندگان این مطالعه براساس ماهیت ترکیبی بودن جمع‌آوری داده‌ها، دو گروه می‌باشند، اولین گروه خبرگان حسابداری هستند که با انجام مصاحبه با آنان تلاش می‌شود تا جنبه‌های مختلف تحول‌گرایی ساختاری حرفه حسابداری شناسایی گردد. در این فرآیند دستیابی به کفایت خبرگی مصاحبه‌شوندگان، یکی از مهمترین بخش‌های جمع‌آوری داده‌های کیفی محسوب می‌شود، چراکه به دلیل عدم انسجام ماهیت پدیده‌ی مطالعه به لحاظ جنبه‌های شناختی، لازم بود تا با طراحی پروتکل‌های مصاحبه، ابتدا زمینه‌سازی مفهومی و شناختی از ماهیت مطالعه

ایجاد می‌شد تا در ادامه با انجام مصاحبه مشخص گردد، چه افرادی می‌توانند نقش مثرتری را داشته باشند. لذا برخی از پرتکرارترین سوالات مصاحبه به ترتیب زیر می‌شود:

۱. چه مضامین به لحاظ معرفت‌شناسی پارادایمی، می‌تواند مبنای تحول‌گرایی ساختاری حرفه حسابداری تلقی گردد؟
۲. چه مضامینی باهدف پوشش ضعف‌های فنی، می‌تواند مبنای تحول‌گرایی ساختاری حرفه حسابداری تلقی گردد؟
۳. چه مضامینی از فرآیندهای آموزشی می‌تواند در توسعه تحول‌گرایی ساختاری حرفه حسابداری مدنظر قرار گیرد؟
۴. مضامین ساختاری نظارت در توسعه تحول‌گرایی ساختاری حرفه حسابداری کدامند؟
۵. مضامینی که می‌تواند به ارتقاء ساختارهای حاکمیتی در توسعه تحول‌گرایی ساختاری حرفه حسابداری کمک نمایند، کدام است؟
۶. چه مضامینی می‌تواند با توسعه هنجارهای گزارشگری به ارتقاء تحول‌گرایی ساختاری حرفه حسابداری کمک نماید؟

برای این منظور از ماهیت کفایت خبرگی در پژوهش هنوود و پیدگن^۱ (۱۹۹۲) بهره برده شد که بر معیارهایی همچون؛ اهمیت تناسب، قدرت افتراق، آگاهی از زمینه پژوهشی و به طور خاص تفسیر تشریحی تأکید دارد. برای رسیدن به این هدف، لازم بود، قبل از رسیدن به تعداد نفرات مصاحبه شونده، از طریق معیار اهمیت تناسب، تعداد بیشتری باتوجه به سوابق آموزشی و پژوهشی در حوزه‌ی مربوطه انتخاب می‌شدند. لذا طی این فرآیند از ۲۱ نفر جهت انجام مصاحبه دعوت به عمل آمد. این افراد از نظر محققان از تناسب بهتری به لحاظ شناخت از خبرگان، برخوردار بودند. از مجموع ۲۱ نفر، ۱۸ نفر پاسخ مثبت دادند. در ادامه بر مبنای حساسیت به زمینه‌ی مورد مطالعه، ۱۸ نفر اولیه انتخاب شده، مجدداً غربال شدند و با ارسال بروشوری از اهداف و ماهیت مطالعه، تلاش شد تا واکنش آنان از طریق معیارهای قدرت افتراق؛ آگاهی از زمینه پژوهشی و تفسیر تشریحی در رابطه با موضوع، مورد بررسی قرار گیرد، تا در نهایت باتوجه به جنبه‌هایی از زمان کافی برای مشارکت و دیدگاه‌های شناختی، ۱۶ نفر به عنوان مشارکت‌کنندگان بخش اول پژوهش انتخاب شدند که از سطح انگیزه و آگاهی لازم برای

1. Henwood & Pigeon

مشارکت در رابطه با پدیده‌ی مورد بررسی برخوردار بودند. از طرف دیگر باید بیان شود، تفاوت فرآیند مصاحبه در پدیدارشناسی با سایر شیوه‌های کیفی همچون گزند تئوری، در نقطه اتمام مصاحبه‌ها به عنوان معرف تعداد مصاحبه‌شوندگان می‌باشد. در واقع در این فرآیند، انتخاب تعداد مشارکت‌کنندگان، طبق نظر دیپراز^۱ (۲۰۲۰) که بر روی الگوی پدیدارشناسی هاسرل (۱۹۷۰) تمرکز نموده است، به بیش پژوهشگر نیز مرتبط می‌باشد و حد مطلوب برای انتخاب بین ۱۲ تا ۲۰ نفر مشارکت‌کننده تعیین شده است (بک^۲، ۲۰۱۹). براساس توضیح‌های داده شده، اطلاعات جمعیت‌شناختی خبرگان در جدول (۱) ارائه شده است:

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی خبرگان حسابداری

مشارکت‌کنندگان	جنسیت	سن	مدرک تحصیلی	حوزه تخصصی	محل فعالیت
نفر اول	مرد	۴۸ سال	دکتری	حسابداری	دانشگاه کردستان
نفر دوم	مرد	۴۶ سال	دکتری	حسابداری	دانشگاه سیستان و بلوچستان
نفر سوم	مرد	۴۵ سال	دکتری	حسابداری	دانشگاه سیستان و بلوچستان
نفر چهارم	مرد	۵۲ سال	دکتری	حسابداری	دانشگاه فردوسی مشهد
نفر پنجم	مرد	۶۵ سال	دکتری	حسابداری	دانشگاه ممفیس آمریکا
نفر ششم	زن	۴۹ سال	دکتری	حسابداری	دانشگاه الزهرا
نفر هفتم	زن	۴۲ سال	دکتری	حسابداری	دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان
نفر هشتم	مرد	۴۰ سال	دکتری	حسابداری	دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرگز
نفر نهم	زن	۴۱ سال	دکتری	حسابداری	دانشگاه امام رضا (ع)
نفر دهم	مرد	۵۱ سال	دکتری	حسابداری	دانشگاه مازندران
نفر یازدهم	مرد	۴۱ سال	دکتری	حسابداری	دانشگاه علامه طباطبایی
نفر دوازدهم	مرد	۴۰ سال	دکتری	حسابداری	پردیس فارابی دانشگاه تهران
نفر سیزدهم	زن	۴۲ سال	دکتری	حسابداری	دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرگز
نفر چهاردهم	مرد	۴۳ سال	دکتری	حسابداری	دانشگاه رشت
نفر پانزدهم	مرد	۵۳ سال	دکتری	حسابداری	دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین
نفر شانزدهم	مرد	۵۲ سال	دکتری	حسابداری	دانشگاه مازنداران

1. Depraz

2. Beck

در بخش دوم مطالعه، ۵۰ نفر از مدیران مالی و رؤسای حسابداری شرکت‌های بازار سرمایه ایران خواسته شد تا از طریق چک‌لیست‌های تحلیل کیو که یک ابزار امتیازی لایه‌ای است، امتیازهای خود را به هر گزاره بدهند. این افراد در گروه‌های کانونی ابتدا به عنوان اعضای پانل در رابطه با گزاره‌های شناسایی شده بحث و تبادل نظر می‌کردند و سپس هر یک از آنان امتیاز لازم را در قالب چک لیست امتیازی ارائه می‌داد. در این روش پیاده‌سازی، لازم نیست نمونه آماری به شکل تصادفی از جامعه آماری انتخاب شود؛ بلکه افراد، به دلیل داشتن یک نظر خاص درباره موضوع پژوهش، به شکلی کاملاً آگاهانه از جانب محققان این پژوهش انتخاب می‌شوند تا در قالب گروه کانونی، نسبت به طبقه‌بندی شناختی پدیده مورد بررسی مشارکت نمایند. اندازه نمونه نیز در این شیوه تحلیل کوچک است و هدف، تجزیه و تحلیل عمیق دیدگاه‌های تجربی و دانشی است که به طبقه‌بندی مفهوم در بستر پدیده و مطالعه‌ی مورد نظر کمک می‌نماید. در واقع، مرحله انتخاب مجموعه مشارکت‌کنندگان در انجام روش امتیازبندی کیو، معادل انتخاب نمونه آماری در پژوهش‌های کمی است که این امر، به صورت هدفمند و غیر احتمالی صورت می‌گیرد (گاتیر، ۲۰۲۰). براساس این توضیحات، می‌توان طبق جدول (۲) اطلاعات جمعیت‌شناختی هر دو مشارکت‌کنندگان این مطالعه را ارائه نمود.

جدول ۲. اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان مطالعه

متغیر	بخش کیفی			بخش کمی		
	معیارها	تعداد	درصد	معیارها	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۱۲	۵۸٫۳۴٪	مرد	۳۶	۷۰٪
	زن	۴	۴۱٫۶۶٪	زن	۱۴	۳۰٪
	جمع	۱۶	۱۰۰٪	جمع	۵۰	۱۰۰٪
سن	بین ۴۰ تا ۵۰ سال	۱۲	۵۰٪	کمتر از ۴۰ سال	۵	۱۰٪
	بیشتر از ۵۰ سال	۴	۵۰٪	بین ۴۰ تا ۵۰ سال	۳۸	۷۶٪
	جمع	۱۶	۱۰۰٪	بیشتر از ۵۰ سال	۷	۱۴٪
سابقه کاری	بین ۱۰ تا ۱۵ سال	۵	۵۰٪	کمتر از ۲۰ سال	۳۴	۶۸٪
	۱۵ سال به بالا	۱۱	۵۰٪	بیشتر از ۲۰ سال	۱۶	۳۲٪
	جمع	۱۶	۱۰۰٪	جمع	۵۰	۱۰۰٪

یافته‌های پژوهش

در این بخش همانطور که در روش شناسی بیان گردید، ابتدا از طریق مصاحبه با خبرگان، تلاش می‌شود تا در بخش کیفی، گزاره‌ها (مضامین مفهومی) مرتبط با ماهیت تحول‌گرایی ساختاری حرفه حسابداری مشخص شوند تا در بخش کمی از طریق تشکیل گروه کانونی، نسبت به تفکیک و دسته‌بندی خوشه‌های این پدیده، بسترسازی مناسبی در سطح شرکت‌های بازار سرمایه ایجاد شود.

الف) یافته‌های بخش کیفی

در این بخش طبق الگوی هاسرل (۱۹۷۰) که در روش شناسی به صورت طرح کلی مطرح شد، شناسایی گزاره‌ها انجام می‌گیرد. همانطور که گفته شد، جهت پیاده‌سازی مصاحبه‌ها باهدف شناخت عوامل مؤثر بر تحول‌گرایی ساختاری حرفه حسابداری، مجموعاً ۳۸۸ کد باز طی ۱۶ مصاحبه ایجاد شد که براساس حذف زوائد و تکرار کدهای باز مشابه، ۵۰ مضمون مفهومی طی جداول (۱) و (۲) شناسایی شدند. این دسته‌بندی براساس گام‌های اول و دوم الگوی هاسرل (۱۹۷۰) انجام گرفت. لذا ابتدا جدول (۱) تفکیک گزاره‌ها براساس هر مصاحبه را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است به هر مصاحبه کد «QP» داده شد تا مشخص گردد، گزاره‌های نهایی در کدام مصاحبه‌ها تکرار شده‌اند. به منظور یکپارچه‌سازی نیز، از همین ابتدا، هر یک از مضامین گزاره‌ای از M1 تا M50 کد گذاری شدند.

جدول ۳. خلاصه‌ی گزاره‌های تفکیک شده از مرحله‌ی کدگذاری باز ۱۶ مصاحبه انجام شده

کدها	کدمفهومی	تکرار در مصاحبه‌ها
M1	اختصاص پاداش‌های مالی جهت مشارکت تیمی در اجرای تحولات ساختاری حسابداری	QP01; QP02; QP05; QP07; QP09; QP11; QP12
M2	ارزیابی‌های دوره‌ای متصدیان حرفه‌ای پس از گذراندن دوره‌های آموزش حرفه‌ای	QP02; QP04; QP05; QP08; QP10; QP12
M3	افشاء هزینه‌های تحقیق و توسعه شرکت	QP01; QP04; QP05; QP07; QP09; QP10; QP13
M4	ارائه‌ی رویکردهای معاملاتی شرکت در بازار از طریق گزارش‌های همراه	QP02; QP05; QP06; QP08; QP11; QP12; QP16
M5	ارائه‌ی منظم گزارش‌های تفسیری مدیریت	QP03; QP05; QP09; QP11; QP12; QP14; QP16
M6	عدم انتصاب متصدیان عرصه حسابداری براساس صلاحیت فنی	QP02; QP03; QP06; QP09; QP10; QP12; QP16

تکرار در مصاحبه‌ها	کدمفهومی	کدها
QP03; QP06; QP08; QP09; QP12; QP14; QP15	تشکیل واحدهای متورینگ مبنی بر نظارت تحولات ساختاری واحد حسابداری	M7
QP03; QP04; QP06; QP10; QP11; QP13; QP15	اختصاص منابع برای مهندسی مجدد زیرساخت‌های فناوری‌های مالی/حسابداری	M8
QP02; QP06- QP08; QP10; QP11; QP15	ارائه اطلاعات مشتریان عمده شرکت	M9
QP01; QP03; QP05; QP08; QP10; QP15; QP16	تمرکز بیش‌ازحد بر استدلال منطقی در معرفت‌شناسی حسابداری	M10
QP02; QP03; QP05; QP09; QP11; QP12	استفاده از ظرفیت‌های توکن غیرقابل تعویض (NFT) جهت پایده‌سازی خدمات مالی فناورانه	M11
QP02; QP03; QP05; QP09; QP11; QP12; QP15	افراط‌گرایی بیش از اندازه متصدیان حرفه حسابداری در پابندی به استدلال منطقی	M12
QP01; QP06; QP07; QP10; QP11; QP12; QP14	افشاء اختیاری سودهای پیش‌بینی شده مدیران	M13
QP01; QP03; QP04; QP07; QP09; QP10; QP14	افشاء ارزش برند شرکت	M14
QP02; QP04; QP08; QP10; QP11; QP13; QP15	افشاء اعاده‌ی دادرسی پرونده‌های مالی شرکت در مراجع حقوقی و قضایی	M15
QP01; QP06; QP07; QP10; QP11; QP12; QP13	استفاده از اسکیل‌آپ‌های مالی/حسابداری به عنوان چرخه‌ی ارزیابی درونی اجرای تحولات حسابداری	M16
QP02; QP03; QP06; QP09; QP11; QP14; QP15	امکان‌سنجی ظرفیت‌های بلاک‌چین جهت تناسب عملیات مالی با کارکردهای سیستم اطلاعات	M17
QP01; QP02; QP05; QP07; QP09; QP11; QP16	انعکاس جزئیات ریسک‌های مالی به ذینفعان	M18
QP01; QP02; QP04; QP05; QP08; QP10; QP12	انعکاس نتایج ارزیابی سهم بازار شرکت به ذینفعان	M19
QP01; QP03; QP05; QP09; QP10; QP13	تناسب‌سازی توانمندی‌های حسابداران با قابلیت‌های سیستم حسابداری تکنولوژیک	M20
QP04; QP06; QP09; QP10; QP11; QP12; QP14	ایجاد انگیزه‌های فردی مبنی بر جایگزینی ارائه‌ی خدمات مالی/حسابداری فناورانه با ارائه خدمات سنتی	M21
QP03; QP06; QP07; QP09; QP11; QP12	آماده‌سازی متصدیان حرفه‌ی حسابداری مبنی بر مشارکت در کار تیمی	M22
QP01; QP04; QP05; QP07; QP09; QP10; QP13	بکارگیری فناوری‌های پردازش ابری در عرصه‌های مالی/حسابداری	M23
QP03; QP06; QP08; QP11; QP12; QP13; QP15	پابندی به رعایت انحصار و حقوق کپی رایت در خرید نرم افزارهای حسابداری	M24
QP02; QP03; QP05; QP07; QP10; QP13	پشتوانه سازی حاکمیت شرکتی منسجم در اعمال تحولات ساختاری واحد حسابداری	M25

کدها	کدمفهومی	تکرار در مصاحبه‌ها
M26	ارتقاء توانمندی‌های حسابداران در استفاده از سیستم‌های اطلاعات مالی/حسابداری	QP03; QP06; QP08; QP09; QP12; QP14; QP15
M27	تغییر ماهیت تأثیرگذاری حسابداری از نظر مقایسه‌پذیر بودن صورت‌های مالی	QP03; QP06; QP08; QP11; QP12; QP13; QP15
M28	تقویت شتاب‌دهنده‌های زیست‌بوم مالی در پیاده‌سازی با کیفیت‌تر حسابداری	QP04; QP06; QP09; QP10; QP11; QP12; QP16
M29	تمرکز بر روی انکوباتور زیست‌بوم مالی در پیاده‌سازی با کیفیت‌تر حسابداری	QP03; QP04; QP07; QP08; QP09; QP11; QP13
M30	استفاده از تکنولوژی دنیای و بسترسازی امور مالی غیرمتمرکز	QP04; QP06; QP09; QP10; QP11; QP12; QP16
M31	ایجاد اکوسیستم‌های مالی جهت افشای با کیفیت‌تر اطلاعات به ذینفعان	QP03; QP04; QP07; QP10; QP11; QP12; QP14
M32	تناسب‌سازی توانمندی‌های حسابداران با ویژگی‌های تحولات ساختاری در حسابداری	QP03; QP06; QP07; QP10; QP12; QP13; QP16
M33	توسعه‌ی سرویس‌های شرکت در تقویت زیرساخت‌های شبکه‌ی اطلاعات حسابداری	QP03; QP05; QP08; QP09; QP11; QP13; QP14
M34	حمایت ادراک شده از متصدیان حرفه‌ای مبنی بر استفاده از تغییرات فناورانه در حسابداری	QP01; QP03; QP07; QP09; QP11; QP13; QP15
M35	خرید پلتفرم‌هایی مانند Roblox، Sandbox و Decentraland جهت اشتراک‌گذاری خدمات مالی سریع‌تر به ذینفعان	QP04; QP05; QP09; QP12; QP13; QP14; QP16
M36	دخیل نمودن حسابداران در جریان فرآیند تحولات ساختاری در واحد حسابداری	QP04; QP05; QP06; QP07; QP10; QP13; QP15
M37	سرمایه‌گذاری بر استارت‌آپ‌های مالی جهت بازآفرینی فرآیندهای سیستم مالی	QP01; QP03; QP05; QP07; QP09; QP11; QP12; QP14; QP16
M38	همسوسازی خدمات قابل ارائه حسابداری با نیازهای اطلاعاتی بیرون از شرکت	QP01; QP02; QP05; QP11; QP13; QP15
M39	عدم استقلال واحد حسابداری به دلیل سیطره نفوذ مدیریت	QP01; QP03; QP04; QP08; QP10; QP14; QP16
M40	ارائه‌ی آموزش‌های فناورانه و بروز هوش مصنوعی به متصدیان حرفه‌ای حسابداری	QP02; QP03; QP05; QP07; QP09; QP11; QP14
M41	عینیت‌گرایی شکل‌گرفته در رویکرد متصدیان حرفه‌ای حسابداری	QP04; QP06; QP08; QP09; QP10; QP13
M42	فقدان ارزیابی حسابداران طبق معیارهای مبتنی بر تخصص و شایستگی	QP04; QP06; QP09; QP10; QP11; QP13; QP16
M43	کاهش اضطراب و استرس‌های فردی حسابداران مبنی بر پذیرش تحولات ساختاری در حسابداری	QP02; QP04; QP06; QP09; QP10; QP12; QP15

تکرار در مصاحبه‌ها	کدهای مفهومی	کدها
QP03; QP06; QP08; QP09; QP10; QP11; QP14	مکانیزم فین‌تک‌های مالی جهت تناسب با ظرفیت‌های اثربخش اطلاعات سیستمی	M44
QP03; QP05; QP06; QP09; QP10; QP15	منعکس نمودن سود تحصیل شده براساس هر سهم شرکت	M45
QP01; QP02; QP04; QP09; QP10; QP12	منفعل بودن حرفه حسابداری در برابر تغییر نیازهای ذینفعان	M46
QP02; QP03; QP05; QP09; QP11; QP12	نبود ظرفیت‌های درونی توسعه‌ی حسابداری براساس اصل فن‌سالاری	M47
QP03; QP05; QP08; QP09; QP13	نیازسنجی ساختاری واحد حسابداری از منظر توسعه توانمندی‌های تخصصی	M48
QP01; QP04; QP06; QP08; QP09; QP14	وجود رویکرد صرف اثبات‌گرایانه در حسابداری	M49
QP05; QP08; QP09; QP10; QP12	شکاف تئوری‌های حسابداری تا عمل و پیاده‌سازی حرفه‌ای	M50

همانطور که مشاهده می‌شود، سطح پراکندگی گزاره‌های یکپارچه شده پس از حذف تکرارها، متوازن است و تفاوت زیادی بین تعداد فراوانی گزاره‌ها از نظر تکرار در هر مصاحبه وجود ندارد. لذا براساس این فرآیند می‌بایست طبق جدول (۴) نتیجه‌ی گزارش ادغام گزاره‌های ایجاد شده به ترتیب زیر ارائه شود.

جدول ۴. توزیع فراوانی گزاره‌های نهایی شناسایی شده برحسب تکرار در کدگذاری بازار

مصاحبه‌ها					
توزیع فراوانی تکرار گزاره‌ها	تکرار گزاره‌ها در مصاحبه‌ها	کدها	توزیع فراوانی تکرار گزاره‌ها	تکرار گزاره‌ها در مصاحبه‌ها	کدها
۰/۰۲۰	۸	M26	۰/۰۱۸	۷	M1
۰/۰۲۳	۹	M27	۰/۰۲۰	۸	M2
۰/۰۱۸	۷	M28	۰/۰۱۸	۷	M3
۰/۰۲۰	۸	M29	۰/۰۱۸	۷	M4
۰/۰۲۳	۹	M30	۰/۰۱۸	۷	M5
۰/۰۱۸	۷	M31	۰/۰۲۳	۹	M6
۰/۰۲۰	۸	M32	۰/۰۲۰	۸	M7
۰/۰۱۵	۶	M33	۰/۰۱۸	۷	M8
۰/۰۲۰	۸	M34	۰/۰۲۰	۸	M9
۰/۰۱۸	۷	M35	۰/۰۲۰	۸	M10
۰/۰۲۳	۹	M36	۰/۰۱۵	۶	M11
۰/۰۲۰	۸	M37	۰/۰۲۰	۸	M12
۰/۰۲۰	۸	M38	۰/۰۲۰	۸	M13

توزیع فراوانی تکرار گزاره‌ها	تکرار گزاره‌ها در مصاحبه‌ها	کدها	توزیع فراوانی تکرار گزاره‌ها	تکرار گزاره‌ها در مصاحبه‌ها	کدها
۰/۰۱۸	۷	M39	۰/۰۱۸	۷	M14
۰/۰۲۰	۸	M40	۰/۰۲۰	۸	M15
۰/۰۲۰	۸	M41	۰/۰۱۸	۷	M16
۰/۰۲۳	۹	M42	۰/۰۱۸	۷	M17
۰/۰۲۳	۹	M43	۰/۰۲۰	۸	M18
۰/۰۲۰	۸	M44	۰/۰۲۰	۸	M19
۰/۰۲۰	۸	M45	۰/۰۲۳	۹	M20
۰/۰۲۳	۹	M46	۰/۰۲۰	۸	M21
۰/۰۱۸	۷	M47	۰/۰۱۵	۶	M22
۰/۰۲۰	۸	M48	۰/۰۲۰	۸	M23
۰/۰۲۳	۹	M49	۰/۰۱۵	۶	M24
۰/۰۲۰	۸	M50	۰/۰۲۰	۸	M25
۱۰۰/۰۰	۳۸۸	جمع کلیه گزاره‌ها	۱۰۰/۰۰	۳۸۸	جمع کلیه گزاره‌ها

براساس این جدول می‌توان دریافت از مجموع ۳۸۸ کدباز ناشی از ۱۶ مصاحبه انجام شده، مجموعاً ۵۰ گزاره ایجاد شده‌اند که برحسب تکرار هر گزاره در مصاحبه‌ها، نسبت به درصد توزیع فراوانی اقدام شد.

(ب) یافته‌های بخش کمی

در ادامه همسو با یکپارچه‌کردن معنایی مضامین گزاره‌ای به لحاظ تعداد تکرار در مصاحبه‌های انجام شده، با تشکیل گروه کانونی، مطالعه به دنبال مفهوم‌سازی؛ همگرایی بین الادهانی و بسط شناخت کاربردی می‌باشد. این مرحله که بخش مهمی از پیاده‌سازی تحلیل در بخش کمی جهت جمع‌آوری داده‌ها تلقی می‌شود، جلسات گروه کانونی با هدف افزایش سطح آگاهی مفهومی مشارکت‌کنندگان برگزار گردید. لازم بود این مرحله با آگاهی اجرا شود، چراکه روش پدیدار شناسانه، نیازمند مشارکت حداکثری شناختی در بستر واقعیت‌های عملکردی در بستر شرکت‌های بازار بود. نکته حائز اهمیت این است که در جلسه سوم، در مورد فرآیند امتیازدهی طبق پرسشنامه امتیازبندی گزاره‌های کیو توضیح لازم داده شد. نمونه‌ی چک‌لیست امتیازبندی گزاره‌های کیو در جدول (۵) ارائه شده است.

مجموع مجذور بارهای چرخش یافته نهایی			مقادیر خاص آغازین			
تجمعی	واریانس	ویژه	درصد واریانس تجمعی	درصد واریانس	مقدار ویژه	تفسیر
۶۷/۲۵۵	۸/۸۱۵	۲/۲۱۳	۶۵/۵۰۴	۸/۷۱۷	۲/۴۳۳	۶
۷۳/۵۴۵	۶/۲۹۰	۲/۱۸۴	۷۱/۷۲۶	۶/۲۲۲	۲/۲۶۵	۷
۷۸/۷۲۹	۵/۱۸۴	۲/۰۹۹	۷۶/۸۳۲	۵/۱۰۶	۲/۱۱۸	۸
۸۳/۰۳۰	۴/۳۰۱	۱/۷۵۵	۸۱/۰۸۷	۴/۲۵۵	۱/۸۹۵	۹
۸۶/۲۳۲	۳/۲۰۲	۱/۵۷۱	۸۴/۲۷۹	۳/۱۹۲	۱/۶۰۳	۱۰
			۸۷/۰۰۱	۲/۷۲۲	۰/۹۹۹	۱۱
			۸۹/۶۹۰	۲/۶۸۹	۰/۹۷۶	۱۲
			۹۲/۱۱۹	۲/۴۲۹	۰/۹۵۴	۱۳
			۹۴/۱۲۰	۲/۰۰۱	۰/۹۲۱	۱۴
			۹۵/۹۴۷	۱/۸۲۷	۰/۸۹۱	۱۵
			۹۷/۴۵۹	۱/۵۱۲	۰/۸۵۴	۱۶
			۹۸/۴۷۴	۱/۰۱۵	۰/۷۲۶	۱۷
			۹۹/۳۴۷	۰/۸۷۳	۰/۵۵۴	۱۸
			۱۰۰/۰۰	۰/۶۵۳	۰/۳۲۳	۱۹

باتوجه به مقدار ویژه مربوط به ۱۰ نوع تفکر ذهنی مشارکت‌کنندگان در مورد فرآیند گونه‌شناسی تحول‌گرایی ساختاری حسابداری، صرفاً الگوهای ذهنی که از مقادیر ویژه بالاتر از ۱ برخوردار باشند، به عنوان مبنای طبقه‌بندی مفهومی محسوب می‌شود. لذا براساس ۵۰ مضمون مرتبط با پدیده‌ی مورد بررسی، مجموعاً ده الگوی تفکری ذهنی مشارکت‌کنندگان تعیین شده است. لذا باتوجه به طیف مقادیر کسب شده در الگوی تفسیری اول (مقدار ویژه ۴/۷۲۷ و درصد واریانس تجمعی ۱۲/۲۶۷) تا الگوی تفسیری دهم (مقدار ویژه ۱/۶۰۳ و درصد واریانس تجمعی ۸۴/۲۷۹) در ادامه‌ی الگوی هاسرل (۱۹۷۰) می‌بایست نسبت به تعیین معناداری بارعاملی اقدام می‌شود تا مشخص شود هر کدام از مشارکت‌کنندگان در کدام الگوی تفسیری قرار می‌گیرند. به منظور مشخص نمودن معناداری بارعاملی هر یک از الگوهای ذهنی می‌بایست از قدر مطلق $\left| \frac{1/96}{\sqrt{n}} \right|$ استفاده نمود. در واقع \sqrt{n} اشاره به گزاره‌های شناسایی شده کیو دارد. بر این اساس محاسبه زیر انجام می‌شود:

$$\text{Sign} = \left| \frac{1/96}{\sqrt{50}} \right| = 0/274$$

باتوجه به اینکه سطح معنی‌داری بارعاملی محاسبه شده براساس تعداد گزاره‌های کیو ۰/۲۷۴ بدست آمده است، لذا می‌بایست جهت تعیین قرارگرفتن مشارکت‌کنندگان در هر یک از الگوهای تفسیری، بارعاملی آن‌ها مساوی یا بیشتر از ۰/۲۷۴ باشد. همانطور که در متادولوژی مطرح شد، تعداد ۵۰ شرکت‌کننده (با کد EP) در این مطالعه در قالب گروه‌های پانل براساس امتیازهای بارعاملی، در یکی از ده طبقه ایجاد شده قرار می‌گیرند که نتایج آن در جدول (۷) ارائه شده است.

جدول ۷. ماتریس چرخش یافته الگوهای ذهنی

مشارکت‌کنندگان	طبقه اول	طبقه دوم	طبقه سوم	طبقه چهارم	طبقه پنجم	طبقه ششم	طبقه هفتم	طبقه هشتم	طبقه نهم	طبقه دهم
EP - 1	۰/۲۶۱	۰/۴۸۷	۰/۱۵۶	۰/۱۸۳	۰/۰۸۸	۰/۰۹۱	۰/۲۵۹	۰/۱۰۹	۰/۰۸۱	۰/۰۹۲
EP - 2	۰/۱۹۲	۰/۱۲۱	۰/۵۳۲	۰/۰۱۸	۰/۱۷۶	۰/۱۰۱	۰/۱۸۹	۰/۲۵۷	۰/۰۷۳	۰/۰۵۵
EP - 3	۰/۰۱۷	۰/۲۳۴	۰/۱۸۸	۰/۲۰۲	۰/۴۶۴	۰/۰۱۷	۰/۲۵۲	۰/۱۵۹	۰/۱۰۸	۰/۱۹۶
EP - 4	۰/۳۱۶	۰/۱۲۷	۰/۲۰۵	۰/۱۵۷	۰/۱۲۵	۰/۲۴۴	۰/۰۸۳	۰/۱۴۹	۰/۱۰۳	۰/۰۲۹
EP - 5	۰/۰۲۷	۰/۰۹۰	۰/۲۱۶	۰/۲۶۳	۰/۴۸۵	۰/۱۰۹	۰/۰۹۷	۰/۱۷۸	۰/۱۶۱	۰/۱۵۸
EP - 6	۰/۱۹۲	۰/۲۲۲	۰/۴۶۳	۰/۲۱۳	۰/۱۷۷	۰/۱۰۴	۰/۲۳۶	۰/۱۰۰	۰/۲۶۲	۰/۰۳۳
EP - 7	۰/۱۴۲	۰/۳۶۲	۰/۲۰۴	۰/۱۵۴	۰/۱۰۳	۰/۳۹۱	۰/۲۶۳	۰/۰۵۷	۰/۰۲۹	۰/۲۱۵
EP - 8	۰/۰۷۸	۰/۱۲۵	۰/۲۱۸	۰/۰۲۵	۰/۲۵۶	۰/۲۷۴	۰/۱۰۴	۰/۲۳۱	۰/۲۷۲	۰/۰۱۹
EP - 9	۰/۲۲۹	۰/۴۸۳	۰/۱۷۲	۰/۰۹۹	۰/۰۴۱	۰/۱۲۴	۰/۲۶۵	۰/۰۸۹	۰/۲۳۳	۰/۱۲۸
EP - 10	۰/۱۷۲	۰/۲۵۱	۰/۴۸۶	۰/۲۱۹	۰/۱۱۱	۰/۱۳۳	۰/۱۴۸	۰/۲۴۹	۰/۲۷۳	۰/۱۵۰
EP - 11	۰/۵۸۲	۰/۲۳۵	۰/۳۲۷	۰/۰۹۴	۰/۳۶۳	۰/۰۷۱	۰/۱۰۸	۰/۰۹۱	۰/۲۶۰	۰/۲۴۹
EP - 12	۰/۳۳۳	۰/۰۲۳	۰/۲۴۸	۰/۱۳۲	۰/۰۴۱	۰/۰۸۱	۰/۲۸۱	۰/۱۴۶	۰/۱۵۳	۰/۲۰۲
EP - 13	۰/۱۹۲	۰/۱۴۷	۰/۲۱۱	۰/۳۷۵	۰/۱۶۹	۰/۳۱۷	۰/۱۴۱	۰/۲۶۸	۰/۲۱۹	۰/۱۹۲
EP - 14	۰/۱۵۷	۰/۱۲۹	۰/۲۱۲	۰/۲۱۹	۰/۴۸۲	۰/۲۱۱	۰/۱۳۵	۰/۱۸۲	۰/۱۸۰	۰/۰۴۸
EP - 15	۰/۰۹۴	۰/۱۱۹	۰/۱۲۱	۰/۲۹۰	۰/۴۳۹	۰/۰۴۱	۰/۱۷۵	۰/۱۴۴	۰/۰۴۲	۰/۰۷۷
EP - 16	۰/۲۲۹	۰/۰۸۳	۰/۰۹۸	۰/۳۷۷	۰/۰۵۵	۰/۱۰۶	۰/۲۵۸	۰/۲۲۶	۰/۰۲۷	۰/۰۶۲
EP - 17	۰/۱۰۲	۰/۰۶۵	۰/۱۱۹	۰/۴۷۱	۰/۲۱۵	۰/۱۳۷	۰/۳۷۳	۰/۰۷۰	۰/۲۶۹	۰/۰۶۹
EP - 18	۰/۰۹۳	۰/۱۹۱	۰/۰۳۸	۰/۰۳۷	۰/۲۵۹	۰/۳۲۶	۰/۱۱۸	۰/۰۷۱	۰/۰۴۲	۰/۱۳۵
EP - 19	۰/۰۵۴	۰/۲۰۹	۰/۰۴۹	۰/۲۸۳	۰/۲۱۹	۰/۲۱۴	۰/۲۲۰	۰/۲۱۳	۰/۰۲۵	۰/۰۹۱
EP - 20	۰/۴۷۴	۰/۱۸۲	۰/۰۹۲	۰/۰۶۲	۰/۱۳۱	۰/۱۰۳	۰/۱۶۸	۰/۱۹۴	۰/۱۶۴	۰/۱۵۴
EP - 21	۰/۱۱۹	۰/۰۹۲	۰/۱۱۳	۰/۱۱۲	۰/۱۶۹	۰/۴۳۲	۰/۲۰۹	۰/۱۲۶	۰/۲۰۸	۰/۰۷۴
EP - 22	۰/۲۰۱	۰/۰۴۳	۰/۱۰۱	۰/۰۲۶	۰/۲۱۸	۰/۰۹۳	۰/۳۱۵	۰/۲۴۳	۰/۲۳۷	۰/۱۲۵
EP - 23	۰/۰۳۸	۰/۰۳۲	۰/۰۲۹	۰/۰۱۴	۰/۰۶۱	۰/۱۷۱	۰/۱۱۹	۰/۳۵۳	۰/۲۶۶	۰/۰۹۳

مشارکت‌کنندگان	طبقه اول	طبقه دوم	طبقه سوم	طبقه چهارم	طبقه پنجم	طبقه ششم	طبقه هفتم	طبقه هشتم	طبقه نهم	طبقه دهم
EP - 24	۰/۱۱۱	۰/۱۱	۰/۰۵۱	۰/۰۹۳	۰/۰۸۸	۰/۱۰۶	۰/۱۳۸	۰/۳۴۴	۰/۱۴۲	۰/۰۸۷
EP - 25	۰/۵۰۵	۰/۰۸	۰/۰۷۴	۰/۱۱۸	۰/۱۳۸	۰/۰۱۶	۰/۲۱۸	۰/۰۴۶	۰/۱۰۵	۰/۲۲۸
EP - 26	۰/۱۱۳	۰/۰۸۴	۰/۰۶۳	۰/۰۹۴	۰/۱۸۵	۰/۱۴۱	۰/۳۰۲	۰/۲۶۸	۰/۰۸۲	۰/۱۳۹
EP - 27	۰/۲۰۵	۰/۰۸۶	۰/۰۳۵	۰/۱۰۲	۰/۴۲۱	۰/۱۳۹	۰/۲۴۶	۰/۲۲۱	۰/۱۲۸	۰/۱۰۷
EP - 28	۰/۱۶۳	۰/۰۲۹	۰/۰۹۳	۰/۱۷۶	۰/۰۲۶	۰/۱۲۷	۰/۲۴۸	۰/۲۵۸	۰/۳۸۰	۰/۴۱۴
EP - 29	۰/۰۴۳	۰/۰۷۲	۰/۶۰۲	۰/۱۵۷	۰/۱۱۶	۰/۰۳۵	۰/۱۲۸	۰/۱۳۱	۰/۱۵۲	۰/۲۸۵
EP - 30	۰/۱۱۶	۰/۱۰۱	۰/۱۲۸	۰/۰۲۱	۰/۱۳۵	۰/۴۵۳	۰/۱۳۷	۰/۰۶۴	۰/۱۶۹	۰/۲۲۴
EP - 31	۰/۰۹۲	۰/۱۰۵	۰/۱۳۶	۱۲۷/۰	۰/۰۸۶	۰/۱۵۳	۰/۳۴۲	۰/۲۶۲	۰/۲۲۶	۰/۲۱۶
EP - 32	۰/۱۷۳	۰/۱۰۱	۰/۱۴۴	۰/۴۷۹	۰/۲۰۸	۰/۰۷۱	۰/۲۱۹	۰/۰۹۹	۰/۵۱۳	۰/۲۰۲
EP - 33	۰/۲۶۳	۰/۱۰۴	۰/۱۵۱۸	۰/۲۱۴	۰/۱۱۸	۰/۰۶	۰/۱۲۸	۰/۲۹۳	۰/۱۹۱	۰/۰۳۶
EP - 34	۰/۰۳۲	۰/۱۰۷	۰/۱۳۲	۰/۲۱۱	۰/۱۰۱	۰/۱۶۸	۰/۱۱۶	۰/۳۶۹	۰/۲۵۳	۰/۲۴۴
EP - 35	۰/۲۱۹	۰/۱۲۳	۰/۱۴۳	۰/۲۰۹	۰/۰۲۱	۰/۱۷۴	۰/۰۶۶	۰/۱۲۷	۰/۲۵۴	۰/۲۰۶
EP - 36	۰/۲۰۱	۰/۱۲۶	۰/۰۲۴	۰/۱۷۱	۰/۰۶۴	۰/۰۷۷	۰/۲۳۳	۰/۰۶۱	۰/۰۹۱	۰/۶۹۱
EP - 37	۰/۰۶۳	۰/۱۳۱	۰/۱۸۵	۰/۱۵۲	۰/۲۴۱	۰/۲۲۹	۰/۱۱۲	۰/۲۵۶	۰/۰۲۶	۰/۴۵۷
EP - 38	۰/۰۸۱	۰/۱۳۵	۰/۱۸۶	۰/۰۳۹	۰/۲۴۳	۰/۱۰۵	۰/۱۲۷	۰/۴۰۵	۰/۰۳۴	۰/۱۱۵
EP - 39	۰/۱۸۴	۰/۱۰۲	۰/۴۸۳	۰/۲۱۹	۰/۲۱۶	۰/۱۰۲	۰/۰۴۳	۰/۱۰۴	۰/۲۷۱	۰/۰۹۳
EP - 40	۰/۱۴۳	۰/۴۶۹	۰/۱۴۸	۰/۲۱۵	۰/۲۱۵	۰/۰۳۷	۰/۲۰۶	۰/۱۶۹	۰/۱۰۱	۰/۰۴۵
EP - 41	۰/۲۰۰	۰/۱۴۵	۰/۰۳۷	۰/۱۸۱	۰/۰۳۴	۰/۰۳۳	۰/۰۴۶	۰/۱۷۲	۰/۶۳۲	۰/۲۱۲
EP - 42	۰/۱۱۳	۰/۱۸۸	۰/۰۸۸	۰/۵۱۸	۰/۰۵۳	۰/۲۵۴	۰/۰۸۹	۰/۲۰۴	۰/۰۱۶	۰/۲۵۱
EP - 43	۰/۲۰۵	۰/۱۳۱	۰/۱۹۲	۰/۱۴۳	۰/۰۲۶	۰/۱۴۸	۰/۰۳۷	۰/۲۵۳	۰/۵۸۵	۰/۰۳۲
EP - 44	۰/۳۴۱	۰/۱۷۴	۰/۲۱۲	۰/۰۵۴	۰/۰۲۲	۰/۲۰۹	۰/۲۵۵	۰/۰۴۴	۰/۰۲۲	۰/۰۳۹
EP - 45	۰/۰۷۸	۰/۱۱۷	۰/۰۲۶	۰/۱۲۳	۰/۲۱۶	۰/۰۹۲	۰/۲۱۳	۰/۰۹۲	۰/۵۵۴	۰/۰۹۵
EP - 46	۰/۰۵۱	۰/۱۰۶	۰/۰۱۴	۰/۰۸۶	۰/۰۱۱	۰/۱۶۶	۰/۱۸۶	۰/۰۸۴	۰/۴۶۳	۰/۲۳۱
EP - 47	۰/۰۹۴	۰/۱۰۳	۰/۰۹۳	۰/۱۶۷	۰/۰۸۵	۰/۰۶۷	۰/۱۰۷	۰/۰۳۷	۰/۱۸۲	۰/۳۸۸
EP - 48	۰/۱۴۳	۰/۴۹۱	۰/۱۰۸	۰/۱۳۱	۰/۰۶۱	۰/۰۷۸	۰/۱۴۹	۰/۲۱۱	۰/۱۱۹	۰/۱۵۱
EP - 49	۰/۲۳۴	۰/۲۰۱	۰/۰۷۳	۰/۲۰۹	۰/۱۱۵	۰/۱۳۲	۰/۱۳۵	۰/۲۴۳	۰/۲۹۳	۰/۲۳۹
EP - 50	۰/۲۱۷	۰/۱۸۲	۰/۰۹۵	۰/۳۵۵	۰/۲۰۵	۰/۰۵۵	۰/۱۸۵	۰/۰۹۷	۰/۳۹۵	۰/۲۳۴

براساس نتایج بدست آمده مشخص گردید، مشارکت‌کننده سوم؛ پنجم؛ هفتم و یازدهم در گونه‌ی تفسیری اول و مشارکت‌کننده اول؛ نهم؛ دوازدهم؛ چهاردهم و شانزدهم به عنوان مشارکت‌کننده در گونه‌ی تفسیری دوم؛ مشارکت‌کننده دوم؛ ششم؛ دهم؛ سیزدهم و در گونه

تفسیری سوم و در نهایت مشارکت‌کننده چهارم؛ هشتم؛ پانزدهم و هفدهم در گونه تفسیری چهارم قرار گرفتند.

جدول ۸. تفکیک مشارکت‌کنندگان در طبقه‌بندی‌های شناختی

شماره مشارکت‌کننده	طبقه‌بندی مولفه‌ها
[EP - 4 III EP - 11 III EP - 20 III EP - 25 III EP - 44]	طبقه اول
[EP - 1 III EP - 7 III EP - 9 III EP - 40 III EP - 48]	طبقه دوم
[EP - 2 III EP - 6 III EP - 10 III EP - 29 III EP - 39]	طبقه سوم
[EP - 16 III EP - 19 III EP - 32 III EP - 42 III EP - 50]	طبقه چهارم
[EP - 3 III EP - 5 III EP - 14 III EP - 15 III EP - 27]	طبقه پنجم
[EP - 8 III EP - 13 III EP - 18 III EP - 21 III EP - 30]	طبقه ششم
[EP - 12 III EP - 17 III EP - 22 III EP - 26 III EP - 31]	طبقه هفتم
[EP - 23 III EP - 24 III EP - 33 III EP - 34 III EP - 38]	طبقه هشتم
[EP - 41 III EP - 43 III EP - 45 III EP - 46 III EP - 49]	طبقه نهم
[EP - 28 III EP - 29 III EP - 36 III EP - 37 III EP - 47]	طبقه دهم

همانطور که مشخص شده است، در هر طبقه از مولفه‌های مبتنی بر امتیازهای بدست آمده از درصد ویژه واریانس تجمعی، ۵ مشارکت‌کننده قرار دارد که نشان دهنده سطح پایایی و توازن بین ابعاد شناسایی شده در بسترسازی پدیدهای مورد بررسی می‌باشد. لذا در ادامه می‌بایست اقدام به تعیین هر یک از مولفه‌ها با هدف ماهیت شناختی تحول‌گرایی ساختاری در حرفه حسابداری نمود.

خوشه‌بندی جنبه‌های تحول‌گرایی ساختاری حرفه حسابداری

باتوجه به شناسایی ده طبقه از ماهیت شناختی جنبه‌های تحول‌گرایی ساختاری حرفه حسابداری، می‌بایست نسبت به مشخص نمودن، هر یک از گزاره‌ها در طبقه‌های شناختی اقدام نمود.

طبقه اول گرفتن گزاره‌های شناسایی شده

برای بررسی امتیازهای عاملی طبقه اول گزاره‌های کدگذاری شده، براساس تحلیل اطلاعات جداول کیو و جدول مربوط به بار عاملی، نسبت به محاسبه امتیازهای عاملی و رتبه‌بندی هر یک

از مضامین پژوهش براساس نحوه‌ی چین کارت‌ها توسط مشارکت‌کنندگان در این بخش اقدام می‌گردد.

$$\sigma(s) = \sum_{n=1}^k \frac{x}{N} \quad \text{معادله (۱)}$$

در این معادله، $\sigma(s)$ نشان دهنده‌ی تعداد گزاره‌های هر مولفه است. k برابر با تعداد طبقه‌های ایجاد شده از نظر ماهیت شناختی یک پدیده است. n نشان دهنده‌ی قرار گرفتن هر یک گزاره در یک مولفه است. N تعداد مولفه‌های شناسایی شده از طریق طبقه‌بندی یا گونه شناسی تفسیری است. x تعداد کل گزاره‌های تأیید شده از گام‌های قبلی است. لذا می‌توان از طریق معادله (۲) تعداد هر گزاره که به طور متوسط می‌تواند در هر مولفه قرار گیرد را مشخص نمود.

$$\sigma(s) = \sum_{n=1}^k \frac{50}{10} = 5 \quad \text{معادله (۲)}$$

لذا همانطور که مشاهده می‌شود، به طور میانگین در هر مولفه، ۵ گزاره مبنای تأیید است که خانه‌های «+4 to +6» را در هر مرحله‌ی ارزیابی شامل می‌شود. لذا براساس جدول (۹) هر یک از گزاره‌های عاملی گونه‌ی تفسیری اول تعیین گردید.

جدول ۹. تفکیک گزاره‌های تحولات ساختاری در حرفه حسابداری در طبقه اول

-6	-5	-4	-3	-2	-1	0	+1	+2	+3	+4	+5	+6
M44	M9	M35	M21	M7	M30	M38	M27	M17	M6	M50	M41	M49
	M3	M19	M31	M13	M11	M45	M32	M40	M39	M10	M46	
		M28	M18	M26	M29	M22	M8	M15	M12	M42		
			M16	M33	M5	M24	M1	M23	M47			
				M36	M4	M37	M34	M25				
					M20	M2	M43					
						M48	M14					

براساس نتیجه‌ی کسب شده‌ی ماتریس چرخش یافته و امتیازهای مشارکت‌کننده‌ی «[EP - 4 ‖ EP - 11 ‖ EP - 20 ‖ EP - 25 ‖ EP - 44]» که در ترکیب گزاره‌های تحولات ساختاری در حرفه حسابداری جهت قرار گرفتن در طبقه اول این پدیده دارای امتیازهای مشترک بودند، جدول (۱۰) به عنوان معرفی این مولفه ارائه شده است.

جدول ۱۰. گزاره‌های طبقه اول تحولات ساختاری در حرفه حسابداری

کدها	گزاره‌های طبقه اول	مولفه نهایی
M49	وجود رویکرد صرف اثبات‌گرایانه در حسابداری	معرفت‌شناسی حرفه‌ای
M41	عینیت‌گرایی شکل‌گرفته در رویکرد متصدیان حرفه‌ای حسابداری	
M46	منفعل بودن حرفه حسابداری در برابر تغییر نیازهای ذینفعان	
M50	شکاف تئوری‌های حسابداری تا عمل و پیاده‌سازی حرفه‌ای	
M10	تمرکز بیش‌ازحد بر استدلال منطقی در معرفت‌شناسی حسابداری	

بنابراین ۵ گزاره‌ای که در مقوله‌ی اول قرار گرفته‌اند، حاوی مفاهیمی برآمده از دسته‌بندی مضامین گزاره‌ای تلقی می‌شوند که می‌تواند نشان دهنده‌ی علل کارکردی فرآیندهای هستی‌شناسی حرفه‌ی حسابداری باشد که نیاز به تحولات بنیادی را در این حرفه تقویت می‌کند. لذا برای یکپارچگی مضامین دسته‌بندی شده، از عنوان مقوله‌ی «معرفت‌شناسی حرفه‌ای» استفاده می‌شود.

طبقه دوم قرار گرفتن گزاره‌های شناسایی شده

طبق فرآیند توضیح داده شده در طبقه اول، براساس جدول (۱۱) هر یک از گزاره‌های عاملی مرتبط با طبقه دوم ترتیب زیر تفکیک می‌شوند.

جدول ۱۱. تفکیک گزاره‌های تحولات ساختاری در حرفه حسابداری در طبقه دوم

	-6	-5	-4	-3	-2	-1	0	+1	+2	+3	+4	+5	+6
M37	M28	M13	M36	M7	M27	M4	M16	M10	M41	M12	M6	M42	
	M34	M24	M48	M8	M45	M29	M14	M20	M50	M47	M39		
		M35	M11	M32	M33	M9	M38	M18	M46	M49			
			M30	M19	M2	M22	M26	M23	M44				
				M5	M3	M31	M15	M25					
					M40	M17	M1						
						M43	M21						

براساس نتیجه‌ی کسب شده‌ی ماتریس چرخش یافته و امتیازهای مشارکت‌کنندگان «[EP - 1 III EP - 7 III EP - 9 III EP - 40 III EP - 48]» که در ترکیب گزاره‌های تحولات ساختاری در حرفه حسابداری جهت قرار گرفتن در طبقه دوم این پدیده دارای امتیازهای مشترک بودند، جدول (۱۲) به عنوان معرفی این مولفه ارائه شده است.

جدول ۱۲. گزاره‌های مربوط به گونه تفسیری دوم

کدها	گزاره‌های طبقه اول	مولفه نهایی
M42	فقدان ارزیابی حسابداران طبق معیارهای مبتنی بر تخصص و شایستگی	تکنوکراسی حرفه‌ای
M6	عدم انتصاب متصدیان عرصه حسابداری براساس صلاحیت فنی	
M39	عدم استقلال واحد حسابداری به دلیل سیطره نفوذ مدیریت	
M12	افراط‌گرایی بیش از اندازه متصدیان حرفه حسابداری در پابندی به استدلال منطقی	
M47	نبود ظرفیت‌های درونی توسعه‌ی حسابداری براساس اصل فن‌سالاری	

نتایج بدست آمده نشان می‌دهند، ۵ گزاره‌ای که در مولفه‌ی دوم قرار گرفتند، بیان‌کننده‌ی مفاهیم برآمده از نیاز به ظرفیت‌های تخصص‌گرای حرفه‌ای در حسابداری می‌باشد که می‌توان عنوان انتخابی «تکنوکراسی حرفه‌ای» را انتخاب نمود که نشان‌دهنده‌ی عوامل علی باشند که نیاز به تحولات ساختاری در حرفه حسابداری را ایجاد می‌کند.

طبقه سوم قرار گرفتن گزاره‌های شناسایی شده

طبق فرآیند توضیح داده شده در طبقه‌های قبلی، براساس جدول (۱۳) هر یک از گزاره‌های عاملی مرتبط با طبقه سوم ترتیب زیر تفکیک می‌شوند.

جدول ۱۳. تفکیک گزاره‌های تحولات ساختاری در حرفه حسابداری در طبقه سوم

	-6	-5	-4	-3	-2	-1	0	+1	+2	+3	+4	+5	+6
M12	M25	M4	M47	M28	M7	M33	M17	M11	M37	M22	M2	M48	
	M19	M13	M32	M9	M31	M14	M41	M18	M38	M40	M26		
		M42	M5	M1	M21	M6	M10	M20	M27	M8			
			M49	M30	M34	M24	M36	M43	M3				
				M44	M39	M15	M16	M35					
					M50	M45	M23						
						M29	M46						

براساس نتیجه‌ی کسب شده‌ی ماتریس چرخش یافته و امتیازهای مشارکت‌کنندگان «[EP - 2 III EP - 6 III EP - 10 III EP - 29 III EP - 39]» که در ترکیب گزاره‌های تحولات ساختاری در حرفه حسابداری جهت قرار گرفتن در طبقه سوم این پدیده دارای امتیازهای مشترک بودند، جدول (۱۴) به عنوان معرفی این مولفه ارائه شده است.

جدول ۱۴. گزاره‌های مربوط به گونه تفسیری سوم

کدها	گزاره‌های طبقه اول	مولفه نهایی
M48	نیازسنجی ساختاری واحد حسابداری از منظر توسعه توانمندی‌های تخصصی	آموزش‌های حرفه‌ای
M2	ارزیابی‌های دوره‌ای متصدیان حرفه‌ای پس از گذراندن دوره‌های آموزش حرفه‌ای	
M26	ارتقاء توانمندی‌های حسابداران در استفاده از سیستم‌های اطلاعات مالی/حسابداری	
M22	آماده‌سازی متصدیان حرفه‌ی حسابداری مبنی بر مشارکت در کار تیمی	
M40	ارائه‌ی آموزش‌های فناورانه و بروز هوش مصنوعی به متصدیان حرفه‌ای حسابداری	

نتیجه جدول (۱۴) مبنی بر کنار هم قراردادن پنج گزاره اشاره شده به عنوان مضامین گزاره‌ای مولفه‌ی سوم مطالعه، می‌تواند براساس ماهیت محتوایی نشان دهنده‌ی فرآیندهای مهارتی و توانمندی‌سازی حسابداران، به عنوان پیش مقدمه‌ای برای تسهیل تحول‌گرایی ساختاری در حرفه حسابداری تلقی گردد که براین اساس می‌توان این مولفه را با عنوان «آموزش‌های حرفه‌ای» معرفی نمود.

طبقه چهارم قرار گرفتن گزاره‌های شناسایی شده

طبق فرآیند توضیح داده شده در طبقه‌های قبلی، براساس جدول (۱۵) هریک از گزاره‌های عاملی مرتبط با طبقه چهارم ترتیب زیر تفکیک می‌شوند.

جدول ۱۵. تفکیک گزاره‌های تحولات ساختاری در حرفه حسابداری در طبقه چهارم

-6	-5	-4	-3	-2	-1	0	+1	+2	+3	+4	+5	+6
M44	M11	M43	M25	M9	M42	M13	M41	M4	M22	M20	M37	M8
	M46	M21	M29	M18	M23	M39	M32	M30	M26	M27	M38	
		M24	M16	M5	M35	M15	M17	M12	M2	M48		
			M31	M19	M49	M47	M34	M3	M40			
				M7	M50	M10	M45	M1				
					M28	M33	M14					
					M6		M36					

براساس نتیجه‌ی کسب شده‌ی ماتریس چرخش یافته و امتیازهای مشارکت‌کنندگان «[EP - 50] - EP - 42] - EP - 32] - EP - 19] - EP - 16]» که در ترکیب گزاره‌های تحولات ساختاری در حرفه حسابداری جهت قرار گرفتن در طبقه چهارم این پدیده دارای امتیازهای مشترک بودند، جدول (۱۶) به عنوان معرفی این مولفه ارائه شده است.

جدول ۱۶. گزاره‌های مربوط به گونه تفسیری چهارم

کدها	گزاره‌های طبقه اول	مولفه نهایی
M8	اختصاص منابع برای مهندسی مجدد زیرساخت‌های فناوری‌های مالی/حسابداری	سیاستگذاری حرفه‌ای
M37	سرمایه‌گذاری بر استارت آپ‌های مالی جهت بازآفرینی فرآیندهای سیستم مالی	
M38	همسوسازی خدمات قابل ارائه حسابداری با نیازهای اطلاعاتی بیرون از شرکت	
M20	تناسب‌سازی توانمندی‌های حسابداران با قابلیت‌های سیستم حسابداری تکنولوژیک	
M27	تغییر ماهیت تأثیرگذاری حسابداری از نظر مقایسه‌پذیر بودن صورت‌های مالی	

قرار گرفتن پنج گزاره تفکیک شده در جدول (۱۶) به عنوان مبنای شناسایی مولفه‌ی چهارم، به لحاظ محتوایی می‌تواند نشان دهنده‌ی سطح تصمیم‌های شرکت برای توسعه فناوری‌های مالی از طریق تحولات ساختاری در حرفه حسابداری باشد که با عنوان مولفه‌ی محوری «سیاستگذاری حرفه‌ای» می‌تواند معرفی شود.

طبقه پنجم قرار گرفتن گزاره‌های شناسایی شده

طبق فرآیند توضیح داده شده در طبقه‌های قبلی، براساس جدول (۱۷) هریک از گزاره‌های عاملی مرتبط با طبقه پنجم ترتیب زیر تفکیک می‌شوند.

جدول ۱۷. تفکیک گزاره‌های تحولات ساختاری در حرفه حسابداری در طبقه پنجم

	-6	-5	-4	-3	-2	-1	0	+1	+2	+3	+4	+5	+6
M15	M23	M41	M38	M4	M8	M30	M48	M27	M24	M20	M34	M21	
	M2	M49	M39	M14	M6	M47	M22	M31	M7	M36	M43		
		M26	M19	M40	M10	M32	M18	M9	M25	M16			
			M50	M3	M11	M44	M17	M12	M1				
				M45	M28	M46	M42	M35					
					M5	M37	M29						
						M33	M13						

براساس نتیجه‌ی کسب شده‌ی ماتریس چرخش یافته و امتیازهای مشارکت‌کنندگان «[EP – 3 III EP – 5 III EP – 14 III EP – 15 III EP – 27]» که در ترکیب گزاره‌های تحولات ساختاری در حرفه حسابداری جهت قرار گرفتن در طبقه پنجم این پدیده دارای امتیازهای مشترک بودند، جدول (۱۸) به عنوان معرفی این مولفه ارائه شده است.

جدول ۱۸. گزاره‌های مربوط به گونه تفسیری پنجم

کدها	گزاره‌های طبقه اول	مولفه نهایی
M21	ایجاد انگیزه‌های فردی مبنی بر جایگزینی خدمات مالی فناورانه با ارائه خدمات سنتی	پذیرش متصدیان حرفه‌ای
M34	حمایت ادراک شده از متصدیان حرفه‌ای مبنی بر تغییرات فناورانه در حسابداری	
M43	کاهش اضطراب فردی حسابداران مبنی بر پذیرش تحولات ساختاری در حسابداری	
M20	تناسب‌سازی توانمندی‌های حسابداران با ویژگی‌های تحولات ساختاری در حسابداری	
M36	دخیل نمودن حسابداران در جریان فرآیند تحولات ساختاری در واحد حسابداری	

بنابراین ۵ گزاره در مولفه‌ی پنجم قرار گرفتند که مفاهیم برآمده در این طبقه نشان دهنده‌ی ماهیت حمایت ادراک شده متصدیان حرفه‌ای از تحولات ساختاری در حرفه حسابداری می‌باشد که می‌توان گزاره‌های مضمونی قرار گرفته در این طبقه را با عنوان مولفه‌ی فرعی «پذیرش متصدیان حرفه‌ای» معرفی نمود.

طبقه ششم قرار گرفتن گزاره‌های شناسایی شده

طبق فرآیند توضیح داده شده در طبقه‌های قبلی، براساس جدول (۱۹) هریک از گزاره‌های عاملی مرتبط با طبقه ششم ترتیب زیر تفکیک می‌شوند.

جدول ۱۹. تفکیک گزاره‌های تحولات ساختاری در حرفه حسابداری در طبقه ششم

	-6	-5	-4	-3	-2	-1	0	+1	+2	+3	+4	+5	+6
M8	M23	M41	M33	M4	M22	M30	M48	M27	M34	M25	M24	M16	
	M12	M49	M15	M14	M6	M47	M39	M31	M43	M1	M7		
		M13	M19	M40	M10	M32	M18	M9	M20	M21			
			M46	M3	M11	M44	M17	M2	M36				
				M45	M28	M50	M42	M35					
					M5	M37	M29						
						M38	M26						

براساس نتیجه‌ی کسب شده‌ی ماتریس چرخش یافته و امتیازهای مشارکت‌کنندگان «[EP - 8 III EP - 13 III EP - 18 III EP - 21 III EP - 30]» که در ترکیب گزاره‌های تحولات ساختاری در حرفه حسابداری جهت قرار گرفتن در طبقه ششم این پدیده دارای امتیازهای مشترک بودند، جدول (۲۰) به عنوان معرفی این مولفه ارائه شده است.

جدول ۲۰. گزاره‌های مربوط به گونه تفسیری ششم

کدها	گزاره‌های طبقه اول	مولفه نهایی
M16	استفاده از اسکیل آپ‌های مالی به عنوان چرخه‌ی ارزیابی درونی اجرای تحولات حسابداری	نظارت‌های ساختار حرفه‌ای
M24	پابندی به رعایت انحصار و حقوق کپی رایت در خرید نرم افزارهای حسابداری	
M7	تشکیل واحدهای متورینگ مبنی بر نظارت تحولات ساختاری واحد حسابداری	
M25	پشتوانه سازی حاکمیت شرکتی منسجم در اعمال تحولات ساختاری واحد حسابداری	
M1	اختصاص پاداش‌های مالی جهت مشارکت تیمی در اجرای تحولات ساختاری حسابداری	

طبق نتیجه‌ی کسب شده‌ی جدول (۲۰)، پنج گزاره‌ی قرار گرفته در دسته‌بندی مولفه‌ی ششم، نشان دهنده‌ی مکانیزم‌های نظارتی است که شرکت‌ها می‌بایست در فرآیند تحولات ساختاری حرفه حسابداری مدنظر قرار دهند. به همین منظور از عنوان «نظارت‌های ساختار حرفه‌ای» برای معرفی این مولفه استفاده شده است.

طبقه هفتم قرار گرفتن گزاره‌های شناسایی شده

طبق فرآیند توضیح داده شده در طبقه‌های قبلی، براساس جدول (۲۱) هر یک از گزاره‌های عاملی مرتبط با طبقه هفتم ترتیب زیر تفکیک می‌شوند.

جدول ۲۱. تفکیک گزاره‌های تحولات ساختاری در حرفه حسابداری در طبقه هفتم

-6	-5	-4	-3	-2	-1	0	+1	+2	+3	+4	+5	+6
M14	M34	M25	M5	M13	M46	M4	M9	M36	M35	M30	M23	M33
	M27	M38	M19	M42	M37	M47	M1	M48	M28	M44	M17	
		M2	M6	M45	M18	M49	M22	M8	M11	M31		
			M50	M16	M39	M7	M43	M26	M29			
				M21	M20	M3	M40	M32				
					M41	M10	M24					
					M15		M12					

براساس نتیجه‌ی کسب شده‌ی ماتریس چرخش یافته و امتیازهای مشارکت‌کنندگان «[EP - 31] EP - 26 EP - 22 EP - 17 EP - 12]» که در ترکیب گزاره‌های تحولات ساختاری در حرفه حسابداری جهت قرار گرفتن در طبقه هفتم این پدیده دارای امتیازهای مشترک بودند، جدول (۲۲) به عنوان معرفی این مولفه ارائه شده است.

جدول ۲۲. گزاره‌های مربوط به گونه تفسیری هفتم

کدها	گزاره‌های طبقه اول	مولفه نهایی
M33	توسعه‌ی سرورهای شرکت در تقویت زیرساخت‌های شبکه‌ی اطلاعات حسابداری	استراتژی زیرساخت فناوری حرفه‌ای
M23	بکارگیری فناوری‌های پردازش ابری در عرصه‌های مالی/حسابداری	
M17	امکان‌سنجی ظرفیت‌های بلاک‌چین جهت تناسب عملیات مالی با کارکردهای سیستمی	
M30	استفاده از تکنولوژی دیفای و بسترسازی امور مالی غیرمتمرکز	
M44	مکانیزم فین‌تک‌های مالی جهت تناسب با ظرفیت‌های اثربخش اطلاعات سیستمی	

نتایج بدست آمده از جدول (۲۲) نشان می‌دهد، ۵ مضمون گزاره‌ای قرار گرفته در مولفه‌ی هفتم، می‌تواند اذعان‌کننده‌ی استراتژی‌های شرکت‌ها در مواجهه با تحولات ساختاری در حرفه‌ی حسابداری تلقی شود که براین اساس می‌توان از عنوان «استراتژی زیرساخت فناوری حرفه‌ای» برای توصیف مجموع گزاره‌های این مولفه استفاده نمود.

طبقه هشتم قرار گرفتن گزاره‌های شناسایی شده

طبق فرآیند توضیح داده شده در طبقه‌های قبلی، براساس جدول (۲۳) هریک از گزاره‌های عاملی مرتبط با طبقه هشتم ترتیب زیر تفکیک می‌شوند.

جدول ۲۳. تفکیک گزاره‌های تحولات ساختاری در حرفه حسابداری در طبقه هشتم

	-6	-5	-4	-3	-2	-1	0	+1	+2	+3	+4	+5	+6
M26	M3	M12	M5	M13	M46	M4	M27	M36	M23	M11	M35	M31	
	M9	M38	M37	M42	M19	M47	M1	M48	M17	M29	M28		
		M18	M6	M45	M2	M49	M22	M8	M30	M33			
			M50	M32	M39	M7	M43	M14	M44				
				M21	M20	M34	M40	M16					
					M41	M10	M24						
						M15	M25						

براساس نتیجه‌ی کسب شده‌ی ماتریس چرخش یافته و امتیازهای مشارکت‌کنندگان «[EP - 23 III EP - 24 III EP - 33 III EP - 34 III EP - 38]» که در ترکیب گزاره‌های تحولات ساختاری در حرفه حسابداری جهت قرار گرفتن در طبقه هشتم این پدیده دارای امتیازهای مشترک بودند، جدول (۲۴) به عنوان معرفی این مولفه ارائه شده است.

جدول ۲۴. گزاره‌های مربوط به گونه تفسیری هشتم

کدها	گزاره‌های طبقه اول	مولفه نهایی
M31	ایجاد اکوسیستم‌های مالی جهت افشاء با کیفیت تر اطلاعات به ذینفعان	استراتژی اکوسیستم ساختار حرفه‌ای
M35	خرید پلتفرم‌هایی مانند Roblox، Sandbox و Decentraland جهت اشتراک گذاری خدمات مالی	
M28	تقویت شتاب‌دهنده‌های زیست‌بوم مالی در پیاده‌سازی با کیفیت‌تر حسابداری	
M11	استفاده از ظرفیت‌های توکن غیرقابل تعویض (NFT) جهت پیاده‌سازی خدمات مالی فناورانه	
M29	تمرکز بر روی انکوباتور زیست بوم مالی در پیاده‌سازی با کیفیت‌تر حسابداری	

قرار گرفتن ۵ مضمون گزاره‌ای جدول (۲۴) می‌تواند نشان دهنده‌ی کاربست‌های فناورانه‌ای می‌باشد که شرکت‌ها می‌بایست در تحولات ساختاری حرفه حسابداری طی استراتژی‌های اثربخشی مدنظر قرار دهد. لذا از عنوان، «استراتژی اکوسیستم ساختار حرفه‌ای» برای معرفی این مولفه استفاده می‌شود.

طبقه نهم قرار گرفتن گزاره‌های شناسایی شده

طبق فرآیند توضیح داده شده در طبقه‌های قبلی، براساس جدول (۲۵) هر یک از گزاره‌های عاملی مرتبط با طبقه نهم ترتیب زیر تفکیک می‌شوند.

جدول ۲۵. تفکیک گزاره‌های تحولات ساختاری در حرفه حسابداری در طبقه نهم

	-6	-5	-4	-3	-2	-1	0	+1	+2	+3	+4	+5	+6
M40	M17	M22	M6	M39	M27	M30	M12	M43	M14	M15	M5	M13	
	M42	M35	M10	M16	M29	M1	M33	M34	M45	M3	M18		
		M24	M38	M26	M25	M8	M11	M48	M9	M4			
			M2	M44	M46	M23	M36	M20	M19				
				M50	M7	M28	M31	M37					
					M32	M47	M49						
					M21	M41							

براساس نتیجه‌ی کسب شده‌ی ماتریس چرخش یافته و امتیازهای مشارکت‌کنندگان «[EP - 41 III EP - 43 III EP - 45 III EP - 46 III EP - 49]» که در ترکیب گزاره‌های تحولات ساختاری در حرفه حسابداری جهت قرار گرفتن در طبقه نهم این پدیده دارای امتیازهای مشترک بودند، جدول (۲۶) به عنوان معرفی این مولفه ارائه شده است.

جدول ۲۶. گزاره‌های مربوط به گونه تفسیری نهم

کدها	گزاره‌های طبقه اول	مولفه نهایی
M13	افشاء اختیاری سودهای پیش‌بینی شده مدیران	تحریک هنجارهای گزارشگری حرفه‌ای
M5	ارائه‌ی منظم گزارش‌های تفسیری مدیریت	
M18	انعکاس جزئیات ریسک‌های مالی به ذینفعان	
M15	افشاء اعاده‌ی دادرسی پرونده‌های مالی شرکت در مراجع حقوقی و قضایی	
M3	افشاء هزینه‌های تحقیق و توسعه شرکت	

طبق نتیجه جدول (۲۶) مبنی بر تفکیک مضامین گزاره‌ای در گونه نهم، مشخص شد، ۵ مضمون گزاره‌ای که مبنای تحولات پیامدی در گزارشگری رویه‌های حسابداری را نشان می‌دهد می‌تواند با عنوان «تحریک هنجارهای گزارشگری حرفه‌ای» در این بخش از مطالعه معرفی شود.

طبقه دهم قرار گرفتن گزاره‌های شناسایی شده

طبق فرآیند توضیح داده شده در طبقه‌های قبلی، براساس جدول (۲۷) هریک از گزاره‌های عاملی مرتبط با طبقه دهم ترتیب زیر تفکیک می‌شوند.

جدول ۲۷. تفکیک گزاره‌های تحولات ساختاری در حرفه حسابداری در طبقه دهم

	-6	-5	-4	-3	-2	-1	0	+1	+2	+3	+4	+5	+6
M46	M12	M22	M34	M39	M27	M42	M17	M38	M5	M9	M14	M4	
	M30	M35	M10	M16	M29	M44	M21	M6	M18	M19	M45		
		M24	M43	M26	M25	M8	M11	M48	M15	M13			
			M28	M1	M41	M23	M36	M20	M3				
				M50	M7	M2	M31	M37					
					M32	M47	M40						
						M33	M49						

براساس نتیجه‌ی کسب شده‌ی ماتریس چرخش یافته و امتیازهای مشارکت‌کنندگان «[EP - 28 III EP - 29 III EP - 36 III EP - 37 III EP - 47]» که در ترکیب گزاره‌های تحولات ساختاری در حرفه حسابداری جهت قرار گرفتن در طبقه دهم این پدیده دارای امتیازهای مشترک بودند، جدول (۲۸) به عنوان معرفی این مولفه ارائه شده است.

جدول ۲۸. گزاره‌های مربوط به گونه تفسیری دهم

کدها	گزاره‌های طبقه اول	مولفه نهایی
M4	ارائه‌ی رویکردهای معاملاتی شرکت در بازار از طریق گزارش‌های همراه	تحریک رقابت‌پذیری گزارشگری حرفه‌ای
M14	افشاء ارزش برند شرکت	
M45	منعکس نمودن سود تحصیل شده براساس هر سهم شرکت	
M9	ارائه اطلاعات مشتریان عمده شرکت	
M19	انعکاس نتایج ارزیابی سهم بازار شرکت به ذینفعان	

در دسته‌بندی مضامین گزاره‌ای گونه‌ی دهم مشخص شد، ۵ مضمون گزاره‌ای که به جنبه‌های افشاء اطلاعات فراگیرتر تجاری پس از انجام تحولات ساختاری در رویه‌های پیاده‌سازی حسابداری اشاره دارند را می‌توان با عنوان «تحریک رقابت‌پذیری گزارشگری حرفه‌ای» معرفی نمود.

با اتمام، مرحله‌ی خوشه‌بندی مولفه‌های پژوهش می‌توان براساس مفاهیم هر یک از طبقه‌بندی‌های ارائه شده، ماهیت پارادایمی تحولات ساختاری در حرفه حسابداری، را در جدول (۲۹) ابتدا ارائه نمود.

جدول ۲۹. ماهیت پارادایمی تحولات ساختاری در حرفه حسابداری

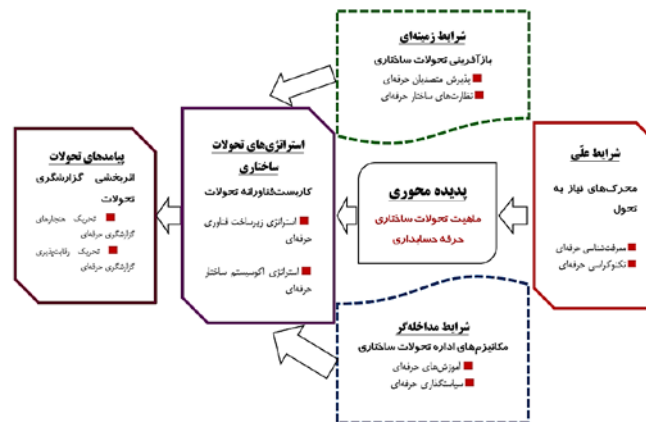
فرآیند کدگذاری		مقوله‌های انتخابی	سازه‌های نظری
مضامین مفهومی	مولفه‌های محوری		
وجود رویکرد صرف اثبات‌گرایانه در حسابداری	معرفت‌شناسی حرفه‌ای	محرک‌های نیاز به تحولات ساختاری در حسابداری	شرایط علی تحولات ساختاری در حسابداری
عینیت‌گرایی شکل گرفته در رویکرد متصدیان حرفه‌ای حسابداری			
منفعل بودن حرفه حسابداری در برابر تغییر نیازهای ذینفعان			
شکاف تنوری‌های حسابداری تا عمل و پیاده‌سازی حرفه‌ای			
تمرکز بیش‌ازحد بر استدلال منطقی در معرفت‌شناسی حسابداری			
فقدان ارزیابی حسابداران طبق معیارهای مبتنی بر تخصص و شایستگی			

فرآیند کدگذاری		سازه‌های نظری	
مضامین مفهومی	مولفه‌های محوری	مقوله‌های انتخابی	
عدم انتصاب متصدیان عرصه حسابداری براساس صلاحیت فنی	تکنوکراسی حرفه‌ای		
عدم استقلال واحد حسابداری به دلیل سیطره نفوذ مدیریت			
افراط‌گرایی بیش از اندازه متصدیان حرفه حسابداری در پایبندی به استدلال منطقی			
نبود ظرفیت‌های درونی توسعه‌ی حسابداری براساس اصل فن‌سالاری	آموزش‌های حرفه‌ای	مکانیزم‌های اداری تحولات ساختاری حسابداری	شرایط مداخله‌گر تحولات ساختاری حسابداری
نیازسنجی ساختاری واحد حسابداری از منظر توسعه توانمندی‌های تخصصی			
ارزیابی‌های دوره‌ای متصدیان حرفه‌ای پس از گذراندن دوره‌های آموزش حرفه‌ای			
ارتقاء توانمندی‌های حسابداران در استفاده از سیستم‌های اطلاعات مالی/حسابداری			
آماده‌سازی متصدیان حرفه‌ی حسابداری مبنی بر مشارکت در کار تیمی	سیاستگذاری حرفه‌ای	مکانیزم‌های اداری تحولات ساختاری حسابداری	شرایط مداخله‌گر تحولات ساختاری حسابداری
ارائه‌ی آموزش‌های فناورانه و بروز هوش مصنوعی به متصدیان حرفه‌ای حسابداری			
اختصاص منابع برای مهندسی مجدد زیرساخت‌های فناوری‌های مالی/حسابداری			
سرمایه‌گذاری بر استارت‌آپ‌های مالی جهت بازآفرینی فرآیندهای سیستم مالی			
همسوسازی خدمات قابل ارائه حسابداری با نیازهای اطلاعاتی بیرون از شرکت	پذیرش متصدیان حرفه‌ای	بازآفرینی تحولات ساختاری حسابداری	شرایط زمینه‌ای تحولات ساختاری حسابداری
تناسب‌سازی توانمندی‌های حسابداران با قابلیت‌های سیستم حسابداری تکنولوژیک			
تغییر ماهیت تأثیرگذاری حسابداری از نظر مقایسه‌پذیر بودن صورت‌های مالی			
ایجاد انگیزه‌های فردی مبنی بر جایگزینی ارائه‌ی خدمات مالی/حسابداری فناورانه با ارائه خدمات سنتی	پذیرش متصدیان حرفه‌ای	بازآفرینی تحولات ساختاری حسابداری	شرایط زمینه‌ای تحولات ساختاری حسابداری
حمایت ادراک شده از متصدیان حرفه‌ای مبنی بر استفاده از تغییرات فناورانه در حسابداری			
کاهش اضطراب و استرس‌های فردی حسابداران مبنی بر پذیرش تحولات ساختاری در حسابداری			
تناسب‌سازی توانمندی‌های حسابداران با ویژگی‌های تحولات ساختاری در حسابداری			

فرآیند کدگذاری		سازه‌های نظری	
مضامین مفهومی	مؤلفه‌های محوری	مقوله‌های انتخابی	نظری
دخیل نمودن حسابداران در جریان فرآیند تحولات ساختاری در واحد حسابداری			
استفاده از اسکیل آپ‌های مالی/حسابداری به عنوان چرخه‌ی ارزیابی درونی اجرای تحولات حسابداری			
پایبندی به رعایت انحصار و حقوق کپی رایت در خرید نرم افزارهای حسابداری			
تشکیل واحدهای منتورینگ مبنی بر نظارت تحولات ساختاری واحد حسابداری	نظارت‌های ساختار حرفه‌ای		
پشتوانه سازی حاکمیت شرکتی منسجم در اعمال تحولات ساختاری واحد حسابداری			
اختصاص پاداش‌های مالی جهت مشارکت تیمی در اجرای تحولات ساختاری حسابداری			
توسعه‌ی سروهای شرکت در تقویت زیرساخت‌های شبکه‌ی اطلاعات حسابداری			
بکارگیری فناوری‌های پردازش ابری در عرضه‌های مالی/حسابداری	استراتژی زیرساخت فناوری حرفه‌ای		
امکان‌سنجی ظرفیت‌های بلاک‌چین جهت تناسب عملیات مالی با کارکردهای سیستم اطلاعات			
استفاده از تکنولوژی دیفای و بسترسازی امور مالی غیرمتمرکز			
مکانیزم فین‌تک‌های مالی جهت تناسب با ظرفیت‌های اثربخش اطلاعات سیستمی			
ایجاد اکوسیستم‌های مالی جهت افشاء با کیفیت‌تر اطلاعات به ذینفعان			
خرید پلتفرم‌هایی مانند Roblox، Sandbox و Decentraland جهت اشتراک گذاری خدمات مالی سریع‌تر به ذینفعان	استراتژی اکوسیستم ساختار حرفه‌ای		
تقویت شتاب‌دهنده‌های زیست‌بوم مالی در پیاده‌سازی با کیفیت‌تر حسابداری			
استفاده از ظرفیت‌های توکن غیرقابل تعویض (NFT) جهت پیاده‌سازی خدمات مالی فناورانه			
تمرکز بر روی انکوباتور زیست بوم مالی در پیاده‌سازی با کیفیت‌تر حسابداری			
افشاء اختیاری سودهای پیش‌بینی شده مدیران			
ارائه‌ی منظم گزارش‌های تفسیری مدیریت	تحریک هنجارهای	اثربخشی گزارشی	پدیده‌های تحولات
انعکاس جزئیات ریسک‌های مالی به ذینفعان			

فرآیند کدگذاری			سازه‌های نظری
مضامین مفهومی	مولفه‌های محوری	مقوله‌های انتخابی	
افشاء اعاده‌ی دادرسی پرونده‌های مالی شرکت در مراجع حقوقی و قضایی	گزارشگری حرفه‌ای		
افشاء هزینه‌های تحقیق و توسعه شرکت			
ارائه‌ی رویکردهای معاملاتی شرکت در بازار از طریق گزارش‌های همراه	تحریک رقابت‌پذیری		
افشاء ارزش برند شرکت	گزارشگری حرفه‌ای		
منعکس نمودن سود تحصیل شده براساس هر سهم شرکت			
ارائه اطلاعات مشتریان عمده شرکت			
انعکاس نتایج ارزیابی سهم بازار شرکت به ذینفعان			

همانطور که مشاهده می‌شود، ماهیت پدیدار شناسی مطالعه به لحاظ پیاده‌سازی پارادایمی، شاکله‌ای مبتنی بر ۵ سازه‌ی ساختاری دارد، که از طریق ترکیب مفاهیم نظری/کاربردی با کدهای باز ایجاد شده از مصاحبه با خبرگان، می‌توان در شکل (۷) چارچوب نهایی پدیدارشناسانه‌ی تحولات ساختاری در حرفه حسابداری را به ترتیب زیر ترسیم نمود.



شکل ۷. چارچوب پدیدار شناسی ماهیت تحولات ساختاری در حرفه حسابداری

لذا در این چارچوب، ماهیت پدیدار شناسی تحولات ساختاری در حرفه حسابداری براساس ۵ بخش به صورت پارادایمی ارائه شده است تا بتواند در شناخت بهتر دلایل ایجاد این پدیده،

زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر تسهیل شکل‌گیری آن کمک نماید. همچنین استراتژی‌های مالی شرکت‌ها در جهت ظهور پیامدهای مطلوب ناشی از اجرای تحولات ساختاری در حرفه حسابداری نیز می‌تواند محتمل باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش استفاده از رویکرد پدیدارشناسی پارادایم‌های تحول‌گرایی ساختاری در حرفه حسابداری مبنی بر ارتقاء مشروعیت حرفه حسابداری بود. همانطور که طی فرآیند انجام پژوهش مشخص شد، ابتدا از طریق مصاحبه و فرآیند کدگذاری باز، گزاره‌های مرتبط با زمینه‌های تحولات ساختاری در حرفه حسابداری شناسایی شدند. سپس با تشکیل گروه کانونی جهت تعیین طبقه‌های شناختی مفهوم مورد بررسی، براساس چهار جلسه با اعضای پانل کانونی و استفاده از یک چک‌لیست ارزیابی کیو از +۶ تا -۶، تلاش شد تا ۵۰ گزاره‌ی مضمونی بدست آمده از مصاحبه‌های باز، امتیازبندی گردند. به عبارت دیگر، از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا گزاره‌های شناسایی شده را که در یکی از ۵۰ خانه چک‌لیست ارزیابی کیو قرار دهند. سپس از طریق ماتریس وایرماکس، اقدام به خوشه‌بندی مضامین گزاره‌ای در یکی از وجه‌های الگوی پارادایمی گردید. همانطور که نتایج در الگوی نهایی و جدول خوشه‌بندی مضامین گزاره‌ای در فرآیند تحلیلی الگوی هاسرل (۱۹۷۰) مشخص ساخت، هر ۵ مضمون گزاره‌ای در بخش‌های مختلف چارچوب پارادایمی دسته‌بندی شدند.

در تحلیل الگوی نهایی می‌توان اذعان نمود، شرایط علی تحولات ساختاری در حسابداری براساس دو محرک معرفت‌شناسی و تکنوکراسی حرفه‌ای اشاره به نیازمندی‌های حسابداری جهت تغییر هستی‌شناسی کلاسیک یا رویکرد اثبات‌گرایانه به سمت ساختارگرایانه دارد. به عبارت دیگر حرفه حسابداری به دلیل قرار گرفتن در قید و بندهای مکتب اثبات‌گرایی، نتوانسته حتی با توسعه حوزه‌های مختلف تکنولوژی و محرک‌های اجتماعی، به هنجارهایی دست یابد تا با پذیرش چنین تحولاتی، بتواند سطح پاسخگویی به نیازهای ذینفعان را به طور مؤثرتری از جانب حسابداری و ارکان اداره‌ی آن در درون شرکت‌ها تقویت نمایند. از سویی دیگر، فقدان ارزیابی‌های مبتنی بر دانش و اصل تخصص‌گرایی حرفه‌ای در حسابداری سبب افراط‌گرایی بیش از حد متصدیان حرفه‌ای به اصول و مبانی شده است که حتی در مواجهه با سطح دانش روز

و فناوری‌های که می‌تواند به شناخت اثربخش‌تر حسابداران کمک نماید، مقاومت نشان می‌دهد و این مسئله در درون مرزهای واحدهای حسابداری شرکت‌ها می‌تواند حکایت از پذیرش نیازمندی به تغییر تحولات بنیادی در ساختارهای عملکردی و فرآیندی حسابداری به حساب آید. از طرف دیگر، دو مولفه‌ی آموزش و سیاست‌گذاری‌های حرفه‌ای به عنوان مکانیزم‌های ادراه‌ی تحولات ساختاری به عنوان شرایط مداخله‌گر تلقی می‌شوند که می‌توانند در تدوین استراتژی‌های مرتبط با مهندسی مجدد فرآیندهای عملکردی رویه‌های حسابداری بسیار مؤثر عمل نمایند. در این راستا اگر سطح آموزش‌های حرفه‌ای در درون واحدهای حسابداری و براساس نیازسنجی‌های متصدیان، برنامه‌ریزی شود، می‌توان انتظار داشت با ارزیابی‌های مناسب دوره‌ای، حسابداران را آماده مواجهه با تغییرات فناوری‌ها و توسعه یافته‌تر نمایند، این مسئله امکان اثربخشی تحولات ساختاری در حسابداری را ممکن می‌سازد. از سویی دیگر، شرکت‌ها و علی‌الخصوص واحدهای حسابداری می‌توانند از طریق اختصاص منابع برای اعمال تغییرات و تناسب‌سازی توانمندی‌های حسابداران با قابلیت‌های سیستمی، کارایی عملیاتی رویه‌های حسابداری به عنوان صورت‌های مالی مقایسه‌پذیر، ارتقاء بخشند.

در این الگو، شرایط زمینه‌ای یکی از پایه‌های الگوی پارادایمی ارائه شده در شکل (۷) می‌باشد که، نوعی مکانیزم تسهیل‌گر پیامدهای قابل‌انتظاری است که می‌تواند از طریق پذیرش متصدیان و نظارت‌های ساختار حرفه‌ای در جهت اعمال تحولات بنیادی مؤثر عمل نماید. از منظر زمینه‌ی پذیرش متصدیان حسابداری، می‌بایست به این موضوع اشاره نمود که تحریک انگیزه‌های فردی حسابداران تحت حمایت ادراک شده‌ی بخش‌های بالادستی، می‌تواند اینرسی احتمالی مقاومت در برابر اعمال تحولات ساختاری بر حرفه، را کاهش دهد و توانمندی‌های آنان را در مسیر اجرای با صلابت‌تر تحولات مدنظر، بکار گیرد. در زمینه‌ی نظارت‌های ساختاری نیز، معمولاً تشکیل واحدهای متورینک در کنار اسکیل‌آپ‌های مالی تشکیل شده برای ارزیابی پیاده‌سازی تحولات، نگاهی واقع بینانه‌تر به اجرای تغییرات ضروری در حرفه حسابداری می‌دهد و کمک می‌کند تا این تغییرات بتواند به پشتوانه‌سازی حاکمیت شرکتی در نظارت و اختصاص منابع بیشتر کمک نماید. در ادامه جهت تفسیر استراتژی‌های تحولات ساختاری حسابداری، می‌بایست اذعان نمود از مجموع دو شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر شناسایی شده، استراتژی‌های زیرساخت

فناوری و اکوسیستم حرفه‌ای می‌تواند به ایجاد دگردیسی‌های اساسی در حسابداری کمک نماید تا با شناخت شرایط علیّ تعیین شده، این حرفه را به سمت پویایی بیشتر جهت رسیدن به پیامدهای پارادایمی هدایت نماید. لذا استراتژی‌های زیرساخت فناوری حرفه‌ای اشاره به آماده‌سازی بسترهای تکنولوژیک شرکت‌ها در ارائه‌ی رویه‌های با کیفیت‌تر حسابداری دارد که می‌تواند از فناوری‌های پردازش ابری تا توسعه‌ی بلاکچین‌های مالی را شامل شود و از این طریق ظرفیت‌های استفاده از فین‌تک‌ها مالی جهت تناسب‌سازی با اثربخشی سیستم‌های اطلاعاتی را برای ذینفعان مقدور نماید. از طرف دیگر استراتژی اکوسیستم ساختاری نیز به جریان‌سازی اطلاعات و ظهور استارت‌آپ‌های مالی اشاره دارد که برای بهره‌مندی بیشتر منافع حاصل از تغییر رویه‌های سنتی حسابداری به رویه‌های فناورانه، می‌تواند از انکوباتور زیست‌بوم مالی به عنوان یک شبکه از اطلاعات استفاده نماید تا عملکردهای مالی شرکت را به طور شفاف‌تری در اختیار ذینفعان قرار دهد. در نهایت نیز الگوی پارادایمی تحولات ساختاری در حرفه حسابداری از وجود دو پیامد تحریک هنجاری و رقابت‌پذیری گزارشگری حرفه‌ای حکایت دارد که می‌تواند جنبه‌های گسترده‌تری از عملکردهای حسابداری را فراتر از الزامات نهادی و استانداردی، به صورت اختیاری به ذینفعان منعکس نماید و از این طریق مشروعیت بالاتری را برای حرفه حسابداری در سطح بازار سرمایه ایجاد کند. به طوریکه تحریک هنجاری گزارشگری حرفه‌ای سطحی از افشاء اختیاری اطلاعات را شامل می‌شود که با ارائه‌ی جزئیات ریسک و پرونده‌های شرکت در مراجع حقوقی و قضایی، به تصمیم‌گیرندگان مالی این فرصت را می‌دهد تا چشم‌انداز مشخص‌تری از آینده‌ی شرکت‌ها داشته باشند. همچنین تحریک رقابت‌پذیری گزارشگری حرفه‌ای نیز جنبه‌های از مروده و تبادلات شرکت با مشتریان عمده و ارزش‌برند را نشان می‌دهد که تا قبل رویه‌های حسابداری کلاسیک تمایل چندانی در افشاء آن نداشتند و این پیامدها می‌تواند نشان‌دهنده‌ی تأثیرات مثبت اجرای تحولات ساختاری در حرفه حسابداری مبنی بر اکتساب مشروعیت بالاتر برای ذینفعان تلقی گردد. همانطور که فرآیندهای طی شده این مطالعه به لحاظ ماهیت روش‌های پیاده‌سازی مشخص می‌سازد، پژوهشی که براساس پدیدارشناسی پارادایمی، به مسئله‌ی این مطالعه مبنی بر تحول‌گرایی ساختاری دانش حسابداری پرداخته باشد، در گذشته انجام نشده است تا بتواند مبنای تطبیق با نتایج این مطالعه قرار گیرد. اما لحاظ مفهومی می‌توان همراستایی

محتوایی این مطالعه را با پژوهش‌هایی همچون یارپنکو و همکاران (۲۰۱۶)؛ مسلمی و نیک‌سیرت (۲۰۱۳) و همایونی‌راد و همکاران (۱۳۹۹) را تأیید نمود.

در این مطالعه براساس ماهیت و مسئله‌ی مورد بررسی می‌بایست به سیاستگذاران و توسعه دهندگان حرفه حسابداری در غالب کمیته‌ها و سازمان‌های مرتبط با این حوزه توصیه نمود، چشم‌اندازهای تحول این حرفه و زمینه‌های مرتبط به آن را در قالب یک سند با مبانی مشخص، تدوین به واحدهای حسابداری ابلاغ نمایند تا بتوانند، عرصه‌های تأثیرگذاری حسابداری بر انتظارات ذینفعان را به گونه‌ای ارتقاء بخشند که بتواند مشروعیت این حرفه را فراگیرتر نماید. به عنوان مثال سیاستگذاران با حمایت از طرح‌های پژوهشی و یا انجام مطالعه‌های عمیق نیازسنجی امروز حرفه‌ی حسابداری، آگاهی شناختی لازم از تحولات ساختاری در این حوزه را ارتقاء دهند و با مشارکت دانشگاهیان و حسابداران رسمی، نسبت به تناسب شرایط امروز بازار سرمایه با انتظارات و شکاف‌های عملکردی حسابداری اقدام نمایند. از طرف دیگر کمیته‌های ارزیابی طرح‌های توسعه حرفه حسابداری با هدف پیاده‌سازی فناوری‌های رویه‌های عملکردی قابل افضاء به ذینفعان در بستر پلتفرم‌های بروز شده، ایجاد شوند تا با در نظر گرفتن امتیازهایی برای شرکت‌ها همچون مزایای صادراتی و یا تخصیص منابع با هزینه بهره‌ی پایین، نسبت به تحریک پذیرش تحولات فناورانه در واحدهای حسابداری اقدام نمایند. در نهایت نیز توصیه می‌شود با هدف رقابت‌پذیری افضاء اطلاعات در بین واحدهای حسابداری با ذینفعان، نسبت به رتبه‌بندی عملکردی این واحدها به طور سالیانه اقدام شود تا براین اساس حرفه‌ی حسابداری به عنوان مهمترین منابع اطلاعاتی قابل افضاء اولاً به جریان‌سازی چرخه‌ی عملکردهای مالی شرکت‌ها در بازار سرمایه اقدام نمایند و ثانیاً سطح مشروعیت ناشی از اعتماد به شرکت‌ها را در بازار سرمایه بازآفرینی نمایند.

یکی از مهمترین بخش‌های پژوهش‌هایی با ماهیت پدیدارشناسی، اذعان محدودیت ابزاری است که می‌تواند در پژوهش‌های آتی مدنظر قرار گیرد. یکی از محدودیت‌های ابزاری این مطالعه، مسئله‌ی فراگیر بودن پدیده‌ی مورد بررسی از نظر ابزار مصاحبه می‌باشد. به این معنا که جنبه‌های زیادی از تحول‌گرایی ساختاری در حرفه حسابداری ممکن است وجود داشته باشد، که در این مطالعه از طریق مصاحبه، الزاماً به طور کامل پوشش داده نشده باشد. لذا می‌توان برای

حل چنین محدودیتی در پژوهش‌های آتی، تمرکز بر شیوه‌های مصاحبه‌ی ترکیبی به صورت باز و نیمه باز را در دو گروه خبرگان و تجربه‌گرایان به صورت همزمان به اجرا درآورد تا به شناخت بهتر محقق از پدیده‌ی مورد بررسی، کمک نماید و جنبه‌های نوظهور و متفاوت‌تری را در ارزیابی پدیده ایجاد گردد.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده‌است.

منابع

- باباجانی، جعفر، مددی، آرزو. (۱۳۸۸). امکان‌سنجی تحول در نظام حسابداری و گزارشگری مالی دانشگاه‌های دولتی ایران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۶(۲): ۳-۲۰.
- برزگر، مرتضی، کردستانی، غلامرضا، قائمی، محمدحسین، بیات، روح‌الله. (۱۴۰۲). شناسایی پیشران‌های تحول در حسابداری مدیریت، مجله حسابداری مدیریت، ۱۶(۵۹): ۱۴۵-۱۶۷.
- شهبازی، رحیم، فهیم‌نیا، فاطمه، حکیم‌زاده، رضوان. (۱۳۹۵). تحلیل عاملی اکتشافی پرسشنامه تدوین مدل شایستگی آموزش علم اطلاعات و دانش‌شناسی مبتنی بر فناوری اطلاعات براساس تحلیل سرفصل‌ها و نیازهای بازار کار، پژوهشنامه پردازش و مدیریت دانش اطلاعات، ۲(۴): ۴۸۳-۵۱۱.
- همایونی‌راد، راحله، رهنمای رودپشتی، فریدون، نیکومرام، هاشم، نوابخش، مهرداد. (۱۳۹۹). جامعه‌شناسی حسابداری، دیدگاه‌ها و چالش‌ها: از منظر پارادایم‌های غالب، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۹(۳۳): ۹-۲۴.
- مصطفایی، پرستو، حسینی، سیدعلی. (۱۴۰۰). تحلیل محتوای کیفی گزارش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با تأکید بر ذینفعان اجتماعی، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۱(۳): ۷۹-۱۱۲.

References

- Agostino, D; Bracci, E. & Steccolini, I. (2022). Accounting and accountability for the digital transformation of public services, *Financial Accountability & Management*, 38(2): 145-151.
- Arundel, A.; Bloch, C. & Ferguson, B. (2019). Advancing innovation in the public sector: Aligning innovation measurement with policy goals. *Res. Policy*, 48, 789-798.
- Azizul Islam, M. (2017). Future of Accounting Profession: Three Major Changes and Implications for Teaching and Research, *International Federation of Accountants (IFAC)*, 11(1): 34-65.
- Babajani, J; & Madadi, A. (2009). Evaluation of the Possibility of Reform in the Financial Accounting and Reporting System of the Iranian Governmental Universities. *Accounting and Auditing Review*, 16(2): 3-20. (In Persian).
- Baker, C.R. & Persson, M.E. (2021). A Genealogy of Positivist and Critical Accounting Research, Baker, C.R. and Persson, M.E. (Ed.) *Historical Developments in the Accountancy Profession, Financial Reporting, and Accounting Theory (Studies in the Development of Accounting Thought, Vol. 25)*, Emerald Publishing Limited, Leeds, pp. 83-99.
- Barker, J. A. (1993). *Paradigms: The Business of Discovering the Future*. New York: Harper Business.
- Barzegar, M; Kurdestani, Gh, R; Ghaemi, M, H. & Bayat, R. (2023). Identifying the drivers of transformation in management accounting, *Journal of Management Accounting*, 16(59): 145-167. (In Persian).
- Beck, C. T. (2019). *Introduction to phenomenology: Focus on methodology*. Sage Publications

- Chua, W, F. (2019). Radical Developments in Accounting Thought? Reflections on Positivism, the Impact of Rankings and Research Diversity, *Behavioral Research in Accounting*, 31(1): 3-20.
- Crystal, D. (1997). A dictionary of linguistics and phonetics (4th Editioned). Cambridge: MA: Blackwell.
- De Villiers, C; Hsiao, P.-C.K; Zambon, S. & Magnaghi, E. (2022). Sustainability, Non-Financial, Integrated, and Value Reporting (Extended External Reporting): A conceptual framework and an agenda for future research, *Meditari Accountancy Research*.
- Depraz, N. (2020). Husserlian phenomenology in the light of microphenomenology in Husserl, Kant and transcendental phenomenology. eds. I. Apostolu and C. Serban (Berlin: De Gruyter).
- Feghali, Kh, A; Matta, J. & Moussa, S. (2022). Digital Transformation of Accounting Practices and Behavior during COVID-19: MENA Evidence, *Journal of Accounting and Management Information Systems*, Faculty of Accounting and Management Information Systems, *the Bucharest University of Economic Studies*, 21(2): 236-269.
- Fogarty, T. J. (2014). A dream deferred: Interdisciplinary accounting in the U.S. *Accounting, Auditing & Accountability Journal* 27(8): 1265–1270.
- Fogarty, T. J; & Jonas, G. (2010). The hand that rocks the cradle: Disciplinary socialization at the American Accounting Association's Doctoral Consortium. *Critical Perspectives on Accounting* 21 (4): 303–317.
- Gauttier, S. (2020). Q-method as a tool to facilitate meaningful public engagement with science, *Qualitative Research Journal*, 20(1): 86-102.
- Gonçalves, M, J, A; da Silva, A, C, F. & Ferreira, C, G. (2022). The Future of Accounting: How Will Digital Transformation Impact the Sector? *Informatics*, 9(1): 19-37.
- Hannabuss, S. (1988). Knowledge Paradigms and Change, *International Journal of Sociology and Social Policy*, 8(1): 23-31.
- Henwood, K. L. & Pigeon, N, R. (1992). Qualitative research and psychological theorizing. *British Journal of Psychology*, 83(1): 97-112.
- Hogianto, M. (2023). The Role of Technology in Transforming Traditional Accounting into Digital Accounting, 3(1): 1-21.
- Homayouni rad, R; rahnamay Roodposhty, F; Nikoomaram, H; & navabakhsh, M. (2020). Accounting Sociology, viewpoints and Challenges: From the perspective of the dominant paradigms. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 9(33): 9-24. (In Persian).
- Husserl E. (1970). The crisis of European sciences and transcendental phenomenology: An introduction to phenomenological philosophy. Northwestern University Press.
- Jenson, R. L. (1998). Reengineering as a Framework for Accounting Systems Study. *Review of Business Information Systems (RBIS)*, 2(4): 1–8.
- Kuhn, T. S. (1982). Commensurability, Comparability, Communicability. PSA: Proceedings of the Biennial Meeting of the Philosophy of Science Association, 22(13): 669-688.
- Kuhn, T. S. (1996). The Structure of scientific revolutions (3th Edition ed). Chicago: The University of Chicago Press.

- Kusumaningtias, R. (2018). Sociological Multiperspectives in Accounting: A Preliminary Study. *Accruals: Journal of Accounting*, 157-167. <https://doi.org/10.1111/auar.12371>
- Laughlin, R. (1999). Critical accounting: nature, progress and prognosis, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 12(1): 73-78.
- Mekaoui, S; Brahem, E. & Moalla, H. (2022). The impact of the Tunisian Revolution and internal governance mechanisms on the extent of voluntary information disclosure, *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 20(1): 97-126.
- Milian, E.Z.; Spinola, M.D.M. & De Carvalho, M.M. (2019). Fintechs: A literature review and research agenda. *Electron. Commer. Res. Appl*, 34, 100-133.
- Moslemi, S, A. & Nikseresh, M. (2013). The effect of paradigm in accounting scientific development, *Advances in Environmental Biology*, 7(10): 2920-2925.
- Mostafaei, P; & Hosseini, S. A. (2021). Qualitative Content Analysis of Corporate Social Responsibility Reports with Emphasis on Social Stakeholders. *Empirical Research in Accounting*, 11(3): 79-112. (In Persian).
- Norris, E; Kutubi, S; Greenland, S. & Wallace, R. (2024). Counter-accounting and social transformation: Yanangu way, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 37(4): 957-983.
- Payne, T. E. (1997). Describing morphosyntax: A guide for field linguists. Cambridge; New York: Cambridge University Press.
- Phornlaphatrachakorn, K. & Na Kalasindhu, K. (2022). Digital Accounting, Financial Reporting Quality and Digital Transformation: Evidence from Thai Listed Firms. *The Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 8(8): 409-419.
- Pittroff, E. (2021). The legitimacy of global accounting rules: a note on the challenges from path-dependence theory. *Journal of Management and Governance*, 25(1): 379-396.
- Pittroff, E. (2021). The legitimacy of global accounting rules: a note on the challenges from path-dependence theory, *Journal of Management and Governance*, 25(2): 379-396
- Rautiainen, A. & Scapens, R.W. (2013). Path-dependencies, constrained transformations and dynamic agency: An accounting case study informed by both ANT and NIS, *Qualitative Research in Accounting & Management*, 10(2): 100-126.
- Reed, P, G. & Faan, R, N. (2020). Moving On: From Metaparadigm to Midparadigm for Knowledge Development, *Nursing Science Quarterly*, 33(1): 222-246.
- Rikhardsson, P. & Yigitbasioglu, O. (2019). Business intelligence & analytics in management accounting research: Status and future focus. *Int. J. Account. Inf. Syst.* 29(2): 37-58
- Schmitz, J. & Leoni, G. (2019). Accounting and auditing at the time of blockchain technology: A research agenda, *Aust. Account. Rev*, 29, 331-342
- Shahbazi, R; Fahimnia, F; & Hakimzadeh, R. (2016). Confirmatory Factor Analysis of IT-based Competency Questionnaire in Information Science &

- Knowledge Studies, Based on Job Market Analysis. *Iranian Journal of Information Processing and Management*, 31(2): 483-511. (In Persian).
- Spinelli, E. (2005). *The Interpreted World: An Introduction to Phenomenological Psychology*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications, Ltd.
- Tiron-Tudor, A; Donțu, A, N. & Bresfelean, V, P. (2022). Emerging Technologies' Contribution to the Digital Transformation in Accountancy Firms, 11(22): 18-38.
- Troshani, I; Locke, J. & Rowbottom, N. (2019). Transformation of accounting through digital standardisation: Tracing the construction of the IFRS Taxonomy, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 32(1): 133-162.
- Turyahikayo, E. (2021). Philosophical paradigms as the bases for knowledge management research and practice, *Knowledge Management and E-Learning*, 13(2): 98-125.
- Vogel, R. (2009). Paradigm shifts as ideological changes: A Kuhnian view of endogenous institutional disruption, Meyer, R.E; Sahlin, K; Ventresca, M.J. and Walgenbach, P. (Ed.) *Institutions and Ideology (Research in the Sociology of Organizations, Vol. 27)*, Emerald Group Publishing Limited, Leeds, pp. 85-113.
- Yang, J; Ying, L. & Xu, X. (2024). Digital transformation and accounting information comparability, *Finance Research Letters*, 61(2): 56-89.
- Yaremko, I, J; Pylypenko, L, M. & Tyvonchuk, O, I. (2016). The Paradigms of Accounting and Financial Reporting, *Pobrane z czasopisma International Journal of Synergy and Research*, 5(1): 135-146.
- Yigitbasioglu, O; Green, P. & Cheung, M.-Y.D. (2022). Digital transformation and accountants as advisors, *Accounting, Auditing & Accountability Journal*,
- Yoon, S. (2020). A Study on the Transformation of Accounting Based on New Technologies: Evidence from Korea, *Sustainability*, 12(2): 86-112.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

The Phenomenological Approach of Structural Transformation Paradigms in the Accounting Profession: The Consequence Based on Accounting Profession Legitimacy¹

Mehdi Gharaeepour², Mohammad Reza Abdoli³,
Maryam Shahri⁴, Hasan Valiyan⁵

Received: 2024/06/27

Accepted: 2024/11/03

Research Paper

Abstract

Transformation in any field of business is considered as an integral part of structural functions that can lead to the effectiveness of business enterprises' dealings with stakeholders. Since the accounting profession in business plays an important role in communicating with stakeholders, it seems that focusing on structural transformation creates the opportunity for companies to reflect more reliable information to financial decision makers. The purpose of this study is to expand the phenomenological approach of structural transformation paradigms in the accounting profession based on the promotion of the accounting profession legitimacy. In this study, following the approach of Husserl (1970), an attempt was made to present a phenomenological model of structural transformation paradigms in the accounting profession through five analytical steps. For this purpose, through interviews with experts and open coding, an attempt was made to determine the propositional themes of the phenomenon under investigation. Then, by forming a focus group to discuss and exchange opinions for the cognitive separation of each of the propositions in the form of a component, the Q-method checklist was used to score each of the propositions in the range of +6 to -6 and to identify paradigmatic clusters. The phenomenon under investigation should be taken. The results in the qualitative part during 16 interviews revealed the number of 388 open codes that after removing the excesses and repeating similar open codes 50 propositional themes were determined in order to determine conceptual clustering in the framework of paradigmatic phenomenology by relying on the steps of implementing Husserl's (1970) approach. The results of the study considered the formation of structural transformation in the accounting profession based on causal, intervening, contextual conditions, strategies and consequences, which can be effective in promoting the accounting profession legitimacy in the context of capital market companies.

Keyword: Structural Transformation, Phenomenology, Accounting Legitimacy.

JEL Classification: M19, G40.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.47598.3266

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran. (Mehdi.gharaeepour@gmail.com).

3. Professor, Department of Accounting, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran. (Corresponding Author). (Email: Mrab830@yahoo.com).

4. Assistant Professor, Department of Accounting, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran. (shahri_rh17@yahoo.com).

5. Assistant Professor, Department of Accounting, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran. (Hasan.valiyan@yahoo.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Comparison of the Effect of Flipped Classroom and Quantum Teaching Methods with the Traditional Method on the Performance of Accounting Principles Students (1)¹

Hossein Esmailkhani², Mahmoud Moenaddin³,
Forough Heyrani⁴

Received: 2024/06/10

Accepted: 2024/09/07

Research Paper

Abstract

Teaching and learning introductory accounting courses is of great importance as a foundation for teaching other accounting topics. Also, the increasing development of digital technologies and their application in education has required universities to make changes in traditional education methods. Therefore, the present study tries to investigate the effect of using flipped classroom and quantum teaching methods compared to the traditional teaching method from the perspective of accounting students' performance. In this quasi-experimental research, 78 students of accounting principles course (1), from Islamic Azad University units in Rafsanjan city, were placed in experimental and control groups in the first semester of 1400-1401. Analysis of covariance was used to analyze the results. The findings of the present study show that the average scores obtained in the control group did not change significantly in the pre-test and post-test stages. However, the level of scores of students in the two experimental groups has increased in the post-test stage compared to the pre-test, so that the performance of the students in the experimental groups has improved the performance of the students compared to the traditional teaching method. Using the results of this research, professors can improve the teaching of accounting principles (1) by applying practical methods.

Keyword: Flipped Classroom Teaching Method, Quantum Teaching Method, Accounting Principles Lesson (1), Student Performance.

JEL Classification: A22.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.47414.3259

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. (hosseinesmailkhani@gmail.com).

3. Associate Professor, Department of Accounting, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. (Corresponding Author). (mahmoudmoein@iauyazd.ac.ir).

4. Assistant Professor, Department of Accounting, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. (heiranyforough@gmail.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

The Effect of Cash Flow Volatility on the Incentives for Cash Holdings: The Moderating Role of COVID-19 Pandemic¹

Peyman Amini², Abbas Aflatooni³, Mohammad KarimiKahvand⁴

Received: 2024/03/29

Accepted: 2024/09/02

Research Paper

Abstract

This research investigates the moderating effect of the spread of the COVID-19 pandemic on the relationship between the firm's cash flow volatility and its level of cash holdings. To this end, we utilized data from 163 firms listed on the Tehran Stock Exchange from 2011 to 2022. The research hypotheses were tested using regression analysis with the generalized least squares (GLS) estimator. The findings reveal that firms with more cash flow volatility tend to hold more cash and during the COVID-19 pandemic, firms have maintained higher cash reserves. Furthermore, the study suggests that the COVID-19 outbreak amplifies the positive correlation between cash flow volatility and firms' cash holdings. The research findings indicate that the cash flow volatility and the COVID-19 outbreak have escalated the cash flow risk for firms and bolstered the precautionary reasons for maintaining cash reserves. This research contributes to the literature on cash holdings and enriches the literature on the financial impacts of COVID-19 on Iranian firms.

Keyword: COVID-19, Cash Holdings, Cash Flow Volatility, Precautionary Motives.

JEL Classification: G31, G32.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.46739.3227

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Humanities and Social Sciences, Kurdistan University, Sanandaj, Iran. (P.Amini@uok.ac.ir).

3. Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran. (Corresponding Author). (A.Aflatooni@basu.ac.ir).

4. Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Humanities, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran. (Mohammad.karimikahvand70@gmail.com).

Corporate Characteristics Determining Sustainability Reporting¹

Sahar Yousefizadeh², Hossein Fakhari³

Received: 2024/06/06

Accepted: 2024/09/25

Research Paper

Abstract

Considering the importance of sustainability reporting among stakeholders, this research aims to explain a model for internal organizational factors affecting sustainability reporting disclosure. Such a model can help account thinkers and company managers understand the factors influencing sustainability report quality. We obtain the organizational factors influencing sustainability reporting with first-order factor analysis, and then, along with other variables of the research, we obtain the effect of the obtained organizational factors on the disclosure score of sustainable reporting. Then we obtain the consequences of sustainability reporting with seemingly unrelated regression methods. The research sample also includes information related to 194 Tehran Stock Exchange companies, for the fiscal years 1390 to 1400, compiled from financial statements, management reports, and audit committee information. The findings based on the measurement model and first-order confirmatory factor analysis show that twenty factors can be effective in reporting sustainability. We have obtained the effect of these factors on the disclosure score of the sustainability report and then we have examined the consequences of sustainability reporting. The results show that the factors affecting the sustainability report are classified in the form of eight dimensions company size, board of directors, ownership structure, regulatory structure and corporate governance structure, strategies of the industry, profitability, and financial leverage. Also, there is a reciprocal relationship between sustainability report disclosure and return on equity.

Keyword: Sustainability Report, Influencing Factors on Sustainability Report, Structural Equation Modeling, Seemingly Unrelated Regression.

JEL Classification: M41, G32.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.47392.3254

2. Ph.D. Department of Accounting, Faculty of Economic Sciences, Mazandaran University, Babolsar, Iran. (Corresponding Author). (saharyousefizadeh@yahoo.com).

3. Professor, Department of Accounting, Faculty of Economic Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. (h733hf@yahoo.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Economic Uncertainty Related to the Future and Accounting Conservatism¹

Mohammadreza Shafiei Ronizi², Mojtaba Safipour Afshar³,
Ahmad Khodami pour⁴

Received: 2024/06/08
Accepted: 2024/07/14

Research Paper

Abstract

The purpose of this research is to examine the relationship between economic uncertainty and conservatism in the companies that are listed on the Tehran Stock Exchange. This research is applied in terms of purpose and nature. It is descriptive research with an emphasis on correlational relationships. The statistical population of the study includes the companies listed on the Tehran Stock Exchange in the period between 1396 and 1400. The sample size in this research is 690 companies using the method of systematic elimination. In other words, the information and data necessary for the research have been obtained through the library method using the latest Rahavard software and by referring to the organization of the Tehran Stock Exchange and the study of the basic financial statements of the companies listed in the Tehran Stock Exchange. The results of the research show that there is a relationship between economic uncertainty and conservatism in companies on the Tehran Stock Exchange.

Keyword: Economic Uncertainty, Conservatism, Stock Exchange.

JEL Classification: E00, M41.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.47425.3256

2. M.Sc. Department of Accounting, Faculty of Management and Economics, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. (Corresponding Author). (Mohammadshafiei183@gmail.com).

3. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Economics, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. (Mojtaba.safipour@uk.ac.ir).

4. Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Economics, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. (Khodamipour@uk.ac.ir).

Income Diversification Strategy and Market Performance :The Moderating Role of Voluntary Disclosure in Iran's Banking Industry¹

Mona Parsaei², Fereshteh Sadat Mohammadi³,
Jafar Babazadeh Hashin⁴

Received: 2024/08/13

Accepted: 2024/10/12

Research Paper

Abstract

The value of bank shares influences the banks' intermediation capacity, the implementation of monetary transmission mechanisms, and their ability to attract investment in innovative projects. Therefore, examining the performance and its driving factors is crucial for understanding the resilience of the banking sector. Developing a diversified income portfolio and voluntary information disclosure are strategies available to bank managers to enhance their performance. However, no research has yet examined the impact of these two strategies on the market performance of Iranian banks. This study aims to investigate the relationship between income diversification strategy and market performance in banks and the moderating effect of the level of voluntary disclosure on this relationship. Our research sample includes 20 banks listed on the Tehran Stock Exchange from 2015 to 2023. To test the hypotheses, a multivariate regression model using the Generalized Least Squares (GLS) method was employed. Our results indicate that the income diversification strategy improves the market performance of banks. Additionally, voluntary disclosure strengthens the positive relationship between income diversification strategies and the market performance of banks. Our research, for the first time, provides evidence of market performance by addressing income diversification strategy in the banking industry. Our findings indicate that income diversification in banks can be used as an indicator for assessing the proper performance of banks.

Keyword: Income Diversification Strategy, Market Performance, Voluntary Disclosure, Banking Industry.

JEL Classification: M41.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.47944.3289

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (m.parsaei@alzahra.ac.ir).

3. M.Sc. Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. (F_sadat_mohammadi@yahoo.com).

4. M.Sc. Department of Accounting, Faculty of human sciences, Kordestan University, Sanandaj, Iran. (jbabazadeh.h@yahoo.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

The Mediating and Insurance-like Effect of Accounting Conservatism in the Relationship between Reputation and Firm Value¹

Saifuldeen Safouk Rashid², Mehdi Heydari³,
Gholamreza Mansourfar⁴

Received: 2024/07/16
Accepted: 2024/10/26

Research Paper

Abstract

High-reputation firms tend to adopt conservative accounting practices to maintain stakeholder trust and reduce financial risks. This approach not only manages reputation-related risks but also creates an "insurance-like" effect, helping to preserve and enhance the firm's value. In this context, the present study aims to examine the mediating role of accounting conservatism in the relationship between corporate reputation and firm value over the period 2013-2022. The research is applied in nature and quasi-experimental in method, relying on archival data. The hypotheses were tested using a panel data model with fixed effects. The results confirmed a positive and significant relationship between corporate reputation and firm value. Additionally, the findings demonstrated a positive and significant association between corporate reputation and accounting conservatism. Furthermore, accounting conservatism was found to mediate the relationship between corporate reputation and firm value.

Keyword: Insurance-Like Effect of Accounting Conservatism, Reputation, Firm Value.

JEL Classification: M41, M42, G32, L14.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.48026.3292

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Management and Economics, Urmia University, Urmia, Iran. (ssafoukrashid@gmail.com).

3. Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Economics, Urmia University, Urmia, Iran. (Corresponding author). (m.heydari@urmia.ac.ir).

4. Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Economics, Urmia University, Urmia, Iran. (g.mansourfar@urmia.ac.ir).

The Effect of Life Cycle on Financial Statement Comparability by Consideration Moderating Role of the Information Asymmetric¹

Sad Sabah Saleh², Darush Foroghi³, Seyed Abbas Hashemi⁴

Received: 2024/05/19

Accepted: 2024/09/11

Research Paper

Abstract

The purpose of the research is to investigate the effect of different stages of the firms's life cycle on the comparability of financial statements with regard to the role of information asymmetry. The statistical the population of this study are all companies listed in Tehran Stock Exchange, in which 100 companies in the period 2012 to 2023 have been selected by systematic elimination method. For data analysis and hypothesis testing, multivariate regression model based on panel data regression is used. The findings of the research showed that the comparability of financial statements is higher in the maturity stage than in other stages. Also, the findings showed that despite high information asymmetry, firm in the maturity stage are more inclined to present comparable financial statements. The findings of this research provide evidence that firms in the maturity stage are more comparable due to having an efficient accounting system, skilled human resources and strong internal control.

Keyword: Financial Statement Comparability, Life Cycle, Information Asymmetric.

JEL Classification: G32, M41, D42.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.47241.3246

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Isfahan University, Isfahan, Iran. (S.Saleh@ase.ui.ac.ir).

3. Professor, Department of Accounting, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Isfahan University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author). (foroghi@ase.ui.ac.ir).

4. Associate Professor. Department of Accounting, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Isfahan University, Isfahan, Iran. (a.hashemi@ase.ui.ac.ir).

The Effect of Emotional Intelligence Skills on Reduced Audit Quality Behaviors¹

Mohammad Hossein Setayesh², Elias Dehdari³, Mina Sadeghi⁴,
Younes Masoudi⁵

Received: 2024/06/19

Accepted: 2024/09/27

Research Paper

Abstract

The auditor's behaviors during the audit process significantly affect the concerns related to reducing the effectiveness of the collected evidence and the quality of the audit. Understanding this issue can identify potential risks and adjust the auditor's behavior to improve audit quality. Therefore, this article seeks to answer the question of whether emotional intelligence competencies can affect Reduced Audit Quality Behaviors or not. From the perspective of the result of its implementation, the current research is of an applied type, from the perspective of the implementation process, it is part of quantitative research, and from the perspective of the implementation goal, it is descriptive and survey. The tool used in this type of research is a questionnaire. The statistical population of this research consists of partners, managers, and chartered accountants in the employment of auditing institutions that are members of the Iranian Chartered Accountants Society, which according to the website of the Chartered Accountants Society of Iran in 1402 were equal to 416 people, although in the end 204 questionnaires were tested. The results of the research show that optimism, self-awareness, and empathy hurt audit quality-reducing behaviors, and self-management and flexibility do not affect audit quality-reducing behaviors. Therefore, according to the obtained results, it can be stated that emotional intelligence affects reducing the Reduced Audit Quality Behaviors.

Keyword: Emotional Intelligence, Optimism, Self-Awareness, Self-Management, Reduced Audit Quality Behaviors.

JEL Classification: G40, M42.

1. doi: 10.22051/JERA.2024.47477.3262

2. Professor, Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran. (Corresponding Author). (setayesh@shirazu.ac.ir).

3. Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran. (el.dehdari@gmail.com).

4. Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran. (mina_sadeghi96@yahoo.com).

5. Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran. (younes.masoudi@mail.um.ac.ir).

Audit Quality Measurement Criteria from the Users' Point of View¹

Hamidreza Rezaei², Mahdi Moradi³, Mohammad Ali
Bagherpour Valashani⁴, Mehdi Jabbari Nooghabi⁵

Received: 2024/03/15

Accepted: 2024/09/10

Research Paper

Abstract

Due to different definitions and views of audit quality, different criteria are used to measure it, and most of the criteria used refer to one of the dimensions of audit quality and may have errors. In this research, the measurable and accessible criteria for assessing audit quality from the users' point of view have been identified. In order to achieve the goal of the research, 18 members of public accountants, financial managers, investors, and bank facility managers were interviewed, and the foundation data method and thematic analysis were used to collect, classify and analyze the collected data. Interviews, criteria were classified into four main categories of platforms (characteristics of the owner's company), input factors (characteristics of the audit firm), processes and results. The number of main categories presented for the desired classifications was presented in total 8 categories and 67 sub-categories and measurable indicators were proposed for the main categories. Also, after presenting the main, sub-categories and indicators, the impact of each indicator on audit quality was also presented by the interviewees. Most of the interviewees talked about the impact of the characteristics of the employer's environment on the quality of the audit, which unfortunately has been neglected to measure the quality of the audit. Also, the indicators proposed by the interviewees, unlike most of the indicators proposed in the researches of this field, were specific to each audit work and change with the change of the company without changing the audit and are no longer specific to the characteristics of the auditor and with the information available to most users. It can be measured.

Keyword: Audit Quality, Audit Quality Indicators, Foundation Data Method and Thematic Analysis.

JEL Classification: M42.

1. doi: 10.22051/jera.2024.46713.3222

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. (hr.rezaei@mail.um.ac.ir).

3. Professor, Department of Accounting, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author). (mhd_moradi@um.ac.ir).

4. Associate Professor, Department of Accounting, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. (bagherpour@um.ac.ir).

5. Associate Professor, Department of Statistics, Faculty of Mathematical Sciences, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. (jabbarinm@um.ac.ir).

Content

Title	Authors	Page
Audit Quality Measurement Criteria from the Users' Point of View	Hamidreza Rezaei Mahdi Moradi Mohammad Ali Baghapour Valashani Mehdi Jabbari Nooghabi	1-30
The Effect of Emotional Intelligence Skills on Reduced Audit Quality Behaviors	Mohammad Hossein Setayesh Elias Dehdari Mina Sadeghi Younes Masoudi	31-48
The Effect of Life Cycle on Financial Statement Comparability by Consideration Moderating Role of the Information Asymmetric	Sad Sabah Saleh Darush Foroghi Seyed Abbas Hashemi	49-72
The Mediating and Insurance-like Effect of Accounting Conservatism in the Relationship between Reputation and Firm Value	Saifuldeen Safouk Rashid Mehdi Heydari Gholamreza Mansourfar	73-98
Income Diversification Strategy and Market Performance :The Moderating Role of Voluntary Disclosure in Iran's Banking Industry	Mona Parsaei Fereshteh Sadat Mohammadi Jafar Babazadeh Hashin	99-122
Economic Uncertainty Related to the Future and Accounting Conservatism	Mohammadreza Shafiei Ronizi Mojtaba Safipour Afshar Ahmad Khodami pour	123-148
Corporate Characteristics Determining Sustainability Reporting	Sahar Yousefizadeh Hossein Fakhari	149-184
The Effect of Cash Flow Volatility on the Incentives for Cash Holdings: The Moderating Role of COVID-19 Pandemic	Peyman Amini Abbas Aflatooni Mohammad KarimiKahvand	185-208
Comparison of the Effect of Flipped Classroom and Quantum Teaching Methods with the Traditional Method on the Performance of Accounting Principles Students (1)	Hossein Esmailkhani Mahmoud Moenaddin Forough Heyrani	209-226
The Phenomenological Approach of Structural Transformation Paradigms in the Accounting Profession: The Consequence Based on Accounting Profession Legitimacy	Mehdi Gharaeepour Mohammad Reza Abdoli Maryam Shahri Hasan Valiyan	227-280

Licence Holder: Alzahra University

Director: Hoseini, Seyed Ali (Associate Prof. Alzahra University)

Editor in chief: Rahmani, Ali (Professor, Alzahra University)

Executive Manager: Amirykhah, Azam

Scientific and Literally Editor: Bashirimanesh, Nazanin

English Editor: Rezaei, Ali

Lay Out Editor: Hasanzadeh Aliabadi, Marzieh

Print and Binding: Ramtin Publishing

Editorial Board

Pourheidari, Omid, Proffessor of Baahonar University

Pourjalali Hamid, Professor of Hawaii University, The USA

Hejazi, Rezvan, Professor of Alzahra University

Rahmani, Ali, Professor of Alzahra University

Rezaee Zabihollah, Proffessor of Memphis University, The USA

Sajadi, Hosein, Proffessor of Shahid Beheshti University

Soleimani Amiri, Gholamreza, Associate Proffessor of Alzahra University

Mashayekhi, Bita, Associate Proffessor Tehran University

Mehrani, Sasan, Associate Proffessor of Tehran University

Homayoun Saeid, Associate Professor of Gavle University, Swed

Yazdifar Hassan, Professor of Salford University Business School, The UK

Address: Alzahra University, Vanak, Tehran, Iran. P. O Box. 1993891176

Tel & Fax: (+9821) 88212578

Website: <http://journals.alzahra.ac.ir/jera>

Email: jera@alzahra.ac.ir

This journal is published in collaboration with the Iran Management Accounting Association.

In the Name of God



Alzahra university

Quarterly Journal of

Empirical Research in Accounting
“Scientific Journal”

Winter 2024, Vol 14, Number 54